



آریا بهرام  
بزرگان دانشمند ایران در طول تاریخ





فهرست صفحه 4  
پیش گفتار صفحه 7

### بزرگان دانشمند ایران در طول تاریخ

- ابن سینا 10
- ابوالفضل بیهقی 26
- ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی 27
- ابوالقاسم گرجی 28
- ابوالوفاء محمد بوزجانی 31
- ابوحنیفه دینوری 33
- ابوریحان بیرونی 35
- ابوزید بلخی 41
- ابوسعید ابوالخیر 42
- ابوعبد الله محمد بن موسی الخوارزمی 47
- ابوموسی جابر بن حیان 58
- ابونصر فارابی 62
- احسان الله یارشاطر 68
- اردشیر حسین پور 73
- اسماعیل جرجانی 76
- امین شکراللهی 77
- ایمان ده بزرگی 78
- بابک حسینی 81
- بایزید بسطامی 82
- بهاءالدین مروزی 88
- بهاءالدین ولد (محمد بن حسین خطیبی بکری) 89
- بهروز برومند 94
- بهزاد رضوی 96
- بیژن اعرابی 98
- بیژن داوری 99
- پرویز (پیر) امیدیار 101
- پرویز معین 103
- تورج اتابکی 104
- توفیق موسیوند 106
- جواد صالحی 108
- حسین اسلامبولچی 111
- حسین سیف زاده 114
- حسین منصور حلاج 120
- حسین میرشمسی 128
- حسین نصر 128
- حمید برنجی 138
- حمید مولانا 142
- خواجه نصیرالدین توسی 144
- داریوش رضایی نژاد 152
- زکریای رازی 153
- زوبین قهرمانی 161
- شرف الزمان ایلاقی 162
- شهاب الدین سهروردی 163
- شهریار صدیق افشار 169
- صادق نظام مافی 170

- عباس عدالت 171  
 عباس علوی 172  
 عبدالرزاق سمرقندی 173  
 علی اصغر خدا دوست 173  
 علی اکبر جلالی 174  
 علی جوان 175  
 علی حاجی میری 179  
 علی رضا ربیع 181  
 علی رضا مشاقي 184  
 علی گرجی 185  
 علی ملک حسینی 187  
 عَمَر خَیّام 189  
 غلام علی پیمان 202  
 غیاث الدین جمشید کاشانی 203  
 فرخ سعیدی 208  
 فرزاد ناظم 209  
 فرهاد اردلان 210  
 فریدون شهیدی 211  
 فریدون عباسی دوانی 212  
 فیروز نادری 215  
 قاسم اسرار 217  
 کارو لوکاس 218  
 کامران تلطف 223  
 کامران وفا 225  
 کاوه پهلوان 227  
 کمال الدین جناب 228  
 لطفی علی عسکرزاده 230  
 مجید حسنی زاده 233  
 مجید سمیعی 236  
 مجید شهریار 240  
 محسن فخری زاده مهابادی 242  
 محسن مصطفوی 250  
 محمد جمشیدی 252  
 محمد رضا حافظ نیا 254  
 محمد شاهیده پور 259  
 محمد نبی سربلوکی 260  
 محمد هاشم پسران 261  
 محمود بهزاد 263  
 محمود حسابی 267  
 مسعود علی محمدی 272  
 مصطفی احمدی روشن 277  
 مصطفی رونقی 280  
 مهدی بهادری نژاد 280  
 مهران کاردار 282  
 میرداماد 284  
 نادر انقطاع 286  
 نریمان بهروش 288  
 یحیی رحمت سمیعی 289

هنگامی که ما در دبستان و دبیرستان درس میخواندیم با نام بسیاری از بزرگان ادب و شعر و هنر و آثار آنها آشنا شدیم.

من همیشه در آن زمان (1360) بدنبال کتاب هایی می گشتم که نام همه این بزرگان را با مطالبی در باره آنها و آثارشان داشته باشد ولی پیدا نکردم.

هنگامی که برای تحصیلات به فرانسه رفتم و در پاریس در کتاب فروشیها گردش میکردم از این گونه کتابها را میدیدم. مدتی علاقه داشتم تا بدانم آنها در باره نویسندگان و ادبا و هنرمندان و بزرگان تاریخی ایران چه میدانند و متأسفانه متوجه شدم آنها بسیار کم میدانم و نه تنها فرانسویها بلکه در کشورهای دیگر اروپا نیز کم میدانند؛ درست است اینجا و آنجا کتابی از این و آن هست (فردوسی، حافظ، سعدی، صادق هدایت و ...) ولی اینکه به گونه منظم مانند اروپا که نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و دیگران را حتی از لحاظ تاریخی گروه بندی کرده و به دنیا می‌شناسانند ما در ایران نکرده ایم. به خود می گفتم اگر روزی وقتی و حوصله ای داشتم حتماً این گرد آوری را در رشته های مختلف به زبانهای مختلف میکنم و به هم میهنان خود و بیگانه های علاقمند به فرهنگ ایران تقدیم حوالم کرد. خدا را سپاس که عمری و حوصله ای داد و مجموعه بزرگان ایران را گردآوری کردم. این مجموعه شامل این کتابها میشود :

1 ادبا و خوش نویسان بزرگ ایران در طول تاریخ

2 دانشمندان بزرگ ایران در طول تاریخ

3 سیاسیون و سرداران جنگی بزرگ ایران در طول تاریخ

4 شاعران بزرگ ایران در طول تاریخ

5 موسیقی نوازان بزرگ ایران در طول تاریخ

6 مجسمه سازان بزرگ ایران در طول تاریخ

7 نقاشان بزرگ ایران در طول تاریخ

8 نویسندگان بزرگ ایران در طول تاریخ

از آنجایی که میخواستم آن مشکلی را که من در جوانی برای پیدا کردن و با نداشتن پول کافی برای خرید این چنین کتابهایی داشتم دیگر جوانان هم وطن من نداشته باشند این کتابها را با فرم PDF در سایت اینترنتی خود به رایگان قرار دادم تا آنهایی که میخواهند آن را به صورت کتاب در آورند. وظیف دولت :

1 ایجاد یک سازمان به نام "سازمان روابط فرهنگی جهان و ایران" می باشد.

2 در این سازمان کتابهای بالا به زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی و اسپانیایی و ایتالیایی ، روسی و چینی و هندی و پرتغالی و عربی نیز ترجمه میشوند

3 تمامی آثار این بزرگان (کتابها ، اشعار، نقاشیها و ...) به ده زبان بالا ترجمه شوند

4 برای ترجمه این کارها به گونه ای سریع میتوان از فارغ التحصیلان دانشجویان خارجی زبان و ادبیات فارسی یا از فارغ التحصیلان دانشجویان ایرانی در یکی از این زبانها بهره جست.

5 میتوان به گونه ای دیگر نیز سریعاً این کار را کرد : نخست این کتابها را به انگلیسی ترجمه کرد و متخصصان زبان انگلیسی در کشورهای مختلف آثار این بزرگان را از انگلیسی به زبانهای مادری خود ترجمه کنند ( عربی ، روسی ، چینی ، ... )

6 ایجاد کتابخانه ای از آثار تمام این بزرگان به ده زبان بزرگ دنیا برای دانشجویان ایرانی و خارجی.

بسیار بسیار جای تاسف است که مردم کشورهای دنیا غافل از فرهنگ غنی کشور ما ایران باشند. نفوذ فرهنگی ایران نفوذ ایران را در بخشهای سیاسی و اقتصادی نیز به همراه می آورد. تنها کسانی که گذشته خود را می شناسند میتوانند آینده خوبی داشته باشند .

آریا بهرام



ابن سینا



نگاره کنده‌کاری شده در چوب در «پرنسپ این سینا»  
ونیز سال ۱۵۲۰

زادروز ۳۷۰ قمری

۱ شهریور ۳۵۹  
بخارا پایتخت سامانیان

درگذشت جمعه ۱ رمضان ۴۲۸ قمری (۲ تیر ۴۱۶)  
در سن ۵۶-۵۷ سالگی  
همدان

محل زندگی فرارود، خراسان، گرگان، ری و همدان

نام‌های ابوعلی سینا، پور سینا  
دیگر

پیشه فیلسوف، دانشمند و حکیم

سال‌های فعالیت  
اواخر سده چهارم و اوایل سده پنجم قمری

|                |                                                                    |
|----------------|--------------------------------------------------------------------|
| نقش‌های برجسته | بزرگ‌ترین فیلسوف مشایی و پزشک نامدار ایران در جهان اسلام           |
| لقب            | شیخ‌الرئیس؛ شرف‌الملک، حجت‌الحق شاهزاده اطبا                       |
| دوره           | اواخر سامانیان و اوایل غزنویان                                     |
| مذهب           | شیعه اسماعیلی                                                      |
| منصب           | وزارت                                                              |
| مکتب           | فلسفه مشایی                                                        |
| آثار           | کتاب شفا، قانون، دانشنامه علایی و رساله‌های بسیاری به عربی و فارسی |
| همسر           | یاسمین                                                             |
| والدین         | عبدالله و ستاره                                                    |

ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا، مشهور به ابوعلی سینا و ابن سینا و پور سینا که در غرب از او تحت عنوان آوی سینا (به انگلیسی: Avicenna) نیز یاد می‌شود (زاده ۳۵۹ ه. خ. در بخارا - درگذشته ۲ تیر ۴۱۶ در همدان، ۹۸۰-۱۰۳۷ میلادی)، پزشک و شاعر ایرانی و از مشهورترین و تاثیرگذارترین فیلسوفان و دانشمندان ایران زمین است که به ویژه به دلیل آثارش در زمینه فلسفه ارسطویی و پزشکی اهمیت دارد. وی نویسنده کتاب شفا یک دانشنامه علمی و فلسفی جامع است و القانون فی الطب یکی از معروف‌ترین آثار تاریخ پزشکی است.

وی ۴۵۰ کتاب در زمینه‌های گوناگون نوشته‌است که شمار زیادی از آن‌ها در مورد پزشکی و فلسفه است. جرج سارتن در کتاب تاریخ علم وی را یکی از بزرگترین اندیشمندان و دانشمندان پزشکی می‌داند. همچنین وی او را مشهورترین دانشمند دیار ایران می‌داند که یکی از معروف‌ترین‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها و نژادها است. کتاب قانون ابن سینا در پزشکی به سال ۱۹۷۳ در شهر نیویورک ایالات متحده آمریکا تجدید چاپ گردیده است. آرامگاه ابوعلی سینا در میدان بوعلی سینا در مرکز شهر همدان واقع شده‌است.

در اکثر نظرسنجی‌های برجسته‌ترین فیلسوفان تمام تاریخ، ابن سینا در جمع ده فیلسوف بزرگ همه‌ی ادوار جهان قرار دارد

## زندگی



مجسمه ابن سینا، مشهورترین دانشمند ایرانی در جهان اسلام، در مقابل بیمارستان عرفان در سعادت آباد، منطقه ۲ تهران

ابن سینا در روستای افشانه نزدیک بخارا (در ازبکستان کنونی و ایران بزرگ در قرن پنجم هجری قمری) متولد شد. زبان مادری اش فارسی بود. پدرش که از صاحب منصبان در حکومت سامانی بود وی را به مدرسه بخارا فرستاد تا در آنجا به خوبی تحصیل کند. پدر و برادر ابن سینا مجذوب تبلیغات اسماعیلیه شده بودند، اما ابن سینا از آن دو تبعیت نکرد. وی حافظه و هوشی خارق العاده داشت. به طوری که در ۱۴ سالگی از معلمان خود پیشی گرفت.

او علم منطق را از استادش ابو عبدالله ناتلی آموخت. او کسی را نداشت که از وی علوم طبیعی یا داروسازی را فرا بگیرد و پزشکان مشهور از دستورالعمل های او تبعیت می کردند. البته وی در فراگیری علم ماوراءالطبیعه ارسطو دچار مشکل شد که تنها به کمک اغراض مابعدالطبیعه فارابی توانست آن را بفهمد. او امیر خراسان را از یک بیماری سخت نجات داد. امیر خراسان در ازای این کار اجازه داد که ابن سینا از کتابخانه باشکوه مخصوص شاهزادگان سامانی استفاده کند. در سن ۱۸ سالگی، ابن سینا بر بسیاری از علومی که بعدها شناخته شدند، تسلط یافت. پیشرفتهای بعدی وی، مرهون استدلالهای شخصی وی بود.

بخشی از زندگی نامه او به گفته خودش به نقل از شاگردش ابو عبید جوزجانی بدین شرح است:

پدرم عبدالله از مردم بلخ بود در روزگار نوح پسر منصور سامانی به بخارا درآمد. بخارا در آن عهد از شهرهای بزرگ بود. پدرم کار دیوانی پیشه کرد و در روستای خرمیش به کار گماشته شد. به نزدیکی آن روستا، روستای افشانه بود. در آنجا پدر من، مادرم را به همسری برگزید و وی را به عقد خویش درآورد. نام مادرم ستاره بود من در ماه صفر سال ۳۷۰ از مادر زاده شدم. نام مرا حسین گذاشتند چندی بعد پدرم به بخارا نقل مکان کرد در آنجا بود که مرا به آموزگاران سپرد تا قرآن و ادب بیاموزم.

دهمین سال عمر خود را به پایان می بردم که در قرآن و ادب تبحر پیدا کردم آن چنان که آموزگارانم از دانسته های من شگفتی می نمودند. در آن هنگام مردی به نام ابو عبدالله به بخارا آمد او از دانش های روزگار خود چیزهایی می دانست پدرم او را به خانه آورد تا شاید بتوانم از وی دانش بیشتری بیاموزم. وقتی که ناتلی به خانه ما آمد، من نزد آموزگاری به نام اسماعیل زاهد، فقه می آموختم و بهترین شاگرد او بودم و در بحث و جدل که شیوه دانشمندان آن زمان بود تخصصی داشتم.

ناتلی به من منطق و هندسه آموخت و چون مرا در دانش اندوزی بسیار توانا دید به پدرم سفارش کرد که مبادا مرا جز به کسب علم به کاری دیگر وادار سازد و به من نیز تأکید کرد جز دانش آموزی شغل دیگر برنگزینم. من اندیشه خود را بدانچه ناتلی می گفت می گماشتم و در ذهنم به بررسی آن می پرداختم و آن را روشن تر و بهتر از آنچه استادم بود فرامی گرفتم تا اینکه منطق را نزد او به پایان رسانیدم و در

این فن بر استاد خود برتری یافتم. چون ناتلی از بخارا رفت من به تحقیق و مطالعه در علم الهی و طبیعی پرداختم.

اندکی بعد رغبتی در فراگرفتن علم طب در من پدیدار گشت. آنچه را پزشکان قدیم نوشته بودند همه را به دقت خواندم، چون علم طب از علوم مشکل به شمار نمی رفت در کوتاهترین زمان در این رشته موفقیت‌های بزرگ بدست آوردم تا آنجا که دانشمندان بزرگ علم طب به من روی آوردند و در نزد من به تحصیل اشتغال ورزیدند. من بیماران را درمان می‌کردم و در همان حال از علوم دیگر نیز غافل نبودم. منطق و فلسفه را دوباره به مطالعه گرفتم و به فلسفه بیشتر پرداختم و یک سال و نیم در این کار وقت صرف کردم. در این مدت کمتر شبی سپری شد که به بیداری نگذرانده باشم و کمتر روزی گذشت که جز به مطالعه به کار دیگری دست زده باشم.

بعد از آن به الهیات رو آوردم و به مطالعه کتاب ما بعد الطبیعه ارسطو اشتغال ورزیدم ولی چیزی از آن نمی‌فهمیدم و غرض مؤلف را از آن سخنان در نمی‌یافتم از این رو دوباره از سر خواندم و چهل بار تکرار کردم چنان‌که مطالب آن را حفظ کرده بودم اما به حقیقت آن پی نبرده‌بودم. چهره مقصود در حجاب ابهام بود و من از خویشتن ناامید می‌شدم و می‌گفتم مرا در این دانش راهی نیست... یک روز عصر از بازار کتاب فروشان می‌گذشتم کتاب فروش دوره گردی کتابی را در دست داشت و به دنبال خریدار می‌گشت به من الحاح کرد که آن را بخرم من آن را خریدم،

اغراض مابعدالطبیعه نوشته ابو نصر فارابی!!

هنگامی که به در خانه رسیدم بی‌درنگ به خواندن آن پرداختم و به حقیقت مابعدالطبیعه که همه آن را از بر داشتم پی بردم و دشواری‌های آن بر من آسان گشت. از توفیق بزرگی که نصیبم شده بود بسیار شادمان شدم. فردای آن روز برای سپاس خداوند که در حل این مشکل مرا یاری فرمود. صدقه فراوان به درماندگان دادم. در این موقع سال ۳۸۷ بود و تازه ۱۷ سالگی را پشت سر نهاده بودم.

وقتی من وارد سال ۱۸ زندگی خود می‌شدم نوح پسر منصور سخت بیمار شد، اطباء از درمان وی درماندند و چون من در پزشکی آوازه و نام یافته بودم مرا به درگاه بردند و از نوح خواستند تا مرا به بالین خود فرا خواند. من نوح را درمان کردم و اجازه یافتم تا در کتابخانه او به مطالعه پردازم. کتابهای بسیاری در آنجا دیدم که اغلب مردم حتی نام آنها را نمی‌دانستند و من هم تا آن روز ندیده بودم. از مطالعه آنها بسیار سود جستم. چندی پس از این ایام پدرم در گذشت و روزگار احوال مرا دگرگون ساخت من از بخارا به گرگانج خوارزم رفتم. چندی در آن دیار به عزت روزگار گذراندم نزد فرمانروای آنجا قربت پیدا کردم و به تألیف چند کتاب در آن شهر توفیق یافتم پیش از آن در بخارا نیز کتاب‌هایی نوشته بودم.

در این هنگام اوضاع جهان دگرگون شده بود ناچار من از گرگانج بیرون آمدم مدتی همچون آواره‌ای در شهرها می‌گشتم تا به گرگان رسیدم و از آنجا به دهستان رفتم و دوباره به گرگان بازگشتم و مدتی در آن شهر ماندم و کتابهایی تصنیف کردم. ابو عبید جوزجانی در گرگان به نزد آمد.

ابو عبید جوزجانی گوید: این بود آنچه استادم از سرگذشت خود برایم حکایت کرد. چون من به خدمت او پیوستم تا پایان حیات با او بودم. بسیار چیزها از او فرا گرفتم و بسیاری از کتابهای او را تحریر کردم استادم پس از مدتی به ری رفت و به خدمت مجدالدوله از فرمانروایان دیلمی درآمد و وی را که به بیماری سودا دچار شده بود درمان کرد و از آنجا به قزوین و از قزوین به همدان رفت و مدتی دراز در این شهر ماند و در همین شهر بود که استادم به وزارت شمس‌الدوله دیلمی فرمانروای همدان رسید.

در همین اوقات استادم کتاب قانون را نوشت و تألیف کتاب عظیم شفا را به خواهش من آغاز کرد. چون شمس‌الدوله از جهان رفت و پسرش جانشین وی گردید استاد وزارت او را نپذیرفت و چندی بعد به او اتهام بستند که با فرمانروای اصفهان مکاتبه دارد و به همین دلیل به زندان گرفتار آمد ۴ ماه در زندان بسر برد و در زندان ۳ کتاب به رشته تحریر درآورد. پس از رهایی از زندان مدتی در همدان

بود تا با جامه درویشان پنهانی از همدان بیرون رفت و به سوی اصفهان رهسپار گردید. من و برادرش و دو تن دیگر با وی همراه بودیم. پس از آنکه سختیهای بسیار کشیدیم به اصفهان در آمدیم.

علاءالدوله فرمانروای اصفهان استادم را به گرمی پذیرفت و مقدم او را بسیار گرامی داشت و در سفر و حضر و به هنگام جنگ و صلح استاد را همراه و همنشین خود ساخت. استاد در این شهر کتاب شفاء را تکمیل کرد و به سال ۴۲۸ در سفری که به همراهی علاءالدوله به همدان می‌رفت، بیمار شد و در آن شهر در گذشت و به خاک سپرده شد. او با روش‌های متفکرانه بیماران را درمان می‌کرد.

#### مهاجرت از گرگانج به گرگان (۴۰۳-۴۰۲ هجری / ۱۰۱۳-۱۰۱۲ میلادی)

ابن سینا در ۴۰۲ هجری گرگانج را به مقصد گرگان ترک نمود تا دوستش کاووس بن وشمگیر دیلمی از آل زیار را ملاقات کند. در این راه، ابن سینا به طرف خراسان رفت و از شهرهای نسا، ابورد، طوس، سمنگان، جاجرم گذشت و به گرگان رسید. اما در این اثنا (در زمستان ۴۰۳ هجری/ژانویه و مارس ۱۰۱۳ میلادی) قابوس درگذشت. گرچه در شرح حال ابن سینا به زبان خودش، دلیلی بر این موضوع نیامده، اما می‌توان علت مرگ قابوس را مسائل سیاسی دانست. ابن سینا در طی این سفر به نظر نمی‌رسد که در شهری توقف کرده باشد. ابن سینا مدت کوتاهی در گرگان در خانه یکی از دوستان صمیمی اش اقامت نمود و در آنجا جوجانی را ملاقات نموده و در خدمت منوچهر بن کاووس بود.

#### در ری (۴۰۵-۴۰۴ هجری / ۱۰۱۵-۱۰۱۴ میلادی)

ابن سینا از گرگان به ری مهاجرت کرد و در دستگاه حکومتی حاکم آل بویه مجدالدوله رستم وارد شد. مادر مجدالدوله سیده، دستی پشت پرده در تصمیم‌گیریهای حکومتی بود. ابن سینا با مهارتی که در پزشکی داشت، از نخبگان سیاسی که به مجدالدوله مشاوره می‌دادند پیشی گرفت و به وی نزدیک تر شد. ابن سینا مجدالدوله را که مبتلا به مالیخولیا شده بود را مداوا نمود.

#### در همدان (۴۱۵-۴۰۵ هجری / ۱۰۲۴-۱۰۱۵ میلادی)

ابن سینا در ری بود تا شمس‌الدوله حاکم آل بویه (برادر مجدالدوله) در ذی‌قعدة ۴۰۵ ه.ق. / آوریل ۱۰۱۵ م. به آنجا حمله کرد. ابن سینا به دلایل نامعلوم به قزوین مهاجرت کرده و سپس وارد همدان گردید. وی سپس برای معالجه شمس‌الدوله احضار گردید و به اجبار وزیر وی شد و تا مرگ شمس‌الدوله در ۴۱۲ ه.ق. / ۱۰۲۱ م. در این سمت باقی ماند. یک بار در این دوران ابن سینا با لشکریان امیر درگیر شد. پس از مرگ شمس‌الدوله، سماء‌الدوله روی کار آمد و از ابن سینا خواست تا در مقامش باقی بماند. اما ابن سینا تمایلی به این موضوع نداشت و در انتظار فرصتی برای ترک آن دیار بود.

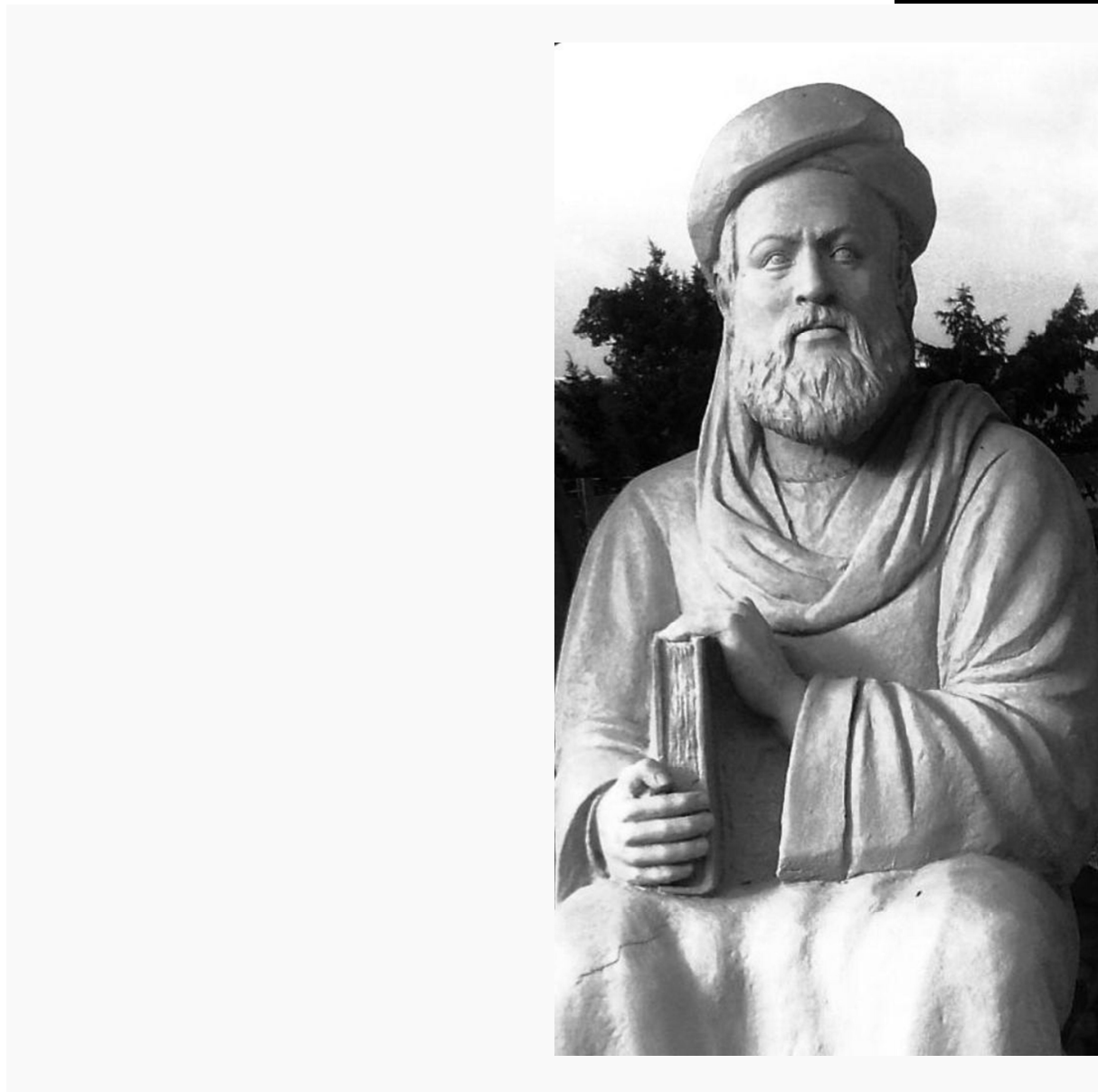
او مخفیانه با علاءالدوله حاکم آل کاکویه مکاتبه کرد که دیوان آل بویه در همدان و مخصوصاً تاج‌الملک ابونصر ابراهیم بن بهرام کوهی وزیر کرد آل بویه به وی ظنین گردیده، به اتهام خیانت در قلعه‌ای در فرجان ابن سینا را زندانی کردند. ابن سینا ۴ ماه زندانی بود تا اینکه علاءالدوله به همدان تاخت و سلطنت سماء‌الدوله را پایان داد و ابن سینا از زندان آزاد شد. علاءالدوله به ابن سینا پیشنهاد منصبی در همدان را داد که نپذیرفت. چندی بعد ابن سینا تصمیم به مهاجرت به اصفهان گرفت و در لباس صوفیان به همراه برادرش، ابوعبید جوجانی و دو برده به آنجا رفت.

#### در اصفهان (۴۲۸-۴۱۵ هجری / ۱۰۲۴-۱۰۳۷ میلادی)

علاءالدوله، ابن سینا را با عزت و احترام پذیرفت و ابن سینا در اصفهان سکنی گزید و سالهای پایانی عمرش را در خدمت وی گذراند و در اکثر سفرها با وی همراه بود. در یکی از این سفرها به همدان در سال ۴۲۸ هجری، ابن سینا مبتلا به قولنج شد که دائماً به آن مبتلا می‌گشت و در اثر آن درگذشت و در همدان به خاک سپرده شد و آرامگاه بوعلی‌سینا هم اکنون در این شهر قرار دارد.

ابن سینا و ازدواج

در منابع تاریخی ما هیچ گزارش جدی درباره ازدواج ابن سینا مطرح نشده است، جز این که برخی گفته اند با دختری به نام یاسمین که کنیز فراری خلیفه بغداد بود، ازدواج کرد، که آن هم دیری نپایید.

علت مرگ ابن سینا

مستندترین گزارش از علت مرگ ابن سینا مربوط به ابو عبید جوزجانی شاگرد اوست که تا پایان عمر همراه او بود:

«زیاده روی در شهوات سرانجام جسم نیرومند شیخ را فرسوده کرد. هنگامی که علاءالدوله با تاش فراش می جنگید و ابن سینا همراه وی بود، بیماری قولنج گریبان شیخ را گرفت. شیخ از ترس آن که مبادا در هنگام کارزار و فرار امیر زمین گیر شود و از همگامی با او بازماند، در یک روز هشت بار دستور تنقیه داد که در اثر زیاده روی روده هایش زخم شد. چون در کار درمان ورزیده بود، خویشتن را به داروهای مناسب اندکی بهبود بخشید اما علل گشت زیرا از غذا پرهیز نمی کرد و از هم نشینی با زنان دست بردار نبود. در نتیجه، بیماری قولنج وی گاهی زور آور می شد و زمانی تسکین می یافت تا آن هنگام که در رکاب علاءالدوله به سوی همدان رهسپار گردید.

در این سفر، بیماری شیخ به شدت گرایید و چون به همدان رسید، دانست که نیروی جسمانی خود را چنان از دست داده که دیگر از غذا و دارو کاری ساخته نیست. از این رو از درمان خویش دست کشید و گفت: «مُتَبَرِّ تَن مَن، از تدبیر فرومانده و درمان بی‌فایده است».

چند روزی بر این حال بود تا دیده از جهان فرو بست. جسمش را در همدان به خاک سپردند. در آن هنگام پنجاه و هشت ساله بود»

### اخلاق و صفات

ابن سینا از حیث نیروی جسمانی، مردی نیرومند بود و به همین خاطر از کار کردن احساس خستگی نمی‌کرد. او با داشتن این نیروی فراوان جسمی می‌توانست از پس کار وزارت فرمانروایان برآید و همیشه چه در سفر و چه در نبرد همراه آنان باشد و علاوه بر این به کار دانش و نوشتن نیز بپردازد. می‌گویند که او شبها تا دیرگاه به نوشتن کتاب و رساله می‌پرداخت و در این کار افراط می‌کرد. ابن سینا از لحاظ نیروی ذهنی و تفکر نیز بسیار نیرومند بود. اینکه او در هجده سالگی توانست تمامی دانش‌های زمان خود را فراگیرد خود نشانگر نیروی ذهنی اوست. نکته منفی در اخلاق ابن سینا گفتار تند او نسبت به دانشمندان هم دوره خود و حتی به گذشتگانی مانند افلاطون و زکریای رازی بود.

### ابن سینا فیلسوف

ابن سینا بسیار تابع فلسفه ارسطو بود و از این نظر به استادش فارابی شباهت دارد. مبحث منطق و نفس در آثار او در واقع همان مبحث منطق و نفس ارسطو و شارحان او نظیر اسکندر افرویدیسی و تامیسطیوس است. اما ابن سینا هرچه به اواخر عمر نزدیک می‌شد، بیشتر از ارسطو فاصله می‌گرفت و به افلاطون و فلوطین و عرفان نزدیک می‌شد. داستان‌های تمثیلی او و نیز کتاب پرحم منطق المشرقیین که اواخر عمر تحریر کرده بود، شاهد این مدعاست. متأسفانه امروزه از این کتاب تنها مقدمه‌اش در دست است. اما حتی در همین مقدمه نیز ابن سینا به انکار آثار دوران ارسطویی خویش مانند شفا و نجات می‌پردازد.

### آثار ابن سینا



به دلیل آنکه در آن عصر، عربی زبان رایج آثار علمی بود، ابن سینا و سایر دانشمندان ایران زمین که در آن روزگار می‌زیستند کتاب‌های خود را به زبان عربی نوشتند. بعدها بعضی از این آثار به زبان‌های دیگر از جمله فارسی ترجمه شد. از جمله اثر قانون در طب که توسط عبدالرحمن شرفکندی به زبان فارسی ترجمه شده است.

### برابریابی برای واژه‌های عربی و واژه‌سازی از سوی ابن سینا

افزون بر این، ابن سینا در ادبیات فارسی نیز دستی قوی داشته است. بیش از ۲۰ اثر فارسی به او منسوب است که از میان آن‌ها، بی گمان «دانشنامه علائی» و «رگ شناسی» (رساله نبض) از نوشته‌های او است. آثار فارسی ابن سینا، مانند سایر نثرهای علمی زمان وی، با رعایت ایجاز و اختصار کامل نوشته شده است. ابن سینا برای بیان مفاهیم نو به فارسی در آثار خود دست به واژه‌سازی زده است.

برپایه پژوهشهای دکتر محمد معین و سیدمحمد مشکات، شمار واژگان آفریده ابن سینا در دانشنامه علائی و رگ‌شناسی ۱۰۳۹ واژه است. برخی واژه‌های آفریده ابن سینا در این دو اثر سترگ چنین هستند:

بُرنش به جای قطع (که در ریاضی و اندازه به کار می‌رفت)،

پذیرا به جای قابل (در فلسفه)،

روان به جای نفس،

سربه سر به جای مساوی،

کرده به جای مفعول،

گها به جای فاعل،

گداخته به جای مایع،

مایگی به جای مادیت،

نهاد به جای وضع،

یکی‌ایی به جای وحدت،

افکندن گمان به جای تولید شک،

ایستادگی به خودی خود به جای قائم‌الذات بودن،

بالش (نمو، از بن واژه بالیدن)،

بسنناکی به جای انجماد،

بهره‌پذیر به جای قابل قسمت،

بی‌گسستگی به جای لاینقطع،

پیداگر، پیوندپذیر، جان سخن‌گویا به جای نفس ناطقه،

جُنَبایی به جای حرکت،

جنبش‌دار، جنبش راست به جای حرکت مستقیم،

جنبش گرد به جای حرکت مستدیر،

چه‌چیزی به جای ماهیت،

دیرجنب، رایش به جای علم ریاضی،

روشن سرشتی، زایش ده به جای مولد،  
 زفر زیرین به جای فکِ اعلی،  
 زفر زیرین به جای فکِ اسفل،  
 شاید بود به جای امکان،  
 گوهر روینده به جای جوهر نامی،  
 نادیداری به جای باطنی،  
 هر آینگی بودن به جای وجوب،  
 حدّ کهن، حدّ مهین، حدّ میانگین، علم ترازو به جای علم منطق،  
 علم سپس طبیعت به جای علم مابعدالطبیعه،  
 نبض درنگی، نبض دمام،  
 نبض ستبر، نبض لرزنده.

### نوشته‌ها

آثار فراوانی از ابن سینا به جا مانده و یا به او نسبت داده شده که فهرست جامعی از آن‌ها در فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا آورده شده است. این فهرست شامل ۱۳۱ نوشته اصیل از ابن سینا و ۱۱۱ اثر منسوب به او است.

از مصنفات اوست:

کتاب المجموع در یک جلد،  
 کتاب الحاصل و المحصول در بیست جلد،  
 کتاب البرّ و الاثم، در دو جلد،  
 کتاب الشفاء، در هجده جلد،  
 کتاب القانون فی الطب، در هجده جلد،  
 کتاب الارصاد الکلیه، در یک جلد،  
 کتاب الانصاف، در بیست جلد،  
 کتاب النجاه، در سه جلد،  
 کتاب الهدایه، در یک جلد،  
 کتاب الاشارات، در یک جلد،  
 کتاب المختصر الاوسط، در یک جلد،  
 کتاب العلائی، در یک جلد،  
 کتاب القولنج، در یک جلد،  
 کتاب لسان العرب فی اللغة، در ده جلد،  
 کتاب الادویه القلییه، در یک جلد،  
 کتاب الموجز، در یک جلد،  
 کتاب بعض الحکمة المشرقیه، در یک جلد،

کتاب بیان ذوات الجہہ، در یک جلد،  
 کتاب المعاد، در یک جلد،  
 کتاب المبدأ و المعاد، در یک جلد.  
 و رسالہ‌های او عبارتند از:  
 رسالة القضاء و القدر،  
 رسالة فی الآلة الرصدیہ،  
 رسالة عرض قاطیغوریاس،  
 رسالة المنطق بالشعر،  
 قصائد فی العظة و الحکمہ،  
 رسالة فی نعوت المواضع الجدلیہ،  
 رسالة فی اختصار اقلیدس،  
 رسالة فی مختصر النبض ، رسالة فی الحدود،  
 رسالة فی الاجرام السماویة ، کتاب الاشارة فی علم المنطق،  
 کتاب اقسام الحکمہ ، کتاب النہایہ ،  
 کتاب عهد کتبہ لنفسہ ، کتاب حیّ بن یقطان،  
 کتاب فی انّ ابعاد الجسم ذاتیة له،  
 کتاب خطب، کتاب عیون الحکمہ،  
 کتاب فی انّہ لا یجوز ان یکون شیء واحد جوهریاً و عرضیاً،  
 کتاب انّ علم زید غیر علم عمرو،  
 رسائل اخوانیہ و سلطانیہ و مسائل جرت بینہ و بین بعض العلماء.

فلسفہ



- شفا
- نجات
- الاشارات و التنبيهات
- حی بن یقظان

ریاضیات

- زاویه
- اقلیدس
- الارتماطیقی
- علم هیئت
- المجسطی
- جامع البدایع

طبیعی

- ابطال احکام النجوم
- الاجرام العلویة واسباب البرق والرعد
- فضا
- النبات والحيوان

پزشکی

- قانون:
- الادوية القلبية
- دفع المضار الكلية عن الابدان الانسانية
- قولنج
- سیاسة البدن وفصائل الشراب
- تشریح الاعضا
- الفصد
- الاغذیه والادویه

کتاب قانون یک دائرة المعارف پزشکی است که در آن تمام مبانی اصلی طب سنتی مورد بحث قرار گرفته است مانند: مبانی دانش کالبد شناسی (تشریح) (آناتومی)، (anatomy)، مبانی علامت شناسی، سمیولوژی (semiology)، داروشناسی و داروسازی و نسخه نویسی، فارماکولوژی

(Pharmacology) و غیره. کتاب قانون در سال ۱۳۶۰ توسط مرحوم شرفکندی (ماموستا هزار) از زبان عربی به زبان فارسی امروزی ترجمه شد و توسط انتشارات سروش منتشر گردید و تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است.

کتاب قانون در دانشگاههای اروپایی و آمریکایی تا دو قرن پیش مورد استفاده پزشکان بوده و به بیشتر زبانهای دنیا ترجمه شده است، کتاب پزشکی قانون بعد از کتاب مذهبی انجیل بیشترین چاپ را داشته است. افلاطون مغز (مخ) و دل (قلب) و جگرسیاه (کبد) را اندامهای زیستی (اعضای حیاتی) یا اعضای رئیسه یا اندامهای اصلی بدن انسان می دانست و به همین دلیل این اعضا را مثلث افلاطون، به زبان یونانی (تریگونوم پلاطو) (trigone plato) یا (Plato's tripod)، به زبان انگلیسی (plato triangle) می نامیدند.

ابن سینا اعلام نمود که دوام و بقای نسل انسان وابسته به دستگاه تولید مثل است و بنابر این جمع چهار اندام نام برده را مربع ابن سینا، به زبان یونانی (کوادرانگولا اویسینا) (quadrangula Avicenn) و به زبان انگلیسی (Avecena's quadrangle) نامیدند. وی همچنین علاقه‌مند به تأثیرات اندیشه بر جسم بود و آثاری نیز در باب روانشناسی دارد.

### علوم غریبه

ابن سینا از جمله فلاسفه‌ای ست که به علوم غریبه پرداخته‌اند. او رساله‌ای دربارهٔ حروف مقطعه در قرآن دارد و برای هر یک از حروف معنایی قابل است. همچنین او رساله‌ای به فارسی به نام کنوز المعزمین نگاشته است که شامل شرح نیرنجات، طلسمات، رُقیه و تسخیر کواکبی باشد.

• کنوز المعزمین

### موسیقی



ابن سینا تئوری دانی (نظریه پردازی) دارای دیدگاه‌های موسیقایی است. او مرد دانش و نه کنش در موسیقی بود ولی آنچنان از همین دانش نظری سخن می‌راند که گویی در کنش نیز چیره‌دست است. گمان می‌شود ابن سینا و فارابی بنیادگذاران نخستین پایه‌های دانش هماهنگی (هارمونی) در موسیقی بوده‌اند. آثار موسیقایی ابن سینا روی هم رفته پنج اثر مهم اوست که در بخش‌هایی از آنها به موسیقی پرداخته شده:

- شفا که نام بخش موسیقی آن " جوامع علم الموسیقی " می‌باشد
- المدخل الی صناعة الموسیقی \* (در دسترس نیست)
- لواحق (در دسترس نیست)
- دانشنامه علایی
- نجات
- اقسام العلوم

## اشعار



ابن سینا در شعر نیز دستی داشته و اشعار زیادی به زبان عربی سروده است و حتی منظومه‌هایی مثل قصیده ارجوزه در مسایل علمی ساخته است. اشعاری نیز به زبان فارسی از او روایت کرده‌اند که برخی از آن‌ها به نام دیگران نیز آمده است و با توجه به اسلوب و معانی آن‌ها باید در انتساب این اشعار به ابن سینا تردید روا داشت

از شیوه نگارش کتاب‌های علمی و فلسفی ابن سینا و اشعار عربی او که مشهورترین آن‌ها قصیده عینیه روحیه است به خوبی می‌توان توانایی و تسلط او در شاعری و سخنوری در ادبیات عرب را دریافت. اشعار فارسی‌ای که به ابن سینا نسبت داده‌اند، روی هم رفته ۲۲ قطعه و رباعی در ۶۵ بیت می‌شود، ولی در صحت انتساب آن‌ها به وی تردید کرده‌اند.

## ابوعلی سینا و ادبیات

ابوعلی سینا به عربی و فارسی شعر می‌سروده است. حدود هفتاد و دو بیت شعر فارسی در کتابهای مختلف و تذکره‌ها بدو منسوب شده است در میان ابیات ابوعلی سینا طنزهای تکان دهنده‌ای به چشم می‌خورد که نشان از بی‌ارزشی جهان هستی و ضعف و ناتوانی آدمیان از دیدگاه اوست.

|                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| روزکی چند در جهان بودم         | بر سر خاک باد پیمودم          |
| ساعتی لطف و لحظه‌ای در قهر     | جان پاکیزه را بیالودم         |
| باخرد را به طبع، کردم هجو      | بی‌خرد را به طمع بستودم       |
| آتشی برافروختم از دل           | و آب دیده ازو بیالودم         |
| با هواهای حرص شیطانی           | ساعتی شادمان بنگودم           |
| آخر العمر چون سرآمد کار        | رقتم تخم کشته بدرودم          |
| گوهرم باز شد به گوهر خویش      | من از این خستگی بیالودم       |
| کس نداند که من کجا رفتم        | خود ندانم که من کجا بودم      |
| دل گرچه درین بادیه بسیار شتافت | یک‌موی ندانست ولی موی شکافت   |
| اندر دل من هزارخورشید بتافت    | آخر به کمال ذره‌ای را مینیافت |

زاهدنمایان زمان بوعلی و مردم‌فریبان و متعصبان که از روی جهالت، خوشتن را علما می‌خواندند و هرکه را که خلاف نظرشان می‌اندیشید از زندگی و آسایش محروم می‌کردند، به این شکل مورد هجو بوعلی قرار می‌گیرند:

با یک دو سه نادان که چنین می‌دانند از حق که دانای جهان آناند  
 خر باش که این جماعت از فرط خری هر کو نه خر است کافرش می‌خوانند  
 و در برابر اتهامات آنان این‌گونه می‌فرماید:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکم‌تر از ایمان من ایمان نبود  
 در دهر یکی چو من و او هم پس در همه دهر یک مسلمان نبود  
 کافر

بوعلی در قطعه‌ای با این‌که به نحوی ترک ادب شرع می‌نماید، جهل و حماقت را زشت می‌شمارد؛ اما این قطعه دارای طنز دلیلی است که بر ترک ادب شرع غلبه دارد. جهل و حماقتی که باعث حکم شرع بر تحریم می‌شود و عقلا و علما را به زحمت و رنج انداخت:

غذای روح بود باده رحیق الحق که رنگ و بوش کند رنگ و بوی گل را دق  
 به رنگ زنگ زداید ز جان اندهگین همای گردد اگر جرعه‌ای بنوشد بق  
 به طعم تلخ چو پند پدر ولیک مفید به پیش میطل باطل به نزد دانا حق  
 می از جهالت جهال شد به شرع حرام چو مه که از سبب منکران دین شد شق  
 حلال گشته به فتوای عقل بر دانا حرام گشته به احکام شرع بر احمق  
 شراب را چه گنه گر که ابلهی نوشد زبان به هرزه گشاید دهد ز دست ورق

### شاگردان ابن سینا

ابن سینا علاوه بر آثار خود شاگردان دانشمند و کارآمدی به مانند ابوعبید جوزجانی، ابوالحسن بهمنیار، ابو منصور طاهر اصفهانی و ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی را که هر یک از ناموران روزگار گشتند تربیت نمود، که هر کدام دانشمند بزرگی در زمان خود شدند. از میان شاگردان او این چند تن سرشناس‌ترینند:

- ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان شاگرد بسیار معروف ابن سینا است که برخی از آثار او در دست است. وی از زرتشتیان آذربایجان بود. ولی بعدها مسلمان شد و کنیه ابوالحسن را برگزید. چنان‌که بسیاری از ارباب تواریخ به این مطلب تصریح کرده‌اند و از نوشته‌های خود ابوالحسن بهمنیار از جمله التحصیل چنین مطلبی تأیید می‌شود. یکی از کتاب‌های ابن سینا به نام المباحث بیشتر شامل جواب سؤالات اوست.
- ابوعبیدالله عبدالواحد بن محمد جوزجانی از سال ۴۰۳ هجری تا هنگام مرگ ابن سینا پیوسته در خدمت او بوده است و پس از مرگ او به گردآوری و تألیف آثار او پرداخت. تبحر او در ریاضیات بود.
- ابوعبیدالله محمد بن احمد المعصومی یکی دیگر از شاگردان مشهور ابن سینا است که رسالة‌العشق را ابن سینا به نام او نوشت. وقتی نزاع علمی بوعلی سینا و ابوریحان بیرونی بر اثر برخی گفتارهای ابوریحان منقطع شد معصومی ادامه بحث با ابوریحان را به عهده گرفت. مطالب معصومی به همراه اجوبه ابن سینا و سؤالات و ردود ابی ریحان در کتاب اسئله و اجوبه در ایران و لبنان چاپ شده است.
- شیخ علی نسائی خراسانی یکی دیگر از شاگردان ابن سینا که ناصر خسرو هم در سفرنامه‌اش از وی نام می‌برد.

ابومنصور حسین بن طاهر بن زیله اصفهانی از دانشمندان ایرانی قرن چهارم و پنجم هجری و از شاگردان ابن سینا بود. وی در دانش‌های زمان خود بیشتر در ریاضیات مهارت داشت. او در سال ۴۴۰ هجری درگذشت.

## تأثیر و جایگاه امروزی



تأثیر بر اروپا

انتقال علوم یونانی توسط مسلمانان و ترجمه آثار عربی به لاتین، نخستین رنسانس یعنی تجدید حیات علمی را در جنوب اروپا سبب شد. این رنسانس در قرن دهم در سیسیل آغاز شد و در قرن دوازدهم در پلایطله (تولدو) درخشید، سپس از آن بزودی به فرانسه رسید. دو اثر اصلی ابن سینا (شفا و قانون) وی را در اروپا بصورت استاد بی بدیل طب و علوم طبیعی و فلسفه درآورد.

از قرن دوازدهم تا شانزدهم پایه‌های علمی و عملی پزشکی، تعلیمات ابن سینا بود. با آثار ابوبکر محمد بن زکریای رازی نیز آشنا بودند و او را طبیب معالجي بهتر از ابن سینا می‌شمردند، ولی قانون مجموعه تعلیمی بی نظیری به شمار می‌رفت و کتاب «کلیات فی الطب» ابن رشد تنها با قسمت اول کتاب قانون مطابقت داشت. قانون توسط ژراردر کرمونائی میان سالهای ۱۱۵۰ و ۱۱۸۷ به تمامی ترجمه شد و روی هم رفته هشتاد و هفت ترجمه از آن به عمل آمد که البته بعضی، از آنها فقط شامل قسمتی از این کتاب بود. بیشتر ترجمه‌ها به لاتینی بود، ولی چندین ترجمه به عبری در اسپانیا و ایتالیا و جنوب فرانسه نیز انجام شد. ترجمه کتاب‌های طبی به خوبی ترجمه کتاب‌های فلسفی او نیست و بعضی کلمات یونانی که تحریف شده و به صورت عربی درآمده، در ترجمه‌ها به صورت نامفهوم و ناشناخته آمده است، و نیز بعضی اصطلاحات فنی عربی کمابیش به حروف لاتینی نقل شده و کاملاً نامفهوم است. قانون اساس تعلیم طب در همه دانشگاه‌ها بود.

در قدیمی‌ترین برنامه تعلیمی که تا کنون بدست آمده و مربوط به مدرسه طب منویلیه است و در منشوری از یاپ کلمنت پنجم مورخ ۱۳۰۹ مسیحی و نیز در تمام منشورهای پس از آن تا سال ۱۵۵۷ نام قانون آمده است. ده سال بعد جالینوس را بر ابن سینا برگزیدند، ولی کتاب قانون تا قرن هفدهم هنوز تدریس می‌شد. چاپ متن عربی آن در رم نشانه آن است که چه اندازه ارزش برای این

کتاب قائل بوده‌اند. جاسر در مقدمه کتاب «داستان‌های کنتربری» نوشته است که هیچ طبیبی نباید از قانون قانون غفلت کند. تقریباً هرکس قسمت‌هایی از قانون و مخصوصاً فصول مربوط به تب‌ها یا بیماری‌های چشم را، یا نوشته‌های کوتاه‌تری چون «مقالة فی النبض» یا «رساله در بیماری‌های قلبی» را در اختیار داشت. همه مؤلفان عرب از قرن هفتم تا قرن دهم ه. ق / سیزدهم تا شانزدهم م. از خوان نعمت ابن سینا برخوردار بوده‌اند - حتی اگر مانند پدر این زهر نسبت به او تردید نشان داده یا مانند ابن نفیس به تکمیل قانون پرداخته باشند.

### روز پزشک

- ۱ شهریور، همزمان با زادروز او در ایران روز پزشک است.

### جایزه ابن سینا در آلمان

در سال ۲۰۰۵ میلادی دکتر «پاشار بیلگین» ترک تبار (عضو حزب راست گرای اتحادیه دموکرات مسیحی آلمان) با همکاری چند فرد دیگر، کانونی عام‌المنفعه به نام «آویسنا پرایز» (Avicenna-Preis e.V) در شهر فرانکفورت آلمان بنیان نهاد تا سالانه به انتخاب هیئت داوران «جایزه ابن سینا» را به افراد یا سازمانهایی که در راه تفاهم فرهنگی ملت‌ها کوشا بوده‌اند اعطاء کند. مبلغ سقفی این جایزه تا یکصد هزار یورو تعیین شده که از طرف شخصیت‌های حقوقی و حقیقی مختلف مهیا می‌گردد.

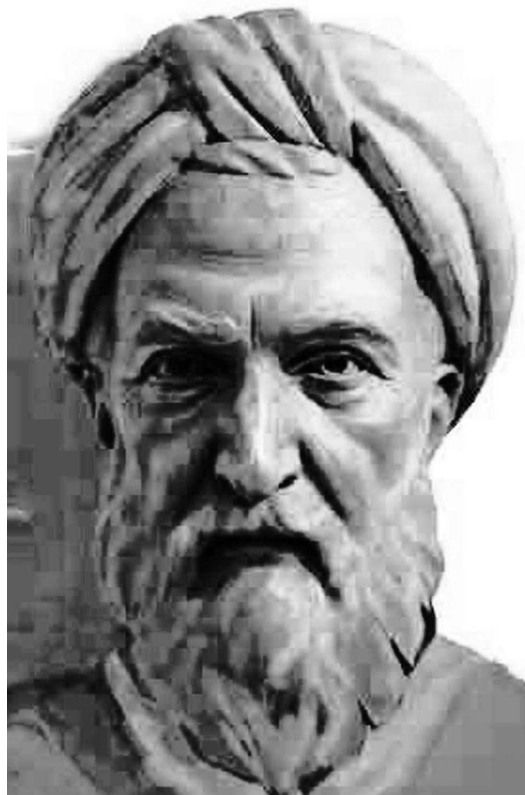
### هدیه ایران به سازمان ملل

دولت جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۹ به عنوان نشانی از پیشرفت علمی صلح‌آمیز ساختمان-مجسمه‌ای به شکل چهارتاقی که ترکیبی از سبک‌های معماری و تزئینات هخامنشی و اسلامی در آن دیده می‌شود را به دفتر سازمان ملل متحد در وین هدیه داد که در محوطه آن در سمت راست ورودی اصلی قرار داده شده‌است. در این چهارتاقی مجسمه‌هایی از چهار فیلسوف ایرانی خیام، ابوریحان بیرونی، زکریا رازی و ابوعلی سینا قرار دارد.



ده ریالی - پشت اسکناس عنوان: آرامگاه ابن سینا

## ابوالفضل بیهقی



ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (زاده ۳۷۰ ه. ش. ۹۹۵ در روستای حارث‌آباد بیهق در نزدیکی سبزواری، درگذشته ۴۵۶ ه. ش ۱۰۷۷ در غزنین) مورخ و نویسنده معروف ایرانی در دربار غزنوی است.

شهرت او بیشتر به‌خاطر نگارش کتاب معروف به تاریخ بیهقی است که مهمترین منبع تاریخی در مورد دوران غزنوی است. او اوائل عمر را در نیشابور به تحصیل دانش اشتغال داشت، سپس به سمت دبیری وارد دیوان محمود غزنوی و حکمرانان بعد از او شد و در سال ۴۱۸ ه. ش. پس از درگذشت استادش یونسر مشکان به سمت دبیر دیوان شاهی برگزیده شد.

در روزگار عبدالرشید غزنوی، هفتمین امیر غزنوی، بیهقی به بالاترین مقام در دیوان، صاحب دیوان رسالت رسید. در همین دوران گرفتار تهمت و کین بداندیشان شد. امیربدگمان او را از کار برکنار کرد و به زندان انداخت.

طغرل، غلام گریخته دربار محمود بر امیر عبدالرشید شورید و او را کشت. باز بیهقی به زندان افتاد به همراه گروهی دیگر از درگاهیان و درباریان. وی در سال ۴۳۷ ه. ش. پس از آزادی از زندان شروع به نوشتن کتاب معروف خود، تاریخ بیهقی، نمود.

## تاریخ بیهقی

بیهقی نوشتن کتاب تاریخ بیهقی را در سن چهل و سه سالگی، آغاز کرد و بیست و دو سال از عمر خویش را بر سر نوشتن آن نهاد. موضوع این کتاب، تاریخی است در سی مجلد ولی از این سی مجلد تنها شش جلد مانده‌است. جلد نخست موجود نیز از میانه آغاز می‌شود.

یکی از بخش‌های بسیار گیرای این کتاب داستان حسنک وزیر است. بیهقی هشتاد و پنج سال زیست و در سال ۴۵۶ ه. ش در گذشت و به این ترتیب نوزده سال پس از اتمام تاریخ خویش زنده بوده و هرگاه به اطلاعات تازه‌ای در زمینه کار خود دسترسی می‌یافته، آن را به متن کتاب می‌افزوده‌است.

بیهقی در دوران جدید، کشف مورلی (Morley)، خاورشناس انگلیسی است او که در نیمه سده نوزدهم در هندوستان می‌زیسته چند نسخه از کتاب تاریخ بیهقی را فراهم آورد؛ اما اجل مجال انتشارش را نداد. دوست نزدیک او، کاپیتان ویلیام مسولیس (Captain William Massolis)، در سال ۱۸۶۲ برای نخستین بار تاریخ بیهقی را در شهر کلکته هند به چاپ رسانید. کتاب تاریخ بیهقی نخستین بار در ایران توسط علی‌اکبر فیاض تصحیح شده‌است.

+++++

### ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی

شیخ ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی، معروف به ابوالفضل و نامش در اصل محمد بن حسین می‌باشد از مشایخ، مفسران، محدثان و صوفیان قرن چهارم هجری قمری است. وی از مریدان و پیروان شیخ ابونصر سراج و استاد ابوسعید ابوالخیر می‌باشد.

در کتاب پیران خراسان نام وی پیر ابوالفضل حسن خراسانی ذکر شده است.

مقبره شیخ ابوالفضل در شهرستان سرخس روستای سنگر واقع شده است. ابوسعید ابوالخیر در وصف او گفته است:

معادن شادی است این و منبع جود و کرم      قبله ما روی یار و قبله هرکس حرم

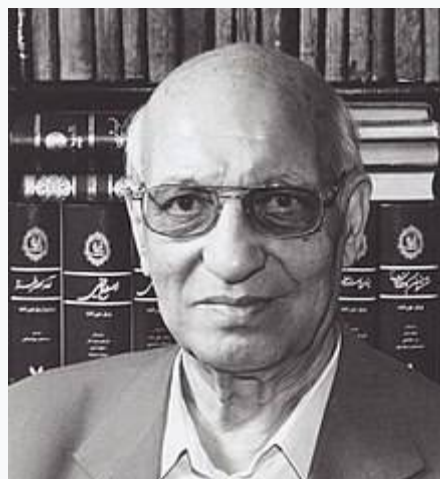
سخنانی از وی:

- در اسرار التوحید آمده: گفت: گذشته گذشت و آینده معلوم نیست و آنچه در زمان حاضر (وقت) است اعتبار دارد و این صفت عبودیت است. پس گفت: حقیقت عبودیت دو چیز است: حسن افتخار به خدای تعالی و این اصل عبودیت است و حسن اقتدا کردن به رسول خدا و آن چیزی است که برای نفس در آن بهره و آسایش نیست. (پیران خراسان، جلد ششم، ص ۱۳۹)
- در تذکرة الاولیا و اسرار التوحید آمده: او را گفتند دعایی کن از برای این سلطان یعنی محمود تا مگر به شود که ستم‌ها می‌رود. ساعتی اندیشه کرد، آنگاه گفت: بس خُردم می‌آید این گفتار، یعنی او را در میان می‌بینید و از ماضی یاد می‌کنید و مستقبل را یاد می‌کنید؟ وقت را باشید. (پیران خراسان، جلد ششم، ص ۱۳۶)

رباعی زیر را به وی نسبت می‌دهند (جامی آنرا به رشید و طواط نسبت داده است): (پیران خراسان، جلد ششم، ص ۱۴۰)

چشمی دارم همه پر از صورت دوست      با چشم مرا خوشست تا دوست دروست  
از دیده و دوست فرق کردن نه نکوست      یا دوست به جای دیده یا دیده هم اوست

پیر ابوالفضل در اواخر قرن چهارم و به قولی به سال ۴۱۳ هجری قمری وفات یافت. مؤلف ریحانة الادب وفات او را ۴۰۰ هجری نگاشته است. حمد الله مستوفی سن او را هشتاد و نه سال و چهار ماه نوشته است. (پیران خراسان، جلد ششم، ص ۱۴۱)

ابوالقاسم گرجی نوزدهمین رئیس دانشگاه تهران

مشغول به کار

۸ مهر ۱۳۶۰ - ۱۹ خرداد ۱۳۶۱

گمارنده محمدعلی نجفی

رئیس‌جمهور سید علی خامنه‌ای

پس از علی مهدی‌زاده شهریپیش از عباس شیبانیزاده ۲ فروردین ۱۳۰۰ تهران

درگذشته ۷ اسفند ۱۳۸۹ تهران

پیشه مجتهد، استاد دانشگاه

تخصص فقه و حقوق

دین اسلام شیعه

جایزه‌ها نشان درجه یکم دانش، جایزه کتاب سال

**ابوالقاسم گرجی** (زاده ۱۳۰۲ در تهران - درگذشته ۱۳۸۹ در تهران) استاد ممتاز دانشگاه تهران، فقیه و حقوقدان، دانش‌آموخته فلسفه و حکمت اسلامی از دانشکده الهیات، نوزدهمین رئیس دانشگاه تهران و چهره ماندگار ایران در دومین همایش چهره های ماندگار سال ۸۱ بود. او همین‌طور دارنده نشان درجه یکم دانش و برنده سه دوره جایزه کتاب سال و یک دوره شایسته تقدیر، بوده است.

### زندگی‌نامه و تحصیلات

در سال ۱۳۰۰ شمسی در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی، به تحصیل علوم حوزوی و یادگیری دروسی چون صرف، نحو، معانی و بیان، منطق، فقه و اصول (در دو مقطع: سطح و خارج) و فلسفه پرداخت. معروف‌ترین اساتید وی عبارتند از محمد قصیر، محمدحسین بروجردی، شاه آبادی، ابراهیم امامزاده زیدی و محمدرضا تنکابنی.

در مدت تحصیل در تهران، بنا بر روش حوزه‌های علمیه مبنی بر تدریس هنگام تحصیل، به تدریس ادبیات عرب، منطق و کتب مقدماتی فقه و اصول می‌پرداخت. در حدود سال ۱۳۲۲، به تشویق محمدرضا تنکابنی، برای ادامه تحصیل به اتفاق میرزا علی فلسفی عازم نجف اشرف شد. اساتید وی در نجف سید ابوالقاسم خویی، شیخ محمدعلی کاظمینی، سید عبدالهادی شیرازی، محمد کاظم شیرازی و دیگران بوده‌اند. در این میان، بیشترین بهره را از محضر درس سید ابوالقاسم خویی برد و بیش از یک دوره خارج اصول و به موازات آن، خارج فقه در درس ایشان شرکت داشت.

در نجف اشرف نیز به موازات تحصیل، به تدریس کتاب‌های رسائل، مکاسب و کفایه اشتغال داشت. در سال ۱۳۳۰، با اخذ گواهی اجتهاد از برخی از مراجع بزرگ، به تهران مراجعت کرد. در آغاز ورود به تهران، به درخواست تعدادی از فضلا، به تدریس رسائل و مکاسب شیخ و کفایه آخوند خراسانی و بعد به تدریس خارج پرداخت و در سال ۱۳۳۲ پس از کسب مدارک مقدماتی، برای تحصیل به دانشکده الهیات و معارف اسلامی وارد شد. در سال ۱۳۳۵، دوره لیسانس منقول و در سال ۱۳۳۸ دوره دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را به پایان رساند و در سال ۱۳۴۲، پایان‌نامه دکترای را با درجه ممتاز گذراند.

### سوابق تدریس

در سال ۱۳۳۲ به تدریس در دبیرستانها و در سال ۱۳۳۸ به تدریس ادبیات عرب و بالاخره اصول و فقه در دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشغول شد. در آغاز به عنوان دبیری و از سال ۱۳۴۲ به عناوین دانشگاهی و پس از چند سال به رتبه استادی رسید. در بین سالهای ۱۳۴۷-۱۳۴۳ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به تدریس ادبیات عرب و در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به تدریس اصول و فقه پرداخت. از سال ۱۳۴۸ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به تدریس حقوق اسلامی مشغول بود. و پس از آن رسماً به دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتقل شد پس از آن با دانشگاه‌هایی از جمله دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات) همکاری داشت.

### جوایز و نشان‌های علمی

- چهره ماندگار
- دارنده جایزه جشنواره بین‌المللی خوارزمی
- دارنده نشان درجه یک دانش از رئیس جمهور
- برگزیده فرهنگستان علوم ایران در مراسم مشترک فرهنگستانها
- برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به واسطه تصحیح، تعلیق و اعراب‌گذاری کتاب تفسیر جوامع الجامع، تألیف شیخ طبرسی.

- برنده جایزه یکی از بهترین کتاب‌های چاپ‌شده ده ساله انقلاب اسلامی به واسطه تصحیح، تعلیق و اعراب‌گذاری کتاب تفسیر جوامع الجامع، تألیف شیخ طبرسی
- برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران جمهوری اسلامی به واسطه تصحیح، تجدید نظر و حواشی کتاب تاریخ پیامبر ص، تألیف دکتر محمدابراهیم آیتی.
- شایسته تقدیر برای کتاب تاریخ فقه و فقها

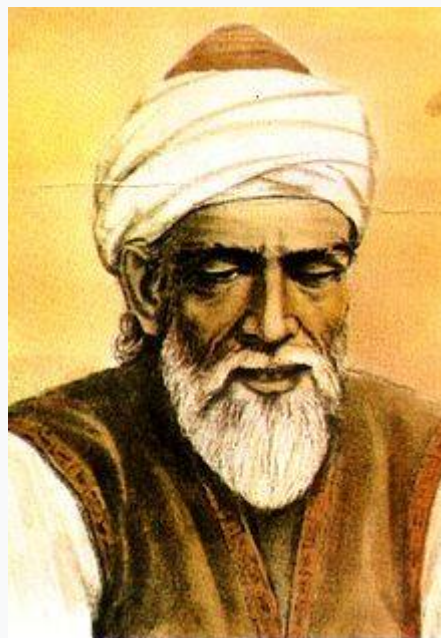
## آثار

- الصرف و النحو و القرائه، مؤلف: ابوالقاسم گرجی... و دیگران (دانشگاه تهران (نایاب)
- الذریعه الی اصول الشریعه (۲ جلدی) – مؤلف: سیدمحمد مرتضی علم الهدی - تصحیح و اعراب‌گذاری – ابوالقاسم گرجی- دانشگاه تهران (نایاب)
- ترجمه و تلخیص کتاب عده الاصول - دانشگاه تهران
- مسائل هامه من کتاب الخلاف - قسمت معاملات کتاب خلاف شیخ طوسی - شیخ الاسلام کردستانی و دکتر ابوالقاسم گرجی (نایاب)
- تاریخ پیامبر اسلام - مؤلف: محمدابراهیم آیتی، تصحیح ابوالقاسم گرجی - دانشگاه تهران
- تفسیر جوامع الجامع (۴ جلدی) ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی؛ تصحیح: ابوالقاسم گرجی – انتشارات سمت با مشارکت دانشگاه تهران
- دیات - روشنعلی شکاری، حسین فریار، محسن صفری (ویراستار) - دانشگاه تهران
- حدود، تعزیرات و قصاص - دانشگاه تهران
- جامع الشتات- جلد ۱ (کتاب الهیات و الوصایا)، ابوالقاسم بن محمدحسن میرزای قمی، ابوالقاسم گرجی (مترجم)، عیسی ولایی (مترجم)، ناشر: دانشگاه تهران
- جامع الشتات- جلد ۲ (کتاب النکاح)، ابوالقاسم بن محمدحسن میرزای قمی، ابوالقاسم گرجی (مترجم)، عیسی ولایی (مترجم)، ناشر: دانشگاه تهران
- جامع الشتات- جلد ۳ - ناشر: دانشگاه تهران
- جامع الشتات- جلد ۴ - -میرزا ابوالقاسم قمی- ویراستار: دکتر فاطمه میرشمسی، به نظارت و مقدمه دکتر ابوالقاسم گرجی - ناشر: دانشگاه تهران
- مبانی حقوق اسلامی - مجد
- مقالات حقوقی (۲ جلدی) - ناشر: دانشگاه تهران
- اندیشه‌های حقوقی ۴ (مفاهیم بنیادین حقوق مدنی و جزایی) ابوالفضل احمدزاده (مصحح) مجد
- تاریخ فقه و فقها – سمت
- آیات الاحکام (حقوقی و جزایی) - ناشر: میزان
- ادوار اصول فقه (تحولات اصول فقه و ...) - ناشر: میزان
- اسلام: پژوهشی تاریخی و فرهنگی، عنایت الله رضا، علی بهرامیان، عبدالحسین زرین کوب، محمدعلی مولوی، مهدی محقق، سیدحسین نصر، فتح‌الله مجتبیایی، آذرتاش آذرنوش، ابوالقاسم گرجی، احمد پاکتچی، صادق سجادی، شرف الدین خراسانی، مسعود جلالی مقدم، یوسف رحیم لو، فرامرز حاج منوچهری، عبدالامیر سلیم، ناصر گذشته، علی اکبر دیانت، محمدکاظم موسوی بجنوردی (زیرنظر)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴
- بررسی تطبیقی حقوق خانواده-دکتر ابوالقاسم گرجی، دکتر سید حسین صفایی، دکتر سید عزت‌الله عراقی، دکتر اسدالله امامی، دکتر سید مرتضی قاسم‌زاده، دکتر محمود صادقی، عباس برزوئی، احمد حمیدزاده، بتول آهنی - ناشر: دانشگاه تهران

## درگذشت

ابوالقاسم گرجی در ظهر شنبه ۷ اسفند ۱۳۸۹ درگذشت و در حرم شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

## ابوالوفا محمد بوزجانی



زاده

۱۰ ژوئن ۹۴۰ میلادی - ۲۸ شعبان ۳۲۸  
بوژگان، حومه شهر تربت جام امروزی، ربع نیشابور

درگذشت

۹۹۸ یا ۹۹۷ میلادی - ۳۸۶ هجری بغداد

پیشینه علمی

رشته(های) ریاضیات، ستاره‌شناسی  
 فعالیت

**ابوالوفا محمد بوزجانی** (نام کامل: ابوالوفا محمد بن محمد بن یحیی بن اسماعیل بن عباس) (۳۲۸-۳۸۸ هجری قمری) ریاضیدان و منجم بزرگ ایرانی است در دوران طلایی اسلام بوده است. وی در تاریخ ۲۰ خرداد ۳۱۹ هجری شمسی در بوژگان از توابع ولایت جام، ربع نیشابور به دنیا آمد. او تحصیلات ریاضی خود را نزد خانواده آموخت و به نیشابور رفت. سپس در سال ۳۴۸ به عراق که در آن زمان پایتخت خلافت شرقی بود، سفر کرد و تا پایان عمرش در آنجا زندگی کرد. در عراق به صورت آخرین نماینده برجسته مکتب ریاضی-نجومی درآمد و به تألیف کتاب‌های مهم خود پرداخت و با همکاری‌اش در رصدخانه بغداد به رصد مشغول شد.

او روش‌های محاسبه‌ای را که بازرگانان، کارمندان دوایر مالیه و مساحان زمین در شرق اسلامی در کارهای روزمره خود بکار می‌بردند، به نحوه منظم مدون ساخت و همچنین روش‌های متداول را اصلاح کرد و بعضی از روش‌های ناصحیح را نیز مورد انتقاد قرار داد. به عنوان مثال، پس از بیان آنکه مساحان، مساحت هر نوع چهار ضلعی را با ضرب کردن نصف مجموع اضلاع مقابل در یکدیگر بدست می‌آورند، خاطرنشان می‌سازد که این نیز اشتباهی آشکار و غلطی مسلم است.

از کتاب بوزجانی چنین بر می آید که دستگاه موضعی عددنویسی دهدهی هندی با استفاده از ارقام در میان مردم و تجار سرزمین های خلافت شرقی تا مدت های طولانی مورد استفاده نبوده است. او با توجه به عادت و عرف خوانندگانی که کتاب برای آن ها نوشته شده، از استفاده از ارقام کاملاً پرهیز کرده است و همه اعداد و محاسبات را، که گاهی بسیار پیچیده است، تنها با واژگان بیان کرده است.

یکی از کتاب های علمی بوزجانی کتاب «فیما یحتاج الیه الصانع من الاعمال الهندسه» است، که بعد از سال ۳۷۹ نوشته شده است. بسیاری از روش های ساختن اشکال دوبعدی و سه بعدی که بوزجانی عرضه کرده، اقتباس است از آنچه در آثار اقلیدس، ارشمیدس، هرون اسکندری، تئودوسیوس و پاپوس آمده بوده است، اما بعضی از مثال ها ابتکاری است. در این اثر بوزجانی، مسائلی نیز راجع به تقسیم یک شکل به اجزایی که شرایط معینی را واجد باشند، آمده است.

اثر نجومی بزرگ بوزجانی «المجسطی» یا «الکامل» بسیار دنباله روی مجسطی بطلمیوس است. ممکن است این اثر که فقط بخشی از آن بجای مانده است، دقیقاً همان «زیج الواضع» او یا جزئی از آن باشد که بر رصدهای خود و همکارانش مبتنی است. بنظر نمی آید که زیج باقی مانده باشد.

قبل از بوزجانی، در مثلثات کروی، تنها وسیله حل مثلث ها قضیه منلائوس راجع به چهارضلعی کامل بود که در کتب اسلامی به قاعده مقادیر ششگانه موسوم است. کاربرد این قضیه در حالت های مختلف بسیار دست و پاگیر است. بوزجانی با غنی تر ساختن ابزار مثلثات کروی، حل مسائل آن ها را راحت تر کرد. وی قضیه تانژانتها را در حل مثلث قائم الزاویه کروی بکار بست و تقدم در اثبات را بیرونی به وی نسبت داده است. یکی از اولین اثبات های قضیه کلی سینوسها برای حل مثلث های غیر قائم الزاویه، توسط بوزجانی ابداع گردید.

وی مسائل لاینحل هندسه کلاسیک را حل کرد و تحقیقاتی در اصول ترسیمات هندسی نمود که تا امروز هنوز کسی موفق به ارائه راه حل دیگری نشده است و از این حیث مسئله ابوالوفا در جهان مشهور است و اولین کسی است که مطالعات دقیقی درباره کره ماه انجام داد. کارهای وی در زمینه هندسه کروی با کاربرد در نجوم کروی شگرف بوده است.

## ریاضیات

ابوالوفا بوزجانی واضع اتحاد مثلثاتی بود:

$$(\sin(a+b)=\sin(a)\cos(b)+\cos(a)\sin(b)\backslash$$

$$(\displaystyle \cos(2a)=1-2\sin ^{2}(a)\}\cos(2a)=1-2\sin ^{2}(a)\}$$

$$(\displaystyle \sin(2a)=2\sin(a)\cos(a)\}\sin(2a)=2\sin(a)\cos(a)\}$$

وی همچنین قانون سینوسها را برای مثلثات کروی کشف کرد

## عصر حاضر

- برای تجلیل از بوزجانی، دهانه یکی از آتشفشانهای ماه بنام او نام گذاری شده است.
- در سال ۱۳۷۸ همایشی بین المللی به منظور شناخت بیشتر وی و خدمات و آثارش در محل تولدش، تربت جام برگزار گردید.
- در سال ۱۳۹۴ خورشیدی، گوگل موتور جستجوی گوگل، هزار و هفتاد و پنجمین سالروز تولد بوزجانی را با تغییر آرم خود و گذاشتن تصویری جدید و قرار دادن علامت های هندسی و ریاضی گرامی داشت.



ابوحنیفه دینوری

|            |                                                                     |
|------------|---------------------------------------------------------------------|
| عنوان      | ابوحنیفه دینوری                                                     |
| متولد      | ۲۱۲-۲۱۳                                                             |
| درگذشته    | ۲۸۲-۲۸۳                                                             |
| دوران      | دوران طلایی اسلام                                                   |
| علاقه اصلی | گیاهشناسی، تاریخ‌نگار، جغرافی‌دان، متالورژی، ستاره‌شناس و ریاضی‌دان |

احمد بن داود بن وند معروف به ابوحنیفه دینوری کرمانشاهی شناخته‌شده با نام ابوحنیفه دینوری، همه‌چیزدان، گیاهشناس، تاریخ‌نگار، جغرافی‌دان، متالورژی، ستاره‌شناس و ریاضی‌دان ایران ی قرن سوم هجری قمری و قرن نهم میلادی است.

### زادگاه

زادگاه وی دینور در کرمانشاه و به تاریخ تقریبی (۸۲۸ - ۸۸۹ میلادی) برابر با (۲۲۲ - ۲۸۲ هجری قمری) است.

### تخصص‌ها

دینوری دانشمندی ذوالفنون و همه‌چیزدان بود. تخصص و دانش‌های او ناظر به اخترشناس، متخصص کشاورزی، گیاهشناسی، متخصص ذوب فلزات، جغرافی‌دان، ریاضی‌دان، و تاریخ‌نگار است و او از دانشندان عصر طلایی اسلام بوده است.

### تحصیلات

دینوری تحصیلات خود را در اصفهان، کوفه و بصره به پایان رساند و از محضر اسحاق سکیت و پسرش یعقوب سکیت بهره‌ها گرفت.

### متخصص گیاهشناسی

لکلرک درباره دینوری گفته‌است: ابوحنیفه دینوری، بزرگ‌ترین گیاهشناس مشرق‌زمین است و از اینکه ابن ابی اصیبعه از ترجمه حال او غفلت کرده تعجب می‌کند و می‌گوید ابن بیطار نام پنجاه گیاه را

که گذشتگان از آن شناختی نداشتند از ابوحنیفه نقل می‌کند و در همه‌جا مشهود و هویداست که دینوری به نقل اکتفا نکرده و خود به نفسه، انواع گیاهان نام‌برده در کتاب خود را دیده و به تشریح آن‌ها پرداخته‌است. از کتاب‌های دیگر او کتاب‌الاکراد است که پیرامون اصل و نسب کردها نوشته‌است. کتاب‌های تاریخ او بین سال‌های (۱۸۸۸ - ۱۹۱۲ میلادی) به‌وسیله «ولادیمیر گیرگاس» و «کراخوفسکی» در شهر لیدن ِ هلند به زبان فرانسه ترجمه و انتشار یافته‌است.

### کتاب‌ها

دینوری، در زمینه‌های زیادی متخصص بوده و کتابهایش در زمینه تخصص‌هایش است. از جمله گیاه‌شناس، مورخ، جغرافی‌دان، ستاره‌شناس و ریاضی‌دان، نحوی و لغت‌شناس بوده و به علوم هند آشنائی داشته‌است. یکی از آثار معروف او «کتاب‌النبات» است که به شناخت گیاهان اختصاص داشته و به تأیید کارشناسان این رشته، دینوری اطلاعات مندرج در این کتاب را براساس تحقیق و تتبع خود استخراج نموده‌است و دیگران از او نقل قول کرده‌اند. البته کتاب النبات حاوی بسیاری مطالب فلسفی و تاریخی بود، اما از اطلاعات گیاهی نیز آکنده بود و بعدها فراوان از آن نقل قول شد.

### آثار دینوری

کتاب تفسیرالقران

کتاب‌الانواء (انواء = جمع نوء و به‌معنی سقوط ستاره در مغرب است)

کتاب اصلاح‌المنطق

امامت و سیاست

کتاب لحن‌العامة

کتاب‌الفصحا

کتاب حساب‌الدور و الوصایا

کتاب‌الزریج

کتاب‌النبات (در دو جلد)

کتاب‌الجبر و المقابله

کتاب جواهر‌العلم

کتاب‌الرد علی رصدالاصبهانی

کتاب‌الشعر و الشعراء

کتاب‌التاریخ

کتاب اخبار الطوال (شاید همان کتاب التاریخ باشد)

کتاب فی حساب الخطائین

کتاب البلدان کتاب القبلة والزوال

کتاب البحث فی حساب الهند کتاب الجمع والتفریق

کتاب نوادر الجبر کتاب الاکراد

کتاب انساب الاکراد

آ. د. پایازیان در مرکز اسناد ماتنادران به کتابی از رستمخان دنبلی تاریخ‌نویس کرد برخورد کرد که در آن به کتابی از ابوحنیفه دینوری به نام تاریخ شجره کرد (انساب الاکراد) اشاره شده است. از این کتاب هیچ نسخه‌ای در دست نیست. گ. ب. آکویف واقعیت نگارش این کتاب را هم «گویای تعلق قومی دینوری» و هم گویای این می‌داند که او «باشندگان کرمانشاهی» را در ارتباط با هویت قومی کردی درک کرده است

درگذشت

درگذشت دینوری در سال ۲۸۳ ق و به احتمال قوی در دینور بوده است. برابر میلادی وفاتش را هفته مارس ۸۹۵ میلادی ذکر کرده‌اند.

ابوریحان بیرونی



تصویر ابوریحان بیرونی از تمبر شرکت پست ایران

۱۴ شهریور ۳۵۲

زادروز

کاث، خوارزم

|                |                                                                                                                                                               |
|----------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| درگذشت         | ۲۲ آذر ۴۲۷                                                                                                                                                    |
| محل زندگی      | ایران                                                                                                                                                         |
| نام‌های دیگر   | ابوریحان محمد بن احمد بیرونی                                                                                                                                  |
| نقش‌های برجسته | پدر علم انسان‌شناسی، زمین‌سنجی و هندشناسی.<br>بنیان‌گذار مکانیک تجربی و نجوم تجربی.<br>پیشگام در روان‌شناسی تجربی.<br>شرکت‌کننده در بسیاری از زمینه‌های علمی. |
| دین            | اسلام                                                                                                                                                         |

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (زاده ۱۴ شهریور ۳۵۲ خورشیدی، کاث، خوارزم - درگذشته ۲۲ آذر ۴۲۷، غزنین)، دانشمند بزرگ و ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، تقویم‌شناس، انسان‌شناس، هندشناس و تاریخ‌نگار بزرگ ایرانی سده چهارم و پنجم هجری است. بیرونی را بزرگ‌ترین دانشمند مسلمان و یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان ایرانی و همه اعصار می‌دانند. همین‌طور او را پدر علم انسان‌شناسی و هندشناسی می‌دانند.

### خاستگاه

بیرونی در ۱۴ شهریور ۳۵۲ خورشیدی (۲۹ ذی‌قعدة ۳۶۲ قمری برابر ۵ سپتامبر ۹۷۳ میلادی) در خوارزم که در قلمرو سامانیان بود به دنیا آمد، و زادگاه او که در آن زمان روستای کوچکی بود، «بیرون» نام داشت. مرگش در غزنه در اوان انقلاب سلجوقیان و پادشاهی مسعود بن محمود غزنوی بوده‌است و برخی درگذشت او را در ۲۲ آذر ۴۲۷ خورشیدی (۲۷ جمادی‌الثانی ۴۴۰ قمری برابر ۱۳ دسامبر ۱۰۴۸ میلادی) می‌دانند.

### فلسفه

بیرونی دقت و اصابت نظر خویش را مدیون مطالعات فلسفی بود، اما او در فلسفه پیرو روش متعارف عهد خویش یعنی آن روش که به وسیله کندی و فارابی و نظایر آنان تحکیم و تدوین شده بود نبود؛ بلکه به باورهای ویژه و روش جداگانه و ایرادات خود بر ارسطو ممتاز است، وی همچنین از آثار فلسفی هندوان کتبی چون «شامل» را به عربی ترجمه نمود.

### نام‌وری و شهرت

دانشنامه علوم چاپ مسکو، ابوریحان را دانشمند همه قرون و اعصار خوانده‌است. در بسیاری از کشورها نام بیرونی را بر دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و تالار کتابخانه‌ها نهاده و لقب «استاد جاوید» به او داده‌اند.

## نجوم

نوشته‌هایی از بیرونی در دست است که به وضوح در آن‌ها از گردش زمین به دور خودش نام برده می‌شود. در کتاب «استیعاب الوجوه الممكنة فی صنعة الاسطرلاب» ابوریحان می‌گوید: «از ابو سعید سجزی، اُسْطَرلابی از نوع واحد و بسط دیدم که از شمالی و جنوبی مرگب نبود و آن را اسطرلاب زورقی می‌نامید و او را به جهت اختراع آن اسطرلاب تحسین کردم چه اختراع آن متکی بر اصلی است قائم به ذات خود و مبنی بر عقیده مردمی است که زمین را متحرک دانسته و حرکت یومی را به زمین نسبت می‌دهند و نه به کره سماوی.

بدون شک این شبهه‌ای است که تحلیلش در نهایت دشواری؛ و قولی است که رقع و ابطالش در کمال صعوبت است. مهندسان و علمای هیئت که اعتماد و استناد ایشان بر خطوط مساحیه (= مدارات و نصف النهارات و استوای فلکی و دائرة البروج) است؛ در نقض این شبهه و رد آن عقیدت بسی ناچیز و تهی دست باشند و هرگز دفع آن شبهه را اقامت برهان و تقریر دلیلی نتوانند نمود. زیرا چه حرکت یومی را از زمین بدانند و چه آن را به کره سماوی نسبت دهند در هر دو حالت به صناعت آنان زیانی نمی‌رسد و اگر نقض این اعتقاد و تحلیل این شبهه امکان‌پذیر باشد موکول به رای فلاسفه طبیعی دان است.»

ضمناً بیرونی در کتاب «الاسطرلاب» روشی برای محاسبه شعاع زمین ارائه می‌کند (بوسیله افت افق وقتی از ارتفاعات به افق نگاه می‌کنیم). بعدها در کتاب «قانون مسعودی» ابوریحان عملی کردن این روش توسط خود را گزارش می‌دهد. اندازه‌گیری او یک درجه سطح زمین را ۵۸ میل بدست آورده است که با توجه به اینکه هر میل عربی ۱۹۷۳٫۳ متر است، شعاع زمین ۶۵۶۰ کیلومتر (بر حسب واحدهای امروزی) به دست می‌آید که تا حد خوبی به مقدار صحیح آن نزدیک است.

خورشیدگرفتگی هشتم آوریل سال ۱۰۱۹ را در کوه‌های لغمان (افغانستان کنونی) رصد و بررسی کرد و ماهگرفتگی سپتامبر همین سال را در غزنه به زیر مطالعه برد.

## دانش فیزیک

وی اپیکتوگرام یعنی چگال سنج (آلتی برای سنجش وزن مخصوص در فیزیک) را اختراع نمود که با آن وزن مخصوص چیزها تعیین می‌شود.

## زیست‌شناسی و تکامل (فرگشت)

بیرونی در فصل ۴۷ کتاب تحقیق ماللهند تلاش می‌کند که از دید یک طبیعی دان به توضیح این که چرا نزاع‌های مه‌اباراتا «باید رخ می‌داد» بپردازد. او در آن کتاب به توضیح روندهای طبیعی و از جمله نظرات زیست‌شناختی مربوط به تکامل (فرگشت) می‌پردازد. برخی از اندیشمندان نظرات بیرونی را با داروینیسم و انتخاب طبیعی قابل قیاس می‌دانند. یکی از این نظرات مشابه با نظریه بنیادین مالتوس درباره عدم تناسب میان نسبت تولید مثل و نیازهای ابتدایی حیات است. بیرونی می‌گوید:

- «حیات جهان بستگی به دانه افشانی و زاد و ولد دارد. با گذشت زمان هر دوی این فرایندها افزایش می‌یابند. این افزایش نامحدود است حال آنکه جهان محدود است.»

او سپس به این اصل موجودات زنده اشاره می‌کند.

- «هنگامی که گروهی از گیاهان یا جانوران دیگر تغییری در ساختمانشان رخ ندهد و گونه ویژه نامیرایی را بوجود آورند، اگر یکایک اعضای این گونه‌ها به جای آنکه تنها به دنیا بیایند و از بین بروند، به زاد و ولد بپردازند و چندین بار، چندین موجود همانند خود را به وجود آورند، به زودی تمام دنیا از همان یک گونه گیاهی یا جانوری پر خواهد گشت و آنها هر قلمرویی که بیابند تسخیر خواهند کرد.»

بیرونی سپس به تشریح انتخاب مصنوعی می‌پردازد:

- «کشاورز زرع خود را بر می‌گزیند و تا جایی که می‌خواهد به کشت و زرع آن می‌پردازد و آنچه را که نمی‌خواهد ریشه کن می‌کند. جنگل دار شاخه‌هایی که به نظرش برگزیده هستند را نگه می‌دارد و سایر شاخه‌ها را می‌برد. زنبورها افرادی از گروه را که تنها می‌خورند ولی کاری برای کندویشان نمی‌کنند، می‌کشند».

وی سپس نظر خود را درباره طبیعت اعلام می‌کند. با کمی توجه می‌توان دلمشغولی‌های داروین درباره انتخاب طبیعی را در این عبارات باز یافت:

- «طبیعت به شیوه‌ای مشابه عمل می‌کند، ولی در تمامی شرایط رویکردش در مورد همه یکسان است. او اجازه نابودی برگ و میوه را می‌دهد و بدین طریق جلوی آنها را برای تولید آنچه هدف نهایشان است می‌گیرد. طبیعت آنها را نابود می‌کند تا جایی برای دیگران باز نماید».

### حکومت‌های هم‌دوره

در زمان بیرونی، سامانیان بر شمال‌شرقی ایران شامل خراسان بزرگتر و خوارزم به پایتختی بخارا، زیاریان بر گرگان و مازندران و مناطق اطراف، بوئیان بر سایر مناطق ایران تا بغداد، بازماندگان صفاریان بر سیستان و غزنویان بر جنوب ایران خاوری (مناطق مرکزی و جنوبی افغانستان امروز) حکومت می‌کردند و همه آنان مشوق دانش و ادبیات فارسی بودند و سامانیان بیش از دیگران در این راه اهتمام داشتند. بیرونی که در جرجانیه خوارزم نزد ابونصر منصور تحصیل علم کرده بود، مدتی نیز در گرگان زیر پشتیبانی مادی و معنوی زیاریان که مرداویچ سر دودمان آنها بود به پژوهش پرداخته بود و پس از آن تا پایان عمر در ایران خاوری آن زمان به پژوهش‌های علمی خود ادامه داد. با این که محمود غزنوی میانه بسیار خوبی با بیرونی نداشت و وسایل کافی برای پژوهش، در اختیار او نبود ولی این دانشمند لحظه‌ای از تلاش برای تکمیل تحقیقات علمی خود دست نکشید.



کتاب‌ها و کارها

بیرونی که بر زبان‌های یونانی، هندی و عربی هم چیره بود، کتب و رسالات بسیار که شمار آنها را بیش از ۱۴۶ گزارش کرده‌اند نوشت که جمع سطور آنها بالغ بر ۱۳ هزار است. او خود در رساله‌ای که در در بیان موءلفات محمدبن زکریای رازی در ۴۲۷ ق به عمر ۶۵ سالگی خود نوشت و در آن تألیفات خود را نیز تا همین سال شرح داد. تعداد کتاب‌هایش را تا آن موقع یکصد و سیزده نسخه شمرده است.

مهمترین آثار او التنجیم در ریاضیات و نجوم، آثار الباقیه در تاریخ و جغرافیا، قانون مسعودی که نوعی دانشنامه است و کتاب تحقیق ماللهند درباره اوضاع این سرزمین از تاریخ و جغرافیا تا عادات و رسوم و طبقات اجتماعی آن. بیرونی کتاب دانشنامه خود را به نام سلطان مسعود غزنوی حاکم وقت کرد، ولی هدیه او را که سه بار شتر سکه نقره بود نپذیرفت و به او نوشت که کتاب را به خاطر خدمت به دانش و گسترش آن نوشته است، نه پول.

بیرونی، هم‌دوره بوعلی سینا بود که در اصفهان می‌نشست و با هم مکاتبه و تبادل نظر فکری داشتند.

بیرونی در جریان لشکرکشی‌های محمود غزنوی به هند (پاکستان امروز بخشی از آن است) امکان یافت که به این سرزمین برود، زبان هندی فراگیرد و درباره اوضاع هند پژوهش کند که فرآورده این پژوهش، کتاب «هندشناسی» اوست.

از دیگر آثار وی می‌توان به کتاب الصیدنه فی الطب اشاره کرد که کتابی است درباره گیاهان دارویی و با تصحیح دکتر عباس زریاب خویی منتشر شده است.

### آثار

تحقیق ماللهند: موضوع این کتاب مذهب و عادات و رسوم هندوان و نیز گزارشی از سفر به هند است.

قانون مسعودی: کتابی است در نجوم و تقویم شامل یازده بخش. در این کتاب بخشهایی مربوط به مثلثات کروی و نیز زمین و ابعاد آن و خورشید و ماه و سیارات موجود است.

التفهیم لاوائل صناعة التنجیم: این کتاب نیز در نجوم و به فارسی نوشته شده است و برای مدت چند قرن متن کتاب درسی برای تعلیم ریاضیات و نجوم بوده است.

الجماهر فی معرفة الجواهر: بیرونی این کتاب را به نام ابو الفتح مودود بن مسعود تألیف کرد و موضوع کتاب معرفی مواد معدنی و مخصوصاً جواهرات مختلف است. ابوریحان در این کتاب فلزات را بررسی کرده و نوشته است. او نظریات و گفته‌های دانشمندانی مانند ارسطو اسحاق الکندی را درباره حدود سیصد نوع ماده معدنی ذکر کرده است.

وی در این کتاب به شرح فلزها و جواهرهای قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا می‌پردازد و ویژگی‌های فیزیکی ماند بو، رنگ، نرمی و زبری حدود ۳۰۰ نوع کانی و مواد دیگر را شرح می‌دهد و نظریه‌ها و گفتارهای دانشمندان یونانی و اسلامی را درباره آن‌ها بیان می‌کند.

الصیدنه فی الطب: این کتاب درباره داروهای گیاهی و خواص و طرز تهیه آن‌ها نوشته شده است.

آثار الباقیه عن القرون الخالیه (اثرهای مانده از قرن‌های گذشته): ابوریحان در این کتاب مبدأ تاریخ‌ها و گاهشماری اقوام مختلف را مورد بحث و بررسی قرار داده است. از جمله این اقوام - ایرانی‌ها - یونانی‌ها - یهودی‌ها - مسیحی‌ها عرب‌های زمان جاهلیت و عرب‌های مسلمان نام برده و درباره اعیاد هر یک به تفصیل سخن گفته است. این کتاب را می‌توان نوعی تاریخ ادیان دانست. آثار الباقیه عن القرون الخالیه ابوریحان بیرونی با تصحیح عزیزالله علیزاده توسط نشر فردوس تهران در سال ۱۳۹۰ در ۵۶۰ صفحه همراه با نمایه و واژه نامه منتشر شده است.

استیعاب الوجوه الممكنة فی صناعة الاضطراب: در باب ارائه روش‌های مختلف ساخت انواع اضطراب است.

### ترجمه‌ها

بیرونی بر اثر سفرهای بسیار به هند به زبان‌های هندی و همچنین سانسکریت چیره بود و کتاب‌های مختلفی را از هندی به عربی ترجمه کرد که عبارتند از: سیدهانتا، الموالید الصغیر، کلبیاره.

او همچنین داستان‌هایی را از پارسی به عربی ترجمه کرده‌است. از جمله این داستان‌ها می‌توان شادبهر (حدیث قسیم السرور)، عین الحیات، داستان اورمزدیار و مهریار و همچنین داستان سرخ‌بت و خنگ‌بت (حدیث صنمی البامیان) را نام برد.

### در فرهنگ عامه

دولت جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۹ به عنوان نشانی از پیشرفت علمی صلح‌آمیز ساختمان-مجسمه‌ای به شکل چهارتاقی که ترکیبی از سبک‌های معماری و تزئینات هخامنشی و اسلامی در آن دیده می‌شود را به دفتر سازمان ملل متحد در وین هدیه داد که در محوطه آن در سمت راست ورودی اصلی قرار داده شده‌است. در این چهارتاقی مجسمه‌هایی از چهار فیلسوف ایرانی خیام، ابوریحان بیرونی، زکریا رازی و ابوعلی سینا قرار دارد.



### اکتشافات و اختراعات و تحقیق‌ها

- استخراج جیب یک درجه
- قاعده تسطیح کره و ترسیم نقشه‌های جغرافیایی
- چاه آرتزین؛ این کشف را به موسیو زله منسوب کرده‌اند اما در واقع از اکتشافات ابوریحان بوده و سالها پیش در کتاب آثار الباقیه آمده بود.
- ترازوی ابوریحان، که یکی از دقیق‌ترین ترازوهای تاریخ علم جهان است.
- حرکت خاصه وسطی خورشید
- خاصیت فیزیک الماس و زمرد
- جزر و مد رودها و نهرها
- چشمه‌های متناوب
- اشکال هندسی گلها و شکوفه‌ها
- امکان خلأ
- کیفیت و چگونگی ساختن عسل توسط زنبور عسل
- رصد خسوف و کسوف
- مقدار حرکت دوری ثوابت

- تحقیق در تأسیس دولت ساسانیان
- اطلاعات دقیق و کشف سلسله هخامنشیان
- تصاعیف خانه‌های شطرنج
- ساختن کره جغرافیایی
- ساختن آلات و ابزارهای رصدی همانند سه میله، شاغول ...
- طرح نظریاتی درباره وجود قاره آمریکا
- قاعده یافتن سمت قبله و ساختن محراب مساجد



ابوزید بلخی

|               |                                                                                                                      |
|---------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زاده          | ۸۵۰ شامیستیان، بلخ، خراسان هم اکنون شمال افغانستان                                                                   |
| درگذشته       | ۹۳۴                                                                                                                  |
| دوره          | دوران طلایی اسلام                                                                                                    |
| منطقه         | ایران                                                                                                                |
| مکتب          | دانش و فناوری در ایران، علوم اسلامی، جغرافیایی اسلامی، ریاضیات در جهان اسلام، پزشکی در جهان اسلام، روان شناسی اسلامی |
| مهمترین علایق | جغرافیا، ریاضیات، پزشکی، علوم اعصاب، روان شناسی، علم                                                                 |
| متأثر از      | قرآن، محمد، ابویوسف کندی                                                                                             |
| اثرگذار بر    | زکریای رازی، ابن سینا، ژوزف ولیی، اصطخری، ابن حوقل، محمد مقدسی                                                       |

ابوزید احمد بن سهل بلخی (در حدود ۳۲۲ قمری) جغرافی‌دان، ریاضی‌دان، از پیروان فرقه امامیه و شاگرد کندی بود. وی نویسنده‌ای بسیار نویس و آگاه به دانش‌های زمان خود بود.

تألیفات او در فلسفه بیشتر به بحث کلامی اختصاص داشت و اهمیت او بیشتر در این است که حکمت و شریعت را جمع و آن دو را به یکدیگر نزدیک کرده بود.

او را به الحاد متهم کردند و ابوالقاسم بلخی درباره او گفته بود که ابوزید مظلوم است و من او را از دیگران بهتر می‌شناسم و اتهامات او به جهت دانش او به منطق است، در حالی که ما هر دو منطق خواندیم و بحمدالله ملحد نشدیم (ابن ندیم، ۱۵۳). از جمله کتابهای او اثری به نام اجوبه ابی‌القاسم الکعبی است (یاقوت، ادبا، ۳/۶۷) که ظاهراً در پاسخ سؤالات ابوالقاسم بلخی از او بوده است.

#### پیشینه

ابوزید احمد بن سهل بلخی در شامستیان بلخ (از رستاق غربنکی از جمله دوازده نهر بلخ) زاده شد، در ۹۳۴ میلادی درگذشت. پدر او از مردم سیستان و معلم صبیان در روستای شامستیان بود.

تخصص ابوزید در فلسفه و علم کلام بود. وی کتاب‌های معتبری در این دو موضوع و همچنین در علوم دیگر مانند ستاره‌شناسی و جغرافی داشت. از آثار متعددی که در الفهرست به نام او ثبت شده دو کتاب فضیلة علوم الرياضیات، و کتاب اختیارات السیر معروف تر است، صورالاقالیم او بیشتر شامل نقشه‌های جغرافیایی بود. البدء والتاریخ که قبلاً بدو نسبت داده می‌شد، در واقع در ۹۶۶ میلادی به وسیله مطهر بن طاهر مقدسی تألیف شده است.

+++++

#### ابوسعید ابوالخیر

دانشمند و صوفی مسلمان  
سده چهارم و پنجم هجری



ابوسعید فضل الله بن احمد بن محمد بن ابراهیم

نام:

شیخ ابوسعید ابوالخیر مهنه‌ای

عنوان:

۱ محرم ۳۵۷

شنبه، ۲۱ آذر ۳۴۶

زادروز:

۷ دسامبر ۹۶۷

میهنه، ابیورد جزء ربع نیشابور

۴ شعبان ۴۴۰

۲۸ دی ۴۲۷

۱۲ ژانویه ۱۰۴۹

مرگ:

میهنه، ابیورد جزء ربع نیشابور

نیشابور، خراسان، میهنه، مرو و سرخس

منطقه:

سنت مدرسه‌ای: تصوف

زمینه‌های

فلسفه، تصوف، فقه، اخلاق، حدیث

فعالیت:

ایده‌های قابل‌ذکر: از مبتکرین قالب رباعی در شعر فارسی - وحدت وجود.

اسرار التوحید. رباعیات ابوسعید ابوالخیر

آثار:

ابوالفضل سرخسی و ابوالعباس قصاب آملی

تأثیرپذیران:

قاضی صاعد، ابن سینا

تأثیرگذاران:

ابوسعید فضل‌الله بن احمد بن محمد بن ابراهیم (ابوسعید فضل‌الله بن ابوالخیر احمد) مشهور به شیخ ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰ قمری) عارف و شاعر نامدار ایرانی تبار قرن چهارم و پنجم است. ابوسعید ابوالخیر در میان عارفان مقامی بسیار ممتاز و استثنایی دارد و نام او با عرفان و شعر آمیختگی عمیقی یافته‌است. چندان که در بخش مهمی از شعر پارسی چهره او در کنار مولوی و خیام قرار می‌گیرد، بی آنکه خود شعر چندان سروده باشد. در تاریخ اندیشه‌های عرفانی در صدر متفکران این قلمرو پهناور در کنار حلاج، یازید بسطامی و ابوالحسن خرقانی به شمار می‌رود. همان کسانی که سهروردی آنها را ادامه دهندگان فلسفه باستان و تداوم حکمت خسروانی می‌خواند. از دوران کودکی نبوغ و استعداد او بر افراد آگاه پنهان نبوده‌است.

زندگی

شیخ ابوسعید ابوالخیر از عارفان بزرگ و مشهور اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری در اول محرم ۳۵۷ قمری در میهنه متولد گردید و در روز پنجشنبه (شب آدینه) ۴ شعبان ۴۴۰ قمری در زادگاهش دیده از جهان فرو بست. میهنه، زادگاه و محل دفن ابوسعید ابوالخیر، ناحیه‌ای بین سرخس و ابیورد، اکنون شهرکی در خاک حواریزم (ترکمنستان) در ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرقی عشق آباد، مقابل چهچه در خاک ایران است.

او سالها در مرو و سرخس فقه و حدیث آموخت تا در یک حادثه مهم در زندگی اش درس را رها کرده و به جمع صوفیان پیوست و به وادی عرفان روی آورد. شیخ ابوسعید پس از اخذ طریقه تصوف در نزد شیخ ابوالفضل سرخسی و ابوالعباس آملی به دیار اصلی خود (میهنه) بازگشت و هفت سال به ریاضت پرداخت و در سن ۴۰ سالگی به نیشابور رفت. در این سفرها بزرگان علمی و شرعی نیشابور با او به مخالفت برخاستند، اما چندی نگذشت که مخالفت به موافقت بدل شد و مخالفان وی تسلیم شدند.

او تمام عمر خویش را در تربیت مریدانش سپری کرد. نوه شیخ ابوسعید ابوالخیر، محمد منور، در سال ۵۹۹ کتابی به نام اسرار التوحید درباره زندگی و احوالات شیخ نوشته‌است. ابوسعید عاقبت در میهنه در شب آدینه ۴ شعبان سال ۴۴۰ قمری، درگذشت.

دیدگاه‌ها نسبت به ابوسعید

ابن سینا پس از دیدار با ابوسعید گفته است:

هر چه من می‌دانم او می‌بیند.

متن رباعی:

ایزد که جهان به قبضه قدرت اوست دادست ترا دو چیز کان هر دو نکوست

هم سیرت آنکه دوست داری کس را هم صورت آنکه کس ترا دارد دوست

هرمان اته، خاورشناس نامی آلمانی درباره شیخ ابوسعید ابوالخیر می‌نویسد:

وی نه تنها استاد دیرین شعر صوفیانه به‌شمار می‌رود، بلکه صرف نظر از رودکی و معاصرانش، می‌توان او را از مبتکرین رباعی، که زاینده طبع است، دانست. ابتکار او در این نوع شعر از دو لحاظ است: یکی آن که وی اولین شاعر است که شعر خود را منحصرأً به شکل رباعی سرود. دوم آنکه رباعی را بر خلاف اسلاف خود نقشی از نو زد، که آن نقش جاودانه باقی ماند. یعنی آن را کانون اشتعال آتش عرفان وحدت وجود قرار داد و این نوع شعر از آن زمان نمودار تصورات رنگین عقیده به خدا در همه چیز بوده است. اولین بار در اشعار اوست که کنایات و اشارات عارفانه به کار رفته، تشبیهاتی از عشق زمینی و جسمانی در مورد عشق الهی ذکر شده و در این معنی از ساقی بزم و شمع شعله‌ور سخن رفته و سالک راه خدا را عاشق حیران و جویان، می‌گسار، مست و پروانه دور شمع نامیده که خود را به آتش عشق می‌افکند.

دیدار با ابن سینا

داستان ملاقات او با ابن سینا که در کتاب اسرار التوحید آمده بسیار معروف است:

خواجه بوعلی [سینا] با شیخ در خانه شد و در خانه فراز کردند و سه شبانه روز با یکدیگر بودند و به خلوت سخن می‌گفتند که کس ندانست و نیز به نزدیک ایشان در نیامد مگر کسی که اجازت دادند و جز به نماز جماعت بیرون نیامدند، بعد از سه شبانه روز خواجه بوعلی برفت، شاگردان از خواجه بوعلی پرسیدند که شیخ را چگونه یافتی؟ گفت: هر چه من می‌دانم او می‌بیند، و متصوفه و مریدان شیخ چون به نزدیک شیخ درآمدند، از شیخ سؤال کردند که ای شیخ، بوعلی را چون یافتی؟ گفت: هر چه ما می‌بینیم او می‌داند.

چهار رباعی

من بی تو نمی‌توانم کرد احسان ترا شمار نتوانم کرد

گر بر سر من زبان شود هر مویی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد

از واقعه‌ای ترا خبر خواهم کرد و آنرا به دو حرف مختصر خواهم کرد

با عشق تو در خاک نهان خواهم شد با مهر تو سر ز خاک بر خواهم کرد

گفتم: چشمم، گفت: به راهش می‌دار گفتم: جگرم، گفت: پر آهش می‌دار

گفتم که: دلم، گفت: چه داری در دل  
 گفتم: غم تو، گفت: نگاهش می‌دار  
 دیشب که دلم ز تاب هجران می‌سوخت  
 اشکم همه در دیده گریان می‌سوخت  
 می‌سوختم آن چنان که غیر از دل تو  
 بر من دل کافر و مسلمان می‌سوخت.

او خود می‌گوید: «آن وقت که قرآن می‌آموختم پدرم مرا به نماز آدینه برد. در راه شیخ ابوالقاسم که از مشایخ بزرگ بود پیش آمد، پدرم را گفت که ما از دنیا نمی‌توانستیم رفت زیرا که ولایت را خالی دیدیم و درویشان ضایع می‌ماندند. اکنون این فرزند را دیدم، ایمن گشتم که عالم را از این کودک نصیب خواهد بود.» نخستین آشنایی ابوسعید با راه حق و علوم باطنی به اشاره و ارشاد همین شیخ بود. چنان‌که خود ابوسعید نقل می‌کند که شیخ به من گفتند: ای پسر خواهی که سخن خدا گویی گفتم خواهم. گفت در خلوت این شعر می‌گویی:

من بی تو دمی قرار نتوانم کرد  
 احسان تو را شمار نتوانم کرد  
 گر بر سر من زبان شود هر مویی  
 یک شکر تو از هزار نتوانم کرد

همه روز این بیت‌ها می‌گفتم تا به برکت این ابیات در کودکی راه بر من گشاده شد. ابوسعید در فرهنگ شرق زمین شبیه سقراط است. گرچه عملاً در تدوین معارف صوفیه اثر مستقلی به جای نگذاشته‌است با این همه در همه جا نام و سخن او هست. چندین کتاب از بیانات وی به وسیله دیگران تحریر یافته و دو سه نامه سودمند مهم که به ابن سینا فیلسوف نامدار زمان خود نوشته‌است از او بر جا مانده‌است.

آثار

کتاب‌هایی که براساس سخنان ابوسعید تألیف شده‌است عبارتند از:

- اسرار توحید فی مقامات شیخ ابی سعید تألیف محمدبن منور
- رساله حالات و سخنان شیخ ابوسعید گردآورنده: ابوروح لطف‌الله نوه ابوسعید
- سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر

به رغم اینکه وی در معارف صوفیه اثری مهمی تألیف نکرده‌است اما از شواهد و قرائن برمی‌آید که در ذهن ابوسعید، یک جهان بینی عرفانی، به صورت کل و منظم شکل یافته بود.

سخنان و داستان‌هایی درباره ابوسعید

ابوسعید همچون حلقه استواری زنجیره سنت‌های عرفانی قبل از خودش را به حلقه نسل‌های بعد از خویش پیوند می‌دهد. وی تصوف را عبارت از آن می‌داند که: «آنچه در سرداری بنهی و آنچه در کف داری بدهی و آنچه بر تو آید نجهی.» با اینکه در روزگار حیاتش مورد هجوم متعصبان مذهبی بود و اتهام لابی‌الگیری‌های او در همان عصر حیاتش تا اسپانیای اسلامی یعنی اندلس رفته بود.

ابن خرم اندلسی در زمان حیات او در باب او می‌گوید: «شنیده‌ایم که به روزگار ما در نیشابور مردی است از صوفیان با کنیه ابوسعید ابوالخیر که گاه جامه پشمینه می‌پوشد، و زمانی لباس حریر که بر مردان حرام است، گاه در روز هزار رکعت نماز می‌گذارد و زمانی نه نماز واجب می‌گزارد نه نماز مستحبی و این کفر محض است. پناه بر خدا از این گمراهی.» با وجود این قدیس دیگری را نمی‌شناسیم

که مردم تا این پایه شیفته او باشند و چهره او به عنوان رمز اشراق و اشراف بر عالم غیب به گونه نشانه و رمزی درآمده باشد آن گونه که بوعلی رمز دانش و علوم رسمی است.

ابوسعید نسبت به دو صوفی قبل از خودش بایزید بسطامی و حلاج که در تاریخ عرفان مهم‌ترین مقام را دارند، اراداتی خاص داشته‌است. وی در محیطی که اکثریت صوفیان، حلاج را کافر می‌دانستند و گروهی مانند امام قشیری در باب او با احتیاط و سکوت برخورد می‌کردند او را به عنوان نمونه عیار و جوانمردی می‌دانست که به گفته خودش در اسرار التوحید «در علوم حالت در مشرق و مغرب کسی چون او نبود.» وی در فقه و کلام و منطق و حدیث و تفسیر و دیگر علوم رایج عصر از چهره‌های ممتاز به شمار می‌رفته‌است. ابوسعید بزرگ‌ترین علمای عصر از قبیل ابوعلی زاهدین احمدفیه و قفال مروزی و ابو عبدالله خضری سال‌های دراز به تحصیل علوم اشتغال داشته‌است. از جمع استادان او که بگزریم وی با عده زیادی از فقها و محدثین و ادیبان و شاعران عصر خود روابط دوستانه و عادلانه داشته‌است. نه تنها داستان‌های اسرار التوحید بلکه اسناد تاریخی غیرصوفیانه نیز گواهند بر اینکه علمای بزرگی چون ابو محمد جوینی پدر امام الحرمین که از بزرگ‌ترین علمای نیشابور در این عصر بود با وی روابط دوستی داشته‌است.

ابوسعید در تاریخ چهارم شعبان ۴۴۰ هجری در میهنه وفات یافت. مدفن وی در مشهد در برابر سرایش قرار دارد. شیخ را گفتند: (به شیخ ابوسعید ابوالخیر گفتند) "فلان کس بر روی آب می‌رود (راه می‌رود)! گفت: «سهل است (آسان است)! وز غی (قورباغه) و صعوه‌ای (پرنده کوچک آوازخوان) نیز بروی آب می‌رود» گفتند که: «فلان کس در هوا می‌پرد!» گفت: «ز غنی (نوعی پرنده از راسته بازهاست) و مگسی در هوا بپرد». گفتند: "فلان کس در یک لحظه از شهری بشهری می‌رود. شیخ گفت: "شیطان نیز در یک نفس (یک لحظه) از مشرق بمغرب می‌شود (می‌رود)، این چنین چیزها را بس (بسیار) قیمتی (ارزش) نیست. مرد (انسان واقعی) آن بود (آن کس می‌باشد) که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخسبد (بخوابد) و با خلق ستوداد کند (معامله) و با خلق در آمیزد (در ارتباط باشد) و یک لحظه از خدای غافل نباشد.

هرمان اته، خاورشناس آلمانی او را یکی از مبتکرین قالب رباعی در زبان فارسی دانسته‌است.

آرامگاه ابوسعید ابوالخیر در ۵ کیلومتری شمال شهرک مهنه، زادگاه وی، ناحیه‌ای بین سرخس و ابپورد، خوارزم (ترکمنستان) در ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرقی عشق آباد، مقابل چهچه در خاک ایران است.

مقبره‌ای در روستای مهنه از توابع شهرستان مه ولات (در حوالی شهرستان تربت حیدریه) واقع در استان خراسان رضوی را به ابوسعید ابوالخیر نسبت داده‌اند. بنای این مقبره در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی تربت حیدریه و ۷ کیلومتری فیض آباد در روستایی به نام مهنه قرار دارد که به اعتقاد برخی مدفن شیخ ابوسعید ابی‌الخیر پیرمهنه‌است. مؤلف اسرار التوحید به صراحت محل دفن شیخ را مهنه خاوران ذکر کرده‌است که در حال حاضر این نقطه خارج از مرزهای ایران واقع می‌باشد.

کرامت

کرامت نیز در جهان بینی عرفانی ابوسعید نه بر آب رفتن است، نه بر هوا پریدن و نه طری ارض کردن. کراماتی که به او نسبت داد، یا از او نقل کرده‌اند، همگی از نوع فراست و آگاهی از ضمیر دیگران بوده است. وی به این خاصیت در تاریخ تصوف مثل شده است، زیرا که سرتاسر زندگی خانقاهی او پر است از ضمیر خوانی‌ها و فراست‌هایی که منکران را در حق او به اقرار و قبول وامی داشته است. بیشتر مشایخ صوفیه او را به این صفت ممتاز دانسته و از او با عنوانهای «آگاه بر همه سینه‌ها»، «فارس غیوب» و «جاسوس و یا حارس القلوب» و حتی «مشرق الضمائر» یاد کرده‌اند.

اشعار

|                                 |                               |
|---------------------------------|-------------------------------|
| کارم بیکی طرفه نگار افتادا      | وا فریادا ز عشق وا فریادا     |
| خلفی بهزار دیده بر من بگریست    | دیروز که چشم تو بمن در نگریست |
| گفتم: جگرم، گفت: پر آهش میدار   | گفتم: چشمم، گفت: براهش میدار  |
| از شرم گنه فگندهام سر در پیش    | دارم گنهان ز قطره باران بیش   |
| من دل ندهم به کس برای دل تو     | وی لعل لبث گره گشای دل من     |
| سنگی چوبی گزی خدنگی تیری        | این زاغوشان بسی پریدند بلند   |
| وز شخص احد به ظاهر آمد احمد     | بی شک الفست احد، ازو جوی مدد  |
| چون خاک شدی پاک شدی لاجرما      | چون نیست شدی هست ببودی صنما   |
| و آنکه نشسته صحبت مردانت آرزوست | در هیچ وقت خدمت مردی نکرده‌ای |

أبو عبد الله محمد بن موسى الخوارزمي



نگاره‌ای از محمد بن موسی خوارزمی

زادروز      قبل از ۱۸۵ قمری"  
خوارزم

درگذشت      پس از ۲۳۳ قمری، ۸۵۰ میلادی

|                |                                              |
|----------------|----------------------------------------------|
| محل زندگی      | خراسان                                       |
| نام‌های دیگر   | الخوارزمی                                    |
| پیشه           | فیلسوف و منجم و ریاضیدان و جغرافی دان و مورخ |
| سال‌های فعالیت | اواخر سده دوم و اوایل سده سوم قمری           |
| لقب            | شیخ‌الرئیس                                   |
| دوره           | عباسیان                                      |
| دین            | اسلام                                        |
| مذهب           | اهل تسنن                                     |

ابوجعفر محمد بن موسای خوارزمی (زاده حدود سال ۷۸۰ میلادی و درگذشته ۸۵۰ میلادی) ریاضیدان، ستاره‌شناس، فیلسوف، جغرافیدان و مورخ شهیر ایرانی در دوره عباسیان است.

وی در حدود سال ۷۸۰ میلادی (قبل از ۱۸۵ قمری) در خوارزم زاده شد. این ندیم و قفطی اصالت او را از خوارزم می‌دانند. لقب وی معمولاً اشاره به شهر خوارزم دارد که همان خیوه کنونی واقع در جنوب دریایچه آرال مرکزی است. شهرت علمی وی مربوط به کارهایی است که در ریاضیات، به‌ویژه در رشته جبر، انجام داده به طوری که هیچیک از ریاضیدانان سده‌های میانه مانند وی در فکر ریاضی تأثیر نداشته‌اند و وی را «پدر جبر» نامیده‌اند. جرج سارتن، مورخ مشهور علم، در طبقه‌بندی سده‌ای کتاب خود مقدمه‌ای بر تاریخ علم سده نهم میلادی را «عصر خوارزمی» می‌نامد.

خوارزمی ریاضی‌دان بنام قرون وسطی است که حاصل تحقیقات و تألیفات او هنوز مورد استفاده می‌باشد و کتاب جبر و مقابله او را بسیاری از مترجمان مشهور قرون وسطی ترجمه کرده‌اند. بیشترین چیره دستی وی در حل معادله‌های خطی و درجه دوم بوده است. کتاب Algoritmi de numero Indorum که ترجمه کتاب جمع و تفریق با عددهای هندی او به لاتین است باعث شد تا دستگاه عددی در اروپا از عددنویسی رومی به عددنویسی هندی-عربی تغییر یابد؛ چیزی که هنوز نیز در اروپا و دیگر نقاط جهان فراگیر است. واژه جبر را اروپائیان بطور کلی از کتاب خوارزمی و اصطلاح امروزی الگوریتم (Algorithmus) از نام خوارزمی گرفته شده است. به هنگام خلافت مامون، وی عضو دارالحکمه که مجمعی از دانشمندان در بغداد به سرپرستی مامون بود، گردید. خوارزمی کارهای دیوفانت را در رشته جبر دنبال کرد و به بسط آن پرداخت.

زندگی خوارزمی

اگرچه خوارزمی صاحب آثار متعدد و فراوان در زمینه‌های گوناگون علمی است، ولی با این وجود از شرح زندگانی وی کمتر آگاهی‌های قابل اعتمادی یافت می‌شود و عمده مطالعات براساس زندگی علمی وی و بیشتر توجه به آثار او بدون در نظر گرفتن شخص مولف معطوف بوده است. تولد وی را از حدود ۱۶۴ هجری قمری تا ۱۸۴ هجری قمری - به اختلاف - ذکر کرده‌اند و مرگ وی به سال ۲۳۲ هجری قمری قابل اعتمادتر است. همانطور که از نام وی بر می‌آید، باید در شهر خوارزم به دنیا آمده باشد، اما به گفته طبری که در پسوند نام محمدبن موسی الخوارزمی عنوان فُطُر بُلّی را نیز افزوده، بعید نیست در جایی میان دجله و فرات زاده شده باشد و به واسطه پدران و اجداد خویش به خوارزم منتسب است. همچنین طبری به وی لقب «المجوسی» می‌دهد که نسبت او را به مغان زرتشتی می‌رساند و گمان می‌رود پدران او و حتی خودش، باید تا مدتی بر این دین و آیین بوده باشند. با این حال از اسلام آوردن خوارزمی هم یقین حاصل شده چرا که در مقدمه کتاب جبرش از خویش تصویر مردی معتقد و متعصب به دین اسلام را معرفی می‌کند. وی در رساله جبر و المقابله خود آورده است:

« خدایی که محمد (ص) را روزگاری به پیامبری فرستاد که پیوند مردم با پیامبران گسسته شد و حق ناشناخته ماند... ؛ پیامبری که با آمدنش کوردلان بینا شدند و گمراهان از هلاکت رهایی یافتند... ؛ خدا بر محمد و خاندانش درود فرستد »

از این کلام بر می‌آید که وی هنگام تألیف این کتاب مسلمان بوده است. بنابه نظر طبری وی سخت پایبند به مذهب تسنن بوده و در ایام خلافت مامون نیز عضو دارالحکمه بغداد بوده است. به نظر می‌رسد خوارزمی از خانواده‌های ماوراءالنهری و خراسانی بوده باشد که هنگام بنای شهر بغداد به دست منصور خلیفه عباسی در آنجا رحل اقامت افکنده و به نواحی قطربل و شاید به روستای دیرالمجوس (وطن علی بن عباس مجوسی، طبیب قرن چهارم هجری) منسوب شده است که علاوه بر نسب خوارزمی، قطربلی و مجوسی هم خوانده می‌شود.

#### شرایط دوران خوارزمی



تندیس خوارزمی در روبرو دانشکده ریاضی دانشگاه امیرکبیر

پس از سقوط امویان در ۱۳۲ هجری قمری و روی کار آمدن عباسیان، ایرانیان که در پیروزی عباسیان نقش اصلی را داشتند برای نخستین بار مناصب مهم و حساسی را در دستگاه خلافت به دست گرفتند. توجه خاص ایرانیان به ریاضیات، نجوم، پزشکی، فلسفه و دیگر شاخه‌های علوم عقلی موجب شد که خلفای عباسی نیز تحت نفوذ وزیران و کارگزاران ایرانی خود، اندک اندک به حمایت از دانشمندان علاقه‌مند گردند. چند سالی پیش از زاده شدن خوارزمی، و در سال ۱۶۰ قمری، هارون، خلیفه مقتدر عباسی به خلافت رسید. در زمان هارون خاندان ایرانی برمکیان، که سابقه‌ای کهن در

پرداختن به علوم و حمایت از دانشمندان داشتند، به قدرت و اعتباری کم‌نظیر دست یافتند. برمکیان از همه امکانات خود برای ترجمه آثار علمی از زبان‌های پهلوی یا همان فارسی میانه (زبانی که پیش از فارسی دری دست کم تا سده دوم هجری در ایران رواج داشت)، یونانی و سریانی (زبان کهن مردم سوریه) و پیشبرد پژوهش‌های علمی و فلسفی بهره بردند.

کوشش‌های برمکیان موجب شد مسلمانان گام‌های بلندی را در زمینه علوم مختلف بردارند. اما افزایش روز به روز شهرت و قدرت برمکیان، نگرانی هارون و دیگر بزرگان خاندان عباسی را برانگیخت و در نتیجه هارون در اواخر دوره خلافت خود (سال ۱۸۷ قمری) برخی افراد این خاندان را کشت و بقیه را زندانی کرد. ۶ سال بعد هارون درگذشت و فرزندش امین به خلافت رسید. دوران کوتاه خلافت امین نیز سراسر به جنگ و خونریزی گذشت. نابودی برمکیان، مرگ هارون و ناآرامی‌های دوره خلافت توقی کوتاه در روند پیشرفت علمی مسلمین ایجاد کرد. اما در سال ۱۹۸ قمری، با به خلافت رسیدن مامون که در محیطی ایرانی رشد کرده بود و فرهنگ ایرانی تأثیر بسیاری بر او گذارده بود، توجه به پژوهش‌های علمی به مراتب بیش از روزگار هارون شد.

به طور کلی دوران عباسیان، شاهد رشد فعالیت‌های علمی و تحقیقی در همه زمینه‌هایی بود که به دین و دنیای مسلمانان بر می‌گشت. آشنایی مسلمین با علم و یا مباحث مربوط به کلام در واقع از عهد اموی نشأت و اساس گرفت و این عهد بود که در طی آن، در عراق و شام و مصر، کسانی که با علم و فلسفه یونان و هند و ایران آشنایی داشتند به اسلام گرویدند و یا به خدمت خلفاء و حکام مسلمان در آمدند. اگر چه سقاح نخستین خلیفه عباسی - ۱۳۲ تا ۱۳۶ ه. ق توجهی به علوم نداشت و اما فعالیت‌های علمی در حکومت بنی عباس در واقع از زمان خلافت منصور و بنای شهر بغداد شروع و گسترش یافت. منصور به نجوم، طب و کیمیا علاقه داشت تا جایی که بدون مشورت با ستاره شناسان به کاری دست نمی‌زد. بدین گونه بود که نوبخت اخترشناس ایرانی و ماشاء الله یهودی ایرانی به‌مراه وزیر منصور به بغداد نزدیک شده و نقشه شهر را طراحی کردند. هارون موقعی به خلافت نشست که مسلمانان با اندیشه و آثار یونانیان و ایرانیان آشنا شده بودند و مترجمان بسیاری را در رشته‌های گوناگون در محلی به نام بیت الحکمه مأمور ترجمه کتب کرده بودند.

در این هنگام بود که محمد بن موسی خوارزمی برای استفاده از کتب، مطالعه و تحقیق به بیت الحکمه می‌آمد چون آنجا هم کتابخانه و هم مرکز ترجمه، تألیف و تحقیقات علمی شده بود. لازم است ذکر شود که بیت الحکمه یا خزانه الحکمه به تقلید از دارالعلم جندی شاپور (در دوره ساسانیان) ایجاد شد. این مرکز نخستین بار در عهد هارون الرشید تاسیس شد و در عهد مامون به کمال رسید. ظاهراً فعالیت اصلی آن ترجمه آثار علمی و فلسفی یونانی الاصل بود. بدین ترتیب در آنجا کتابخانه‌ای به نام خزانه الحکمه تاسیس شد، که همه کتابخانه خلافتی در اختیار و کنترل خوارزمی بود.

#### دستاوردهای خوارزمی

گویند قبل از اینکه محمد بن موسی خوارزمی در دارالحکمه مستقر شود او را به سرزمین هند فرستادند تا حساب هندی را بیاموزد خوارزمی پس از بازگشت از هند دو اثر «حساب الهند» و دیگری «الجبر و المقابله» را نگاشت. وی نتایجی را که یونانیان و هندیان بدست آورده بودند را تلفیق کرد و بدین ترتیب سبب انتقال مجموعه‌ای از معلومات جبری حسابی شد که در ریاضیات قرون وسطی تأثیر عمیقی گذاشت.

خوارزمی در دربار مامون عباسی بسیار مورد توجه قرار داشته، وی بزرگترین ریاضیدان دربار و از منجمین و مشاورین رصد‌های بیت‌الحکمه عباسی به حساب می‌آمده. گویند مامون بخش‌های مربوط به هند را بدو واگذار کرده بود که این نشان از آشنایی وی به علوم و سرزمین‌های هند دارد. وی همچنین

مسئول تهیه اطلسی از نقشه‌های آسمان و زمین بود. شاید وی از جمله کسانی بوده که در اندازه‌گیری طول نصف النهار کره زمین در دشت سنجار شرکت داشته است.

واثق خلیفه از قراری که ابن خردادبه حکایت می‌کند تحت تأثیر ذوق کنجکاوی، محمد بن موسی خوارزمی منجم را با عده‌ای به بیزانس فرستاد تا درباره محل غاری که می‌گویند اصحاب کهف در آنجا مدفون شده‌اند تحقیق کند.

### پایه‌گذاری علم جبر و مقابله

محمد بن موسی خوارزمی در قرن سوم هجری، علمی را برای نخستین بار صورتبندی و تدوین کرد که خود آنرا «الجبر و المقابله» نامید، علمی که تمام شرایط یک دانش واقعی را داشت، یعنی همان که اروپاییان از آن به «ساینس» تعبیر می‌کنند. این ریاضی‌دان توانست با این دانش تمام معادلات درجه دوم زمان خود را حل و راه را برای حل معادلات درجه بالاتر هموار کند.

“یک موضوع تاریخی را امروزه نمی‌توان انکار کرد و آن این است که محمد بن موسی خوارزمی، معلم واقعی ملل اروپایی جدید در علم جبر بوده است”

آریستید مار پژوهشگر برجسته فرانسو

بر اساس الواح بابلی و آثار برجای‌مانده از محاسبه‌گران هندی در عهد باستان، مردمان بابل و هند به حل حالات خاصی از معادلات درجه دوم موفق شده بودند، اما آن‌ها راه حل‌های خود را فقط به صورت دستور ارائه کردند؛ یعنی این راه حل‌ها، که برای رفع نیازهای زندگی روزمره آنان ارائه شده بودند و نه به منظور گسترش دانش ریاضی، فاقد براهین علمی بودند. ابتکار خوارزمی در آن است که وی نخست همه معادلات درجه دوم شناخته‌شده زمانش را بررسی می‌کند؛ در مرحله دوم روش حل هریک از آن‌ها را ارائه می‌دهد؛ سرانجام در مرحله سوم، این روش‌ها را با کمک علم هندسه اثبات می‌کند؛ مؤلفه‌هایی که در مجموع علم جدیدی به نام «جبر» را تشکیل می‌دهند. این علم، که از طریق ترجمه‌های لاتینی کتاب خوارزمی در قرون وسطی به اروپا راه یافت، هم در قرون وسطی و هم در عصر رنسانس تحول بزرگی در علم ریاضیات را موجب شد، چنان‌که در قرن شانزدهم میلادی نیکولو تارتالیا و کاردان، ریاضی‌دانان ایتالیایی که با ترجمه لاتینی جبر و مقابله، آشنا بودند روش این ریاضی‌دان ایرانی را برای حل معادله درجه سوم تعمیم دادند و بدین ترتیب گام دیگری در گسترش ریاضیات برداشتند.

خوارزمی کارهای دیوفانتوس را در رشته جبر را دنبال کرد و به بسط آن پرداخت با توجه به این ابداع بزرگ ثابت کردند که علم نژاد و فرهنگ نمی‌شناسد و محصول ذهن انسان‌های متفکری است که در این عرصه تلاش می‌کنند. این علم از طریق کتاب وی «المختصر فی حساب الجبر و المقابله» در جهان اسلام شهرت یافت و ریاضیدانان بعد از خود را بشدت تحت تأثیر قرار داد که در سده ۱۲ میلادی به لاتین ترجمه شد.

خوارزمی نخست عدد را به صورت ترکیبی از واحدها توصیف می‌کند، سپس اصطلاحاتی را که در علم جبر به کار می‌روند را تعریف می‌کند. این اصطلاحات عبارتند از «شیء»، «مال»، «عدد» یا «درهم». سپس به تقسیم‌بندی معادلاتی می‌پردازد که از ترکیب‌های مختلف این اصطلاحات با یکدیگر ایجاد می‌شوند. به این ترتیب شش دسته معادله از درجات اول و دوم بدست می‌آید:

- ۱ شیئی‌هایی مساوی با عددی است  $ax=b$
- ۲ مالی مساوی با عددی است  $b^2x^2$

۳ مالی مساوی با شیئی‌هایی است  $=ax^2x^{\wedge}$

۴ مالی به اضافه شیئی‌هایی، مساوی عددی است  $+ax=b^2x^{\wedge}$

۵ مالی به اضافه عددی، مساوی شیئی‌هایی است  $+a=bx^2x^{\wedge}$

۶ مالی مساوی با شیئی‌هایی به اضافه عددی است  $=bx+a^2x^{\wedge}$

جبر خوارزمی کتابی مقدماتی در ریاضیات است که هدف آن بنابه گفته وی فراهم آوردن چیزی است که مردم پیوسته درباره مسائل ارث و وصیت و تقسیم اموال و املاک و رسیدگی‌های حقوقی و بازرگانی و در انجام دادن معاملات گوناگون با یکدیگر یا در آن هنگام که پای تقسیم کردن زمین و حفر مجاری آب و محاسبات هندسی و غیره میان می‌آید بدان نیاز دارند. در واقع فقط قسمت اول این کتاب را می‌توان مربوط به جبر و مقابله به معنی کنونی این اصطلاح علمی دانست. قسمت دوم کتاب درباره اندازه‌گیری‌های علمی است و قسمت سوم آن به مسائل وصیت و تقسیم ارث اختصاص دارد.

جبر در نگاه خوارزمی همان معادلات درجه اول و علی‌الخصوص درجه دوم است، او نظریه‌ای علمی برای حل معادلات درجه دوم ارائه می‌کند. البته مراد از نظریه علمی حل یک معادله درجه دو برای اولین بار نیست چراکه بابلیان و هندیان پیش از خوارزمی دستورهای برای حل بعضی از معادلات داده بودند.

این محاسبات برای مسائل روزمره مثل تقسیمات زمین بوده و صرفاً نظریه علمی نبوده‌اند. دانش پژوهان بر سر این که چه مقدار از محتوای کتاب از منابع یونانی و هندی و عبری گرفته شده‌است اختلاف نظر دارند. معمولاً در حل معادلات دو عمل معمول است خوارزمی این دو را تنقیح و تدوین کرد و از این راه به وارد ساختن جبر به مرحله علمی کمک شایانی انجام داد. خوارزمی در کتاب خود به جای مجهول درجه اول یعنی (X) از کلمه شیئی به معنی چیز نامعلوم استفاده می‌کند. عیسویان اروپا در اسپانیا هنگامی که کتاب‌های مسلمانان را به زبان خود ترجمه کردند، کلمه عربی «شیئی» را با اندکی تحریف با تلفظ «Xeī» برگرداندند و پس از آنکه نوشتن معادلات به صورت نماد گذاری معمول شد (قرن ۱۶) اروپاییان «X» را به عنوان حرف اول آن واژه به جای مجهول درجه اول اختیار کردند.

### جبر در تاریخ

تاریخچه این علم به بیش از ۳۰۰۰ سال پیش در مصر و بابل برمی‌گردد که در آنجا در مورد حل برخی از معادلات خطی بحث شده است. در هند و یونان باستان نیز، حدود یک قرن پیش از میلاد از روش‌های هندسی برای حل برخی از معادلات جبری استفاده می‌گردیده است. در قرن اول میلادی نیز بحث در مورد برخی از معادلات جبری در آثار دیوفانتوس یونانی و برهماگوپتای هندی دیده می‌شود. کتاب جبر و المقابله خوارزمی، اولین اثر کلاسیک در جبر می‌باشد که کلمه جبر یا Algebra از آن آمده است. خیام دیگر ریاضی‌دان شهیر ایرانی است که در آثار خود جبر را از حساب تمییز داد و گامی بزرگ را در تجرید و پیشرفت این علم برداشت. در قرن ۱۶ میلادی، روش حل معادلات درجه سوم توسط دلفرو و معادلات درجه چهارم توسط فراری کشف گردید.

“قسمتی از معادله را که شامل مقدار منفی است نمی‌توان حذف کرد و به طرف دیگر معادله افزود این عمل را جبر گویند، جمله‌های مشابه را می‌توان از دو طرف معادله حذف کرد این عمل مقابله است”

بهاء الدین عاملی معروف به شیخ بهائی

دو واژه «جبر» و «الگوریتم» که امروزه در ریاضیات تمام ملل جهان راه یافته در واقع برگرفته از ترجمه لاتینی کتاب خوارزمی که اولی از نام کتاب و دومی اسم «الخوارزمی» یعنی الگوریتمی است.

واژه «الجبر» (در فارسی: «جبر») نخستین بار در عنوان کتاب وی به کار رفته و پس از آشنایی اروپاییان با این کتاب با مختصر تغییراتی (مثلاً به صورت algebra در انگلیسی) به زبانهای دیگر راه یافته است. این واژه از ریشه جَبَر در عربی گرفته شده که به معنای شکسته بندی و جُبران است، اما خوارزمی آن را بر عمل افزودن جمله‌های مساوی بر دو سوی یک معادله، برای حذف جمله‌های منفی، اطلاق می‌کند. واژه «مقابله»، که آن هم در عنوان کتاب خوارزمی دیده می‌شود، به معنای حذف مقادیر مساوی از دو طرف معادله است. ابوکامل شجاع بن اسلم (نیمه دوم قرن سوم) نیز مشتقات واژه جبر را به همین معنی به کار می‌برد.



مثلاً برای حل معادله  $20x = 80$  می‌گوید: «صد در هم را با بیست شیء جبر کن و آن را با هشتاد جمع کن. ابوریحان بیرونی عمل جبر را به افزودن مقادیر مساوی به دو کفه ترازو برای حفظ تعادل آن تشبیه می‌کند خواجه نصیرالدین طوسی، غیاث الدین جمشید کاشانیو این غازی مکناسی نیز جبر و مقابله را به همین صورت تعریف کرده‌اند.

#### نظریات خیام و فارابی درباره جبر

در طبقه‌بندی‌های یونانیان از علوم، نام علم جبر جزء علوم ریاضی نیامده است. نخستین کسی که جبر را در طبقه‌بندی علوم داخل کرده فارابی است که در احصاء العلوم خود بخشی را به «علم الحیل» یا «علوم الحیل» اختصاص داده است. این علوم، که فارابی در تعریف آنها می‌گوید:

« علم شیوة چاره جویی است برای کاربرد آنچه وجودشان در ریاضیات با برهان ثابت شده و انطباق آنها با اجسام طبیعی »

سپس قسمتی از آن علم را حیل عددی می‌نامد که: «شامل علمی است در میان مردم زمان ما به جبر و مقابله معروف است» از اینکه فارابی جبر را جزء علوم حیل آورده، معلوم می‌شود که از نظر او هنوز جبر نه علمی برهانی بلکه مجموعه‌ای از شگردها برای استخراج ریشه‌های معادلات شمرده می‌شده است. این دیدگاه به نحوی در طبقه‌بندی ابن سینا از علوم هم منعکس شده است. وی در رساله فی اقسام العلوم العقلیة (ص ۱۲۲) جبر را جزء «اجزاء فرعی (الاقسام الفرعیة) ریاضیات» آورده و آن را، در کنار «عمل جمع و تفريق بر حسب حساب هندی» یکی از «شاخه‌های علم اعداد (من فروع علم العدد)» شمرده است. خیام در رساله جبر و مقابله خود، «صناعت جبر و مقابله» را یکی از «مفاهیم ریاضی» می‌شمارد «که در بخشی از فلسفه که به ریاضی معروف است، بدان نیاز می‌افتد». هرچند خیام در این عبارت در صدد به دست دادن تعریفی جامع و مانع از جبر نیست، اما از نوشته او چنین استفاده می‌شود که جبر اولاً «صناعت» است و ثانیاً جزء علوم ریاضی است. نتیجه کلی سخن وی این

است که جبر در طبقه‌بندی کلی علوم فلسفی قرار می‌گیرد، هرچند او جایگاه آن را در میان این علوم مشخص نمی‌کند. وی همچنین در تعریف جبر می‌نویسد که:

« فن جبر و مقابله فنی علمی است که موضوع آن عدد مطلق و مقادیر قابل سنجش است از آن جهت که مجهول اند ولی مرتبط با چیز معلومی هستند که به وسیله آن می‌توان آنها را استخراج کرد »

بنابراین، در نظر خیام، مقادیر عددی و مقادیر هندسی هر دو می‌توانند ریشه معادلات جبری باشند. او در رساله دیگر خود به نام فی قسمة ربع الدائرة نیز تلویحاً با این فکر که جبر مجموعه‌ای از شگردها («حیله»، توجه کنید که در تقسیم بندی فارابی جبر جزء «علوم الحیل» قرار می‌گیرد) باشد مخالفت می‌کند. خیام می‌نویسد:

« آنکه گمان برده است که جبر حیله‌ای (شگردی) برای استخراج اعداد مجهول است، امر نامعقولی را گمان برده است. ... جبر و مقابله اموری هندسی است که به وسیله اشکال پنجم و ششم مقالة دوم (اصول اقلیدس) مبرهن می‌شود »

به این ترتیب، جبر و مقابله، از نظر خیام، علمی هندسی است و چون هندسی است بُرهانی نیز هست. این اختلاف در جایگاه جبر به دلیل تازگی این علم و دو تصویری است که از آغاز این علم به موازات هم وجود داشته است. در طبقه‌بندی‌های متأخر علم جبر و مقابله «از فروع علم حساب» شمرده شده است. اما باید توجه داشت که این طبقه‌بندی‌ها به دورانی تعلق دارند که دستاوردهای بزرگ علم جبر دوران اسلامی فراموش شده و از آن تقریباً چیزی جز حل شش دسته معادله خوارزمی باقی نمانده بود.

#### رساله حساب خوارزمی

اثر ریاضی دیگری که چندی پس از جبر نوشته شد رساله‌ای است مقدماتی در حساب به نام «الجمع و التفریق» که ارقام هندی (یا ارقام عربی) در آن به کار رفته بود و نخستین کتابی بود که نظام ارزش مکانی را (که آن نیز از هند بود) به نحوی اصولی و منظم شرح می‌داد. این کتاب تنها از طریق ترجمه لاتینی آن به ما رسیده است و نسخه منحصر به فرد این ترجمه به زبان لاتینی و با عنوان Algorithmi numero indorum در کتابخانه دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود. خوارزمی در کتاب حساب خود نشان می‌دهد که چطور می‌توان هر عدد دلخواه را به کمک نه رقم هندسی و صفر نوشت. سپس اعمال مربوط به جمع و تفریق، دو برابر کردن، نصف کردن، ضرب، تقسیم و جذر گرفتن از اعداد صحیح و همچنین عملیات محاسبه‌ای مربوط به کسرها را شرح می‌دهد. خوارزمی جذر اعداد را با شیوه ریاضیدان و منجم قرن پنجم هندی «آریابهاتا» می‌گرفت که براساس مجذور یک دو جمله‌ای قرار داشت. رساله خوارزمی را رابرت اوجستر تحت عنوان «حساب الهند خوارزمی» به زبان لاتینی ترجمه کرده است.



برگی از ترجمه کتاب جمع و تفريق با عدهای هندی  
برگی از جداول زيچ خوارزمی

### نجوم

یکی از کارهای مهم خوارزمی را باید در تلفیق علوم یونانی و هندی دانست. کاری که در جهان اسلام برای نخستین بار توسط وی صورت گرفت و با نظر به اینکه سرزمین ایران و جهان اسلام به شکل حلقه پیوند دهنده‌ای میان شرق و غرب عالم و دنیا‌های اروپاییان و هندیان در میانه ایستاده بوده و با فواصل بعید و شرایط سخت و ناهموار که برای جابجایی انسان‌ها و به تبع آن انتقال فرهنگ‌ها و دانش‌ها وجود داشت، هر زمان اهمیت این خدمت بزرگ در چنان عصر و زمانی برای بشر امروزی بیشتر نمایان می‌شود. خوارزمی در سایر رشته‌های علوم و مخصوصاً نجوم هم کاری جالب و سودمند انجام داد؛ او دو کتاب در اسطرلاب نوشت؛ اطلسی از نقشه آسمان و زمین تهیه کرد؛ و نیز نقشه‌های جغرافیایی بطلمیوس را اصلاح کرد. عنوان کتاب نجومی خوارزمی «زیچ السند هند» است. اصل آن به زبان سانسکریت است که توسط یکی از اعضای هیات سیاسی در عصر منصور عباسی به جهان اسلام انتقال یافت. «زیچ» به معنی دسته‌ای از جداول نجومی بوده و «السند هند» نیز تحریفی از کلمه سانسکریت «سدھانتھه» عنوان اصلی کتاب بوده است. این ترجمه مبنای آثار نجومی شد که فزاري و يعقوب بن طاروق در اواخر قرن دوم هجری تصنیف کردند.

اهمیت این کتاب امروز در این است که نخستین اثر نجومی عربی است که به صورت کامل به دست ما رسیده است. خوارزمی در تهیه زیچ خود تنها تابع سند هند یا مجسطی بطلمیوس نبوده و به آثار منجمان ایرانی نیز نظر داشته و مطابق با رای خود مطالب را اختیار کرده است. مهم‌ترین شخصیت علمی که از زیچ خوارزمی فراوان استفاده کرده، همانا ابوریحان بیرونی است که حتی وی کتابی درباره تحلیل علل زیچ خوارزمی نوشته است. در سده دهم هجری این زیچ توسط مسلم‌بن احمد مجریطی تهذیب شد و در سال ۱۱۲۶ م. توسط آدلار آوباث به زبان لاتینی ترجمه شد.

متخصصان نجوم و ستاره‌شناسی این بخش را بهتر درک می‌کنند که جداول خوارزمی علاوه بر «جیب» مشتمل بر «ظل» نیز است. جیب یا جیا در اصل همان وتر است. رساله نجوم خوارزمی در واقع شامل جدول سینوس‌هاست که اولین بار منجمان هندی در قرن پنجم میلادی وارد ریاضی کردند و همین واژه وتر و جیب و جیا بود که وقتی از زبان عربی وارد ادبیات علمی شد، توسط مترجمان قرون وسطی به زبان لاتینی به «سینوس» ترجمه شد. ساختار ریاضی و مقادیر بنیادین پارامتر کلیه جدول‌ها

در ترجمه لاتین «زیچ السند هند» خوارزمی عملاً بررسی شده و براساس اطلاعات ریاضی که بدست آمده می‌توان اصل و منشأ این جداول را به تحقیق مشخص نمود، یکی از جدول‌هایی که ساختار ریاضی آن هنوز مشخص نشده، جدول مربوط به «تعدیل زمان» در زیچ خوارزمی می‌باشد.

محمدبن موسی همچنین دو کتاب در اسطرلاب دارد که اسم‌هایی تقریباً نزدیک به هم دارند: یکی کتاب «عمل الاسطرلاب» درباره چگونگی ساختن اسطرلاب، و دیگری اثر «العمل بالاسطرلاب» در چگونگی به کار بردن و استفاده از این وسیله اندازه‌گیری نجومی. این دو کتاب مانند بسیاری از کتاب‌های دیگر در این زمینه باید نوشته شده باشد و اگر هم مطلب تازه‌ای در آنها مطرح شده باشد نمی‌دانیم چرا که شاید تنها ویژگی مهم این دو اثر و نیز کتاب «الرخامه» خوارزمی که درباره ساعت آفتابی افقی نوشته شده، این باشد که هیچ اثری نه از متن عربی آنها و نه ترجمه‌ای به زبان دیگر باقی نمانده و فقط گهگاه معاصران وی که به اصل کتاب‌ها دسترسی داشته‌اند، اشاراتی و گریزهایی به کتاب می‌زنند. این کتاب بیشتر برای تعیین اوقات نماز نوشته شده که بعدها اساس و پایه محاسبات مثلثات کروی قرار گرفت.

خوارزمی مقاله‌ای هم با نام «مقالة فی استخراج تاریخ الیهود و اعیادهم» دارد که با دقت در نام این اثر متوجه می‌شویم که وی هم از وجه منجم بودن و هم جغرافیادان و مورخ بودنش در تنظیم این مقاله استفاده کرده است. نسخه‌ای خطی از این مقاله در کتابخانه بانکپور موجود است و می‌توان فهمید که این دانشمند فن‌شناس، تنها در حوزه مطالعات خاور فعال نبوده و نیم‌نگاهی هم به باختر عالم داشته است، آن هم در حوزه‌ای مثل یهود با آن همه حساسیت‌هایی که هماره در جهان اسلام نسبت به این قوم و آیین وجود داشته و چنین حرکتی جای تامل بیش از پیش در کار وی و هم‌عصرانش را می‌طلبد.

### تاریخ و جغرافیا

در بخش معرفی آغازین این نوشتار، از محمدبن موسی الخوارزمی المجوسی با عناوین مورخ و جغرافیادان نیز یاد شد که ذکر این موارد بی‌دلیل نبوده و دلیل آن ارجاع به کتابی تحت عنوان «صورة الارض» است و نیز کتابی نیافته ولی منتسب به خوارزمی تحت نام «التأریخ». جغرافیای خوارزمی با عنوان صورة الارض، تمام آن عبارت از طول‌ها و عرض‌های شهرها و محل‌های مختلف روی ربع مسکون بود و در هر بخش جاها بر حسب «هفت اقلیم» مرتب شده بود که این تقسیم‌بندی پیشتر نیز سابقه داشت. نام‌های بسیاری جای‌ها که در کتاب بطلمیوس آمده، در کتاب خوارزمی هم دیده می‌شود و مختصات ذکر شده بر آنها، گاه یکسان یا بنابر روشی منظم متفاوت است ولی بسیار دور از آن است که ترجمه یا اقتباسی از رساله بطلمیوس بوده باشد و ترتیب نقشه‌ها و کتاب از ریشه متفاوت است.

این کتاب را «نالیو» به ایتالیایی ترجمه کرده و او اساس نقشه در دسترس خوارزمی را نقشه دقیق تهیه شده به امر مامون می‌داند که حتی از نقشه‌های بطلمیوس دقیق‌تر بوده است و بعید نیست خود خوارزمی هم جزو دست‌اندرکاران نقشه اصلی بوده باشد. به هر حال نقشه‌ای که از متن خوارزمی استخراج می‌شود از چند لحاظ درست‌تر از نقشه بطلمیوس است مخصوصاً سرزمین‌هایی که زیر فرمان اسلام قرار داشتند. بهبود عمده آن کوتاه کردن درازی گزاف دریای مدیترانه در نقشه‌های بطلمیوس است. هر چند گاه اشتباهاتی بیش از بطلمیوس هم دارد. این کتاب شش بخش داشت و شامل مطالب زیر بود:

1. فهرست اسامی شهرها
2. کوه‌ها و مختصات نقاط دو طرف استقرار آنها
3. دریاها و مختصات با ذکر نقاط برجسته واقع بر خط‌های کرانه‌ای و توصیف اجمالی آنها
4. جزیره‌ها با ذکر مختصات مرکز و طول و عرض آنها
5. نقاط مرکزی نواحی جغرافیایی

6. رودها با ذکر نقاط برجسته و شهرهای واقع بر کرانه‌های آنها

ولی کتاب التاریخ خوارزمی موجود نیست، ولی چند مورخ از او به عنوان «مرجعی معتبر» برای حوادث دوره اسلامی نقل کرده‌اند. امکان دارد که خوارزمی در آن اثر (همچون معاصرش ابومعشر) علاقه‌ای به این امر بروز داده باشد که تاریخ را همچون وسیله‌ای برای عملی شدن اصول احکام نجوم مورد تفسیر و تعبیر قرار دهد و حتی ممکن است مثل حمزه اصفهانی‌ها به عنوان مثال در مورد زمان زایش رسول‌الله بنابر استنتاجات احکام نجومی مستخرج از حوادث زندگی ایشان، به قول خوارزمی استناد و اعتماد کرده باشند. مسعودی مورخ مشهور در مورج الذهب خوارزمی را در زمره مورخان آورده و چند مورخ به آن کتاب استناد کرده‌اند.

بزرگداشت



تمبر یادبود به مناسبت ۱۲۰۰ سالگرد تولد خوارزمی توسط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۳ منتشر گردید.



جشنواره علمی خوارزمی

جورج سارتن در کتاب مدخل تاریخ علم خود، نیمه نخست قرن نهم میلادی و قرن سوم هجری قمری را «عصر خوارزمی» نامیده است، و «اریستید مار» نوشته است: امروزه یک موضوع تاریخی را نمی‌توان انکار کرد که محمدبن موسی خوارزمی معلم واقعی ملل اروپایی جدید در علم جبر بوده است. جشنواره خوارزمی نام یک جشنواره علمی در ایران است که به منظور ارج نهادن به خدمات «ابوجعفر محمد بن موسی خوارزمی» با این نام در دو بخش دانش‌آموزی (تحت نام جشنواره جوان خوارزمی) و دانشجویی (تحت نام جشنواره بین‌المللی خوارزمی) برگزار می‌گردد.

در تقویم چهارم آبان به مناسبت بزرگداشت «ابوجعفر محمد بن موسی خوارزمی» روز جبر نامیده شده است.

گفتنی است در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی برابر ۱۹۸۳ میلادی، به مناسبت هزار و دویستمین سالگرد تولد خوارزمی یادنامه‌ای به زبان روسی در ۲۶۰ صفحه و مشتمل بر ۱۶ مقاله در مسکو و یادنامه دیگری در تهران به زبان فارسی و به همت کمیسیون ملی یونسکو منتشر شده است.

## جابر ابن حیان



زاده

احتمالاً ۷۲۱ میلادی  
طوس، خراسان، خلافت اموی

درگذشت

احتمالاً ۸۱۵ میلادی کوفه

مدفن

کوفه

محل زندگی

عراق

آثار

الکتاب الکیما

دوره

دوران طلایی اسلام

دین

اسلام

ابوموسی جابر بن حیان (زاده حدود سال ۱۰۰ هجری شمسی معادل با ۷۲۱ میلادی در طوس – درگذشته حدود سال ۱۹۴ هجری شمسی معادل با ۸۱۵ میلادی در کوفه) دانشمند و کیمیاگر و فیلسوف ایرانی بود. او را پدر یا بنیان‌گذار علم شیمی نامیده‌اند و بسیاری از روش‌ها (مانند تقطیر) و انواع ابزارهای اساسی شیمی مانند قرع و انبیق را به او نسبت می‌دهند.

## زندگی‌نامه



یک نقاشی از جابر - یک نقاشی از جابر که در قرن ۱۵ میلادی در اروپا کشیده شده

ابوموسی جابر بن حیان، کیمیاگر برجسته ایران، در سال صد هجری شمسی در شهر توس از توابع خراسان متولد شد. مدت کوتاهی پس از تولدش، پدر او که یک داروساز شناخته شده و پیرو مذهب شیعه بود، به دلیل نقشی که در براندازی حکومت اموی داشت، دستگیر شد و به قتل رسید. جابر به نوشته‌های باقی‌مانده از پدرش علاقه‌مند شد و به ادامه حرفه او پرداخت. او با شوق و علاقه به یادگیری علوم دیگر نیز می‌پرداخت. همین، سبب هجرت او از توس به کوفه که در آن زمان مرکز علمی جهان بود شد. کتاب‌ها و رسالات متعدد جابر، سال‌ها بعد از او، توجه کیمیاگران اروپایی را به خود جلب کرد و سال‌ها از آن به عنوان منبع معتبری استفاده می‌کردند. به گفته آن‌ها، این کتاب‌ها تأثیر عمیقی بر تغییر و تصحیح دیدگاه کیمیاگران غربی گذاشته‌است. عاقبت، جابر بن حیان، در سال صد و نود و چهار هجری (معادل با ۸۱۵ میلادی) در شهر کوفه درگذشت.

**اختلاف نظر در مورد تاریخ تولد وی**

در مورد تاریخ دقیق تولد و مرگ و محل تولد وی اختلاف نظر وجود دارد. به گفته برخی وی متولد سال ۱۰۰ هجری شمسی و وفات وی در سال ۱۹۴ هجری شمسی بوده‌است. برخی نیز او را متولد سال ۱۰۳ هجری شمسی دانسته و وفات وی را در سال ۲۰۰ هجری شمسی ذکر کرده‌اند. با این حال دانشنامه بریتانیکا وی را متولد سال ۷۲۱ میلادی و وفات وی را در سال ۸۱۵ میلادی (نزدیک به هزار و دویست سال پیش) ثبت کرده‌است.

**منزلت جابر در علم شیمی**

جابر بن حیان نخستین شیمیدان ایرانی است. وی اولین کسی است که به علم شیمی شهرت و آوازه بخشید و احتمالاً نخستین مسلمانی است که شایستگی کسب عنوان شیمیدان را دارد.

**اکسیر و عقیده جابر درباره آن**

عقیده جابر این بود همچنان که طبیعت می‌تواند اشیاء را به یکدیگر تبدیل کند، مانند تبدیل خاک و آب به گیاه و تبدیل گیاه به موم و عسل به وسیله زنبور عسل و تبدیل قلع به نقره در زیر زمین و ... کیمیاگر نیز می‌تواند با تقلید از طبیعت و استفاده از تجربه‌ها و آزمایش‌ها همان کار طبیعت را در مدت زمانی کوتاه‌تر انجام دهد. اما کیمیاگر برای اینکه بتواند یک شیء را به شیء دیگر تبدیل کند، به وسیله‌ای نیازمند است که اصطلاحاً آن را اکسیر می‌نامند.

اکسیر در علم کیمیا، به منزله دارو در علم پزشکی است. جابر اکسیر را که از آن در کارهای کیمیایی خود استفاده می‌کرد، از انواع موجودات سه‌گانه (فلزات، حیوانات و گیاهان) به دست می‌آورد. او خود، در این زمینه می‌گوید: هفت نوع اکسیر وجود دارد:

- اکسیر فلزی: اکسیر بدست آمده از فلزات
- اکسیر حیوانی: اکسیر بدست آمده از حیوانات
- اکسیر گیاهی: اکسیر بدست آمده از گیاهان
- اکسیر حیوانی - گیاهی: اکسیر بدست آمده از امتزاج مواد حیوانی و گیاهی
- اکسیر فلزی - گیاهی: اکسیر بدست آمده از امتزاج مواد فلزی و گیاهی
- اکسیر فلزی - حیوانی: اکسیر بدست آمده از امتزاج مواد فلزی و حیوانی
- اکسیر فلزی - حیوانی - گیاهی: اکسیر بدست آمده از امتزاج مواد فلزی و گیاهی و حیوانی

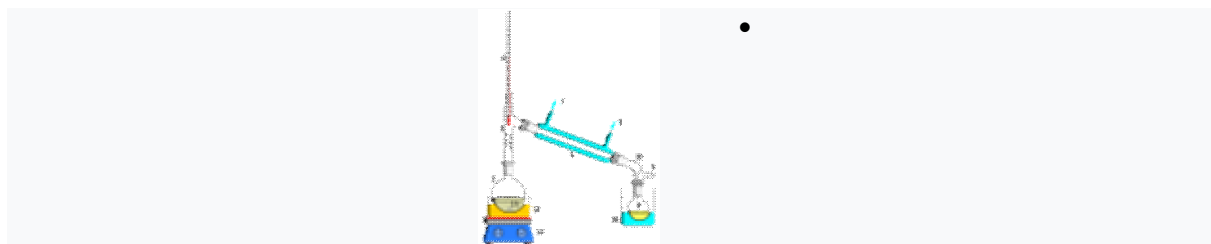
### نگارخانه ابزار کیمیاوی



قرع بلند گلو



قرع و انبلیق برای تقطیر



نمونه جدیدی از بالن، زانویی، مبرد، قطره گیر و جمع‌کننده که کار قرع و انبلیق را انجام می‌دهند

### عقیده جابر بن حیان درباره فلزات

جابر هفت فلز: طلا، نقره، مس، آهن، سرب، جیوه و قلع را «فلزات اصلی» می‌دانست. این فلزات به تعبیر جابر اساس صنعت کیمیا را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر قوانین علم کیمیا بر این هفت فلز استوار است. با این حال، خود این کانی‌ها از ترکیب دو کانی اساسی، یعنی گوگرد و جیوه به وجود می‌آیند که به نسبت‌های مختلف، در دل زمین، باهم ترکیب می‌شوند؛ بنابراین، تفاوت میان فلزات هفتگانه تنها یک تفاوت عرضی وجود دارد نه جوهری که محصول تفاوت نسبت ترکیب گوگرد و جیوه در آن

است. اما طبیعت هر یک از گوگرد و جیوه تابع دو عامل زمینی و زمانی است. به عبارت دیگر، تفاوت خاک زمینی که این دو کانی در آن به وجود می‌آیند و همچنین تفاوت وضعیت کواکب به هنگام پیدایش آن‌ها موجب می‌شود که طبیعت گوگرد یا جیوه تفاوت پیدا کند.

### تعریف جابر از بعضی فلزات و تبدیل آن‌ها

#### • قلع

دارای چهار طبع است. ظاهر آن، سرد و تر و نرم و باطنش گرم و خشک و سخت ... پس هرگاه صفات ظاهر قلع به درون آن برده شود و صفات باطنی آن به بیرون آورده شود، ظاهرش خشک و در نتیجه قلع به آهن تبدیل می‌شود.

#### • آهن

از چهار طبع پدید آمده‌است که از میان آن‌ها، دو طبع، یعنی حرارت و خشکی شدید به ظاهر آن اختصاص دارد و دو طبع دیگر یعنی برودت و رطوبت به باطن آن. ظاهر آن، سخت و باطن آن نرم است. ظاهر هیچ جسمی به سختی ظاهر آن نیست. همچنین نرمی باطن آن به اندازه سختی ظاهرش است. از میان فلزات جیوه مانند آهن است. زیرا ظاهر آن آهن و باطن آن جیوه‌است.

#### • طلا

ظاهر آن گرم و تر و باطنش سرد و خشک است. پس جمیع اجسام (فلزات) را به این طبع برگردان. چون طبعی معتدل است.

#### • زهره (مس)

گرم و خشک است ولی خشکی آن از خشکی آهن کمتر است زیرا طبع اصلی مس، همچون طلا، گرم و تر بوده‌است اما درآمدن خشکی بر آن، آن را فاسد کرده‌است؛ لذا با از میان بردن خشکی، مس به طبع اولیه خود برمی‌گردد.

#### • جیوه

طبع ظاهری آن سرد و تر و نرم و طبع باطنی‌اش گرم و خشک و سخت است؛ بنابراین ظاهر آن، همان جیوه و باطنش آهن است. برای آن که جیوه را به اصل آن یعنی طلا برگردانی، ابتدا باید آن را به نقره تبدیل کنی.

#### • نقره

اصل نخست آن، طلا است ولی با غلبه طبایع برودت و یبوست، طلا به درون منتقل شده‌است و در نتیجه ظاهر فلز، نقره و باطن آن طلا گردیده‌است؛ بنابراین اگر بخواهی آن را به اصلش یعنی طلا برگردانی، برودت آن را به درون انتقال ده، حرارت آن آشکار می‌شود. سپس خشکی آن را به درون منتقل کن، در نتیجه، رطوبت آشکار و نقره تبدیل به طلا می‌شود.

### از آثار وی

- مجسطی اقلیدس
- خواص موازین
- السبعین
- صندوق الحکمه

- کتاب الاجساد الاربعه
- کتاب المجردات

### دستاوردها

نوآوری انواع گوناگونی از وسایل آزمایشگاهی، از جمله انبلیق به اسم او ثبت شده است. کشف مواد شیمیایی متعددی همچون هیدرو کلریک اسید، نیتریک اسید، تیزاب (مخلوطی از دو اسید یاد شده که از جمله اندک موادی است که طلا را در خود حل می‌کند)، سیتریک اسید (جوهر لیمو) و استیک اسید (جوهر سرکه)، همچنین معرفی فرایندهای تبلور و تقطیر که هر دو سنگ بنای شیمی امروزی به‌شمار می‌آیند، از جمله یافته‌های اوست. او همچنین یافته‌های دیگری درباره روش‌های استخراج و خالص سازی طلا، جلوگیری از زنگ زدن آهن، حکاکی روی طلا، رنگرزی و نم ناپذیر کردن پارچه‌ها و تجزیه مواد شیمیایی ارائه داد. از جمله اختراعاتی دیگر او، قلم شب‌نماست یعنی قلمی که جوهر آن در تاریکی نیز نور می‌دهد. (احتمالاً با استفاده از خاصیت فسفرسانس این اختراع را انجام داده است) در آخر، بذر دسته‌بندی امروزی عنصرها به فلز و نافلز را می‌توان در دست نوشته‌های وی یافت.

### شاگردی جعفر صادق

ابن خلکان در شرح حال جعفر صادق، جابر را یکی از شاگردان او می‌داند که کتابی در هزار ورق تألیف کرده و پانصد تا از رساله‌های صادق را در آن گنجانده است. از سویی دیگر برخی مستشرقین غربی مانند هانری کوربن در زمینه شاگردی جابر برای جعفر صادق با احتیاط تشکیک کرده یا مانند الیزر یاول کراوس، مستشرق آلمانی، آن را از اساس رد کرده‌اند؛ اگر چه پاسخی نیز در رد ادعای کراوس از جمله رساله «مسئله جابری» منتشر شده است.

### ابونصر فارابی



### شناسنامه

ابو نصر محمد بن محمد فارابی

نام کامل

| لقب     | معلم ثانی            |
|---------|----------------------|
| زادروز  | سال ۲۶۰ هجری         |
| زادگاه  | فاراب، خراسان، ایران |
| محل مرگ | دمشق، سوریه          |
| استادان | یوحنا بن حیلان       |
| شاگردان | یحیی بن عدی          |

**ابو نصر محمد بن محمد فارابی** (زاده ۸۷۸ و درگذشته ۹۵۰ میلادی) (حدود سال ۲۶۰ ه. ق در فاراب (اترار کنونی در قزاقستان) – ۳۳۹ ه. ق در دمشق) از بزرگترین فلاسفه و دانشمندان عصر طلایی اسلام است.

فارابی در علم، فلسفه، منطق، جامعه‌شناسی، پزشکی، ریاضیات و موسیقی تخصص داشت. بیشترین آثار او در زمینه فلسفه، منطق، جامعه‌شناسی و همچنین دانشنامه‌نویسی بود. فارابی به مکتب نوافلاطونی تعلق داشت که سعی داشتند تفکرات افلاطون و ارسطو را با الهیات توحیدی هماهنگ کنند و در فلسفه اسلامی نیز از جمله اندیشمندان مشایی محسوب می‌شود. فارابی شرح‌های ارزشمندی بر آثار ارسطو نگاشته و به سبب همین او را **معلم ثانی** خوانده‌اند. وی آثاری نظیر «الجمع بین الرایین»، «اغراض ما بعدالطبیعه ارسطو»، «فصول الحکم» و «احصاء العلوم» را از خود به یادگار نهاده‌است. در قرون وسطی آثاری چند از او به زبان لاتین برگردانده شده‌اند و او به خوبی در غرب نیز شهرت یافته است.

پدر و مادر فارابی از ایرانیانی بودند که به ترکستان مهاجرت کرده بودند. فارابی بیشتر عمر خود را در بغداد دارالخلافه حکومت عباسیان گذراند.

### زندگی

ابونصر محمد بن محمد طرخانی ملقب به فارابی، در حدود سال ۲۵۷ هجری قمری / ۸۷۰ میلادی در دهکده «وسیج» از ناحیه پاراب (فاراب) در فرارود (شهر اترار کنونی در جنوب قزاقستان) یا پاریاب (فاریاب) خراسان در افغانستان کنونی به دنیا آمد. دهخدا به نقل از بدیع الزمان فروزانفر می‌نویسد: «اسم پدر او طرخان و نام جدش اوزلوغ است. در شرح زندگی فارابی مطلبی که بر جریان واقعی زندگی دوران طفولیت و جوانی وی باشد در کتابها وجود ندارد. ابن ابی اصیبعه دو خبر متناقض درباره او نقل می‌کند: اول اینکه فارابی در آغاز کار نگهبان باغی در دمشق بود و دوم اینکه، در عنوان جوانی به قضاوت مشغول بود و چون به معارف دیگر آشنا شد، قضاوت را ترک کرد و با تمام میل به طرف معارف دیگر روی آورد.» در جوانی برای تحصیل به بغداد رفت و نزد «متی بن یونس» به فراگرفتن منطق و فلسفه پرداخت. سپس به حران سفر کرد و به شاگردی «یوحنا بن حیلان» درآمد.

از آغاز کار، هوش سرشار و علم آموزی وی سبب شد که همه موضوعاتی را که تدریس می‌شد، به خوبی فرا گیرد. به زودی نام او به عنوان فیلسوف و دانشمند شهرت یافت و چون به بغداد بازگشت، گروهی از شاگردان، گرد او فراهم آمدند که «یحیی بن عدی» فیلسوف مسیحی یکی از آنان بود.

در سال ۳۳۰ هجری قمری/۹۴۱ میلادی به دمشق رفت و به «سیف الدوله حمدانی» حاکم حلب پیوست و در زمره علمای دربار او درآمد. فارابی در سال ۳۳۸ هجری قمری/۹۵۰ میلادی در سن هشتاد سالگی در دمشق وفات یافت. عده ای بر این باورند که ابونصر هنگامی که از دمشق به عسقلان می‌رفت به دزدان برخورد. ابونصر گفت: «هر آنچه از مرکب، سلاح، لباس و مال هست بگیرید و با من کاری نداشته باشید.» آنها نپذیرفتند و قصد کشتن او کردند. ابونصر به ناچار با آنها جنگید و کشته شد. امرای شام از حادثه با خبر شدند. ابونصر را دفن کردند و دزدان را بر سر قبر او دار زدند.

مورخان اسلامی معتقدند که فارابی فردی زهد پیشه و عزلت‌گزین و اهل تأمل بود. اعراض او از امور دنیوی به حدی بود که با آن که سیف الدوله برایش از بیت‌المال حقوق بسیار تعیین کرده بود، به چهار درهم در روز قناعت می‌ورزید.

فارابی در انواع علوم بی‌همتا بود. چنان‌که درباره هر علمی از علوم زمان خویش کتاب نوشت و از کتاب‌های وی معلوم می‌شود که در علوم زبان و ریاضیات و کیمیا و هیئت و علوم نظامی و موسیقی و طبیعیات و الهیات و علوم مدنی و فقه و منطق دارای مهارت بسیار بوده‌است.

درست است که کندی نخستین فیلسوف اسلامی است که راه را برای دیگران پس از خود گشود؛ اما او نتوانست مکتب فلسفی تأسیس کرده و میان مسائلی که مورد بحث قرار داده‌است، وحدتی ایجاد کند. در صورتی که فارابی توانست مکتبی کامل را بنیان نهد.

ابن سینا او را استاد خود می‌شمرد و ابن رشد و دیگر حکمای اسلام و عرب، برایش احترام بالایی قائل بودند. از جمله سخنی از ابن سینا است که اوج منزلت علمی او را بیان می‌کند: کتاب مابعدالطبیعه را مطالعه کردم و بعد از چهل مرتبه مطالعه نتوانستم از اغراض مؤلف آن آگاهی پیدا کنم تا اینکه در بازار به کتابی از ابونصر فارابی برخورد کردم که شرحی بر کتاب مابعد الطبیعه بود بعد از مطالعه آن توانستم مطالب مابعد الطبیعه را در یابم و بسیار مسرور شدم.

در سنت فلسفه اسلامی، فارابی را بعد از ارسطو که ملقب به «معلم اول» بود، معلم ثانی لقب داده‌اند.



نسب‌ها

تاریخ‌نگار عرب ابن ابی اصیبعه (وفات ۶۶۸ ه. ق) در کتاب اوپون خود اشاره کرده‌است که فارابی که پدر قرآن است از نسب پارسی بود.

ابن ندیم در الفهرست خود، و نیز الشهریزی که در حوالی سال‌های ۱۲۸۸ میلادی می‌زیست و اولین زندگی‌نامه را نوشته‌است، نسب وی را ایرانی می‌نویسند. علاوه بر اینها فارابی در حاشیه بسیاری از

کارهایش به زبان پارسی و سغدی منابعی را معرفی کرده (حتی به زبان یونانی، اما نه به ترکی) حتی زبان سغدی به عنوان زبان مادری وی و زبان ساکنان فاراب دانسته شده است.

محمد جواد مشکور ایرانی زبان بودن اصالت آسیای میانه را استدلال کرده است. اما فاراب در درجه نخست جزو سرزمین مسلمانان بود و در درجه نخست فارابی به دنیای اسلام و تمام بشریت تعلق دارد و عرب یا پارسی یا ترک بودن وی اهمیتی ندارد!!

اصالت پارسی فارابی توسط دیگر منابع نیز بحث شده است. همچنین پروفیسور دانشگاه آکسفورد آقای بوسورث می نویسد که چهره های بزرگ مانند فارابی، بیرونی و ابن سینا توسط دانش پژوهان علاقه مند ترک به نژاد ترکی چسبانده شدند!!

در دانشنامه ایرانیکا دکتر گوآتاس اظهارات ابن خلکان را نکوهش کرده و مدارک پیش از وی در این زمینه از ابن اصبیعه در مورد پارسی بودن فارابی باعث شده تا ابن خلکان به تلاش برای مدرک سازی جهت ترک نشان دادن وی باشد. در این چهارچوب وی اشاره می کند که ابن خلکان ابتدای اسم فارابی نسبت الترك را افزود در حالی که فارابی هرگز چنین نسبتی را نداشته است.



اسکناسی که هم اکنون در جمهوری قزاقستان رواج دارد

قدیمی ترین کسی که نسب فارابی را ترک دانسته ابن خلکان بوده است. وی در اثر خود وفایات فارابی را متولد فاراب و روستای کوچکی به نام وسیج که اکنون به نام اترار در قزاقستان شناخته می شود و از والدینی ترک می داند. ابن خلکان گوید: ابو نصر به زبان ترکی، عربی و دری به خوبی آگاه بود و این از تألیفات او به خصوص «کتاب الموسیقی الکبیر» به وضوح پدیدار است. برخی منابع دیگر نیز به این جریان معتقدند.

### فلسفه فارابی

از عصر فارابی تا عصر سبزواری، یعنی از قرن نهم تا نوزدهم میلادی، مبحث خلق جهان و حدوث و قدم عالم مهم ترین بحث تفکر اسلامی بود. فارابی به پیروی از ارسطو معتقد بود که جهان «قدیم» است. اما برای آنکه از چهارچوب تعلیمات قرآنی خارج نشود، سعی کرد بین عقیده ارسطو و مسئله خلق جهان در قرآن راهی بیابد. به همین سبب سعی می کرد موضوع «فیضان» و «تجلی» را با روش عقلی توضیح دهد. او عقل و انواع آن را ابداع خداوند می داند. اما اظهار می دارد که این ابداع در زمان اتفاق نیفتاده است. او معتقد است که «عقل فعال» ارسطو همان وحی قرآنی است.

فلسفه فارابی آمیزه ای است از حکمت ارسطویی و نوافلاطونی که رنگ اسلامی و به خصوص شیعی اثنی عشری به خود گرفته است. او در منطق و طبیعیات، ارسطویی است و در اخلاق و سیاست، افلاطونی و در مابعدالطبیعه به مکتب فلوطینی گرایش دارد.

### وحدت فلسفه

فارابی از کسانی است که می خواهند آراء مختلف را با هم وفق دهند. او در این راه بر همه گذشتگان خود نیز سبقت گرفت. او در این راه تا آن جا پیش رفت که گفت: فلسفه، یکی بیشتر نیست و حقیقت فلسفی - هر چند مکاتب فلسفی متعدد باشند - متعدد نیست.

فارابی به وحدت فلسفه سخت معتقد بود و برای اثبات آن براهین و ادله بسیاری ذکر کرد و رسائل متعدد نوشت که از آن جمله، کتاب «الجمع بین رایى الحکیمین افلاطون الالهى و ارسطو» به دست ما رسیده است.

وى معتقد بود که اگر حقیقت فلسفى واحد است، باید بتوان در میان افکار فلاسفه بزرگ به ویژه افلاطون و ارسطو توافقی پدید آورد. اساساً وقتی غایت و هدف این دو حکیم بزرگ، بحث درباره حقیقتی یکتا بوده است، چگونه ممکن است در آراء و افکار، با هم اختلاف داشته باشند؟

فارابی میان این دو فیلسوف یونانی پاره‌ای اختلافات یافته بود، اما معتقد بود که این اختلافات، اختلافاتی سطحی است و در مورد مسائل اساسی نیست. مخصوصاً آنکه آن‌ها مبدع و پدیدآورنده فلسفه بوده و همه حکمای بعدی کم و بیش، به این دو متکی هستند.

مسائلی که به عنوان اختلاف مبانی افلاطون و ارسطو مطرح بود و فارابی در صدد هماهنگ ساختن بین آنها برآمد، عبارت بودند از:

روش زندگی افلاطون و ارسطو، روش فلسفی افلاطون و ارسطو، نظریه مُلّی، نظریه معرفت یا تذکر، حدوث و قدم، نظریه عادت.

البته تردیدی نیست که فارابی در این امر رنج بسیاری متحمل شده است؛ اما نکته مهم در این رابطه این است که یکی از منابع او برای انجام این مقصود، کتاب «اثولوجیا» یا «ربوبیت» بود که یکی از بخش‌های کتاب «تاسوعات» فلوطین می‌باشد. وی فکر می‌کرد که این کتاب متعلق به ارسطو است و چون در آن به یک سلسله آراء افلاطونی برخورد کرده بود، همین امر او را بر این کار، تشویق می‌کرد. (در حالی که مطالب این کتاب، ارتباطی با ارسطو نداشت)

بنابراین، اگر چه فارابی در کار خود به توفیق کامل دست نیافت، ولی راه را برای دیگر فلاسفه اسلامی گشود. بدین ترتیب که میان ارسطو و عقاید اسلامی یک نوع هماهنگی ایجاد کرد و فلسفه ارسطو را جزو سرچشمه‌ها و اصول فلسفه اسلامی قرارداد.



#### موسیقی

فارابی در کتاب احصاء العلوم در تعریف موسیقی می‌گوید: "علم موسیقی به طور کلی، از شناختن انواع الحان و آن چه الحان از آن‌ها تالیف می‌شود بحث می‌کند و روشن می‌سازد که الحان برای چه غرض‌هایی تالیف می‌شوند و چگونه باید تالیف شوند و بر چه حالی باید باشند تا تاثیر آن‌ها بیشتر و دلنشین‌تر گردد. کتاب موسیقی کبیر شاهکار فارابی در علم موسیقی است که با ترجمه آذرتاش

آذرنوش برگردان شده است. به گفته دکتر عبدالامیر سلیم این کتاب عظیم ترین کار دوره اسلامی در زمینه موسیقی است.

کارادیو و بیان می دارد که در اویش مولوی نغمه ها و نواها و آهنگ های باستانی را که با خواندن اشعار مولانا همواره زمزمه می کردند و همیشه در ذهن داشته اند و می خوانند همگی منتسب به فارابی است. فارابی در این کتاب سعی کرده است که آرای پیشینیان در مورد موسیقی را جمع آوری کند. فارابی نخستین کسی است که نام خنیاگر معروف دربار خسرو پرویز را بجای باربد، به صورت درست یعنی فهلبد ضبط کرده است. وی در موسیقی کبیر از دو نوع طنبور بغدادی و خراسانی نیز سخن می گوید. او همچنین از ساز شاه رود و شکل آن سخن می گوید. فارابی زمانی که شاهرود را توضیح می دهد از فاصله پنجم (پرده پنجم) نیز سخن گفته است.

### آثار فارابی

آثار فارابی از این قرار است:

- (۱) ما ینبغی ان تعلم قبل الفلسفه (آنچه شایسته است قبل از فلسفه فرا بگیری): در این کتاب، فارابی منطق، هندسه، اخلاق نیکو و کنارگیری از شهوات را پیش نیاز پرداختن به فلسفه ذکر می کند و درباره هر یک مطالبی بیان می نماید.
- (۲) السیاسه المدنیه (سیاست شهری): این کتاب درباره اقتصاد سیاسی است.
- (۳) الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس (جمع بین آراء دو حکیم بزرگ، افلاطون الهی و ارسطو): فارابی در این کتاب می کوشد بین نظریات افلاطون و ارسطو هماهنگی برقرار سازد.
- (۴) رساله فی ماهیه العقل (رساله ای درباره ماهیت و چیستی عقل): در این رساله اقسام عقل را تعریف و مراتب آن ها را بیان می کند.
- (۵) تحصیل السعاده (به دست آوردن سعادت): در اخلاق و فلسفه نظری.
- (۶) اجوبه عن مسائل فلسفیه (پاسخ هایی به مسائل فلسفی): پاسخ هایی است به برخی پرسش ها و مسائل فلسفی.
- (۷) رساله فی اثبات المفارقات (رساله ای در اثبات وجود موجودات غیر مادی): در این رساله، فارابی درباره موجودات غیر مادی بحث می کند.
- (۸) اغراض ارسطو طالیس فی کتاب مابعد الطبیعه (اغراض ما بعد الطبیعه ارسطو) (مقاصد ارسطو در کتاب متافیزیک): این کتاب یکی از مهم ترین کتابهای فارابی است که مورد استفاده ابن سینا هم قرار گرفت.
- (۹) رساله فی السیاسه (رساله ای در سیاست): فارابی درباره سیاست صحبت می کند.
- (۱۰) فصوص الحکمه (فصوص جمع فص به معنای نگین می باشد: نگین های حکمت): این کتاب در مورد حکمت الهی و شامل ۷۴ بحث در این زمینه و مباحث نفس می باشد.
- (۱۱) کتاب موسیقی کبیر: این اثر جنبه های گوناگون موسیقی مانند مقامات را تعیین می کند.
- (۱۲) اندیشه های اهل مدینه فاضله: فارابی در این اثر آرمان شهر خود را بنا می کند.
- (۱۳) فی وجوب صناعه الکیمیا (درباره ضرورت کیمیا)
- (۱۲) رساله الحروف: فارابی در این رساله مشکلات کتاب متافیزیک ارسطو را حل می کند. یکی از آثار مفصل فارابی است که در آن درباره کلمات عربی و فارسی و یونانی که بر عینیت و تحقق دلالت دارند و نیز از مقولات بحث می کند.

## احسان الله یارشاطر



|                    |                                                                                                                                  |
|--------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زاده               | ۱۲ فروردین ۱۲۹۹ - ۳ آوریل ۱۹۲۰ همدان، ایران                                                                                      |
| درگذشت             | ۱۰ شهریور ۱۳۹۷ - ۲ سپتامبر ۲۰۱۸ (۹۸ سال)<br>فرزنو، کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا                                                |
| تحصیلات            | دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی<br>دکترای زبان‌شناسی ایرانی                                                                      |
| محل<br>تحصیل       | دانشگاه تهران<br>دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن                                                                    |
| استاد              | والتر هنینگ، مری بویس                                                                                                            |
| پیشه               | استاد دانشگاه، پژوهشگر<br>بنیان‌گذار دانشنامه ایران و اسلام<br>بنیان‌گذار دانشنامه ایرانیکا<br>بنیان‌گذار بنگاه ترجمه و نشر کتاب |
| سازمان             | دانشنامه ایرانیکا                                                                                                                |
| شناخته‌شده<br>برای | سرویراستار دانشنامه ایرانیکا، استاد<br>ایران‌شناسی دانشگاه کلمبیا، نیویورک                                                       |

|               |                                                                               |
|---------------|-------------------------------------------------------------------------------|
| کارهای برجسته | بنیان‌گذار و سرویراستار دانشنامه ایرانیکا و بنیان‌گذار بنگاه ترجمه و نشر کتاب |
| همسر          | لطیفه الویه یارشاطر (۱۳۴۱ تا ۱۳۷۸)                                            |

**احسان یارشاطر** (زاده ۱۲ فروردین ۱۲۹۹ – درگذشته ۱۰ شهریور ۱۳۹۷) بنیان‌گذار و سرویراستار دانشنامه ایرانیکا، بنیان‌گذار مرکز مطالعات ایران‌شناسی، و استاد بازنشسته مطالعات ایرانی در دانشگاه کلمبیا نیویورک بود.

او نخستین ایرانی است که پس از جنگ جهانی دوم در ایالات متحده آمریکا به مرتبه استادی رسید. از آغاز دهه ۱۹۷۰ (میلادی) نزدیک به ۴۰ ویراستار و ۳۰۰ نویسنده از سراسر آمریکا، اروپا و آسیا با یارشاطر همکاری داشته‌اند. یارشاطر ویراستاری سه مجلد از تاریخ ایران کمبریج را هم بر عهده داشته و نویسنده شانزده جلد کتاب تاریخ ادبیات ایران است.

احسان یارشاطر دانش‌آموخته دوره دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران و نیز دانش‌آموخته دوره دکترای زبان‌شناسی ایرانی در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن بود. او از شاگردان ایرانی والتر هنینگ و مری بویس به‌شمار می‌آید. یارشاطر در سال ۲۰۱۵ جایزه بیتا را دریافت کرد.

## سرگذشت

### کودکی

احسان یارشاطر در ۱۲ فروردین ۱۲۹۹ برابر با ۱ آوریل ۱۹۲۰ میلادی در یک خانواده بهایی اهل کاشان در همدان زاده شد. پدرش «هاشم»، بازرگانی بود که به امور دنیوی توجه نداشت و حواسش مشغول مذهب بود. مادرش «روحانیه میثاقیه» در زمان خود زنی مترقی بود. زبان انگلیسی می‌آموخت و با صدایی گیرا مناجات می‌خواند. به‌همین دلیل به گردهمایی‌های بهاییان دعوت می‌شد. در همدان او ابتدا به مدرسه آلیانس یهودیان فرانسوی و سپس به مدرسه تأیید بهائیان رفت و تا کلاس دوم تحصیل کرد. در سال ۱۳۰۵ یا ۱۳۰۶ به دلیل شغل پدرش به کرمانشاه رفتند. پس از دو سال و نیم از آنجا به تهران رفتند. وضع مالی پدر او خوب نبود و اجاره‌نشین بودند. پدر او که از طرفداران زبان اسپرانتو بود کمی اسپرانتو به احسان آموخت. چنان‌که وقتی مادرش برای زیارت به حیف سفر کرده‌بود به فارسی و اسپرانتو برایش نامه نوشت. در کلاس هفتم بود که مادرش به دلیل مرض کلیه و یک سال بعد پدرش به دلیل سینه‌پهلو درگذشتند. یارشاطر خود در بزرگسالی هیچ پیوندی با آیین بهایی نداشت.

احسان یک خواهر (نورانیه) و دو برادر (اسماعیل و رضوان الله) داشت که پس از مرگ پدر و مادر، هرکدام از آنها به یکی از خویشان سپرده شدند. احسان دو سال نزد دایی خود (عبدالمیثاق میثاقیه) زندگی کرد. در همین زمان، به‌گفته خودش دو بار سعی کرد با خوردن تریاک خودکشی کند. اما دیگران به موضوع پی برده و مانع این کار شدند. همبازی‌های او در این دوره پسردایی هایش به نامهای مهدی و هدایت بودند.

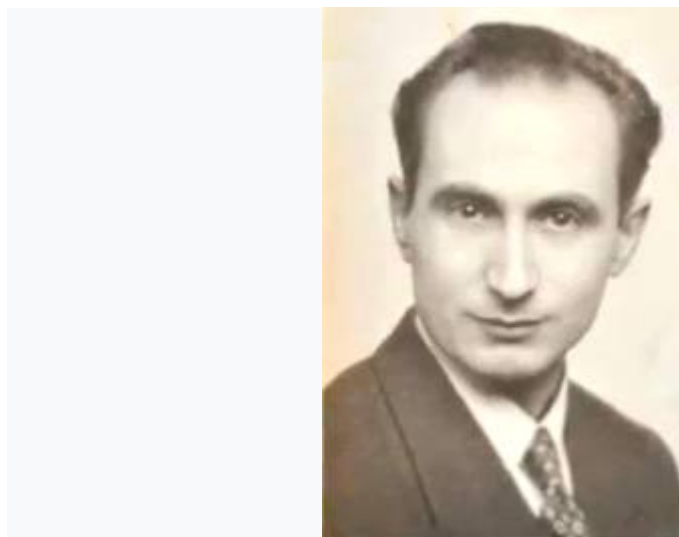
خواهر او نورانیه در سال ۱۳۶۰ در تهران کشته شد.



یارشاطر در کودکی

### جوانی

یارشاطر در پانزده سالگی خانه دایی را ترک کرد و با پشتوانه مالی اندکی که برادر بزرگترش در اختیار او نهاده بود به وزارت معارف رفت و از رئیس بازرسی آنجا درخواست مساعدت جهت ادامه تحصیل کرد. او می‌گوید: «گفتم که می‌خواهم تحصیل کنم، ولی امکانات و وسایلی را ندارم. پدر و مادرم فوت کرده‌اند و کسی مسئول زندگی من نیست». از آنجا که «قانون تأسیس دانشسراهای مقدماتی» در همان سال تصویب شده بود و نخستین کلاس در همان محل مؤسسه بود، یارشاطر به دانشسرا معرفی شد. اما چون گواهی پایان کلاس نهم نداشت دانشسرا او را ثبت نام نکرد؛ ولی به درخواست یارشاطر به او شش ماه مهلت دادند و او توانست گواهی کلاس نهم را بگیرد. در نتیجه، به ادامه تحصیل پرداخت و در نهایت، تحصیلات متوسطه را در دبیرستان‌های تربیت و شرف و سپس، دانشسرای مقدماتی (تهران) به پایان رسانید. پس از آن به خاطر امتیاز در امتحانات دانشسرای مقدماتی، بورس تحصیلی گرفت و به دانشگاه تهران رفت.



یارشاطر در جوانی

### تحصیل دانشگاهی

یارشاطر در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ثبت نام کرد و در سال ۱۳۲۱ خورشیدی موفق به دریافت مدرک کارشناسی شد. سپس در دبیرستان علمیه تهران به آموزگاری پرداخت و یک سال بعد به دعوت حسین گونیلی به معاونت دانشسرای مقدماتی تهران منصوب شد. در همان سال ۱۳۲۱ در مقطع دکترا رشته ادبیات زبان فارسی نام‌نویسی کرد و رساله دکترای خود را با عنوان «شعر فارسی در نیمه دوم قرن نهم» در سال ۱۳۲۶ با راهنمایی علی‌اصغر

حکمت به پایان برد. پس از گرفتن درجه دکترا در سال ۱۳۲۶ به دانشیاری زبان و ادبیات فارسی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزیده شد؛ ولی در همان سال بورس یک ساله‌ای از شورای فرهنگی بریتانیا برای ادامه مطالعه در رشته آموزش و پرورش دریافت کرد و به انگلستان رفت. پس از آشنایی با والتر هنینگ به جای آموزش و پرورش، به پژوهش در زمینه زبان‌های باستانی ایران پرداخت. ابراهیم پورداوود از استادان و از مشوقین وی برای مطالعه ادبیات و زبان باستانی ایران بود. یارشاطر در لندن، نزد هنینگ و مری بویس زبان‌های باستانی ایران را فراگرفت. در سال ۱۳۳۱ از دانشگاه لندن درجه کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۳۹ درجه دکترا گرفت.

موضوع رساله وی تحت عنوان «زبان تاتی جنوبی» درباره این بود که زبان مردم آذری زبان تاتی بوده است. دفاعیه دکترا وی طبق قرار قبلی، در مسکو و همزمان با تشکیل کنگره خاورشناسی ۱۹۶۰ با شرکت هنینگ، امیل بنونیست و ایلیا گرشویچ برگزار شد.

### بازگشت به ایران

در سال ۱۳۳۲ پس از بازگشت به ایران به سمت «دانشیاری کرسی زبان اوستا و فارسی باستان» منصوب شد و تا سال ۱۳۳۷ در این سمت باقی ماند. پس از بازنشسته شدن ابراهیم پورداوود، جایگاه استادی او «فرهنگ ایران باستان» به یارشاطر واگذار شد. ضمناً به دعوت پرویز خانلری به همکاری با مجله سخن پرداخت و مدت کوتاهی در غیاب خانلری اداره قسمتی از سال پنجم آن را به عهده داشت.

### بنگاه ترجمه و نشر کتاب

یارشاطر پس از آنکه آگاه شد در ترکیه ۶۰۰ اثر برگزیده ادبیات غربی برگردان و چاپ شده‌اند موسسه‌ای برای برگردان و نشر ادبیات غربی و جهان در ایران راه اندازی کرد. با توجه به کمبود برگردان‌های منظم و درخور اعتماد از آثار ادبی عمده جهان، با کمک اسدالله علم که در آن زمان رئیس املاک و مستغلات پهلوی بود، در سال ۱۳۳۳ بنگاه ترجمه و نشر کتاب را بنیان نهاد. حوزه فعالیت بنگاه به تدریج گسترش یافت و علاوه بر ادبیات خارجی، مجموعه نوشته‌های فارسی، ایران‌شناسی، آثار فلسفی، ادبیات برای جوانان، خواندنی‌های کودکان و آئینه ایران و چند مجموعه دیگر در آن بنگاه چاپ و منتشر شد. بنگاه برای نخستین بار اصول تهذیب و ویراستاری را در برگردان‌ها معمول کرد. در مجموعه نوشتارهای فارسی، متن انتقادی عده‌ای از آثار شعر و نثر فارسی به طبع رسید و در مجموعه ایران‌شناسی، برگردان عده زیادی از آثار خاورشناسان غربی و نیز مورخان اسلامی درباره ایران به فارسی برگردان شدند و نخستین بار مجموعه‌های جداگانه‌ای برای دانش‌آموزان و کودکان منتشر شدند. او از همان ابتدا شرط عدم دخالت دربار در این بنگاه را با اسدالله علم در میان گذاشت.

### ایرانیکا

در سال ۱۳۴۷ به پیشنهاد یارشاطر و با بودجه ۲ میلیون دلاری سازمان برنامه و بودجه ایران کار تدوین دانشنامه ایرانیکا آغاز شد. پس از انقلاب ۱۳۵۷ بودجه ایرانیکا قطع شد و با تلاش‌های یارشاطر بنیاد ملی علوم انسانی آمریکا عهده‌دار هزینه‌های ایرانیکا شد. احسان یارشاطر برای تأمین هزینه‌های ایرانیکا بخشی از مجموعه آثار تاریخی خود را به ارزش ۳ میلیون دلار آمریکا به فروش رساند که بعضی از این آثار اکنون در موزه متروپولیتن نیویورک هستند.

### مرکز ایران‌شناسی

در نیویورک مرکز ایران‌شناسی را بنیاد نهاد. او کتابخانه سعید نفیسی را خرید و همراه با کتابخانه خودش به این مرکز بخشید. یارشاطر در آمریکا تلاش کرد تا آثار کلاسیک ادبیات ایران به زبان‌های غربی و ژاپنی برگردان شوند.

### مرگ

یارشاطر شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۷ در کالیفرنیا درگذشت.

## آثار

## کتاب‌ها

- ابن سینا، الاشارات والتنبیها. برگردان احسان یارشاطر. تهران: انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۳۲.
- ابن سینا، پنج رساله. ویرایش احسان یارشاطر. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۳۲.
- یارشاطر، احسان. شعر فارسی در عهد شاهرخ. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.
- یارشاطر، احسان. داستان‌های شاهنامه. تهران: انتشارات صندوق مشترک ایران-امریکا، ۱۳۳۶. (برنده جایزه یونسکو در سال ۱۹۵۹)
- یارشاطر، احسان. داستان‌های ایران باستان. تهران: انتشارات صندوق مشترک ایران-امریکا، ۱۳۳۶. (بهترین کتاب سال در سال ۱۳۳۸)
- Yarshater, Ehsan & W.B. Henning (eds.). A Locust's Leg: Studies in Honour of S.H. Taqizadeh. London, 1962.
- یارشاطر، احسان. نقاشی نوین. ۲ ج. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۴.
- Yarshater, Ehsan. A Grammar of Southern Tati Dialects, Median Dialect Studies I. The Hague and Paris, Mouton and Co. , 1969.
- Yarshater, Ehsan. Iran Faces the Seventies (ed.). New York, Praeger Publishers, 1971.
- Yarshater, Ehsan & D. Bishop (eds.). Biruni Symposium. New York, Center for Iranian Studies, Columbia University, 1976
- یارشاطر، احسان. برگزیده داستان‌های شاهنامه. ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- Yarshater, Ehsan & David Bivar (eds.). Inscriptions of Eastern Mazandaran, Corpus Inscriptionem Iranicarum. London, Lund and Humphries, 1978.
- Yarshater, Ehsan & Richard Ettinghausen (eds.). Highlights of Persian Art. New York, Bibliotheca Persica, 1982.
- Yarshater, Ehsan. Sadeq Hedayat: An Anthology (ed.). New York, Bibliotheca Persica, 1979.
- Yarshater, Ehsan. Cambridge History of Iran, Vol. III: Seleucid, Parthian and Sassanian Periods (ed.). Cambridge, Cambridge University Press, 1982.
- Yarshater, Ehsan. Persian Literature (ed.). New York, State University of New York Press, 1988.
- Yarshater, Ehsan. History of Al-Tabari: Volumes 1-40 (ed.). New York, State Univ of New York Press, 2007.

## اردشیر حسین پور



نخستین دانشمند ترور برنامه هسته‌ای ایران

زاده ۱ دی ۱۳۴۱ تهران

درگذشت ۲۶ دی ۱۳۸۵ (۴۴ سال) شیراز

آرامگاه نام آوران باغ رضوان اصفهان

منصب یکی از دانشمندان برنامه هسته‌ای ایران

اردشیر حسین پور (۱ دی ۱۳۴۱ – ۲۶ دی ۱۳۸۵) دانشمند و استادیار دانشگاه و متخصص در الکترومغناطیس بود. او همچنین یکی از دانشمندان برنامه هسته‌ای ایران بود. او در حال کار بر روی پروژه هسته‌ای اصفهان و همچنین تدوین طرح ساخت بزرگترین مجتمع فیزیک اتمی خاورمیانه بود که پس از درگذشت وی بررسی این طرح ادامه نیافت. برخی رسانه‌های غربی احتمال ترور وی را مطرح کرده‌اند که این ادعا همیشه توسط مقامات ایران تکذیب شده است. اما مصطفی معین ۱۴ سال بعد، ترور توسط عوامل موساد را تایید کرد.

### سوابق علمی

وی عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز و دانشگاه صنعتی مالک اشتر (علوم و تحقیقات دفاعی) بود و پس از اخذ مدرک مهندسی الکترونیک (دانشگاه شیراز)، تحصیلات خود را تا سطح دکتری فیزیک هسته‌ای ادامه داده و در سال ۱۳۸۱ موفق به دریافت دکتری از دانشگاه شیراز شد. عنوان پایان‌نامه وی «فیزیک هسته‌ای الکتروپوینامیک یون‌های مغناطیسی در ابر شبکه‌ها» بود. وی به عنوان استادیار به تدریس در دانشگاه شیراز و دانشگاه صنعتی مالک اشتر مشغول بود.

### جوایز و افتخارات

- ۱۳۷۴: کسب عنوان دانشجوی نمونه در مقطع کارشناسی ارشد در کشور در سال ۱۳۷۴

- ۱۳۷۵: رتبه اول تألیف کتاب.
- ۱۳۷۹: رتبه دوم تحقیقات کاربردی جشنواره بین‌المللی خوارزمی.
- ۱۳۸۲: نفر اول محققان دفاعی جمهوری اسلامی.
- ۱۳۸۵: رتبه نخست جشنواره بین‌المللی خوارزمی.
- کسب عنوان برترین مخترع ایرانی بوداپست مجارستان

### فعالیت‌های علمی

- اجرای بیش از دوازده پروژه حساس دفاعی (از جمله موتور و پیش‌رانه‌های موشک شهاب سه و ساخت موفقیت‌آمیز رنگ ضد رادار که امواج الکترو مغناطیس فرستاده شده توسط رادار مرکزی را جذب می‌کند).
- ساخت مواد جاذب رادار \* طراحی و ساخت راکتورهای شیمیایی تحت فشار با کو پلاز مغناطیسی
- مدون دکترای فرا گرایش فیزیک اتمی
- راه‌اندازی اولین خط تولید مغناطیس‌های سرامیکی
- راه‌اندازی اولین موتورهای مغناطیسی در ایران
- طراحی و ساخت مشددهای دی الکتریک
- ساخت آهنرباهای سرامیکی فریت استرانسیم
- ساخت فریت نیکل روی برای کادر آنتن گیرنده‌های MV
- ساخت فریت منگنز - روی برای تست لامپ‌های کم مصرف
- ساخت مواد جاذب رادار برای باندهای x و ku
- طراحی شکل برای کاهش سطح مقطع راداری
- طراحی و ساخت کوپلاز مغناطیسی تخت
- طراحی و ساخت پمپ‌های مغناطیسی
- تألیف کتاب اصول عملیات حرارتی در ساخت هسته‌های فریت

### ترور

مرگ مشکوک حسین پور در ۲۶ دی ۱۳۸۵ اتفاق افتاد. مراسم ترحیم در شرایط امنیتی و بدون انعکاس رسانه‌ای برگزار گردید. اولین ترور دانشمند ایرانی با سیاست جلوگیری نظام ایران از ایجاد رعب و وحشت در کشور سرپوش نهاده شد. پس از انتشار خبر درگذشت او روزنامه ساندی تایمز و برخی سایت‌های خبری متعلق به کارشناسان اطلاعاتی در آمریکا از جمله مرکز سایت خبری اطلاعاتی معتبر «استراتفور» به بررسی مرگ وی پرداختند. سازمان استراتفور به نقل از منابع آگاه اعلام کرد که اردشیر حسن پور هدف ترور از سوی سازمان موساد بوده است. به نوشته این روزنامه‌ها دانشمند ایرانی متهم به همکاری با سپاه پاسداران ایرانی در اجرای ۱۲ پروژه حساس دفاعی در دانشگاه مالک اشتر می‌باشد. روزنامه فیگارو نیز مرگ وی را در نتیجه ترور با استفاده از گاز رادیو اکتیو دانست. مقامات ایران ترور وی توسط اسرائیل را تکذیب کرده و گفتند که آمریکا و اسرائیل از اشراف امنیتی قابل توجهی بر ایران برخوردار نیستند. اما ترورهای بعدی موساد این مدعا را اثبات کرد. بر اساس گفته‌های از استادان دانشگاه درباره شهید حسین پور: صبح روز قبل از ترور، او در اوج صحت در دانشکده بود و مشغول فعالیت‌های علمی بود ... و روزهای پیشین در آزمایشگاه همانند روال قبل تحقیقاتشان را انجام می‌داد.

اردشیر حسین پور از جمله محققان کارخانه فرآوری اورانیوم اصفهان بود؛ یکی از تأسیسات محوری معاونت تولید سوخت سازمان انرژی اتمی ایران که دارای ۶۰ واحد تولیدی و ۱۵۰۰۰ دستگاه

تحقیقاتی و تولیدی است؛ بود. بیش از هزار متخصص و تکنیسین در این مرکز که یکی از مراکز محوری در برنامه هسته‌ای ایران است، مشغول بکار هستند.

شش روز پس از درگذشت او واحد مرکزی خبر (وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران) در ۱ بهمن ۱۳۸۵ خبر آن را منتشر ساخت. پیش از آن رسانه‌های رسمی درگذشت وی را تکذیب می‌کردند. این خبرگزاری علت درگذشت وی را «گاز گرفتگی» در خوابگاه استادان دانشگاه شیراز (خوابگاه صدرا) اعلام کرد. تلاش برای مخفی نگه داشتن مرگ وی شایعاتی در رسانه‌های بین‌المللی مطرح ساخت که قویترین آن، ترور وی توسط سازمان اطلاعات اسرائیل موساد است.

پس از انتشار خبر درگذشت او روزنامه ساندی تایمز و برخی سایت‌های خبری متعلق به کارشناسان اطلاعاتی در آمریکا از جمله مرکز سایت خبری اطلاعاتی معتبر «استراتفور» به بررسی مرگ وی پرداختند. به ادعای این رسانه‌ها وی توسط سازمان اطلاعات اسرائیل (موساد) به وسیله گاز رادیو اکتیو مسموم و ترور شده‌است و علت اعلام دیر هنگام درگذشت وی توسط رسانه‌های ایران نیز همین موضوع است.

رسانه‌های اسرائیلی نیز ضمن بازتاب دادن خبر روزنامه ساندی تایمز نوشتند که او در سال‌های اخیر با دانشگاه صنعتی مالک اشتر همکاری داشته‌است. سپاه پاسداران متهم به همکاری با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی است. مهدی‌نژاد نوری که به نوشته روزنامه‌های اسرائیل یکی از مقامات سپاه پاسداران و از جمله افرادی است که بنا به قطعه‌نامه ۱۷۳۷ شورای امنیت باید تحت کنترل باشند، رئیس اردشیر حسن پور در دانشگاه مالک اشتر بوده‌است. به گفته این منابع اسرائیل در سال‌های قبل نیز برخی دانشمندان هسته‌ای عراق را نیز ترور کرده بود. روزنامه فیگارو نیز مرگ وی را در نتیجه ترور می‌داند. به گفته رادیو فردا برخی منابع نیز از احتمال مسموم شدن او در هنگام انجام فعالیت‌های تحقیقاتی در مراکز هسته‌ای خبر داده‌اند.

مقامات ایران ترور وی توسط اسرائیل را تکذیب کرده و گفتند که آمریکا و اسرائیل از اشراف امنیتی قابل توجهی بر ایران برخوردار نیستند.

### تایید ترور توسط موساد

در آذر ۱۳۹۹ و ۱۴ سال پس از چند روایتی که دستگاه امنیتی ایران درباره مرگ اردشیر حسین‌پور منتشر کردند، مصطفی معین وزیر علوم دولت خاتمی در اینستاگرام خود نوشت که آن روایت‌ها دروغ بوده و روایت درست، ترور او «توسط عوامل موساد» بود و ۲۶ دی ۱۳۸۵ اردشیر حسین‌پور، دانشمند هسته‌ای ایران، با «گاز رادیو اکتیو» ترور شد. او همچنین نوشت که در آن زمان «ترور» حسین‌پور «از سوی مقامات تکذیب شد تا سیستم اطلاعاتی زیر سؤال نرود» و علت مرگ او «گاز گرفتگی معمولی» اعلام شد.



اسماعیل جرجانی

متولد ۴۳۴ ه.ق  
جرجانیه و به روایتی اصفهان  
درگذشت ۵۳۱ یا ۵۳۵ ه.ق  
مرو  
اقامتگاه گرگانج، قم، ری، فارس، خوارزم و مرو

زین الدین ابوالفضائل اسماعیل بن حسین جرجانی معروف به سید اسماعیل پزشکی ایرانی بود که به عربی و فارسی می‌نوشت. او در ۴۳۴ قمری از جرجانیه در جنوب دریایچه آرال و ساحل جیحون برخاست و در دربار خوارزم برآمد و در ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶ میلادی مطابق با ۵۳۱ قمری، در مرو درگذشت.

اهمیت آثار سید اسماعیل جرجانی در این است که پس از چند سده که مجموعه‌های بزرگ پزشکی همچون کامل الصناعه علی بن عباس مجوسی اهوازی و الحاوی و المنصوری محمد بن زکریای رازی و قانون ابن سینا به زبان عربی در دسترس جویندگان علم پزشکی بود آثار جرجانی با زبان فارسی جلوه‌ای خاص به خود گرفت و آنان که عربی نمی‌دانستند به آسانی می‌توانستند از این آثار بهره‌مند گردند. جرجانی برای اینکه امر را بر جویندگان علم دشوار نسازد کوشید تا اصطلاحات عربی را هم‌پایه مصطلحات فارسی در آثار خود بیاورد و در آغاز ذخیره تصریح می‌کند به اینکه: «اگرچه این خدمت به پارسی ساخته آمده است لفظ‌های تازی که معروف است و بیشتر مردمان معنی آن دانند و بتازی گفتن سبکتر باشد آن لفظ هم بتازی یاد کرده آمد تا از تکلف دورتر باشد و بر زبان‌ها روان‌تر».

### معرفی اجمالی

برای او القاب و کنیه‌های متفاوتی ذکر کرده‌اند: زین الدین، شرف الدین، ابوابراهیم، ابو الفتح، ابوالفضائل، الامیر السید الامام، علوی حسینی، سپاهانی گرگانی، و طبیب علوی. متأسفانه درباره سیر زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. برخی محل تولد وی را گرگان دانسته‌اند و با توجه به اینکه او خود در مقدمه ذخیره خوارزمشاهی از ورود خویش به خوارزم در ۵۰۴ ق یاد کرده و در مقدمه ویرایش عربی ذخیره سن خود را هنگام نگارش آن کتاب ۷۰ سال گفته است، می‌توان تولد وی را در ۴۳۴ ق، یا اندکی پس از آن دانست. او احتمالاً مقدمات طب را در گرگان فراگرفت. برخی از محققان او را از شاگردان ابن ابی صادق نیشابوری دانسته‌اند؛ حال آن که جرجانی در ذخیره تنها از ابن ابی صادق نقل کرده است و از عبارت او پیداست که ابن ابی صادق را شخصاً نمی‌شناخته است.

### ذخیره خوارزمشاهی

وی رساله طبّی مفصلی به فارسی نوشت به نام ذخیره خوارزمشاهی، که احتمالاً اندکی پس از ۱۱۱۰ میلادی، برای قطب‌الدین محمد (پادشاهی‌اش از ۱۰۹۷ تا ۱۱۲۷ میلادی)، تألیف شده است. احتمالاً این نخستین دائرةالمعارف طبّی بود که به جای عربی به فارسی نوشته می‌شد و از کتب پایه و جامع در پزشکی سنتی امروز است.

ذخیره شامل قریب ۷۵۰۰۰ واژه، در نه کتاب (۷۵ باب، ۱۱۰۷ فصل) است، و کتاب دهمی به نام کتاب قرابادین بعداً بدان ضمیمه شده است. برای جانشین قطب‌الدین، اتسز (پادشاهی‌اش از ۱۱۲۷ تا ۱۱۵۶ میلادی)، رساله دیگری نوشت به نام أغراض الطبّ که (بیشتر براساس ذخیره بود) و در حدود ۱۱۲۷ - ۱۱۳۵ میلادی، به اتمام رسید. خلاصه‌ای از ذخیره را مترجم ناشناسی به عبری ترجمه کرد. این امر بسیار مهم است، چون از آثار طبّی فارسی عملاً هیچ ترجمه دیگری به عبری وجود ندارد.

## سایر آثار

مشخص نیست سایر آثار جرجانی ابتدا به فارسی نوشته شده، یا عربی یا به هر دو زبان یا به چه زبانی. در زیر نام و مشخصات چند اثر دیگر وی ذکر شده است :

1. التذکره الاشرافیه فی الصناعه الطبیبه : مجموعه ای است طبی که آن را به علاءالدین پسر ایل ارسال اهدا کرد.
  2. خفی علایی : در ۱۱۱۳ میلادی ، خلاصه فشرده‌ای از التذکره را در دو کتاب تکمیل کرد و آن را خفی علایی نام نهاد.
  3. المُنْبِیّه : یک رساله فلسفی که در آن پوچی تمایلات دنیوی را بیان کرده است.
  4. الاغراض الطبیبه و المباحث العلائیه.
- یادگار، در دانش پزشکی و داروسازی

## محمد امین شکراللهی



**زاده** بستک، استان هرمزگان در سال ۱۹۶۴

**محل تحصیل** دانشگاه بن

**شناخته شده برای** نظریه کدگذاری

**جایزه** جایزه مصطفی ۲۰۱۷  
مدال ریچارد همینگ مؤسسه مهندسان  
برق و الکترونیک ۲۰۱۲

جایزه اریک سامنر مؤسسه مهندسان برق  
و الکترونیک ۲۰۰۷

### پیشینه علمی

رشته(های) علوم کامپیوتر، ریاضیات، نظریه  
فعالیت اطلاعات

محل کار دانشگاه ای پی اف ال

محمد امین شکراللهی یک ریاضی‌دان ایرانی (اصالتاً اهل بستک از استان هرمزگان) است که در زمینه ریاضیات محاسباتی، نظریه کدگذاری و نظریه پیچیدگی محاسباتی کار می‌کند. او استاد دانشکده علوم کامپیوتر و اطلاعات و دانشکده ریاضی دانشگاه EPFL سوویس است.

شهرت وی بیشتر به خاطر کارش بر روی روش‌های تکراری (iterative) رمزگشایی بر مبنای گراف است که به خاطر آن جایزه مقاله نظریه اطلاعات آی‌تریپل‌ای را در سال ۲۰۰۲ (به همراه چند تن دیگر) دریافت نمود. وی چندین کلاس کد جدید نیز ابداع نموده است. به خاطر این دست‌آوردها وی همراه با میثائیل لابی جایزه اریک سامنر آی‌تریپل‌ای در سال ۲۰۰۷ و نیز مدال ریچارد همینگ آی‌تریپل‌ئی در سال ۲۰۱۲ را دریافت نمود. وی همچنین در سال ۲۰۱۷ جایزه ۵۰۰ هزار دلاری «مصطفی» را که «نشان عالی علم و فناوری جهان اسلام» خوانده شده، در مراسمی در تالار وحدت تهران دریافت کرد. علت اعطای جایزه، ابداع کد رپتور عنوان شد. این کد که در سال ۲۰۰۱ توسط وی معرفی شده، در شبکه‌های اطلاعاتی به کار گرفته می‌شود و چند سال پیش توسط شرکت کوال کام خریداری شد و در حال حاضر در سطح جهانی به کار گرفته شده است.

ایمان ده بزرگی



این روزها کمتر کسی هست که نام نابغه ایرانی صنعت IT ، مهندس ایمان ده بزرگی رو نشنیده باشد کسی که با کسب مقام و موفقیت های اش در مسابقات و المپیاد ها توانسته جایگاه ایران را در جدول IT دنیا تغییر دهد و موجب افتخار ایران و ایرانیان شود . کسی که سرانجام با کسب عنوان جوان ترین مهندس IT دنیا در سال 2007 نه تنها نام ایران و ایرانی را دوباره بر سر زبان ها انداخت بلکه نام و شهرت خود را در تاریخ ایران جاودانه ساخت .

سلام- تبریک می گویم انتخاب شما را به عنوان جوان ترین مهندس IT دنیا و همچنین کسب مقام دوم المپیاد طراحی وب کانادا .

\* بنام خدا سلام عرض میکنم.

- از حضورتان در المپیاد بگید چطور بود ؟

\* خدا را شکر خوب بود . از اینکه تونستم مقامی هم کسب کنم خوشحالم .

- سطح برگزاری المپیاد را چطور می دیدید ؟

\* عالی بود . نسبت به المپیاد ها و مسابقات دیگه ای که شرکت کرده بودم از سطح بالا تری بر خوردار بود

\* فکر می کردید بتونید مقام بیارید ؟

- راستش برای مقام آمده بودم . تلاش خودم را کردم خدا هم کمک کرد.

\* انتظار داشتید جزء نامزدهای کسب عنوان جوان ترین مهندس IT دنیا در سال 2007 قرار بگیرید ؟

- بخاطر تخصصی که در زمینه های دیگر کامپیوتر داشتم و همچنین سن کمی که نسبت به بقیه شرکت کننده ها داشتم احتمال می دادم .

\* زمانی که شما را به عنوان جوان ترین مهندس IT دنیا انتخاب کردند عکس العملتون چی بود ؟

- شوکه شده بودم .

\* چرا ؟

- آخه خودتون می دانید که ایران در زمینه IT نسبت به کشورهای دیگه مخصوصا کشورهای اروپایی و آمریکایی عقبه ولی خدا را شکر که تونستم با مطالعات فروانی که در این زمینه داشتم تونستم خودم را به سطح معلومات بچه های آمریکا و اروپا برسانم .

\* شنیدید که موفقیت شما رتبه ایران را در جدول IT بالاتر برده ؟

- آره خدا را شکر می کنم از اینکه تونستم برای مملکتم مفید باشم .

\* در خیلی نشریه ها و رسانه های خبری اعلام شده در ایران هم که برای سپاسگزاری و تشکر از شما لقب پدر IT ایران را بهتون دادند !

- همینجا تشکر می کنم از این همه لطف و محبتی که به من داشتند .

\* خیلی ها دوست دارند بدانند در زندگی شخصی نابغه IT ایران چه می گذرد ؟

\* از زبان خودتان می خواهم بشنویم که چند سالتان هست و متولد کجا هستید ؟

- متولد سال 1365 هستم و در شیراز بدنیا آمدم .

\* چند تا خواهر برادرید ؟

- ما چهار تا هستیم . 2 تا پسر 2 تا دختر که برادرم از خودم بزرگتره و خواهرام کوچکتر .

\* متاهل یا مجرد ؟

- متاهل .

\* چی شد اینقدر زود ازدواج کردید ؟

- فکر نمی کنم خیلی زود ازدواج کرده باشم . الان باید بجای من بچه و شاید هم نوه ام در المپیاد شرکت می کرد . ( خنده )

- خب اگه راستش را بخواهید اون کیسی را که برای ازدواج دنبالش بودم پیدا کردم .

\* اوضاع و احوال زندگی مشترک چگونه ؟

- سرشار از صلح و صفا و صمیمیت و کتک و کتکاری و کشت و کشتار و قتل و غارت . ( خنده )

\* همینجا من تبریک میگم به خانومتون بخاطر داشتن یک همسر نابغه و صد البته شوخ طبع .

- مرسی لطف دارید . خدا را شکر زندگیمان هم خوبه امیدوارم که بهتر هم بشه .

\* همسرتون هم مثل خودتان نابغه هستند ؟

- آره بابا تو گیر دادن به شوهر نابغه ای هست واسه خودش . ( خنده )

- ایشون هنوز تو مسابقه یا المپیاد جایی شرکت نکردن ولی با این خصوصیتی که ازشون سراغ دارم امید نابغه شدنشون رو میدم .

\* چیزی که این روزها خیلی نظر همه را به خودش جلب کرده و باعث محبوبیت بیشتر شما به عنوان

یک نابغه در دنیا شده ، جدا از تمام مقام ها و عنوان هایی که کسب کردید مدل لباس ها یا همان تیپ

شماست . میخوایم بدونیم دلیل این گونه تیپ لباس پوشیدن شما چیه ؟

- خودم شخصا به تیپ های اسپرت علاقه دارم ، ولی راستش من تیپ خاصی نمی زنم و مطمئن باشید

نمی دونستم اگر یک نفر به عنوان نابغه یک کم به خودش برسه باعث تعجب میشه . فکر کنم دلیلش

اینه که بیشتر نوابغ چون یا کم مو بودن یا خیلی ساده لباس می پوشیدن ، اینطور لباس پوشیدن من

براشون جالبه . ( خنده )

\* در اکثر طراحی های انجام شده توسط شما ، کارهایتان علاوه بر زیبایی از یک ساده گی خاصی

هم برخورداره دلیل اینطور طراحی کردنتان چیه ؟

- بنظر من یک وب سایت جدا از اینکه باید زیبا باشه تا بازدید کننده را جذب خودش بکند باید از لحاظ

ارتباط با بازدید کننده نیز در سطح بالا قرار بگیرد . مثلا موقع طراحی یک سایت باید این را در نظر

داشته باشیم که تمام کسانی که از این سایت دیدن می کنند در یک مقطع سنی نیستند بلکه از هر مقطع

سنی امکان مراجعه به سایت وجود دارد در نتیجه طراحی باید بگونه ای باشد که بازدید کننده دچار سر

در گمی نشود .

\* دلیل موفقیتتان رو در چی می بینید ؟

- مهمترین دلیل موفقیت عشق و علاقه ای است که به این کار دارم . همیشه هر طراحی جدیدی که

انجام میدهم بیشترین سعی و تلاشم را می کنم که از طراحی های گذشته بهتر باشد .

\* برنامه یتان برای آینده چیه ؟

- پیشنهادهای مناسب زیادی از خارج از کشور برای کار و ادامه تحصیل بهم شده ولی هنوز تصمیم خاصی برای خروج از کشور نگرفتم. اولویت اولم ایران هست دوست دارم در خود ایران بتونم خدمت کنم.

\* حالا که به این عنوان و مقام رسیدید اگر بخواهید از کسی تشکر کنید از چه کسی تشکر می کنید؟  
- اول خدا را شکر میکنم بخاطر همه چیز بعدشم من هرچی در زندگی دارم از پدر و مادر نازنینم دارم از همینجا دستشون را می بوسم

\* در آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید؟  
- تشکر می کنم از تمام کسانی چه در داخل و چه در خارج کشور که من را مورد لطف خودشان قرار دادند. در ضمن این را بگم که تمام مقام و عنوان هایی که دارم و انشاالله اگر بعدا هم بتونم مقامی بدست بیاورم همه متعلق به کشور و مردم عزیز ایران هست.

\* مجددا کسب عنوان جوان ترین مهندس IT دنیا و همچنین مقام دوم المپیاد جهانی طراحی وب کانادا را به شما و همه مردم ایران تبریک می گویم و تشکر می کنم از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار دادید.

- مرسی از شما و همه همکارانتان ، خداحافظ.  
\* خدانگهدار

بابک حسینی



محل زندگی ایالات متحده آمریکا

محل تحصیل دانشگاه استنفورد  
دانشگاه تهران

جایزه ها Presidential Early Career Award  
for Scientists and

Engineers (2003) (PECASE)  
David and Lucille Packard  
Fellowship for Science and  
Engineering (2003)  
Al Marai Award ۲۰۰۹

### پیشینه علمی

رشته(های) نظریه مخابرات نظریه اطلاعات  
 فعالیت پردازش سیگنال نظریه کنترل

محل کار مؤسسه فناوری کالیفرنیا آزمایشگاه‌های بل  
دانشگاه استنفورد

استاد راهنما تامس کیلات

بابک حسینی (زاده تهران ایران) مهندس برق ایرانی آمریکایی است در زمینه نظریه مخابرات، نظریه اطلاعات، پردازش سیگنال، و نظریه کنترل که هم‌اکنون استاد کرسی بایندر/امگن و رئیس سابق دانشکده مهندسی برق مؤسسه فناوری کالیفرنیا است.

حسینی لیسانس خود را در ۱۹۸۹ از دانشگاه تهران و فوق لیسانس و دکترای خود را به سرپرستی تامس کیلات از دانشگاه استنفورد در ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ دریافت کرد.

او از برندگان جایزه ریاست جمهوری اوایل فعالیت برای دانشمندان و مهندسين در سال ۲۰۰۳ است. او نوۀ کاظم حسینی، از رهبران جبهه ملی ایران و مشاور نفت محمد مصدق نخست وزیر سابق ایران است.



بایزید بسطامی

۱۸۲۵ش

زاده

|                            |                                     |
|----------------------------|-------------------------------------|
| بسطام، شاهرود سمنان، ایران |                                     |
| درگذشت                     | ۲۵۳ هـ ش بسطام، شاهرود سمنان، ایران |
| حیطه                       | آسیای غربی، خراسان                  |
| مکتب                       | عرفان اسلامی                        |
| علاق اصلی                  | عرفان و تصوف، فلسفه                 |
| ایده‌های چشمگیر            | سکر                                 |



آرامگاه بایزید بسطامی و زاده محمد ابن جعفر صادق ع

ابویزید طیفور بن عیسی بن آدم بن سروشان بسطامی معروف به بایزید بسطامی ملقب به سلطان العارفین بزرگترین عارف قرن سوم هجری، از اهالی ایران و از بزرگان اهل تصوف و اهل سنت بود. تاریخ تولد او بهدرستی مشخص نیست و مرگ او را سال ۲۶۱ یا ۲۳۴ هجری دانسته‌اند.

### زندگی‌نامه

از زندگی سلطان العارفین بایزید بسطامی اطلاعات خیلی دقیقی در دست نیست. فصیح احمد خوافی او را زاده سال ۱۳۱ هجری و جدّ او سروشان را والی ولایت قومس (کومش) دانسته‌است. بنا بر برخی روایات، جدّ بایزید بسطامی زرتشتی بود و پدرش یکی از بزرگان بسطام بود.

محل ولادت او محله موبدان بسطام بود. در کتاب «النور من کلمات» ابی‌طیفور داستان اسلام آوردن «سروشان» جد بایزید آورده شده‌است.

استاد او در تصوف مشخص نیست. عشق عرفانی در عرفان بایزید جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین او را پایه‌گذار سکر و فنا در تصوف می‌دانند. گفته مشهور وی، «سبحانی ما اعظم شانی» اشاره به همین مفهوم دارد.

بنا بر برخی روایات، بایزید از اصحاب جعفر صادق بود. بعضی نظرات وی را معاصر محمد باقر و جعفر صادق، می‌دانند این در حالیست که وفات بایزید در قرن سوم (سال ۲۶۱ هجری) می‌باشد حال آن که فوت صادق در سال ۱۴۸ هجری بوده و تفاوت وفات ایشان ۱۱۳ سال می‌شود و کسی عمر بایزید را بیش از هشتاد سال ذکر نکرده است.

بایزید بسطامی در سال ۲۶۱ درگذشت و او را در خانقاه (بسطام) وی دفن کردند.

مقبره بایزید بسطامی فاقد هرگونه تزئین و داری یک پنجره مسقف آهنی است. روی قبر یک سنگ مرمر قرار دارد که کلماتی از مناجات مشهور علی بن ابی طالب بر آن حک شده است.

### مصاحبان بایزید

اقران و مصاحبان او را چنین معرفی کرده اند: حسن کردی، ابوعلی سندی، احمد خسرویه، فاطمه نیشابوریه، ابراهیم ستنبه، ذوالنون مصری، یحیی بن معاذ رازی، شقیق بلخی، احمد حرب، ابوموسی دیبلی، حاتم اصم، بلال بلخی، ابوبکر اصفهانی، ابوفحص حداد نیشابوری، سهل تستری، ابوسلیمان دارانی، ابراهیم معاذان و ابوسعید منجورانی

### درباره بایزید بسطامی

درباره بایزید بسطامی آثار ارزنده ای نوشته شده است، از جمله:

- پایان نامه «شخصیت و اندیشه بایزید بسطامی و بازتاب آن در ادب فارسی (در آثار پنج تن از شاعران بزرگ عارف: سنایی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ)
- مقاله «بایزید بسطامی، آئینه الهی»
- مقاله «از عرفان بایزید تا فرمالیسم روسی»
- کتاب دفتر روشنائی محمدبن علی سهلگی؛ ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی.
- علاوه بر آثار فوق، کتاب «بایزید بسطامی» نوشته جواد نوربخش در ۱۱ بخش اطلاعات کاملی در خصوص بایزید بسطامی ارائه می دهد.
- کتاب "بایزید بسطامی، سیاح بحر تجرید" نوشته دکتر کاظم محمدی؛ انتشارات نجم کبری، سال انتشار ۱۳۹۱
- کتاب "آتش نهفته" (the hidden fire)، کاظم محمدی؛

### در نگاه عالمان دین

در میان نظرات متفاوت، بعضی فقهای شیعه شخصیت بایزید را مورد انتقاد قرار داده اند از متقدمین کسی چون مقدس اردبیلی قائل به اعتقاد متصوفه از جمله بایزید به حلول یا اتحاد بوده و از متأخرین سید ابوالقاسم خوئی که وی را قائل به وحدت وجود و موجود دانسته، این دو بر وی طعن وارد نموده اند. همچنین فقه‌هایی چون لطف الله صافی گلپایگانی با توجیه ناپذیر و تأویل ناپذیر بودن سخنان بایزید و سید صادق شیرازی که به نقل حر عاملی آورده وی مورد سرزنش مکرر محمد تقی نهمین پیشوای شیعیان، قرار گرفته است و سید محمدباقر شیرازی که با مخالف شرع دانستن همایش برای وی و میرزا یدالله دوزدوانی با این نقل که وی یک عمر منحرف بوده و اواخر عمر به واسطه جعفر صادق ششمین پیشوای شیعیان، مستبصر شده است مخالفت خود را با همایش در نظر گرفته برای تجلیل از بایزید در شاهرود طی اعلامیه‌هایی ابراز داشتند. مکارم شیرازی معتقد است برخی از شطحیات بایزید بر اعتقاد او به حلول و اتحاد دلالت دارد.

محراب خانقاه



در اظهاراتی متفاوت با دیگر فقهای شیعه در تجلیل بایزید، یکی آنکه به نقل مجلسی اول در کتاب اصول فصول التوضیح، استاد وی شیخ بهایی قائل به زیارت قبر بایزید بوده و خود، قبر وی را زیارت کرده است. سید علی خامنه‌ای در سفر خود به شاهرود با اشاره به شخصیت بایزید ابراز داشته بود: «نام بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی را همه مسلمانان و مرتبطين با معارف اسلام - ولو غیرمسلمان - شنیده‌اید. البته امثال بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی را با این مدعیان صوفیگری نباید اشتباه کرد. آن‌ها داستان دیگری دارند و ماجرا و سخن دیگری است.» در تبیینی بهجت شطحیات این‌گونه شخصیت‌ها از جمله بایزید را قابل تأویل دانسته است و تکفیر آن‌ها را روا ندانسته در عین حال متابعت معصومین را شرط و موافقت با آن‌ها را ملاک دانسته است. همچنین در تلمیذات علامه سید محمدحسین طهرانی بایزید بسطامی را صاحب مقام حال فنا فی الله می‌داند:



سنگ قبر بایزید

### در نگاه صوفیان و بزرگان

بایزید بسطامی بیش از دیگران دارای شهرت و اهمیت بوده و رفتار و گفتارش در همه مردان راه حق تأثیر کرده است، به این جهت داستان‌ها و سخنان او بیش از هر صوفی و عارفی در کتب صوفیه و عرفا آمده است و مخصوصاً در آثار منظوم عرفانی مانند آثار عطار و مثنوی مولوی بیشتر جلوه‌گر است.

فریدالدین عطار در تذکره الاولیا بخشی را به ذکر شرح حال و اقوال بایزید اختصاص داده و این مقدار تفصیل درباره صوفی و عارفی دیگر در آن کتاب به نظر نمی‌رسد. عطار در آغاز شرح حال او می‌نویسد:

«آن خلیفه الهی، آن دعامه نامتناهی، آن سلطان العارفین، آن حجة الحق اجمعین، آن پُخته جهان ناکامی، شیخ بایزید بسطامی- رحمة الله علیه. اکبر مشایخ بود، و حجت خدای بود، و خلیفه بحق بود، و قطب

عالم بود، و مرجع اوتاد؛ و ریاضات و کرامات و حالات و کلمات او را اندازه نبود؛ و در اسرار و حقایق نظری نافذ و جدی بلیغ داشت؛ و دایم در مقام و هیبت بود، غرقه انس و محبت بود، و پیوسته تن در مجاهده و دل در مشاهده داشت؛ و روایات او در احادیث عالی بود و پیش از او کسی را در معانی طریقت چندان استنباط نبود که او را...».

نقل است که چون مادر او را به مکتب فرستاد، در سوره لقمان به این آیت رسید: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِالدَّيْكَ» یعنی شکر گوی مرا و شکر گوی مادر و پدر را چون معنی این آیه بدانست نزد مادر رفت و گفت:

«در دو خانه کدخدایی چون کنم، یا از خدا در خواه تا همه آن تو باشم یا مرا به خدابخش تا همه آن او باشم مادر گفت: تو را در کار خدا کردم و حق خود به تو بخشیدم».

پس بایزید از بسطام بیرون رفت و سی سال در شام و شامات می‌گشت و ریاضت می‌کشید.

جنید بغدادی در مورد او می‌گوید:

«بایزید در میان ما چون جبریل است در میان ملایکه».

جواد نوربخش: «بایزید بسطامی که به حق او را باید سلطان العارفین گفت، یکی از پیشتازان تصوف و عرفان است. او در حالی که از توحید سخن می‌گوید، با مطرح ساختن عشق الهی، مردم را به محبت به دیگران و دوست داشتن همه آفریدگان خدا تشویق می‌کند. بایزید مکتب انسانیت را تحت لوای عرفان در زمانی شروع کرد که مبارزه فرهنگ بیگانه، خاطر ایرانیان را نگران ساخته بود. او با سخنان بدیع خود فرهنگ ایرانی را از دستبرد اجانب دور نگهداشت».

شیخ اشراق گوید (به نقل از مجموعه مصنفات شیخ اشراق - جلد ۳): بایزید و حلاج از اصحاب تجرید بودند و اقمار آسمان توحید. چون دلهای آنان به نور پروردگارشان روشن شد، راز آشکار نهانی را فاش کردند و خداوند که همه چیز را به گفتن واداشته، آن‌ها را به گفتن آورد. حق بر زبان اولیای خدا به سخن می‌آید.

ابوالحسن خرقانی (به نقل از احوال و اقوال خرقانی): روزی شیخ ابوالحسن خرقانی شاگردی را گفت: چه بهتر بودی؟ شاگرد گفت: ندانم. گفت: جهان پر از مرد همه همچون بایزید.

روزبهان بقلی (به نقل از شرح شطحیات): سیاح بحر تجرید طیر و کر تفرید، صلصل مست توحید، طیفور بن عیسی بایزید بسطامی، او بود که کراماتش چون آفتاب پیدا بود. امروز از آن پیداتر، در هوا بپیریدی، و پای به نهر بلخ باز آن سوی نهادی بی کشتی.

ابن عربی در فتوحات مکیه می‌گوید: "روزی بایزید می‌گوید: "شما علم خود را از مرده ای دیگر گرفته اید. اما علم ما از آن آن زنده ای است که نمی‌میرد. اگر انسان هدف خود را به سوی چیزی که آفریدگار او می‌خواهد منعطف کند، به آرامش دست می‌یابد. از ابویزید بسطامی پرسیدند: "چه می‌خواهی؟" جواب داد: "خواهم که چیزی نخواهم." به بیان دیگر خواسته است بگوید: "مرا تو چنان که خواهان همه چیز هستم قرار ده." یعنی چیزی جز آنچه خدا می‌خواهد نمی‌خواهی. که خدا برای بندگان خود خواستار آرامش است نه سختی (بقره: ۱۸۵). از بایزید پرسیدند: "چگونه صبح کردی؟" جواب داد: "مرا روز و شبی نیست، روز و شب تنها برای کسی است که به صفتی متصف شود و، حال آنکه من فاقد صفتم." چنانچه ابن عربی هم خود را سرانجام این چنین بی صفت و فاقد مقام معرفی می‌کند (قلیچ، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

## آثار

به بایزید بسطامی تصنیفانی نسبت داده شده است:

- النور من کلمات ابی طیفور که عبدالرحمن بدوی در کتاب شطحات الصوفیه خود آن را چاپ کرده است، این کتاب تألیف یکی از خلفای بایزید به نام سهلکی است.
- رساله احکام القضا و القدر
- مسائل الرهبان
- از آثار او میتوان بستان العارفین را نام برد

### سخنان بایزید



#### معاصر

#### مسجد بایزید بسطامی

سخنانی از بایزید منقول از کتاب «بایزید بسطامی»:

- نقل است که او را گفتند قومی می‌گویند که: کلید بهشت کلمه لا اله الا الله است. گفت: بلی کلید بی‌دندانه در نگشاید و دندانه این کلید چهار چیز است: زبانی از دروغ و غیبت دور، دلی از مکر و خیانت صافی، شکمی از حرام و شبهت خالی و عملی از هوی و بدعت پاک. (النور من کلمات ابی طیفور)
- «سی سال در حال مجاهده بودم و چیزی سخت‌تر از علم و متابعت کردن آن نیافتم.»
- یکی نزد بایزید آمد و او را از اسم اعظم حق پرسید. بایزید گفت: مرا بر اسم اصغر حق دلالت کن تا من تو را بر اسم اعظم او دلالت کنم. آن مرد حیران ماند. آنگاه بایزید گفت: همه اسمای حق اعظم‌اند. (فوائح الجمال و وفاتح الجلال - نجم الدین کبری)
- سی سال بود که می‌گفتم خدایا چنان کن و چنین ده ولی تا به درجه اول معرفت رسیدم گفتم خدایا تو مرا باش و هر چه خواهی کن.
- «حق در دل اولیای خود مطلع گشت، بعضی از دل‌ها چنان دید که بار معرفت او نتوانست کشید، به عبادتش مشغول گرداند.» (تذکرة الاولیا عطار)
- «دنیا اهل دنیا را غرور اندر غرور است؛ و آخرت اهل آخرت را سرور اندر سرور است؛ و دوستی حق اهل معرفت را نور اندر نور.» (تذکرة الاولیا عطار)
- «خدای را به خدا شناختم و جز خدای را به نور خدای عزوجل.» (طبقات الصوفیه - سلمی)
- «ثواب عارف از حق به حق باشد.» (تذکرة الاولیا عطار)
- «کمال عارف سوختن او باشد در دوستی حق.» (تذکرة الاولیا عطار)
- «شادی عارف - عارف به هیچ چیز شاد نشود جز به وصال دوست.» (تذکرة الاولیا عطار)

- «دل عارف از او شکوه نکند ولو اینکه با مقرض پاره پاره اش کنند؛ و هرگز از او نومید نمی‌شود و از مکر او ایمن نیست اگرچه به آمرزشش نوید دهند و بر او جز به او کسی راهنمایش نمی‌شود ولو اینکه بر آب و هوا رود؛ و از رنج او نیاساید اگرچه بر تخت شاهی نشیند؛ و از او غافل نیست اگرچه در بازار باشد و بی او در زمین و آسمان آرام نیابد.» (النور من کلمات ابی طیفور)
- «عارف طیار است و زاهد سیار» (تذکرة الاولیا عطار)
- همچنین کتاب "روح و ریحان" در دو جلد به شرح صد و ده سخن از بایزید بسطامی پرداخته است که علاوه بر شرح کلام او، سخنان بایزید را هم در دو مجلد گردآوری کرده است. این کتاب به قلم کاظم محمدی و توسط انتشارات نجم کبری در سال ۱۳۹۵ چاپ شده است.

+++++

### بهاءالدین مروزی

بهاءالدین ابوبکر محمد بن احمد بن ابوبشر (در برخی نسخه‌ها نامش ابومحمد عبدالجبار بن محمد آمده) ریاضیدان، اخترشناس و جغرافیدان ایرانی بود که به عربی می‌نوشت و به خَرَقی نیز مشهور است. نام خرق یا خرک احتمالاً اشاره به محلی در نزدیکی مرو در خراسان بزرگ است، چون او به مروزی هم معروف است. وی در سال ۱۱۳۸ - ۱۱۳۹ میلادی، در مرو درگذشت.

آثار مهم او عبارتند از :

- منتهی الإدراک فی تقسیم الأفلاک، در تقسیمات افلاک که توسعه و تکمیل نظریه نجومی ابن هیثم است.
- کتاب التبصرة فی علم الهیئة که رساله نجومی کوتاه‌تری است.
- الرسالة الشاملة، اثری است که گم شده و درباره بخشی از حساب بوده به نام «حساب درم و دینار». ابوریحان بیرونی این باره چنین نوشته است: «این حسابی است از جبر و مقابله بیرون آورده. و گاه گاه شیء‌های مجهول بیشتر از یکی باشند. پس لقب و نام باید کردن تا بنیامیزد. گروهی چون هندوان شیء‌ها را گونه دهند و بگویند، شیء ساده و شیء کبود و شیء زرد و شیء سرخ.» (التفهیم الی صناعة التنجیم ص ۵۱، در فرهنگ دهخدا، درآیه ی حساب درم و دینار) از آنجا که «شیء» در ریاضیات قدیم همان «متغیر» در ریاضیات امروزی است می‌توان نتیجه گرفت که منظور از حساب درم و دینار در واقع معادله های چندمجهولی باشد.
- الرسالة المغربية، که مفقود شده است.

### منتهی الادراک

مهم‌ترین تألیفش منتهی‌الادراک در سه مقاله است، که درباره‌ی موضوع‌های زیر بحث می‌کند:

- ترکیب افلاک، حرکت‌شان، و غیره.
- شکل زمین و تقسیم آن به یک بخش مسکون و یک بخش نامسکون، اختلاف طالع و مطلع بر حسب موقعیت جغرافیایی
- تواریخ یا قرانات، که بیشتر به قران مشتری و زحل مربوط است.
- ادوار، از قبیل دور قران یا عود قران.

کتاب دیگر وی به نام «کتاب التبصره»، کوتاهتر است و اساساً در همان زمینه؛ گرچه توصیف دقیق پنج دریا، که در فصل دوم مقاله دوم منتهی الادراک دیده می‌شود، در آن نیست.

### نظریه‌ی علمی

خرقی به تکمیل نظریه‌ای پرداخت که بر اساس آن سیاره‌ها در دایره‌های موهومی حرکت نمی‌کنند، بلکه در داخل افلاک گردنده جسمانی قرار دارند. این نظریه عجیب پیشتر، توسط ابوجعفر خازن (نیمه دوم سده دهم میلادی)، و ابن هیثم (نیمه اول سده یازدهم میلادی) بیان شده بود، تا فرض حرکت در میان اثیر و مشکلات ناشی از آن را حل کند: فشاری در پیش هر سیاره و کمبود فشار یا خلایی در پس آن پدید می‌آید. این نظریه از طریق ترجمه‌های لاتینی و عبری «فی هیئة العالم» نوشته‌ی ابن هیثم در اروپای باختری راه یافت.

+++++

#### بهاءالدین ولد (محمد بن حسین خطیبی بکری)

زادروز ۵۴۳ قمری

درگذشت ۶۲۸ قمری  
قونیه

لقب بهاءالدین ولد  
سلطان العلما

دوره خوارزمشاهیان

مذهب مسلمان

فرزندان مولانا

بهاءالدین ولد، محمد بن حسین خطیبی بکری (۵۴۳-۶۲۸ ق/۱۱۴۸-۱۲۳۱ م)، معروف به بهاء ولد، سلطان‌العلما، عارف، واعظ، از مشایخ تصوف و پدر جلال‌الدین محمد مولوی. بهاءالدین محمد بن حسین بن احمد خطیبی بلخی، تا مدت‌ها فقط به عنوان پدر مولانا جلال‌الدین رومی معروف شناخته می‌شد. اخبار مربوط به او از طریق ولد نامه یا ابتدا نامه سلطان ولد، پسر مولوی که از سال ۱۲۹۱/۶۹۰ باقی‌مانده و شرح حال مولانا به قلم فریدون بن احمد سپهسالار و پدرش که از پیش از سال ۱۳۲۹/۷۲۹ بازمانده و عموماً تحت عنوان رساله سپهسالار شناخته می‌شود و شرح حال مبسوط مولانا، مناقب العارفین افلاکی در دو جلد که در سال ۳۱۸/۷۱۸ شروع شده بوده‌است و قسمتی از رساله سپهسالار هم در آن وارد شده به دست ما رسیده‌است. هنگامی که بدیع الزمان فروزانفر در شرح انتقادی زندگی و آثار مولانا، مفصلاً درباره پدر مولوی، بهاء، وارد سخن شد و به ذکر و توصیف مختصر تنها اثر او، معارف نیز پرداخت، افق تازه‌ای در تحقیقات مربوط به بها گشوده شد.

محل تولد

این امکان وجود دارد که محل تولد بهاء خومه دور یا نزدیک بلخ بوده باشد. اگر بهاء در بلخ یا جنوب جیحون به دنیا آمده و بزرگ شده باشد، پس کودکیش را در قلمرو سلجوقیان گذرانده است. بهاء در شرق و خش می‌زیست و در آنجا خانه‌ای هم داشت (معارف، جلد ۲، ص ۱۴۲، س ۴). این شهر یا ناحیه را در دوران غوریه ملک یا سلطان مورد هجوم قرار داد.

### تدریس

Zohr در خراسان و در خطه بلخ به وعظ و درس می‌پرداخت و موعظه‌های او با اندیشه‌ها و کلمات صوفیان آمیخته بوده است. بهاء‌ولد شیوه تحقیق حکما و فلاسفه و نیز علوم اهل مدرسه را راه وصول به حقیقت نمی‌دیده است و اختلاف او را با فلاسفه و متکلمان آن زمان می‌توان در اشارتی که در معارف به فخرالدین رازی، متکلم سده ششم کرده است، ملاحظه کرد.

### پیش از حمله مغول

اندکی پیش از حمله مغول به آن نواحی و به سبب آزدگی از مردم بلخ و پادشاه وقت، صلاح کار خود را در آن دید که از خراسان دور شود و بدین سبب به عزم سفر مکه از بلخ بیرون شد. بهاء‌ولد و همراهانش رهسپار بغداد شدند و بهاء‌ولد از آنجا راهی مکه شد. بهاء‌ولد از مکه به شام رفت، ولی مدت اقامت او در شام به درستی معلوم نیست. آنچه از منابع معتبر برمی‌آید، صرف‌نظر از مبالغه‌گوییهای مناقب نویسان، بهاء‌الدین ولد در لارنده اعزاز و احترام نواب و وابستگان دربار سلطان علاء‌الدین کیکباد سلجوقی (۶۱۷-۶۳۴ق) را برانگیخت.

سرانجام بهاء‌ولد در ۶۲۶ ق به شهر قونیه رفت. دو سال پس از ورود به این شهر در ۸۵ سالگی وفات یافت. مجموعه مواظ او با عنوان *ḥikmah*، شامل مباحثی است در توحید، اسماء و صفات الهی و دیگر موضوعات مربوط به کلام و تصوف اسلامی و نیز نکاتی در تفسیر قرآن، البته با تعبیراتی شاعرانه و الفاضلی‌دل‌نشین. مولوی در محاورات خویش غالباً از این کتاب به تعبیر «فوائد والد» یاد می‌کند و تأثیر مضامین و مطالب معارف در آثار مولوی مشهود است. مولوی در مثنوی و نیز در غزلیات خود از معانی این کتاب اقتباس بسیار کرده است.

### در گفتار و اندیشه

بها در گفتار و اندیشه مثل پسرش مولانا ابن‌الوقت است. چنان‌که معروف است مولانا مثنوی خود را در نشستهای پی در پی به شاگرد جوانش حسام‌الدین چلبی املاء می‌کرده و او می‌نوشته است. این مطالب مطمئناً از نوع قرآن و وحی نیست ولی نوعی الهام به شمار می‌رود. بها املا نمی‌کرده بلکه خود می‌نوشته است. در عین حال او گاه خود را دریافت دارنده مطالبی که در ذهنش می‌گذشته می‌دید. در این حالت احساس می‌کرد که خدا با او سخن می‌گوید و او را وسیله قرار می‌دهد.

### مهاجرت

بنابر آنچه گفته شد مهاجرت بهاء از بلخ در گیراگیر هجوم مغول به مملکت خوارزمشاه یعنی حدود سال ۶۱۶ بوده است، که یک سال بعد بلخ به دست مغولان افتاد؛ و ورود بهاء به قونیه را ۶۱۷ ذکر کرده‌اند. سلطان علاء‌الدین، از بهاء کرامتها دید و از وعظ او حیران شده بود و پیوسته با خواص و نزدیکان خویش مولانا را می‌ستود و می‌گفت که بهاء به حقیقت ولی خداست.

آوازه کرامات بهاء همه جا پیچید و بعضی حکما و علما مانند فخر رازی و قاضی زین‌الارزمی و رشید قبائی و... در حق وی سخنها گفتند و خاطر پادشاه را از وی مکدر کردند. در تاریخ ۶۰۵ بهاء بر

سر منبر دائماً فخر رازی و خوارزمشاه را مدح خطاب می‌کرد. علما در تحریک پادشاه جهد کردند که بهاء الدین ولد تمامی خلق را متوجه خود کرده‌است و برای ما و شما اعتباری قائل نیست. خوارزمشاه قاصدی فرستاد که حضرت سلطان العلماء بلخ را قبول کند و دستوری دهد تا به اقلیم دیگر رویم که دو پادشاه در یک اقلیم ننگند. بهاء الدین جواب داد که ملک دنیا را اعتباری نیست، ما سفر کنیم.

پس از چندی بهاء از بلخ به بغداد رفت و در آنجا بود که با شیخ شهاب الدین سهروردی دیدار نمود؛ و از راه کوفه به کعبه رفت و پس از زیارت کعبه به دمشق رسید. اهل شام خواهان نگاه داشتن وی بودند ولی بهاء نپذیرفت و از دمشق به روم رفت و در شهر لارنده از توابع قونیه چند سال اقامت نمود. جامی در نفحات الانس شرحی راجع به مسافرت‌های بهاء ولد بعد از مهاجرت از بلخ نوشته‌است که این قسمتش از حقیقت دور نمی‌نماید. می‌گوید بهاء هفت سال در شهر لارنده بود و همان‌جا مولانا جلال الدین در ۱۸ سالگی کدخدا شد و سلطان ولد (پسر مولانا) در ۶۲۳ تولد یافت؛ و بعد از آن سلطان ایشان را از لارنده به قونیه استدعا کرد و بهاء الدین آنجا به جوار رحمت حق پیوست؛ بنابراین در دو روایت معلوم می‌شود که مولانای بزرگ در سال ۶۲۳ که تولد سلطان ولد است در شهر لارنده از توابع قونیه بوده‌است. پس اگر این روایتها را درست بدانیم باید بگوئیم بهاء الدین پس از مهاجرت از بلخ و سفر مکه به روم آمده و چند سال در لارنده و دو سال آخر عمر خود را در خود قونیه به سر برده‌است.

### بهاء ولد و خوارزمشاه

بهاء ولد چند جا از خوارزمشاه یاد می‌کند، اما پی بردن به ترتیب تاریخی دقیق اظهارات او ناممکن است. این موضوع در مورد همه اشخاصی که در نسخه قدیم قونیه ذکر از آنان رفته، صدق می‌کند. سلطان ولد نارضایتی بهاء ولد از خوارزمشاه و همچنین مردم بلخ را تأیید کرده‌است. سلطان ولد چنان توضیح می‌دهد که خدا خود به بهاء توصیه کرد که شهر را ترک کند زیرا او قصد دارد شهر را نابود کند. شرح حال نویسان همواره نشان بهاء را در بلخ می‌جویند، ولی اشارات یادداشتهای او بر عکس، تنها از وخش نشان می‌دهد! تردیدی نیست که سکونت او در وخش بوده‌است. او در وخش همیشه احساس رضایت نمی‌کرد بلکه غالباً خود را وانهاده و گمنام در گوشه‌ای پرت افتاده می‌دید.

بهاء در یادداشتی که مربوط به شرایط بحرانی اواخر کار است به سفر فکر می‌کند. باید گفت آنچه که برای بهاء ماندن را سخت می‌کرده نه نارضایتی از محیط یا بی اعتنایی دیدن از آن بلکه پیش بینی این خطر بوده که نفوذ عظیم و محبوبیت فوق‌العاده اش، عکس العملی در قدرتمندان بر انگیزد. بهاء از وخش به بلخ رفت، اما پیش از آنکه مغول‌ها بلخ را تصرف کنند به سوی بغداد خارج از قلمرو قدرت خوارزمشاه و چنگیز خان قرار داشت حرکت کرد. به گفته سلطان ولد، این سفر حدود ده سال طول کشید.

### بهاء ولد در خانواده

در مقدمهٔ مثنوی خود می‌نویسد، مادر بهاء الدین ولد دختر پادشاه خوارزم بود و ملکه خاتون نام داشت. مادر بهاء در آن وقت که قسمت اعظم یادداشتهای او تحریر شده، زنی سالخورده بوده‌است. بهاء مادر خود را نه بانویی متشخص بلکه پیرزنی بددهن توصیف می‌کند؛ ولی از آن روی که همگی زیر یک سقف زندگی می‌کردند، او احتمالاً می‌کوشیده که با پیرزن کنار بیاید. مادرش گاه هنگام تفکر و نوشتن با طرح مشکلاتی که بهاء باید رفع می‌کرده یا بیان مطالبی که باید او بدان گوش می‌سپرد، مزاحم او می‌شده‌است. او زنی زود خشم بوده‌است. یک بار عصبانیت او بر سر مطربانی بوده که چنگ می‌نواخته‌اند. اما بهاء موسیقی را موهبتی الهی می‌دانست که موافق سرشت بشر است.

### بهاء ولد در اجتماع

## بهاء در وحش و حومه آن

اگر بلخ را بنا به احتیاط کنار بگذاریم – کاملاً مورد احترام بود. برای او مهم بود که پیوسته به کمالات خود بیفزاید و به خاطر تسلط خود در کارش سرشناس هم باشد. در عین حال او احساس می‌کرد که اخلاقیات خود را بدین گونه در معرض خطرات معینی قرار داده‌است. بهاء به این موضوع فکر می‌کرد که چگونه باید با مضراتی که از طریق نامجویی ممکن بود در روحش ایجاد شود مواجه گردد و به اندیشه‌هایی دست یافت که معمولاً معروف صوفیه و بخصوص ملامتیه‌است. اجتماعی که در آن بهاء می‌زیست به هیچ رو یک دست و یکسان نبود. او از سویی مورد موافقت و بزرگداشت قرار می‌گرفت و وجودش به عنوان کسی که درس می‌گویی و به مردم یاری می‌رساند با ارزش تلقی می‌شد و از سوی دیگر به عنوان استادی نامحبوب از بی حرمتی خاموشانه‌ای در محیط اطرافش رنج می‌برد. بی حرمتی ای که آن را برای حفظ ظاهر پوشیده می‌داشتند و همچنین از مقاومت‌هایی که علیه وجود داشت، در رنج بود.

## بهاء در مقام معلم و مدرس

بهاء غالباً درباره قوم و نیز گاه درباره مریدانی سخن می‌گوید که با ایشان سر و کار داشته‌است. اشتغال او به دانش میان دو جنبه در نوسان بود. یک بار چنین اندیشید که باید معلومات فراوانی برای استفاده خود و شنوندگانش گرد آورد. از صرف و نحو و لغت گرفته تا اصول فقه و غیر آن ولی بعد با این دید به نظم خود بازگشت که یک استغراق صرفاً شغلی، بی ذوق و بی‌مزه‌است و بهاء آن را در برابر تعظیم الله و شفقت بر خلق قرار داد. یک بار دیگر که از ذکر زیاد دلتنگ شده بود، با خود گفت: به خوارزم می‌روم تا نزد عماد الدین طب آموزم تا مزه‌ای از جهان بیابم به سبب طب، و سپس با خود گفت که مزه‌ای از جهان و نعمت الله خواهد یافت و به خاطر آن دوباره خدا را شکرگزار تواند بود.

بهاء ولد فقط عالم نبود و شاید نتوان او را عالم بزرگی هم دانست. گرچه در معارف یادداشت‌هایی درباره موضوعات فقهی و غیره هست و این مطالب در وهله اول به زبان عربی نوشته شده، ولی قوی‌ترین شناخت حقیقت دینی و تجربه دینی در قلب او قرار دارد. نه فقط افرادی که می‌خواستند درباره فقه اسلامی و مقررات اسلامی حکمی را بدانند به او مراجعه می‌کردند بلکه کسانی هم در شمار مراجعان او بودند که می‌خواستند زندگی معنوی خود را به سوی خدا جهت بخشند. گاه به جایی می‌رسید که نزدیک بود تمامی آنچه را که او را از تعمیق احساس و مراقبت از عشق خود به الله باز می‌داشت، قربانی کند.

## آیا بهاء صوفی است؟

سه استدلال می‌تواند بیانگر صوفی بودن بها باشد.

- **دلیل اول:** بیان این مسئله که گویا بهاء ولد شاگرد نجم الدین کبری بوده‌است؛ و این مسئله که پدر بهاء، او را در حلقه صوفیه داخل کرده‌است.
- **دلیل دوم:** وجود شاگردش برهان الدین محقق ترمذی است و این استدلال اخیر حقانیت خاصی هم دارد. زیرا همین جاست که بلافاصله دو میدان عمل مد نظر قرار می‌گیرد. در اینجا هر دو ساحت بهاء در وجود دو تن از شاگردانش با هم رو به رو می‌شوند: در پسر بهاء جلال الدین که تا زمان مرگ پدرش تنها لوازم علم ظاهری را جمع‌آوری کرده بود، و در محقق که در کنار استاد خود آشکارا فقط از کسب معرفت درونی و عرفانی بهره‌مند گشته بود.
- محقق یک سال پس از فوت بهاء به قونیه آمد و احتمالاً در آنجا پسر ۲۵ ساله بهاء، جلال الدین را با پیش کشیدن معارف بهاء که به قولی آن را هزار بار با او دوره کرده‌است، برای نخستین

بار به طرف عرفان هدایت کرده باشد. این کار تا زمان فوت محقق یعنی نه سال ادامه یافت. بدین ترتیب گویا تجسم دوباره سرشت دوگانه بهاء در پسرش جلال الدین اول بار از طریق یک مرحله میانی صورت گرفته باشد. محقق ابتدا نحوه ورود به عرفان و از طریق آن، روح عرفانی پدرش را با او در میان گذاشته است. در ضمن این مطلب باید گفته شود که برای دلیل اول هیچ تکیه گاه محکمی نیست، می توانیم این استدلال را به حال خود بگذاریم.

- **دلیل سوم:** بهاء جبه بر تن می کرده، ولی ممکن است همان بالا پوش بلند باشد که مردم دیگر هم از پوشیدن آن ابایی نداشتند.

### شجره نامه

بهاء الدین محمد ولد پسر حسین بلخی معروف به مولانای بزرگ سلطان العلماء لقب داشت و از بزرگان علما، و اقطاب صوفیه خراسان شمرده می شد و رشته طریقت و خرقه ولایتش چنانکه مشهور است به امام محمد غزالی می پیوست. پدر بر پدر از مردم بلخ و ساکن آن دیار بودند، جمله اجدادش از مشایخ و بزرگان آن دیار بودند. می گویند نژادش به ابوبکر خلیفه اول اهل سنت می پیوسته ولی این نظریه مردود شناخته شده

### درباره بهاء الدین

در فتوی و تقوی مثل و مانند نداشت. بها در حدود ۶۱۶ هجری از بلخ کوچ کرد و پس از سفر حج و گردش دیار در قونیه از بلاد روم اقامت فرمود. سلطان علاء الدین کیقباد سلجوقی به وی بی اندازه ارادت می ورزید.

مردم قونیه از زن و مرد و پیر و جوان به وی ارادت داشتند، به حدی که سلطان علاء الدین مرید وی گردید تا حدی که در بیماری بهاء نذر کرده بود و می گفت اگر بهاء بهبودی یافت پادشاهی را به وی واگذار خواهم کرد و بهاء می فرمود اگر این مرد راست می گوید به یقین وقت رحلتم رسیده است چرا که جمع سلطنت ظاهر و باطن در یک تن به صلاح نیست.

### وفات

بها در قونیه به بستر بیماری افتاد و روز جمعه ربیع الآخر ۶۲۸ در همان جا درگذشت. اگر وفات بهاء را ۶۲۸ بدانیم این دو سال ظاهراً نه با اقامت بهاء در قونیه و نه با مدت ارادت سلطان علاء الدین به بهاء مطابقت دارد. زیرا بهاء در بلخ که بود خبر هجوم تاتار به وی رسید؛ که بهاء از بلخ به مکه سفر کرد و از حجاز به روم رفت و در قونیه اقامت جست و مردم به زیارتش شتافتند و به وی ارادت پیدا کردند؛ بنابراین میان مهاجرت از بلخ تا آمدن به قونیه ده سال طول نکشیده که در ۶۲۶ به قونیه آمده باشد و پس از دو سال در ۶۲۸ فوت شده باشد. اگر بخواهیم این مسئله را بپذیریم که وی بعد از دو سال اقامت در قونیه فوت کرده، پس باید بگوئیم وفات بهاء در ۶۱۸-۶۱۹ واقع شده نه در ۶۲۸، اما ولد (پسر مولانا جلال الدین) در گفتارهای خود ۶۲۸ را سال وفات بهاء ذکر کرده است.

### پس از وفات

مردم قونیه پس از فوت بها در عزای او رستخیز به پا کردند، سلطان علاء الدین در سوگ بها بود و عزاداری کرد و یک هفته در مسجد جامعه خوان نهاد و به فقرا بخشش کرد.

خانگاه بهاء الدین ولد، در بیست کیلومتری شهر مزار شریف واقع شده است.

## بهروز برومند

زاده ۱۶ فروردین ۱۳۱۹ قائم شهرمحل زندگی ایران

دیگر نام‌ها دکتر برومند

تحصیلات دکترای پزشکی و متخصص نفرولوژی

محل تحصیل دانشگاه تهران، دانشگاه جورج تاون آمریکا

پیشه پزشک

عنوان پدر علم نفرولوژی ایران

دین اسلام

مذهب تشیع

**بهروز برومند** (زاده ۱۳۱۹ در قائمشهر) پزشک ایرانی، عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی، استاد دانشگاه و عضو حزب ملت ایران و از ملی گرایان و اعضای هیئت اجرایی جبهه ملی ایران در دوره انقلاب می باشد. وی بنیانگذار سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان در ایران نیز می باشد.

﴿آریا﴾

پدرش غلامعلی برومند شهمیرزادی بود. او از دوران کودکی خود چنین می گوید: «از کودکی خود به یاد دارم که شادروان پدرم که از بازرگانان خوش نام و پرآوازه و رئیس انجمن و سازمان شیر و خورشید سرخ قائم شهر بود الگوی من برای زندگی آینده ام شد. کمتر از ده سال داشتم که در قادیکلاه

بهر روز برومند در دوران تحصیل در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در فعالیت‌های آزادی خواهانه دانشجویی شرکت می‌کرد. او سرپرست گروه دانشجویان وابسته به حزب ملت ایران و عضو نخستین کمیته دانشگاه جبهه ملی ایران بود. وی سه بار و هر بار به مدت دو ماه زندانی شد.



- سرپرست نخستین مرکز دیالیز و پیوند کلیه ایران وابسته به وزارت بهداشتی ۱۳۵۴-۱۳۵۸
- رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران ۱۳۵۸-۱۳۶۰
- شرکت در فعالیت‌های آموزشی و درمانی در پشت خط جبهه در آبادان و اهواز تا پایان جنگ
- رئیس بخش داخلی بیمارستان فیروزگر از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۸
- سرپرست بخش نفرولوژی بیمارستان دکتر شریعتی وابسته به دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴
- رئیس انجمن علمی نفرولوژی ایران در پنج دوره
- عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی از سال ۱۳۸۲-۱۳۸۵
- عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی از سال ۱۳۸۶
- عضویت در هیئت مدیره فدراسیون ورزشی بیماری‌های خاص
- عضویت در گروه بالینی فرهنگستان علوم پزشکی
- عضویت دو دوره در هیئت مدیره سازمان نظام پزشکی مرکز جمهوری اسلامی ایران
- عضو هیئت تحریریه مجله‌های نفرون (از سال ۱۹۷۵-۲۰۰۰ میلادی) و AIM
- عضو هیئت مدیره انجمن پیوند اعضا
- عضو هیئت تحریریه مجله Transplantation آمریکا از ژانویه ۲۰۱۱
- نماینده ایران در MESOT برای مدت دو سال
- نایب رئیس MESOT برای مدت دو سال

$$2\check{u}l\check{p}\hat{a}\check{a}D\check{Z}_{-25}\in N\Theta$$

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده از سوی کمیته مرکزی و کمیته بورده انجمن جهانی نفرولوژی، بهروز برومند به عنوان پایه‌گذار و پیشگام دانش بیماری‌های کلیه و نفرولوژی شناخته شد.

**АБ УЃЈХУЉ**

بهروز برومند در سال ۱۳۵۷ به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی ایران (جبهه ملی چهارم) انتخاب شد. بهروز برومند از پایه‌گذاران سازمان پزشکان جبهه ملی به همراه دکتر موسویان و در سال ۱۳۵۸ همزمان با خروج حزب ملت ایران از جبهه ملی جدا شد.

در دوران انقلاب بهمن ۵۷ برای پیشبرد هدفهای انقلاب، سخنرانی‌های گوناگون برای کارمندان وزارت دارایی، بهداشت و درمان و تلویزیون در تهران انجام داد. پس از پیروزی انقلاب به سخنرانی در دانشگاه شیراز در سال ۵۹ و همچنین سخنرانی در ابن بابویه تهران بر سر مزار شهدای ۳۰ تیر پرداخت.

پس از انتصاب علیرضا مرندي به جای ایرج فاضل، پس از اعتراض فاضل به سرکوب مردم پس از انتخابات ریاست جمهوری، برومند با انتشار نامه‌ای به این عمل اعتراض کرد و نوشت: «با اندوه بسیار آگاهی یافتم آقای دکتر علیرضا مرندي با روشی نادرست از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به ریاست فرهنگستان علوم پزشکی گمارده شده‌اند و بدان سبب که پیشینه آقای دکتر مرندي در آموزش و پژوهش علوم پزشکی حتی به اندازه‌ای نبوده که به عضویت فرهنگستان پذیرفته شوند و از سوی دیگر روند گزینش ایشان نادرست بوده و از سوی اعضای پیوسته فرهنگستان درخواستی برای انتصاب ایشان نشده‌است، من دورنمای فرهنگستان را بسیار تاریک و سطح پایین می‌بینم...»

✠CtoD✠

در ۲۷ خرداد ۱۳۹۷ مراسم نکوداشت بهروز برومند در زادگاه او قائم‌شهر برگزار شد. در این مراسم که «همایش مشاهیرشناسی مازندران» نام داشت، از او به عنوان «پدر نفرولوژی ایران» تجلیل شد. در پی این مراسم نماد شیر و خورشید بر لباس بهروز برومند با خشم نماینده این شهر در مجلس شورای اسلامی روبه‌رو شد.

بهزاد رضوی



محل زندگی آمریکا

محل تحصیل دانشگاه صنعتی شریف  
دانشگاه استنفورد

جایزه ها 1. Editorial Excellence at the 1994 ISSCC  
2. the best paper award at the 1994 European Solid-State

- Circuits Conference
- 3.the best panel award at the  
1995 and 1997 ISSCC
- 4.the TRW Innovative Teaching  
۱۹۹۷Award in
- 5.the best paper award at the  
IEEE Custom Integrated Circuits  
۱۹۹۸Conference in
- 6.the co-recipient of both the  
Jack Kilby Outstanding Student  
Paper Award
- 7.the Beatrice Winner Award for  
Editorial Excellence at the 2001  
ISSCC
- 8.the Lockheed Martin  
Excellence in Teaching Award in  
2006 and the UCLA Faculty  
۲۰۰۷Senate Teaching Award in
۹. یکی از ۱۰ نویسنده برتر تاریخ ۵۰  
ساله ISSCC

## پیشینه علمی

رشته(های) مهندسی برق  
فعالیت

محل کار دانشگاه پرینستون

آزمایشگاه‌های بل

دانشگاه استنفورد

اچ‌بی

UCLA

استاد راهنما بروس وولی

بهزاد رضوی استاد دانشگاه ایرانی-آمریکایی مهندسی برق دانشگاه یوسی ال ای و فارغ‌التحصیل دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه استنفورد است. او نویسنده کتاب‌های مرجعی در زمینه میکرو الکترونیک مدارات RF است که در بسیاری از دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شوند. وی همچنین مدیر آزمایشگاه مدارهای مخابراتی دانشگاه یوسی ال ای است.

او در سال ۲۰۱۲ برنده جایزه داندل او پدرسن آی‌تریپل‌ای در حالت جامد شد.

حرفه

بهزاد رضوی لیسانس مهندسی برق خود را در سال ۱۹۸۵ از دانشگاه صنعتی شریف و فوق لیسانس و دکترای خود را به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۲ از دانشگاه استنفورد دریافت کرد. وی تا سال ۱۹۹۶ در آزمایشگاه‌های بل T&AT و سپس در آزمایشگاه‌های هیولت-پیکارد (HP) مشغول به کار بود.

تألیفات

- IEEE Press, 1995 ,Principles of Data Conversion System Design
- IEEE ,Monolithic Phase-Locked Loops and Clock Recovery Circuits Press, 1996
- Prentice Hall, (1998) (translated into Chinese and 'RF Microelectronics' Japanese
- McGraw-Hill, (2001) ,Design of Analog CMOS Integrated Circuits (translated to Chinese, Persian and Japanese
- McGraw-Hill, ,Design of Integrated Circuits for Optical Communications 2003
- IEEE Press, 2003 ,Phase-Locking in High-Performance Systems
- Wiley, 2006 ,Fundamentals of Microelectronics

بیژن اعرابی

من دکتر بیژن اعرابی، متولد سال ۱۳۲۶، متخصص جراحی مغز و اعصاب (نوروسرجری) و استاد دانشگاه مریلند آمریکا هستم. قابل ذکر می باشد که در حال حاضر عضو شورای ده نفره ی جراحان مغز و اعصاب جهان می باشم. تا کنون با مراکز درمانی و بیمارستان های مختلفی همکاری کرده ام، و در کنار تدریس در دانشگاه و فعالیت های علمی پژوهشی در زمینه ی درمانی نیز فعالیت های بی شماری داشته ام. در حال حاضر با کلینیک ویژه تخصصی و فوق تخصصی شهید مطهری واقع در شیراز همکاری می کنم و در کنار تیم پزشکی مجرب و متخصص این کلینیک در خدمت هموطنان گرامی می باشم.

هموطنان عزیز در صورتی که با اختلالات و آسیب هایی از جمله: انحراف ستون فقرات، دیسک کمر و گردن، پارگی دیسک، آرتروز، ساییدگی و جابجایی مهره ها، آسیب های نخاعی، تنگی کانال نخاع، تومور نخاعی، ضربه مغزی، انسداد شریان های مغزی، تومور و ضایعات مغزی، و... مواجه هستند

می توانند با من در ارتباط باشند. شما می توانید برای اطلاع از برنامه ی کاری من در کلینیک شهید مطهری تماس بگیرید

پروفسور بیژن اعرابی جراح برجسته مغز و اعصاب به استان سیستان و بلوچستان سفر کرده و است و مردم را رایگان ویزیت می کند ؛ این اقدام ارزشمند جناب آقای دکتر بیژن اعرابی باعث شده در روز های اخیر نامش در فضای مجازی پررنگ تر باشد

پروفسور بیژن اعرابی جراح مغز و اعصاب،استاد دانشگاه مریلند آمریکا و عضو شورای ۱۰ نفره جراحان مغز و اعصاب جهان متولد ۱۳۲۶ می باشد

نکته قابل توجه اینکه این مرد بزرگ با توجه به اینکه سالیان زیادی است که در خارج از کشور زندگی می کند حتی همسر ایشان کانادایی هستند ولی هرگز از اصالت های خود دور نشده و اگر شما با وی هم سخن شوید چنان با لهجه شیرین و با اصالت خود صحبت میکند که شاید حتی بعضی کلمات را تا به حال نشنیده باشید

چرا که از اصطلاحات بسیار اصیل و قدیمی آواده می باشد و صد افسوس که بعضی همشهریان با کمی فاصله از شهر و دیار خود اولین چیزی که فراموش می کنند اصالت های خویش است و به خیال باطل !خود با کلاس می شوند.ای کاش ذره ای از جوهره ی این مرد بزرگ در وجود آنها بود

#### بیژن داوری



زاده بیژن داوری، در سال ۱۹۵۴ میلادی، در تهران

محل تحصیل دانشگاه پلی تکنیک رنسیلر

پیشه معاون ارشد شرکت آی بی ام بزرگترین شرکت سخت افزار رایانه ای جهان

بیوگرافی پروفسور بیژن داوری

نابغه ایرانی | پروفسور بیژن داوری | شاهکار او در کوچک سازی وسایل نیمه‌رسانا، دنیای محاسبات و در مرکز IBM را دگرگون کرد. او به‌عنوان معاون رئیس بخش تحقیقات نسل آینده تکنولوژی در پیشگام IBM T.J. Watson Research Center, Yorktown Heights, N.Y. تحقیقاتی، عملکردهای بالای تراشه‌های کامپیوتری مدرن شد. وی در تهران متولد شد؛ در ۱۱ سالگی که لامپ خلا رادیوها را دستکاری و تعمیر می‌کرد، پدرش اولین رادیوی ترانزیستوری را به او داد. او می‌گوید: “آن رادیو بسیار کوچک و زیبا بود. درواقع این وسیله دید مرا تغییر داد، و شروعی برای “من بود

فعالیت های پروفسور بیژن داوری

پروفسور بیژن داوری در سال ۱۹۵۴ در تهران به دنیا آمد. او مدرک دکترای خود را در رشته مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف، و لیسانس خود از مؤسسه پلی‌تکنیک رنسلیر دریافت کرد. او دکترای و پایان نامه‌اش را با عنوان رفتار مشترک وسایل نیمه‌رسانا از آرپی آی دریافت کرد و در سال ۱۹۸۴ به مرکز تحقیقاتی توماس جی واتسون پیوست

او در آی بی ام، بر روی راهکارهای بهبود فن‌آوری اکسید فلز مکمل کار می‌کرد، که زمینه‌ای برای بسیاری از پردازش‌های ابزارهای نیمه‌رسانای امروزی فراهم می‌کند. در سال ۱۹۸۵، وی یکپارچه‌سازی نسل بعدی مدارهای را آغاز کرد

بیژن و تیمش در (آی بی ام) اولین جداسازی شیارهای کم عمق را نشان دادند که به جلوگیری از نشت جریان الکتریکی بین دستگاه‌های نیمه هادی در یک مدار یکپارچه کمک می‌کند

سایر اقدامات پروفسور بیژن داوری

نابغه ایرانی | پروفسور بیژن داوری | او همچنین به توسعه نوآوری‌هایی از جمله سوئیچ‌های دارای ولتاژ پایین، اتصال مس، سیلیکون در تکنولوژی عایق‌ها کمک کرد، و ساخت کامپیوترها را امکان پذیر ساخت که به‌عنوان ستون فقرات مرکز داده‌های اینترنتی عمل می‌کنند

امروزه داوری برای دستیابی به پیشرفت‌های مهم تکنولوژیکی در سطح سیستم در مقام معاون رئیس فعالیت می‌کند. دستاوردهای عملکرد آینده از طریق ادغام سیستم‌های محاسبه نسل بعدی در آی بی ام و همچنین از طریق پردازش موازی در سطح بیشتر (مثل ادغام تراشه‌های جدید الکتریکی/نوری) سیستم و نرم افزار، حاصل خواهد شد

افتخارات پروفسور بیژن داوری

داوری می‌گوید که ما در نهایت قادر خواهیم بود تا با برنامه‌های کاربردی بسیار قدرتمند و بسیار تخصصی از طریق محیط‌های ابر و بی‌سیم ارتباط برقرار کنیم. در سال ۱۹۹۶ او به عنوان یکی از اعضای افتخاری شرکت آی بی ام شناخته شد. او همچنین جایزه مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک را برای مشارکت‌های برجسته در رشته خود دریافت کرد

او در سال ۲۰۱۴ به عنوان عضو آکادمی ملی مهندسی برای “مشارکت در مقیاس‌بندی فن‌آوری انتخاب شد

بیژن داوری نایب رئیس ارشد مرکز تحقیقاتی تامس واتسن شرکت آی‌بی‌ام می‌باشد. بیژن داوری دارنده مدرک دکترای در زمینه الکترونیک از دانشگاه پلی‌تکنیک رنسلیر و دارای بیش از ۷۰ مقاله علمی می‌باشد، وی از سال ۱۹۹۶ به‌عنوان یکی از کارمندان برجسته شرکت آی‌بی‌ام مطرح گردید و سپس در سال ۱۹۸۸ به‌عنوان معاون ارشد این شرکت برگزیده شد. آخرین پست مدیریتی وی به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد که معاون ارشد فناوری تکنولوژی نسل آینده نیز معرفی گردید.

## پرویز (پیر) امیدیار



|      |                           |
|------|---------------------------|
| زاده | ۲۱ ژوئن ۱۹۶۷ <u>پاریس</u> |
| پدر  | کورش امیدیار              |
| مادر | الهه میرجلالی             |
| پیشه | بنیانگذار شرکت eBay       |
| همسر | <u>پاملا کر امیدیار</u>   |

**پرویز (پیر) مراد امیدیار** (زاده ۲۱ ژوئن ۱۹۶۷ در پاریس) بنیان‌گذار و رئیس ایرانی سایت حراج ای‌بی (e-bay) و یک کارآفرین نیکوکار است. او در سال ۱۹۹۸ میلادی و در سن ۳۱ سالگی به عنوان یک میلیارد در شناخته شده است. امیدیار و همسرش پاملا به عنوان یک نیکوکار نیز شناخته شده هستند.

## والدین

مادرش الهه میرجلالی امیدیار یک زبان‌شناس مشهور و از استادان دانشگاه سوربن بود. پدرش کورش امیدیار جراح اورولوژی بود که به دلیل اشتغال او در دانشگاه جانز هاپکینز مجبور به مهاجرت از پاریس به ایالت مریلند شدند.

## کودکی و تحصیل

در کودکی نام او پرویز بود که پس از مهاجرت به آمریکا به پی یر تغییرش داد. علاقه‌اش به رایانه در دبیرستان سنت اندروی مریلند و در کلاس نهم شروع شد. اولین برنامه رایانه‌اییش را در ۱۴ سالگی و در کتاب خانه همین مدرسه نوشت. سر کلاس‌های مدرسه حاضر نمی‌شد و برای کار با رایانه به آزمایشگاه می‌رفت بارها هم به دلیل غیبت جریمه شد. مدیر مدرسه که علاقه پرویز به رایانه و برنامه‌نویسی را دید به جای مقابله با آن تصمیم گرفت در این مسیر هدایتش کند. او از پرویز خواست برای کتاب خانه مدرسه برنامه‌ای بنویسد که خودش کارت‌های راهنمای کتاب را چاپ کند در عوض بابت کارش ساعتی ۶ دلار هم دستمزد بگیرد هر چند مبلغ زیادی نمی‌شد ولی همین انگیزه‌ای شد برای

تلاش هدفمند در این زمینه. امیدیار پس از دیپلم تحصیلات دانشگاهی را در تافتس (tufts) ماساچوست گذراند و در رشته علوم کامپیوتر لیسانس گرفت.

### حرفه

پرویز امیدیار رئیس و مؤسس سایت ای بی (e-bay) اولین و معروفترین وبگاه مخصوص حراج و خرید و فروش اینترنتی که تا آخر سال ۱۹۹۸، ۱/۲ میلیون عضو ۷۵۰ میلیون دلار حجم معاملات و حدود ۸ میلیون دلار سود کسب کرده بود به طوری که بیش از ۶۰۰۰ کارمند ۴۶ میلیون مشتری ثبت شده و ۴۴۱ میلیون دلار سود خالص در سال ۲۰۰۵ داشته است.

### ثروت

بر پایه اطلاعات فوربز، پرویز امیدیار ۱۴۱ امین شخص ثروتمند در جهان و ۴۷ امین در ایالات متحده آمریکا است. او اولین ثروتمند ایرانی است.

### omidyar network

پرویز با درآمدی که به دست آورده بود به فکر امور خیریه افتاد تا اینکه مؤسسه امیدیار نت ورک را به این منظور تاسیس کرد.

### کمک به بنیاد ویکی مدیا

امیدیار در سال ۲۰۰۹ حدود ۲ میلیون دلار به بنیاد ویکی مدیا کمک رساند.

### جوایز و افتخارات پرویز امیدیار

- در سال ۱۹۹۹ میلادی، پرویز امیدیار به عنوان برنده جایزه ملی «کارآفرین سال» انتخاب شد.
- در سال ۲۰۰۷ میلادی، نشریه فوربز فهرستی شامل ۲۵۰ تن از ثروتمندترین اشخاص آمریکایی منتشر که نام پرویز امیدیار و امید کردستانی (رییس اجرایی هیئت مدیره تویتر) در میان آنها به چشم می خورد. امیدیار در این فهرست رتبه ۳۲ را کسب کرد و رتبه ۲۰۴ ام به کردستانی رسید.
- در سال ۲۰۱۱ میلادی، فهرستی از ثروتمندان ایرانی منتشر شد که نام امیدیار در جایگاه چهارم آن به چشم می خورد.
- در سال ۲۰۱۱ میلادی، جایزه دکترای افتخاری دانشگاه تافتس به امیدیار رسید.

## پرویز معین



زاده

۲۳ اکتبر ۱۹۵۲

ولندنان از توابع شهرستان شهرضا، ایران

محل زندگی

کالیفرنیا، آمریکا

محل تحصیل

لیسانس: دانشگاه مینه‌سوتا فوق لیسانس  
دکتری: دانشگاه استنفورد

شناخته‌شده

دینامیک سیالات، جریان‌های

برای

آشفته شبیه‌سازی عددی

مستقیم، شبیه‌سازی گردابه‌های بزرگ

## پیشینه علمی

رشته(های)

مهندسی مکانیک

فعالیت

محل کار

دانشگاه استنفورد، آمریکا

پرویز معین (زاده اول آبان ۱۳۳۱ ولندنان از توابع شهرستان شهرضا) عضو هیئت علمی مهندسی مکانیک دانشگاه استنفورد آمریکا است. وی تا کنون برنده جایزه علمی ناسا و جایزه مؤسسه انستیتو آمریکایی هوانوردی و فضانوردی شده است. همچنین در سال ۱۹۹۶ موفق به دریافت جایزه دینامیک سیالات شد.

## زندگینامه

پرویز معین در سال ۱۳۳۱ در ولندان از توابع شهرستان شهرضا به دنیا آمد و در حال حاضر ساکن ایالت کالیفرنیا در آمریکا است. وی دوره کارشناسی مهندسی مکانیک خود را در سال ۱۹۷۴ میلادی در دانشگاه مینسوتا پشت سر گذاشت و در سال ۱۹۷۵ مدرک کارشناسی ارشد مکانیک سیالات را از دانشگاه استنفورد اخذ نمود. سپس به طور همزمان کارشناسی ارشد رشته ریاضی و دکترای مکانیک را در سال ۱۹۷۸ میلادی به پایان رساند. معین یکی از پیشگامان استفاده از روش‌های عددی شبیه‌سازی عددی مستقیم و شبیه‌سازی گردابه‌های بزرگ در جریان‌های آشفته در امواج شوک است.

## تورج اتابکی



زاده

۲۳ فوریه ۱۹۵۰ تهران، ایران

پس‌زمینه‌های علمی

دانشگاه

دانشگاه ملی ایران دانشگاه لندن

دانشگاه اوترخت

عنوان پایان‌نامه  
Ethnicity and Autonomy in Iranian Azarbayjan: the Autonomous government of Azarbayjan 1946

۱۹۹۱

سال دفاع

پرواند آبراهامیان

استاد راهنما

کار علمی

تاریخ اجتماعی

رشته تحصیلی

دانشگاه اوترخت

نهاد

پژوهشکده بین‌المللی تاریخ

اجتماعی

## دانشگاه آمستردام

## دانشگاه لیدن

**تورج اتابکی** (به انگلیسی: Touraj Atabaki)، (زاده ۲۳ فوریه ۱۹۵۰) پژوهشگر ارشد در پژوهشکده تاریخ اجتماعی و استاد کرسی تاریخ اجتماعی خاورمیانه و آسیای مرکزی در دانشگاه لیدن هلند است.

## تحصیلات و فعالیت

تورج اتابکی فارغ التحصیل فیزیک نظری از دانشگاه ملی ایران و دانشگاه لندن است و سپس با رویکرد به تاریخ به تحصیل در این رشته در دانشگاه لندن و دانشگاه اوترخت هلند پرداخت. در کنار تدریس و پژوهش، تورج اتابکی در کارنامه خود ریاست انجمن اروپایی مطالعات آسیای مرکزی، عضویت در شورای سردبیری نشریاتی چون مطالعات ایرانشناسی، مطالعات آسیای مرکزی، مطالعات تاریخ بین‌المللی کار و کارگری را دارد. تورج اتابکی سازمان‌دهنده کنفرانس دو ساله انجمن بین‌المللی مطالعات ایرانشناسی در شهر استانبول به سال ۲۰۱۲ و رئیس برگزیده انجمن بین‌المللی مطالعات ایرانشناسی برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۶ بود.

حوزه مطالعات دانشگاهی تورج اتابکی تاریخ اجتماعی، تاریخ فرودستان، تاریخ کار و کارگری، تجدد و نوسازی در قلمرو جغرافیایی خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی است. تورج اتابکی هم‌اینک مدیریت طرح تدوین تاریخ اجتماعی صد ساله صنعت نفت در ایران را دارد.

علاوه بر کتاب، از وی مقالاتی در فصلنامه گفتگو، ماهنامه اندیشه پویا، مهرنامه، و نیز روزنامه‌های شرق و اعتماد چاپ و منتشر شده‌است.

## کتاب‌شناسی

- آذربایجان در ایران معاصر
- آذربایجان: قومیت و استقلال در قرن بیستم ایران پس از جنگ جهانی دوم
- تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضا شاه
- دولت و فرودستان: فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران
- ایران در جنگ جهانی اول
- فراسوی بینش جوهری
- قنادگان در گردباد - درباره سرنوشت پناهندگان سیاسی ایران در شوروی در دوره استالین است که عده ای از آنان تیرباران شدند.

## توفیق موسیوند



## زاده

۲۹ خرداد ۱۳۱۶  
ورکانه، همدان، ایران

## محل زندگی

اتاوا، کانادا

## محل تحصیل

دانشگاه تهران دانشگاه اکران  
دانشگاه آلبرتا

## پیشه

فوق تخصص جراحی قلب و عروق

## شناخته شده برای

ابداع بای پس قلبی ریوی

## منصب

رئیس و مدیر بخش دستگاه‌های قلب و  
عروق مؤسسه قلب دانشگاه اتاوا  
استاد جراحی و مهندسی دانشگاه  
اتاوا و دانشگاه کارلتون

## جایزه ها

جایزه کارآفرینی شورای علوم زیستی  
اتاوا ۱۹۹۹ - آکادمی علوم انجمن  
سلطنتی کانادا ۲۰۰۰ - جایزه  
همکاری دانشگاه و صنعت شورای  
تحقیقات مهندسی و علوم طبیعی کانادا  
۲۰۰۱ / جایزه آکادمی بین‌المللی قلب  
و عروق ۲۰۰۲

جوبیلی الماسی الیزابت دوم بریتانیا  
۲۰۱۳

**توفیق موسیوند** (زاده ۱۳۱۵ در روستای ورکانه و از مردم لر ساکن در همدان) پروفیسور جراحی و مهندسی از دانشگاه اتاوا و کارلتون اتاوا کانادا، مخترع بای‌پس قلبی ریوی است. وی همچنین مدیریت بخش دستگاه‌های قلبی عروقی انستیتوی قلب دانشگاه اتاوا، و بخش‌های تجهیزات پزشکی دانشگاه‌های اتاوا و کارلتون را بر عهده دارد. موسیوند عضو افتخاری فرهنگستان علوم پزشکی ایران نیز می‌باشد.

### زندگی و کار

توفیق موسیوند فارغ‌التحصیل رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران و دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته مهندسی مکانیک از کانادا و دکترای پزشکی و فوق تخصص جراحی قلب از کانادا است. او صاحب اختراعاتی چون بای‌پس قلبی ریوی، امکان تشخیص پزشکی از راه دور و تنظیم و معالجه قلب، تعیین DNA انسان توسط اثر انگشت و ۱۴ اختراع پزشکی دیگر، عالی‌ترین مقام علمی جهان از انجمن سلطنتی کانادا و بریتانیا و نیز عضو انجمن دانشمندان نیویورک، بنیانگذار درمان پزشکی از راه دور، رئیس بخش قلب و عروق انستیتو تحقیقات قلب دانشگاه اتاوا است.

او بعد از ۳۷ سال، در سال ۱۳۸۱ و در همایش بین‌المللی بوعلی سینا به ایران بازگشت. موسیوند در دانشگاه اکران کالج پزشکی شمال شرقی دانشگاه به تحصیل پزشکی پرداخت و ویلبرت کلون از انستیتوی قلب پس از ۳ سال کار موسیوند در کلینیک کلیولند اتاوا از او درخواست کرد تا سرپرستی تیم قلب مصنوعی این انستیتو را بر عهده گیرد. در این زمان بود که تلفیق علوم مهندسی و پزشکی به او کمک کرد تا به دانش نوینی در زمینه اعضای مصنوعی دست یافته و بتواند بعد از مدتی قلب مصنوعی انسان را اختراع کند. فعالیت‌های تحقیقاتی او موجب ایجاد سالیانه هزار شغل در کانادا و بیش از ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی در ۱۰ سال گذشته شده‌است.

### سوابق علمی و اجرایی

- مؤسس و رئیس مؤسسه ابداع ابزارهای نوین پزشکی دانشگاه اتاوا
- رئیس بخش ابزارهای قلب و عروق مؤسسه قلب دانشگاه اتاوا
- عضو کمیته مشاوره علمی بهداشت کانادا در ابزارهای پزشکی مورد استفاده در قلب و عروق
- مشاور دفتر ابزارهای پزشکی سلامت کانادا
- مسئول کمک هزینه‌های تحصیلی موسسات ملی بهداشت (NIH)
- عضو کالج قلب آمریکا و هیئت امنای انجمن اعضای مصنوعی اندام‌های داخلی آمریکا

### افتخارات و جوایز

- موسیوند جایزه‌ها و لوح‌های تقدیر از سازمان‌ها، مسابقات، دانشگاه‌ها، فستیوال‌ها و پژوهشگاه‌ها از کشورهای مختلف دریافت کرده‌است:
- در سال ۱۹۹۷ برای جایزه شورای دستاوردهای سالانه علوم زیستی اتاوا توسط دانشمندان کاندیدا شد و موفق به کسب آن جایزه ارزشمند در سال‌های ابتدایی فعالیت علمی خود در خارج از ایران شد.
- پس از دریافت جایزه از رئیس‌جمهور کانادا؛ به صورت افتخاری، به انجمن سلطنتی کانادا پیوست.

- در مؤسسه تحقیقات بهداشتی کانادا در سال ۲۰۱۰ جایزه «ترجمه علم» و همچنین جایزه «تحقیق حوزه سلامت» را دریافت کرد.
- در حوزه تحقیق درباره «رسیدگی به محدودیت‌های قانون» نیز در سال ۲۰۱۱ به عنوان محقق برتر معرفی شد.
- موفق به دریافت مدال الماس جوبیلی از ملکه الیزابت دوم در سال ۲۰۱۳ شد.
- در جشنواره اختراعات ۲۵ ساله دانشکده جایزه ارتقای حرفه‌ای پزشکی را در سال ۲۰۱۵ دریافت کرد.

### دیگر

- فلوشیپ برگزیده مؤسسه مهندسی پزشکی و مهندسی بیولوژیک آمریکا (۲۰۰۳)
- جایزه آکادمی بین‌المللی قلب و عروق (۲۰۰۲)
- فلوشیپ آکادمی علوم اروپا (۲۰۰۲)
- جایزه شورای تحقیقات ملی کانادا، انجمن نوآوری منطقه‌ای (۲۰۰۱)
- برنده جایزه همکاری دانشگاه و صنعت شورای تحقیقات مهندسی و علوم طبیعی کانادا (۲۰۰۱)
- آکادمی علوم انجمن سلطنتی کانادا (۲۰۰۰)
- جایزه کارآفرینی شورای علوم زیستی اتاوا (۱۹۹۹)
- برنده جایزه رؤسای مرکز پژوهش و نوآوری اتاوا (۱۹۹۹)

### جواد صالحی



Jawad Salehi at Optical Networks Research  
Lab, Department of مهندسی برق، دانشگاه صنعتی  
شریف. in October, 2006.

زاده ۲۲ دسامبر ۱۹۵۶ کاظمین، عراق

محل ایران

## زندگی

محل

دانشگاه کالیفرنیا، ارواین

تحصیل

دانشگاه کالیفرنیا، جنوبی

جایزه ها

مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک Fellow  
Member of فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی  
ایران

Islamic World Academy of Fellow of  
Sciences

## پیشینه علمی

محل کار

دانشگاه صنعتی شریف

پایان نامه

Spread Spectrum Multiple Access  
Systems Performance Analysis ۱۹۸۴

جواد صالحی (متولد ۱ دی ۱۳۳۵، کاظمین، عراق) مهندس برق ایرانی و عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف است.

## تحصیلات

جواد صالحی دوره کارشناسی را در رشته مهندسی برق در دانشگاه ایرواین در کالیفرنیا گذراند و پس از آن تحصیل را تا پایان دوره دکتری در دانشگاه جنوب کالیفرنیا ادامه داد و در سال ۱۳۶۳ فارغ التحصیل شد. او در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ در مرکز علوم مخابرات در دانشگاه جنوب کالیفرنیا به عنوان یک پژوهشگر تمام وقت مشغول به کار بوده و در زمینه سیستم‌های مخابرات طیف گسترده به تحقیق می‌پرداخت. او از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲ عضو کادر فنی گروه تحقیقات کاربردی در آزمایشگاه‌های بل بود. وی از بهمن ۱۳۶۸ تا خرداد ۱۳۶۹ در آزمایشگاه اطلاعات و سیستم‌های تصمیم‌گیری دانشگاه ام‌آی‌تی به عنوان یک پژوهشگر میهمان، در زمینه شبکه‌های دسترسی چندگانه نوری مشغول به فعالیت بود، و هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف با درجه علمی استاد تمام می‌باشد.

## فعالیت‌ها

او از پاییز سال ۱۳۷۸ تا پاییز ۱۳۸۰ به عنوان رئیس گروه سیستم‌های مخابراتی موبایل و معاون مدیر مسوول آزمایشگاه CDMA پیشرفته و باند پهن در مرکز تحقیقات مخابرات ایران، در زمینه تکنیک‌های CDMA پیشرفته برای سیستم‌های مخابراتی نوری و رادیویی مشغول پژوهش بوده است. زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه وی شبکه‌های دسترسی چندگانه نوری، به ویژه متعامد، در سیستم‌های CDMA می‌باشد. کارهای او در زمینه CDMA نوری ثبت انحصاری محصول در آمریکا را به ارمغان آورده است. او در سال ۲۰۱۱ به دلیل «مشارکت در اصول بنیادین شبکه‌های دسترسی چندگانه نوری» به عنوان فلوی IEEE انتخاب شد. او عضو جامعه نظریه اطلاعات IEEE است. او عضو

کمیته برگزاری اولین و دومین کنفرانس IEEE در زمینه اطلاعات عصبی بود و در ماه اردیبهشت ۱۳۸۰ به عنوان دبیر بخش CDMA نوری در مجله مخابرات IEEE برگزیده شد.

### آثار علمی

آثار علمی جواد صالحی عبارت است از:

- F. R. K. Chung, M. Kerner, M. G. O'Connor, J. A. Salehi, "Encoding and Decoding for Code Division Multiple Access Communications Systems," United States Patent Number 4779266, October 18 1988
- M. G. O'Connor, J. A. Salehi, M. Kerner, "Multiple Access Communications," United States Patent Number 4779265, اکتبر ۱۹۸۸
- C. A. Brackett, J. P. Heritage, J. A. Salehi, A. M. Weiner, "Optical Telecommunications System Using Code Division Multiple Access," United States Patent Number 4866699, سپتامبر ۱۹۸۹
- E. G. Paek, J. A. Salehi, "Holographic Code Division Multiple Access," United States Patent Number 5216529, ژوئن ۱۹۹۳
- E. G. Paek, J. A. Salehi, "Holographic CDMA Encoder," US Patent Number 5289299, 1995
- E. G. Paek, J. A. Salehi, "Holographic CDMA Decoder," US Patent Number 5438440, 1995
- P. M. Crespo, M. Honig, J. A. Salehi, "Spread time CDMA Technique with Arbitrary Spectral Shaping," United States Patent Numbers, 5177768, Jan. 93
- P. M. Crespo, M. Honig, J. A. Salehi, "Spread time CDMA Technique with Arbitrary Spectral Shaping," United States Patent Number 5173923, Dec. 92

### سمت‌ها و عضویتها

جواد صالحی این مناصب را تاکنون داشته‌است:

- عضو کادر فنی گروه تحقیقات کاربردی در آزمایشگاه‌های بل
- عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف
- رئیس گروه سیستم‌های مخابراتی موبایل و معاون مدیر مسوول آزمایشگاه CDMA
- عضو کمیته برگزاری اولین و دومین کنفرانس IEEE در زمینه اطلاعات عصبی

### جوایز و افتخارات

- معرفی‌شده به عنوان یکی از ۲۵۰ محقق برتر در شاخه علوم کامپیوتر توسط شبکه دانش آی‌اس‌آی
- رتبه اول بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی خوارزمی در زمینه پژوهش‌های بنیادی و دریافت‌کننده جایزه مخترع برجسته سازمان جهانی مالکیت فکری
- جایزه عالی بل‌کور در زمینه تحقیقات مخابرات در سال ۱۹۸۸

- جایزه پژوهشگر نمونه دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف در سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵
- پژوهشگر نمونه دانشگاه صنعتی شریف با رتبه اول در سال ۱۳۸۲
- پژوهشگر نمونه کشوری از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با رتبه دوم در سال ۱۳۸۲
- او پر استنادترین دانشمند ایرانی در ISI است.
- چهره ماندگار مهندسی برق کشور در سال 1389
- برگزیده جایزه علمی علامه طباطبایی بنیاد ملی نخبگان در سال 1391

### حسین اسلامبولچی



پیشینه

مبتکر، مخترع و نویسنده

حسین اسلامبولچی مبتکر، در سال ۱۹۵۷ به شمسی (۱۳۳۶) در شهر تهران متولد شد. وی دوران مدرسه خود را در همان شهر تهران گذراند و موفق شد مدرک دیپلم خود را دریافت کند. پس از اینکه مدرک دیپلم خود را دریافت کرد به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران رفت و پس از مدتی انصراف داد. به گفته‌ی خود او در دوران نوجوانی بسیار باهوش بوده و علاقه‌ی زیادی به ساختن وسایلی شگفت انگیز داشته است. پس از انصراف از دانشگاه به همراه خانواده در سال ۱۹۷۵ به آمریکا مهاجرت کرد و در دانشگاه شهر کالیفرنیا رشته مهندسی برق را ادامه داد.

با توجه‌ای به علاقه‌ای که به رشته خود داشت فوق لیسانس، دکتری و پست دکتری را نیز در دانشگاه کالیفرنیا ادامه داد. در سال ۱۹۸۶ یعنی حدود ۱۱ سال پس از مهاجرت به آمریکا به شرکت AT&T Bell Laboratories پیوست. این آزمایشگاه مخابراتی در سال ۱۸۸۰ توسط الکساندر گراهام بل تأسیس شد و حسین اسلامبولچی خیلی زود توانست مدیریت اجرایی آن را بر عهده بگیرد. در طول مدت فعالیت در AT&T Bell Laboratories موفق شد به همراه تیم خود سیستمی را پیاده‌سازی کند که در صورت قطع شدن سرویس‌های اینترنت AT&T سرویس‌های جایگزین سریعاً جایگزین شوند.

پس از مدتی فعالیت، او مدیریت اجرایی AT&T Labs را بر عهده گرفت. در سال ۲۰۰۲ او جز مدیرانی بود که حقوق بسیار بالایی یعنی ۴.۲ میلیون دلار در سال دریافت می‌کرد و او را به یک مدیر گران‌قیمت اما باهوش تبدیل کرده بود.

**حسین اسلامبولچی** مبتکر، مخترع و نویسنده ایرانی اهل ایالات متحده آمریکا است. شهرت او بیش تر به خاطر نقش برجسته‌اش به عنوان مدیر ارشد فناوری و مدیر ارشد فناوری اطلاعات شرکت ای‌تی‌اند تی (به انگلیسی: T&AT) تا سال ۲۰۰۵ است. او در لیست ۱۰۰ فارغ‌التحصیل برتر تاریخ دانشگاه کالیفرنیا قرار دارد و همچنین در کنار جوایز علمی‌ای که دریافت کرده، دارنده بیش از ۱۱۴۵ ثبت اختراع نیز هست.

### سال‌های همکاری با ای‌تی‌اند تی

حسین اسلامبولچی در سال ۱۹۸۶ به آزمایشگاه‌های بل پیوست و همان اوایل به سمت مدیر اصلی فناوری در سطح جهان، مدیر اصلی اطلاعات در سطح جهان، ریاست و مدیریت اجرایی T & AT Labs، ریاست و مدیریت اجرایی T Global Network Services & AT انتخاب شد. وی همچنین از اعضای مهم کمیته راهبری اجرایی ای‌تی‌اند تی است. در مقام مدیریت اجرایی T&AT او استراتژی چهار مرحله‌ای جامعی را به اجرا درآورد که شامل خدمات مشتری عالی، انتقال شبکه، انتقال خدمات و انتقال فرهنگی می‌شود که همه ظرف سه سال اجرایی شدند. به‌طور خاص او شروع کننده تغییرات و تغییر مدل شرکت بود که T&AT جدید به وسیله SBC نامیده می‌شود. نیویورک تایمز وی را استراتژی پرداز برنامه بلند پروازانه T&AT برای تبدیل به کمپانی نقل و انتقال داده با فروش مجموعه‌ای از محصولات نرم‌افزاری مانند سیستم‌های امنیت شبکه می‌داند (۲۰۰۵/۲۲/۰۱). وی معماری که به همه خدمات شبکه اجازه می‌دهد تا براساس IP و همراه با اتصال به هر وسیله‌ای کار کند را پیش‌بینی و از آن حمایت کرد. به مدیران ارشد هم توصیه کرد تا بر همان اساس، فرمولی بیابند و چشم‌انداز استراتژیک خود را بر این اساس پیاده‌سازی کنند. اسلامبولچی در ژانویه ۲۰۰۶ بلافاصله پس از ادغام ای‌تی‌اند تی و SBC، آنجا را ترک کرد و پس از این اقدام، بلمبرگ بیزنس ویک در موردش نوشت که «یک بازیگر حیاتی در در نگهداری وضعیت T&AT به عنوان رهبر فناوری» (۲۰۰۵/۱۲) و اشاره کرد که «جسور اما عملگرا، آینده بین»

اسلامبولچی به عنوان مدیر اصلی رشد فناوری، به مدیران ارشد ای‌تی‌اند تی در فرمول سازی و اجرای چشم‌انداز فناوری از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵، مشاوره داده‌است. قبل تر او پیش‌بینی کرد که IP همه چیز را خواهد بلعید و از معماری راهگزینی برچسب چند قرارداری بر اساس اترنت به عنوان ساختار پایه لایه ۲ و توانایی اش برای اجرا بر روی IP و کار کردن به همراه یکدیگر و اتصال به هر وسیله در هر مکان با استفاده از خدمات بر اساس موقعیت مکانی، حمایت کرد.

علاوه بر آن، ایده‌های چشمگیر وی در ارائه خدمات برپایه روتر، امنیت، هاستینگ، رایانش ابری، مجازی سازی و همکاری، درآمد شرکت را به اندازه ۵ میلیارد افزایش داده‌است. او به شکل خستگی ناپذیری با بخش‌های فروش، بازاریابی و مدیریت محصول برای اجرای ایده‌هایش در زمینه حمایت از مشتری در هر دو باز حریفی و عادی، کار کرده‌است. نیویورک تایمز، اسلامبولچی را به عنوان استراتژی پرداز برنامه بلند پروازانه ای‌تی‌اند تی برای تبدیل به کمپانی نقل و انتقال داده با فروش مجموعه‌ای از محصولات نرم‌افزاری مانند سیستم‌های امنیت شبکه می‌داند (۲۰۰۵/۲۲/۰۱).

### زندگی و کار

اسلامبولچی با بالاترین افتخارات از University of California, San Diego در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس، دکتری و پست دکتری در مهندسی برق-مخابرات و فیزیک کاربردی فارغ‌التحصیل شد. وی از سال ۲۰۰۵ مدیر بورد Clearwire است. او مدیریت اجرایی Lonocloud را عهده‌دار است که یک شرکت فعال در زمینه رایانش ابری است. دکتر اسلامبولی

همچنین مشاور اصلی فناوری Rainstor and Subex World نیز هست. علاوه بر آن، وی عضو SUSMA که مقر اصلی آن در نیویورک است، مشاور فناوری دانشکده مهندسی دانشگاه کالیفرنیا است و در آنجا مرکز CNS را راه اندازی کرده است که شامل رشته‌های مختلفی از جمله زمینه‌های مهندسی نانو و زیستی می‌شود. کتاب دکتر اسلام‌بلچی - چشم‌انداز ۲۰۲۰ - در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، پیش‌بینی می‌کند که فناوری‌های جدید و نوظهور مانند سویس‌های مبتنی بر IP، شناسایی رادیوفرکانسی، محاسبات گسترده، شبکه‌های حسگر، محاسبات گرید با اعمال به مدل جدید CIO drive، منجر به خطوط اصلی شرکت می‌شوند و موفقیت آن را قرن بیست و یکم می‌شوند. در حقیقت، این کتاب چشم‌انداز فناوری در سال ۲۰۲۰ است.

### افتخارات

- انتخاب به عنوان T Fellows & AT، معتبرترین عنوان تکنولوژیک کمپانی ای‌تی اند تی در سال ۱۹۹۹
- عنوان «مخترع سال» توسط مجمع مخترعان نیوجرسی ( New Jersey Inventors Hall of Fame ) در سال ۲۰۰۱
- دارنده بیش از ۱۰۰۰ ثبت اختراع (صادر شده و در حال بررسی)
- جایزه اختراع توماس ادیسون در سال ۱۹۹۷
- مدال علم و تکنولوژی T&AT و جایزه اختراع علمی T&AT در سال ۱۹۹۷
- عنوان «مخترع سال» توسط مجمع مخترعان نیوجرسی ( New Jersey Inventors Hall of Fame ) در سال ۲۰۰۲ (تنها توماس ادیسون و آلبرت انیشتین به این افتخار نائل شده‌اند)
- انتخاب در لیست ده مدیر فنی تأثیرگذار سال ۲۰۰۵ (به انتخاب InfoWorld)
- مقام اول عنوان "Shaker & Mover" در زمینه ارتباطات راه دور - توسط Light Reading در ۲۰۰۳ - به دلیل پیش‌بینی جهانی IP و MPLS تقریباً یک دهه زودتر از فراگیر شدن این فناوری‌ها
- انتخاب در لیست ده مدیر تجارت اینترنت در سال ۲۰۰۵ (توسط مجله Cisco IQ)
- انتخاب در لیست ۱۰۰ مدیر پیشروی فناوری اطلاعات در سال ۲۰۰۴ (مجله Computer World)
- جایزه دانش و فناوری رئیس‌جمهور اوباما در سال ۲۰۰۹ برای دید و مشارکت وی در زمینه فناوری IP
- انتخاب در لیست ده مبتکر برتر در سال ۲۰۰۳ توسط شورای اجرایی نیویورک
- جایزه ریاست مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک در زمینه کیفیت برای ارتقاء قابلیت اطمینان IP شبکه‌ها در سرتاسر دنیا در سال ۲۰۰۸
- مبتکر سال ۲۰۰۳، توسط Cisco System و John Chambers
- انتخاب در لیست ۱۰۰ فارغ‌التحصیل برتر تاریخ دانشگاه کالیفرنیا توسط دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو
- انتخاب در لیست ۱۰۰ رهبر تجارت Telecom در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱

## حسین سیف‌زاده



زاده

۵ خرداد ۱۳۲۹

۲۶ مه ۱۹۵۰

قم، ایران

محل زندگی

آمریکا

پیشه

پژوهشگر حوزه علوم سیاسی و روابط  
بین‌الملل

عضو هیئت

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات خاور  
میانه در واشینگتن و استاد بازنشسته گروه  
علوم سیاسی دانشگاه تهران

مدیره

خویشاوندان

محمد سیف زاده

وبگاه

[www.seifzadeh.com](http://www.seifzadeh.com)

سید حسین سیف‌زاده (متولد ۵ خرداد ۱۳۲۹) پژوهشگر حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است.<sup>[۱]</sup> او عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات خاور میانه در واشینگتن و استاد بازنشسته گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران است.<sup>[۲][۳][۴][۵]</sup> او برادر محمد سیف‌زاده است.

## تحصیلات و فعالیت‌ها

سیف‌زاده دارای مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه سانتابارا کالیفرنیا و فوق دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد است. وی تا کنون ۲۲ کتاب تألیف کرده و ۱۷۲ مقاله فارسی یا انگلیسی به رشته تحریر درآورده است.<sup>[۶]</sup> هشتگ راسخون حسین سیف زاده را بشرح زیر معرفی کرده است:

سال تولد: پنجم خرداد سال ۱۳۲۹ - دوره فوق دکترای، در موسسه خاورمیانه دانشگاه هاروارد،  
تحصیل دکترای در دانشگاه کالیفرنیا، شاخه سانتابارا، تقدیم رساله به دانشگاه تهران - رتبه علمی:

ارتقاء به مرتبه استادی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی- دانشگاه تهران، از خرداد ۱۳۷۵، و بازنشستگی با پایه ۳۳- عضو هیئت موسس انجمن ایرانی روابط بین الملل و عضو منتخب هیئت مدیره انجمن علمی علوم سیاسی ۱۳۸۷- عضو پیوسته موسسه پژوهشی خاور میانه (Middle East Institute) واشنگتن، از ۲۰۰۲-

بگزارش راسخون، بعضی تصنیفات حسین سیف زاده بفارسی و انگلیسی را به شرح زیر آورده است:

تصنیف ها : ۱- تصنیف کتاب دانشگاهی : ۲۱۶- ترجمه از انگلیسی : ۳۳- تالیف مقاله فارسی و انگلیسی : ۱۷۹ شرکت در کنفرانس های داخلی و بین المللی در کشورهای گوناگون از جمله : آمریکا، آذربایجان، اردن، ارمنستان، استرالیا، انگلیس، اتریش، پاکستان، ترکیه، ترکمنستان، روسیه، رومانی، سوئیس، قرقیزستان، گرجستان، لیختن اشتاین، مصر، هند، یونان مقالات انگلیسی

از ۰ مقالات فارسی ۱- چشم انداز ۲۰ ساله و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: آینده پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره گیری از ریاضیات توزیع جایگشتی، فصلنامه بین المللی روابط خارجی (بهار، ۱۳۹۰) ۲- سیاست بین الملل، و نگاه های رقیب اسلام بنیادگرا و اسلام اخلاقگرا کنفرانس اسلام و سیاست بین الملل، رشت : دانشگاه گیلان، (اسفند ۱۳۸۹) ۳- نگاه های رقیب در جمهوری اسلامی به نظام بین الملل و مقدرات ایران، کنفرانس نظام بین الملل موجود و نظام بین الملل مطلوب، انجمن ایرانی روابط بین الملل، ۲۶ (تهران : بهمن، ۱۳۸۹) ۴- هویت گفتمانی و آسیای مرکزی، مجله علوم سیاسی دانشگاه آزاد، (۱۳۸۹) ۵- ”همگرایی در منطقه آسیای جنوب غربی،“ فصلنامه روابط خارجی، سال اول، بهار، ۱۳۸۹ ۶- ”طرد و جذب سیاست ایرانی،“ سالنامه بهار ۱۳۸۸ : ۲۶۰-۲۵۷ ۷- ”سازمان کنفرانس اسلامی : ساختار بی کارکرد،“ تهران : سمپوزیوم مرکز ارتباطات فرهنگی اسلامی، ۱۳۸۸ ۸- ”چالش رویاگرایی، ضرورت نوزائی مفهومی نظری و گزینه- های دموکراسی کثرت-گرا در ایران،“ پژوهشنامه علم سیاست، سال سوم : ۴، (تهران: پائیز ۱۳۸۷)، ۱۷۹-۱۲۱ ۹- ”نظم نوین، بنیان های ذهنی و جهت گیری- های توسعه- ای در سیاست خارجی ایران“ مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه ایران، زیر نظر دکتر محمود واعظی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷ ۱۰- ”محرومیت نسبی و چرخش رای در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶،“ فصلنامه سیاسی، ۱۳۸۸ ۱۱- ”روابط بین- الملل میان رشته- ای، بن-فکن رندانه، و استراتژی جهان- وطن- گرایی میهنی، فصلنامه مطالعات بین- المللی، سال پنجم، زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۱۱-۶۳ ۱۲- تبارشناسی روایت شرق شناسی از ایران باستان، مجموعه مقالات، جلد اول : تهران : مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی وابسته به وزارت علوم و فناوری، تهران : زیر چاپ: ۱۳- تبارشناسی روایت ایرانیان باستان از سیاست شهریاری، مجموعه مقالات، جلد اول : تهران : مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی وابسته به وزارت علوم و فناوری، تهران : زیر چاپ: ۱۴- حقانیت سیاسی در منظر ایرانیان باستان، مجموعه مقالات، جلد ... : تهران : مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی وابسته به وزارت علوم و فناوری، تهران : زیر چاپ ۱۵- نسبت آئین و سیاست در نگاه ایرانی، مجموعه مقالات، جلد .... : تهران : مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی وابسته به وزارت علوم و فناوری، تهران : زیر چاپ: ۱۶- چپستی نظام سیاسی ایرانی، مجموعه مقالات، جلد .... : تهران : مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی وابسته به وزارت علوم و فناوری، تهران : زیر چاپ: ۱۷- سیاست خارجی ایران : بنیان های ذهنی و جهت گیری های توسعه ای در سیاست خارجی، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه گرا، تهران : پژوهشکده مطالعات استراتژیک، (تهران: ۱۳۸۶) : ۱۴۹-۱۱۱ ۱۸- چرخه معیوب هیجان گرایی مابوکراتیک و آینده دموکراسی در ایران، فصلنامه سیاست : مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (تابستان ۱۳۸۵) ۱۹- آینده ایران و مطالعه مقایسه ای نظام های دموکراتیک، پژوهشنامه ...، ۲۰- آموزش سیاسی توانبخش و آموزش حفظی - مدرسی امور سیاسی، مجموعه مقالات انجمن علوم سیاسی، تهران : ۱۳۸۶ ۲۱- نقش مقننه در سیاست خارجی ایران : رویکردهای متنوع، پژوهشنامه انجمن علوم سیاسی ایران، (تابستان ۲۰۰۸). ۲۲- روابط بین المللی میان رشته ای : نظریه بن فکن رندانه و استراتژی جهان وطن گرایی - میهنی، میهن دوستی - جهان وطنی، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال پنجم : ۳ (زمستان ۱۳۸۷) : ۱۱۱-۶۳

- Iran's Two Tier Foreign Policy," Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 1, "1  
Summer 2010
- Islamic Republic's Foreign Policy Towards US: Surrealist Game-Strategic " -2  
Gains," Cultural Journal of The Foundation Three Cultures of the  
.Mediterranean, Spain, Winter 2009
- Globalization and the Historical Precedence for Current reaction in Iran," " -3  
.International Politics, Vol. II: 3 (Spring 2009):7-23
- The Landscape of protocol Identity: An Iranian Intellectual Construct," " -4  
.International Politics, vol. II: 4, (Summer-Autumn 2009); 7-33
- Culture and Range of Options in Iran's international politics, "The Iranian " -5  
Revolution at 30, Washington D.C.: Middle East Institute, 2009, see at  
www.mei.edu
- The Landscape of Protocol Identity in Caspian Basin Region (CBR)," Social, " -6  
political and economical Search for the XXI Century Middle East Countries,  
.October 21-24 2008,Bishkek, Kyrgyzstan
- Globalization and Historical Precedence for Current Reactions in Iran," -7  
(.۲۰۰۸International Politics, I; 2, (Summer and Autumn
- Democratization Initiative and Its Adverse Impacts Over Iranian Politics, " 8-  
.۲۰۰۷The Prospects of Stability in the Middle East," Turkey: Yıldız- Beşiktaş
- Regional Integration and Globalization in Caspian Basin Beyond primordial " 9-  
monologue," Social, Political and Economic Transition in Turkish Republic of  
.Central Asia, Kocaeli, Turkey: Kojaeili Municipality, 2007
- The Adverse Impacts of Democratization of the Region on Political Elites " -10  
.in Iran," Los Angeles: UCLA, forthcoming
- Iran's Assertiveness in Maintaining Its Peaceful Nuclear Technology," " -11  
(.Perceptions, X:3, (Autumn 2005
- Democracy at Bay: The Double Face of Janus in the 5th Republic " -12  
Undeclared High Security Alert in the Religious Democracy" (Athens:  
(.September 22-25 2005
- (.Iran's Double-Edged Foreign Policy," Discourse, VII: 1, (Summer 2005" -13
- Conflicting Values and Interests: Iran's cautious, Pragmatic approach " -14  
towards South Caucasus, International conference on Armenian/The South  
Caucasus and Foreign Policy Challenges, organized by Armenian Studies  
,Program, University of Michigan, October 21-23 2004
- (.Factional Politics in Iran," Middle East Journal, Vol: 57:1 (Winter:2003" -15
- The Landscape of Factional Politics in Iran," Perspective, (Washington DC: " -16  
(.The Middle East Institute, August , 2002

- 17 Political Consequences of Globalization for Foreign Strategy-Making,” ” Cooperation Within Global Civilization ” -Discourse, III: 4, (Spring 2002.) 18  
(.and Coexistence of Diverse Cultures, Discourse, III: 1, (Summer 2001
- 19 Islam in Central Asia: An Iranian Academic View,” Proceedings of the ” Seminar on Central Asia (Vienna: College of International Affairs and Foreign Policy, forthcoming
- 20 Caucasasia: Democratic Development and Identity Crisis,” Amu Darya 4:3 ” ((Fall 1999
- 21 Imperatives of Regional Cooperation: Iran, Peace, and Economic ” Development in Central Asia,” in S.M. Rahman, ed., Regional Cooperation for (Peace and Development (Pakistan: FRIENDS, 1998
- 22 Iran’s Foreign Policy in Post-Cold War Era,” in Iranian Perspective on the ” Iran-Iraq War, ed.: Farhang Rajaei, (Gainesville: University Press of Florida, (.1997
- 23 Crisis and the Structure of Conflicts in Central Asia the Caucasus,” Amu (Darya 2:1 (Spring-Summer 1997
- 24 The National Identity Crisis in Central Asia and the Caucasus,” Iranian ” (Journal of International Affairs 2:3-4 (Fall-Winter 1994-95
- 25 The Indian Ocean and Iran’s Maritime Interests in the New Global Order,” ” Indian Ocean Security and Stability in the Post Cold War Era: Proceedings of the International Seminar on Indian Ocean held at Islamabad, April 1994 (Islamabad: The Directorate of Naval Educational Services, Navy (Headquarters, 1995
- 26 Ayatollah Khomeini’s Concept of Rightful Government,” in Hussein ” Mutalib and Taj ul-Islam Hashmi, eds., Islam, Muslims, and the Modern State ((New York: St. Martin’s Press, 1994
- 27 The Persian Gulf Security Alliance,” The Iranian Journal of Foreign Affairs ” (3:1 (Spring 1991
- 28 Extending Participation and Political Decay in the Third World,” Iranian ” (Journal of International Affairs 2:4 (1990-91
- 29 Is Consociational Politics a Viable Development Approach to the Third ” (World,” Iranian Journal of International Affairs 1:2-3 (Summer-Fall 1989
- 30 Globalization and Defining one’s Own Identity,” Iranian Academic ” /Association, May 14 2009, see <http://www.iaadc.net>
- 31 Process of Globalization and Trends in Iranian Projects for Globalism,” The ” American Cultural society, George Washington University, April 19 2009
- 32 Iran, Its foreign Policy towards the United States,” Montgomery College, ” Rockville, Maryland, U.S.A, April 9 2009

- Patriotic Cosmopolitanism in Iran-shahri Political Culture,” Caucasus, June ” -33  
2008.
- The Genealogy of Violent Reading of Islam,” India: Patiala, Pujab ” -34  
.university, 2007.
- Iran’s Security Perspectives and the Greater Middle East Initiative,” in ” -35  
Asia-Pacific and New International Order, edited by Purnendra Jain, New York:  
Nova Scientific Publishers, 2006
- Democratization Initiative and Its Adverse Impacts Over Iranian Politics,” ” -36  
Yıldız Technical University, Department of Political Science and International  
. Relations, April 14th, 2006
- Regional Integration and Globalization in Caspian Basin: Beyond ” -37  
primordial Surrealism, ”Istanbul, Turkey, September 16-19 2006
- Iran at a Crossroad: Stabilizing democracy or destabilizing mob-rule,” ” -38  
.National Defense University, March 21 2006
- The Controversy on Iran’s Nuclear Policy, Xth Liechtenstein Colloquium ” -39  
on ‘Iran’s Security and Role in the Region,” March 17-20th, 2005
- Iran’s Fragile Pragmatic Foreign Policy: Proactive Positive Balance,” ” -40  
-41 “The Dialectical Processes of Iranian ۲۰۰۵Antalya, Turkey, September  
Politics under Ahmadinejad’s Presidency a threat or an opportunity,” UCLA  
.۲۰۰۵Conference, Athens: July
- Globalization and the Genealogy of the Political Reactions of Iranian ” --42  
.Islamists,” a joint Brazilian-Turkish Conference, Istanbul and Ankara, 2004
- Iranian Version of Combining Islamic Ideology with National Interest,” ” -43  
International Conference on Armenia/ The South Caucasus and Foreign Policy  
.Challenges, Michigan, Michigan University, Ann Arbor, October 21-23, 2004
- Ideological View and Pragmatic Action: Iran’s foreign policy towards ” -44  
regional cooperation: Overcoming the Impediments to Regional Cooperation,”  
Conference held by FRIENDS and Hanns Seidel Foundation from Germany,  
.Islamabad, 11-12, 2004
- Iran’s Nuclear Issue: An Academic Reading of Iran’s Official Positions,” ” -45  
Persian Gulf Security Group, UCLA Conference, Dead Sea, Jordan September  
.9-12 2004
- Security and Democratization of Iran,” Persian Gulf Security Group,” ” -46  
UCLA Conference, Dead Sea, Jordan, September 9-12 2004
- New Ijtihad in Islam and Democracy” (Washington, Islam and ” -47  
(.Democracy,” (June 2004
- Ideological Rivalry and Political Philosophy in Islamic Iran,” (Tehran: ” -48  
(.C.C.I.S. May 2004

- Democratization of Islamic Iran” “UCLA Seminar on the Middle East,” ” -49  
(Athens, December 2003)
- The Impact of Academic-Seminary on Democracy in Iran,” (Washington, ” -50  
(Islam and Democracy, October 2003)
- Iran, US and Post-Saddam Iraq” UCLA Conference on the Middle East, ” -51  
Athens: August 2003
- Globalization and Diverse Islamic Political Philosophy in Iran,” ” -52  
Association of Political Theory, Inaugural Conference, (Grand Rapids, October  
(2003
- (.Women Right in Islamic Iran” (Athens: May 2003” -53
- (.US-Iran Relations and Arab-Israeli Conflict,” ( Athens: October 2002 “ -54
- Middle East Security: Learning from the Past Achievements and Failures,” ” -55  
(UCLA Conference on Middle East.” (Geneva: October 21-25, 2001
- A Comparative Approach for the Campaign against International ” -56  
(Terrorism,” UCLA Seminar on the Middle East (Istanbul, 2001
- Middle East Regional Security: Learning from Past Achievements and ” -57  
(Failures,” UCLA Seminar on the Middle East (Istanbul, 2001
- Middle East Security: Hardware Militarism and Software Pauperism,” ” -58  
(UCLA Seminar on the Middle East (Geneva, 2001
- Globalization of Middle East Terrorism,” UCLA Seminar on the Middle ” -59  
(East (Geneva, 2001
- Code of Conduct in the Middle East,” UCLA Seminar on the Middle East ” -60  
(Istanbul, 2001
- Dynamism of Change in Iran,” University of Southern California (Los ” -61  
(Angeles, 2001
- The Impact of the War on Iran’s Political Culture,” Boston University ” -62  
((Boston, 2001
- US-Iran Relations: Unequal Allies-Equal Treatment,” UCLA (Los Angeles, ” -63  
(2001
- Threats, Security Arrangements, and Crisis Management in The Middle ” -64  
Conference on the Middle East, held jointly by UCLA and -East” UCLA 65  
Egypt, Cairo: 200

### کتابشناسی

- مبانی علم سیاست در نظم نوین حقوق بشری، تهران: میزان، زیر چاپ.
- نگاه ایده پردازان، متفکران و روشنفکران ایرانی در گذار به عینک بن فکنی رندانه، تهران: در انتظار مجوز ارشاد

- سیاست خارجی جمهوری اسلامی: تبارشناسی مواضع، تهران: دانشگاه تهران، در انتظار مجوز از ۱۳۸۶،
- محذورات و مقذورات سیاست خارجی ایران، تهران: دانشگاه تهران، در انتظار مجوز از ۱۳۸۶،
- بایسته‌های سیاست خارجی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های استراتژیک، در انتظار مجوز چاپ از ۱۳۸۲،
- اصول روابط بین‌الملل الف و ب (در نظم نوین فردی-بومی - جهانی شده)، با تجدید نظر کامل، تهران: میزان، ۱۳۸۹
- نویسی، توسعه و دگرگونی سیاسی، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۸
- سیاست خارجی ایران، تهران: میزان، ۱۳۸۴
- نظریه‌های روابط بین‌الملل: قالب‌ها و مبانی فکری، چاپ ششم، تهران: سمت، ۱۳۸۸
- مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست، چاپ جدید، تهران: میزان، ۱۳۸۸
- مدل‌های تصمیم‌گیری سیاست خارجی، چاپ جدید، تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۶
- ساختارها و پویای سیاست در عراق، تهران: مرکز انتشارات اسناد انقلاب اسلامی.
- نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سفیر، ۱۳۶۸
- نویسی و دگرگونی سیاسی، تهران: سفیر، ۱۳۶۸
- نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالبهای فکری، سیدحسین سیف زاده، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- ماهیت سیاستگذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، مایکل اسمیت، جیمز باربر، سیدحسین سیف زاده (مترجم)، ناشر: قومس
- معمای امنیت و چالشهای جدید غرب، سیدحسین سیف زاده، ناشر: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات
- تعارضات ساختاری داخلی، منطقه ای و بین‌المللی در خلیج فارس، جلیل روشندل، سیدحسین سیف زاده، ناشر: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه - ۱۳۸۲
- جوه امپریالیسم، چارلز رینولدز، سیدحسین سیف زاده (مترجم)، ناشر: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات
- مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، سیدحسین سیف زاده، ناشر: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات
- نظریه‌ها و تئوریهای مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، سیدحسین سیف زاده، ناشر: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات



حسین منصور حلاج

|                               |                                                                                                                               |      |      |
|-------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|------|
| زاده                          | ۲۴۴                                                                                                                           | هجری | قمری |
| روستای تور از توابع بیضا فارس |                                                                                                                               |      |      |
| درگذشت                        | ۲۴ ذیقعدة سال ۳۰۹ (۱۱ فرودین ۳۰۱ شمسی)                                                                                        |      |      |
| بغداد                         |                                                                                                                               |      |      |
| دیگر نام‌ها                   | ابوالمغیث عبدالله بن احمد بن ابی طاهر                                                                                         |      |      |
| نژاد                          | ایران                                                                                                                         |      |      |
| آثار                          | طاسین الازل و الجوهر<br>الاکبر، طواسین، الهیاکل، الکبریت<br>الاحمر، نورالاصل، جسم<br>الاصغر، بستان المعرفة و دیوان اشعار حلاج |      |      |
| منصب                          | تصوف صوفی                                                                                                                     |      |      |
| مکتب                          | عرفان، تصوف و طریقت                                                                                                           |      |      |

ابوالمغیث عبدالله بن احمد بن ابی طاهر مشهور به حسین بن منصور حلاج (کنیه: ابوالمغیث) صوفی، شاعر و عارف ایرانی قرن سوم هجری بود. او در ۲۴۴ هجری به دنیا آمد. به خاطر عقایدش عده‌ای از علمای اسلامی آموزه‌هایش را مصداق کفرگویی دانسته، او را به اتهام صوفی بودن تکفیر کردند و حکم به ارتدادش دادند. قاضی شرع بغداد به دستور ابوالفضل جعفر مقتدر، خلیفه عباسی حکم اعدامش را صادر کرد و در ذیقعدة سال ۳۰۹ ه.ق. به جرم «کفرگویی و الحاد»، پس از شکنجه و تازیانه در ملاعام به دار آویخته شد. سپس سلاخی اش کردند و دست و پا و سرش را بریدند و پیکرش را سوزاندند و خاکسترش را به رود دجله ریختند.

جمله معروف «*أنا الله و الله ذو العرش المجید*» (من حقیقت هستم) که در ادبیات فارسی بارها تکرار شده‌است، از حلاج است. برخی این مسئله را نشانه‌ای از ادعای خدایی کردن حلاج می‌دانند؛ حال آنکه عده‌ای دیگر بر این باورند خدا از طریق حلاج سخن گفته‌است.

شاعران فارسی‌زبانی همچون عطار نیشابوری، حافظ، سنایی، مولوی، ابوسعید ابوالخیر، فخرالدین عراقی، مغربی تبریزی، محمود شبستری، قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی و اقبال لاهوری محمد علی بهمنی درباره او بیت‌هایی سروده‌اند..

#### نام‌ها

او بیشتر به نام پدرش، منصور حلاج، معروف است. برای وی کنیه‌های دیگری نیز چون «ابو عماره»، «ابو محمد» و «ابو مسعود» نیز آورده‌اند.

اهل فارس او را ابو عبدالله الزاهد، اهل خراسان ابوالمهر، اهل خوزستان حلاج الاسرار، در بغداد مصطلم، در بصره مخبر. اهل هند ابوالمغیث و اهل چین او را ابوالمعین می‌خواندند.

برای شناخت و درک بیشتر حقایق حسین حلاج می‌توانید به تذکره اولیاء نوشته عطار نیشابوری مراجعه کنید.

برای لقب او، «حلاج»، سه توجیه آورده‌اند:

1. پدرش پیشه حلاجی داشته‌است.
2. نیکو سخن می‌گفته و رازها را حلاجی می‌کرده‌است.
3. کرامتی در همین زمینه از خود نشان داده‌است. از کنار یک انبار پنبه می‌گذشت، اشاره کرد و دانه از پنبه بیرون آمد.

## زندگی‌نامه

### کودکی و نوجوانی

حسین بن منصور در سال ۲۴۴ هجری قمری در روستای تور از توابع شهرستان بیضا استان فارس در خانواده‌ای تازه مسلمان و سنی مذهب متولد شد، جد او در ابتدا زرتشتی بود که مسلمان شد. او در دارالحفاظ شهر واسط به کسب علوم مقدماتی پرداخت و در ۱۲ سالگی حافظ کل قرآن شد. سپس برای درک مفاهیم قرآن نزد سهل بن عبدالله تستری رفت و راه و رسم تصوف را از او آموخت و خرقة پوشید.

### سفر به بصره

زمانی که سهل به بصره تبعید شد، حسین نیز به همراه استاد خویش به بصره رفت. چندی بعد در ۱۸ سالگی به بغداد رفت و نزد عمرو بن عثمان مکی ۱۸ ماه همنشین شد. حلاج در بصره با ام‌الحسین، دختر ابویعقوب اقطع صوفی، منشی جنید، ازدواج کرد و دارای سه پسر و یک دختر شد. ازدواج او با اعتراض شدید استادش، عمرو مکی، روبه‌رو شد. این اعتراض به اختلاف و دشمنی بین استاد و پدرزنش، ابویعقوب اقطع، انجامید عمرو بن عثمان از او رنجید و او را از خود راند. او نیز راهی بغداد شد و در حلقه درس جنید بغدادی وارد شد اما جنید او را به مدارا با استاد و خلوت‌نشینی فراخواند.

### سفر به مکه

۲۶ ساله بود که برای زیارت کعبه راهی مکه شد و یک سال مجاور بیت‌الحرام ماند. غذایش در هر روز سه لقمه نان و اندکی آب بود و جز برای قضای حاجت از آن خارج نمی‌شد. پس از مجاورت کعبه به بغداد بازگشت و دوباره به حلقه یاران جنید بغدادی پیوست اما به جهت دعوی «اناالحق» از جانب آن‌ها طرد شد و رابطه خود را با صوفیه برید. بعد از سفر سوم خود به حج، پدرزنش ابویعقوب و استادش عمرو بن عثمان نیز از او بیزار می‌گشتند. جنید نیز پس از ایجاد اختلاف و شنیدن سخنان حلاج به او گفت: تو در اسلام رخنه‌ای و شکافی افکنده‌ای که سر جدا شده از پیکرت می‌تواند آن را مسدود کند.

### سفر به ماوراءالنهر و چین

پس از ایجاد اختلاف بین حلاج و استادانش او به سفرهایی به هند، خراسان، ماوراءالنهر، ترکستان، چین و... پرداخت و طرفداران و پیروانی را نیز با خود همراه کرد. طوری‌که مردم هندوستان او را «ابوالمُعِیْث» مردم چین و ترکستان «ابوالمعین»، مردم خراسان و فارس «ابوعبدالله زاهد» و مردم خوزستان او را «شیخ حلاج اسرار» خطاب می‌کردند. وی در این سفرها موفق به نگاشتن آثاری هم شد. حلاج در این سیاحت‌ها، ضمن فراخواندن بت‌پرستان به اسلام، عقاید خود را نیز انتشار داد. وی در میان ترکان ایغوری و مردمان دیگر، ضد ثنویت (زندقه) نیز تبلیغ کرد.

بازگشت به بغداد

او پس از سفرهای طولانی و دیدار با مانویان و بودائیان به بغداد بازگشت و نقطه تمرکز فعالیت‌های خود را در آنجا قرار داد. او در میان مردم می‌گشت و با انجام اموری خارق‌العاده آن‌ها را به عقاید خویش دعوت می‌کرد و به آنان اینطور می‌گفت که مهدی موعود از طالقان ظهور خواهد کرد و ظهور وی نزدیک است. به همین جهت بزرگانی چون شیخ توسی، ابن اثیر و ابن ندیم او را در زمره مدعیان بابیت قرار داده‌اند.

حج سوم

در حج سوم - که در حدود سال ۲۹۰ هجری انجام شد و دو سال با اعتکاف تمام در آن دیار به طول انجامید - در اندیشه و گفتار او تغییر اساسی پدید آمد. پسرش، حمد، در این باره می‌گوید که پس از بازگشت از سومین حج به بغداد، احوال او به کلی دگرگون شد و مردم را به چیزهایی خواند که او از آن‌ها بی‌خبر است. از برخی اشعار او پیداست که با این نیت به مکه رفت تا عقاید باطل خود را به پیشگاه حق عرضه کند و به جای گوسفند خود را قربان سازد. مخالفان حلاج گفته‌اند وی پیش از سفر حج، در هند نور ایمانش را به کفر باخت.

تبلیغ افکار

پس از انزوا و دوری حلاج از اهل تصوف وی سعی کرد در میان امامیه برای خود طرفدارانی پیدا کند و با وجودی که حلاج اهل تسنن بود، با ارسال نامه‌هایی به بزرگان امامیه چون ابوسهل نوبختی و ابوالحسن بابویه خود را نائب امام زمان معرفی می‌کرد. حلاج پس از ادعای بابیت تصمیم گرفت ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی (متکلم امامی) را به مسلک خویش آورد که در نتیجه هزاران شیعه امامی که تابع او بودند را به عقاید حلولی خویش معتقد سازد. به ویژه آنکه جماعتی از درباریان خلیفه، به حلاج حسن نظر نشان داده و جانب او را گرفته بودند؛ ولی ابوالحسن بابویه که پیری مجرب بود، نمی‌توانست ببیند او با مقالاتی تازه، خود را معارض حسین بن روح نوبختی وکیل امام غایب معرفی می‌کند. ابوسهل نوبختی در پاسخ به حلاج گفت: «وکیل امام زمان باید معجزه (گواهی بر مدعا) داشته باشد. اگر راست می‌گویی، موهای مرا سیاه کن. اگر چنین کاری انجام دهی، همه ادعاهایت را می‌پذیرم». حسین بن حلاج که می‌دید ناتوان است، با تمسخر مردم روبه‌رو شد و به قم شتافت و به مغازه علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) رفت و خود را نماینده امام زمان خواند. مردم قم نیز بر وی شوریدند و او را با خشونت از شهر بیرون افکندند. ابن حلاج، پس از آن که جمعی از خراسانیان ادعایش را پذیرفتند، دوباره به عراق رفت.

فرار و پنهان شدن

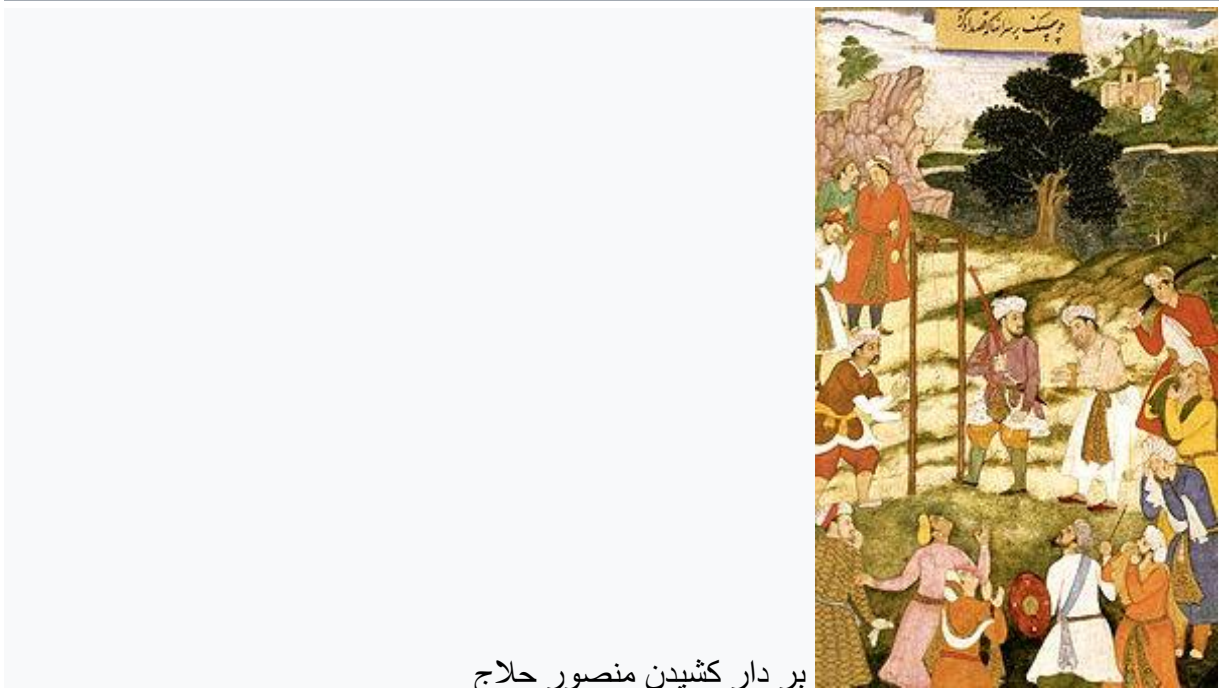
گسترش بدبینی‌ها و شکست هواداران حلاج، بغداد را برای او ناامن کرد؛ از این‌رو، وی به تستر گریخت و در آنجا، که مرکز هواخواهان حنبلی‌اش بود، پنهان شد. در همین فاصله برخی از یاران حلاج، به سبب پافشاری بر عقاید او، دستگیر شدند و به عقاید کفرآمیز خود درباره ربوبیت حلاج اعتراف کردند.

دستگیری

حلاج دو سال متواری و مخفی بود تا آنکه ابوالحسن علی بن احمد راسبی که از قدیمی‌ترین دشمنان حلاج بود، اتفاقاً مخفیگاه او را کشف کرد. حلاج با لباس مبدل، در حالی که سعی در انکار هویت خود داشت، دستگیر شد و هویتش با خیانت یکی از پیروان او، به نام حماد دبّاس، فاش گردید. دبّاس قبلاً در بغداد دستگیر شده و زیر شکنجه قول داده بود برای کشف مخفیگاه حلاج همکاری کند. راسبی پیامی برای دربار فرستاد مبنی بر اینکه حلاج مدعی ربوبیت و قائل به حلول است؛ بنابراین، در ربیع‌الآخر ۳۰۱، حلاج را در راه رفتن به بغداد، وارونه بر مرکب سوار کردند و لوحه‌ای به گردنش آویختند که بر آن نوشته شده بود: «این از داعیان قرمطی است».

**حبس**

دوران حبس حلاج در سال‌های ۳۰۱-۳۰۸ هجری با دست به دست شدن مکرر منصب وزارت مصادف بود. حلاج این فرصت را غنیمت شمرد و به نشر افکار خود در میان زندانیان پرداخت. گزارش‌های بسیاری از بروز کرامات و خوارق عادات او در زندان خبر می‌دهد و همین عامل بر شمار مریدان حلاج از میان زندانیان افزود. او طی این مدت نوشته‌هایی را نیز تحریر کرد و به تبیین نظرات و عقاید خود پرداخت. این‌گونه به نظر می‌رسد که یکی از انگیزه‌ها برای تشکیل دادگاه دوم همین نوشته‌ها بوده‌است.

**مرگ**

بر دار کشیدن منصور حلاج

رفتار شطح‌گونه و رفتار عجیب و خارق‌العاده حلاج باعث شد که معتزلیان او را به حيله‌گری و شعبده محکوم کنند. سرانجام حلاج بر اثر فتوای ابوبکر محمد بن داود مؤسس مذهب ظاهریه مبنی بر واجب بودن قتل او و اقامه دعوی سهل بن اسماعیل بن علی نوبختی و پیگیری‌های ابوالحسن علی بن فرات وزیر شیعی مقتدر عباسی در بغداد دستگیر و نزد برخی از قضات و روحانیون معروف و سرشناس، بازجویی شد. پس از گفت و شنودهایی در آن مجلس، علما و قضات آن عصر، از جمله «قاضی ابو عمرو» فتوا به حلّیت خورش داده و وی را مهدور الدم اعلام کردند. آن گاه، وی را به زندان افکنده و منتظر فرمان مقتدر عباسی ماندند. مقتدر، در پاسخ شان گفت: اگر علما، فتوا به ریختن خورش دادند، وی را به جلاد بسپارید تا هزار تازیانه بر او بزند و اگر هلاک نشد، هزار تازیانه دیگر بزند و سپس او را گردن زنند. حامد بن عباس، وی را به محمد بن عبدالصمد، رئیس شهربانی وقت سپرد تا در تاریکی شب، در کنار رود دجله و در داخل محوطه شهربانی، وی را هزار تازیانه زدند و سپس دست‌ها و پاهایش را قطع و آن‌گاه، سرش را از بدن جدا نمودند و تن بی‌جانش را در آتش سوزانیدند و خاکسترش را در دجله ریخته و سرش را پس از مدتی آویختن بر روی پل بغداد به خراسان (مرکز اصلی پیروان حلاج) فرستادند، تا درس عبرتی برای پیروانش باشد.

**اتهام کفرگویی**

احتمالاً حلاج عبارت انالحق را از بایزید بسطامی (متوفی ۲۶۱) گرفته‌است، چون شبیه همین تعبیر در آثار بایزید وجود دارد، اما تکرار و تأکید آن با تعبیر گوناگون در کلمات و اشعار حلاج، و نیز فرجام وی که سخت با این ادعا پیوند داشت، انالحق را به حلاج منتسب کرد. این تعبیر در کتاب الطواسین

حلاج آمده است. با ترجمه و شرح روزبهان بقلی، که بهترین شارح شطحیات حلاج است، و نیز از دیگر کلمات حلاج، به خوبی این معنا آشکار است که وی به نوعی در این شطح، الهیات صوفیه را از منظر خود خلاصه کرده و آن عبارت است از تألیه انسان (انسان خدا شده)؛ به این معنا که انسان به مدد ریاضت، در خویش واقعیت صورت الهی را می یابد. همان صورت که خداوند آن را هنگام آفرینش بر آدمی افکنده بود.

نظر به اهمیت شطح انالالحق و کلمات مشابه آن که نیازمند توجیه و تأویل است و در غیر این صورت به تکفیر قائل آن می انجامد. همواره نقد ناقدان از تعبیر انالالحق و دفاع صوفیان از آن، در تاریخ تصوف وجود داشته است. این تعبیر در عصر حلاج، چندان مقبول صوفیان نبود چنان که جنید حلاج را از آن برحذر می داشت که تو «بالحق» هستی نه خود حق بیشتر اصحاب جنید نیز دعوی حلاج را اگر نه کفر، لا اقل «افشاء سرالربوبیة» می دانستند، حتی ابن خفیف، از مریدان حلاج که وی را عالم ربانی می دانست، چون برخی ابیات حلاج را صریح در کفر دانست، چاره ای جز تردید در انتساب آن ها به حلاج ندید. قدیم ترین توجیهات از انالالحق و اقوال مشابه آن، سخن ابونصر سراج است. او «سُبحلّی ما أعظم شأنی» بایزید را نقل قولی از خداوند خوانده است. مانند آن که وقتی کسی می گوید «لأله إلا أنا فأعبدون» می فهمیم که در حال خواندن قرآن است و کلمات را از زبان خدا بیان می کند. اما نخستین و روشن ترین دفاع از شطحیات حلاج، از خود او به جا مانده است، که چون او را به توبه از یکی از دعاوی کفر آمیزش خواندند، گفت:

آنکه گفته، خود توبه کند یعنی اگر دعوی ربوبیت از من می شنوید به وجه مغلوبیت صادر شده است. به این معنی که وجود حلاج هنگام شطح گویی در حال قرب بوده و در این حال مغلوب حق شده و حق از زبان او سخن گفته است. با این جواب، در واقع معنای انالالحق از حلول و اتحاد پابین آمده و به مفاهیم و مصطلحاتی از قبیل اتصال به حق، مقام قرب، فناء فی الله و بقاء بالله، استحاله و تبدل ذات و صفات بر اثر فنا بدل شده است. پس از حلاج نیز این توجیه را صوفیان، با تفاوت هایی در تعبیر و احیاناً تحذیر از تقلید و سوء برداشت، تکرار کرده اند و گاه بزرگان تصوف و عرفان نیز، مطابق مشرب خود و با تمثیلات گوناگون، کوشیده اند معنی و دفاعی روشن و پذیرفتنی از این گونه شطحیات عرضه کنند.

ابوحامد غزالی در مشکاة الانوار، دعوی حلاج را کلامی عاشقانه و ناشی از سکر وصف کرده که قائل آن بعد از خروج از سکر می فهمد که در حال اتحاد با حق نبوده بلکه شبه اتحاد به وی دست داده است. وی پیش از آن، در المقصد الاسنی، عقیده به اتحاد را رد کرده بود. تعبیر دیگر غزالی در سبب صدور انالالحق، نقص معرفت و مشاهده است. ابوحامد غزالی در احیاء علوم الدین، با اشاره به تجربه ابراهیم و قول «هذا ربی» وی درباره ستاره و ماه و خورشید، و در نهایت گذر از آن ها و وصول به معرفت حق، کسانی چون حلاج را در مراحل آغازین سلوک می داند که با رؤیت کوکبی از انوار حق مغرور می شوند و «محل تجلی» را با «متجلی» یکی می پندارند. برادرش، احمد غزالی، نیز در سوانح، این شطحیات را حاکی از مقام تلوین حلاج دانسته است. به عقیده او، این «انا» گفتن نشان آن است که حلاج هنوز دچار آنانیت خود و دویی با حق و تردید در مشاهده و تعبیر بوده و به تمکین و وحدت راه نداشته است.

سهروردی (مقتول در ۵۸۷) نیز، که اتحاد را مردود می شمارد، در توجیه انالالحق، به راه احمد و ابوحامد غزالی رفته است. وی در رساله لغت موران داستانی رمزی آورده است که در آن خفاشان، یک حربا (آفتاب پرست) را اسیر می کنند و برای کشتن به زیر آفتاب می برند. غافل از آن که خورشید، مرگ خفاش است و حیات حربا. در پایان تمثیل سهروردی، ابیات معروفی از حلاج با ذکر نام وی آمده است. پیداست که در داستان او حربا اشاره به حلاج است و خفاشان هم قاتلان او هستند. سهروردی در پایان همین رساله، با تمثیلی دیگر، برای شطحیات بایزید و حلاج عذری جسته است. او معتقد است سالک هر چند به مرتبه ای برسد که نور حق را در آئینه دل مشاهده کند، اما تا هنوز خود را می بیند به توحید صرف نرسیده و ناقص است. چنین آئینه ای اگر صیقلی شود و در برابر خورشید قرار گیرد به زبان حال «انا الشمس» می گوید و این نشان آن است که در آن حال هم خود را می بیند و هم خورشید را.

نجم‌رازی (متوفی ۶۵۴)، احیاناً با اقتباس از تمثیل شیخ‌اشراق، بر حلاج خرده گرفته‌است که چرا به‌جای «اناالحق»، «انالمرأة» نگفت تا عاشقان غیور قصد آینه شکستن نکنند؟ درمجموع لحن سهروردی درباره حلاج، برخلاف غزالی، عذروانه‌است.

سهروردی حلاج را واسطه انتقال میراث حکمت ایرانیان یا همان خمیره خسروانیان می‌داند و بر آن است که این حکمت از طریق بایزید به حلاج (به تعبیر او: «جوانمرد بیضاء»)، و از وی نیز به ابوالحسن خرقانی رسیده‌است. بعد از اینان، نخستین متفکر شیعی که دفاع موجز و معقولی از شطح حلاج کرده، نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲) است. او در اوصاف الاشراف، حلاج را در سلوک مسیر اتحاد می‌داند. اما مراد نصیرالدین طوسی از اتحاد، اتحاد کفرآمیز نیست بلکه اتحادی است که در آن سالک از انانیت خود رهیده‌است و جز خدا نمی‌بیند. درواقع، حلاج از دید وی در مرتبه مادون فنا، یا همان اتحاد، بوده‌است. او در نهایت حلاج را فانی و منتهی می‌شمرد.

شبواترین و دقیق‌ترین تمثیلات در معنی و توجیه اناالحق از آن مولوی است. او در معنای شطح بایزید و حلاج، به اتحاد نوری و سلب تعین اعتباری قائل است نه حلول و اتحاد، و آن را با تمثیلاتی بیان کرده‌است: حدیده مُحَمَّاة (آهن گداخته)، استحاله خر در نم‌زار، تبدیل هیزم به نور در آتش، تبدیل نان به جان، نیستی قطره در دریا و تبدیل سنگ به گوهر بر اثر تابش آفتاب. توضیح مهم مولوی آن است که این دعوی از هرکس و در هر حال روا نیست، بلکه اگر از سالکی مجذوب، در حال استغراق و بی‌خودی «اناالحق» سر زند، می‌توان آن را با چشم‌پوشی به معنای «هوالحق» دانست. از این‌روست که مولوی اناالحق حلاج را علامت رحمت حق می‌داند، برخلاف اناالحق فرعون که سبب لعنت اوست.

این بیان، برخلاف اندیشه وحدت وجود ابن‌عربی است، که اساساً اشیا را با ذات حق در عینیت می‌بیند و اناالحق فرعون را هم تأویل می‌کند. شیخ‌محمود شبستری نیز همین توجیه مولوی را، با استفاده از تعبیری قرآنی، آورده‌است. وی با اشاره به آیه ۳۰ سوره قصص، حلاج را به شجره طور تشبیه کرده و اناالحق او را از نوع ایجاد صدا در درخت وادی ایمن از جانب حق شمرده‌است. تمثیل شجر طور را پیش از شبستری، عطار نیز به‌کار برده‌است و پس از او هم دیگران بسیار به آن استناد کرده‌اند. از جمله شیخ‌بهائی (متوفی ۱۰۳۰) در مفتاح‌الفلاح به آن اشاره‌ای تأییدآمیز کرده‌است.

گذشته از این توجیهات، برخی عارفان سخن حلاج را ناشی از مشتبه شدن امر بر او، و آن را دلیل بر خامی و ناتمامی او دانسته‌اند. از جمله شمس تبریزی که حلاج را بر سر دار در مقام شک، و اناالحق را دلیل محجوبیت او از جمال حق می‌داند و می‌گوید که اگر از حق خبر داشت اناالحق نمی‌گفت. وی اساساً وصال حق را محض ادعا انگاشته و نهایت فقر و اخلاص را در «وصل به طریق» حق می‌داند نه «وصل به حق».

از او به جز شعار «انا الحق»، روایت‌های دیگری نیز موجود است. در تذکره الاولیاء عطار نیشابوری آمده‌است که عمرو بن عثمان، حسین منصور حلاج را دید که چیزی می‌نوشت گفت: «چه می‌نویسی؟» گفت که «چیزی می‌نویسم که با قرآن مقابله کنم» عمرو بن عثمان او را دعا بد کرد و از پیش خود مهجور کرد پیران گفتند هرچه بر حسین آمد از آن بلاها به سبب دعاء او بود. همچنین منصور حلاج نامه‌ای به دوست خود، شاکر بن احمد فرستاد و در آن نوشته بود «أهیم الکعبه» یعنی کعبه را ویران کن!

#### آثار

- طاسین الازل و الجوهر الاکبر
- طواسین
- الهیاکل
- الکبریت الاحمر
- نورالاصل

- جسم الاکبر
- جسم الاصغر
- بستان المعرفة
- دیوان اشعار حلاج (از او به زبان عربی به جای مانده که در اروپا و ایران به چاپ رسیده است).

روزبهان بقلی فسایی می‌گوید شنیدم که هزار تصنیف کرد و همه را اهل حسد بسوختند.

### حلاج در آثار ادب فارسی

در ادبیات فارسی اصطلاح «حلاج‌وار» آرایه‌ای ادبی است و به معنای «فردی که بی‌پروا از عواقب عقیده‌اش، آنچه بدان باور داشت، کرد تا آن‌جا که سر در پای بی‌باکی باخت».

بیشتر شاعران پس از او از یک بیت تا یک فصل از دیوان خود را به او اختصاص داده‌اند. فصلی از کتاب تذکرة الاولیاء عطار به او اختصاص دارد. عطار نیشابوری

زان می که خورد حلاج گر هر کسی بخوردی بر دار صد هزاران برنا و پیر بودی

حافظ درباره او می‌گوید:

گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد

محمد اقبال لاهوری درباره بردار کشیدن حسین منصور حلاج سروده است:

کم نگاهان فتنه‌ها انگيختند بنده حق را بدار  
آويختند

آشکارا بر تو پنهان وجود بازگو آخر گناه تو چه بود؟

همچنین از ابوسعید ابوالخیر:

منصور حلاج آن نهنگ دریا کز پنبه تن دانه جان کرد جدا

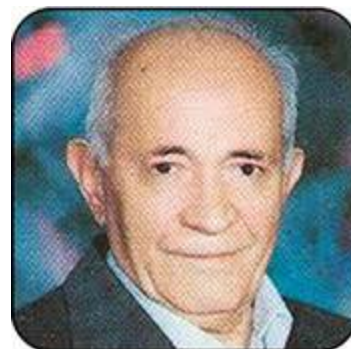
روزی که انالحق به زبان می‌آورد منصور کجا بود خدا بود خدا

همچنین سنایی، مولوی، فخرالدین عراقی، مغربی تبریزی، محمود شبستری، قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی و سید روح‌الله خمینی درباره او بیت‌هایی سروده‌اند.

### در آثاری دیگر

- «تعزیه حلاج»، تعزیه‌ای تاریخی با داستانی کاملاً متفاوت و عرفانی که اصل آن در کتابخانه واتیکان قرار دارد.
- اپرای «حلاج»، گروه موسیقی سنتی (همای مستان) با خوانندگی پرواز همای در تابستان سال ۱۳۹۷ با اجرای کنسرت نمایشی حلاج روایتی از زندگی حلاج را روی صحنه کاخ سعد آباد تهران بردند.

## سید حسین میرشمسی

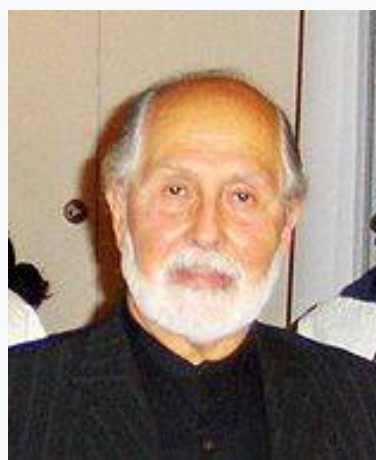


سید حسین میرشمسی (زاده ۱۲۹۳ در اصفهان - درگذشته ۲۳ آذر ۱۳۸۷ در تهران) از چهره‌های ماندگار، و دانشمندان معاصر ایران بود. او را «پدر واکسن ایران» می‌دانند. دکتر میرشمسی به دلیل تلاش برای تولید واکسن‌های دامی، واکسن و سرم دیفتری، کزاز، سیاه سرفه، و همچنین تولید واکسن برای بیماری‌های ویروسی سرخک، فلج اطفال، سرخجه، و اوریون و انتقال دانش فنی ساخت این واکسن‌ها به ایران، پدر واکسن این کشور خوانده می‌شود. تیم تحقیقاتی دکتر میرشمسی در این راه دکتر جواد رضوی و دکتر عباس شفیع بودند. او بنیانگذار تولید واکسن‌های انسانی در مؤسسه تحقیقات و سرم‌سازی رازی بود. از او بعنوان افتخار دامپزشکان ایران یاد می‌شود.

او دیپلم خود را در سال ۱۳۱۴ دریافت کرد و تحصیلات آکادمیک خود را در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران شروع کرد. او در سال ۱۳۲۰ توانست دکتری خود را دریافت کند. او به مدت ۹ سال در مؤسسه سرم و واکسن سازی رازی در حصارک مشغول به کار بود و در پی آن جهت گرفتن تخصص به کشور فرانسه رفت.

در مدت‌ها در دانشگاه‌های کشورهای مختلف به تحقیق پرداخت. او در سال ۱۳۷۴ توانست لوح تقدیر و نشان درجه اول پژوهشی را دریافت کند. او هفت سال نیز به عنوان استاد مدعو در دانشکده پزشکی، دامپزشکی و کشاورزی دانشگاه تهران تدریس کرد. دکتر حسین میرشمسی در ۲۳ آذر ۱۳۸۷ در ۹۴ سالگی درگذشت.

## سید حسین نصر



نام در زمان تولد سید حسین نصر

|               |                                                                                    |
|---------------|------------------------------------------------------------------------------------|
| زاده          | ۱۹ فروردین ۱۳۱۲ تهران، ایران                                                       |
| محل زندگی     | مریلند، ایالات متحده آمریکا                                                        |
| تحصیلات       | فیزیک در ۱۹۵۴ میلادی از مؤسسه فناوری ماساچوست<br>تحصیلات تکمیلی از دانشگاه هاروارد |
| کارهای برجسته | کمک به بنیانگذاری دانشگاه صنعتی اصفهان                                             |
| فرزندان       | ولی رضا نصر                                                                        |
| والدین        | سید ولی الله نصر                                                                   |
| وبگاه         | <a href="http://www.nasrfoundation.org">http://www.nasrfoundation.org</a>          |
| حیطه          | فلسفه اسلامی                                                                       |
| مکتب          | سنت گرایی                                                                          |
| استادان       | سید محمدحسین طباطبائی<br>محمدکاظم عصار<br>سید ابوالحسن رفیعی قزوینی                |
| شاگردان       | غلامعلی حداد عادل غلامرضا اعوانی<br>ویلیام جیتیک رضا شاه کاظمی                     |
| ایده چشم گیر  | علم قدسی                                                                           |

سید حسین نصر زاده ۱۹ فروردین ۱۳۱۲ در تهران، فرزند سید ولی الله نصر و نتیجه شیخ فضل الله نوری است. وی فیلسوف و متأله سنت‌گرای ایرانی و استاد علوم اسلامی در دانشگاه جرج واشینگتن ایالات متحده آمریکا است که مقالات و کتب دانشگاهی بسیاری نوشته است.

او در تهران زاده شد و در نوجوانی برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. کارشناسی فیزیک را از مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) گرفت و تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه هاروارد در رشته فلسفه و تاریخ دانش گذراند. سپس، به ایران بازگشت و استاد فلسفه دانشگاه تهران شد. از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ ریاست دانشکده ادبیات و سپس معاونت دانشگاه تهران را بر عهده داشت. دکتر نصر در سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴ ریاست دانشگاه صنعتی آریامهر (دانشگاه صنعتی شریف امروز) را بر عهده داشت و

در بنیانگذاری دانشگاه صنعتی اصفهان همکاری داشت. در سال ۱۳۵۳ انجمن شاهنشاهی فلسفه (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) را بنیاد گذاشت و دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پژوهشی را در زمینه‌های فلسفه اسلامی و فلسفه تطبیقی (به آلمانی: Komparative Philosophie) برای علاقه‌مندان دایر کرد. نصر در سال ۱۳۵۷ مسئولیت دفتر مخصوص شهپانو فرح پهلوی را بر عهده گرفت و در نتیجه، در روزهای پیش از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ایران مجبور به ترک ایران و مهاجرت به ایالات متحده شد. وی مدتی استاد مدعو دانشگاه تمپل و دانشگاه ادینبرو بود و در سال ۱۹۸۴ استاد دانشگاه جرج واشینگتن شد.

سید حسین نصر پیرو مکتب سنت گرایی و متأثر از آرای رنه گنون و فریتهوف شوآن است. او در فلسفه علم و تاریخ دانش از استادان دانشگاه هاروارد و مکتب جرج سارتن بهره برده است. در فلسفه اسلامی شاگرد سید محمدحسین طباطبایی، محمدکاظم عصار و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی بوده است. او همکار هانری کربن در حوزه فلسفه تطبیقی و تاریخ فلسفه اسلامی بوده و خود چندین اثر علمی در حوزه فلسفه اسلامی و تاریخ آن نگاشته است. همچنین عضو و رئیس شاخه مریمیه از عرفان متصوفه شاذلیه است. همچنین با آثار مکتوب و برنامه‌های تلویزیونی در معرفی اسلام و تشیع در آمریکا فعال بوده است.

از نگاه فلسفی، سید حسین نصر قائل به خرد جاویدان است و در حوزه عرفان و فلسفه اسلامی، دین‌شناسی تطبیقی و تاریخ دانش در اسلام تخصص دارد. وی از ارائه دهندگان ایده علم دینی در سده ۲۰ (میلادی) و از صاحب‌نظران در موضوع نگرش‌های اسلامی به علم است که آرایش را در کتب و مقالات مختلف و از جمله مجموعه سخنرانی‌هایی را با عنوان «معرفت و امر قدسی» در کرسی گفتارهای گیفورد ارائه کرد.

## زندگی

سید حسین نصر در سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. پدرش، سید ولی‌الله نصر، همانند پدر بزرگش یزشک دربار بود و اهل کاشان. او از جانب مادر نواده شیخ فضل‌الله نوری است. عمده نیاکان نصر از روحانیون سرشناس بوده‌اند.

سید حسین نصر تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ای نزدیک خانه خود در خیابان جمهوری گذراند. در همان کودکی شروع به آموختن زبان فرانسه کرد و علوم اسلامی را نزد پدر خود آموخت. سپس به دبیرستان فیروز بهرام جهت ادامه تحصیل رفت.

## تحصیل در آمریکا

نصر در دوازده سالگی به آمریکا فرستاده شد. او در مدرسه شبانه‌روزی پدی در نیوجرسی ثبت نام کرد. در سال ۱۹۵۰ رتبه ممتاز اول مدرسه خود شد. در چهار سال تحصیلات این مدرسه، نصر زبان انگلیسی، علوم، تاریخ ایالات متحده آمریکا، فرهنگ غربی و آموزه‌های مسیحی را آموخت.

نصر برای ادامه تحصیلات دانشگاهی مؤسسه فناوری ماساچوست را برگزید. در همان زمان بورس تحصیلی به او تعلق گرفت و او نخستین دانشجوی ایرانی بود که در مقطع کارشناسی در آن مؤسسه تحصیل می‌کرد. او رشته فیزیک را برای ادامه تحصیل برگزید. اگرچه نصر دانشجوی ممتاز شناخته می‌شد، به این نتیجه رسید که بسیاری از پرسش‌های فلسفی او بی‌پاسخ مانده است. از این رو، در اینکه رشته فیزیک بتواند او را به درک واقعیات برساند دچار تردیدی جدی شد.

این امر او را ادامه تحصیل در رشته فیزیک مردد ساخت، به ویژه پس از این که فیلسوف انگلیسی برتراند راسل در سخنرانی‌اش در MIT گفت: «فیزیک به خودی خود با ماهیت واقعیات فیزیکی سر و کار ندارد، بلکه به ساختارها و بنیادهای ریاضی مربوط به آن می‌پردازد.» با شنیدن این سخن، تردید نصر جدی‌تر شد. وی با این که دلبستگی‌اش به فیزیک را از دست داده بود، در دانشگاه‌ام. آی. تی باقی ماند و در سال ۱۳۳۳ هجری خورشیدی در رشته ریاضیات و فیزیک فارغ‌التحصیل شد.

پس از فارغ‌التحصیلی در رشته فیزیک، نصر مطالعات گسترده‌ای در علوم انسانی آغاز کرد و به ویژه در کلاس‌های جرج سانتایانا تاریخ‌نگار علوم و فیلسوف مشهور اسپانیایی حاضر شد؛ و تحت تعلیم او، مطالعه‌ای جدی را در حکمت یونان باستان آغاز کرد. وی به مطالعه کتاب‌های افلاطون، ارسطو و افلوپین پرداخت. سانتایانا برای نخستین بار حسین را با آثار یکی از مهم‌ترین نویسندگان سنت‌گرای معاصر، رنه گنون، آشنا ساخت. آثار گنون در تعیین مبانی عقلانی و سیر فکری نصر تأثیری قاطع داشت. نصر همچنین در این دوره به کتابخانه آئنده کومرسوامی دسترسی یافت؛ و از این طریق با کتاب‌های فریتهوف شوان و تیتوس بورکهارت آشنا شد. به گفته نصر، کشف فلسفه سنتی و حکمت خالده او را به یقین و آرامشی رساند که هرگز او را ترک نکرده‌است.

«کشف فلسفه سنتی و حکمت خالده، و مطالعه آثار این بزرگان (شوان و بورکهارت) شراره‌های بحران درونی‌ام را فرونشاند و من به یقینی عقلانی رسیدم؛ این یقین از آن روز تاکنون مرا ترک نکرده‌است، بلکه روز به روز بالیده‌است و نیرومندتر و نیرومندتر شده‌است. زندگی‌ام سفری بوده‌است از یقین نظری تا یقین وجودی؛ به عبارت قرآنی، زندگی‌ام سفری بوده از علم الیقین به عین الیقین و سرانجام به حق الیقین: نخست کسب کردن دانش نظری درباره آتش، سپس دیدن آتش از نزدیک و سرانجام سوختن در آن آتش.»

نصر در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در رشته‌های زمین‌شناسی و ژئوفیزیک مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رسانید و در سن بیست و پنج سالگی با درجه دکتری از دانشگاه هاروارد در رشته فلسفه و تاریخ دانش فارغ‌التحصیل شد؛ و پس از آن به تکمیل نخستین کتابش علم و تمدن در اسلام همت گماشت. رساله دکتری او «مفهوم طبیعت در اندیشه اسلامی» را دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۴ میلادی، با عنوان «مقدمه‌ای به آموزه‌های کیهان‌شناسی اسلامی» منتشر کرد. با وجود اینکه مرتبه استادیاری دانشگاه هاروارد به او پیشنهاد شد و در دوره تحصیلات عالی در آن دانشگاه سابقه تدریس داشت، نصر تصمیم گرفت برای همیشه به ایران بازگردد.

در دوره تحصیل در آمریکا، نصر به کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه، سوئد، بریتانیا، ایتالیا و اسپانیا سفر می‌کرد و در برخی از این مسافرت‌ها با اندیشمندان سنت‌گرا و به ویژه با فریتهوف شوان دیدار کرد؛ این دیدارها سهم عمده‌ای در حیات معنوی و فکری او داشته‌اند، چنان‌که خود او گفته‌است:

«این تحول در من چگونه از وقتی که با برتراند راسل ملاقات داشتم تا وقتی که سراغ علامه طباطبایی رفتم، رخ داد؟ قطعاً با کمک آثار این بزرگان بود که این تحول روحی و فکری در من رخ داد و به این سبب همیشه مدیون‌شان هستم، ولی از لحاظ عملی، همیشه کوشیده‌ام طبق احکام دینی عمل کنم. حتی هنگام گذراندن بحران فکری، ایمانم پایرجا ماند و همیشه خداوند را دوست داشتم ولی پس از کشف جهان‌بینی سنتی موفق شدم وارد سیر و سلوک شوم و لا اله الا الله وجودم را فراگیرد.»

وی همچنین، در این دوره، به مراکش سفر کرد؛ چرا که او به شدت دلبسته شاخه‌ای از طریقه شاذلیه بود که در قالب تعالیم و اعمال شیخ احمد علوی عرضه می‌شد.

### بازگشت به ایران

نصر پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۳۷ خورشیدی، با مرتبه دانشیاری فلسفه و تاریخ علوم در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. وی در آنزمان جوانترین عضو هیئت علمی بود که مرتبه استادی کامل را احراز کرد. نصر، در آذر ۱۳۳۷، چند ماه پس از بازگشت به ایران، با دختر یکی از دوستان خانوادگی پدرش، به نام سوسن دانشوری، ازدواج کرد. ثمره این ازدواج پسری به نام ولی‌رضا نصر و دختری به نام لیلی نصر بود.

در آنجا نصر برنامه دکتری زبان و ادبیات فارسی برای غیرفارسی‌زبانان را نیز تدریس کرد و گروهی از دانشجویان خارجی را برای یادگیری زبان فارسی و آشنایی با ادبیات عرفانی و فلسفی ایران

پذیرفت. از جمله شاگردان او در این دوره ویلیام جیتیک و همسرش ساجیکو موراتا (به انگلیسی: Sachiko Murata) بودند.

نصر از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ ریاست دانشکده ادبیات و سپس معاونت دانشگاه تهران را بر عهده داشت. دکتر نصر در سال ۱۳۵۱ با حکم محمد رضا شاه پهلوی به ریاست دانشگاه صنعتی آریامهر (دانشگاه صنعتی شریف امروز) منصوب شد. فرح پهلوی دکتر نصر را در سال ۱۳۵۲ مأمور کرد تا با حمایت وی مرکزی برای مطالعه و آموزش فلسفه تأسیس کند. در سال ۱۳۵۳، انجمن شاهنشاهی فلسفه بنیاد شد و بسیاری از پژوهشگران از جمله هانری کربن و توشیهیکو ایزوتسو در آنجا گرد آمدند. انجمن، به برگزاری نشست‌ها و سخنرانی‌ها اقدام کرد و دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پژوهشی را در زمینه‌های فلسفه اسلامی و فلسفه تطبیقی برای علاقه‌مندان دایر گردانید.

در طی دوران اقامت در ایران، نصر همچنین نزد استادان فلسفه اسلامی در تهران قم و قزوین شاگردی می‌کرد. از جمله استادان او در فلسفه اسلامی، محمد کاظم عصار، علامه محمد حسین طباطبایی و ابوالحسن رفیعی قزوینی بودند. نصر چندین متن مهم فلسفه اسلامی از جمله اسفار اربعه از ملاصدرا و شرح منظومه از هادی سبزواری را نزد آنان فراگرفت. نصر همچنین در این زمان آثار متعددی به زبان‌های فارسی، انگلیسی و گاه نیز به فرانسه و عربی نگاشت. نصر همچنین با افرادی چون مهدی الهی قمشه‌ای، جلال‌الدین آشتیانی و مرتضی مطهری مراوده فکری و فلسفی داشت. وی همچنین کتاب «شیعه در اسلام» نوشته علامه طباطبائی را به زبان انگلیسی ترجمه کرد.



از راست به چپ: پل ششم و سید حسین نصر و سید جعفر شهیدی

در مدت اقامت در ایران، آثار متعددی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسوی و عربی تألیف کرد. وی رساله دکتری خود را نیز به زبان فارسی تحریر و چاپ کرد؛ و این کتاب که «نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت» نام گرفت برنده جایزه سلطنتی کتاب شد. نصر، بسیاری از متون فلسفی مهم از قبیل مجموعه آثار سهروردی و ملاصدرا و متون ابن عربی، ابن سینا و بیرونی را تصحیح کرده‌است. علاقه نصر به فلسفه ملاصدرا زمینه‌ساز نشر و ترجمه آثار ملاصدرا شد، و خود نصر نخستین کسی بود که ملاصدرا را به جهان انگلیسی زبان معرفی کرد. نصر، با همکاری ویلیام جیتیک، «کتابشناسی توصیف علوم اسلامی» را در سه جلد به زبان‌های فارسی و انگلیسی به چاپ رسانید.

از دیگر کتاب‌های مهم او در این دوره «سه حکیم مسلمان» بود که به بررسی اجمالی اندیشه‌های ابن سینا، سهروردی و ابن عربی می‌پردازد. در سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۶۵، نصر در دانشگاه آمریکایی بیروت عهده‌دار تدریس بود. کتاب «آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام» بر اساس متن شش سخنرانی نخست از پانزده سخنرانی او در لبنان است. وی، در زمان اقامتش در لبنان، کتاب «حیات و فکر اسلامی» را نیز نگاشت. نصر در زمان اقامت با لبنان با چندین نفر از اندیشمندان برجسته شیعه، و از جمله امام موسی صدر، گفتگوی علمی داشته‌است؛ وی همچنین در این دوره با سیده فاطمه یثروطیه، دختر بنیان‌گذار طریقت یثروطیه (شاخه‌ای از سلسله صوفیه شاذلیه) دیدار کرده‌است.

در سال ۱۹۶۶، از نصر دعوت شد تا در دانشگاه شیکاگو در مجموعه سخنرانی‌های راکفلر در باب برخی از جنبه‌های ارتباط دین و فلسفه با محیط زیست سخنرانی کند. وی، به همین منظور، کتاب «انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان جدید» را نگاشت. وی در این کتاب به وجود آمدن بحران محیط زیست را پیش‌بینی کرده‌است و علت اصلی این بحران را قدسیت‌زدائی از طبیعت و دید بشر مدرن نسبت به طبیعت شمرده‌است.

در اواخر سال ۱۹۷۸ میلادی، فرح پهلوی از نصر خواست ریاست دفتر وی را بر عهده بگیرد، و نصر پذیرفت. وی بعدها در توضیح این اقدام گفته‌است:

«احساس می‌کردم که تنها کسی بودم که می‌توانستم همچون میانجی به ایجاد موقعیتی کمک کنم که در آن مثلاً آیت‌الله خمینی با شاه مصالحه کنند و نوعی حکومت سلطنتی اسلامی بر پا شود، همان‌طور که در عصر صفوی داشته‌ایم، که در آن علما نیز درباره بعضی از امور مملکتی اظهار نظر کنند اما ساختار سلطنتی کشور دچار تحول نشود. بسیاری از علما در آن دوره همین نظر را داشتند، چرا که مثل من می‌ترسیدند سقوط رژیم به قدرت گرفتن کمونیست‌ها یا مجاهدین خلق بینجامد.»

### پس از انقلاب

نصر متهم است پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران ارتباط خود را با خاندان پهلوی حفظ کرده است؛ به عنوان نمونه، پس از سقوط سلطنت، به دستور محمدرضا پهلوی، مأمور ترجمه انگلیسی کتاب «پاسخ به تاریخ» بوده است. همچنین گفته شده است آخرین شاه پهلوی، او را برای عضویت در «شورای مبارزه با جمهوری اسلامی» برگزید. روزنامه کیهان همچنین نصر را متهم ساخته است که از ابتدای دهه شصت تاکنون از اعضاء بلندپایه «بنیاد اشرف پهلوی» در واشنگتن دی.سی و از تئوریسین‌های «کلوب روتاری رنچو پارک» در لس‌آنجلس بوده‌است.

دکتر نصر نهایتاً در گیرودار انقلاب ۱۳۵۷ ایران به مشکلاتی جدی برخورد کرد و حتی بیم این می‌رفت که محکوم به اعدام شود. پس از انقلاب، خانه و اموال سید حسین نصر (به گفته خود وی) مصادره و غارت شد. وی از این که هیچ‌یک از علمای دوران اوایل پس از انقلاب در دفاع از وی برخاستند بسیار گله‌مند بود. این‌ها و عوامل دیگر باعث مهاجرت وی و خانواده‌اش برای همیشه به غرب شد.

در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ وی مجموعه سخنرانی‌هایی را با عنوان «معرفت و امر قدسی» در کرسی گفتارهای گیفورد (به انگلیسی: Rowan Douglas Williams of Oystermouth, Gifford Lectures) ارائه کرد و به این ترتیب، نخستین مسلمانی بود که در این رخداد مشارکت کرد.

پس از چندین سال تدریس در دانشگاه‌های مختلف در آمریکا، سرانجام به وی پیشنهاد کرسی دائمی استادی در دانشگاه جورج واشینگتن داده شد و او هم پذیرفت و تا به امروز به فعالیت در آن دانشگاه ادامه می‌دهد.

### آرای فلسفی

به نوشته ویراستاران کتاب سید حسین نصر از مجموعه کتابخانه فیلسوفان زنده، وی در رأس گروهی از سنت‌گرایان فلسفی است که با جسارت مفروضات و ارزش‌های جهان مدرن و فلسفه جدید را به چالش می‌کشند. البته، این انتقادات واکنشی بیرونی به دربرابر مدرنیته نیست بلکه ناشی از درآمیختن آگاهانه با آن است. از منظر نصر زیستن بیرون از تمامی سنت‌های اصیل منتج به بی‌ریشگی و تلاشی طبیعت و انسان می‌شود. نصر بر این باور است که در سنت‌گرایی علم همان علم مقدس است. علم مقدس معرفتی است که در قلب هر وحی‌ای وجود دارد و مرکز دایره‌ای است که سنت را در بر می‌گیرد و آن را تعریف می‌کند. منبع علم مقدس وحی و شهود عقلانی‌اند. این دو منبع در بردارنده اشراق ذهن و جان آدمی‌اند. این معرفت همان علم حضوری و بیواسطه است که سنت اسلامی بدان اشارت کرده‌است.

هیوستون اسمیت (به انگلیسی: Huston Cummings Smith) به سوء فهم برخی منتقدان نسبت به مفهوم فلسفه جاویدان نزد نصر اشاره می‌کند. به نظر اسمیت تصور نصر از فلسفه جاویدان هیچ ربطی به این پرسش ندارد که سنت عارفانه و حکمی واحدی در تمام مکاتب فلسفی و عرفانی وجود دارد یا نه. اسمیت بیان می‌کند که این گونه نیست که نصر به صورت استقرایی مفهوم واحد فلسفه جاویدان را از خلال گفتارهای مورخان فلسفه بیرون کشیده باشد. تصور نصر به صورت متافیزیکی برآمده از یک شهود عقلانی یا به بیان ساده از تمییزات عقل است. عقل نزد نصر چیزی است که وجه رهایی و رستگاری آن همه جا حضور دارد و این گونه است که حضور همه جایی حکمت خالده و فلسفه جاویدان در فلسفه نصر محقق می‌شود. البته نصر مطالعات دین‌شناسی تطبیقی مبتنی بر آرای سنت گرایان و نیز برخی از فلاسفه نظیر علامه طباطبایی و توشیهیکو ایزوتسو، هانری کربن داشته‌است که مؤید دیدگاهش است.

از نگاه نصر، سنت همانند هدیه‌ای الهی است که در هر دوره‌ای به شکلی تجلی می‌یابد. وی اصطلاحات دیگری همچون «نرمه» در آیین‌های هندو و بودایی، «الدین» در اسلام، «دائو» در آیین دائو را مشابه و نه معادل واژه سنت می‌داند. او معتقد است هیچ زبانی نمی‌تواند معنای سنت را بیان کند. نصر عوالم و تمدن‌های برآمده از آن در ادیان گوناگون را یک عالم سنتی می‌داند، ولی در عین حال آن‌ها را مطابق با سنت نمی‌داند و قایل به یگانگی آن‌ها با سنت نیست؛ لذا در تفکر وی سنت به معنای حقایقی است که دارای ریشه‌ای الهی است که از طریق رسولان الهی آشکار شده‌است. سنت نزد نصر عین دین نیست، گرچه که شامل دین نیز می‌شود. توصیف نصر از دین و ارتباط آن با سنت از منظر حکمت خالده، بحث از کثرت ادیان و وحدت متعالی ادیان را جلوه گر می‌سازد.

سنت از نگاه نصر نه تنها به معرفت یا آیین آسمانی خاصی منحصر نمی‌شود، بلکه ادیان گوناگون تجلیاتی از سنت حقیقی هستند. از نگاه وی، سنت حقیقت جاودان بی‌نهایتی است که دارای صورت‌های متجلی شده گوناگون است. سنت نزد نصر محور و بنیاد علم قدسی است. وی دریافت علم واقعی را صرفاً در پرتو توجه به سنت مکان پذیر می‌داند. از دیگر مفاهیم مرتبط با سنت که در فهم معنای آن بسیار مهم است، مفهوم «ذات قدسی» است. ذات قدسی منبع سنت است و چیزی که سنتی باشد از ذات قدسی نمی‌تواند جدا باشد. از نظر وی کسی که درکی از ذات قدسی ندارد، نمی‌تواند منظر سنتی را درک کند و انسان سنتی همیشه خودش را همراه با درکی از ذات قدسی می‌بیند. از نظر وی، هدف فلسفه به عنوان فعالیت مقدسی که به خرد جاودان مربوط است، نمایان ساختن حقیقتی به نام واحد مطلق است. فلسفه در نگاه وی چیزی جز شهود و بصیرت عقلی برای درک سنت و مبدأ آن یعنی امر قدسی نیست. وی بر همین اساس تکنولوژی، صنعت و مکاتب انسان‌گرا را به نقد می‌کشد، زیرا که آن‌ها به عنوان مانعی در برابر معرفت سنتی و قدسی هستند.

نصر معتقد است برای زنده کردن و احیای سنت، راهی جز حکمت جاودان نیست. احیای حکمت در نگاه وی همانا اصول و حقایقی است که دارای مشایب الهی و ربوبی است. نصر ابتدا سنت را در یک معنای محدودی تعریف می‌کند. نزد وی کشف دوباره کانون و ذات سنت از طریق تعبیری دوباره از حقیقت و فرمول بندی نگاه سنتی ممکن است که پاسخی به امر مقدس است. این پاسخی به مرثیه انسان مدرن گم‌شده در عالمی است، که از امر مقدس و معنا تهی و دور گشته‌است. به بیان دیگر انسان به اصطلاح معصوم، همچون انسان سنتی نگریسته می‌شود که در عالمی زندگی می‌کند که هم منشأ و هم مرکز دارد. در مقابل انسان پرومتهای مخلوقی در این عالم است که در مقابل آسمان شورش بر پا کرده‌است. چنین انسانی زندگی را همچون بازاری بزرگ می‌پندارد که برای جای گرفتن در آن و در اختیار گرفتن زمام امور کاملاً آزاد و رهاست. انسان پرومتهای در حالیکه معنای قدسی را گم کرده‌است، برده طبیعت نازل خودش شده‌است. انسان پرومتهای انسانی ضد سنت است.

### حکمت جاویدان

استفاده از واژه فلسفه برای فلسفه جاویدان، عنوان مسامحه‌ای است و بهتر است به جای آن از تعبیر قرآنی حکمت خالده بهره برد. در حکمت خالده تفکر به صرف استدلال برهانی و نظری محدود

نمی‌شود بلکه در این نوع تفکر سنتی، نیروی دیگری به نام عقل شهودی وجود دارد که یکی از مراتب و منزلت‌های آن، تفکر استدلالی است و به بیان ساده، شان عقل شهودی صرف استدلال و استنتاج با واسطه به گزاره‌های مجهول نیست بلکه دریافت مستقیم حقیقت و حقایق هستی در آن مد نظر است. سنت خالده مبتنی بر عقل شهودی است و آن شهودی است که با عقل و استدلال توافق و همسویی دارد. عقل شهودی به مرتبه روح تعلق دارد و به ساحت ذهن یا نفس محدود نمی‌شود؛ و لذا متافیزیک برآمده از سنت خالده محدود به مقوله‌های ذهنی نیست بلکه امری کاملاً فرا انسانی است. از این جهت سنت خالده سنتی وحدت‌گرا و یگانه‌محور است.

قدمت این اصطلاح از نگاه سنت گرایان به تاریخ پیدایش هستی بازمی‌گردد چرا که عقل شهودی امری همزاد انسان است. این تفکر همچنین بی‌زمان و بی‌مکان است. برخی حکمت خالده را محصول انتقاد از مدرنیته دانسته‌است ولی برخی دیگر با این قول مخالف اند چرا که سنت گرایی و حکمت خالده را فراتر از زمان و مکان می‌دانند. فهم انسانی در منظومه فکری نصر از دو نوع معرفت استدلالی و علم حضوری تشکیل شده‌است. از نگاه وی، بیشتر ما فکر می‌کنیم که معرفت امری استدلالی و برهانی است. در حالیکه معرفت استدلالی و برهانی، معرفتی سرگردان و غیر مستقیم است از آن حیث که به غیر خودش دلالت می‌کند. در مقابل معرفت شهودی یا حضوری این گونه نیست. معرفت شهودی و حضوری در بنیاد و زیربنای معرفت استدلالی و برهانی است که نمی‌تواند همانند معرفت نظری و استدلالی توصیف شود.

### نقد مستشرقین

در نظرگاه نصر دیدگاه مستشرقین درباره تاریخ علوم عقلی در اسلام از این مشکل رنج می‌برد که آن‌ها سعی کرده‌اند تنها آن دوره علوم عقلی را که در غرب نفوذ داشته و تأثیر داشته را جایگزین تمام علوم عقلی در اسلام کنند. اکثر مستشرقین، مقولات و مفاهیم نامناسبی را برای پژوهش در مورد علوم عقلی اسلامی در پیش گرفته‌اند. مثلاً واژگان صواب و خطا و ایمان و کفر را مستشرقین به گونه‌ای بکار برده‌اند که تمام ساختار دینی و عقلی در تمدن اسلامی را منحرف می‌سازد. این مشکل از آن جا ناشی می‌شود که اکثر شرق شناسان متعلق به مسیحیت بوده‌اند و از همان تقسیم‌بندی‌ها و مقولاتی که در مسیحیت بوده و در معارف و کلام مسیحی رواج داشته، در مواجهه با شناخت اسلام استفاده کرده‌اند. نشان دادن کلام اشعری به عنوان تنها عقیده صحیح و رایج میان مسلمانان و ترسیم عرفان و تصوف به عنوان کفر و بدعت و امری اقتباسی از دیگر ادیان از جمله نتایج اشتباه این نظرگاه مستشرقین است

### جایگاه و فعالیت‌های علمی

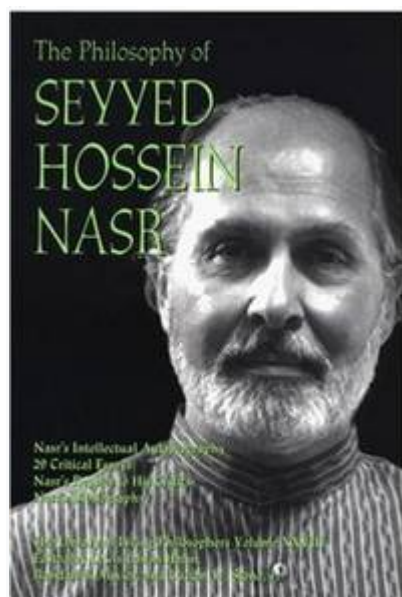
- او با مرتضی مطهری همکاری و مباحثه علمی داشته‌است.
- از همکاران اصلی هانری کرین در تهیه کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» بوده‌است.
- از شاگردان وی می‌توان حداد عادل و ویلیام چیتیک را نام برد.
- وی مدتی را نزد علامه طباطبایی به تحصیل فلسفه اسلامی گذراند و بسیار تحت تأثیر وی قرار گرفته و کتاب «شیعه در اسلام» ایشان را به انگلیسی بازگرداند.
- او در تصوف مهمترین پیرو طریقت مَرِیمِیه (منشعب از شاذلیه) به حساب می‌آید.
- وی به علت عمق مطالعات علم‌شناسی، فلسفی، اسلامی و دین‌شناسی تطبیقی، پیوند با جریان فکری «حکمت خالده» و شخصیت برجسته آن فریتهوف شوان، تألیف کتب فراوان در باره اسلام در دنیای کنونی به زبان انگلیسی تبدیل به جهانی‌ترین اندیشمند مسلمان دنیای معاصر شده‌است آثار این اندیشمند به زبان‌های مختلفی از جمله انگلیسی، عربی، فرانسه، ترکی، اندونزیایی، مالزیایی، هلندی، ایتالیایی، ژاپنی، آلبانیایی، صربی-کرواتی، اردو، بنگالی، پرتغالی و اسپانیایی ترجمه شده‌است.

## مقام‌ها و سمت‌ها

- بنیان‌گذار و مدیر انجمن شاهنشاهی حکمت و فلسفه ایران در تهران
- عضو آکادمی علوم یونان
- ریاست دفتر مخصوص شهبانو فرح پهلوی
- نائب التولیه سابق دانشگاه صنعتی آریامهر
- رئیس سابق دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- سفیر محمدرضا شاه پهلوی
- استاد دانشگاه جرج واشینگتن
- استاد کرسی اسلام‌شناسی دانشگاه جرج واشینگتن و دانشگاه تمپل
- وی کمک به بنیان‌گذاری دانشگاه صنعتی اصفهان را «از دست‌آوردهای بزرگ زندگی خود» می‌داند.

## آثار

1. جوان مسلمان و دنیای متجدد
2. معرفت و امر قدسی
3. اسلام و تنگناهای انسان متجدد
4. تاریخ فلسفه اسلامی (با همکاری اولیور لیمن) انتشارات حکمت، ۱۳۸۳
5. سه حکیم مسلمان (ابن سینا، ابن عربی و سهروردی)، انتشارات علمی و فرهنگی
6. آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز
7. قلب اسلام (پس از حملات ۱۱ سپتامبر نوشته شد)، ترجمه انشالله رحمتی، مؤسسه گفتگوی تمدن‌ها
8. کتاب‌شناسی بیرونی
9. آرمان‌ها و واقعیات اسلامی
10. هنر اسلامی و معنویت
11. جلال‌الدین رومی، شاعر و حکیم والامقام ایرانی
12. مقدمه‌ای بر اصول جهان‌شناسی اسلامی
13. نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۸
14. نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میان‌داری، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹
15. محمد، مرد خدا
16. مکه مکرمه و مدینه منوره
17. دین و نظام طبیعت، ترجمه مصطفی شهرآیینی، نشر نی، ۱۳۸۵
18. هنر مقدس در فرهنگ ایرانی
19. سنت عقلانی اسلامی در ایران
20. معرفت و معنویت
21. در غربت غربی، زندگی‌نامه خودنوشت دکتر سید حسین نصر، سیدحسین نصر، امیر نصری، امیر مازیار، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۸۳
22. پژواک در فضای تهی (اهمیت خلاء در هنر اسلامی) مترجم: نادر شایگان‌فر
23. دین و نظم طبیعت، ترجمه محمد حسن فغفوری، انتشارات حکمت، ۱۳۸۴
24. هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، انتشارات حکمت، ۱۳۸۹ [۳۶]



جلد کتاب فلسفه سید حسین نصر

### بازنشر آثار

آثار فلسفی سید حسین نصر توسط برخی از سازمان‌ها و مراکز در ایران بازنشر شده‌است:

- بازنشر اثر سید حسین نصر در سایت کنسرسیوم محتوای ملی
- بازنشر اثر سید حسین نصر در سایت مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان
- بازنشر اثر سید حسین نصر در سایت مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

### آثار منتشرشده درباره سید حسین نصر

1. فلسفه سید حسین نصر، از مجموعه کتابخانه فیلسوفان زنده جهان.
2. نصر، سنت، تجدد: بررسی زندگی و افکار سیدحسین نصر، به کوشش عبدالله محمدی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۱.
3. رجال الغیب، تأملی در آرای سیدحسین نصر، نوشته ویلیام جیتیک، همراه با پاسخ نصر، ترجمه سیدامیرحسین اصغری، تهران، انتشارات مسافر، ۱۳۹۱.
4. آسیب‌شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های سیدحسین نصر، نوشته علی‌رضا عالمی، قم، انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۹.
5. سنجش سنت: ارزیابی مکتب سنت‌گرایی بر پایه اندیشه سیدحسین نصر، نوشته منصور مهدوی، قم، انتشارات اشراق حکمت، ۱۳۹۱.
6. سید حسین نصر، دلباخته معنویت، نوشته منوچهر دین‌پرست، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۳.
7. سنت، غرب، غربت: نقد و نقبی بر کتاب «در جستجوی امر قدسی»، نوشته حسین حسینی، کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی (کرمان)، مرکز انتشارات علمی، ۱۳۹۰.
8. پلورالیسم دینی: راه‌های آسمان (کثرت ادیان از نگاه جان هیک و سیدحسین نصر)، نوشته عدنان اصلان، ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۵.
9. در جستجوی اسلام پیرو (درباره کتاب «در جستجوی امر قدسی»)، نوشته مسعود رضایی، تهران، انتشارات خانه کتاب: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ۱۳۹۱.
10. دولتمرد چهارم: زیست‌نامه و اندیشه سیاسی سیدحسین نصر، منصور مهدوی، قم، انتشارات اشراق حکمت، ۱۳۹۲.

11. در جستجوی امر قدسی: گفتگوی رامین جهاننگلو با سیدحسین نصر، مترجم مصطفی شهرآیینی، نشر نی، چاپ اول ۱۳۸۵
12. مریمیه؛ از فریتویف شوان تا سید حسین نصر، نوشته عبدالله شهبازی، همراه با بازخوردهای نشر الکترونیکی، انتشارات تیسرا، ۱۳۹۳

### دستاوردها و افتخارات

- دارای دکترای افتخاری از دانشگاه اویسالای سوئد در سال ۱۹۷۷
- نخستین مسلمان و نخستین غیر غربی که در «سخنرانی‌های گیفورد» در سال ۱۹۸۰-۱۹۸۱ به طرح درس پرداخت.
- در سال ۱۹۹۹ برنده جایزه دین و علم تمپلتون شد.
- در سال ۲۰۰۰ مجلدی از «کتابخانه فیلسوفان زنده» به وی اختصاص یافت.
- برنده جایزه تحقیقات اسلامی برای کتاب «قلب اسلام» از آیسیکو
- برنده جایزه نشان حکمت در جشنواره بین‌المللی حکمت سینوی از بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا.

### آرزوی خاکسپاری در ایران

محسن الویری در سفرنامه‌ای منتشر خود از مسافرت به آمریکا چنین نقل می‌کنند: «در جلسه‌ای خصوصی که خدمت جناب آقای دکتر نصر رسیدم، ایشان گفتند که هیچ آرزویی جز مرگ و دفن در ایران ندارم. من به آقای دکتر نصر گفتم: آیا صحیح است که شما گفته‌اید فقط در صورت دعوت شخص آقای خامنه‌ای به ایران می‌آیید؟ که آقای دکتر نصر در پاسخ گفتند: منظور از دعوت، تضمین ایشان مبنی بر ایجاد امنیت است. دکتر نصر در ادامه گفتند: من شرایط را برای ایجاد کرسی شیعه‌شناسی در دانشگاه جرج واشینگتن فراهم کرده‌ام و این نیاز به حمایت ایران دارد و اگر این اتفاق تا قبل از بازنشستگی من، انجام نشود فرصت را از دست داده‌ایم.»

### حمید برنجی



حمید برنجی در پنج خرداد ۱۳۳۷ در کرمانشاه به دنیا آمد و در سن ۱۶ سالگی وارد دانشگاه شد. خودش در مورد زود رفتنش به دانشگاه می‌گوید: «وقتی هنوز به مدرسه نمی‌رفتم، برادرم به من درس می‌داد و قبل از هفت سالگی تا کلاس ششم را خواندم. زمانی که در کرمانشاه برای ثبت نام به مدرسه رفتم، اجازه ندادند که از کلاس هفتم شروع کنم و گفتند که باید از همان کلاس اول شروع کنی. بالاچاره

سر کلاس نشستم ولی مادرم می‌دانست که من از این وضعیت ناراحت هستم. برای همین هم من را به شهر بروجرد برد تا در آنجا امتحان متفرقه بدهم و این شد که من کلاس هفتم قبول شدم و در سن 10 سالگی به دبیرستان (در گذشته دبیرستان شش کلاس بود) رفتم و در نتیجه 16 سالگی وارد دانشگاه شدم».

این دانشمند کارشناسی‌اش را از دانشگاه علوم و فناوری تهران و در رشته مهندسی سیستم گرفت و بعد از این دوره بود که به آمریکا سفر کرد و برای ادامه تحصیل در همین رشته به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی رفت و کارشناسی ارشد و سپس دکتری‌اش را گرفت. در ماه ژوئن 1979 به لس‌آنجلس سفر کرد تا تحصیلات تکمیلی‌اش را در آنجا ادامه دهد.

حمید برنجی از سال 1986 به استخدام ناسا، سازمان فضایی آمریکا، درآمد و تا سال 2012 به مدت 26 سال در این سازمان مشغول به کار بود. در ابتدا با سمت دستیار تحقیقاتی در ناسا شروع به کار کرد ولی بعد از مدتی به سمت دستیار تحقیقاتی ارشد درآمد. او هم‌اکنون استادیار دانشگاه‌های کالیفرنیا در برکلی و سانتا کلارا است.

**\* چه شد که به فکر مهاجرت به آمریکا افتادید؟**

برادرم قبل از من به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی رفته بود و داشت دکتری‌اش را می‌گرفت. من هم بعد از اینکه لیسانسم را گرفتم پیش برادرم رفتم تا فوق لیسانسم را آنجا بخوانم.

**\* زمانی که به آمریکا سفر کردید، این مهاجرت چطور شرایط را برایتان تغییر داد؟**

زمانی که در ناسا استخدام شدم، زندگی‌ام تغییر کرد.

**\* تاکنون چند دستاورد یا کار پژوهشی داشته‌اید؟ لطفاً کمی در مورد آنها توضیح بدهید.**

در سال 1993 شرکتی را با نام «سیستم‌های استنتاجی هوشمند» یا IIS را تأسیس کردم که با کمک این شرکت توانستم در رقابت فاز اول و دوم تحقیقات نوآوری کسب‌وکارهای کوچک ناسا و بنیاد ملی علوم آمریکا برنده شوم.

در سال 1997 نیز تکنیک جدیدی را تحت عنوان «یادگیری تقویتی فازی» یا FRL را اختراع کردم. یادگیری تقویتی یکی از گرایش‌های یادگیری ماشینی است که از روانشناسی رفتارگرایی الهام می‌گیرد. این روش بر رفتارهایی تمرکز دارد که ماشین باید برای بیشینه کردن پاداشش انجام دهد. این مساله، با توجه به گستردگی‌اش، در زمینه‌های گوناگونی بررسی می‌شود. مانند نظریه بازی‌ها، نظریه کنترل، تحقیق در عملیات، نظریه اطلاعات، سامانه چندعامله، هوش ازدحامی، آمار، الگوریتم ژنتیک، بهینه‌سازی بر مبنای شبیه‌سازی. علاوه بر این، به همراه تیم یک نمونه ابتدایی از سیستم تعادل را در مرکز تحقیقات ایمز ناسا درست کردم. در این روش فضایی‌های شاتل برای قرار گرفتن در مدار زمین کنترل می‌شود.

**\* چه شد که به فکر ورود به ناسا افتادید؟ چطور در ناسا استخدام شدید؟**

استاد مشاور تز من، دکتر اوالد هیر، به من پیشنهاد داد که رزومه‌ام را برای مرکز تحقیقات ایمز ناسا بفرستم. من بهانه آوردم که گرین کارت ندارم و ناسا من را نخواهد پذیرفت. ولی زمانی که برای مصاحبه به ناسا رفتم، آنها من را پذیرفتند.

**\* در ناسا چه کارهایی انجام دادید؟**

اولین پروژه‌ای که در مرکز ایمز ناسا انجام دادم، «سامانه استدلال تحت عدم قطعیت» (RUM) بود. از آنجا که RUM مربوط به مدل‌سازی عدم قطعیت بود، با پروفیسور لطفی زاده مشورت کردم. بعد از مشورت با پروفیسور لطفی زاده، تحقیق در زمینه یادگیری تقویتی فازی را در ناسا انتخاب کردم.

**\* هم‌اکنون به چه کاری مشغول هستید و چه سمتی دارید؟**

هم‌اکنون در حال نوشتن کتابی در زمینه FRL IEEE هستم که به‌زودی منتشر خواهد شد.

IEEE موسسه مهندسان برق و الکترونیک است که یک سازمان بین‌المللی حرفه‌ای و ناسودبر است. خواست این موسسه کمک به پیشبرد فناوری به طور گسترده و حوزه‌های وابسته به مهندسی برق و کامپیوتر و همچنین زمینه‌های وابسته به طور خاص است. این موسسه بیش از ۴۰۰ هزار نفر عضو در ۱۶۰ کشور جهان دارد که ۴۵ درصد این اعضا خارج از ایالات متحده هستند. به غیر از این در زمینه یادگیری تقویتی فازی هم فعالیت می‌کنم.

## افتخارات

**\* هم‌اکنون ناسا روی چه پروژه‌های متمرکز است و هدف از آن چیست؟**  
از آنجا که دیگر در ناسا کار نمی‌کنم، اطلاعاتی که در مورد این سازمان دارم، در حد اخباری است که می‌خوانم. ولی تا جایی که می‌دانم ناسا دارد روی یک تلسکوپ جدید کار می‌کند. این تلسکوپ قرار است دانش ما را به جهان هستی بیشتر کند و به ما بگوید که عمر کهکشان چقدر است. این مساله بسیار مهم است.

**\* به نظر شما سفر به مریخ تا چند سال دیگر میسر خواهد شد؟**  
معتقدم که نخستین سفر به مریخ، انسان‌محور نخواهد بود. به این معنا که در ابتدا ربات‌ها باید پا به مریخ بگذارند و بعد از اینکه شرایط مهیا خواهد شد، نوبت به انسان خواهد رسید، ولی به طور کلی این پروسه سال‌ها طول خواهد کشید. همانند بسیاری از دانشمندان دیگر، من هم فکر می‌کنم که این سفر مبتنی بر انسان نخواهد بود و مانند دکتر فیروز نادری، رئیس‌م در ناسا، معتقدم که در ابتدا کاوشگرهای رباتیک اکتشاف در مریخ را به عهده خواهند گرفت.  
یکی از پروژه‌هایی که در ناسا به عنوان یکی از پروژه‌های دکتر نادری انجام دادم، فرود کاوشگری بود که خودم ساختم. این کاوشگر به دنبال حیات در مریخ بود. در مرکز تحقیقات ایمز روی کپی دیگری از این کاوشگر نیز کار کردم که روی مریخ پرواز می‌کرد. در این تحقیقات به این نتیجه رسیدیم که اگر قرار باشد انسان به مریخ سفر کند، این رویداد بسیار هزینه‌بر و زمان‌بر خواهد بود.  
**\* شما که در ناسا کار می‌کنید، حتما نسبت به کهکشان و گیتی درک بهتری دارید. لطفا در مورد حستان از فضا و عالم هستی بگویید.**

نمی‌توانم بگویم به صرف این که در ناسا بوده‌ام، درک بیشتری از کهکشان دارم. ولی در کل علاقه شدیدی به فضا دارم و به نظر من فضا محیطی است که هر چه بیشتر در موردش بدانیم، باز هم کم است. گشتن و پیدا کردن اجرام آسمانی جدید در کهکشان برای من بسیار جالب است. در حال حاضر شخصا معتقدم که تبلور ایده‌های ما در فضا در ناسا خلاصه می‌شود. من همیشه از اکتشافات ناسا شگفت‌زده می‌شوم. برای انسان‌ها خیلی مهم است که در مورد کهکشان و عالم هستی بیشتر بدانند.  
**\* هم‌اکنون چند ایرانی در ناسا کار می‌کنند؟ به نظر شما ایرانی‌ها چه ویژگی یا توانایی‌هایی دارند که تعداد زیادی از آنها در ناسا مشغول به کار هستند؟**

متأسفانه در این زمینه اطلاعاتی ندارم و بهتر است که از منابع دیگری این اطلاعات را بگیرید. از آنجا که ایرانی‌ها بسیار باهوش هستند، ناسا ایرانی‌های بسیاری را استخدام می‌کند.  
**\* آیا شما به موجودات فضایی یا فرازمینی اعتقادی دارید؟**  
ناسا چندین سیاره را کشف کرده است که اتمسفر مشابهی با کره زمین دارند. در همین راستا معتقدم که فرهنگ‌های مشابهی در این سیارات شکل گرفته است. تکامل این موجودات ما را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

**\* چه فیلم یا کتاب‌هایی در زمینه علمی-تخیلی خوانده‌اید و کدام یک از آنها را بیشتر از همه دوست داشتید؟**

چند سال پیش دکتر بارت کاسکو، یکی از دوستانم که هم‌اکنون پروفسور دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و پیشگام در زمینه منطق فازی است، یک کتاب علمی-تخیلی نوشته است که مربوط به «دستگاه‌های فازی» می‌شود. این کتاب آخرین کتاب علمی-تخیلی است که خوانده‌ام و واقعا دوستش داشتم.  
**\* از نظر شما، محققان ایرانی تا چه اندازه در زمینه ستاره‌شناسی یا پژوهش‌های نجومی پیشرفت داشته‌اند؟**

حس من این است که ایرانی‌ها همانند حوزه‌های دیگر در زمینه ستاره‌شناسی نیز بسیار موفق هستند.  
**\* وضعیت دانشجویانی که از ایران به کشورهای دیگر برای تحصیل یا کار مهاجرت می‌کنند، چگونه است؟ در مقایسه با افراد بومی آنجا در چه سطحی هستند؟**

معمولا دانشجویانی که به آمریکا سفر می‌کنند، برای تحصیل در دوره فوق لیسانس می‌آیند و معمولا هم از دانشگاه‌های خوب در تهران فارغ‌التحصیل شده‌اند. این دانشجویان بسیار باهوش و موفق هستند و

شرکت‌های آمریکایی به دلیل بک‌گراند خوبی که از ایرانیان جوان دارند، به راحتی این جوانان را استخدام می‌کنند.

خیلی از این افراد که شامل خود من هم می‌شود، بعد از پایان تحصیلات در دانشگاه می‌مانند و به عنوان استاد دانشگاه به کار خود ادامه می‌دهند و به جرات می‌توان گفت که تعداد زیادی از کادر آکادمیک آمریکا را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند.

**\* به نظر شما نظام آموزش عالی ایران در مقایسه با آمریکا چه مزایا یا معایب و نقص‌هایی دارد؟ وضعیت دانشجویانی که از ایران به کشورهای دیگر برای تحصیل یا کار مهاجرت می‌کنند، چه وضعیتی دارند؟ در مقایسه با افراد بومی آنجا در چه سطحی هستند؟**

دانشجویان ایرانی‌ای که برای ادامه تحصیل به آمریکا می‌آیند، خیلی زود متوجه می‌شوند که تحصیلات آنها موضوعات بسیاری را پوشش خواهد داد. به طور کلی باید بگویم که ایرانی‌ها از نظر سواد و آموزش در سطح بالاتری هستند.

**\* محبوب‌ترین ابزاری که از آن استفاده می‌کنید چیست و برای چه کاری؟**

هر ابزاری که بتوانم روی آن نرم‌افزارهای مربوط به ایمیل به خصوص جی‌میل استفاده کنم، مورد علاقه من است. در واقع من از ابزار الکترونیک بیشتر برای چک کردن ایمیل و همین‌طور از نرم‌افزار ورد برای نوشتن استفاده می‌کنم.

**\* زمان‌هایی که اوقات فراغت دارید، چه می‌کنید؟**

در زمان‌های فراغت در اینترنت گشت می‌زنم و اگر بتوانم شطرنج بازی می‌کنم.

**\* میزان سواد و علمی جوانان ایرانی را در چه سطح می‌بینید؟ چه توصیه‌ای به جوانان ایرانی دارید؟** جوانان ایرانی از نظر سواد بالا هستند. توصیه‌ای که به آنها دارم این است که رویاهایشان را دنبال کنند.

**\* فضای پژوهشی و تحقیقاتی دانشگاهی آمریکا چگونه است؟ سیستم پژوهشی آنجا چگونه**

**دانشجویان و دانشمندان را به تحقیق و پژوهش تشویق می‌کند؟ تفاوت میان فضای آموزشی و تحقیقاتی در ایران و آمریکا چیست؟**

من اوایل دوران تحصیلات تکمیلی‌ام دستیار آموزش یا کمک استاد مرکز تحصیلات تکمیلی «کک» شدم. از همین رو فکر می‌کنم که دستیار آموزش یا دستیار تحقیقاتی مکانیسم خوبی برای دانشگاه‌هاست تا از دانشجویان حمایت کنند.

به طور مثال، خود من زمانی که می‌خواستم کارهای فارغ‌التحصیلی‌ام را انجام دهم، اولین دستیار تحقیقاتی‌ام را در دانشگاه گرفتم چون نیاز به مهارت برنامه‌ریزی کامپیوتر داشتم. در دوران تحصیل در ایران فقط زبان برنامه‌نویسی «فورترن» را یاد گرفته بودم ولی در آنجا نیاز به زبان‌های برنامه‌نویسی دیگری داشتم.

**\* با توجه به اینکه چند سالی است به ایران برگشته‌اید، دوست دارید در ایران چه امکاناتی وجود داشته باشد تا به کارهای تحقیقی‌تان ادامه دهید؟**

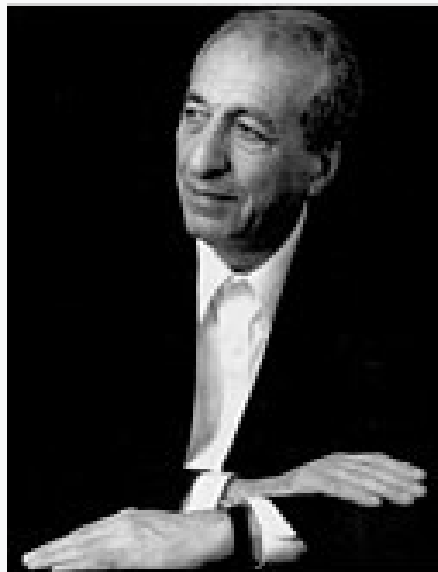
اینترنت سریع‌تر!

**\* آرزوی بزرگتان برای خودتان و دنیا چیست؟**

برای دنیا آرزوی صلح دارم تا مردم به راحتی به منافع انسانی خود پی ببرند. آرزوی من دنیایی است که در صلح باشد و در آن از جنگ خبری نباشد و مردم به جای ساخت اسلحه، شروع به کارهای فرهنگی کنند.

برای خودم هم آرزو می‌کنم که انسان وارسته و خوبی باشم و تا موقعی که از این دنیا بروم کاری کنم که ماندگار باشم. آرزو می‌کنم که زودتر کتاب‌هایی که در دست نوشتن دارم، چاپ کنم و در رشته خودم ماندگار باشم.

## حمید مولانا



زاده ۶ اسفند ۱۳۱۵

پیشه استاد روزنامه‌نگاری و علوم سیاسی

**سید حمید مولانا** (زاده ۶ اسفند ۱۳۱۵ در تبریز) استاد روزنامه‌نگاری و علوم سیاسی و از مشاوران محمود احمدی‌نژاد، ریاست جمهوری سابق ایران بود. مولانا مؤسس و استاد دانشکده ارتباطات دانشگاه امریکن دی سی واشینگتن می‌باشد.

## زندگی

در باره زندگی حمید مولانا دو کتاب با عنوان‌های «پروفسور مولانا طنین تعهد» (۱۳۸۰) و «سفیر صداقت، زندگی، افکار و اندیشه‌های پروفسور سید حمید مولانا» (۱۳۸۱) در تهران به چاپ رسیده‌است. عمده مطالبی که در مورد زندگی‌نامه وی آمده‌است بر اساس گفته‌های مولانا در این دو کتاب می‌باشد.

## کودکی مولانا

حمید مولانا در ۶ اسفند ۱۳۱۵ در تبریز متولد شد. او در شهریور ۱۳۲۰ و در حدود پنج سالگی خود شاهد اشغال ایران توسط نیروهای خارجی شد و اولین دیدگاه‌های خود را در امور ملی و بین‌المللی شکل داد: «غم انگیزترین روزهای من در تبریز حمله متفقین در جنگ جهانی دوم به ایران و اشغال تبریز توسط قوای شوروی بود»؛ بعد از فروکش کردن جنگ جهانی دوم، روسها علاوه بر خودداری از اجرای پروتکل‌های بین‌المللی مبنی بر ترک ایران، حزب دموکرات آذربایجان به رهبری میر جعفر جوادزاده خلخال را با هدف اضافه کردن آذربایجان به حوزه نفوذ خود ایجاد کردند. در این جریان‌ها بود که سید حمید با وجود کوچکی ذهن خود شکاف بین جامعه مدنی آن روز و دولت و بوروکراسی را به‌طور ملموس دیده و به گفته خودش: «به این پدیده ناموزون و نظریه‌پردازی آن علاقه فوق‌العاده پیدا نمودم». دموکرات‌ها مدتی بعد پدر سید حمید را به‌طور موقت بازداشت می‌کنند و پس از مدتی، به دلیل افزایش فشارها علیه خاندان مولانا، این خاندان به تهران هجرت می‌نمایند.

### تحصیلات در تهران

کلاس اول تا سوم ابتدایی را در دبستان سعدی در تبریز، کلاس چهارم را در دبیرستان رضوی تهران و پنجم ابتدایی تا هشتم متوسطه را در دبستان و دبیرستان تعلیمات اسلامی جعفری در تهران خواند. سید حمید با گرفتن مدرک سیکل، رشته طبیعی را انتخاب کرد و وارد دبیرستان مروی تهران شد. در سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۴ که همزمان با نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد بود، عقاید غربی به طرفداری از دو قطب غرب و شرق، کمونیسم و سوسیالیسم و لیبرالیسم و کاپیتالیسم با شدت تمام تبلیغ می‌شد و جوانان هر یک طرفدار ایده‌ای گشته و با آن شناخته می‌شدند؛ اما سید حمید اینگونه عمل می‌کرد: «من به هر دو گروه انتقاد داشتم و انقلاب اصیل را در هیچ‌یک از مکتب‌ها نمی‌دیدم و همیشه در بحث و صحبت خود آرزو داشتم که روزی یک خیزش و جهش اصیل و یک انقلاب ایران (۱۳۵۷) و مستقل از این دو قطب، عالمگیر شده و ایران را نیز دربر گیرد».

### گرایش به معارف اسلامی و حوزه

او در دوران دبیرستان، با مدرسه مروی نیز در ارتباط بوده و پای بعضی از سخنرانی‌های مرتضی مطهری در آنجا نشست. نیز قبل از رفتن از تهران با وجود کم بودن سنش، چندین بار اجازه حضور در دروس بزرگان حوزه علمیه قم از جمله بروجردی را پیدا کرد و آیت‌الله خمینی را هم برای اولین بار، در قم دید.

هم‌اکنون نیز او در مساجد مراکز اسلامی حومه و اشینگتن شرکت و بارها به دعوت مراکز اسلامی و تشکل‌های مسلمانان در مساجد و دانشگاه‌های شهرهایی مثل لندن، منچستر، هامبورگ، بارسلون، الجزیره و قاهره سخنرانی کرده‌اند.

### روزنامه‌نگاری

در مدتی که در تهران بود اغلب اوقات فراغت خود را به مطالعه کتاب و روزنامه‌های قدیمی در کتابخانه مجلس اختصاص می‌داد و حتی در بسیاری از جلسات دوره‌های شانزدهم و هفدهم آن زمان مجلس به عنوان نظار مگر در مذاکرات پر جنجال آنروز حضور داشته و یادداشت برداری می‌کرد و این امور تأثیر بسزایی در آشنایی وی با مسایل جدید داشتند.

آغاز فعالیت‌های مطبوعاتی سید حمید مولانا، نویسندگی روزنامه «دانش آموزان» بود که برای محصلان دبیرستان‌های آن دوران منتشر می‌شد؛ زمانی که در سن ۱۹ سالگی مشغول فراگرفتن دروس اقتصاد در دانشگاه تهران بود، از روزنامه کیهان به او پیشنهاد کار شد و در نشریه جدیدالتأسیس «کیهان فرهنگی» مشغول کار شد؛ یک سال بعد در سال ۱۳۳۵ به کیهان روزانه منتقل شده و عهده‌دار صفحه اقتصادی این روزنامه شد. چاپ مقالات مولانا در مطبوعات آنروز قبل از عزیمتش به آمریکا، باعث شد که چندین بار توسط دادستان نظامی وقت مورد تفتیش و بازرسی قرار گیرد او در سن ۱۹ سالگی، پدر و مادر خود را در یک حادثه رانندگی از دست داد.

## خواجه نصیرالدین توسی



زادروز شنبه ۱۱ جمادی‌الاولی ۵۹۷

۵ اسفند ۵۷۹

توس

درگذشت دوشنبه ۱۸ ذیحجه ۶۷۲

۱۱ تیر ۶۵۳

بغداد

آرامگاه کاظمین

محل زندگی خراسان، قزوین، آذربایجان و بغداد

پیشه فیلسوف و دانشمند

سال‌های سده هفتم قمری  
فعالیت

نقب استاد بشر و عقل حادی عشر

دوره اوایل مغولان و ایلخانان

|         |                                                                                  |
|---------|----------------------------------------------------------------------------------|
| مذهب    | اسلام، شیعه دوازده امامی                                                         |
| مکتب    | فلسفه مشایی                                                                      |
| آثار    | اخلاق ناصری، زیج ایلخانی، اساس الاقتباس و کتب و رساله‌های بسیاری به عربی و فارسی |
| فرزندان | صدرالدین علی، اصیل‌الدین حسن و فخرالدین احمد                                     |

**ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن توسی** مشهور به **خواجه نصیرالدین** (زاده ۵ اسفند ۵۷۹ در توس - درگذشته ۱۱ تیر ۶۵۳ در بغداد) شاعر، فیلسوف، متکلم، فقیه، دانشمند، اندیشمند، ریاضیدان و منجم ایرانی ده هفتم است. کنیه‌اش «ابوجعفر» و به القابی چون «نصرالدین»، «محقق طوسی»، «استاد البشر» و «خواجه» شهرت دارد.

### فعالیت‌های علمی

وی سنت فلسفه مشایی را که پس از ابن سینا در ایران رو به افول گذاشته بود، بار دیگر احیا کرد. وی مجموعه آرا و دیدگاه‌های کلامی شیعه را در کتاب تجريد الاعتقاد گرد آورد.

وی رصدخانه مراغه را ساخت و در کنار آن کتابخانه‌ای بوجود آورد که نزدیک به چهل هزار جلد کتاب در آن بوده‌است. او با پرورش شاگردانی (همچون قطب‌الدین شیرازی) و گردآوری دانشمندان ایرانی عامل انتقال تمدن و دانش‌های ایران پیش از مغول به آیندگان شد.

وی یکی از گسترش دهندگان علم مثلثات است که در قرن ۱۶ میلادی کتاب‌های مثلثات او به زبان فرانسه ترجمه گردید.

### زندگی‌نامه

خواجه نصرالدین طوسی یکی از سرشناس‌ترین و متنقدترین شخصیت‌های تاریخ جریان‌های فکری اسلامی‌ست. علوم دینی و عقلی را زیر نظر پدرش و منطق و حکمت طبیعی را نزد دایی‌اش آموخت. تحصیلاتش را در نیشابور به اتمام رساند و در آنجا به عنوان دانشمندی برجسته آوازه یافت.

وی در زمان حمله مغول به ایران در پیش ناصرالدین، محتشم قهستان، به کارهای علمی خویش مشغول شد. در همین زمان اخلاق ناصری را نوشت. پس از مدتی به نزد اسماعیلیان در بڑ الموت نقل مکان کرد، اما پس از یورش هلاکوی مغول و پایان یافتن فرمانروایی اسماعیلیان (۶۳۵ ه. خ) هلاکو نصیرالدین را مشاور و وزیر خود ساخت، تا جایی که هلاکو را به تازش به بغداد و سرنگونی عباسیان یاری نمود.

خواجه نصیرالدین توسی در ۱۸ ذی الحجه ۶۷۲ هجری قمری وفات یافت، و در کازمین دفن گردید.

زادگاه و تولد

در باره زادگاه خواجه نصیرالدین توسی اختلاف است بعضی کتاب‌ها و منابع پدر وی را «شیخ وجیه الدین محمد بن حسن» از بزرگان و دانشوران قم می‌دانند اما در بعضی منابع وی را زاده روستای جهرود ساوه می‌دانند که به همراه خانواده برای زیارت امام هشتم شیعیان به مشهد عازم می‌شود و پس از زیارت، در هنگام بازگشت به علت بیماری همسرش، در یکی از محله‌های شهر توس مسکن می‌گزیند. و پس از چندی به درخواست اهالی محل علاوه بر اقامه نماز جماعت در مسجد، به تدریس در مدرسه علمیّه مشغول می‌گردد. خواجه طوسی در ایام اقامت پدر در آنجا در پانزدهم جمادی الاول سال ۵۹۸ ق، متولد گردید. و پدرش با تعلق به قرآن کریم او را «محمد» نامید.

## تحصیل



تمبری به فراخور هفتصدمین سالگرد درگذشت خواجه نصیر طوسی. روز پنج اسفند در ایران روز بزرگداشت خواجه نصیر طوسی و روز مهندس نامگذاری شده‌است.

روزهای کودکی و نوجوانی خواجه توسی در شهر توس سپری شد. وی در این روزها پس از خواندن و نوشتن، قرائت قرآن، قواعد زبان عربی و فارسی، معانی و بیان و حدیث را نزد پدر خویش آموخت. پس از آن به توصیه پدر، نزد دایی‌اش «نورالدین علی بن محمد شیعی» که از دانشمندان نامور در ریاضیات، حکمت و منطق بود، به فراگیری آن علوم پرداخت. سپس با راهنمایی پدر در محضر «کمال الدین محمد حاسب» که از دانشوران نامی در ریاضیات بود، به تحصیل پرداخت اما هنوز چند ماهی نگذشته بود که استاد آهنگ سفر کرد و آورده‌اند که وی به پدر او چنین گفت: من آنچه می‌دانستم به او (خواجه نصیر) آموختم و اکنون سؤالهایی می‌کند که گاه پاسخش را نمی‌دانم!

پس از چندی دایی پدرش «نصیرالدین عبدالله بن حمزه» که تبحر ویژه‌ای در علوم رجال، درایه و حدیث داشت، به توس آمد و خواجه در نزد او به کسب علوم پرداخت. گرچه او موفق به فراگیری مطالب جدیدی از استاد نشد، اما هوش و استعداد وافرش شگفتی و تعجب استاد را برانگیخت به گونه‌ای که به او توصیه کرد تا به منظور استفاده‌های علمی بیشتر به نیشابور مهاجرت کند. او در شهر توس و به دست استادش «نصیرالدین عبدالله بن حمزه» لباس عالمان دین را بر تن کرد و از آن پس به لقب «نصیرالدین» از سوی استاد مفتخر شد.

خواجه سپس به نیشابور پای نهاد و به توصیه دایی پدر به مدرسه سراجیه رفت و مدت یک سال نزد سراج الدین قمری که از استادان بزرگ درس خارج فقه و اصول در آن مدرسه بود، به تحصیل پرداخت. سپس در محضر استاد فریدالدین داماد نیشابوری - از شاگردان امام فخر رازی - کتاب

«اشارات ابن سینا» را فرا گرفت. پس از مباحثات علمی متعدد فریدالدین با خواجه، علاقه و استعداد فوق العاده خواجه نسبت به دانش اندوزی نمایان شد و فریدالدین او را به یکی دیگر از شاگردان فخر رازی معرفی کرد و بدین ترتیب نصیرالدین طوسی توانست کتاب «قانون ابن سینا» را نزد «قطب الدین مصری شافعی» به خوبی بیاموزد. وی علاوه بر کتابهای فوق از محضر عارف معروف آن دیار «عطار نیشابوری» (متوفی ۶۲۷) نیز بهره‌مند شد.

خواجه که در آن حال صاحب علوم ارزشمندی گشته و همواره به دنبال کسب علوم و فنون بیشتر بود، او پس از تحصیل در نزد دانشمندان نیشابور به ری شتافت و با دانشور بزرگی به نام برهان الدین محمد بن محمد بن علی الحمدانی قزوینی آشنا گشت. او سپس قصد سفر به اصفهان کرد اما در بین راه، پس از آشنایی با «میثم بن علی میثم بحرانی» به دعوت او و به منظور استفاده از درس خواجه ابوالسعادات اسعد بن عبدالقادر بن اسعد اصفهانی به شهر قم رو کرد.

توسی پس از قم به اصفهان و از آنجا به عراق رفت. او علم «فقه» را از محضر «معین الدین سالم بن بدران مصری مازنی» (از شاگردان ابن ادریس حلی و ابن زهره حلبی) فرا گرفت. و در سال ۶۱۹ ق. از استاد خود اجازه نقل روایت دریافت کرد. آن گونه که نوشته‌اند خواجه مدت زمانی از «علامه حلی» فقه و علامه نیز در مقابل، درس حکمت نزد خواجه آموخته‌است. «کمال الدین موصلی» ساکن شهر موصل (عراق) از دیگر دانشمندانی بود که علم نجوم و ریاضی به خواجه آموخت و بدین ترتیب پژوهشگر توسی دوران تحصیل را پشت سر نهاده، پس از سالها دوری از وطن و خانواده، قصد عزیمت به خراسان کرد.

### خواجه توسی در قلعه‌های اسماعیلیان

اسماعیلیه فرقه‌ای از شیعیان است که به باور پیروانش اسماعیل فرزند امام صادق جانشین اوست. این گروه پس از مدتها در سال ۴۸۳ ق. به دست حسن صباح در ایران رونقی دوباره یافتند و پس از چندی، گرایشهای شدید سیاسی پیدا کرده، فعالیتهای خود را گسترش دادند. قلعه الموت در حوالی قزوین پایتخت آنان بود و علاوه بر آن قلعه‌های متعدد و استواری داشتند که جایگاه امنی برای مبارزان سیاسی به شمار می‌رفت و دستیابی بر آنها بسیار سخت بود.

خواجه نصیرالدین پس از چند ماه سکونت در قائن، به دعوت «ناصر الدین عبدالرحیم بن ابی منصور» که حاکم قلعه قهستان بود و نیز مردی فاضل و دوستدار فلاسفه بود، به همراه همسرش به قلعه اسماعیلیان دعوت شد و مدتی آزادانه و با احترام ویژه در آنجا زندگی کرد. او در مدت اقامت خود کتاب «طهارة الاعراق» تألیف ابن مسکویه را به درخواست میزبانانش به زبان فارسی ترجمه کرد و نام آن را «اخلاق ناصری» نهاد. وی در همین ایام «رساله معینیه» را در موضوع علم هیئت، به زبان فارسی نگاشت. ناسازگاری اعتقادی خواجه با اسماعیلیان و نیز ظلم و ستم آنان نسبت به مردم وی را بر آن داشت تا برای کمک گرفتن، نامه‌ای به خلیفه عباسی در بغداد بنویسد.

در این میان حاکم قلعه از ماجرای نامه باخبر شد و به دستور او خواجه نصیر بازداشت و زندانی گردید. پس از چندی خواجه به قلعه الموت منتقل شد ولی حاکم قلعه که از دانش محقق طوسی اطلاع پیدا کرده بود با او رفتاری مناسب در پیش گرفت. نصیرالدین طوسی حدود ۲۶ سال در قلعه‌های اسماعیلیه به سر برد اما در این دوران لحظه‌ای از تلاش علمی باز ننشست و کتابهای متعددی از جمله «شرح اشارات ابن سینا»، «تحریر اقلیدس»، «تولی و تبری» و «اخلاق ناصری» و چند کتاب و رساله دیگر را تألیف کرد. کتاب روضه التسليم و مطلوب المومنین؛ تولی و تبری از جمله آثار است که به فرمان امام اسماعیلی در الموت نوشته است. خواجه در پایان کتاب شرح اشارات می‌نویسد:

«بیشتر مطالب آن را در چنان وضع سختی نوشته‌ام که سخت‌تر از آن ممکن نیست و بیشتر آن را در روزگار پریشانی فکر نگاشتم که هر جزئی از آن، ظرفی برای غصه و عذاب دردناک بود و پشیمانی و حسرت بزرگی همراه داشت. و زمانی بر من نگذشت که از چشمانم اشک نریزد و دلم پریشان نباشد و زمانی پیش نمی‌آمد که دردهایم افزون نگردد و غمهایم دو چندان نشود...» از همکاران خواجه الموت می‌توان به حسن محمود کاتب یا حسن صلاح منشی بیرجندی اشاره کرد که همراه خواجه از قهستان به الموت آمده بود وی در طول روز آنچه را که خواجه تدریس می‌کرد مکتوب می‌کرد و برداشت خویش را در اوقات فراغت به صورت شعر بیان کرده است. دیوان اشعار وی دیوان قائمیات نام دارد.

### خواجه توسی و هلاکوخان مغول

از آنجا که وجود اسماعیلیان حاکمیت و قدرت سیاسی مغولان را به خطر می‌انداخت هلاکوخان در سال ۶۵۱ ق. با اعزام لشکری به قهستان آنجا را فتح کرد. حاکم قلعه پس از مشورت با خواجه نصیر، علاوه بر تسلیم کامل قلعه، از مغولان اطاعت کرد و چندی پس از آن در سال ۶۵۶ ق. تاج و تخت اسماعیلیان در ایران برچیده شد و بدین سان خواجه نصیر بزرگترین گام را در جلوگیری از جنگ و خونریزی و قتل عام مردم برداشته، از این رو نزد خان مغول احترام و موقعیت ویژه‌ای یافت. هلاکو بدون اجازه خواجه هیچ تصمیمی نمی‌گرفت، هیچ سفری نمی‌رفت و هیچ حکمی نمی‌داد. هلاکوخان همچنین در گشایش بغداد و کشتن واپسین خلیفه عباسی، از نظرهای خواجه توسی بهره گرفت.

مستعصم (آخرین خلیفه عباسی) در دوران حکومت خود علاوه بر لهو و لعب، به خونریزی مسلمانان پرداخت. عده‌ای از شیعیان بغداد به دست پسرش (ابوبکر) به خاک و خون کشیده شدند و اموالشان به غارت رفت. مقام علمی و ارزش فکری نصیرالدین توسی موجب شد تا هلاکو، او را در شمار بزرگان خود دانسته، نسبت به حفظ و حراست از جان وی کوشا باشد و او را در همه سفرها به همراه خویش دارد.

### تأثیرات و یادگارها

یک دهانه آتشفشانی ۶۰ کیلومتری در نیم کره جنوبی ماه به نام خواجه نصیر الدین طوسی نام گذاری شده است. یک خرده سیاره که توسط ستاره‌شناس روسی نیکلای استفانویچ چرنیخ در ۱۹۷۹ کشف شد نیز به نام وی نامیده شده است.

دانشگاه خواجه نصیر طوسی در تهران و رصدخانه شامخای در جمهوری آذربایجان نیز به نام او نام گذاری شده‌اند.

در سال ۲۰۱۳ میلادی، پایگاه جستجوگر گوگل، به مناسبت ۸۱۲ امین سالگرد تولد خواجه نصیر الدین طوسی، تصویری از وی در وبسایت خود گذاشت که در کشورهای عربی قابل دسترسی بود. به گفته بی‌بی‌سی، در این عکس بر ایرانی‌تبار بودن این دانشمند تأکید شده بود که واکنش‌هایی را در کشورهای عربی در پی داشت.

در ایران روز ۵ اسفند سالروز تولد خواجه نصرالدین طوسی را روز مهندس نامگذاری شده است.

### شاگردان

1. جمال الدین حسن بن یوسف مطهر حلّی (علامه حلّی - متوفی ۷۲۶ ق) او از دانشوران بزرگ شیعه بود که آثار گرانسنگی از خود به جای نهاد. وی شرحهایی نیز بر کتابهای خواجه نگاشت.
2. کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی. او حکیم، ریاضیدان، متکلم و فقیه بود و عالمان بزرگی از محضرش استفاده کردند. وی گرچه در رشته حکمت زانوی ادب و شاگردی در مقابل خواجه بر زمین زد، از آن سو خواجه از درس فقه وی بهره‌مند شد. این محقق بحرینی شرح مفصلی بر نهج البلاغه نوشته که به شرح نهج البلاغه ابن میثم معروف است.
3. محمود بن مسعود بن مصلح‌کازرونی، معروف به «قطب‌الدین شیرازی» (متوفی ۷۱۰ ق.) او از شاگردان ممتاز خواجه است وی در چهارده سالگی به جای پدر نشست و در بیمارستان به طبابت پرداخت. سپس به شهرهای مختلفی سفر کرد و علم هیئت و اشارات ابوعلی را از محضر پرفیض خواجه نصیر فرا گرفت. قطب الدین کتابهایی در شرح قانون ابن سینا و در تفسیر قرآن نوشته است.
4. کمال الدین عبدالرزاق شیبانی بغدادی. او حنبلی مذهب و معروف به ابن الفوطی بود. این دانشمند مدت زیادی در محضر خواجه علم آموخته است. وی از تاریخ نویسان معروف قرن هفتم است و کتابهای معجم الآداب، الحوادث الجامعة و تلخیص معجم الالقاب از آثار اوست.
5. سید رکن الدین استرآبادی (متوفی ۷۱۵ ق.) از شاگردان و همراهان خاص خواجه بوده و شرح‌هایی بر کتابهای استاد خویش نوشته و علاوه بر تواضع و بردباری، از احترامی افزون برخوردار بوده است. وی در تبریز به خاک سپرده شده است.

برخی دیگر از شاگردان خواجه نصیر عبارتند از:

- ابراهیم حموی جوینی
- اثیرالدین اومانی
- مجدالدین طوسی
- مجدالدین مراغی

#### آثار

از معروفترین آثار او به پارسی، «اساس الاقتباس» و «اخلاق ناصری» را می‌توان یاد کرد. وی در اخلاق ناصری رستگاری راستین انسان‌ها را در «سعادت نفسانی»، «سعادت بدنی» و «سعادت مدنی» می‌داند و این نکته نشان می‌دهد که خواجه در مسائل مربوط به بهداشت جسمانی و روانی هم کارشناس بوده است.

خواجه نصیر حدود یکصد و نود کتاب و رساله علمی در موضوعات متفاوت به رشته تحریر درآورد. که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. تجریدالاعتقاد: که در موضوع کلام نگاشته شده و به دلیل اهمیت فوق العاده آن مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و شرحهای بسیاری پیرامون آن نوشته شده است.
2. شرح اشارات بو علی سینا: این کتاب شرحی بر اشارات بوعلی سینا است.
3. قواعد العقاید
4. اخلاق ناصری یا اخلاق طوسی
5. آغاز و انجام
6. تحریر مجسطی
7. تحریر اقلیدس
8. تجریدالمنطق

9. اساس الاقتباس
10. زیج ایلخانی
11. آداب البحث
12. آداب المتعلمین
13. روضة القلوب
14. اثبات بقاء نفس
15. تجرید الهندسه
16. اثبات جوهر
17. جامع الحساب
18. اثبات عقل
19. جام گیتی نما
20. اثبات واجب الوجود
21. الجبر و الاختیار
22. استخراج تقویم
23. خلافت نامه
24. اختیارات نجوم
25. رساله در کلیات طب
26. ایام و لیالی
27. علم المثلث
28. الاعتقادات
29. شرح اصول کافی
30. کتاب الک
31. صور الکواکب
32. تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار

### فعالیت‌های شاخص علمی

#### جغرافیا

مجله شوروی امروز (به انگلیسی: Today sovietunion) از انتشارات متکی به تحقیقات دانشمندان روسیه در مقاله پیشرو دیگر کلمبوس (به انگلیسی: Another forerunner of columbus) ضمن مطالعه جداول نجومی خواجه نصیر توسی متوجه شدند که وی مختصات قاره آمریکا را دو سده پیش از کشف این قاره توسط کریستف کلمب مشخص کرده است.

#### مثلثات

در کتاب شکل القطاع مثلثات را برای اولین بار به عنوان دانشی مستقل معرفی کرد و آن را در پیش‌گفتار علم نجوم معرفی می‌کند و قوانین اساسی برای حل مثلثات مسطح و کروی مطرح می‌کند.

#### فیزیک

در کتاب تجرید الکلام درباره نور و با تکیه بر نظریه ذره مطالبی را عنوان می‌کند که فوق‌العاده اهمیت دارد.

در کتاب البصائر نوشته اقلیدوس وی انتشار صوت را به امواج آب تشبیه می‌کند و به آن پرداخته است.

وی در نحوه استفاده از ساعت آفتابی ابتکار جدیدی برای رصد کردن به خرج داده است که این ابتکار در علم ستاره‌شناسی ارزشمند است.

### نجوم

خواجه نصیرالدین طوسی «زیج ایلخانی» را از روی رصدهای انجام شده در رصدخانه مراغه تدوین کرده است. زیج ایلخانی سده‌ها از اعتبار خاصی در بسیاری از سرزمین‌های آن زمان - از جمله در چین - برخوردار بوده است و در سال ۱۳۵۶ میلادی (۳۰۰ سال پس از مرگ طوسی) ترجمه و در اروپا منتشر شد. قدیمی‌ترین نسخه این زیج در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود.

### نمونه‌ای از اشعار علمی

خواجه نصرالدین برای آسان‌تر کردن علوم برای دانشجویان بعضی از مباحث علمی را به صورت شعر (نظم) بیان می‌کرد.

فرق بین دال و ذال معجم  
آنانکه به فارسی سخن می‌رانند در موضع دال - ذال را نشانند  
ماقبل وی ار ساکن جز وای بوذ دال است و گرنه ذال معجم خوانند

تشریح ۷ پرده چشم و سه گونه آب که در آنهاست  
کرد آفریدگار تعالی به فضل خویش چشمت به هفت پرده و سه آب منقسم  
صلب و مشمیه و شبکه، زجاجیه و جلید پس عنکبوت و بیض و عنب، قرن و ملتحم

### وفات

تاریخ وفات او هیجدهم ذیقعد سال ۶۷۳ ق. است. و در حرم کاظمین و پایین پای دو امام مدفون شد

### خانواده

خواجه نصیر سه پسر از خود به یادگار نهاد: صدرالدین علی، فرزند بزرگ او که همواره در کنار پدر و همگام با او بود و در فلسفه، نجوم و ریاضی بهره کافی داشت. دومین فرزندش اصیل الدین حسن نیز اهل دانش و فضیلت بود و در زمان حیاتش اغلب به امور سیاسی مشغول بود. فرزند کوچک خواجه فخر الدین محمد بود که ریاست امور اوقاف در کشورهای اسلامی را به عهده داشت.

## داریوش رضایی نژاد



زاده

۲۹ بهمن ۱۳۵۵  
آبدانان، استان ایلام

درگذشت

۱ مرداد ۱۳۹۰ (۳۴ سال)

آرامگاه

آبدانان

تحصیلات

دانشجوی دکتری مهندسی برق

محل تحصیل

صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

همسر

شهره پیرانی

داریوش رضایی نژاد (۲۹ بهمن ۱۳۵۵ – ۱ مرداد ۱۳۹۰) دانشجوی دکتری مهندسی برق دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی بود که در ۱ مرداد ۱۳۹۰ در مقابل منزلش کشته شد. حیدر مصلحی وزیر اطلاعات گفت که او در پروژه‌های هسته‌ای فعال نبوده‌است و ربطی به موضوع هسته‌ای ندارد. اما خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی به نقل از یک مقام خارجی و یک بازرس هسته‌ای پیشین سازمان ملل، نوشت تحقیق رضایی نژاد درباره سوئیچ‌های ولتاژ بالا بوده که قطعه مهمی در ساخت کلاهک‌های هسته‌ای بود که در سلاح اتمی به کار می‌رود.

در مقالاتی که داریوش رضایی نژاد به چهاردهمین، پانزدهمین و شانزدهمین کنفرانس مهندسی برق ایران ارائه داده‌است، پژوهشگر دانشگاه صنعتی مالک اشتر معرفی شده‌است و عنوان دو مقاله وی «طراحی و ساخت یک مقاومت الکترونیکی به عنوان بار با اندوکتانس کوچک برای یک مولد ضربه ولتاژ بالا» و «طراحی، ساخت و آزمایش یک سوئیچ انفجاری بسته شونده» بوده‌است.

مجله اشپیگل به نقل از یک مقام اطلاعاتی اسرائیل ترور رضائی نژاد را اولین اقدام جدی رئیس جدید موساد تامیر یاردو اعلام کرد.

داریوش رضایی نژاد در ۲۹ بهمن ۱۳۵۵ در شهرستان آبدانان استان ایلام به دنیا آمد و در تیرماه ۱۳۷۳ دیپلم خود را در رشته ریاضی دریافت نمود. وی چندین بار در مسابقات علمی استان ایلام مقام اول را کسب کرد و در مهر ماه ۱۳۷۳ برای تحصیل در مقطع کارشناسی در رشته مهندسی برق، گرایش قدرت، در دانشگاه صنعتی مالک اشتر اصفهان پذیرفته شد. رضایی نژاد به محض فارغ التحصیلی به عنوان پژوهشگر در مراکز مهم تحقیقاتی و علمی کشور مشغول به کار شد. در همان نخستین سال شروع به کار، در آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۸ در رشته مهندسی برق، گرایش قدرت و مشغول به ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه شد.

رضایی نژاد در چند سال اخیر ضمن تدریس و انجام فعالیت‌های تحقیقاتی مسئول اجرای بسیاری از طرح‌های تحقیقاتی در دانشگاه‌های صنعتی مالک اشتر، تهران، شهید بهشتی و خواجه نصیرالدین طوسی بود. او با قبولی در تمام مراحل آزمون دکترا سال ۱۳۹۰ در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی پذیرفته شد و در تاریخ یکم مرداد ۱۳۹۰ ترور شد. از وی یک دختر به نام آرمیتا به‌جا مانده است.

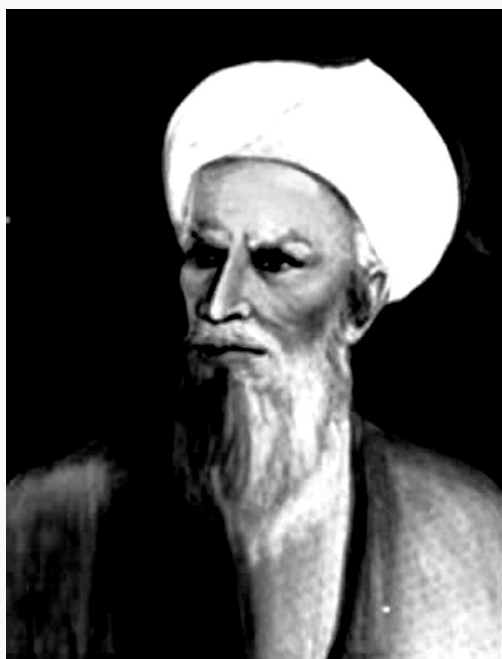
### روز ترور

رضایی نژاد، به همراه همسر و دخترش، مقابل منزلش و در خودروی خود مورد هدف قرار گرفت. ۵ گلوله شلیک شده که یک گلوله به گردن و گلوله دیگر به دست وی اصابت کرده است.

### دیدار دبیرکل سازمان ملل متحد

بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد در شهریور ماه ۱۳۹۱ در حاشیه سفر خود به ایران جهت شرکت در نشست سران جنبش عدم تعهد در مراسم یادبود دانشمندان هسته‌ای شرکت کرد و با خانواده آن‌ها دیدار کرد.

ابوبکر محمد بن زکریای رازی



|             |                                                            |
|-------------|------------------------------------------------------------|
| متولد       | ۲۴۳ خورشیدی<br>شعبان ۲۵۱ ه. ق. - ۲۷ اوت ۸۶۵<br>ری          |
| مرگ         | ۹ آبان ۳۰۴ ه. خ. - ۵ شعبان ۳۱۳ ه. ق.<br>۱۵ اکتبر ۹۲۵<br>ری |
| رشته فعالیت | دانشمند و فیلسوف                                           |

ابوبکر محمد زکریای رازی (۲۵۱ ه. ق. - ۳۱۳ ه. ق.) پزشک، فیلسوف و شیمی‌دان ایرانی است. رازی آثار ماندگاری در زمینه پزشکی و شیمی و فلسفه نوشته است و به عنوان کاشف الکحل و جوهر گوگرد (اسید سولفوریک) مشهور است.

به گفته جرج سارتین، پدر تاریخ علم، رازی «بزرگترین پزشک ایران و جهان اسلام در زمان قرون وسطی بود».

به پاس زحمات فراوان رازی در داروسازی روز پنجم شهریورماه (۲۷ اوت)، روز بزرگداشت زکریای رازی شیمی‌دان بزرگ ایرانی و روز داروسازی نامگذاری شده است.

## زندگی

نام وی محمد و نام پدرش زکریا و کنیه اش ابوبکر است. مورخان شرقی در کتاب‌هایشان او را محمد بن زکریای رازی خوانده‌اند، اما اروپاییان و مورخان غربی از او به نام‌های رازس Rhazes=razes و الرازی Al-Razi در کتاب‌های خود یاد کرده‌اند. به گفته ابوریحان بیرونی وی در شعبان سال ۲۵۱ هجری (۸۶۵ میلادی) در ری زاده شد و دوران کودکی و نوجوانی و جوانی اش در این شهر گذشت. چنین شهرت دارد که در جوانی عود می‌نواخته و گاهی شعر می‌سروده است. بعدها به زرگری و سپس به کیمیاگری روی آورد. وی در سنین بالا علم طب را آموخت. بیرونی معتقد است او در ابتدا به کیمیا اشتغال داشته و پس از آنکه در این راه چشمش بر اثر کار زیاد با مواد تند و تیزبو آسیب دید، برای درمان چشم به پزشکی روی آورد.

در کتاب‌های مورخان اسلامی آمده است که رازی طب را در بیمارستان بغداد آموخته است. در آن زمان، بغداد مرکز بزرگ علمی دوران و جانشین دانشگاه جندی شاپور بوده است و رازی برای آموختن علم به بغداد سفر کرد و مدتی نامعلوم در آنجا اقامت گزید و به تحصیل علم پرداخت و سپس ریاست بیمارستان «معتضدی» را بر عهده گرفت. پس از مرگ معتضد، خلیفه عباسی، به ری بازگشت و عهده دار ریاست بیمارستان ری شد و تا پایان عمر در این شهر به درمان بیماران مشغول بود. رازی در آخر عمرش نابینا شد، درباره علت نابینا شدن او روایت‌های مختلفی وجود دارد؛ بیرونی سبب کوری رازی را کار مداوم با مواد شیمیایی چون بخار جیوه می‌داند.

رازی در تاریخی بین ۵ شعبان ۳۱۳ (قمری) ه. ق. تا ۳۱۳ ه. ق. در ری وفات یافته است. مکان اصلی آرامگاه رازی نامعلوم است.

## باورهای دینی

هانری کربن در کتاب «نقد آراء محمد زکریای رازی در جامع‌الحکمتین» ناصر خسرو می‌گوید وی نبوت و وحی را نفی می‌کرد و ضرورت آن را نمی‌پذیرفت. در تفکر رازی همه انسان‌ها قدرت و توانایی رسیدن به معرفت و دانایی را دارند، و لذا از لحاظ توانایی کسب معرفت با هم برابرند و بر یکدیگر هیچ برتری ندارند. از دیدگاه او مقتضای حکمت و رحمت الهی این است که انسان‌ها همگی به

منافع و مضار خود صاحب علم باشند و اگر خدا قومی را به نبوت اختصاص دهد به این معناست که آنها را بر دیگر انسانها برتری داده و این برتری باعث جنگ و دشمنی و در نهایت هلاکت انسانها می‌شود که این با حکمت و رحمت الهی سازگاری ندارد. کتب زیر به این اعتقاد وی اشاره دارند.

- «فی النبوات» که دیگران به طعن و استهزاء، نام آن را «نقض الادیان» نهاده‌اند.
- «فی حیل المتنبین» دیگران به طعن نام او را «مخارق الانبیاء» گذاشته‌اند.

دو کتاب بالا اکنون در دست نیست. اما جنیفر مایکل در کتابش نقل قول‌هایی از کتب بالا می‌آورد. همچنین احمد بیرشک می‌نویسد: «از تعلیمات او این بود که همه آدمیان سهمی از خرد دارند که بتوانند نظرهای صحیح درباره مطالب عملی و نظری به‌دست آورند، آدمیان برای هدایت شدن به رهبران دینی نیاز ندارند؛ درحقیقت دین زیان‌آور است و مسبب کینه و جنگ. نسبت به همه مقامات همه سرزمین‌ها شک داشت.»

گروهی معتقدند این تفکرات رازی موجب خشم علمای اسلامی علیه او شد و او را ملحد خواندند و آثار او را رد کردند و دست به نابودی آنها زدند. ابوحاتم رازی در کتاب اعلام النبوه نوشته است که این ملحد با عقل معیوب و نفس و رای ضعیف خود کلامی در ابطال نبوت تصنیف کرده است. کسانی چون ناصر خسرو، ابن حزم و موسی بن میمون او را نادان و مهوس بی‌باک و سخنان او را دعاوی و خرافات بی‌دلیل، هوس و هذیان خوانده‌اند. ابن قیم الجوزیه می‌گوید: «رازی از هر دینی بدترین چیزهای آن را برگزید و کتابی در ابطال نبوات و رساله‌ای در ابطال معاد تألیف کرد و مذهبی ساخت که از مجموع عقائد زندیقان عالم ترکیب یافته بود». افراد زیادی بر باورهای رازی رد نوشته‌اند و برخی از باورهای رازی را در این ردیه‌ها نقل کرده‌اند. ذبیح‌الله صفا از 12 نفر که بر آرای رازی رد نوشته‌اند نام می‌برد.

گروهی نیز معتقدند «چگونه ممکن است کسی همه اصول مبدء و معاد و روح و نفس را پذیرفته‌باشد و منکر نبوات و شرایع باشد؟». آنها خصوصاً به این نکته اشاره دارند که رازی سه کتاب درمورد امامت نگاشته؛ درحالی‌که «کسی که منکر شرایع و نبوات باشد درباره امامت حساسیتی ندارد.»

برخی، همچون نویسنده خزینةالاصفیاء، او را از اکابر صوفیه می‌شمارند که پیوسته از خوف خدا در گریه بود. غلام سرور هندی در تاریخ وفات او سروده‌است:

چون شد از دنیا به فردوس برین      حضرت بوبکر رازی اهل راز

وصل او بوبکر محبوب حبیب      هست هم صوفی کامل پاکباز

هریک از جمله‌های "ابوبکر محبوب حبیب" و "صوفی کامل پاکباز" از نظر ابجدی ۳۱۰ است که - به گفته‌ای - اشاره به سال فوت اوست. وی همچنین انتقاداتی بر ادیان دیگر دارد:

- کتابی در «رد سیسن ثنوی» (رد بر مانویت)

### درمورد تاریخ تولد و مرگ رازی

مهم‌ترین سند تاریخی درباره تولد و مرگ رازی کتاب فهرست کتب رازی نوشته ابوریحان بیرونی است. در این کتاب، تولد رازی در ماه شعبان ۲۵۱ (قمری) ه. ق (سپتامبر ۸۶۵ م) و درگذشت او در پنجم شعبان ۳۱۳ ه. ق. (۳۱ اکتبر ۹۲۵ م) ثبت شده‌است. ضمناً «در این رساله ابوریحان علاوه بر آن‌که صریحاً تاریخ تولد و وفات رازی را متذکر شده، مدت عمر او را به سال قمری شصت و دو سال و پنج روز و به شمسی شصت سال و دو ماه و یک روز به‌طور دقیق آورده‌است.»

### استادان رازی

مورخان طب و فلسفه در قدیم به تفاریق استادان رازی را سه تن یاد کرده‌اند: ابن ربن طبری: زکریا در طب شاگرد وی بوده است. ابوزید بلخی: حکیم زکریای رازی در فلسفه شاگرد وی بوده است. ابوالعباس محمد بن نیشابوری: استاد محمد بن زکریا رازی در حکمت مادی (ماتریلیسم) یا گیتی‌شناسی بوده است.

### اخلاق و صفات رازی

رازی مردی خوش‌خو و در تحصیل کوشا بود. وی به بیماران توجه خاصی داشت و تا زمان تشخیص بیماری دست از آن‌ها برنمی‌داشت و نسبت به فقرا و بینوایان بسیار رئوف بود. رازی، برخلاف بسیاری از پزشکان، که بیشتر مایل به درمان پادشاهان و امرا و بزرگان بودند، با مردم عادی بیشتر سروکار داشته‌است. ابن‌الندیم در کتاب الفهرست خود می‌گوید: «تفقد و مهربانی به همه کس، به‌ویژه فقرا و بیماران داشته، از حالشان جويا، و به عیادتشان می‌رفت و مقرری‌های کلانی برای آن‌ها گذاشته‌بود.» رازی، در کتابی به نام صفات بیمارستان، این عقیده را ابراز می‌دارد که هر کس لایق طبابت نیست و طبیب باید دارای صفات و مشخصه‌های ویژه‌ای باشد. رازی درباره‌ی جاهل عالم‌نما افشاگری‌های متعددی صورت داده‌است و با افراد کم‌سواد که خود را طبیب می‌نامیدند و اطرافیان بیمار که در طبابت دخالت می‌کردند به‌شدت مخالفت می‌کرد و به‌همین سبب مخالفانی داشت.

### استادان و شاگردان

درباره‌ی استادان و پیش‌کسوت‌های رازی میان کارشناسان و تاریخ‌نویسان اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی او را شاگرد علی بن ربن طبری و ابوزید بلخی می‌دانند اما عده‌ای دیگر بنا بر شواهد و دلایلی این موضوع را رد می‌کنند. ناصرخسرو در زادالمسافرین صفحه ۹۸ از شخصی به نام ایران‌شهری به عنوان «استاد و مقدم» محمد زکریا نام می‌برد اما هیچ نشانی از این شخص به‌دست نیامده‌است. از این نام‌ها به عنوان شاگردان رازی یاد شده‌است: یحیی بن عدی، ابوالقاسم مقانعی، ابن قارن رازی، ابو غانم طبیب، یوسف بن یعقوب، محمد بن یونسو ابوالحسن طبری.

### آثار رازی

درمورد آثار رازی در لغت‌نامه‌ی دهخدا آمده‌است: ابن‌الندیم در کتاب «الفهرست» خود تعداد آثار رازی را یک‌صد و شصت و هفت و ابوریحان بیرونی در کتاب فهرست کتب کتاب در ریاضیات و نجوم، ۷ کتاب در تفسیر و تلخیص و اختصار کتب فلسفی یا طبی دیگران، ۱۷ کتاب در علوم فلسفی و تخمینی، ۶ کتاب در در مافوق الطبیعه، ۱۴ کتاب در الهیات، ۲۲ کتاب در کیمیا، ۲ کتاب در کفریات، ۱۰ کتاب در فنون مختلف که جمعاً بالغ بر یک‌صد و هشتاد و چهار مجلد می‌شود و ابن‌اصبیعه در عیون الانباء فی طبقات الاطباء دویست و سی و هشت کتاب از برای رازی برمی‌شمارد. محمود نجم‌آبادی استاد دانشگاه تهران کتابی به عنوان «مولفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی» نوشته است که در سال ۱۳۳۹ به‌وسیله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است در این کتاب فهرست‌های ارائه شده توسط ابن‌الندیم و ابوریحان بیرونی و قفطی و ابن‌اصبیعه با یکدیگر تطبیق داده شده‌است و در مجموع دویست و هفتاد و یک کتاب و رساله و مقاله فهرست شده‌است.

الحاوی • الکناش المنصوری • المرشد • من لایحضره الطبیب • کتاب الجدری و الحصیه • دفع مضار الاغذیه • الابدال و ...

### پزشکی

رازی طبیبی حاذق و پزشکی عالی‌قدر بود و در زمان خود شهرت به‌سزایی داشت. رازی از زمره‌ی پزشکانی است که بعضی از عقاید وی در درمان طب امروزی نیز به‌کار می‌رود، مخصوصاً در

درمان بیماران با مایعات و غذا. پزشکان و محققین از کتاب‌ها و رسالات رازی در سده‌های متمادی بهره‌ها برده‌اند. ابن‌سینا رازی را در طب بسیار عالی‌مقام می‌داند و می‌توان گفت برای تألیف قانون از الحاوی رازی استفاده فراوان کرده است.

### رازی و بیمارستان

ابن خلکان، کاستیلیونی و ... از رازی به عنوان سر دسته پزشکان عملی و کلینیستین نامبرده‌اند.

### رازی و آزمایش‌های پزشکی

می‌توان گفت که رازی جزو اولین پزشکانی است که تجربه و آزمایش وارد علم طب کرده است.

### استحالات شیمیایی به عنوان دارو

چنان‌که می‌دانیم رازی قبل از طب به کیمیا مشغول بود و اطلاعات زیادی درباره مواد داشته است. او اولین کسی است که استحالات شیمیایی را وارد طب کرده است.

### آبله و سرخک

رازی اولین کسی است که تشخیص تفکیکی بین آبله و سرخک را بیان داشته‌است. وی در کتاب آبله و سرخک خود به علت بروز آبله پرداخته و سبب انتقال آن را عامل مخمر از راه خون دانسته‌است و ضمن معرفی آبله و سرخک به عنوان بیماری‌های حاد، نشانه‌هایی از بی‌خطر یا کشنده بودن آن‌ها را بیان می‌دارد و برای مراقبت از بیمار مبتلا به این بیماری‌ها روش‌هایی را توصیه می‌کند از جمله به عنوان اولین طبیب استفاده از پنبه را در طب آورده و به منظور زخم نشدن بدن بیماران آبله‌ای از آن بهره می‌برده و در مراقبت از چشم‌ها و پلک و گلو و بینی این بیماران توصیه فراوان کرده‌است. در کتاب آبله و سرخک رازی در مورد آبله و سرخک چه قبل از ظهور بیماری و چه بعد از آن و جلوگیری از عوارض بیماری به اندام‌های بدن تدابیری آورده شده‌است.

### درمان بیماری‌های داخلی

رازی اسراف در دارو را بسیار مضر می‌داند، وی معتقد بوده‌است تا ممکن است مداوا با غذا و در غیر این‌صورت با داروی منفرد و ساده و گرنه با داروی مرکب به عمل آید. رازی می‌گوید: «هرگاه طبیب موفق شود بیماری‌ها را با غذا درمان کند، به سعادت رسیده‌است.» وی بسیاری از داروها را روی حیوانات امتحان کرده و اثرات آن‌ها را ثبت و تشریح کرده‌است و سپس برای بیماران تجویز می‌کرده‌است.

### جراحی

اگرچه رازی به عنوان پزشک مشهور است اما بعضی از مورخان او را به نام «جراح» می‌شناسند. از مطالعه آثار وی چنین برمی‌آید که در جراحی صاحب‌نظر بوده‌است. وی درباره «سنگ کلیه‌ها و مثانه» کتابی نوشته و در آن تأکید کرده است در صورتی که درمان سنگ مثانه با راه‌های طبی مقدور نباشد، باید به عمل جراحی پرداخت و در این کتاب از اسبابی که با آن عمل سنگ مثانه را انجام می‌داده، نام می‌برد. رازی اولین طبیب یا (پزشکی) است که در عالم طب از سل مفصلی انگشتان صحبت کرده است. در شکسته‌بندی و در رفتگی‌ها قدم‌هایی برداشته و آثاری از خود به جا گذاشته‌است.

### تغذیه

رازی از اولین افرادی است که بر نقش خوراک در تندرستی و درمان پافشاری بسیار دارد. رازی کتابی درباره خوراک دارد به نام «منافع الاغذیه و مضارها» که یک دوره کامل بهداشت خوراک است و در آن از خواص گندم و سایر حبوبات و خواص و ضررهای انواع آب‌ها و شراب‌ها و مشروبات غیرالکلی و گوشت‌های تازه و خشک و ماهی‌ها و ... سخن گفته است و فصلی در باب علل و جهات اشتها و هضم غذا و ورزش و غذاهای گوارا و پرهیزهای غذایی و مسمومیت‌ها دارد.

## شیمی و داروسازی



رازی تحصیل شیمی را پیش از پزشکی شروع کرده است و در آن آثاری چشمگیر از خود برجا گذاشته است. عمده تأثیر رازی در شیمی طبقه‌بندی او از مواد است. او نخستین کسی بود که اجسام را به سه گروه جمادی، نباتی و حیوانی تقسیم کرد. وی پایه‌گذار شیمی نوین است؛ با وجود آن‌که کیمیاگری را باور دارد. «هر چند که بعضی از کیمیاگران معاصر در ایران نوعی از تبدیل ناقص فلزات را به طلا «تبدیل رازی» می‌نامند؛ ولی چون رازی از دیدگاه مراحل بعدی علم در نظر گرفته شود، باید او را یکی از بنیان‌گذاران علم شیمی بدانیم.» در کتاب «سرّ الاسرار» او می‌خوانیم که مواد را به دو دسته فلز و شبه فلز (به گفته او جسد و روح) تقسیم می‌کند و اگر در این زمینه اشتباهاتی می‌کند، چندان گریزی از آن ندارد. برای نمونه جیوه را شبه‌فلز می‌خواند در صورتی که فلز بودن جیوه اکنون آشکار است.

کشف‌های بسیار به رازی نسبت داده می‌شود از جمله:

- رازی کاشف الک است.
- از تأثیر محیط قلیایی بر کانه پیلیت، اسید سولفوریک فراهم کرد و با داشتن اسید سولفوریک بدست آوردن دیگر اسیدها آسان بود.
- از تأثیر آب‌آهک بر نوشادور (کلرید آمونیوم)، اسید کلریدریک بدست آورد.
- با اثر دادن سرکه با مس، استات مس یا زنگار تهیه کرد که با آن‌ها زخم را شستشو می‌دادند.
- از سوزاندن زرنیخ، اکسید آرسنیک یا مرگ موش فراهم کرد.
- برای نخستین بار از نارنج اسید سیتریک تهیه کرد.
- او نخستین پزشکی است که داروهای سمی آکالوئیدی ساخت و از آن‌ها برای درمان بیمارانش بهره گرفت.

## فلسفه

رازی از تفکرات فلسفی رایج عصر خود که فلسفه ارسطویی - افلاطونی بود، پیروی نمی‌کرد و عقاید خاص خود را داشت که در نتیجه مورد بدگویی اهل فلسفه هم‌عصر و پس از خود قرار گرفت. رازی را می‌توان برجسته‌ترین چهره خردگرایی و تجربه‌گرایی در فرهنگ ایرانی و اسلامی نامید. وی در

فلسفه به سقراط و افلاطون متمایل بود و تأثیراتی از افکار هندی و مانوی در فلسفه وی به چشم می‌خورد. با این وجود هرگز تسلیم افکار مشاهیر نمی‌شد بلکه اطلاعاتی را که از پیشینیان بدست آورده بود مورد مشاهده و تجربه قرار می‌داد و سپس نظر و قضاوت خود را بیان می‌دارد و این را حق خود می‌داند که نظرات دیگران را تغییر دهد و یا تکمیل کند.

از آراء رازی اطلاع دقیقی در دست نیست جز در مواردی که در نوشته‌های مخالفان آمده‌است. در نظر رازی جهان جایگاه شر و رنج است اما تنها راه نجات، عقل و فلسفه‌است و روان‌ها از تیرگی این عالم پاک نمی‌شود و نفس‌ها از این رنج رها نمی‌شوند مگر از طریق فلسفه... در فلسفه اخلاق رازی مسئله لذت و رنج اهمیت زیادی دارد. از دید وی لذت امری وجودی نیست، یعنی راحتی از رنج است و رنج یعنی خروج از حالت طبیعی به وسیله امری اثرگذار و اگر امری ضد آن تأثیر کند و سبب خلاص شدن از رنج و بازگشت به حالت طبیعی شود، ایجاد لذت می‌کند. رازی فلسفه را چنین تعریف می‌کند که چون «فلسفه تشبه به خداوند عزوجل است به قدر طاقت انسانی» و چون آفریدگار بزرگ در نهایت علم و عدل و رحمت است پس نزدیکترین کسان به خالق، داناترین و عادل‌ترین و رحیم‌ترین ایشان است.

ویژگی رازی در این بود که بنای فلسفه‌اش را نه بر مبنای دو فرهنگ مسلط یونانی و اسلامی، که بر مبنای فلسفه ایرانی و بابلی و هندی پایه‌گذاری کرده بود. مهم‌ترین سؤال فلسفی او این بود: «اگر خداوند خالق جهان است، چرا پیش از خلق جهان را خلق نکرد؟»

در ماوراءالطبیعه رازی پنج اصل وجود دارند که قدیم هستند و همین موجب شد که مسلمانان او را «دهری» بدانند: خالق، نفس کلی، هیولی اولی (ماده اولیه)، مکان مطلق، و زمان مطلق یا دهر.

**انسانی که هدفش  
خدمت به خداست  
ممکن است  
انسان خوبی باشد  
اما انسانی که هدفش  
خدمت به انسان باشد  
حتما انسان خوبی است**



زکریای رازی

### در فرهنگ عامه

دولت جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۹ به عنوان نشانی از پیشرفت علمی صلح‌آمیز ساختمان-مجسمه‌ای به شکل چهارتاقی که ترکیبی از سبک‌های معماری و تزئینات هخامنشی و اسلامی در آن دیده می‌شود را به دفتر سازمان ملل متحد در وین هدیه داد که در محوطه آن در سمت راست ورودی اصلی قرار داده شده‌است. در این چهارتاقی مجسمه‌هایی از چهار فیلسوف ایرانی خیام، ابوریحان بیرونی، زکریا رازی و ابوعلی سینا قرار دارد.

### درباره رازی

زکریای رازی (نمایش‌نامه)، عبدالحی شماسی، نشر قطره، ۱۳۸۵، شابک: 964-341-627-0-ISBN:978

همچنین مطالب این بخش براساس منابع و مآخذ کتاب‌های «محمد زکریای رازی» و «حکیم رازی» تنظیم شده‌است.

فارسی

- الفهرست، ابن‌الندیم، تهران، ۱۳۵۰.
- ایران بعد از اسلام، عباس خلیلی، جلد ۱ و ۲، تهران، ۱۳۳۵.
- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تا اواسط قرن پنجم هجری، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
- فرهنگ نفیسی، دکتر ناظم‌الاطباء، پنج جلد، تهران، ۱۳۴۳.
- فیلسوف ری، دکتر مهدی محقق، تهران، ۱۳۵۰.
- یک نابغه بزرگ ایرانی (رازی طبیب ایرانی)، دکتر محمود نجم‌آبادی، ۱۳۴۱.
- اساطیر ایرانی، مهرداد بهار، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۲.
- ری باستان، حسین کریمان، دو جلد، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۶.
- مولفات و مصنفات رازی، محمود نجم‌آبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
- ترجمه تاریخ علم، جرج سارتن، احمد آرام، تهران، ۱۳۳۶.
- ترجمه میراث ایران، به قلم سیزده تن از خاورشناسان، تهران، ۱۳۶۳.
- میراث باستانی ایران، ریچارد فرای، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، ۱۳۴۴.
- الانبیه عن حقایق الادویه، موفق‌الدین ابومنصور علی‌الهروی، ترجمه توسط عبدالخالق آخوندوف بادکوبه‌ای - انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تاریخ ادبیات ایران، انگلیسی، پروفیسور ادوارد براون، ترجمه رشید یاسمی، تهران ۱۳۱۶.
- حکیم رازی، پرویز اذکایی، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۸۲.

عربی

- فهرست کتب محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، به کوشش پاول کراس، پاریس، ۱۹۳۶ میلادی.
- تاریخ آداب اللغة العربیة، جرجی زیدان، پنج جلد، مصر ۱۹۱۲ میلادی.
- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، ۱۳۳۶.
- تاریخ البیمارستانات فی الإسلام، دکتر احمد عیسی بیک، دمشق، ۱۳۳۷.

زبان‌های اروپایی

- پزشکان بزرگ، انگلیسی، (به انگلیسی: The great Doctors)، هنری ا. سیجریست (به انگلیسی: Henry E. Sigerist)، نیویورک، ۱۹۵۸ میلادی.
- تاریخ طب، انگلیسی، (به انگلیسی: History of Medicine)، دکتر راف. ه. میجر (به انگلیسی: Ralph H. Major)، ۱۹۵۴ میلادی.
- تاریخ طب در ایران، انگلیسی، (به انگلیسی: A Medicine History of Persia)، دکتر سیریل الگود (به انگلیسی: Dr. C. Elgood)، کمبریج (انگلستان)، ۱۹۵۱ میلادی.
- زندگی و کارهای رازی، انگلیسی، (به انگلیسی: Life and work of Rhazes)، س. ا. رنکینکس انگلیسی، (به انگلیسی: S.A. Rankings)، لندن، ۱۹۱۳ میلادی.
- تاریخ طب و داروسازی و دندانپزشکی و دامپزشکی، فرانسوی، (به فرانسوی: Histoire générale de la médecine et de la pharmacie et de l'art dentaire et de l'art vétérinaire)، با شرکت عده‌ای از دانشمندان تاریخ طب به سرپرستی پروفیسور لینیل لاواستین (به انگلیسی: Prof. Laignel Lavastine)، سه جلد، پاریس، ۱۹۳۶ میلادی.

- اطباء مشهور، فرانسوی، رنه دومینان (به فرانسوی: René Dumenil)، ژنو، ۱۹۷۴ میلادی.
- تاریخ ادبیات عرب، آلمانی (به آلمانی: Geschichte der Arabischen Litteratur)، کارل برکلمان (به آلمانی: Karl Brockelman)، لیدن (هلند)، ۱۹۳۷ میلادی.
- تاریخ اطباء و علماء علوم طبیعی، آلمانی، (به آلمانی: Geschichtte der Arabischen Ärzte und Naturforscher)، فردینالدو وستتفلد، گوتینگن (آلمان)، ۱۸۹۰ میلادی.

+++++

## زوبین قهرمانی



زاده ۸ فوریه ۱۹۷۰ ایران

محل زندگی انگلیس

محل تحصیل دانشگاه پنسیلوانیا  
مؤسسه فناوری ماساچوستشناخته شده برای مدل گرافی  
استنباط بیزی تغییراتی  
علوم اعصاب محاسباتی

جایزه FRS ۲۰۱۵

وبگاه [learning.eng.cam.ac.uk/zoubin](http://learning.eng.cam.ac.uk/zoubin)

پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت یادگیری ماشینی  
Bayesian statisticsمحل کار دانشگاه کمبریج  
دانشگاه کارنگی ملون  
کالج لندن

**پایان نامه**  
Computation and Psychophysics  
of Sensorimotor Integration  
 ۱۹۹۵

زوبین قهرمانی (متولد ۸ فوریه ۱۹۷۰) محقق و استادی ایرانی در رشته مهندسی اطلاعات در دانشگاه کمبریج است. وی همزمان دارای کرسی استادی در دانشگاه کارنگی ملون و کالج لندن می باشد.

### تحصیلات

زوبین قهرمانی دکترای خود را از دپارتمان علوم شناختی انستیتو تکنولوژی ماساچوست تحت هدایت مایکل جردن و توماسو باجو دریافت کرد.

### تحقیقات

قهرمانی آورده های قابل توجهی در حوزه یادگیری ماشین با روش بیزین، مدل های گراف و نرو ساینس محاسباتی دارد.

### جایزه ها و افتخارات

قهرمانی در سال ۲۰۱۵ به عنوان عضو انجمن سلطنتی لندن برای بیشرفت دانش طبیعی انتخاب گشت.

### شرف الزمان ایلاقی

طبيب

ملیت : ایرانی - قرن : 6

وفات 536 ق

اصل وی از ایلاق نیشابور بود و در باخزر و بلخ اقامت داشت. وی از شاگردان مشهور ابوالعباس لوکری بود که در مسائل نظری و علمی حکمت توانا و در طب نیز ماهر بود. او در جنگ قطوان نزدیک سمرقند کشته شد. در برخی آثار او را شاگرد ابن سینا نوشته اند که با توجه به سال مرگ وی احتمالاً درست نیست. تصنیفات بسیار پدید آورد مانند: «الفصول الایلاقیه»، در کلیات طب که به نامهای «اختصار القانون» یا «مختصر القانون» ابوعلی سینا و یا «شرح ایلاقی» نیز آمده است. آثار دیگری نیز به وی نسبت داده اند از جمله: «اللواحق»؛ «دوست نامه»؛ «سلطان نامه» و «اعداد الوفق» و در مسایل نظری و علمی حکمت و طب ماهر بود و تصنیفات بسیار داشت مانند: اللوایق دوست نامه سلطان نامه الحیوان و الفصول الایلاقیه و غیره. او در جنگ قطوان که به سال 536 ه. ق. اتفاق افتاد کشته شد.

## شهاب‌الدین سهروردی حکمت‌الاشراق



## شناسنامه

|           |                                                            |
|-----------|------------------------------------------------------------|
| نام کامل  | شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی                    |
| لقب       | نورالانوار، شهاب‌الدین،<br>شیخ اشراق، شیخ مقتول و شیخ شهید |
| حیطه      | فلسفه                                                      |
| دوره      | <u>ملک ظاهر</u>                                            |
| مکتب      | اشراق                                                      |
| زادروز    | <u>۵۴۹ ق / ۱۱۵۵ م</u>                                      |
| زادگاه    | <u>سهرورد، قیدار، زنجان، ایران</u>                         |
| تاریخ مرگ | <u>۵ رجب ۵۸۷ ق</u><br><u>۲۹ ژوئیه ۱۱۹۱ م</u>               |
| محل مرگ   | <u>قلعه حلب، سوریه</u>                                     |
| مدفن      | <u>حلب</u>                                                 |

|                               |         |
|-------------------------------|---------|
| اسلام                         | دین     |
| مجدالدین جیلی، ظهیرالدین قاری | استادان |
| شمس الدین شهرزوری             | شاگردان |

شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرک ابوالفتوح سهروردی، ملقب به شهاب الدین، شیخ اشراق، شیخ مقتول و شیخ شهید (۵۴۹ - ۵۸۷ ق / ۱۱۵۴ - ۱۱۹۱ م) فیلسوف نامدار ایرانی اهل قیدار از استان زنجان ایران است.

## زندگی

قابل اعتمادترین منابع برای مطالعه زندگی نامه سهروردی کتاب نزّه الارواح و روضه الافراح است که تاریخ فلسفه است و به دست یکی از مهمترین شارحان آثار سهروردی، شمس الدین شهرزوری نوشته شده است که کرد است. اصل عربی این کتاب هنوز در ایران منتشر نشده است.

شهاب الدین سهروردی در سال ۵۴۹ هجری قمری/ ۱۱۵۵ میلادی در دهکده سهرورد از توابع شهرستان خدابنده واقع در استان زنجان ایران متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی را که شامل حکمت، منطق و اصول فقه بود در نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و بقوت ذکا، وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از علوم اطلاع یافت. سهروردی بعد از آن به اصفهان، که در آن زمان مهمترین مرکز علمی و فکری در سرتاسر ایران بود، رفت و تحصیلات صوری خود را در محضر ظهیرالدین قاری به نهایت رسانید. در گزارش ها معروف است که یکی از همدرسان وی، فخرالدین رازی، که از بزرگترین مخالفان فلسفه بود، چون چندی بعد از آن زمان، و بعد از مرگ سهروردی، نسخه ای از کتاب تلویحات وی را به او دادند آن را بوسید و به یاد همدرس قدیمش در مراغه اشک ریخت.

سهروردی پس از پایان تحصیلات رسمی، به سفر در داخل ایران پرداخت، و از بسیاری از مشایخ تصوف دیدن کرد. در واقع، در همین دوره بود که سهروردی شیفته راه تصوف گشت و دوره های درازی را به اعتکاف و عبادت و تفکر گذراند. او همچنین سفرهایش را گسترش داد و به آناتولی و شامات رسید، و چنان که از گزارش ها برمی آید، مناظر شام در سوریه کنونی او را بسیار مجذوب خود نمود. در یکی از سفرها از دمشق به حلب رفت و در آنجا با ملک ظاهر پسر صلاح الدین ایوبی (سردار معروف مسلمانان در جنگ های صلیبی) دیدار کرد. ملک ظاهر که محبت شدیدی نسبت به صوفیان و دانشمندان داشت، مجذوب این حکیم جوان شد و از وی خواست که در دربار وی در حلب ماندگار شود. سهروردی نیز که عشق شدیدی نسبت به مناظر آن دیار داشت، شادمانه پیشنهاد ملک ظاهر را پذیرفت و در دربار او ماند. در همین شهر حلب بود که وی کار بزرگ خویش، یعنی، حکمة الاشراق را به پایان برد.

اما سخن گفتن های بی پرده و بی احتیاط بودن وی در بیان معتقدات باطنی در برابر همگان، و زیرکی و هوشمندی فراوان وی که سبب آن می شد که با هر کس بحث کند، بر وی پیروز شود، و نیز استادی وی در فلسفه و تصوف، از عواملی بود که دشمنان فراوانی مخصوصاً از میان علمای قشری برای سهروردی فراهم آورد.

## درگذشت

سرانجام به دستاویز آن که وی سخنانی برخلاف اصول دین می گوید، از ملک ظاهر خواستند که او را به قتل برساند، و چون وی از اجابت خواسته آن ها خودداری کرد، به صلاح الدین ایوبی شکایت بردند.

متعصبان او را به الحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباح شمردند (اتهام او معاندت با شرایع آسمانی اعلام شد).

صلاح‌الدین که به تازگی سوریه را از دست صلیبیان بیرون آورده بود و برای حفظ اعتبار خود به تایید علمای دین احتیاج داشت، ناچار در برابر درخواست ایشان تسلیم شد.

به همین دلیل، پسرش ملک ظاهر تحت فشار قرار گرفت و ناگزیر سهروردی را در ۵ رجب ۵۸۷ هجری قمری به زندان افکند و شیخ همان جا از دنیا رفت. وی در هنگام مرگ، ۳۸ سال داشت و مزار ایشان در مسجد امام سهرودی شهر حلب می‌باشد. علت مستقیم وفات وی معلوم نیست. (البته مشهور آن است که سهروردی به دلیل گرسنگی از دنیا رفت)

### بزرگداشت

روز بزرگداشت ایشان به تایید مرکز تقویم موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، ۸ مرداد هر سال برابر با ۲۹ ژوئیه است که در این روز همایش‌ها، بزرگداشت‌ها و یادبودهایی برای ایشان برگزار می‌شود.

### خصوصیات اجتماعی

رفتار سهروردی خالی از غرابت نبوده است چنانکه در عین کناره گیری از خلق و خلوت گزینی، اهل بحث و مناظره و جدل بوده است و شاید اگر این میل در او نبود ناگزیر از افشای سر ربوبیت نمی‌شد و تعصب قشریان را بر نمی‌انگیخت و جان خویش بر سر این کار نمی‌نهاد.

۱ سدیدالدین (معروف به ابن رفیقه) نگاه مردمان آن زمان نسبت به سهروردی را به زیبایی نقل می‌کند: «روزی با شیخ شهاب‌الدین در مسجد جامع میافارقین راه می‌رفتیم، او جبه کوتاه آسمانی رنگی پوشیده بود و فوطه تابیده‌ای را به سر بسته بود، یکی از دوستان مرا با او دید. مرا به کناری کشید و گفت: مگر کسی نبود با او راه بروی که با این خربنده حرکت می‌کنی! گفتم ساکت باش، مگر او را نمی‌شناسی؟ گفت: نه او را نمی‌شناسم. گفتم: این عالم وقت و حکیم عصر است، این جوان پریشان ظاهر شهاب‌الدین سهروردی است. در موردش گویند که شیخ به مقامات عالیه و نهایت مکاشفه رسیده و صاحب کرامات و خوارق عادات گردیده است.»

۲ با اندکی تحقیق در منابع تاریخی، می‌توان دریافت که شناخت مردمان آن دوره مشابه روایتی بود که نقل گردید؛ و سهرودی را به ژنده پوشی و حتی بعضی به دیوانگی می‌خواندند.

### فلسفه اشراق

سهروردی کسی است که مکتب فلسفی اشراق را بوجود آورد که بعد از مرگش وسعت یافت. او نظریه خود را در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ارائه کرد. سهروردی را رهبر افلاطونیان جهان اسلام لقب داده‌اند. او خود فلسفه‌اش را حکمت اشراق نامیده بود که به معنای درخشندگی و برآمدن آفتاب است و اقوام لاتین آن را aurora consurgens نام نهاده‌اند. اما این تفکر فلسفه خاص افلاطونی نیست و در آن آرای افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان و زرتشت و هرمس و اسطوره تحت و آرای نخستین صوفیان مسلمان در هم آمیخته است.

مکتب سهروردی هم فلسفه هست و هم نیست. فلسفه است از این جهت که به عقل اعتقاد دارد، اما عقل را تنها مرجع شناخت نمی‌داند. عرفان است از این نظر که کشف و شهود و اشراق را شریف ترین و بلندمرتبه ترین مرحله شناخت می‌شناسد. او به سختی بر ابن سینا می‌تازد و از کلیات و مثل افلاطون دفاع می‌کند. بر وجودشناسی ابن سینا ایراد می‌گیرد که چرا اظهار داشته که در هر شیء موجود، وجود امری حقیقی است و ماهیت امری اعتباری، و برای تحقق محتاج وجود است. در حالی که طبق حکمت اشراق، ماهیت امری حقیقی است و وجود امری اعتباری.

کتاب حکمه الاشراق مهم ترین اثر فلسفی سهروردی در واقع به نظریه ابن سینا برای تاسیس حکمت مشرقی جامه عمل پوشاند. او را زنده کننده عرفان آریایی و پدیدآورنده حکمت خسروانی می‌دانند.

### علوم غریبه

عموم مورخان سهروردی را آگاه به علوم غریبه از قبیل سحر و جادو و ... معرفی کرده‌اند. شهرزوری نیز او را صاحب کرامت و آگاه به علم سیمیا معرفی کرده یکی از دلایل قتل او نیز این بود که به وی نسبت ساحری می‌دادند.

### نورالانوار

سهروردی وجودشناسی خود را «نورالانوار» نام داده است. همان حقیقت الهی که درجه روشنی آن چشم را کور می‌کند. نور را نمی‌توان با کمک چیز دیگر و نسبت به آن تعریف کرد، زیرا تمام اشیا با نور آشکار می‌شوند و طبعاً باید با نور تعریف شوند. «نورالانوار» یا «نور مطلق» همان وجود مطلق است و تمام موجودات، وجود خود را از این منبع کسب کرده‌اند و جهان هستی چیزی جز مراتب و درجات گوناگون روشنایی و تاریکی نیست. به همین دلیل سلسله مراتب موجودات بستگی به درجه نزدیکی آن‌ها با «نورالانوار» دارد، یعنی به میزان درجه «اشراق» و نوری که از نورالانوار به آن‌ها می‌رسد.

ایشان شدت و ضعف موجودات را در شدت و ضعف نورانیت آنها میدانند نور حقیقتی واحد است اما شدت و کاستی دارد و بر این تعبیر از خداوند به عنوان نورالانوار و سرچشمه نورانیت سایر وجودها تعبیر می‌کند.

### آثار

فهرست کامل آثار فارسی و عربی شهاب الدین یحیی سهروردی با استفاده از فهرست شهرزوری و مقایسه آن با فهرست (ریتر) در دائرةالمعارف اسلامیة بشرح زیر آمده‌است:

- ۱- المشارع و المطارحات، در منطق، طبیعیات، الهیات.
- ۲- التلویحات.
- ۳- حکمة الاشراق، در دو بخش. بخش نخست، در سه مقاله در منطق، بخش دوم در الهیات در پنج مقاله. (این کتاب مهم‌ترین تألیف سهروردی می‌باشد و مذهب و مسلک فلسفی او را بخوبی روشن می‌نماید).
- ۴- اللمحات، کتاب مختصر و کوچکی در سه فن از حکمت، یعنی: طبیعیات، الهیات و منطق.
- ۵- الالواح المعادیة، در دانشهای حکمت و اصطلاحات فلسفه.
- ۶- الهیاکل النوریة، یا هیاکل النور. این کتاب مشتمل بر آراء و نظریه‌های فلسفی می‌باشد، بر مسلک و ذوق اشراقی. سهروردی نخست آن را به زبان عربی نگاشته و سپس خود آن را به پارسی ترجمه کرده‌است.
- ۷- المقامات، رساله مختصری است که سهروردی خود آن را به منزله ذیل یا ملحقات التلویحات قرار داده‌است.
- ۸- الرمز المومی (رمز مومی) هیچیک از نویسندگانی که آثار و تألیف‌های سهروردی را یاد کرده‌اند، از این کتاب نامی نبرده‌اند، جز شهرزوری که آن را در فهرست سهروردی آورده‌است.
- ۹- المبدء والمعاد. این کتاب به زبان پارسی است، و کسی جز شهرزوری از آن یاد نکرده‌است.

- ۱۰- بستان القلوب، کتاب مختصری است در حکمت، سهروردی آن را برای گروهی از یاران و پیروان مکتب خود به زبان پارسی در اصفهان نگاشته است.
- ۱۱- طوراق الانوار، این کتاب را شهرزوری یاد کرده، ولی ریتز از آن نام نبرده است.
- ۱۲- التفتیحات فی الاصول، این کتاب در فهرست شهرزوری آمده ولی ریتز از قلم انداخته است.
- ۱۳- کلمة التصوف. شهرزوری این کتاب را با این نام در فهرست خود آورده، و ریتز آنرا بنام (مقامات الصوفیه) یاد کرده است.
- ۱۴- البارقات الالهیه، شهرزوری این را در فهرست خود آورده و ریتز از آن نام نبرده است.
- ۱۵- النفحات المساویه، شهرزوری در فهرست خود یاد کرده و ریتز نام آن را نیاورده.
- ۱۶- لوامع الانوار.
- ۱۷- الرقم القدسی.
- ۱۸- اعتقاد الحکما.
- ۱۹- کتاب الصبر. نام این چهار کتاب اخیر در فهرست شهرزوری آمده و در فهرست ریتز دیده نمی شود.
- ۲۰- رسالة العشق، شهرزوری این کتاب را بدین نام آورده است، ولی ریتز آنرا بنام «مونس العشاق» یاد کرده است. این کتاب به زبان فارسی است.
- ۲۱- رساله در حالة طفولیت، این رساله به زبان فارسی است. شهرزوری آنرا یاد کرده و ریتز آنرا نیاورده است.
- ۲۳- رساله روزی با جماعت صوفیان، این رساله نیز به زبان پارسی است. در فهرست شهرزوری آمده و از ریتز دیده نمی شود.
- ۲۴- رساله عقل، این نیز به زبان پارسی است، در فهرست شهرزوری آمده، و در فهرست ریتز دیده نمی شود.
- ۲۵- شرح رساله «آواز پر جبرئیل» این رساله هم به زبان پارسی است.
- ۲۶- رساله پرتو نامه، مختصری در حکمت به زبان پارسی است، سهروردی در آن به شرح بعضی اصطلاحات فلسفی پرداخته است.
- ۲۷- رساله لغت موران، داستان هائی است، رمزی که سهروردی آن را به زبان پارسی نگاشته است.
- ۲۸- رساله غربة الغربیه، شهرزوری این را به همین نام یاد کرده است، اما ریتز آنرا بنام (الغربة الغربیه) آورده است. داستانی است که سهروردی آن را به رمز به عربی نگاشته و در نگارش آن از رساله (حی بن یقطان) این سینا مایه گرفته، و یا بر آن منوال نگاشته است.
- ۲۹- رساله صفیر سیمرغ، که به پارسی است.
- ۳۰- رساله الطیر، شهرزوری نام این رساله را چنین نگاشته، ولی ریتز نام آنرا (ترجمه رساله طیر) نوشته است. این رساله ترجمه پارسی رساله الطیر ابن سینا می باشد که سهروردی خود نگاشته است.
- ۳۱- رساله تفسیر آیات «من کتاب الله و خبر عن رسول الله». این رساله را شهرزوری یاد کرده و ریتز از آن نام نبرده است.
- ۳۲- التسییحات و دعوات الکواکب. شهرزوری این کتاب را بهمین نام در فهرست خود آورده، اما در فهرست ریتز کتابی بدین نام نیامده است. ریتز مجموعه رساله ها و نوشته ها و نوشته های سهروردی را

- که در این نوع بوده، یکجا تحت عنوان (الواردات و التقديسات) در فهرست خود آورده‌است و احتمال داده می‌شود که کتاب التَّسْبِيحَات... نیز جزء مجموعه مزبور باشد.
- ۳۳- ادعية متفرقة. در فهرست شهرزوری آمده‌است.
- ۳۴- الدعوة الشمسية. شهرزوری از این کتاب یاد کرده‌است.
- ۳۵- السراج الوهاج. شهرزوری این کتاب را در فهرست خود آورده‌است، اما خودش درباره صحت نسبت این کتاب به سهروردی تردید نموده‌است، زیرا می‌گوید: (والاظهر انه ليس له) درست تر آنست که این کتاب از او نباشد.
- ۳۶- الواردات الالهية بتحيرات الكواكب و تسبيحاتها. این کتاب تنها در فهرست شهرزوری آمده‌است.
- ۳۷- مكاتبات الى الملوك و المشايخ، این را نیز شهرزوری نام برده‌است.
- ۳۸- كتاب في السيمياء. این کتابها را شهرزوری نام برده، اما نامهای ویژه آنها را تعیین نکرده و نوشته‌است این کتابها به سهروردی منسوب می‌باشد.
- ۳۹- الالواح، این کتاب را شهرزوری یک بار (شماره ۵) در فهرست خود یاد کرده که به زبان عربی است و اکنون بار دوم در اینجا آورده‌است که به زبان پارسی است. (سهروردی خود این کتاب را به هر دو زبان نگاشته، یا به یک زبان نگاشته و سپس به زبان دیگر ترجمه کرده‌است).
- ۴۰- تسبيحات العقول و النفوس والعناصر. تنها در فهرست شهرزوری آمده‌است.
- ۴۱- الهياكل. این کتاب را شهرزوری در فهرست خود یکبار بنام (هياكل النور) یاد کرده و می‌گوید به زبان عربی است و بار دیگر به عنوان الهياكل آورده‌است و می‌گوید به زبان پارسی است. این را نیز سهروردی خود به هر دو زبان پارسی و عربی نگاشته‌است.
- ۴۲- شرح الاشارات. پارسی است. تنها در فهرست شهرزوری آمده‌است.
- ۴۳- كشف الغطاء لآخوان الصفا. این کتاب در فهرست ریتر آمده و در شهرزوری مذکور نمی‌باشد.
- ۴۴- الكلمات الذوقية و النكات الشوقية، یا «رسالة الأبراج» این کتاب نیز تنها در فهرست ریتر آمده‌است.
- ۴۵- رساله (این رساله عنوان ندارد) تنها در فهرست ریتر آمده‌است. ریتر نوشته‌است: موضوعهائی که در این رساله از آنها بحث شده، عبارت است از جسم، حرکت، ربوبية (الهی) معاد، وحی و الهام.
- ۴۶- مختصر کوچکی در حکمت: شهرزوری این را یاد نکرده، ولی در فهرست ریتر آمده‌است، و می‌گوید: سهروردی در این رساله از فنون سه‌گانه حکمت یعنی منطق، طبیعیات و الهیات بحث می‌کند.
- ۴۷- شهرزوری و ریتر منظومه‌های کوتاه و بلند عربی از سهروردی نقل کرده‌اند که در موضوعهای فلسفی و اخلاقی یا عرفانی می‌باشد، نظیر قصیده عربی مشهور ابن سینا: سقطت الیک من... که مطلع یکی از آنها این بیت می‌باشد.
- ۴۸- عقل سرخ
- ابداً تحن الیکم الارواح - و وصالکم ریحانها والروح

### سروده‌ها و کلمات قصار

شهرزوری نوشته‌است که شیخ شهاب الدین یحیی سهروردی بر سبیل تفنن به فارسی نیز شعر می‌گفته‌است. اشعار نسبتاً زیادی از او به زبان عربی در دست است. اشعار فارسی او بیشتر قطعه و دوبیتی هستند که برخی از آنها در متن داستان‌های فلسفی کوتاه او آمده‌اند. این رباعی در تذکرها از او مشهور است:

هان تا سر رشته خرد گم نکنی      خود را ز برای نیک و بد گم نکنی

رهرو توئی و راه توئی منزل تو      هشدار که راه خود به خود گم نکنی

در وصیت نامه سهروردی به نقل از دینانی آمده است: «وقتی خواستی قرآن بخوانی، به گونه‌ای بخوان که تو گویی فقط برای تو نازل شده نه کس دیگری...».

### شهریار صدیق افشار



پروفسور شهریار صدیق افشار (زاده تهران - 1350) فیزیکدان و کارآفرین ایرانی - آمریکایی است. وی دانش آموخته دبیرستان صالح تهران است و تحصیلات خود را در دانشگاه هاروارد ادامه داد. او برای نوآوری و انجام «آزمایش افشار» در دانشگاه هاروارد در سال 2004 شناخته شده است.

این استاد دانشگاه روئن آمریکا با ارائه نظریه ای درباره ماهیت دوگانه نور، نظریه «بوهر» (از پذیرفته شده ترین نظریه های فیزیک کوانتوم) را پس از هشتاد سال با قاطعیت رد کرد.

افشار همچنین استاد میهمان در دانشکده فیزیک و ستاره شناسی دانشگاه «روان» نیوجرسی است. «آزمایش افشار» یک آزمایش نوری است که ادعا شده نشان دهنده تناقضی در اصل مکملی «مکانیک کوانتومی» است. در نتیجه جنجال های پیرامون این ادعا به افشار درباره دین و ملیتش نیز حمله شد. نقد شد که وی (New Scientist) این حملات شخصی در یکی از سرمقاله های مجله نیوساینتیست آنها را افراطی خوانده بود.

اخیرا افشار بر کارهای تجاری خود، به عنوان رئیس و مدیرعامل شرکت ایمرزدر کمبریج ماساچوست (شرکتی در زمینه بازی های کامپیوتری)، تمرکز نموده است.

## صادق نظام‌مافی



|                 |                                                               |
|-----------------|---------------------------------------------------------------|
| زاده            | ۱۳۰۴ تهران                                                    |
| درگذشت          | ۱۳۸۸ - ۸۴ سال                                                 |
| محل زندگی       | ایران                                                         |
| تحصیلات         | دکترای پزشکی                                                  |
| محل تحصیل       | <u>دانشگاه پیتسبورگ</u>                                       |
| پیشه            | پزشک                                                          |
| فعالیت          | ۱۳۳۷ تا ۱۳۸۰                                                  |
| کارفرما         | <u>دانشگاه علوم پزشکی تهران</u>                               |
| شناخته‌شده برای | بنیانگذاری پزشکی هسته‌ای و رشته <u>اندوکرینولوژی</u> در ایران |
| عنوان           | «پدر پزشکی هسته‌ای ایران»                                     |
| همسر            | <u>منصوره اتحادیه</u>                                         |
| فرزندان         | ۴ فرزند: محمد، تقی، نادر، شریف                                |

**صادق نظام‌مافی** (زاده: ۱۳۰۴ تهران، درگذشته ۱۳۸۸ تهران) پزشک ایرانی و بنیانگذار پزشکی هسته‌ای در ایران بوده است. وی در سال ۱۳۴۰ خورشیدی نخستین دستگاه تصویربرداری گاما را به ایران آورد و رشته مطالعات غدد درون‌ریز و متابولیسم را در ایران پایه گذارد.

### زندگی‌نامه

نظام‌مافی متولد سال ۱۳۰۴ تهران بوده است. او پس از پایان تحصیلات ابتدایی، برای ادامه تحصیل به جنوب فرانسه عزیمت نمود و در رشته پزشکی تحصیل کرد. سپس برای گذراندن دوره تخصص به دانشگاه پیتسبورگ رفت و در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشت و در بیمارستان رازی و دانشگاه علوم پزشکی تهران مشغول به کار شد.

#### عباس عدالت



زاده

ایران

محل زندگی

لندن، بریتانیا

محل تحصیل

دانشگاه کالیفرنیا، برکلی  
دانشگاه واریک

شناخته‌شده برای

بنیان‌گذاری جنبش ضد تحریم و مداخله  
نظامی در ایران  
بنیان‌گذاری بنیاد دانش و هنر

پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت

علوم رایانه، ریاضیات

## محل کار

کالج سلطنتی لندن  
پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

عباس عدالت، دانشمند و فعال سیاسی ایرانی ساکن در انگلستان است. عدالت هم‌اکنون استاد ریاضیات و علوم کامپیوتر در امپریال کالج لندن و استاد معین دانشگاه صنعتی شریف است. او همچنین بنیان‌گذار بنیاد دانش و هنر می‌باشد. عدالت در سال ۲۰۰۵ کارزار ضد تحریم و حمله نظامی علیه ایران CSMII را با هدف مقابله با تحریم و حمله نظامی علیه ایران تأسیس نمود. یکی از مقالات او تأثیر پایدار فاجعه حمله مغول بر ایران است.

## عباس علوی



عباس علوی متولد تبریز پزشک ایرانی-آمریکایی و از پیشروان دانش پزشکی هسته‌ای است. او دانش‌آموخته دبیرستان فردوسی تبریز و دانشگاه علوم پزشکی تهران است و دارای دو دکترای افتخاری نیز می‌باشد، و از سال ۱۹۷۱ تا کنون در دانشگاه پنسیلوانیا عضو هیئت علمی و رئیس بخش پزشکی هسته‌ای این دانشگاه بوده و هم‌اکنون ریاست مشترک مرکز پژوهش‌های کهنسالی این دانشگاه را بر عهده دارد. علوی در دهه ۷۰ میلادی شاگرد و یکی از اعضای تیم دیوید کوئل (ابداع‌کننده سیستم‌های اسپکت) بود، که نام وی به همراه دکتر کوئل جزو ابداع‌کنندگان این سیستم‌ها دیده می‌شود. در سال ۲۰۰۴، جامعه پزشکی هسته‌ای آمریکا بخاطر خدمات علمی ارزنده اش در سیستم‌های پت اسکن، بالاترین جایزه خود را به او اهدا کرد.

وی به همراه همسرش، جین علوی (سرطان‌شناس در دانشگاه پنسیلوانیا) سال‌ها در زمینه آموزش دانشجویان پزشکی هسته‌ای تلاش داشته‌اند و توانسته‌اند ادامه تحصیل دانشجویان بسیاری را از طریق جذب کمک هزینه‌های تحصیلی فراهم آورند.

این پزشک تبریزی حالا چیزی حدود ۶۰ سال است که به آمریکا مهاجرت کرده است و سالهاست که بین ایران و آمریکا در رفت و آمد است. پرفسور علوی یکی از سرشناس‌ترین و برجسته‌ترین پزشک‌های جامعه آمریکا به حساب می‌آید. او از سال ۱۹۷۱ در دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا عضو هیئت علمی و رئیس بخش پزشکی هسته‌ای این دانشگاه بوده است. این پزشک ایرانی که اخیراً در پی بناکردن مرکزی برای انجام فعالیت‌های پزشکی خود در ایران است در سال ۲۰۰۴، از جامعه پزشکی هسته‌ای آمریکا به خاطر فعالیت‌ها و خدمات علمی اش بالاترین جایزه در این زمینه را دریافت کرد.

**عبدالرزاق سمرقندی**

کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (زاده شعبان ۸۱۶ قمری در هرات، درگذشته ۸۸۷ قمری) از تاریخ‌نگاران سده نهم است. او به تحصیل علوم دینی پرداخت تا جایی که پس از مرگ پدرش مولانا جلال‌الدین اسحاق شرحی بر رساله عضدیه تألیف قاضی عضدالدین ایجی نگاشت. از نگاشته‌های عبدالرزاق سمرقندی می‌توان به مطلع سعدین و مجمع بحرین اشاره کرد.

پدر وی در دربار شاهرخ تیموری منصب قضاوت و پیش‌نمازی داشت، و گاهی در مجلس شاهرخ به توضیح مسائل و قرائت رساله‌ها نیز می‌پرداخت.

در لغت‌نامه دهخدا درباره او چنین آمده است :

از طرف شاهرخ سفارت هند و گیلان یافت و به خدمت امیرزادگان مانند میرزا عبداللطیف و میرزا عبدالله و جز آن درآمده و عاقبت به خدمت سلطان ابوسعید پیوست. پس از آن زندگی انزوا اختیار کرد و در خانقاه شاهرخیه در هرات سمت شیخی یافت. وی به سال ۸۸۷ ه.ق. در هرات درگذشت.

**علی اصغر خدادوست**

علی اصغر خدادوست در سال ۱۳۱۴ در شیراز زاده شد. دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود پشت سر گذاشت و به عنوان آموزگار در دبستان دآوری داراب مشغول به کار شد. در سال ۱۳۳۳ در آزمون ورودی دانشکده پزشکی شیراز شرکت نمود و با رتبه ممتاز در بین داوطلبان پذیرفته شد و در این دانشکده مشغول به تحصیل شد. دوره شش ساله پزشکی را با درجه ممتاز پشت سر گذاشت و پس از یک سال گذراندن دوره دستیاری چشم و گوش و حلق و بینی در بیمارستان نمازی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۱، از طرف دولت وقت برای گذراندن دوره تخصصی در ایالات متحده برگزیده شد.

در همان سال (۱۹۶۳)، وی به عنوان نخستین و تنها دستیار خارجی در بخش چشم پزشکی دانشگاه پذیرفته شد و طی دوران سه ساله رزیدنتی، به عنوان بهترین (Johns Hopkins) جانز هاپکینز دستیار مرکز چشم پزشکی ویلمر شناخته شد.

در سال ۱۳۴۷، با وجود پیشنهاد و خواست دانشگاه جانز هاپکینز، عازم ایران و در بخش چشم پزشکی

دانشگاه شیراز به عنوان استاد مشغول فعالیت شد. یک سال پس از ورود وی به شیراز، رئیس بخش چشم پزشکی دانشگاه جانز هاپکینز به شیراز آمد و قرارداد مبادله دستیار میان بخش های چشم پزشکی این دو دانشگاه به امضا رسید.

پروفسور خدادوست در سال 1359 عازم آمریکا شد و به عنوان استاد در بخش چشم دانشگاه جانز هاپکینز مشغول به کار شد. وی در سال 1361 به عنوان استاد و رئیس بخش چشم دانشگاه سیسیل برگزیده شد و در سال 1371 مرکز چشم پزشکی کنتیکت در شهر نیو هیون را بنیاد گذاشت و به عنوان سرپرست آن مشغول به کار شد. از سال 1359، به طور پیاپی، سالی دو بار به میهن بازگشته و در فعالیت های بالینی و آموزشی در بیمارستان های گوناگون تهران و شیراز شرکت کرده است.

### علی اکبر جلالی



#### زاده

۸ آذر ۱۳۳۳ خورشیدی  
روستای وامرزان، شهرستان  
دامغان، ایران

#### محل زندگی

تهران، ایران

#### تحصیلات

دکترای مهندسی برق-کنترل

#### محل تحصیل

دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، ایران  
دانشگاه اکلاهما، آمریکا  
دانشگاه ویرجینیای غربی، آمریکا

#### پیشه

استاد دانشگاه

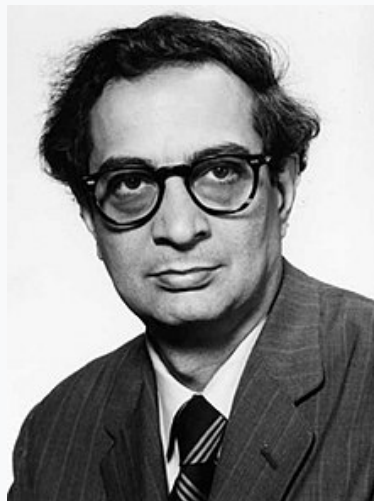
#### سازمان

دانشگاه علم و صنعت ایران، پژوهشکده  
الکترونیک

|                |                                                               |
|----------------|---------------------------------------------------------------|
| کارهای برجسته  | فناوری اطلاعات، توسعه اینترنت در ایران                        |
| شهر زادگاه     | تهران                                                         |
| عنوان          | پدر فناوری اطلاعات ایران                                      |
| عضو هیئت مدیره | عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران     |
| دین            | اسلام                                                         |
| همسر(ها)       | فاطمه عباسی                                                   |
| وبگاه          | <a href="https://www.drjalali.ir">https://www.drjalali.ir</a> |

**علی اکبر جلالی**، (زاده ۸ آذر سال ۱۳۳۳ در روستای وامرزان شهرستان دامغان) است. دوران کودکی و نوجوانی را در شاهرود گذارند و سپس برای تحصیلات دانشگاهی به تهران رفت. او فارغ التحصیل دکترای مهندسی برق-کنترل دانشگاه ویرجینیای غربی ایالات متحده آمریکا است. هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق و پژوهشگر پژوهشکده الکترونیک دانشگاه علم و صنعت ایران است. او به خاطر اولین تلاش‌ها برای توسعه و نفوذ شبکه اینترنت در ایران به ویژه در نقاط روستایی، به **پدر فناوری اطلاعات ایران** شهرت یافته‌است. صاحب نظریه موج چهارم در فضای (عصر) مجازی و از استادان مشهور و ماهر در بیان علوم رایانه، فناوری اطلاعات، شبکه و اینترنت در جهان است.

در بیستم اردیبهشت ۱۳۹۵ همایشی جهت تجلیل از مقام علمی جلالی در دانشگاه شاهرود برگزار شد. سید حسن حسینی نماینده مردم شاهرود و میامی در مجلس دهم پیامی به این همایش فرستاد که ضمن تشکر از برگزارکنندگان همایش به بیان و توصیف جایگاه جلالی و تقدیر و تجلیل وی پرداخت.



علی جوان ۱۳۴۷

|          |                                                                                                                                                                                               |
|----------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زاده     | ۵ دی ۱۳۰۵ تهران، ایران                                                                                                                                                                        |
| درگذشت   | ۲۲ شهریور ۱۳۹۵<br>۱۲ سپتامبر ۲۰۱۶ (۸۹ سال)<br>لس آنجلس، کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا                                                                                                        |
| پیشه     | فیزیک                                                                                                                                                                                         |
| جایزه ها | مدال بنیاد «فمنی و جان هرترز»<br>مدال فردریک ایوز<br>جایزه جهانی علمی آلبرت انیشتین<br>مدال استوارت بالنتاین انجمن فرانکلین<br>انتخاب بعنوان دوازدهمین نابغه زنده دنیا توسط نشریه دیلی تلگراف |

**علی جوان** (زاده ۵ دی ۱۳۰۵، تهران – درگذشته ۲۲ شهریور ۱۳۹۵) فیزیکدان و مخترع ایرانی است که نخستین لیزر گازی هلیوم-نئون جهان، ساخته وی می‌باشد. او استاد بازنشسته دانشکده فیزیک دانشگاه ام‌آی‌تی و ساکن ایالات متحده آمریکا بود.

علی جوان در دسامبر ۱۹۶۰ نخستین لیزر گازی دنیا را اختراع کرد که ترکیبی از دو گاز هلیوم و نئون بوده و به همین خاطر با نام لیزر هلیوم-نئون نامیده می‌شود. این لیزر از نوع لیزرهای بی خطر به حساب می‌آید و رنگ آن سرخ است و در آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها برای بررسی پدیده‌هایی مانند تداخل امواج و آزمایش دو شکاف یانگ کاربرد دارد.

### پیشینه

علی جوان از والدینی آذری اهل تبریز، در تهران به دنیا آمد. او از سن ۵ سالگی شیفته ریاضیات و بازی با اعداد بود. دوران دبیرستان را در دبیرستان البرز گذراند. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران انجام داد. سپس در سال ۱۹۴۸ (میلادی) به ایالات متحده آمریکا رفت و تحصیلات خود را در مقطع دکترای فیزیک در دانشگاه کلمبیا ادامه داد. جوان به هنر و به ویژه به موسیقی هم عشق می‌ورزید و در کلاس‌های هنری دانشگاه کلمبیا شرکت می‌کرد. خودش گفته است موسیقی باخ جلوه‌ای از عالم ریاضی است.

جوان در سال ۱۹۵۸ که عضو گروه تحقیقاتی آزمایشگاه بل بود، اصول لیزر گازی را پایه گذاشت. دو سال بعد، دقیقاً در ساعت ۴ و بیست دقیقه بعد از ظهر دوازدهم دسامبر سال ۱۹۶۰ درحالی‌که برف سنگینی شروع به باریدن کرده بود، موفق شد لیزر گازی هلیوم-نئون را ابداع کند. نام دو تن از همکاران وی «ویلیام بهنت» و «دونالد هریوت» بود.

جوان فردای آنروز لیزر گازی را به وسیله فرستادن پیغامی تلفنی امتحان کرد و برای نخستین بار در تاریخ، یک مکالمه تلفنی به وسیله یک لیزر نوری انجام شد. تاریخ دقیق آن رویداد، ۱۳ دسامبر سال ۱۹۶۰ بود.

وی در سال ۱۹۶۱ با درجه دانشیاری به عضویت هیئت علمی مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) درآمد و در سال ۱۹۶۴ به عنوان استاد منصوب شد. او تا قبل از فوت، استاد بازنشسته مؤسسه فناوری ماساچوست در ایالات متحده آمریکا بود. گرایش وی در فیزیک اتمی-مولکولی و ایتیک است. نام علی

جوان در کنار بزرگان فیزیک جهان همانند تئودور میمن، نیکولای باسوف، گوردون گولد، آرتور لئونارد شالو، رابرت دیک، سی کومار ان پاتل (لیزرشناس هندی)، احمد زویل (دانشمند مصری که جایزه نوبل شیمی را در سال ۱۹۹۹ برد)، دنیس گابور، (برنده نوبل فیزیک در سال ۱۹۷۱)، نیکلاس بلومبرگن، چارلز هارد تاونز و الکساندر میخایلوویچ پروخورف در تاریخ علم ثبت شده است.

### لیزر گازی

لیزرهای گازی نوع ویژه‌ای از لیزر است که در آن گازی درون یک لوله شفاف، مانند لامپ مهتابی، می‌رود. عبور جریان از این لوله باعث رفت و آمد فوتون می‌شود. یعنی جریان الکتریکی، برای تولید نور، در یک گاز تخلیه می‌شود. نخستین نوع این لیزرها هلیوم-نئون بود که در لیزرهای خانگی و مدارس کاربرد دارد. لیزر گازی جوان نخستین لیزری بود که به صورت مداوم کار می‌کرد و باعث شد که در جهان جلب توجه کرده، پایه‌ای برای تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد.

نوع دیگر لیزر، لیزر دی‌اکسید کربن ( $CO_2$ ) است که می‌تواند نور لیزری بسیار پر قدرت تولید کند و در رادارها بکار برده می‌شود. همچنین، در صنایع جوشکاری و نیز برای ساخت دقیق مواردی که برای بیماران قلبی استفاده می‌شود، قابل استفاده است. در محفظه این لیزر هلیوم و مقداری نیتروژن هم هست. گاز نیتروژن، انرژی الکترونها را ذخیره می‌کند. پس از برخورد مولکول‌های نیتروژن به مولکول  $CO_2$  این انرژی انتقال می‌یابد و مولکول‌های  $CO_2$  برانگیخته می‌شوند. گاز هلیوم به انتقال انرژی کمک می‌کند و سبب می‌شود تا مولکول‌های دی‌اکسید کربن زودتر به ترازهای انرژی عادی یا حالت عادی خود برگردند.

لیزر گازی یک نقطه عطف در تاریخ فناوری‌های نوین دنیا به حساب می‌آید. جوان قبل از اختراع لیزر گازی، تئوری لیزر سه سطحی را پایه‌گذاری کرد و اهمیت همگرایی فازی را در این وسیله مایکروویو (ریزموج) نشان داد. این عمل، ایده لیزر بدون پراکندگی را معرفی کرد و او بعداً این ایده را در استفاده از اثر رامان تحریک شده گسترش داد که نهایتاً منجر به بسط نوظهور رژیم نوری شد.

پژوهش‌های جوان باعث ایجاد بزرگترین تحقیق لیزری در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی شد و پس از آن بسیاری از بنیان‌های اولیه در استفاده از لیزر به وقوع پیوست. این بنیان‌ها شامل ابداعات زیادی در زمینه اسپکتروسکوپی لیزری، نخستین استفاده از لیزر برای آزمایش دقیق نسبیت خاص، و ایزوتروپی در فضا؛ ابداع تکنولوژی اندازه‌گیری فرکانسی دقیق در طیف نوری و نخستین ساخت ساعت‌های اتمیک لیزری شد.

### علی جوان، چارلز هارد تاونز و آرتور لئونارد شالو

هنگامی که علی جوان کار روی لیزر گازی را آغاز کرد، دو محقق دیگر چارلز هارد تاونز (استادش) و آرتور لئونارد شالو راهی دیگر را برای دستیابی به لیزر پی گرفتند. نظریه آن‌ها مبنی بر این اساس بود که نور لیزرها را می‌توان توسط مکش با یک منبع نور زیاد استخراج کرد؛ نظریه‌ای که اکنون به عنوان «پمپ کردن لیزرهای نوری» شناخته می‌شود. جوان اما به جای استفاده از یک منبع نور قوی، از جریان‌های برقی که انرژی الکتریکی را تبدیل به نور لیزری می‌کند، استفاده کرد.

### نخستین سمپوزیوم لیزر

در سال ۱۹۷۱ بسیاری از فیزیکدانان جهان، از جمله علی جوان، چارلز هارد تاونز (برنده جایزه نوبل فیزیک)، الکساندر میخایلوویچ پروخورف، (برنده جایزه نوبل فیزیک)، سر جیو پریرا پورتو، نیکولاس برومن برگن، بوریس استوچف، پییریاکویی نوت، رایموند کیدر، آرتور لئونارد شالو... و ده‌ها فیزیکدان دیگر به ایران آمدند و در نخستین سمپوزیوم لیزر (سمپوزیوم در فیزیک بنیادی و کاربردی لیزر)، شرکت نمودند. در مورد این سمپوزیوم علاوه بر گزارش Atomic Coherent States in Quantum Optics و کتاب Highly Excited States of the Helium یک کتاب

کوچک ۱۳۳ صفحه‌ای از «آبراهام هرتزبرگ» با عنوان Developments in High Power Laser Research و یک جزوه ۱۸ صفحه‌ای که «ویلیام ژوزف کوندل» منتشر نموده، کتاب قطوری هم در ۹۶۰ صفحه منتشر شده است.

در این مجمع علمی از تلاش‌های تئودور میمن کاشف لیزر جامد یاد شد. در نخستین سمپوزیوم لیزر در مورد تحقیقات نظری مبنی بر امکان نشر لیزری در ناحیه پرتو ایکس تبادل نظر شد و جوان درباره رزونانس‌های اتمی و مولکولی در بیناب‌نمایی لیزری صحبت کرد و از جمله یادآور شد که امروزه می‌توان پهنای وسیعی از بسامدهای امواج الکترومغناطیس در گستره ماکروویو تا فروسرخ دور و فروسرخ نزدیک را ترکیب و مقایسه کرد و با کمک روش‌های شناخته شده، گستره این طیف را به ناحیه مرئی کشید.

علی جوان در این گردهمایی گفت که اکنون امیدوارانه به دنبال آن هستیم که در دهه کاربرد بیناب‌نمایی و دستیابی به دقت در اندازه‌گیری با مرتبه‌های بسیار بالا، از این شیوه‌ها بهره‌برداری کنیم. برای این کار باید به عناصر ساده بازگردیم و بیناب‌نمایی آن‌ها را دوباره بررسی کنیم. اتم هیدروژن و هلیوم خنثی و یونیده باید دوباره مورد بررسی قرار گیرند. این کار مطمئناً به تعیین دگرباره ثابت پایای ریدبرگ و دیگر ثابت‌ها و فرایندهای بنیادین، با دقتی بیشتر منجر می‌شود و به زودی مقدار نهایی سرعت نور را به دست خواهیم آورد. این امر به همراه توانایی ما در اندازه‌گیری دقیق بسامد در ناحیه مرئی و فرو سرخ منجر به دستیابی به ساعت‌های اتمی بسیار پیشرفته خواهد شد. این موفقیت می‌تواند آزمون‌های بهتری در ارتباط با قوانین بنیادین طبیعت و حتی پیش‌بینی‌هایی از نسبیت عام را به دست دهد.

این سمپوزیوم ۲۹ آگوست – ۵ سپتامبر ۱۹۷۱ با حمایت دانشگاه صنعتی شریف تهران و با همکاری دانشگاه اصفهان و مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) در دانشگاه اصفهان برگزار شد.

## افتخارات

- علی جوان عضو آکادمی ملی علوم و آکادمی هنر و علم آمریکا و عضو افتخاری مؤسسه تریسته Trieste برای ترویج علوم است.
- جوان شاگرد چارلز تاونز است که در سال ۱۹۶۴ به همراه الکساندر میخایلوویچ پروخوروف و نیکولای گنادیوویچ باسوف جایزه نوبل فیزیک را دریافت کردند.
- جوان در سال ۱۹۶۰ موفق به اختراع لیزر گازی شد و در سال ۱۹۶۴ برای تحقیقات در زمینه لیزرهای گازی، مدال استوارت بالنتاین را از انستیتو فرانکلین دریافت نمود.
- در سال ۱۹۶۶ برنده مدال بنیاد «فنی و جان هرتز» شد و به عنوان Guggeheim Fellow شناخته شد.
- این فیزیکدان ایرانی در سال ۱۹۷۵ مهم‌ترین نشان انجمن نورشناسی آمریکا یعنی مدال فردریک ایوز را از انجمن اپتیکال دریافت کرد. در جمله‌ای که در کنار این نشان حک شده است از آقای جوان به خاطر «پدیدآوردن یک دستگاه نورشناختی (لیزر گازی) با کاربردهای بی‌سابقه در پژوهش‌های علمی» قدردانی فراوان شده است.
- در سال ۱۹۷۹ به عنوان Humboldt Foundation Fellow شناخته شد.
- جوان در سال ۱۹۹۳ جایزه علمی جهانی آلبرت اینشتین را دریافت نمود.
- مجدداً در سال ۱۹۹۵ به عنوان Humboldt Foundation Fellow شناخته شد.
- او همچنین در سال ۲۰۰۷ رتبه دوازدهمین انسان نخبه را در جهان از سوی نشریه تلگراف کسب کرد.

## نامگذاری روز لیزر

در ایران پنجم دی روز لیزر به نام علی جوان نامگذاری شده است. مناسبتی که برای نامگذاری این روز در نظر گرفته شد، مصادف با روز تولد وی می باشد.

علی حاجی میری



محل زندگی ایالات متحده آمریکا

محل  
تحصیل دانشگاه صنعتی شریف (B.S.)  
دانشگاه استنفورد (M.S.)، پی‌اچ‌دی

جایزه ها  
National Academy of Inventors  
(NAI) (2015), Fellow;  
Microwave Prize (2015);  
Excellence in Teaching Award:  
Associated Students of California  
Institute of Technology (2014);  
National Blavatnik Award for  
Young Scientists, Finalist (2014);  
Distinguished Lecturer of IEEE  
Solid-State Circuits Society,  
(2011); Institute of Electrical and  
Electronics Engineers, Fellow  
(2010); Distinguished Lecturer of  
IEEE Microwave Society (2007);  
Teaching and Mentorship Award:  
Graduate Student Council,

California Institute of Technology  
(2005); Excellence in Teaching  
Award: Associated Students of  
California Institute of Technology  
(2004); Technology Review  
Magazine TR35 Top Young  
Innovator (2004); IBM Faculty  
Partnership Award (2003); NSF  
Career Award (2002); Bronze  
Medal of the 21st International  
Physics Olympiad (1990);  
Gold Medal (absolute winner),  
National Physics Olympiad  
(1990);

## پیشینه علمی

رشته(های) مهندسی برق  
فعالیت

محل کار مؤسسه فناوری کالیفرنیا

استاد Thomas H. Lee  
راهنما Bruce A. Wooley

دانشجویان Ichiro Aoki  
دکتری Donhee Ham

Hui Wu

Hossein S. Hashemi

Roberto Aparicio Joo

Christopher White

Behnam Analui

Xiang Guan

Abbas Komijani

Ehsan Afshari

James Buckwalter

Arun Natarajan

Aydin Babakhani

Edward Keehr

Yu-Jiu Wang

Florian Bohn

Kaushik Sengupta

Steven Bowers  
Kaushik Dasgupta

**علی حاجی میری** استاد، مخترع و کارافرین در حوزه مهندسی برق است که در حال حاضر دارای کرسی استادی تامس جی. مایرز مهندسی برق در مؤسسه فناوری کالیفرنیا (کلتک) است. ایشان متولد نیشابور هست و به همراه رضا سعدابادی (که ایشان هم متولد نیشابور هست) دو دانشمند فرهیخته از ایران بوده اند که جوایز زیادی را بعنوان مهندس برق کسب کرده اند و چند سالی بعنوان استاد در دانشگاه استنفورد مشغول به کار بودن.

دکتر حاجی میری در بیانه ای بارها گفته است: (اگر نیشابور سازماندهی شود نواغ زیادی را به عرصه علم معرفی خواهد کرد).

او لیسانس مهندسی برق خود را از دانشگاه صنعتی شریف و فوق لیسانس و پی‌اچ‌دی خود را از دانشگاه استنفورد دریافت کرد. او در آزمایشگاه‌های بل، نیمه‌هادی‌های فیلپس و سان مایکروسیتمز کار کرده‌است. در ۲۰۰۲ او به همراه دانشجویان سابق اش اکسیم مایکرودیوایسز را بر اساس اختراع ترانسفورماتر فعال توزیع شده که تجمیع تقویت‌کننده‌های سیماس آر اف مناسب تلفنهای همراه را در فناوری سیماس ممکن می‌کند، بنیان نهاد. او و دانشجویانش در ۲۰۰۴ اولین رادار-روی چیپ جهان را در فناوری سیلیکون نشان دادند. او در ۳۲ سالگی بعنوان یکی از ۳۵ نوآور برتر زیر ۳۵ سال جهان انتخاب شد. او عضو پیوسته آی‌تریبل ای و برنده جوایز بسیار دیگر است.

از وی کتاب‌های مهمی به قلم درآورده شده است از جمله: کتاب طراحی نویزهای کم نویز با همکاری یکی از همکارانش به نام توماس هیل لی که در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسید.

### علیرضا ربیع



**دکتر علیرضا ربیع**، در سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شد و پس از پایان مقطع تحصیلی دبیرستان، برای طی مراحل تحصیلات تکمیلی در سال ۱۹۶۶ به ایالات متحده رفت. «دانشگاه بین‌المللی ایران» از ابتکارات دکتر علیرضا ربیع فقید بود که بعدها با نام «مؤسسه آموزش عالی فارابی» سعی در اتصال و تبادل اطلاعات بین متخصصان ایرانی در داخل و خارج کشور داشت. وی حدود ۱۰ سال بر روی

پروژه دانشگاه مجازی در خاورمیانه، اروپا و ایالات متحده فعالیت می نمود. او همچنین یکی از پدیدآورندگان و روسای مجمع شهروندان خاورمیانه بود.

او به موضوعات شعر، نقاشی و سیاست علاقه مند بود و صفحه کارگاه شعر سورئال - Surreal Poetry Workshop را در FACEBOOK ایجاد نمود که همچنان نیز توسط همکاران و دوستان ایشان در حال فعالیت است.

وی در شانزدهم شهریور ماه ۱۳۹۶ پس از طی دوره ای بیماری سرطان، در ایالات متحده درگذشت.

### تحصیلات

- کارشناس ارشد معماری و شهرسازی - دانشگاه ایالتی کنت - اوهایو - ۱۳۵۲
- دکترای برنامه ریزی از دانشگاه بریتیش کلمبیا - ۱۳۵۶

### فعالیت ها

- مجری طرح جامعه مجازی خاور میانه - مرکز توسعه بین المللی دانشگاه مریلند
- مدیر اجرایی مؤسسه آموزش عالی فارابی - دانشگاه بین المللی ایران
- مؤسس و عضو هیفات مدیره تشکل های مردمی خاور میانه
- مدیر آموزش های الکترونیکی مرکز اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دانشگاه صنعتی شریف
- دبیر شورای راهبردی طرح ملی توسعه دانشگاه های مجازی کشور
- استاد درس دوره دکتری آموزش عالی (طراحی و مدیریت سیستم های اطلاعاتی) وزارت علوم
- مدیر طرح امکان سنجی و برنامه ریزی آموزش از راه دور دانشگاه پیام نور
- عضو کمیته راهبردی مراکز فناوری اطلاعات - معاونت آموزش و تحقیقات مخابرات
- عضو کمیته آموزش الکترونیکی تکفا
- تاجر طرح های فناوری اطلاعات آموزش و پرورش
- Vice President, Cypher Communications Technology, Rockville, MD. 1988-2001
- مجری طرح و رئیس دانشگاه صنایع دفاع - ۱۳۶۴
- مدیر برنامه ریزی فولاد اهواز - ۱۳۶۳
- مدیر برنامه ریزی شیلات جنوب - ۱۳۶۲
- مدیر برنامه ریزی مناطق ساحلی جنوب کشور - سازمان برنامه و بودجه - ۱۳۶۱
- دانشیار و معاون آموزشی دانشگاه فارابی ۶۲-۱۳۵۹
- دبیر کمیته برنامه ریزی آموزش عالی صنایع دفاع، نیروی دریایی، شیلات جنوب، کشتیرانی ۱۳۶۲
- عضو کمیته برنامه ریزی تأمین نیازهای اساسی - وزارت کشاورزی - ۱۳۶۱
- عضو کمیته برنامه ریزی معادن و فلزات - وزارت معادن و فلزات ۱۳۶۳
- نماینده دانشگاه های ایران در کمیسیون حفاظت و مرمت آثار تاریخی یونسکو ۶۱-۱۳۶۰
- مدیر فوق لیسانس بخش های معماری، شهرسازی و مرمت دانشگاه فارابی ۵۹-۱۳۵۶
- عضو هیئات علمی دانشگاه تهران - دانشکده معماری و شهرسازی ۵۶-۱۳۵۳
- عضو هیئات علمی دانشگاه تهران - مؤسسه علوم اجتماعی و توسعه ۵۶-۱۳۵۳
- دبیر کمیته ملی کنفرانس اسکان بشر سازمان ملل متحد - ۱۳۵۵
- مدیر گروه مطالعات شهری برنامہ ریزی منطقه ای - سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۳

## تدریس

- تدریس درس دوره دکتری آموزش عالی (طراحی و مدیریت سیستم اطلاعاتی) - وزارت علوم
- دانشیار دانشگاه فارابی، معماری و شهرسازی، استاد راهنما، عضو کمیته دفاع رساله‌ها، ۶۲-۱۳۵۶
- دانشگاه تهران: معماری و شهرسازی - در سطح فوق لیسانس شهرسازی ۵۶-۱۳۵۳
- دانشگاه تهران: مؤسسه علوم اجتماعی - علوم توسعه در سطح فوق لیسانس ۵۶-۱۳۵۳
- دانشگاه علم و صنعت - معماری و شهرسازی - ۱۳۶۱
- دانشگاه ایالتی کنت - معماری ۵۲-۱۳۵۰
- کالج مهندسی میدوست شیکاگو - فوق لیسانس شهرسازی ۱۳۵۲

## تالیفات

- Tehran Cosmopolitan, A Case Study of Urbanization and Technology  
Kent State University, Kent, Ohio, 1973
- Decentralized Spatial Planning, Kerman Region, A Case Study  
University of British Columbia, Vancouver, British Columbia, Canada, 1975
- مروری بر مفاهیم توسعه، پژوهشکده علوم اجتماعی و توسعه، تهران، ۱۳۵۶
- توسعه موزون و عمران منطقه، دانشگاه فارابی، ۱۳۵۶
- خطوط کلی مشی توسعه، زمینه‌های اشتغال در کوتاه مدت، دفتر آمایش، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۰
- چشم‌انداز نیازهای آموزش عالی، توزیع استانی نیازها و امکانات، دانشگاه فارابی، ۱۳۶۱
- برنامه بلند مدت فولاد و مراحل تکمیل فولاد اهواز، وزارت معادن و فلزات، ۱۳۶۴
- امکانات بهره‌گیری از آبزیان خلیج فارس و دریای عمان، وزارت کشاورزی، شیلات جنوب، ۱۳۶۳ (۴ جلد)
- برنامه صید صنعتی ایران، وزارت کشاورزی، شیلات جنوب، ۱۳۶۲
- برنامه کارشناسی ارشد طراحی محیط، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مرمت آثار و ابنیه، دانشگاه فارابی، ۱۳۵۹
- برنامه کلان فیزیکی/ فضایی منطقه ای کرمان، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۳
- برنامه کلان فیزیکی/ فضایی منطقه ای یزد، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۳
- گزارش ملی «جمعیت و مسکن» و چشم‌انداز توسعه شهری برای کنفرانس اسکان بشر سازمان ملل، ۱۳۵۴
- برنامه آموزش عالی و طرح تأسیس دانشگاه صنایع دفاع، سازمان صنایع دفاع، ۱۳۶۴
- برنامه‌ریزی بمفهوم یک حرفه، ترجمه اثر جان فریدمن، دانشگاه فارابی، ۱۳۶۰
- فیلسوفان دنیانگر - زندگی و مکتب اندیشمندان اقتصاد سیاسی، ۱۳۸۱ (ترجمه و تلخیص - زیر چاپ)
- انتقال و توسعه فناوری «ای-فراگیری»، ۱۳۸۲
- توانمند سازی محله ای و احیای بافت‌های سنتی شهری، ۱۳۸۱
- شهر سازی و عدالت اجتماعی، ریشه‌های اقتصادی فرسایش بافت‌های سنتی، ۱۳۸۲
- شهر الکترونیکی رامسر - ۱۳۸۲

- تحول ساختار آموزش عالی در قرن بیست و یکم – ۱۳۸۲

## مسئولیت‌ها

- مؤسس و ریاست مؤسسه آموزش عالی فارابی
- پدیدآورنده، مجمع شهروندان خاورمیانه (MECA)
- عضو هیئت‌مدیره، انجمن صلح ایران-آمریکا
- محقق، مرکز جهانی توسعه و حل مناقشه، دانشگاه مریلند، کلج پارک، مریلند.



علیرضا مشاقی، دانشمند ایرانی متولد بابل

علیرضا مشاقی طبری پزشک، استاد دانشگاه و دانشمند ایرانی دانشگاه لیدن هلند است. او از پیشگامان پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و بنیانگذار تحصیلات دو رشته‌ای در ایران است. او در سال ۲۰۱۸، به عنوان کاشف سال هلند انتخاب شد. وی همزمان پژوهشگر و استاد معین در دانشگاه هاروارد آمریکا و دانشگاه فودان چین می‌باشد.

مشاقی از پژوهشگران حوزه مطالعات تک‌مولکولی به ویژه در زمینه تاشدگی پروتئین‌هاست. بد تاخوردگی پروتئین‌ها منجر به بیماری‌های متعددی از جمله پارکینسون، آلزایمر، و سرطان می‌شود. در این مطالعات، از انبرک مولکولی برای دستکاری و اندازه‌گیری تاخوردگی یک تک‌مولکول پروتئین استفاده شده‌است. در سال ۲۰۱۶، مشاقی و همکاران ثابت کردند که پروتئین شپرون Hsp70 قادر است تا از پروتئین‌ها در حالت تاخورده نیز محافظت کند و بدین ترتیب باور قدیمی متخصصان را به چالش کشیدند که معتقد بودند که Hsp70 تنها می‌تواند پروتئین‌های تانخورده، یا آنهایی را که زنجیره پلی‌پپتیدی آزاد و نمایان دارند، محافظت کند.

نتایج این مطالعات به مدلی جدید برای تاخوردگی پروتئین‌ها توسط شپرون‌ها در سلول منجر شد. تحقیقات مشاقی در حوزه فیزیک نظری، عمدتاً بر توپولوژی مولکولی و توپولوژی شبکه‌ها متمرکز است. علاوه بر این، وی کارهای متعددی در زمینه غشاهای نازک و فناوری نانو انجام داده است. از جمله در سال ۲۰۰۸، مشاقی و همکارانش در دانشگاه فدرال زوریخ و شرکت فارفیلد، روشی اپتیکی برای مطالعه فیلم‌های پلیمری و غشاهای لیپیدی ابداع کردند و در سال ۲۰۲۰ نخستین میکروچیپ بیماری ویروسی ابولا را ساختند. در حوزه چشم‌پزشکی، عمده کارهای او در حوزه بیماری‌های

قرنیه و سطح چشم و به‌ویژه بیماری‌های التهابی چشم متمرکز بوده‌است. از جمله در سال ۲۰۱۸، مشاقي و همکاران کشف کردند که سلول‌های بنیادی می‌توانند ایمنی ذاتی را تنظیم کنند و می‌توانند به عنوان ابزاری بی‌خطر و مؤثر برای مهندسی پاسخ‌های ایمنی مطلوب مورد استفاده قرار گیرند. نتایج تحقیقات او طی مقالات متعددی در مجلاتی از جمله نیچر (Nature) منتشر شده‌است.

مشاقي جوایز متعددی، از جمله لوح تقدیر انجمن شیمی آمریکا، جایزه پژوهشگر جوان تیفاس آمریکا (TFOS Young Investigator Award)، جایزه بهترین مقاله امدی‌پی‌ای سوییس، و Excellence in Science AAAS/Science Program for دریافت نمود. همچنین ایشان برنده جایزه یک میلیون و دویست هزار دلاری سازمان پژوهش‌های ملی هلند (NWO) برای پژوهش‌های تک سلولی بر روی سرطان و جایزه سیصد هزار دلاری مرکز دیستروفی عضلانی (MDA) آمریکا شده‌اند. وی در سال ۲۰۱۸، به خاطر پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و تک مولکولی به عنوان کاشف سال انتخاب گردید.

مشاقي در دانشگاه متعددی از جمله دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه فدرال زوریخ (ETH Zurich)، دانشگاه صنعتی دلفت، دانشگاه لیدن، دانشگاه هاروارد، دانشگاه استنفورد و مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) پژوهش و تدریس کرده‌است. مشاقي دوره دکتری پزشکی را در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و دوره فلوشیپ پژوهشی چشم‌پزشکی را در دانشگاه هاروارد گذراند. همچنین همزمان با تحصیل در رشته پزشکی، دوره کارشناسی شیمی را در دانشگاه تهران به پایان برد و در دوره کارشناسی ارشد بیوفیزیک مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک دانشگاه تهران و در دوره کارشناسی ارشد فیزیک دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف تحصیل کرده‌است. او دوره پسا کارشناسی ارشد را در رشته مهندسی مواد در دانشگاه فدرال زوریخ به پایان رساند و همچنین فارغ‌التحصیل دوره دکترای فیزیک دانشگاه صنعتی دلفت هلند می‌باشد.

او ویراستار مجلات متعددی از جمله NanoResearch، Reports Scientific، Frontiers in Medicine و Physics می‌باشد.

علیرضا مشاقي با مراکز دانشگاهی و فرهنگی مختلفی در ایران از جمله دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه شیراز و برخی بیمارستان‌ها همکاری دارد.

علی گرجی پزشکی



|               |                                                                                                                                                  |
|---------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زاده          | ۲۳ آبان ۱۳۴۵<br>مشهد                                                                                                                             |
| محل زندگی     | مونستر، آلمان                                                                                                                                    |
| پیشه          | استاد و رئیس مرکز علوم اعصاب                                                                                                                     |
| کارهای برجسته | بنیان‌گذار مرکز علوم اعصاب<br>شفا در تهران و مرکز تحقیقات علوم اعصاب رضوی و مرکز سرطان مهر رضوی و دیارتمان علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی در مشهد |
| مذهب          | اسلام شیعه                                                                                                                                       |

**امیر علی گرجی** (۱۴ نوامبر ۱۹۶۶، مشهد) استاد و رئیس «مرکز تحقیقات صرع دانشگاه مونستر» آلمان و بنیان‌گذار مرکز علوم اعصاب شفا در تهران و مرکز تحقیقات علوم اعصاب رضوی در مشهد است. وی همچنین در درمان مجروحان جنگ ایران و عراق در بیمارستانهای مختلف ایران فعالیت داشته‌است. وی در سال ۱۳۹۴ مرکز سرطان مهر رضوی و در سال ۱۳۹۵ دیارتمان علوم اعصاب دانشکده پزشکی مشهد را راه اندازی کرد.

وی تحصیلات خود را در دانشگاه علوم پزشکی مشهد به پایان رسانده و برنامه‌های پژوهشی خود را در «دانشگاه مونستر» آلمان و «مرکز آسیب نخاعی و تحقیقات بالینی دانشگاه پزشکی سن دیه گو» گذراند.

وی فعالیت‌های تحقیقی و مقالات فراوانی پیرامون بیماری صرع، سردردهای میگرنی، ضربات سیستم عصبی و سلولهای بنیادین انسانی داشته‌است. همچنین عمل جراحی مغز بدون بیهوشی به سرپرستی وی در بیمارستان خاتم تهران انجام گرفت.

طرحهای ایمنی جاده ای، اضطراب زدایی از جامعه ایرانی، التهاب سیستم عصبی و مدیریت استعدادها توسط وی در ایران در حال اجرا می‌باشد.

#### فعالیت‌ها و سمت‌ها

- استاد و رئیس مرکز تحقیقات صرع دانشگاه مونستر آلمان
- ریاست کلینیک مجروحین شیمیایی در بیمارستان بنت الهدی در استان خراسان
- سردبیر نشریه پزشکی علوم اعصاب شفاي خاتم
- ریاست دیارتمان علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- دستیار ارشد مرکز فیزیولوژی اعصاب دانشکده مونستر آلمان
- بیست و یکمین کرسی پژوهشی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور
- عضو منتخب لیگ بین‌المللی مبارزه با صرع (ILAE)

### مکاتبه با دبیر کل سازمان ملل پیرامون تحریم‌ها

به ابتکار وی نامه‌ای با امضای ۷۰ تن از پزشکان برتر جهان برای دبیر کل سازمان ملل در اعتراض به اثر گذاری تحریم‌های سازمان ملل علیه برنامه اتمی ایران بر روی بهداشت و سلامتی مردم ایران و عدم رسیدن داروها و لوازم پزشکی مورد نیاز به ایران ارائه گردید. بان کی مون دبیرکل سازمان ملل در نامه‌ای خطاب به پروفیسور علی گرجی رئیس بخش تحقیقات صرع دانشگاه مونستر آلمان ضمن تشکر از دادخواست او در خصوص "منع تحریم‌های دارویی علیه ایران"، نوشته است:

«اینجانب اخبار مربوط به تأثیرات تحریم‌ها بر روی نظام بهداشت در ایران را با جدیت پیگیری کرده و این پیگیری‌ها را ادامه می‌دهم تا اطمینان حاصل نمایم که تحریم‌ها با روشی عادلانه و شفاف برای اعطای معافیت‌های انسان‌دوستانه از جمله ارائه دارو و تجهیزات پزشکی به ایران اعمال می‌شود. من همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران را ترغیب می‌نمایم تا با سفر گروه‌های مستقلی نظیر متخصصین در شورای حقوق بشر سازمان ملل، در خصوص تأثیرات تحریم‌ها به ایران موافقت نمایند تا با بررسی‌های بیشتر بتوانند گزارش‌های دقیق‌تری را در این خصوص ارائه نمایند.

### انتقاد از پزشکان ایرانی و شکایت سازمان نظام پزشکی

وی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس در فروردین ۱۳۹۴ به نقد عملکرد پزشکان ایرانی، بی اخلاقی، عدم تخصیص زمان مناسب برای ویزیت بیمار و همچنین مقایسه درآمد بسیار بالای پزشکان مغز و اعصاب ایرانی حتی در مقایسه با پزشکان آلمانی پرداخت. وی در بخشی از مصاحبه خود گفت: «سرویزی که پزشکان ایرانی ارائه می‌کنند ۵ درصد سرویس پزشکان آلمانی است و من واقعاً متأسفم که در سیستم پزشکی چند سال اخیر مواردی دیده شده که جای تأسف دارد... حلقه مفقوده جامعه پزشکی امروز اخلاق است و تا زمانی که این مسئله درست نشود بهترین امکانات و بهترین اموال پزشکی نیز برای کشور هیچ فایده‌ای در پی نخواهند داشت... ساعت کاری یک جراح مغز و اعصاب در آلمان از ساعت ۷ صبح تا ۱۶ است و معمولاً این افراد یکی دو ساعت نیز بیشتر کار می‌کنند بدون آن که اضافه حقوقی دریافت کنند. آن‌ها رابطه میان ویزیت، پول و بیمار را از بین برده‌اند و در آنجا برخلاف ایران از کارانه خبری نیست. به‌طور مثال درآمد ماهیانه یک جراح درجه یک مغز و اعصاب با تمام درآمدهای بخش خصوصی، دولتی، زیرمیزی‌ها و ... ۴ یا ۵ برابر یک پزشک آلمانی است.» این مصاحبه بازتاب فراوانی در رسانه‌های ایران یافت که همزمان با آن پخش سریال در حاشیه توجه جامعه به نقد پزشکان ایرانی را جلب کرده بود. اما رئیس سازمان نظام پزشکی (علیرضا زالی) از پروفیسور گرجی به معاونت انتظامی سازمان نظام پزشکی شکایت کرد !!!

علی ملک حسینی



|              |                                                   |
|--------------|---------------------------------------------------|
| متولد        | ۱۳۲۸ خورشیدی<br>روستای چشمه چنار شهرستان بویراحمد |
| جوایز برجسته | چهره‌های ماندگار                                  |

**سیدعلی ملک‌حسینی** (بویراحمدی) جراح و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و از چهره‌های ماندگار، همچنین از اعضای اولیه کادر پزشکی بیمارستان دنا در شیراز می‌باشد ایشان یکی از برگزیدگان دومین دوره جایزه علمی علامه طباطبائی بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۱ می‌باشند.

ملک‌حسینی نخستین پیوند کبد در ایران از فرد زنده به زنده را انجام داد و در دائرةالمعارف پزشکی به عنوان پدر پیوند کبد در ایران معرفی شد. وی در سپتامبر ۲۰۲۰ یکی از چهار دانشمندی بود که به دلیل تأثیر شگرف در پیشرفت دانش پیوند، جایزه انجمن جهانی پیوند اعضا را دریافت کرد.

### زندگی‌نامه

سید علی ملک‌حسینی فرزند سید حبیب اله ملک‌حسینی و نوه سید صدر الدین ملک‌حسینی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در روستای چشمه چنار شهرستان بویراحمد و در خانواده مذهبی و روحانی دیده به عالم هستی گشود. وی در روستای گوشه امامزاده قاسم و در جوار حرم جدش دوران نوجوانی خود را سپری نمود و در روستای مادوان در چند کیلومتری شهر یاسوج دوران دبستان خود را گذراند پدر و اجدادش از علمای بزرگ منطقه بودند به گونه‌ای که قریب به چهارصد سال مرجعیت دینی مردم را به عهده داشتند. وی پس از طی دوره متوسطه در شیراز به دانشسرای عشایری راه یافت و سپس به یاسوج بازگشت و به مدت دو سال در روستای مزدک به حرفه معلمی اشتغال داشت در سال ۱۳۵۰ جهت انجام خدمت سربازی به دورترین نقاط مسجد سلیمان اعزام شد.

به دلیل علاقه وافر به تحصیل دروس مختلف و تحقیق پرداخت سپس در آزمون کنکور شرکت و به رشته دامپزشکی دانشگاه تهران راه یافت این دوران مصادف شد با مرگ نابهنگام مادرش که بر اثر بیماری کبد درگذشت. وی که از شوق خدمت به هموطنان لبریز بود در همان سال مجدداً در آزمون کنکور شرکت و در سال ۱۳۵۳ در رشته پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد وی دوران پزشکی عمومی خود را با رتبه ممتاز گذراند و پس از اتمام دوره پزشکی دوره طرح خود را به مدت یکسال در شهر یاسوج گذراند. ایشان پس از شرکت در آزمون دستیاری دانشگاه شیراز موفق به اخذ تخصص جراحی عمومی با رتبه ممتاز گردید. وی دوره فوق تخصصی جراحی عروق و پیوند کلیه را در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران گذراند و در همان سال به عنوان استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز به تدریس مشغول شد در سال ۱۳۶۹ جهت طی دوره فوق تخصصی پیوند کبد راهی آمریکا شد و پس از بازگشت به ایران تیم پیوند کبد را در بیمارستان نمازی شیراز تشکیل داد در اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ نخستین پیوند کبد در ایران و خاورمیانه را به انجام رساند و لقب پدر پیوند کبد در ایران را از آن خود نمود.

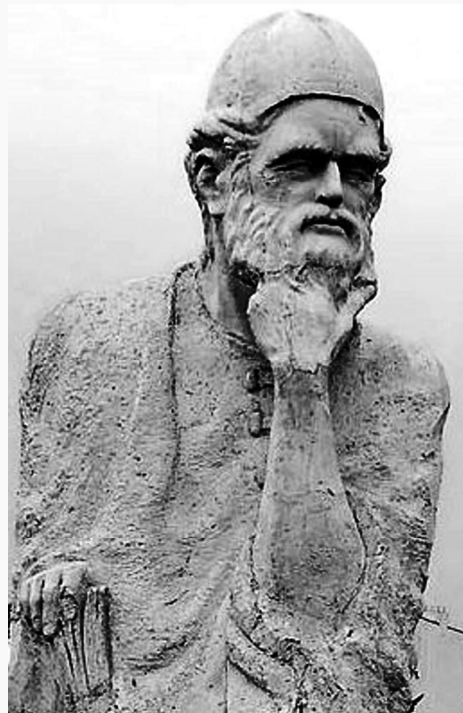
وی دوره تکمیلی پیوند کبد را در ایران و بسیاری از کشورها از جمله انگلستان سپری نمود و در دومین دوره چهره‌های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه جراحی عروق و پیوند اعضای حیاتی شناخته شد در راستای خدمات علمی اولین پیوند کبد از انسان زنده به انسان زنده و اولین پیوند کبد به دو نفر از آثار اوست. وی به همراه همکاران پیوند دانشگاه علوم پزشکی شیراز بیمارستان خیریه ابن سینا را پایه‌ریزی کرد.

## مسئولیت‌ها

1. ریاست بیمارستان شهید فقیهی (سعدی) شیراز
2. معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
3. ریاست دانشگاه علوم پزشکی شیراز
4. عضو هیئت ممکنه (بورد) تخصصی جراحی کشور
5. عضو هیئت امناء دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
6. عضو هیئت امناء دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج
7. عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران
8. عضو انجمن پیوند اعضاء ایران
9. عضو انجمن پیوند اعضاء خاورمیانه
10. عضو انجمن پیوند اعضاء اروپا
11. رئیس انتخابی پیوند اعضاء خاورمیانه برای چهار سال
12. عضو هیئت امناء پژوهشی مخترعین و مکتشفین دفتر نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران

## بیمارستان ابن سینا

وی یکی از بنیانگذاران بیمارستان پیوند اعضا ابوعلی سینا شیراز است.



عمر خیّام

نام اصلی غیاث‌الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری

زمینه کاری ریاضیات، اخترشناسی، شعر، فلسفه، دین، تاریخ، گاهشماری، موسیقی

۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ خورشیدی، ۴۴۰ قمری،

زادروز

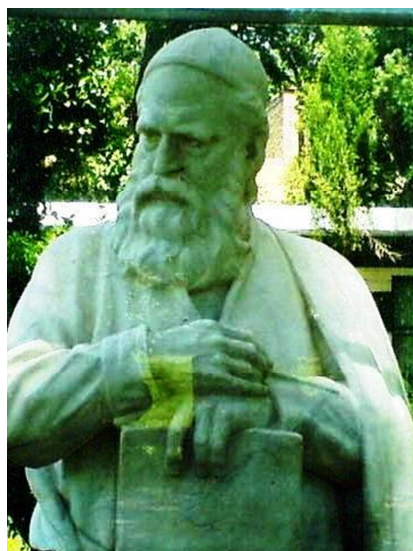
|                                     |                                                                                                                                                        |
|-------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۸ مه ۱۰۴۸ میلادی<br><u>نیشابور</u> |                                                                                                                                                        |
| پدر و مادر                          | ابراهیم خیام نیشابوری                                                                                                                                  |
| مرگ                                 | ۵۱۰ خورشیدی، ۵۳۶ قمری،<br>۱۱۳۱ میلادی<br><u>نیشابور</u>                                                                                                |
| محل زندگی                           | <u>حیره نیشابور</u>                                                                                                                                    |
| جایگاه                              | <u>قبرستان حیره نیشابور: آرامگاه خیام</u>                                                                                                              |
| در زمان<br>حکومت                    | <u>سلجوقیان</u>                                                                                                                                        |
| رویدادهای<br>مهم                    | سقوط دولت آل بویه، قیام دولت <u>سلجوقی</u> ، جنگ‌های صلیبی،<br><u>ظهور باطنیان</u>                                                                     |
| نامهای<br>دیگر                      | خیامی، خیام نیشابوری، خیامی النیسابوری                                                                                                                 |
| لقب                                 | حکیم، حجة الحق، امام عصر، جانشین ابن سینا                                                                                                              |
| کتاب‌ها                             | رسالة فی شرح ما اشکل من مصادرات <u>اقلیدس</u> ، رساله مشکلات<br>الحساب) مسائل در <u>حساب</u> ، القول علی اجناس التي<br>بالاربعاء) درباره <u>موسیقی</u> |
| نوشتارها                            | <u>رساله در جبر</u>                                                                                                                                    |
| دیوان<br>سروده‌ها                   | <u>رباعیات خیام</u>                                                                                                                                    |
| تخلص                                | خیام                                                                                                                                                   |
| فرزندان                             | نواده او: <u>شاهپور نیشابوری</u>                                                                                                                       |

|                                                                                                                                                                   |                 |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|
| نامیه نیشابور                                                                                                                                                     | دانشگاه         |
| ابن سینا، امام موفق نیشابوری                                                                                                                                      | شاگرد           |
| تدوین <u>تقویم جلالی</u> ، رباعیات، استاد بی‌بدیل فلسفه طبیعی (مادی)<br>ریاضیات، منطق و متافیزیک، <u>مثلث خیام-پاسکال</u> ، <u>چهار ضلعی</u><br><u>خیام-ساگری</u> | دلیل<br>سرشناسی |
| صادق هدایت بر این باور است که <u>حافظ</u> از تشبیهات خیام بسیار<br>استفاده کرده‌است.                                                                              | اثر گذاشته بر   |

**عمر خیام نیشابوری** (نام کامل: غیاث‌الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری) (زاده ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ خورشیدی در نیشابور - درگذشته ۱۲ آذر ۵۱۰ خورشیدی در نیشابور) که **خیامی** و **خیام نیشابوری** و **خیامی النیشابوری** هم نامیده شده‌است، فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و رباعی‌سرای ایرانی در دوره سلجوقی است. گرچه پایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی اوست و لقبش «حجة الحق» بوده‌است، ولی آوازه وی بیشتر به واسطه نگارش رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. افزون بر آن که رباعیات خیام را به اغلب زبان‌های زنده ترجمه نموده‌اند، ادوارد فیتزجرالد رباعیات او را به زبان انگلیسی ترجمه کرده‌است که مایه شهرت بیشتر وی در مغرب زمین گردیده‌است.

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان اصلاح گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره سلطنت ملک‌شاه سلجوقی (۴۲۶-۴۹۰ هجری قمری) بود، دانست. وی در ریاضیات، نجوم، علوم ادبی، دینی و تاریخی استاد بود. نقش خیام در حل معادلات درجه سوم و مطالعاتش درباره اصل پنجم اقلیدس نام او را به عنوان ریاضی‌دانی برجسته در تاریخ علم ثبت کرده‌است. ابداع نظریه‌ای درباره نسبت‌های هم‌ارز با نظریه اقلیدس نیز از مهم‌ترین کارهای اوست.

شماری از تذکره‌نویسان، خیام را شاگرد ابن سینا و شماری نیز وی را شاگرد امام موفق نیشابوری خوانده‌اند. صحت این فرضیه که خیام شاگرد ابن سینا بوده‌است، بسیار بعید می‌نماید، زیرا از لحاظ زمانی با هم تفاوت زیادی داشته‌اند. خیام در جایی ابن سینا را استاد خود می‌داند اما این استادی ابن سینا، جنبه معنوی دارد.



## زندگی

عمر خیام در سده پنجم هجری قمری در نیشابور زاده شد. فقه را در میان‌سال‌ی در محضر امام موفق نیشابوری آموخت؛ حدیث، تفسیر، فلسفه، حکمت و ستاره‌شناسی را فراگرفت. برخی نوشته‌اند که او فلسفه را مستقیماً از زبان یونانی فرا گرفته بود.

در حدود سال ۴۴۹ (هجری قمری) تحت حمایت و سرپرستی ابوطاهر، قاضی‌القضات سمرقند، کتابی دربارهٔ معادله‌های درجه سوم به زبان عربی نوشت تحت نام رساله فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله و از آنجا که با خواجه نظام‌الملک طوسی رابطه‌ای نیکو داشت، این کتاب را پس از نگارش به خواجه تقدیم کرد. پس از این دوران خیام به دعوت سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی و وزیرش نظام‌الملک به اصفهان می‌رود تا سرپرستی رصدخانه اصفهان را به عهده گیرد. او هجده سال در آنجا مقیم می‌شود. به مدیریت او زیج ملکشاهی تهیه می‌شود و در همین سال‌ها (حدود ۴۵۸) طرح اصلاح تقویم را تنظیم می‌کند. خیام گاه‌شمار جلالی و یا تقویم جلالی را تدوین کرد که به نام جلال‌الدین ملک‌شاه شهره است، اما پس از مرگ ملک‌شاه این گاه‌شماری کاربردی نیافت. در این دوران خیام به عنوان اختربین در دربار خدمت می‌کرد هرچند به اختربینی اعتقادی نداشت. در همین سال‌ها (۴۵۶) خیام مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر ریاضی خود را با نام رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس را می‌نویسد و در آن خطوط موازی و نظریه نسبت‌ها را شرح می‌دهد. همچنین گفته می‌شود که خیام هنگامی که سلطان سنجر، پسر ملک‌شاه در کودکی به آبله گرفتار بوده وی را درمان نموده است.

پس از درگذشت ملک‌شاه و کشته شدن نظام‌الملک، خیام مورد بی‌مهری قرار گرفت و کمک مالی به رصدخانه (زیج) قطع شد بعد از سال ۴۷۹ خیام اصفهان را به قصد اقامت در مرو که به عنوان پایتخت جدید سلجوقیان انتخاب شده بود، ترک کرد. احتمالاً رساله‌های میزان‌الحکم و قسطاس‌المستقیم را در آنجا نوشت. رساله مشکلات الحساب (مسائلی در حساب) نیز احتمالاً در همین سال‌ها نوشته شده است. غلامحسین مراقبی گفته است که خیام در زندگی زن نگرفت و همسر برنگزید.

مرگ خیام را میان سال‌های ۵۱۷-۵۲۰ هجری قمری می‌دانند که در نیشابور اتفاق افتاد. گروهی از تذکره‌نویسان نیز وفات او را سال ۵۱۶ نوشته‌اند، اما پس از بررسی‌های لازم مشخص گردیده که تاریخ وفات وی سال ۵۱۷ هجری قمری بوده است. مقبره وی هم اکنون در شهر نیشابور، در باغی که آرامگاه امامزاده محروق در آن واقع می‌باشد، قرار گرفته است.

## شرایط دوران خیام

در زمان خیام فرقه‌های مختلف سنی و شیعه، اشعری و معتزلی سرگرم بحث‌ها و مجادلات اصولی و کلامی بودند. فیلسوفان پیوسته توسط قشرهای مختلف به کفر متهم می‌شدند. تعصب، بر فضای جامعه چنگ انداخته بود و کسی جرئت ابراز نظریات خود را نداشت - حتی امام محمد غزالی نیز از اتهام کفر در امان نماند. اگر به سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک بنگریم، این اوضاع کاملاً بر ما روشن خواهد بود. در آنجا، خواجه نظام‌الملک همه معتقدان به مذهبی خلاف مذهب خود را به شدت می‌کوبد و همه را منحرف از راه حق و ملعون می‌داند. در زمینه‌های سیاسی نیز وقایع مهمی در عصر خیام رخ داد:

1. سقوط دولت آل بویه
2. قیام دولت سلجوقی
3. جنگ‌های صلیبی
4. ظهور باطنیان

در اوایل دوران زندگی خیام، ابن سینا و ابوریحان بیرونی به اواخر عمر خود رسیده بودند. نظامی عروضی سمرقندی او را «حجة الحق» و ابوالفضل بیهقی «امام عصر خود» لقب داده‌اند. از خیام به عنوان جانشین ابن سینا و استاد بی‌بدیل فلسفه طبیعی (مادی) ریاضیات، منطق و متافیزیک یاد می‌کنند.

## خیام در افسانه

## انابه

افسانه‌هایی چند پیرامون خیام وجود دارد. یکی از این افسانه‌ها از این قرار است که خیام می‌خواست باده بنوشد ولی بادی وزید و جام می او را به زمین انداخت و شکست. پس خیام چنین سرود:

ابریق می مرا شکستی، ربی  
بر من در عیش را ببستی، ربی

من می خورم و تو می‌کنی بدمستی  
خاکم به دهن مگر تو مستی، ربی

پس چون این شعر کفرآمیز را گفت خدا روی وی را سیاه کرد. پس خیام پشیمان شد و برای پوزش از خدا این بیت را سرود:

ناکرده گنه در این جهان کیست بگو!  
و آن کس که گنه نکرد چون زیست بگو!

من بد کنم و تو بد مکافات کنی  
پس فرق میان من و تو چیست بگو!

و چون این‌گونه از خداوند پوزش خواست رویش دوباره سفید شد. البته جدا از افسانه‌ها در اینکه دو رباعی بالا از خیام باشند جای شک است.

## ای رفته و باز آمده بل هم گشته

در افسانه‌ای دیگر، چنین آمده که روزی خیام با شاگردان از نزدیکی مدرسه‌ای می‌گذشتند. عده‌ای، مشغول ترمیم آن مدرسه بودند و چارپایانی، مدام بارهایی (شامل سنگ و خشت و غیره) را به داخل مدرسه می‌بردند و بیرون می‌آمدند. یکی از آن چارپایان از وارد شدن به مدرسه ابا می‌کرد و هیچ‌کس قادر نبود آن را وارد مدرسه کند. چون خیام این اوضاع را دید، جلو رفت و در گوش چارپا چیزی گفت. سپس چارپا آرام شد و داخل مدرسه شد. پس از این‌که خیام بازگشت، شاگردان پرسیدند که ماجرا چه بود؟

خیام بازگفت که آن خر، یکی از محصلان همین مدرسه بوده و پس از مردن، به این شکل درآمده و دوباره به دنیا بازگشته‌است (اشاره به نظریهٔ تناسخ) و می‌ترسید که وارد مدرسه بشود و کسی او را بشناسد و شرم‌منده گردد. من این موضوع را فهمیدم و در گوشش خواندم:

ای رفته و باز آمده بل هم گشته  
نامت ز میان مردمان گم گشته

ناخن همه جمع آمده و سم گشته  
ریش ز عقب درآمده، دُم گشته

و چون متوجه شد که من او را شناخته‌ام، به درون مدرسه رفتن تن درداد.

## سه یار دبستانی

بنا به روایتی، خیام و حسن صباح و خواجه نظام‌الملک به سه یار دبستانی معروف بوده‌اند که هریک در بزرگسالی به راهی رفتند. حسن، رهبری فرقهٔ اسماعیلیه را بر عهده گرفت؛ خواجه نظام‌الملک، سیاستمداری بزرگ شد؛ و خیام، شاعر و متفکری گوشه‌گیر شد که در آثارش اندیشه‌های بدیع و دلهره و اضطرابی از فلسفهٔ هستی و جهان وجود داشت.

بر پایهٔ داستان سه یار دبستانی این سه در زمان کودکی با هم قرار گذاشته بودند که هر کدام اگر به جایگاهی رسید آن دو دیگر را یاری رسانند. هنگامی که نظام‌الملک به وزیری سلجوقیان رسید به خیام

فرمانروایی بر نیشابور و گرداگرد آن سامان را پیشنهاد کرد، ولی خیام گفت که سودای ولایت‌داری ندارد. پس نظام‌الملک ده هزار دینار مقرری برای او تعیین کرد تا در نیشابور به او پرداخت کنند.

چنان‌که محمدعلی فروغی در مقدمه تصحیح خود از خیام اشاره کرده‌است: این داستان سند معتبری ندارد، و تازه اگر راست باشد، حسن صباح و خیام هر دو باید بیش از ۱۲۰ سال عمر کرده‌باشند، که بسیار بعید است. به‌علاوه، هیچ‌یک از معاصران خیام هم به این داستان اشاره نکرده‌است.

## دستاوردهای خیام

### ریاضیات

س. ا. کانسوا گفته: «در تاریخ ریاضی سده‌های ۱۱ و ۱۲ [میلادی]، و شاید هم بتوان گفت در تمام سده‌های میانه، حکیم عمر خیام متولد نیشابور خراسان نقش عمده‌ای داشته‌است.»

پیش از کشف رساله خیام در جبر، شهرت او در مشرق‌زمین به‌واسطه اصلاحات سال و ماه ایرانی و در غرب به‌واسطه ترجمه رباعیاتش بوده‌است. اگر چه کارهای خیام در ریاضیات (به ویژه در جبر) به صورت منبع دست اول در بین ریاضی‌دانان اروپایی سده ۱۹ میلادی مورد استفاده نبوده‌است، می‌توان رد پای خیام را به واسطه طوسی در پیشرفت ریاضیات در اروپا دنبال کرد. قدیمی‌ترین کتابی که از خیام اسمی به میان آورده و نویسنده آن هم‌دوره خیام بوده، نظامی عروضی مؤلف چهار مقاله است؛ ولی او خیام را در ردیف منجمین ذکر می‌کند و اسمی از رباعیات او نمی‌آورد. با این وجود جورج سارتن با نام بردن از خیام به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ریاضی‌دانان قرون وسطی چنین می‌نویسد:

خیام اول کسی است که به تحقیق منظم علمی در معادلات درجات اول و دوم و سوم پرداخته، و طبقه‌بندی تحسین‌آوری از این معادلات آورده‌است، و در حل تمام صور معادلات درجه سوم منظماً تحقیق کرده، و به حل (در اغلب موارد ناقص) هندسی آن‌ها توفیق یافته، و رساله وی در علم جبر، که مشتمل بر این تحقیقات است، معرف یک فکر منظم علمی است؛ و این رساله یکی از برجسته‌ترین آثار قرون وسطائی و احتمالاً برجسته‌ترین آن‌ها در این علم است.

غلامحسین مصاحب، ۱۳۵

او نخستین کسی بود که نشان داد معادله درجه سوم ممکن است دارای بیش از یک جواب باشد و یا این که اصلاً جوابی نداشته باشند. «آنچه که در هر حالت مفروض اتفاق می‌افتد بستگی به این دارد که آن مقاطع مخروطی که وی از آن‌ها استفاده می‌کند در هیچ نقطه یکدیگر را قطع نکنند، یا در یک یا دو نقطه یکدیگر را قطع کنند». گفته: خیام «نخستین کسی بود که گفت معادله درجه سوم را نمی‌توان عموماً با تبدیل به معادله‌های درجه دوم حل کرد، اما می‌توان با بکار بردن مقاطع مخروطی به حل آن دست یافت». همچنین گفته: «در مورد جبر، کار خیام در ابداع نظریه هندسی معادلات درجه سوم موفق‌ترین کاری است که دانشمندی مسلمان انجام داده‌است.»

یکی دیگر از آثار ریاضی خیام رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس است. او در این کتاب اصول موضوعه هندسه اقلیدسی اصل موضوعه پنجم اقلیدس را درباره قضیه خطوط متوازی که شالوده هندسه اقلیدسی است، مورد مطالعه قرار داد و اصل پنجم را اثبات کرد. به نظر می‌رسد که تنها نسخه کامل باقی‌مانده از این کتاب در کتابخانه لایپن در هلند قرار دارد. «در نیمه اول سده هیجدهم میلادی، ساکری اساس نظریه خود را درباره خطوط موازی بر مطالعه همان چهار ضلعی دو قائمه متساوی‌الساقین که خیام فرض کرده بود قرار می‌دهد و کوشش می‌کند که فرض‌های حاده و منفرجه بودن دو زاویه دیگر را رد کند.»

در کتاب دیگری از خیام که اهمیت ویژه‌ای در تاریخ ریاضیات دارد رساله مشکلات الحساب (مسائلی در حساب) هر چند خود این رساله هرگز پیدا نشد اما خیام خود به این کتاب اشاره کرده است و ادعا می‌کند قواعدی برای بسط دوجمله‌ای  $(a+b)^n$  کشف کرده و اثبات ادعایش به روش جبری در این کتاب است. بنابراین از دیگر دست‌آوردهای وی موفقیت در تعیین ضرایب بسط دوجمله‌ای (بینوم

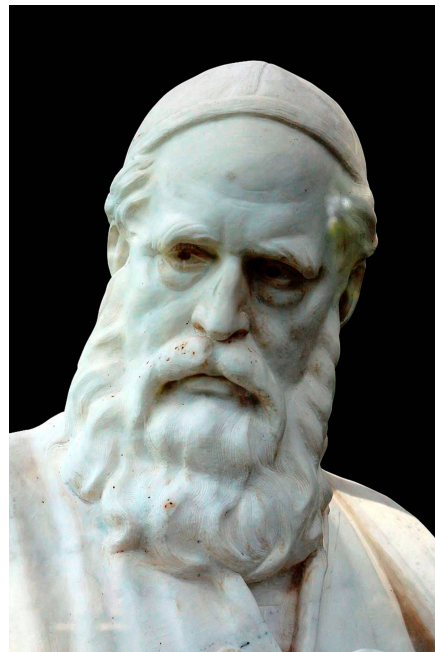
نیوتن) است که البته تا سدهٔ قبل نامکشف مانده بود و به احترام سبقت وی بر اسحاق نیوتن در این زمینه در بسیاری از کتب دانشگاهی و مرجع این دو جمله‌ای‌ها «دو جمله‌ای خیام-نیوتن» نامیده می‌شوند. نوشتن این ضرایب به صورت منظم مثلث خیام-یاسکال را شکل می‌دهد که بیانگر رابطه‌ای بین این ضرایب است.

به هر حال قواعد این بسط تا  $n = 12$  توسط طوسی (که بیشترین تأثیر را از خیام گرفته) در کتاب «جوامع الحساب» آورده شده است. روش خیام در به دست آوردن ضرایب منجر به نام گذاری مثلث حسابی این ضرایب به نام مثلث خیام شد، انگلیسی زبان‌ها آن را به نام مثلث یاسکال می‌شناسند که البته خدشه‌ای بر پیشگامی خیام در کشف روشی جبری برای این ضرایب نیست.

### ستاره‌شناسی

یکی از برجسته‌ترین کارهای خیام را می‌توان اصلاح گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دورهٔ سلطنت ملک‌شاه سلجوقی (۴۲۶-۵۹۰ هجری قمری) بود، دانست. وی بدین منظور مدار گردش کرهٔ زمین به دور خورشید را تا ۱۶ رقم اعشار محاسبه نمود. اصلاح در ۲۵ فروردین ۴۵۸ هجری خورشیدی (۳ رمضان ۴۷۱ هجری قمری) انجام شد.

خیام در مقام ریاضی‌دان و ستاره‌شناس تحقیقات و تالیفات مهمی دارد. از جمله آن‌ها رسالهٔ فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله‌است که در آن از جبر عمدتاً هندسی خود برای حل معادلات درجه سوم استفاده می‌کند. او معادلات درجه دوم را از روش‌های هندسی اصول اقلیدس حل می‌کند و سپس نشان می‌دهد که معادلات درجه سوم با قطع دادن مقاطع مخروطی با هم قابل حل هستند. برگن معتقد است که «هر کس که ترجمهٔ انگلیسی [جبر خیام] به توسط کثیر را بخواند استدلال‌ات خیام را بس روشن خواهد یافت و، نیز، از نکات متعدد جالب توجهی در تاریخ انواع مختلف معادلات مطلع خواهد شد.» مسلم است که خیام در رساله‌هایش از وجود جواب‌های منفی و موهومی در معادلات آگاهی نداشته‌است و جواب صفر را نیز در نظر نمی‌گرفته است.



### موسیقی

خیام به تحلیل ریاضی موسیقی نیز پرداخته‌است و در القول علی اجناس التی بالاربعاء مسألة تقسیم یک چهارم را به سه فاصله مربوط به مایه‌های بی‌نیم‌پرده، با نیم‌پردهٔ بالارونده، و یک چهارم پرده را شرح می‌دهد.

## ادبیات

خیام زندگی‌اش را به عنوان ریاضیدان و فیلسوفی شهیر سپری کرد، در حالی که معاصرانش از رباعیاتی که امروز مایه شهرت و افتخار او هستند بی‌خبر بودند. معاصران خیام نظیر نظامی عروضی یا ابوالحسن بیهقی از شاعری خیام یادی نکرده‌اند. صادق هدایت در این باره می‌گوید:

گویا ترانه‌های خیام در زمان حیاتش به واسطهٔ تعصب مردم مخفی بوده و تدوین نشده و تنها بین یکدسته از دوستان هم‌رنگ و صمیمی او شهرت داشته یا در حاشیهٔ جنگ‌ها و کتب اشخاص باذوق بطور قلم‌انداز چند رباعی از او ضبط شده، و پس از مرگش منتشر گردیده است.

قدیمی‌ترین کتابی که در آن از خیام شاعر یادی شده است، کتاب خریده القصر از عمادالدین کاتب اصفهانی است. این کتاب به زبان عربی و در سال ۵۷۲ یعنی نزدیک به ۵۰ سال پس از مرگ خیام نوشته شده است. کتاب دیگر مرصادالعباد نجم‌الدین رازی است. این کتاب حدود ۱۰۰ سال پس از مرگ خیام در ۶۲۰ هجری قمری تصنیف شده است. نجم‌الدین صوفی متعصبی بوده که از نیش و کنایه به خیام به خاطر افکار کفرآمیزش دریغ نکرده است. کتاب‌های قدیمی (پیش از سدهٔ نهم) که اشعار خیام در آن‌ها آمده است و مورد استفادهٔ مصححان قرار گرفته‌اند علاوه بر مرصادالعباد از قرار زیرند

تاریخ جهانگشا (۶۵۸ ق)، تاریخ گزیدهٔ حمدالله مستوفی (۷۳۰ ق)، نزهة المجالس (۷۳۱ ق)، مونس الاحرار (۷۴۱ ق). جنگی از منشآت و اشعار که سعید نفیسی در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی جنگ یافت و در سال ۷۵۰ هجری قمری کتابت شده است و همچنین مجموعه‌ای تذکره‌مانند که قاسم غنی در کتابخانهٔ شورای ملی یافت که مشتمل بر منتخب‌های اشعار سی شاعر است و پنج رباعی از خیام در میان آن‌ها وجود دارد دارد.

با کنار گذاشتن رباعیات تکراری، ۵۷ رباعی به دست می‌آید. این ۵۷ رباعی که تقریباً صحت انتساب آن‌ها به خیام مسلم است کلیدی برای تصحیح و شناختن سره از ناسره به دست مصححان می‌دهد. با کمک این رباعی‌ها زبان شاعر و مشرب فلسفی وی تا حد زیادی آشکار می‌شود. زبان خیام در شعر طبیعی و ساده و از تکلف به دور است و در شعر پیرو کسی نیست. وانگهی؛ هدف خیام از سرودن رباعی شاعری به معنی متعارف نبوده است بلکه به واسطهٔ داشتن ذوق شاعری نکته‌بینی‌های فلسفی خود را در قالب شعر بیان کرده است

## تصحیحات رباعیات خیام

شهرت خیام در غرب به عنوان شاعر مرهون ادوارد فیتزجرالد انگلیسی است که با ترجمهٔ شاعرانهٔ رباعیات وی به انگلیسی، خیام را به جهانیان شناساند. با این حال در مجموعهٔ خود اشعاری از خیام آورده است که به قول هدایت نسبت آن‌ها به خیام جایز نیست.

تا پیش از تصحیحات علمی مجموعه‌هایی که با نام رباعیات خیام وجود داشت؛ مجموعه‌هایی مغشوش از آرای متناقض و افکار متضاد بود به طوری که به قول صادق هدایت «اگر یک نفر صد سال عمر کرده باشد و روزی دو مرتبه کیش و مسلک و عقیدهٔ خود را عوض کرده باشد قادر به گفتن چنین افکاری نخواهد بود». بی‌مبالاتی نسخه‌نویسان و اشتباه کاتبان همیشه در بررسی نسخه‌های خطی دیده می‌شود. اما در مورد خیام گاه اشعارش را به عمد تغییر داده‌اند تا آن را به مسلک تصوف نزدیک کنند. هدایت حتی می‌گوید یک علت مغشوش بودن رباعیات خیام این است که هر کس می‌خواهد آن‌ها را بخواند و رباعی‌ای گفته است از ترس تکفیر آن را به خیام نسبت داده است. مشکل دیگری که وجود دارد این است که بسیاری به پیروی و تقلید از خیام رباعی سروده‌اند و رباعی ایشان بعدها در شمار رباعیات خیام آمده است.

نخستین تصحیح معتبر رباعیات خیام به دست صادق هدایت انجام گرفت. وی از نوجوانی دلبستهٔ خیام بود تدوینی از رباعیات خیام صورت داده بود. بعدها در سال ۱۳۱۳ هجری خورشیدی آن را مفصل‌تر و علمی‌تر و با مقدمه‌ای طولانی با نام ترانه‌های خیام به چاپ رسانید. تصحیح معتبر بعدی به

دست محمد علی فروغی در سال ۱۳۲۰ به انجام رسید. لازم است ذکر شود که اروپاییان نظیر ژوکوفسکی، فردریش روزن و کریستسن دست به تصحیح رباعیات زده بودند اما منتقدان بعدی شیوه تصحیح و حاصل کار ایشان را چندان معتبر ندانسته‌اند.

احمد شاملو روایتی از ۱۲۵ رباعی خیام در کتابی به نام ترانه‌ها روایت: احمد شاملو ارائه داده‌است.

هرگز دل من ز علم محروم نشد      کم ماند ز اسرار که معلوم نشد

هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز      معلوم شد که هیچ معلوم نشد

کتاب دایره سپهر، ناشر: چشمه-سال چاپ: ۱۳۸۵ نویسنده: جاوید مقدس صدقیانی. جهان‌بینی علمی و رساله سلسله ترتیب خیام به همراه متن کامل و تصحیح شده رباعیات خیام. این کتاب مشتمل است بر: متن کامل و تصحیح شده رباعیات خیام، استخراج رباعیاتی که به شاعران دیگر نسبت داده می‌شود. اما در دیوان اشعار خیام به دفعات آمده، مطالبی با نام حکیم عمر خیام به روایت متون کهن، متن کامل اشعار عربی خیام، رساله سلسله ترتیب، و همچنین ترجمه رساله وجود ابن سینا توسط خیام و... است که نگارنده کوشیده ضمن پیرایش مطالب چهره‌ای واقعی از خیام نشان دهد.

### مضمون اشعار و مشرب فلسفی خیام

صادق هدایت در ترانه‌های خیام دسته‌بندی کلی‌ای از مضامین رباعیات خیام ارائه می‌دهد و ذیل هر یک از عناوین رباعی‌های مرتبط با موضوع را می‌آورد:

- راز آفرینش
- درد زندگی
- از ازل نوشته
- گردش دوران
- ذرات گردنده
- هر چه بادا باد
- هیچ است
- دم را دریابیم

برخی فارسی‌شناسان بر این باورند که رباعیات خیام تازیانه‌ای بر زاهدان ریاکار است. «عبدالرضا مدرس زاده» قائم مقام انجمن بین‌المللی ترویج زبان و ادبیات فارسی اعتقاد دارد خیام در اشعارش بی اعتباری دنیا و ناپایداری هستی موقت انسان را در زندگی‌اش به تصویر می‌کشد. زبان تند و تیز خیام در رباعیات، تازیانه‌ای بر زاهدان دروغین و ریاکار است.

### پیروان خیام

صادق هدایت بر این باور است که حافظ از تشبیهات خیام بسیار استفاده کرده است، تا حدی که از متفکرترین و بهترین پیروان خیام به شمار می‌آید. هر چند که به نظر او افکار حافظ به فلسفه خیام نمی‌رسد، اما بنا به نظر صادق هدایت حافظ این نقص را با الهامات شاعرانه و تشبیهات رفع کرده است و برای نمونه به قدری شراب را زیر تشبیهات پوشانده که تعبیر صوفیانه از آن می‌شود. اما خیام این پرده پوشی را ندارد. برای نمونه حافظ درباره بهشت سخن می‌گوید:

باغ فردوس لطیف است و لیکن زینهار      تو غنیمت شمر این سایه بید و لب کشت

اما خیام بدون پرده‌پوشی می‌گوید:

گویند بهشت و حور عین خواهد بود      آنجا می‌ناب و انگبین خواهد بود

گر ما می و معشوقه گزیدیم چه باک؟ چون عاقبت کار چنین خواهد بود

موریس بوشور از کسانی است که کاملاً تحت تأثیر افکار خیام در آمده و نمایشنامه‌ی رؤیای خیام هماهنگی فکری او را با شاعر ایرانی به خوبی نشان می‌دهد. همچنین ارمان رنو و آندره ژید هم از او مایه گرفته‌اند. دو کامارگو شاعر اسپانیایی نیز افکار خیام را در قالب شعر نو ریخت و متن اسپانیایی آن‌ها را در سراسر آمریکای لاتین و متن فرانسوی را در اروپا رواج داد. دیگر از کسانی که از خیام الهام گرفته‌اند و یا به تمجید او پرداختند عبارتند از: «آندره ژید»، «ژان لاهور»، «شارل گرولو»، «ژان مارک برنارد» و «شاپلن».

### اظهار نظرها درباره‌ی شخصیت خیام

بعضی او را به عنوان یک شاعر حکیم عارف‌منش و بعضی دیگر او را به عنوان یک شاعر بی‌اعتقاد به همه چیز و مادی‌اندیش محض معرفی کرده‌اند. نجم‌الدین رازی و دو سه نفر دیگر با توجه به محتوای الحادی رباعیات خیام اظهار نظرهایی منفی درباره‌ی او دارند. در مقابل، کسانی دیگر در صدد تیرئه او برآمدند و رباعیاتی از قول او ساختند، که حاکی از پشیمانی و توبه او باشد. کسانی هم – بیشتر در دوره معاصر – در صدد برآمدند که بگویند اصلاً این رباعی‌ها از خیام نیست، و از شخص دیگری به همین نام است. نجم‌الدین رازی به عنوان نخستین فرد، در کتاب خود (مرصاد العباد) اشاره‌های بسیار تند و صریح نسبت به خیام دارد و با توجه به محتوای رباعیات او می‌گوید که این آدمی بوده است مادی‌مآب و دارای انحراف فکری، و دو رباعی به عنوان شاهد از او نقل می‌کند و می‌گوید که این‌ها شعرهایی است حاکی از بی‌اعتقادی نسبت به مبانی دینی و یکی از آن‌ها این است:

دارنده چو ترکیب طبایع آراست از بهر چه او فکندش اندر کموکاست

گر نیک آمد، فکندن از بهر چه بود ورنیک نیامد این صور عیب که راست؟

می‌گوید: خیام با توجه به این سروده اعتقاد دارد که خدا ما را خلق کرد. اگر یک ترکیب خوبی از آفرینش هستیم، پس چرا ما را در «کموکاست» یعنی رنج و محنت انداخت؟ اگر هم ترکیب بدی هستیم، پس تقصیر کیست؟ کسی که ما را خلق کرده در واقع این‌طور خلق کرده، ما که خود به اراده خود نیامدیم، به اراده خود ساخته نشدیم، پس تقصیری نداریم و مجازات هم درباره‌ی ما و عذاب ما معنی پیدا نمی‌کند.

جلال آل احمد درباره‌ی خیام می‌گوید: «(خیام) در شعرش مدام به این می‌خواند که تو هیچی و پوچی؛ و آن وقت طرف دیگر سکه این احساس پوچی، این آرزوی محال نشسته که «گر بر فلک دست بدی چون یزدان - برداشتمی من این فلک را میان...» و الخ و حاصل شعرش شک و اعتراض و درماندگی. اما همه در مقابل عالم بالا و در مقابل عالم غیب. وانگار نه انگار که دنیای پایینی هم هست و قابل عنایت؛ و غم شعر او ناشی از همین درماندگی؛ و همین خود راز ابدیت رباعیات.»

### آثار

خیام آثار علمی و ادبی بسیاری تألیف کرده‌است.

او میزان الحکمت را درباره‌ی فیزیک و لوازم الامکنت را در دانش هواشناسی نوشت. نوروزنامه دیگر اثر ادبی اوست، در پدیداری نوروز و آیین پادشاهان ایرانی و اسب و زر و قلم و شراب که در حدود ۴۹۵ هجری قمری نگاشته شده‌است. کتاب جبر و مقابله خیام با تلاش دانش پژوهان اروپایی در سال ۱۷۴۲ در یکی از کتابخانه‌های لیدن یافته شد. این کتاب در ۱۸۱۵ توسط تنی چند از دانشمندان فرانسوی ترجمه و منشور شد.

- رسالة فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابلة به زبان عربی، در باره معادلات درجه سوم.
- رسالة فی شرح مائشکل من مصادرات کتاب اقلیدس در مورد خطوط موازی و نظریه نسبت‌ها.
- رساله میزان الحکمه. «راحل جبری مسئله تعیین مقادیر طلا و نقره را در آمیزه (آلیاژ) معینی به وسیله وزن‌های مخصوص بدست می‌دهد».
- قسطاس المستقیم
- رساله مسائل الحساب، این اثر باقی نمانده است.
- القول علی اجناس التی بالاربعاء، اثری درباره موسیقی.
- رساله کون و تکلیف به عربی درباره حکمت خالق در خلق عالم و حکمت تکلیف که خیام آن را در پاسخ پرسش امام ابونصر محمد بن ابراهیم نسوی در سال ۴۷۳ (هجری قمری) نوشته است و او یکی از شاگردان پورسینا بوده و در مجموعه جامع البدایع باهتمام سید محی الدین صبری بسال ۱۲۳۰ و کتاب خیام در هند به اهتمام سلیمان ندوی سال ۱۹۳۳ میلادی چاپ شده است.
- رساله روضه القلوب در کلیات وجود
- رساله ضیاء العلی
- رساله‌ای در صورت و تضاد
- ترجمه خطبه ابن سینا
- رساله‌ای در صحت طرق هندسی برای استخراج جذر و کعب
- رساله مشکلات ایجاب
- رساله‌ای در طبیعیات
- رساله‌ای در بیان زیگ ملکشاهی
- رساله نظام الملک در بیان حکومت
- رساله لوازم الاکمنه
- اشعار عربی خیام که در حدود ۱۹ رباعی آن بدست آمده است.
- نوروزنامه، از این کتاب دو نسخه خطی باقی مانده است. یکی نسخه لندن و دیگری نسخه برلن.
- رباعیات خیام به زبان فارسی که در حدود ۲۰۰ چارینه (رباعی) یا بیشتر از حکیم عمر خیام است و زائد بر آن مربوط به خیام نبوده بلکه به خیام نسبت داده شده.
- عیون الحکمه
- رساله معراجیه
- رساله در علم کلیات
- رساله در تحقیق معنی وجود

### چهره جهانی خیام



تندیس خیام در بخارست، پایتخت رومانی

در جهان خیام به عنوان یک شاعر، ریاضیدان و اخترشناس شناخته شده است. هر چند که اوج شناخت جهان از خیام را می‌توان پس از ترجمه شعرهای وی به وسیله ادوارد فیتزجرالد دانست. این در حالی است که بسیاری از پژوهشگران شماری از شعرهای ترجمه شده به وسیله فیتزجرالد را سروده خیام نمی‌دانند و این خود سبب تفاوت‌هایی در شناخت خیام در نگاه ایرانی‌ها و غربی‌ها شده است. تأثیرات خیام بر ادبیات غرب از مارک تواین تا تی. اس الیوت را به نماد فلسفه شرق و شاعر محبوب روشنفکران جهان تبدیل کرده است.

بعد از فیتزجرالد، فرانسویان با ترجمه رباعیات او به معرفی خیام در جهان غرب کمک کردند. در سال ۱۸۷۵ میلادی گارسین دوتاسی خاورشناس معروف فرانسوی تعداد ۱۰ رباعی از خیام را به فرانسه برده بود این در حالی بود که حدود ده سال قبل یعنی در سال ۱۸۶۷ نیکولاس، کنسول سفارت فرانسه در رشت اولین ترجمه رباعیات را به فرانسه ارائه کرده بود. او برخلاف عقیده فیتزجرالد که بر وجهه شاعری خیام تأکید داشت، خیام را یک صوفی قلمداد میکرد همین بی خبری از فکر خیام موجب شد که تنوفیل گوتیه او را شاعری رند حساب کند. نظر گوتیه نسبت به خیام و شرح و تفصیل اشعارش موجب شد که فرانسویان نسبت به این شاعر ایرانی علاقه زیادی نشان دهند.

ارنست رنان با تأیید نظر فیتزجرالد، خیام را شاعری توانا در حفظ هویت آریایی میدانست. وی هوش و قدرت خیام را در بیان الفاظ بعضاً کفرآمیز در قالب اشعار عرفانی به تقیه نسبت داده است. آندره ژید هم با رباعیات خیام از طریق ترجمه فیتزجرالد آشنا بود بازتاب بعضی از مفاهیم رباعیات خیام را میتوان در کتاب مائده های زمینی او مشاهده کرد.

ولادیمیر پوتین، مارتین لوتر کینگ و آبراهام لینکن همیشه قبل از خواب رباعیات خیام می‌خواندند.



چهارتاقی دانشمندان ایرانی

دولت جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۹ به عنوان نشانی از پیشرفت علمی صلح‌آمیز ساختمان-مجسمه‌ای به شکل چهارتاقی که ترکیبی از سبک‌های معماری و تزئینات هخامنشی و اسلامی در آن دیده می‌شود را به دفتر سازمان ملل متحد در وین هدیه داد که در محوطه آن در سمت راست ورودی اصلی قرار داده شده است. در این چهارتاقی مجسمه‌هایی از چهار فیلسوف ایرانی خیام، ابوریحان بیرونی، زکریا رازی و ابوعلی سینا قرار دارد.

### نامگذاری به نام خیام

- افلاک نمای خیام در نیشابور.
- یکی از حفره‌های ماه به افتخار خیام «عمر خیام» نامیده شده است.
- سیارکی در سال ۱۹۸۰ به نام وی نامگذاری شد. (سیارک ۳۰۹۵)
- در تونس هتلی به نام خیام ساخته شده است.
- در فرانسه و مصر شراب‌هایی به نام خیام تولید می‌شود.
- نام یکی از ایستگاه‌های قطار که فاجعه قطار نیشابور در آنجا رخ داد نامش خیام بود.
- خیابان خیام در شهر تهران واقع در منطقه ۱۲ شهرداری تهران به نام عمر خیام نامگذاری شده است.

- دانشگاه خیام مشهد نام یکی از دانشگاه‌های غیرانتفاعی با سابقه ایران در شهر مشهد می‌باشد که پردیس شماره یک (اصلی) آن در ابتدای بلوار فلاحی این شهر در سال ۱۳۷۱ خورشیدی تأسیس و به یاد حکیم نیشابور با این عنوان نام گذاری شد.
  - رستوران خیام واقع در اتیوپی شهر آدیس آبابا. در مرکز کتابخانه دانشگاه اتیوپی روباعیات خیام به زبان امهری وجود دارد. اطلاعات بیشتر در سفر نامه هوشنگ شمعی آمده است.
  - در سال ۱۸۹۲ م. «انجمن عمر خیام» در لندن توسط گروهی از دانشمندان و ادیبان و روزنامه‌داران بنیانگذاری شد. این انجمن تا سال ۱۸۹۳ م. سه مراسم بزرگداشت برای خیام برگزار کرد. در این انجمن‌ها اشعار زیادی در مدح خیام خوانده شد که اعضای انجمن سروده بودند. همچنین دو عدد بوته گل سرخ بر مزار ادوارد فیتزجرالد مترجم رباعیات عمر خیام قرارداد شد که بر سرلوحه آن این طور نوشته شده بود: این بوته گل سرخ در باغ کیو پرورده شده و تخم آن را سیمپسن از مزار عمر خیام در نیشابور آورده و بدست چندین تن از هواداران ادوارد فیتزجرالد از جانب انجمن عمر خیام غرس شده.
  - مارتین لوتر کینگ در سخنرانی خود از خیام گفته‌ای را می‌آورد.
- در نیشابور

- میدان خیام یکی از میدان‌های شهری در نیشابور به نام خیام نامگذاری شده. در میان این میدان بنای آرامگاه اولیه عمر خیام قرار داده شده است.
- خیابان خیام یکی از خیابان‌های شهر نیشابور واقع در شهرک فرهنگیان است که به نام عمر خیام نامگذاری شده است.
- شهرک صنعتی خیام در نزدیکی نیشابور به نام خیام نامگذاری شده است.
- دبیرستان خیام یکی از مدرسه‌های قدیمی نیشابور خیام نامگذاری شده.
- افلاک نمای خیام و پژوهشکده ستاره‌شناسی نیشابور
- خانه ریاضیات نیشابور (برگرفته از تخصص ریاضی خیام) در نیشابور به نام وی است.

### خیام در فیلم و داستان

- فیلم عمر خیام، فیلمی آمریکایی ساخته ۱۹۵۶
- میراث‌دار: افسانه عمر خیام، فیلمی آمریکایی ساخته سال ۲۰۰۵
- در یکی از رمان‌های ایرانی به نام خیام و آن دروغ دلاویز (نوشته هوشنگ معین‌زاده)، روح خیام نقشی محوری دارد
- وی شخصیت اصلی رمان سمرقند نوشته امین معلوف است
- خیام یکی از شخصیت‌های داستان «معصومه شیرازی» اثر محمد علی جمال زاده است (رجوع شود به کتاب معصومه شیرازی)
- وی یکی از موضوعات بحث میان دو تن از شخصیت‌های رمان گرگ دریا نوشته جک لندن است.
- فیلم برنده جایزه اسکار تصویر دوریان گری (۱۹۴۵) با یک رباعی از خیام آغاز و همچنین پایان می‌یابد که نشان از الهام گرفتن اثر از این رباعی است.
- در فیلم (Unfaithful) در جایی از فیلم معشوق زن نقش اول فیلم برای او یک رباعی از خیام می‌خواند

## غلام علی پیمان



زاده

شیراز

محل زندگی

فینیکس، آریزونا، ایالات متحده

پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت چشمپزشکی، مهندسی

غلام علی پیمان دانشمند ایرانی-آمریکایی و از اعضای تالار مشاهیر چشمپزشکی جهان است. مهمترین دلیل شهرت وی، اختراع عمل جراحی لیزیک است که به کمک آن افراد دارای ضعف بینایی می‌توانند بدون استفاده از عینک دید طبیعی خود را باز یابند. وی در دسامبر ۲۰۱۲ میلادی برنده مدال ملی فناوری و نوآوری از سوی باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده شد.

## زندگی‌نامه

- پیمان که متولد ایران، شهر شیراز است در ۱۹ سالگی برای تحصیل در رشته پزشکی عازم آلمان گردید و در سال ۱۳۴۱ خورشیدی موفق به کسب مدرک دکتری حرفه‌ای در رشته پزشکی عمومی در دانشگاه دویسبورگ شد. وی در سال ۱۳۴۸ خورشیدی دوره تخصص خود را در رشته چشمپزشکی در دانشگاه اسن آلمان به پایان رساند و برای دوره پسادکتری به ایالات متحده آمریکا رفت و از سال ۱۳۵۰ خورشیدی به عنوان استادیار گروه چشمپزشکی در دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس مشغول به فعالیت شد. او در حال حاضر استاد دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه آریزونا است.
- پیمان با خدمات فراوانی که نسبت به جامعه چشم پزشکی انجام داده یقیناً از مشاهیر بین‌المللی ماندگار خواهد بود.

## اختراع

او در سال ۱۳۶۸ خورشیدی با ثبت اختراع رسمی جراحی لیزیک انقلاب بزرگی در چشمپزشکی جهان ایجاد نمود و در سال ۱۳۸۴ با نظر بیش از ۳۰۰۰۰ نفر از چشمپزشکان جهان به عنوان یکی از اعضای تالار مشاهیر چشمپزشکی جهان شناخته شد.

از وی بیش از ۱۳۵ عنوان اختراع به ثبت رسیده است.

## غیاث‌الدین جمشید کاشانی



**زاده** حدود ۷۵۸ خورشیدی (۱۳۸۰ میلادی)  
کاشان، ایران

**درگذشت** ۱ تیر ۸۰۸ خورشیدی (سن حدود ۴۹ سال)  
۲۲ ژوئن ۱۴۲۹  
سمرقند، ماوراءالنهر اکنون در ازبکستان

**پیشه** ریاضیات، ستاره‌شناسی

**غیاث‌الدین جمشید کاشانی** (زاده حدود ۷۵۸ خورشیدی برابر با ۱۳۸۰ میلادی – مرگ ۱ تیر ۸۰۸ برابر با ۲۲ ژوئن ۱۴۲۹) ریاضی‌دان برجسته، اخترشناس و شمارشگر زبردست ایرانی بود. نام کامل او عبارت است از **جمشید بن مسعود بن محمود طبیب کاشانی** ملقب به غیاث‌الدین که در غرب به الکاشی (al-kashi) مشهور است. او در عمر کوتاه خود آلات رصدی دقیقی اختراع کرد و از حدود ۸۰۸ (۱۴۰۶) تا پایان عمر کوتاهش ۸۳۲ (۱۴۲۹) فعالیت علمی داشت و در دوران فعالیت علمی‌اش کتاب‌های گوناگونی در زمینه ریاضیات و نجوم نگاشت.

غیاث‌الدین جمشید کاشانی هر چند فیزیکدان بود، ولی علاقه اصلی‌اش متوجه ریاضیات و اخترشناسی بود؛ پس از دوره طولانی بی‌نواپی و سرگردانی، سرانجام در سایه حمایت میرزا الغ‌بیگ، که خود دانشمند بزرگی بود، موقعیت شغلی مطمئنی در سمرقند به‌دست‌آورد.

غیاث‌الدین جمشید کاشانی، زبردست‌ترین حساب‌دان و آخرین ریاضی‌دان برجسته دوره اسلامی و از بزرگترین مفاخر تاریخ ایران به‌شمار می‌آید. وی به تکمیل و تصحیح روش‌های قدیمی انجام چهار عمل اصلی حساب پرداخت و روش‌های جدید و ساده‌تری برای آن‌ها اختراع کرد. در واقع، کاشانی را باید مخترع روش‌های کنونی انجام چهار عمل اصلی حساب (به ویژه ضرب و تقسیم) دانست. کتاب

ارزشمند وی با نام مفتاح الحساب کتابی درسی، دربارهٔ ریاضیات مقدماتی است و آن را از حیث فراوانی و تنوع مواد و مطالب و روانی بیان سرآمد همهٔ آثار ریاضی سده‌های میانه می‌دانند.

### مهم‌ترین دستاوردها

ابداع و ترویج کسرهای اعشاری به قیاس با کسرهای شصتگانی که در ستاره‌شناسی متداول بود. محاسبهٔ عدد پی تا شانزده رقم اعشار، به نحوی که تا صدوپنجاه سال بعد کسی نتوانست آن را گسترش دهد:  $2 = \pi \times 6,2831853071795865$

محاسبهٔ سینوس (جیب) زاویهٔ یک درجه با روش ابتکاری حل یک معادله درجه سوم  $(\sin 1^\circ = 0.0174524064372285103712)$ ، که هفده رقم اعشاری عدد به دست آمده با مقداری که امروزه محاسبه می‌شود، همخوانی دارد.

در واقع کاشانی مقدار سینوس یک درجه را تا ده رقم صحیح شصتگانی حساب کرد.

اختراع ابزار اخترشناسی دقیق از جمله وسیله‌ای به نام «طَبَقُ الْمَنَاطِقِ» برای محاسبهٔ طول ستارگان که کتاب نزهة الحدائق در شرح آن است.

### نوآوری‌های کاشانی

1. اختراع کسرهای دهگانی (اعشاری). گرچه کاشانی نخستین به کار برنده این کسرها نیست، اما بی‌تردید رواج این کسرها را به او مدیونیم
2. دسته‌بندی معادلات درجه اول تا چهارم و حل عددی معادلات درجه چهارم و بالاتر
3. محاسبه عدد پی. کاشانی در الرسالة المُحِيطِيَّة (ص ۲۸)، عدد پی را با دقتی که تا ۱۵۰ سال پس از وی بی‌نظیر ماند محاسبه کرده‌است.
4. تکمیل و تصحیح روش‌های قدیمی انجام چهار عمل اصلی و اختراع روش‌های جدیدی برای آن‌ها. در واقع، کاشانی را باید مخترع روش‌های کنونی انجام چهار عمل اصلی حساب (به ویژه ضرب و تقسیم) دانست.
5. اختراع روش کنونی پیدا کردن ریشهٔ  $n$  ام عدد دلخواه. روش کاشانی در اصل همان روشی است که صدها سال بعد توسط یائولو روفینی (ریاضی‌دان ایتالیایی، ۱۷۶۵–۱۸۲۲ میلادی) و ویلیام جُرج هارنر (ریاضی‌دان انگلیسی، ۱۷۸۶–۱۸۳۷ میلادی)، بار دیگر اختراع شد.
6. اختراع روش کنونی پیدا کردن جذر (ریشهٔ دوم) که در اصل ساده شدهٔ روش پیدا کردن ریشهٔ  $n$  ام است.
7. ساخت یک ابزار رصدی. کاشانی ابزار رصدی جالبی اختراع کرد و آن را طَبَقُ الْمَنَاطِقِ نامید. رساله‌ای نیز به نام نزهة الحدائق دربارهٔ چگونگی کار با آن نوشت.
8. تصحیح زیج ایلخانی. کاشانی زیج خاقانی را نیز در تصحیح اشکالات زیج ایلخانی نوشت.
9. نگارش مهم‌ترین کتاب دربارهٔ حساب. کتاب مفتاح الحساب کاشانی مهم‌ترین و مفصل‌ترین اثر دربارهٔ ریاضیات عملی و حساب در دوره اسلامی است.
10. محاسبه جیب (سینوس) یک درجه. کاشانی در رسالهٔ وَثَر و جیب مقداری برای جیب یک درجه  $(1^\circ \sin)$  به دست آورده که اگر آن را بر ۶۰ تقسیم کنیم، حاصل آن تا ۱۷ رقم اعشاری با مقدار واقعی سینوس یک درجه موافق است.

## آثار کاشانی



عکس صفحه آخر رساله محیطیه موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ۲۲۹.

تالیفات در زمینه اخترشناسی

- سلم السماء یا رساله کمالیه
- مختصر در علم هیئت
- زیج خاقانی فی تکمیل الزیج الایلخانی
- رساله شرح آلات رصد
- نزهة الحدائق
- زیج التسهيلات

تالیفات در زمینه ریاضیات

- مفتاح الحساب یا رساله طاق و ازج
- رساله محیطیه
- رساله وتر و جیب

شرح آثار

- سُلمُ السَّمَاء (نزدبام آسمان) یا رساله کمالیه به عربی. کاشانی این رساله را در ۲۱ رمضان ۸۰۹ قمری (اول مارس ۱۴۰۷ میلادی) در کاشان به پایان رسانده است. کاشانی در این رساله از قطر زمین، قطر خورشید، ماه، سیارات، و ستارگان و فاصله آنها از زمین سخن گفته است.
- مختصر در علم هیئت به فارسی. کاشانی این رساله را در ۸۱۳ قمری برابر با ۱۴۱۰ میلادی، یا اندکی پیش از آن نوشت. وی در این رساله درباره مدارهای ماه، خورشید، ستارگان، و سیاره‌ها و چگونگی حرکت آنها سخن گفته است.
- زیج خاقانی فی تکمیل الزیج الایلخانی به فارسی: این کتاب یکی از آثار مهم نجومی کاشانی به‌شمار می‌رود. کاشانی این زیج را در ۸۱۶ قمری (۱۴۱۳ میلادی) کامل کرد. هدف کاشانی از نگارش این زیج، تصحیح اشتباهاتی است که در زیج ایلخانی تألیف خواجه نصیرالدین طوسی،

روی داده‌است. کاشانی در مقدمه زیج خود با به رغم انتقاد از مطالب زیج ایلخانی، از نویسنده آن، با تجلیل و احترام بسیار یاد کرده‌است.

- **رساله در شرح آلات رصد** به فارسی: کاشانی این رساله را در ذیقعدۀ ۸۱۸ قمری (ژانویه ۱۴۱۶ میلادی) برای شخصی به نام سلطان اسکندر نوشته‌است. برخی این اسکندر را «اسکندر بن قرايوسف قراقیونلو» دانسته‌اند. اما برخی دیگر، معتقدند که این اسکندر، پسر عموی الغ بیگ است که بر فارس و اصفهان حکومت می‌کرده‌است.
- **نزهة الحدايق** به عربی: کاشانی این رساله را در دهم ذیحجه ۸۱۸ قمری مطابق ۱۰ فوریه ۱۴۱۶ میلادی (حدود یک ماه پس از نگارش رساله در شرح آلات رصد) نوشته و در آن به شرح دو ابزاری که خود اختراع کرده بود، می‌پردازد. دستگاهی به نام طبق المناطق (طول‌یاب سیاره‌ای) که با این دستگاه می‌توان محل ماه و خورشید و پنج سیاره شناخته شده تا آن زمان و نیز فاصله هر یک از آن‌ها را تا زمین، و برخی پارامترهای سیاره‌ای دیگر را به دست آورد. از دستگاه دیگر برای اجرای درونیابی خطی استفاده می‌کرد.
- **ذیل نزهة الحدايق**: کاشانی در نیمه شعبان ۸۲۹ قمری (۲۲ ژوئن ۱۴۲۶ میلادی) و هنگامی که در سمرقند اقامت داشته، ده «الحاق» (پیوست) را به نزهة الحدايق افزوده‌است.
- **زیج تسهيلات**، کاشانی این اثر را پیش از ۸۳۰ قمری تألیف کرده‌است زیرا در مقدمه **مفتاح الحساب** از این کتاب نام برده (ص ۳۶) ولی تا کنون وجود نسخه‌ای قطعی از آن گزارش نشده‌است.
- **مفتاح الحساب**:

کاشانی کار نگارش **مفتاح الحساب** را، که بی‌تردید مهم‌ترین، مفصل‌ترین و برجسته‌ترین کتاب ریاضیات عملی در دوره اسلامی به‌شمار می‌آید، در ۳ جمادی‌الاولی سال ۸۳۰ قمری برابر با ۲ مارس ۱۴۲۷ میلادی به پایان رسانده و آن را به الغ بیگ هدیه کرده‌است. اما پیش‌نویس این کتاب را دست کم از ۶ سال پیش، یعنی ۸۲۴ قمری فراهم آورده و در این مدت، مشغول تکمیل و اصلاح آن بوده‌است. زیرا او در مقدمه تلخیص المفتاح که در همین سال نوشته شده، تأکید کرده که این تلخیص را پس از به پایان رساندن تألیف **مفتاح الحساب** فراهم آورده‌است.

برای نشان دادن اهمیت **مفتاح الحساب** کاشانی نزد شرق شناسان، به ویژه محققان اروپایی، در این‌جا به چاپ‌های مختلف متن عربی و ترجمه‌های این اثر اشاره می‌کنیم:

1.

1. در ۱۸۶۴ میلادی **فرانتس ویکه**، محقق آلمانی الاصل ساکن فرانسه، بخشی از این کتاب را به فرانسه ترجمه کرد.
2. در ۱۹۴۴ میلادی، **یاول لوکی** بخش قابل توجهی از **مفتاح الحساب** را به آلمانی ترجمه و شرح کرد. این ترجمه نیز، همچون ترجمه رساله محیطیه، پس از مرگ لوکی و در سال ۱۹۵۱ میلادی منتشر شد. وی همچنین مقاله مهمی درباره روش کاشانی در پیدا کردن ریشه  $n$  ام اعداد نوشت.
3. در ۱۹۵۱ میلادی **نائله رجایی** در پایان‌نامه دوره دکترای خود در دانشگاه آمریکایی **بیروت**، با استفاده از مطالب **مفتاح الحساب** و رساله محیطیه به بحث درباره اختراع کسرهای اعشاری توسط کاشانی پرداخت.
4. در همان سال و در همان دانشگاه، **عبدالقادر الداخل** نیز در پایان‌نامه دکترای خود روش کاشانی درباره پیدا کردن ریشه  $n$  ام در دستگاه شمار شصتگانی بررسی کرد.
5. در ۱۹۵۶ میلادی نیز **بوریس روزنفلد**، **آدلف یوشکویچ**، و **سیگال**، تصویر یک نسخه خطی این اثر و نیز تصویر یک نسخه خطی رساله محیطیه را همراه با ترجمه روسی آن در مسکو به چاپ رساندند.

6. در ۱۹۶۷ میلادی احمد سعید الدمرداش و محمد حمدی الحفنی الشیخ، متن عربی این کتاب را در قاهره به چاپ رساندند. غلط‌های این چاپ حتی از غلط‌های نسخه خطی چاپ مسکو بیشتر است.
7. در ۱۹۷۷ میلادی نادر النابلسی یک بار دیگر تمامی این کتاب را با حواشی به نسبت سودمند و با دقتی بیشتر از دو مصحح قبلی در دمشق به چاپ رساند.
- گفتنی است که در هیچ‌یک از ترجمه‌ها یا چاپ‌های یاد شده از نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، که کهن‌ترین و بهترین نسخه موجود مفتاح الحساب به به‌شمار می‌آید استفاده نشده است.

- **الرسالة المحيطية** به عربی. کاشانی این رساله را که یکی از مهم‌ترین آثار اوست در اواسط شعبان ۸۲۷ قمری (ژوئیه ۱۴۲۴ میلادی) به پایان رسانده است. وی در این رساله نسبت محیط دایره به قطر آن، یعنی عدد پی را به دست آورده است.
- **وَر و جیب**، کاشانی این رساله را درباره چگونگی محاسبه جیب (سینوس) زاویه یک درجه نوشته است. شوربختانه متن اصلی این رساله باقی نمانده اما از شرح‌هایی که بر آن نوشته‌اند می‌توان به مطالب آن پی برد.
- **تلخیص المفتاح** به عربی. این رساله، چنان‌که از نامش پیداست گزیده مفتاح الحساب کاشانی است. کاشانی کار تلخیص را در ۷ شعبان ۸۲۴ قمری (۷ اوت ۱۴۲۱ میلادی) به پایان رسانده است. وی در مقدمه این رساله چنین آورده است: «اما بعد، نیازمندترین بندگان خداوند به بخشایش وی، جمشید ملقب به غیاث، پسر مسعود پزشک کاشانی، پسر محمود، که خداوند روزگارش را نیکو گرداند، گوید که چون از نگارش کتابم موسوم به مفتاح الحساب فارغ شدم، آن دسته از مطالب این کتاب را که دانستن آن‌ها برای نوآموزان واجب است در این مختصر گرد آوردم و آن را تلخیص المفتاح نامیدم.»

### نظرات دانشمندان معاصر

پاول لوکی، پژوهشگر برجسته آلمانی که بیش از هر تاریخ‌شناس دیگری در راه شناساندن ارزش آثار ریاضی این دانشمند بزرگ به جهان کوشش کرده، درباره آثار کاشانی چنین آورده است:

پس از پژوهش درباره برخی آثار کاشانی، که خوشبختانه بیشتر آن‌ها در کتابخانه‌های شرق و غرب موجود است، او را ریاضی‌دانی هوشمند،

مخترع، نقاد و صاحب افکار عمیق یافتیم. کاشانی از آثار ریاضی‌دانان پیش از خود آگاه و به ویژه در فن محاسبه و به کار بستن روش‌های تقریبی بسیار آگاه و چیره‌دست بوده است. اگر رساله محیطیه او به دست ریاضی‌دانان غربی معاصر وی رسیده بود، از آن پس مردم مغرب زمین از بعضی منازعات و تألیفات مبتذل درباره اندازه‌گیری دایره (محاسبه عدد پی) بی‌نیاز می‌شدند. اگر نظریه واضح و روش علمی وی در مورد شناساندن کسرهای اعشاری انتشار یافته بود، فرانسوا وییث، استون، و بورگی ناچار نمی‌شدند که یک قرن و نیم پس از کاشانی نیروی فکری و عملی خود را برای از نو یافتن این کسرها به کار اندازند.

إدوارد استوارت کیدی، پژوهشگر برجسته آمریکایی، که مدتی نیز در ایران می‌زیسته است و با زبان فارسی آشنایی دارد درباره کاشانی چنین گفته است:

پیش از هر چیز باید گفت که کاشانی حاسبی زبردست بود و در این فن مهارت شگفت‌انگیزی داشت؛ و شاهد این مدعا این است که وی با اعداد شصتگانی خالص به آسانی و روانی حساب می‌کرد. کسرهای اعشاری را اختراع نمود، روش تکراری را در حساب به‌طور کامل و پیگیر به کار می‌بست. با چیره‌دستی مراحل محاسبه را طوری تنظیم می‌نمود که بتواند حداکثر مقدار خطا را پیش‌بینی کند و در هر جا درستی اعمال را امتحان می‌کرد.

آدلف یوشکویچ، پژوهشگر مشهور روسیه در کتاب تاریخ ریاضیات در سده‌های میانه در باره کتاب ارزشمند کاشانی می‌نویسد:

مفتاح الحساب کتابی درسی، درباره ریاضیات مقدماتی است که استادانه تألیف شده و مؤلف آنچه را که طبقات مختلف خوانندگان کتاب بدان نیاز داشته‌اند، در نظر گرفته‌است. این کتاب از حیث فراوانی و گوناگونی مواد و مطالب و روانی بیان تقریباً در همه آثار ریاضی سده‌های میانه یگانه‌است.

### فیلم و سریال ساخته شده درباره او

از زندگی و سرگذشت غیاث‌الدین جمشید کاشانی تاکنون دو فیلم و سریال ساخته شده‌است.

- شهر آشوب به کارگردانی یدالله صمدی، محصول سال ۱۳۸۴
- نزدبام آسمان به کارگردانی محمدحسین لطیفی، محصول سال ۱۳۸۸، پخش شده از ۱ شهریور ۱۳۸۸ تا ۲۴ شهریور ۱۳۸۸ (رمضان ۱۳۸۸)

### فرخ سعیدی



زاده ۱۳۰۸ تهران

محل زندگی تهران

پیشه ریاست دانشگاه شیراز

فرخ سعیدی (تولد ۱۳۰۸ تهران) پزشک و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران است. وی پزشک جراح بوده و زمینه اصلی فعالیتش کیست هیداتید و سرطان مری است.

### تحصیلات

- پیش دانشگاهی را در دانشگاه کورنل آمریکا
- پزشکی در دانشگاه هاروارد آمریکا
- تخصص جراحی عمومی و سینه از بیمارستان ماساچوست – بوستون آمریکا سال ۱۳۳۹
- دوره یکساله تخصص جراحی سینه و قلب در شهر بریستول انگلیس سال ۱۳۴۰

• دوره تخصص جراحی اطفال به ماساچوست آمریکا سال ۱۳۵۰

### مناصب

- سالهای ۱۳۴۱-۱۳۴۲ دانشیار دانشگاه پهلوی شیراز
- سالهای ۱۳۴۷-۱۳۴۸ ریاست دانشگاه پهلوی شیراز
- کسب درجه استادی دانشگاه پهلوی شیراز و ریاست بخش جراحی بیمارستان نمازی
- ریاست بخش جراحی بیمارستان شهر ری (کنونی) سالهای ۱۳۵۱-۱۳۵۲
- ریاست بخش جراحی بیمارستان بانک ملی سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۳
- معاون آموزش پزشکی وزارت علوم و آموزش عالی و دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصص پزشکی سالهای ۱۳۵۳-۱۳۵۶ دوره وزارت عبدالحسین سمیعی
- مسئول بازآموزی پزشکان جمعیت شیر و خورشید سرخ بود.
- ریاست بخش جراحی بیمارستان هفتم تیر سالهای ۱۳۵۲-۱۳۶۴
- تا سال ۷۹ ریاست بخش جراحی عمومی و جراحی سینه بیمارستان شهید مدرس
- در سال ۱۳۶۹ به عضویت پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی درآمد در همین سال جامعه جراحان ایران را تأسیس کرد.

### سیاست

- دکتر سعیدی در دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸) در همایش حمایت نخبگان از احمدی نژاد شرکت و سخنرانی کرد.
- در مرداد ۱۳۸۹ دکتر سعیدی به عنوان «جانشین رئیس جمهور در شورای عالی ایرانیان مقیم خارج کشور» در «همایش ایرانیان خارج از کشور» سخنرانی کرد. در این همایش از او به عنوان «استاد دانشگاه هاروارد» یاد شد.

### کتابها

- راه چهارم: راهنمای دانشمندان جوان ایرانی (۱۳۸۴) این کتاب که طی مراسمی در موزه امام علی رونمایی شد در برگیرنده علل عقب افتادگی ایران از قافله علم و راهکارهایی برای رسیدن به دانش جدید و ارائه راه حل علمی برای حل این معضل است.

فرزاد ناظم



|                  |                            |
|------------------|----------------------------|
| زاده             | ۱۳۴۰ تهران، ایران          |
| پیشینه علمی      |                            |
| رشته(های) فعالیت | علوم رایانه از ۱۳۶۴ تاکنون |
| محل کار          | مدیر فنی شرکت یاهو         |

فرزاد ناظم یا زاد ناظم کارآفرین ایرانی-آمریکایی است.

### زندگی و تحصیلات

فرزاد ناظم در سال ۱۳۴۰ در تهران متولد شد. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان البرز گذراند و برای ادامه تحصیل به ایالات متحده مهاجرت کرد. در آمریکا او موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم رایانه از دانشگاه ایالتی پلی تکنیک کالیفرنیا شد.

### فعالیت‌های شغلی

مهندس فرزاد ناظم فعالیت‌های شغلی خود را در سال ۱۳۶۴ با کار در SYDIS و Rolm آغاز نمود. به زودی به شرکت اوراکل پیوست و طی ۱۰ سال کار در این شرکت، توانست در نقش‌هایی چون معاون رسانه‌ای و معاون ارشد بخش وب سرور ظاهر شود. همچنین به عنوان یکی از اعضای مدیریت کمیته فروش محصولات فعالیت داشت.

فرزاد سپس در ۱۳۷۵ به یاهو پیوست. به مدت ۱۱ سال مدیر فنی شرکت یاهو بود و به این ترتیب یکی از طولانی‌ترین دوره‌های ابقا در سمت مدیریت در آن شرکت را دارا است. وی در ۱۳۸۶ از مقامش در یاهو کناره‌گیری نمود.

### ثروت

نشریه فورچون در ۱۳۸۲ فرزاد ناظم را با ثروتی در حدود ۳۰۰ میلیون دلار، به عنوان چهاردهمین ثروتمند ایرانی در جهان معرفی کرد.

همچنین پس از خاتمه اختیاری فعالیت ناظم در یاهو، برای قدردانی از زحمات او پاداشی ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار دلاری در نظر گرفته شد.



فرهاد اردلان

**فرهاد اردلان** (متولد ۱۳۱۸ در تهران)، استاد بازنشسته فیزیک دانشگاه صنعتی شریف و پژوهشگاه دانش‌های بنیادی است. وی تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه کلمبیا در آمریکا ادامه داد و دکتری تخصصی خود را از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا دریافت کرد.

بیشتر تحقیقات وی در زمینه نظریه ریسمان و فیزیک ذرات می‌باشد. وی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۳ ریاست پژوهشکده فیزیک پژوهشگاه دانش‌های بنیادی را به عهده داشت. او همچنین یکی از پیشگامان همکاری ایران با سرن (سازمان اروپایی پژوهش‌های هسته‌ای) در پروژه آل‌اچ‌سی بوده است.

او در سال ۲۰۰۹ به عنوان عضو برجسته انجمن فیزیک آمریکا برگزیده شد. این انجمن دلیل این انتخاب را «پژوهش‌های پیشگام او درباره کاربرد هندسه نابجایی در نظریه ریسمان و نظریه‌های پیمانه‌ای و همچنین گسترش مشارکت دانشمندان ایرانی در سرن و پروژه‌های خاورمیانه‌ای» اعلام کرده است.

### فریدون شهیدی



زاده

۲۹ خرداد ۱۳۲۶ تهران

محل تحصیل

دانشگاه جانز هاپکینز

شناخته‌شده برای

روش لنگلندز-شهیدی

پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت

ریاضیات

استاد راهنما

جوزف شالیکا

دانشجویان دکتری

مهدی عسگری

**فریدون شهیدی** (زاده ۲۹ خرداد ۱۳۲۶ در تهران) ریاضیدان ایرانی و پروفیسور ریاضیات در دانشگاه پرديو است. زمینه کاری شهیدی، نظریه نمایش و فرمهای اوتومورفیک و برنامه لنگلندز است. او بویژه به دلیل روشی در I-تابعهای اوتومورفیک که به نام خود او و رابرت لنگلندز، روش لنگلندز -

شهیدی نامیده شده است، نامبردار است. او از سال ۲۰۱۰ عضو آکادمی هنر و دانش آمریکا می‌باشد. شهیدی از سال ۲۰۰۱ دارای رتبه دانشگاهی پروفیسور برجسته (Distinguished Professor) است.

### زندگینامه

شهیدی تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه تهران تا مقطع لیسانس ریاضی ادامه داد. سپس در سال ۱۹۷۵ در دانشگاه جانز هاپکینز تحت راهنمایی جوزف شالیکا، مدرک دکتری ریاضی را بدست آورد. پس از آن شهیدی در دانشگاه‌های بسیاری از جمله دانشگاه ایندیانا، دانشگاه تورنتو، دانشگاه پاریس ۷ و دانشگاه کیوتو بعنوان پژوهشگر و استاد سرگرم آموزش و پژوهش بوده است. شهیدی در سال ۲۰۰۲ بعنوان سخنران مدعو در کنگره جهانی ریاضیدانان در یکن شرکت داشت (Automorphic L-functions and functoriality).

### فریدون عباسی دوانی



عباسی دوانی در سال ۱۳۹۴

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران

مشغول به کار

۲۴ بهمن ۱۳۸۹ – ۲۴ مرداد ۱۳۹۲

اطلاعات شخصی

زاده ۱۷ شهریور ۱۳۳۷ آبادان، ایران

حزب سیاسی جبهه یکتا

| محل تحصیل | دانشگاه شهید بهشتی                    |
|-----------|---------------------------------------|
| پیشه      | استاد دانشگاه، سیاستمدار، مدیر اجرایی |
| تخصص      | دانشمند هسته‌ای، نظامی بازنشسته       |
| دین       | اسلام، شیعه                           |
| جایزه‌ها  | استاد دانشگاه نمونه، ۱۳۸۶             |

**فریدون عباسی دوانی** (زاده ۱۷ شهریور ۱۳۳۷) سیاستمدار، مدیر اجرایی، دانشمند هسته‌ای و پاسدار بازنشسته ایرانی است که هم‌اکنون به‌عنوان نماینده حوزه انتخابیه کازرون و کوهچنار در مجلس یازدهم فعالیت می‌کند. وی در دولت دهم، در فاصله سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ رئیس سازمان انرژی اتمی ایران بود.

وی دانش‌آموخته دکتری فیزیک هسته‌ای از دانشگاه شهید بهشتی و رئیس گروه فیزیک دانشگاه امام حسین و عضو شورای مرکزی انجمن هسته‌ای ایران است. او که از سال ۱۳۸۶ از سوی شورای امنیت تحریم شده، در سال ۱۳۸۹ همزمان با مجید شهریاری دیگر دانشمند هسته‌ای ایران، هدف ترور نافرجام قرار گرفت.

### زندگی‌نامه

فریدون عباسی در ۱۷ شهریور ۱۳۳۷ در شهر آبادان زاده شد. اصلیت وی برای روستای دوان شهرستان کازرون است، اما خانواده وی به استان خوزستان مهاجرت کرده بودند. عباسی پس از وقوع انقلاب به عضویت سپاه پاسداران درآمد و سه دوره مختلف نیز در جنگ ایران و عراق حضور داشته‌است.

### فعالیت‌های علمی

وی بعد از جنگ دکتری فیزیک هسته‌ای را از دانشگاه شهید بهشتی دریافت نمود و از سال ۱۳۷۲ عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه امام حسین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و در حال حاضر ریاست گروه فیزیک این دانشگاه را نیز برعهده دارد.

وی در سال ۱۳۸۶ توسط محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت، به عنوان استاد نمونه کشوری انتخاب شد.

فریدون عباسی عضو شورای مرکزی انجمن هسته‌ای ایران است.

### تحریم از سوی شورای امنیت

در سال ۱۳۸۶، قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت او را فریدون عباسی با عنوان «دانشمند ارشد وزارت دفاع و مرتبط با انستیتو فیزیک کاربردی» ایران نام برده و او را مشمول تحریم قرار داده‌است. این تحریم بعدها مطابق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت همزمان با لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران در ۲۷ مهر ۱۳۹۹ لغو شد.

## فعالیت‌های هسته‌ای

عباسی از دانشمندان هسته‌ای ایران است که دکتری انرژی هسته‌ای دارد. او پس از آنکه هدف ترور نافرجام قرار گرفت

## ترور نافرجام

فریدون عباسی دوانی صبح روز ۸ آذر ۱۳۸۹، همزمان با ترور مجید شهریاری دیگر دانشمند هسته‌ای ایران، هدف سوءقصد منتسب به عوامل موساد قرار گرفت. این ترور در میدان دانشجوی تهران رخ داد که به مجروحیت وی انجامید، و به بیمارستان انتقال پیدا کرد. به گفته او، در حالی که مشغول رانندگی بود متوجه نصب بمب توسط یک موتور سوار به در ماشین شد و بلافاصله از خودروی در حال حرکت بیرون پرید، که در پی آن، از این ترور جان سالم به در برد. در رسانه‌های ایران از او با عنوان تنها «جانباز هسته‌ای» ایران یاد می‌کنند. و در موزه دفاع مقدس، یادمان در «یادمان شهدای هسته‌ای» یادمانی برای او به عنوان جانباز هسته‌ای قرار دارد.

## ریاست سازمان انرژی اتمی

پس از انتخاب علی‌اکبر صالحی رئیس وقت سازمان انرژی اتمی به جای منوچهر متکی به عنوان وزیر امور خارجه، محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت، در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۸۹ او را به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی منصوب کرد. او تا مرداد ۱۳۹۲ این سمت را بر عهده داشت، و با روی کار آمدن دولت روحانی، وی عباسی را برکنار کرد و بار دیگر صالحی دیگر به ریاست سازمان رسید.

## مخالفت با برجام

در تاریخ ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۵ همزمان با یکسالگی توافقنامه برجام، عباسی در مصاحبه‌ای با رجانیز نسبت به روند و اقدامات صورت گرفته در برجام انتقاداتی را مطرح کرد: این حرف بسیار مسخره‌ای است که می‌گویند ما جزو صادرکنندگان اورانیوم غنی‌شده هستیم. صادرکننده آب سنگین هستیم. طرف دارد صورتش را با سیلی سرخ نگی می‌دارد. برای اینکه بگوید دستاوردی دارم، می‌گوید جزو صادرکننده‌ها هستیم، شما را مجبور کردند اینها را رقیق یا صادر و آب سنگین را از کشور خارج کنید. وقتی در مذاکره اینها را پذیرفتید، باید خارج کنید. ببینید چقدر شتابزده عمل می‌کنند. قبل از اینکه موعدش برسد، می‌روند و اورانیوم را رقیق یا خارج می‌کنند و آب سنگین را به کشور دیگری می‌فرستند و پولش را هم نمی‌گیرند؛ یعنی خودمان را از یک ماده استراتژیک که با آن می‌توانیم در یک مذاکرات سیاسی چانه‌زنی کنیم، بی‌بهره می‌سازیم، بعد می‌آییم و قیافه می‌گیریم که در این قضیه جزو صادرکنندگان مواد هسته‌ای شده‌ایم. خیر، خیلی چیزهای دیگر بود که می‌شد صادر کرد و اینها را نگه داشت. اینها عوام‌فریبی است.

در تاریخ ۲۴ تیرماه سال ۱۳۹۵ سازمان انرژی اتمی ایران با صدور بیانیه‌ای به این اظهارات پاسخ داد. در قسمتی از این بیانیه آمده‌است: توصیه ما به تقوی، ترس از خدا، رعایت اخلاق و انصاف، پرهیز از کینه، بغض، عداوت و حسادت است!!؟

پس از ترور محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای ایران در سال ۱۳۹۹، عباسی بار دیگر به انتقاد از دولت روحانی پرداخت و اعلام کرد که شخصاً آغاز دوباره غنی‌سازی ۲۰٪ هسته‌ای و قطع همکاری با آژانس و اخراج بازرسان آن و خروج از برجام را در مجلس پیگیری خواهد کرد.

## جنجال - جدال سرسختانه

عباسی مرتباً با تلاش‌های ادعایی ایران در ساخت سلاح هسته‌ای مرتبط بوده‌است، روندی به نام سلاح سازی. بر اساس گزارش یک مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل به نقل از یک متخصص نزدیک به

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، عباسی دانشمند اصلی در برنامه ادعایی پنهان سلاح هسته ای ایران به ریاست محسن فخری زاده-مهابادی، یکی از حامیان جدی ادعای ایران بود برنامه سلاح هسته ای. این کارشناس اضافه کرد که عباسی شخصاً کار خود را برای محاسبه بازده سلاح هسته ای و همچنین کار بر روی منابع نوترونی با انرژی بالا انجام داد.

بر اساس همین گزارش، آژانس انرژی هسته ای آگاهی داشت که عباسی رئیس انستیتوی فیزیک کاربردی (IAP) بود، که یک سازمان پیگیر برای مرکز تحقیقات فیزیک بود. هر دو سازمان به عنوان جبهه‌هایی برای کار علمی در مورد برنامه احتمالی سلاح‌های هسته ای ایران عمل کردند.

#### تعیین توسط سازمان ملل

عباسی "در ضمیمه قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل از ۲۴ مارس ۲۰۰۷ ذکر شده است، به عنوان شخصی که در فعالیت‌های هسته ای یا موشک بالستیک ایران نقش دارد". این قطعنامه منجمد کردن دارایی و الزامات اعلان سفر را اعمال می‌کند. عباسی به عنوان "دانشمند ارشد وزارت دفاع و لجستیک نیروهای مسلح (MODAFL) با پیوندهایی به انستیتوی فیزیک کاربردی و همکاری نزدیک با مهابادی (که توسط سازمان ملل نیز تعیین شده است) توصیف می‌شود.

#### فعالیت‌های سیاسی

عباسی از منتقدان دولت روحانی و مخالفان برجام است.

پس از روی کار آمدن روحانی، وی همراه تنی چند از دولتمردان احمدی‌نژاد، در سال ۱۳۹۴ جبهه یکتا را پایه‌گذاری کرد.

#### فیروز نادری



زاده ۵ فروردین ۱۳۲۵ شیراز

محل زندگی کالیفرنیا-آمریکا

|                |                                                            |
|----------------|------------------------------------------------------------|
| پیشینه         | هوافضا                                                     |
| سال‌های فعالیت | ۳۶ سال در ناسا                                             |
| سازمان         | اتحادیه روابط عمومی آمریکایی‌های ایرانی‌تبار               |
| کارهای برجسته  | معاونت آزمایشگاه پیش‌رانش جت (JPL) و مدیریت پروژه‌های مریخ |
| منصب           | مدیرکل اکتشافات منظومه شمسی (ناسا)                         |

**فیروز نادری** (انگلیسی: Firouz Michael Naderi؛ زاده ۵ فروردین ۱۳۲۵) معاون پیشین مدیرکل تنظیم راهبردهای آزمایشگاه پیش‌رانش جت در ناسا و مدیرکل اکتشافات منظومه خورشیدی (از ۱۵ اوت ۲۰۱۱) بوده است. او در فوریه سال ۲۰۱۶ بازنشسته شده است. وی هم‌اکنون در سمت مشاور مدیریت در ناسا و به عنوان یک سخنران عمومی فعالیت می‌کند.

## زندگی و تحصیلات

فیروز نادری در ۵ فروردین ۱۳۲۵ در شهر شیراز با اصالت کازرونی به دنیا آمد. وی تحصیلات متوسطه خود را در ایران به اتمام رساند و پس از آن به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی برق پی گرفت. وی دوره کارشناسی خود را در دانشگاه ایالتی آیووا و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی به اتمام رساند. نادری، پس از پایان تحصیل به ایران بازگشت و ضمن گذراندن خدمت سربازی، مدتی در مرکز سنجش از دور ایران فعالیت کرد. وی در مدت همکاری خود با ناسا مشاغل فنی و مدیریتی متعددی را در زمینه ماهواره‌های مخابراتی متحرک، رادارهای سنجش از دور، رصدخانه‌های تحقیقاتی اختر فیزیک، اکتشاف مریخ و سایر اجرام منظومه شمسی بر عهده داشت.

نادری از سال ۱۹۹۶ مدیر برنامه منشأ حیات ناسا بود. وی در سال ۱۹۷۶ به JPL پیوست و به عنوان مدیر آزمایش‌های پروازی علوم فضا و مدیر طرح تفرق‌سنج (Scatterometer) ناسا به کار پرداخت. علاوه بر اینها وی در مرکز مدیریت ناسا، سرپرستی برنامه فناوری ارتباطات پیشرفته ماهواره‌ای را بر عهده داشت و در JPL نیز مدیر برنامه ماهواره‌های متحرک بود. وی از سال ۲۰۰۰ نیز مدیریت برنامه تازه تأسیس برنامه مریخ را بر عهده گرفت. وظیفه مرکز برنامه مریخ آن است که تمام تحقیقات مربوط به مریخ را هدایت و برنامه‌ریزی کند. وی، در فروردین ماه ۱۳۷۹ به سمت مدیر پروژه‌های اکتشاف مریخ منصوب شد.

در پی موفقیت کاوشگرهای مریخ، نادری به سمت معاون و مدیر ارشد برنامه‌ریزی مرکز JPL (آزمایشگاه پیش‌رانش جت)، از مهمترین مراکز فضایی ناسا منصوب شد و در سمت جدید به عنوان مسئول طراحی برنامه‌ها و راهبردهای مرکز، تجاربش در مأموریت‌های مریخ را در مطالعه سایر بخش‌های جهان از زمین تا کهکشان‌های دور به کار بسته است. وی همچنین مسئولیت طراحی چشم‌انداز راهبردی پنج تا ۲۰ ساله JPL را بر عهده دارد. وی در سال ۲۰۱۱ به سمت مدیر پژوهش‌های رباتیک منظومه خورشیدی منصوب گشته است. او در مصاحبه با برنامه یارازیت به این سؤال که نظرش درباره تئوری استیون هاوکینگ درباره عدم

وجود خدا چیست پاسخ داد که به هیچ نوع دین و مذهب اعتقاد ندارد، خدا برایش از دین مجزا ست و اندیشه سپیر یچوال دارد.

### کاوشگرهای مریخ

معروفیت نادری بیشتر به خاطر ۲ کاوشگر مریخ یعنی روح و فرست بوده است که با مدیریت او اطلاعات زیادی از جمله امید بیشتر به وجود حیات در مریخ را به بشر داد. وی، فروردین ۱۳۷۹ در شرایطی که چندین مأموریت متوالی سازمان فضایی ناسا در پرتاب فضاپیما به سوی مریخ با شکست مواجه شده بود، به مدیریت برنامه‌های اکتشافات مریخ منصوب شد و توانست در طی ۴ سال، ۳ مأموریت مهم از جمله پرتاب ۲ کاوشگر مریخنورد «روح» و «فرست» را با موفقیت به انجام رساند.

### اسکار ۲۰۱۷

پس از انصراف اصغر فرهادی کارگردان فیلم فروشنده از حضور در مراسم اسکار ۲۰۱۷ - که در اعتراض به فرمان اجرایی ۱۳۷۶۹ مبنی بر جلوگیری از ورود شهروندان هفت کشور مسلمان از جمله ایران به خاک آمریکا صورت گرفت- وی انوشه انصاری و فیروز نادری را به عنوان نمایندگان برای حضور در مراسم اسکار معرفی کرد. در این مراسم، فیلم فروشنده توانست جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان را به دست آورد و در پی آن، انوشه انصاری و فیروز نادری، جایزه اسکار را به جانشینی از سوی اصغر فرهادی دریافت کردند. در این مراسم متن سخنان اصغر فرهادی در غیاب او توسط انوشه انصاری خوانده شد.

### جوایز و افتخارات

- همکار از مؤسسه هوانوردی و فضاوردی آمریکا (AIAA)
- دریافت جایزه دوم ویلیام راندولف لاولیس از جامعه فضاوردی آمریکا (۲۰۱۰)
- دریافت مدال افتخار جزیره ایس (۲۰۰۵)
- برنده جایزه لیبرال (۲۰۰۴)
- مدال رهبری برجسته ناسا
- مدال خدمات برجسته ناسا
- پس از ۳۶ سال، در فوریه ۲۰۱۶ ناسا به افتخار تلاش‌های فیروز نادری سیارک ۱۹۸۹-EL1 منظومه شمسی را به افتخار وی "نادری ۵۵۱۵" نام‌گذاری کرد.



قاسم اسرار

متولد ایران، شیراز

تحصیلات: دانشگاه ایالتی میشیگان، شرق لنسینگ، میشیگان

جوایز: (1997) جایزه عملکرد استثنایی ناسا

(1999) مدال خدمات برجسته ناسا

(2000) مدال ناسا برای رهبری برجسته

(2014) AGU جایزه سفیر

حرفه علمی:

زمین و سیستم های فضایی

مهندسی عمران و فیزیک محیط زیست

سنجش از دور

دانشگاه مریلند

(WCRP) برنامه تحقیقات جهانی آب و هوا

(اداره ملی هوانوردی و فضایی ایالات متحده (ناسا)

قاسم آر اسرار برجسته است ایرانی-آمریکایی دانشمندی در زمینه علوم زمین و فضا که در حال حاضر به عنوان معاون ارشد رئیس جمهور خدمت می کند

انجمن تحقیقات فضایی دانشگاه ها از نوامبر 2019

دکتر اسرار در شیراز، ایران و در خانواده ای متولد و بزرگ شد که در میان نه خواهر و برادر بزرگترین فرزند بود. وی برای ادامه تحصیلات تکمیلی خود در دانشگاه ایالتی میشیگان در سال 1978 به ایالات متحده مهاجرت کرد



کارو لوکاس

|                     |                                                                           |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------|
| زاده                | ۱۳ شهریور ۱۳۲۸ / ۴ سپتامبر ۱۹۴۹<br>اصفهان، ایران                          |
| درگذشت              | ۱۷ تیر ۱۳۸۹ / ۸ ژوئیه ۲۰۱۰<br>تهران، ایران                                |
| تحصیلات             | مهندسی برق                                                                |
| محل تحصیل           | دانشگاه تهران / دانشگاه کالیفرنیا،<br>برکلی                               |
| شناخته شده برای     | بنیانگذار و مدیر «قطب کنترل و<br>پردازش هوشمند»<br>«پدر علم رباتیک ایران» |
| همسر                | امیلیا نرسیسیانس                                                          |
| جایزه               | چهره ماندگار ۱۳۸۵                                                         |
| پیشینه علمی         |                                                                           |
| رشته(های)<br>فعالیت | مهندسی برق                                                                |
| محل کار             | دانشگاه تهران                                                             |

کارو لوکاس قوکاسیان (ارمنی: Կարո Լուկաս Դուկասեան؛ آوانگاری: Kāro Lukās ʁovka'sjān؛ ۱۳ شهریور ۱۳۲۸ – ۱۷ تیر ۱۳۸۹) مهندس برق و الکترونیک، استاد دانشگاه و مخترع ایرانی ارمنی‌تبار بود.

کارو لوکاس تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه ارمنیان کوشش-داوتیان ارمنیان طی کرد و در ۱۳۴۷، در رشته ریاضی دیپلم گرفت. در همان سال با رتبه عالی وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران و در ۱۳۵۲ هجش (۱۹۷۳ میلادی)، با مدرک کارشناسی ارشد در رشته برق و الکترونیک از دانشگاه تهران (در ۳ سال) فارغ‌التحصیل شد. لوکاس در سال ۱۹۷۶ میلادی مدرک دکترای خود را از گروه مهندسی برق و علوم کامپیوتر دانشگاه برکلی کالیفرنیا با گرایش مهندسی کنترل دریافت کرد.

لوکاس در زمینه سیستم‌های هوشمند پژوهش می‌کرد و بنیانگذار و مدیر «قطب کنترل و پردازش هوشمند» دانشکده مهندسی برق دانشگاه تهران و رئیس بخش مهندسی برق این دانشگاه و همچنین مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بود. او افزون بر آموزش و پژوهش در دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران، استاد مهمان دانشگاه‌های تورنتو، برکلی و یوسی.ال.ای، محقق مرکز بین‌المللی فیزیک نظری و مرکز بین‌المللی مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی در تریسته ایتالیا، دستیار تحقیق شرکت

پژوهشی و تولیدی اونتاریو، و دستیار تحقیق آزمایشگاه پژوهش‌های الکترونیکی دانشگاه کالیفرنیا نیز بود. لوکاس از پژوهشگران مشهور در رشته هوش مصنوعی و روباتیک در ایران بود، چنان‌که رسانه‌های ایرانی بعد از مرگ لوکاس از او با لقب «پدر علم روباتیک ایران» یاد کردند.

### ابتدای زندگی و تحصیلات

کارو لوکاس در ۱۴ شهریور ۱۳۲۸ (۵ سپتامبر ۱۹۴۹) در اصفهان به دنیا آمد. وی تولد خود را چنین شرح داده که «هنگامی که خانواده‌ام طبق روال همه ساله برای گذراندن تعطیلات تابستان به موطن خود، جلفای اصفهان، رفته بودند به دنیا آمدم. در واقع، از طرف پدر و مادر اصفهانی هستم اما قسمت اعظم عمر و دوران تحصیل را در تهران سپری کرده‌ام. در نتیجه، من نیمه اصفهانی و نیمه تهرانی هستم» و سپس به شوخی گفته که «اگر شاهد بازی دو تیم تهران و اصفهان باشم، مسلماً تیم اصفهان را تشویق خواهم کرد.»

لوکاس تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران در مدرسه ارمینان کوشش-داوتیان گذراند و در سال ۱۳۴۷ هش، در رشته ریاضی دیپلم گرفت. او در همان سال با رتبه عالی وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و در ۱۳۵۲ با مدرک کارشناسی ارشد در رشته برق و الکترونیک از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. سپس در ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به ایالات متحده آمریکا رفت. وی و در سال ۱۳۵۵ هش (۱۹۷۶ م.)، موفق شد در رشته مهندسی الکترونیک (برق) و علوم کامپیوتر با گرایش مهندسی کنترل از دانشگاه برکلی کالیفرنیا مدرک دکتر بگیرد. در توصیه نامه استاد کارو در دانشگاه تهران به دانشگاه برکلی چنین نوشته شده است: «اگر کارو را در دانشگاه خود قبول نکنید، دیوانه‌اید.»

### فعالیت‌ها

او پس از بازگشت به ایران در دانشکده فنی دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعدها به درجه استادی همان دانشگاه رسید و دوره‌ای رئیس گروه برق این دانشکده نیز بود. و مرکز «کنترل و پردازش هوشمند» را در این دانشگاه بنیان گذاشت. در طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی و در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۷ رئیس دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران بود.

وی ابداعاتی در زمینه طراحی یک شبکه عصبی هابیرید برای تشخیص کلمات منفرد فارسی داشته است.

کارو سردبیری مجموعه‌هایی همچون چهره‌های ماندگار دانشکده مهندسی دانشگاه تهران، بررسی منتقدین ریاضی، مجله سیستم‌های هوشمند و فازی و بخش ایرانی مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک را بر عهده داشته است.

کارو لوکاس پژوهش‌های خود را در علوم و مهندسی سیستم شروع کرد اما در خلال دهه هشتاد به تدریج تمرکز پژوهش‌های خود را به سمت سیستم‌های هوشمند انتقال داد. او جزو نخستین پژوهشگران بین‌المللی بود که ارتباط میان شبکه‌های عصبی، منطق فازی و الگوریتم‌های ژنتیک را محقق کردند.

پژوهش‌های لوکاس در زمینه‌ها و حوزه‌های زیر بوده است: محاسبه‌های زیستی، هوش محاسباتی، سامانه‌های نامشخص، کنترل هوشمند، شبکه‌های عصبی، سامانه چندعامله، داده‌کاوی، پیش‌بینی سری‌های زمانی، الگوسازی مالی و مدیریت دانش، منطق فازی، بهینه‌سازی تکاملی و الگوسازی‌های عاطفی.

وی را پدر دانش رباتیک و هوش مصنوعی ایران نامیده‌اند.

### نشست‌های بین دانشگاهی

لوکاس به توسعه و پشتیبانی گفتگو و همکاری میان پژوهشگران و توسعه پژوهش‌های چند نظامی اعتقادی وافر داشت و یکی از برجستگی‌های شخصیت او، کمک کردن به کنفرانس‌های محلی، ملی و

بین‌المللی بود. او نخستین کنفرانس بین‌المللی سیستم‌های کنترل را پس از انقلاب ۱۳۵۷ در سال ۱۹۹۰ راه‌اندازی کرد. وی در تأسیس کنفرانس‌های متعدد دیگری شامل کنفرانس سیستم‌های هوشمند ایران، کنفرانس سیستم‌های فازی ایران و کارگاه شبکه‌های عصبی ایران-ارمنستان نیز نقش محوری بازی کرد.

لوکاس در ۱۳۷۹، هنگامی که ریاست پژوهشگاه سیستم‌های هوشمند را بر عهده داشت، با آشوت چیلینگاریان، چهره سرشناس مؤسسه فیزیک ارمنستان، آشنا شد. از آن سال به بعد نشست‌های دو نهاد دانشگاهی ایران و جمهوری ارمنستان، تحت عنوان کارگاه‌های شبکه‌های عصبی، تا ۱۳۸۶، همه ساله و به صورت متناوب و یک سال در میان در ایران و ارمنستان برگزار می‌شد. در کنار این نشست‌ها، گردهمایی‌های دیگری نیز، تحت عناوین مختلف و با مؤسسات دیگر مانند مؤسسه زلزله‌شناسی و فرهنگستان علوم ارمنستان، به صورت سالیانه برگزار می‌شد. چکیده این فعالیت‌ها، که تا زمان مرگ کارو لوکاس ادامه داشت، به شرح زیر است:

- ارائه هشت مقاله از بیست تن از استادان و دانشجویان دانشگاه تهران در هفتمین گردهمایی علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات، ۲۸ سپتامبر تا ۲ اکتبر، ۲۰۰۸، ایروان، ارمنستان
- ارائه هفت مقاله از هفده تن از استادان و دانشجویان دانشگاه تهران در سمپوزیوم بین‌المللی فیزیک کیهانی: پیش‌بینی اشعه‌های طوفان‌های مغناطیسی از طریق شبکه‌های رویاب، ۲۹ سپتامبر – ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸، ایستگاه نور-آمبرد در کوه‌های آراگاتس، ارمنستان
- ارائه دو مقاله در همایش مشترک اخترشناسان اروپا، با همکاری اخترشناسان ارمنستان، در ششمین همایش اخترشناسی ارمنستان، ۲۳ و ۲۴ اوت ۲۰۰۷، ایروان، ارمنستان
- ارائه شش مقاله از سیزده تن از استادان و دانشجویان دانشگاه تهران در ششمین کنفرانس علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات<sup>[۱]</sup>، ۲۴-۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷، ایروان، ارمنستان
- ارائه نه مقاله از استادان و دانشجویان دانشگاه ارمنستان با موضوع «رویدادهای افراطی خورشیدی»، ۲۶-۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵، نور-آمبرد، ارمنستان

### سمت‌ها

لوکاس علاوه بر تدریس و تحقیق در ایران به فعالیت‌های علمی و پژوهشی بسیاری نیز در دانشگاه‌های خارج از ایران پرداخت. برخی از سمت‌های وی عبارت بودند از:

- دانشیار مدعو، گروه مهندسی صنایع دانشگاه تورنتو، کانادا؛ تابستان ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ (۱۹۸۹-۱۹۹۰)
- دانشیار مدعو، دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، ایالات متحده آمریکا؛ ۱۳۶۷-۱۳۶۸ (۱۹۸۸-۱۹۸۹)
- دانشیار مدعو، در گروه‌های مهندسی برق و مهندسی مکانیک و صنایع دانشگاه گاریونیس (دانشگاه بنغازی فعلی)، بنغازی، لیبی؛ ۱۳۶۳-۱۳۶۴ (۱۹۸۴-۱۹۸۵)
- دانشیار مدعو، دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس، (۱۹۷۵-۱۹۷۶)
- محقق مرکز بین‌المللی فیزیک نظری و ریاضیات
- دانشیار مدعو، مؤسسه ریاضی کاربردی، مؤسسه علوم چین، پکن، چین؛ تابستان ۱۳۷۰ (۱۹۹۱)
- دانشیار مدعو، مؤسسه فناوری برق هاربین، چین؛ تابستان ۱۳۷۱ (۱۹۸۲)
- دستیار تحقیق در شرکت پژوهشی تولیدی انتاریو کانادا
- دستیار تحقیق در آزمایشگاه پژوهش‌های الکترونیکی، دانشگاه کالیفرنیا، برکلی
- عضو وابسته مرکز بین‌المللی مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، تریسته، ایتالیا؛ شهریور ۱۳۷۱
- استاد مدعو، مؤسسه فیزیک ایروان، ارمنستان؛ تابستان ۱۳۷۶

- محقق مدعو، مؤسسه پردازش داده و الکترونیک، فورشانگزنتروم کارلر سرویه، آلمان؛ تابستان ۱۳۸۳
- سخنران در مدرسه زمستانی، دانشگاه پیشرفت پرسنل، برنامه تربیت مدرس دانشگاه گئورگ آگوست گوتینگن، آلمان؛ دی ۱۳۸۶
- استاد مدعو، دانشگاه آمریکایی ارمنستان، ایروان، ارمنستان؛ تابستان ۱۳۸۶

### سایر فعالیت‌ها

پایه‌گذاری، ریاست و عضویت در انجمن مهندسی برق و الکترونیک، پایه‌گذاری و مدیریت «پژوهشکده سیستم‌های هوشمند» در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، «قطب کنترل و پردازش هوشمند» در دانشگاه تهران و تأسیس «مرکز تحقیقات مکترونیک کشور» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین و برپایی نشست‌های دانشگاهی کشورهای ارمنستان و ایران با عنوان «کارگاه‌های شبکه‌های عصبی» با همکاری آشوت چیلینگاریان، فیزیکدان معروف مؤسسه فیزیک ارمنستان از کارهای ماندگار اوست.

در کنار فعالیت‌های علمی و شرکت در سمینارها و گردهمایی‌ها لوکاس در سمت مشاور عالی در سازمان‌ها و مؤسسات زیر نیز فعالیت داشته‌است

او همچنین در این مناصب فعالیت کرد: مهندسین مشاور توسعه راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵)، وزارت نیرو (۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵)، شرکت سهامی بانکداران ایرانی (۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰)، و انجمن مهندسین مشاور مگردومیان (۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳).

وی به عنوان مشاور معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی ایران (۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸)، در تأسیس مراکز متعدد پژوهشی مرتبط با سیستم‌های هوشمند در ایران مؤثر بود.

لوکاس دارنده حق امتیاز اختراعی با عنوان «شناساگر عصبی کلمات فارسی جداگانه در کلام» بود.

### مقالات و تالیفات

وی بیش از ۱۵۰ مقاله در مجله‌ها و ۳۰۰ مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی در گردهمایی‌های مختلف در ایران و جهان ارائه کرد. از کتب متعددی که وی تألیف کرد، می‌توان می‌توان به کتاب سیستم‌های هوشمند مهندسی بیومدیکال اشاره کرد و سمت دبیری چندین گردهمایی بین‌المللی را نیز عهده‌دار بود.

### زندگی خصوصی

امیلیا نرسیسیان، همسر کارو نیز مدرس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بود. امیلیا نرسیسیان در مصاحبه‌ای مطبوعاتی پیش از فوت همسرش می‌گوید:

من هم از سوی خانواده مادری اهل جلفای اصفهان هستم و خانواده ما و دکتر لوکاس سال‌ها به واسطه وصلت‌های خانوادگی با هم در ارتباط بوده‌اند و در واقع عروس به خانواده آنان فرستاده‌اند. این سنت کماکان حفظ شده به طوری که من در ۱۳۵۵ به آمریکا رفتم و در آنجا با دکتر لوکاس ازدواج کردم و به ایران برگشتم. حاصل ازدواج لوکاس با نرسیسیان یک فرزند پسر به نام آرمان است که برخلاف پدر، نمرات ممتاز خود را در رشته معماری کسب کرده‌است.

### درگذشت

لوکاس یکسال با بیماری سرطان روده مبارزه و بر بیماری‌اش غلبه کرد اما به علت زخم ایجاد شده در اثر عدم دقت کافی در انجام کولونوسکوپی روده و تبدیل آن به عفونت در روز جمعه ۱۷ تیرماه ۱۳۸۹ (۸ ژوئیه ۲۰۱۰) در سن ۶۱ سالگی در بیمارستان امام خمینی، تهران درگذشت. پیکر وی بعد

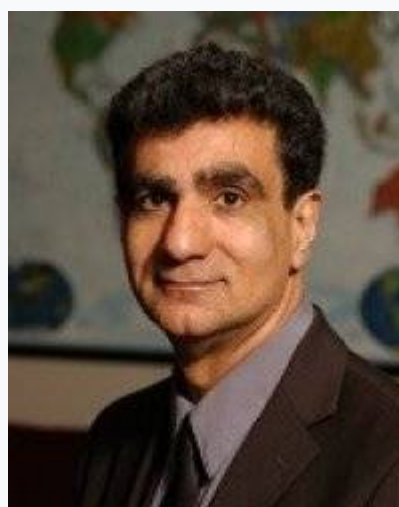
از ظهر روز دوشنبه ۲۱ تیر از کلیسای واقع در خیابان ۳۰ تیر تشیع و در گورستان ارامنه به خاک سپرده شد.

### جوایز و افتخارات

برخی از جوایزی که لوکاس در طول فعالیت‌هایش کسب کرد از این قرارند (تمام سال‌ها به میلادی هستند):

- انتخاب به عنوان چهره ماندگار دانش ایران (۲۰۰۶)
  - جایزه بین‌المللی رتبه نخست هفدهمین جشنواره خوارزمی در پژوهش‌های بنیادی (۲۰۰۴)
  - جایزه رتبه نخست پژوه نمونه در نهمین جشنواره ابن سینا (۲۰۰۸)
  - جایزه پژوهشگر برجسته ایرانی اسکوپوس (۲۰۰۷)
  - جایزه کمیته دایمی سازمان کنفرانس اسلامی در همکاری علمی و تکنولوژیکی برای پژوهش‌های ممتاز (۲۰۰۴)
  - جایزه ناحیه هشت مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک (۲۰۰۰)
  - نشان انجمن مهندسان و معماران ارمنستان (۱۹۹۹)
  - استاد نمونه برگزیده پردیس دانشکده‌های فنی و دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر در هفادمین سالگرد دانشگاه تهران (۲۰۰۴)
  - استاد نمونه وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۹۹۹)
  - استاد نمونه دانشگاه تهران (۱۹۹۳ و ۱۹۹۵)
  - استاد نمونه وزارت نیرو (۱۹۹۱)
- در سال ۱۳۸۵ به دلیل فعالیت‌های منحصر به فرد آموزشی و تحقیقاتی در زمینه مهندسی کامپیوتر، رباتیک و هوش مصنوعی به عنوان چهره ماندگار مهندسی ایران برگزیده شده بود.
- حسین فاتحی در کتاب اشک مرجانی غزل «پیکره» را خطاب به وی سروده‌است.

کامران تلاف



۱۲ خرداد ۱۳۳۳

زاده

|           |                               |
|-----------|-------------------------------|
| تحصیلات   | دکتری                         |
| محل تحصیل | دانشگاه میشیگان               |
| پیشه      | استاد دانشگاه نویسنده پژوهشگر |

کامران تلطف (۱۲ خرداد ۱۳۳۳) پژوهشگر ادبیات و جامعه‌شناسی فرهنگ، نویسنده و استاد دپارتمان مطالعات خاورمیانه در دانشگاه آریزونا است.

### تحصیلات

تلطف در سال ۱۳۵۵ با مدرک کارشناسی در رشته حقوق از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و پس از آن برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد. بعد از آخر مدرک کارشناسی ارشد به ایران بازگشت اما پس از اقامتی ۵ ساله در ایران مجدداً رهسپار اروپا و آمریکا شد. او در سال ۱۹۹۶ مدرک دکترایش را از دانشگاه میشیگان دریافت کرد، پایان‌نامه‌اش درباره مفهوم تاریخ‌نگاری ادبیات در خاورمیانه بود. تلطف پس از سه سال تدریس در دانشگاه پرینستون از سال ۱۹۹۹ تاکنون در دانشگاه آریزونا مشغول به تدریس است.

### کتاب‌شناسی

#### تألیف

- ایدئولوژی بازنمایی: جنبش‌های ادبی اپیزودیک در ادبیات مدرن فارسی (۱۹۹۶)
- کتاب سیاست نوشتار: پژوهشی در شعر و داستان معاصر (۲۰۰۰)
- مدرنیته، جنسیت و ایدئولوژی در ایران (۲۰۱۱)

#### ترجمه به انگلیسی

- طوبا و معنای شب نوشته شهرنوش پارسی‌پور (ترجمه به انگلیسی به همراه حوا هوشمند)

#### مقالاتی درباره نیا یوشیج

مقالاتی درباره نیا یوشیج: جان‌بخشی به مدرنیسم در شعر فارسی (به انگلیسی: Essays on Nima Yushij: Animating Modernism in Persian Poetry) مجموعه مقالاتی درباره زندگی و شعر نیا یوشیج به‌ویراستاری احمد کریمی حکاک و کامران تلطف است که در آن نویسندگان مسئله تجدد را در شعر نوی فارسی بررسی می‌کنند.

## کامران وفا



|              |                                             |
|--------------|---------------------------------------------|
| زاده         | ۱۹۶۰ تهران، ایران                           |
| محل<br>تحصیل | مؤسسه فناوری ماساچوست<br>دانشگاه پرینستون   |
| جایزه ها     | مدال دیراک ۲۰۰۸، جایزه فیزیک بنیادی<br>۲۰۱۷ |
| پیشینه علمی  |                                             |
| رشته فعالیت  | فیزیک                                       |
| محل کار      | دانشگاه هاروارد                             |
| استاد راهنما | ادوارد ویتن                                 |

**کامران وفا** (زاده ۱۳۳۹ در تهران) استاد فیزیک در دانشگاه هاروارد است. او از فیزیک دانان برجسته در زمینه نظریه ریسمان می باشد. وی در سال ۲۰۰۸ میلادی موفق به دریافت مدال دیراک شد. او به همراه جوزف یلچینسکی و اندرو استرومینگر، به پاس پیشبرد دانش در نظریه ریسمان، گرانث کوانتومی و نظریه میدان های کوانتومی، برنده جایزه فیزیک بنیادی در سال ۲۰۱۷ در ایالت کالیفرنیا شدند.

## تولد و تحصیلات

کامران وفا در سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در دبیرستان البرز به پایان رساند و در سال ۱۹۷۷ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت نمود. وی مدرک کارشناسی خود را

در فیزیک و ریاضی از ام ای تی بدست آورد. کامران وفا در سال ۱۹۸۵ میلادی موفق به دریافت درجه دکتري خود با سرپرستی ادوارد ویتن از دانشگاه پرینستون شد. وفا و ویتن با هم پژوهش‌های زیادی انجام دادند و حتی یک قضیه در فیزیک نظری به نام آن‌ها به نام قضیه وفا-ویتن ثبت شده‌است. وفا با پایان تحصیلاتش به دانشگاه هاروارد رفت عضو جونیور هاروارد شد که بعدها وی در همان‌جا یک کرسی جونیور گرفت. در سال ۱۹۸۹ به او یک کرسی ارشد (سینیور) پیشنهاد شد و از آن زمان تاکنون او در همان‌جا مشغول به فعالیت بوده‌است. وی از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ استادیار این دانشگاه بود و در کنار کارهای پژوهشی تدریس می‌کرد و در سال ۱۹۹۰ در دانشگاه بزرگ هاروارد صاحب کرسی شد. او از سال ۲۰۰۳ تاکنون استاد تمام دانشگاه هاروارد و صاحب کرسی ویلیام دانر است.

### پژوهش‌ها

کامران وفا یک نظریه‌پرداز در زمینه نظریه ریسمان است. پژوهش‌های وی بر روی ماهیت گِرانش کوانتومی و رابطه بین هندسه و نظریه‌های میدانهای کوانتومی متمرکز شده‌است. او در جامعه نظریه ریسمان به دلیل کشف مشترکش با اشترومینگر شناخته می‌شود. این دو کشف کردند که انترویی بکنشتاین-هاوکنینگ یک سیاهچاله را می‌توان با استفاده از حالت‌های سالیونی نظریه ابرریسمان بیان کرد. وی همچنین به خاطر توضیح رابطه بین هندسه و نظریه‌های میدان که از دوگانگی‌های ریسمان‌ها بر می‌آید، شناخته می‌شود (که منجر به فرضیه گوپاکومار-وفا شد). این موضوع با عنوان «مهندسی هندسی نظریه‌های میدان کوانتومی» شناخته می‌شود. در سال ۱۹۹۷ او نظریه اف را ارائه داد که جزو نظریه‌های شناخته شده در ابرریسمان است.

او همچنین علاقه‌مند به فهمیدن معنی نهفته دوگانگی‌های ریسمان‌ها و همچنین تلاش در به‌کارگیری نظریه ابرریسمان برای حل مسائل حل نشده در فیزیک ذرات بنیادی (مانند مسئله سلسله مراتب و مسئله ثابت کیهان‌شناسی) است.

او مشارکت‌های عمیقی در زمینه نظریه‌های ریسمان توپولوژیک و فهمیدن تقارن آینه‌ای و ساخت مدار-خمینه در نظریه ریسمان داشته‌است.

### زندگی شخصی

دکتر محمد عسگر وفا امیری در آمریکا با اعظم قربانی که یکی از برترین و به اصطلاح شاگرد اول او بود ازدواج نمود و حاصل این ازدواج دختری به نام آرنیاست. اعظم قربانی هر ساله برای دیدار خانواده خود به ایران سفر مینمود که امسال به دلیل شیوع ویروس کووید ۱۹ از این سفر جاماند. او متولی «شبکه ایرانیان برای دانش و نوآوری (NIKI)» است. این مؤسسه فعالیت‌های عام‌المنفعه زیادی در ایران انجام داده؛ از جمله می‌توان به تأسیس مرکز تحقیقات پیشگیری و درمان زخم‌های مزمن در زنجان اشاره کرد.

کامران وفا زیاد به ایران سفر می‌کند و آخرین بار در سال ۱۳۹۵ برای سخنرانی در دانشگاه امیر کبیر به تهران آمد.

### افتخارات و جوایز

کامران وفا تا به حال بیش از ۲۵۰ مقاله علمی نوشته‌است. او در سال ۱۹۸۹ جایزه «محقق جوان» ریاست جمهوری آمریکا را دریافت کرد. در همان سال جایزه‌های آلفرد پی اسلون و بنیاد پاکار هم به او اعطا شد.

وفا عضو فرهنگستان علوم ایالات متحده آمریکا است و با آکادمی هنر و علوم این کشور نیز همکاری می‌کند. در سال ۲۰۰۸ به خاطر تلاش‌هایش در زمینه ریاضی و فیزیک جایزه AMS لئونارد ایسنبود

را به دست آورد. در همان سال جایزه مرکز بین‌المللی فیزیک نظری (ICTP) موسوم به دیراک هم به او تعلق گرفت.

در سال ۲۰۱۶ جایزه دنی هاینمن در زمینه فیزیک ریاضی هم به او داده شد. در سال ۲۰۱۶ کامران وفا به اتفاق اندرو اشترومینگر و جوزف پلچینسکی برنده جایزه سه میلیون دلاری «پیشگامان علم» (Breakthrough Prize) شدند. این بزرگترین جایزه علمی جهان است که از سال ۲۰۱۲ کار خود را آغاز کرده و توسط صاحب‌نامانی از سیلیکون ولی مثل پوری میلنر، سرگئی برین و مارک زاکربرگ تأمین مالی می‌شود. مراسم سال ۲۰۱۶ آن در مرکز تحقیقاتی Ames ناسا واقع در کالیفرنیا برگزار شد. کامران وفا فیزیک‌دان ایرانی و استاد دانشگاه هاروارد، در تاریخ دهم دی هزار و سیصد و نود شش برنده جایزه فیزیک بنیادی در سال ۲۰۱۷ شدند.

برخی از افتخارات و جایزه‌های وی عبارتند از:

- جامعه اعضای دانشگاه هاروارد، عضو تازموارد، ۱۹۸۵-۱۹۸۸
- NSF ریاست جمهوری جایزه محقق جوان، ۱۹۸۹
- جایزه آلفرد پی اسلون، ۱۹۸۹
- جایزه بنیاد پاکار، ۱۹۸۹
- همکاری با آکادمی هنر و علوم آمریکا، ۲۰۰۵
- نوبل AMS لئونارد ایسنبود برای ریاضی و فیزیک، ۲۰۰۸
- مدال دیراک از آی سی تی پی، ۲۰۰۸
- عضو آکادمی ملی علوم، ۲۰۰۹
- جایزه فیزیک بنیادی، ۲۰۱۷

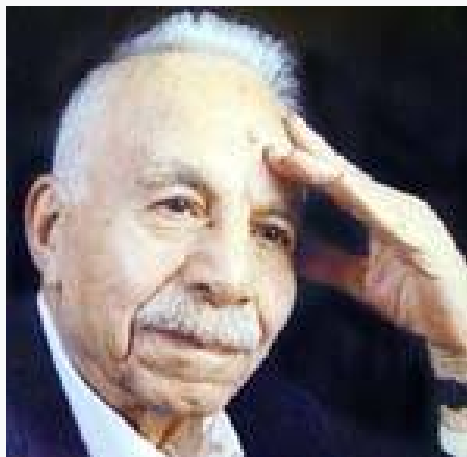
### کاوه پهلوان



کاوه پهلوان (زاده ۱۳۳۰ در تهران)، استاد دانشگاه مهندسی برق و رایانه، استاد علوم رایانه، و مؤسس و مدیر مرکز مطالعات شبکه‌های اطلاعات بی‌سیم، در مؤسسه پلیتکنیک ورچستر واقع در ورچستر ماساچوست است.

حوزه پژوهشی کنونی او دسترسی بی‌سیم و محلی‌سازی شبکه‌های فضای بدنه (به انگلیسی: body area networks) و زمین‌مکانی خانگی (به انگلیسی: indoor geolocation) و ردگیری برای کاربردهای چندرباتی است. پیشینه پژوهشی او مدل‌سازی انتشار رادیویی، مدولاسیون، کدگذاری، و پردازش سیگنال تطبیقی برای ارتباطات دیجیتال بروی باند صدا و محوسازی کانال‌های چندمسیره رادیویی است. او با بسیاری از دفاتر نشر اصلی فنی و دفاتر ثبت در حوزه‌های مذکور همکاری می‌کرد و نویسنده چندین کتاب در حوزه شبکه‌های بی‌سیم است.

## کمال‌الدین جناب



زاده

۱۲۸۷ خورشیدی اصفهان

درگذشت

شهریور ۱۳۸۵

## پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت

استاد دانشگاه و فیزیک‌دان

**دکتر کمال‌الدین جناب** استاد دانشگاه و فیزیک‌دان ایرانی و پیشگام فیزیک هسته‌ای در ایران بود.

وی متولد اصفهان بود. مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه سوربون فرانسه و دکتری تخصصی (PhD) فیزیک هسته‌ای خود را از انستیتو تکنولوژی کالیفرنیا (Caltech) زیر نظر رابرت میلیکان در آمریکا دریافت نمود.

چند دوره رئیس دانشکده علوم دانشگاه تهران بود. بر اساس تحقیقات انجمن فیزیک ایران، اولین مقاله فیزیک نوشته شده ایرانیان و منتشر شده در نشریات علمی بین‌المللی (در سال ۱۹۳۷) از او بود او همچنین از اعضای حزب ایران و جبهه ملی ایران بود.

## پیشینه خانوادگی

میرسیدعلی جناب پدر کمال‌الدین جناب از جمله افرادی بود که به زبانهای فرانسه و عربی تسلط داشت و از علوم ریاضی و دانش جدید نیز برخوردار بود. او موفق شد، همچو پیشینیانش، خانواده‌ای را تربیت کند که همگی اهل فضل و کمال و دوستدار علم و دانش شوند. همچنین او در تأسیس اولین مدارس با پسر عموی خود حسنعلی جناب حافظ القرآنی در اصفهان نقش مؤثری را ایفا نمود.

از دیگر فعالیت‌های سید علی جناب می‌توان به تأسیس و اداره یکی از اولین مدارس اصفهان بنام گلبهار اشاره کرد. این مدارس با همین نام ابتدا در نقاط مختلف اصفهان تأسیس شد و سپس هر یک با نام‌های جدید، فعالیت خود را ادامه دادند. از تربیت یافتگان میرسیدعلی جناب، ضیاءالدین جناب بود که وقتی به کمال رشد رسید و درکسب علوم زمان متبحر گردید ریاست دبیرستان صارمیه را بر عهده

گرفت و منشأ خدمات بسیار ارزشمندی در اصفهان شد. از این دبیرستان شخصیت‌های والا مقامی همچون پروفسور تقی فاطمی و استاد جلال‌الدین همائی فارغ‌التحصیل شدند.

### زندگی‌نامه

کمال‌الدین جناب در سال ۱۲۸۷ در شهر اصفهان در خانواده‌ای با اصالت متولد شد. پدرش، میرسید علی جناب صاحب کتاب مهم «الاصفهان» و مادرش سلطنت خانم دولتشاهی (۱۲۵۹-؟) دختر محمد حسین میرزا مؤیدالدوله (نوه طهماسب میرزا) بود. او تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه گلپهار و تحصیلات متوسطه خود را زیر نظر ضیاءالدین جناب در دبیرستان صارمیه به پایان رساند. (۱۳۰۵ هـ. ش)

سپس یک سال به تدریس پرداخت و سپس به تهران رفت و در دارالمعلمین تهران زیر نظر محمود حسابی به مدت سه سال در رشته فیزیک تحصیل کرد ولی همزمان سرپرست آزمایشگاه‌های فیزیک و شیمی بود. وی پس از پایان دوره سربازی در سال ۱۳۱۲ جهت ادامه تحصیل به فرانسه اعزام رفته و از دانشگاه نانسی نیز در زمان کوتاهی دانشنامه فیزیک و ریاضی دریافت کرد و در دانشگاه سوربن، دوره لیسانس شیمی را نیز گذراند و عازم آمریکا شد در آمریکا زیر نظر میلیکان فیزیکدان برجسته (که در سال ۱۹۲۳ به دریافت جایزه نوبل نائل آمد) ادامه تحصیل داد و پس از دریافت درجه دکترا در فیزیک هسته‌ای، به ایران برگشت و به عنوان دانشیار دانشکده علوم به تدریس فیزیک پرداخت (۱۳۱۶ هـ. ش) و از همان زمان با ایجاد و تأسیس آزمایشگاه فیزیک اتمی به پژوهش در فیزیک هسته‌ای و تربیت کارشناس اتمی مبادرت ورزید. وی به عنوان نماینده ایران در اولین کنفرانس بین‌المللی اتم برای صلح شرکت نمود.

### فعالیتها

دکتر کمال‌الدین جناب حدود پنجاه سال به کارهای مهم علمی، پژوهشی و فرهنگی پرداخت. اما محور اصلی تمام فعالیت‌های وی تدریس در دانشکده علوم و دانشسرای عالی و سایر مراکز علمی کشور بود. کمال‌الدین جناب اولین ایرانی بود که دکترا فیزیک هسته‌ای گرفت و برای پیشرفت این دانش در ایران تلاش فراوانی کرد. در دولت ملی دکتر مصدق وقتی دکتر محمود حسابی وزیر فرهنگ بود، دکتر جناب را به معاونت برگزید.

ریاست سازمان تربیت بدنی، ریاست دانشکده علوم، عضو مؤثر انجمنهای علمی و بین‌المللی، عضو انجمن فیزیک‌دانان آمریکا، عضو فرهنگستان واژه‌گزینی، مدیر کل دبیرخانه دانشگاه از جمله مسؤولیت‌های او بود. کتابها و مقالات زیادی را به رشته تحریر درآورد که در مجلات معتبر جهان به چاپ رسیده‌است. کتابهای «فیزیک جدید»، «تحقیقات علمی در فیزیک اتمی»، «مکانیک مایعات»، «مکانیک نقاط مادی» از جمله تألیفات اوست. در سال ۱۳۳۳ به دلیل اعتراض به قرارداد کنسرسیوم نفت از دانشگاه برکنار شد، اما پس از مدتی با احترام بیشتر در استقبال بی سابقه دانشجویان به دانشگاه بازگشت.

دکتر کمال‌الدین جناب، به زبانهای انگلیسی، فرانسه، عربی و آلمانی آشنایی کامل داشت. در سال ۱۳۸۳ به عنوان چهره ماندگار فیزیک شناخته شد و از شخصیت علمی - فرهنگی وی تقدیر بعمل آمد. در مرداد ماه سال ۸۵ فیلمی از زندگی او ساخته شد که از تلویزیون سراسری پخش گردید.

از وی دو فرزند دختر و پسر که دارای تحصیلات عالی هستند به جای ماند. کمال‌الدین جناب در روز شنبه ششم تیرماه ۱۳۸۵ فوت کرد.

## لطفی عزیزاده



|                  |                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
|------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نام در زمان تولد | لطفعلی علی اصغر زاده                                                                                                                                                                                                                                                                        |
| زاده             | ۴ فوریه ۱۹۲۱ <u>باکو</u>                                                                                                                                                                                                                                                                    |
| درگذشت           | ۶ سپتامبر ۲۰۱۷ (۹۶ سال)<br><u>برکلی، کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا</u>                                                                                                                                                                                                                     |
| محل تحصیل        | <u>دانشگاه تهران</u><br><u>دانشگاه کلمبیا</u>                                                                                                                                                                                                                                               |
| شناخته شده برای  | بنیانگذار <u>مجموعه های فازی</u> ، <u>منطق فازی</u> ،<br><u>و تبدیل زد</u>                                                                                                                                                                                                                  |
| جایزه (ها)       | <u>مدال ارینگن ۱۹۷۶</u><br><u>مدال ریچارد همینگ مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک ۱۹۹۲</u><br><u>مدال روفوس اولدنبرگر ۱۹۹۳</u><br><u>مدال افتخار آی تریبل ئی ۱۹۹۵</u><br><u>نشان بنجامین فرانکلین ۲۰۰۹</u><br><u>جایزه بنیاد پیشروان دانش بی وی وی ای ۲۰۱۲</u><br><u>انجمن ماشین های حسابگر</u> |

|                                          |                                   |
|------------------------------------------|-----------------------------------|
| عضو پیوسته مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک |                                   |
| عضو پیوسته فرهنگستان هنر و علوم آمریکا   |                                   |
| عضو پیوسته انجمن پیشبرد هوش مصنوعی       |                                   |
| عضو آکادمی ملی مهندسی                    |                                   |
| عضو مؤسس آکادمی اوراسیا                  |                                   |
| <b>پیشینه علمی</b>                       |                                   |
| رشته(های) فعالیت                         | ریاضیات، مهندسی برق، هوش مصنوعی   |
| محل کار                                  | دانشگاه کالیفرنیا، برکلی          |
| پایان نامه                               | تحلیل فرکانسی شبکه‌های متغیر ۱۹۴۹ |
| استاد راهنما                             | جان ر. راگاتسینی                  |
| دانشجویان دکتری                          | پراوین ورائیا، جوزف گوگان         |

**لطفعلی رحیم‌اوغلو علی‌عسکرزاده** (زاده ۱۵ بهمن ۱۲۹۹، برابر با ۴ فوریه ۱۹۲۱ – درگذشته ۱۶ شهریور ۱۳۹۶، برابر با ۶ سپتامبر ۲۰۱۷)، مشهور به **لطفی زاده** یا **لطفی ع. زاده** ریاضی‌دان، دانشمند کامپیوتر، مهندس برق و استاد بازنشسته علوم رایانه در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی و مبدع نظریه منطق فازی و شاخه‌های متنوع آن بود.

لطفی‌زاده از پدری ایرانی (اردبیلی) و مادری روس در باکو در جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی متولد شد و تحصیلات اولیه خود را در باکو و تهران انجام داد. او بیش از همه به خاطر طرح کردن ریاضیات فازی مشتمل بر مفاهیم مرتبط فازی همچون **مجموعه‌های فازی**، منطق فازی، الگوریتم‌های فازی، **کنترل فازی** و احتمالات فازی شناخته شده است. گفته می‌شود نوآوری‌های لطفی زاده، امکان‌پذیری یک پارادایم تازه در **هوش مصنوعی** را تبیین، و رئوس کلی آن را ترسیم کرده است.

### زندگی و تحصیل

وی در ۱۵ بهمن ۱۲۹۹ خورشیدی (۴ فوریه ۱۹۲۱ میلادی) در باکو در آذربایجان شوروی زاده شد. پدرش «رحیم‌علی عسکرزاده» روزنامه‌نگار و بازرگان، از اهالی اردبیل و خبرنگار روزنامه «ایران» و مادرش «فانیا کوریمان» پزشک کودکان یهودی روس بود. لطفی تحصیلات دبستان خود را در همین شهر و به زبان روسی آغاز کرد. در زمانی که ده ساله بود، پدر و مادر لطفی، در پی قحطی و نایابی ناشی از سیاست‌های تعاونی‌سازی دوران ژوزف استالین، باکو را ترک و به ایران و شهر تهران مهاجرت کردند.

وی در تهران در مدرسه مبلغان آمریکایی شروع به تحصیل کرد و زبان انگلیسی و زبان فارسی آموخت و سپس در دبیرستان البرز (به نام پیشین: مدرسه مسیونری پرسبیتری) و در دانشکده فنی

دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در طول جنگ جهانی دوم در تهران با ارتش آمریکا همکاری داشت.

لطفی زاده در امتحانات ورودی دانشگاه تهران مقام دوم را کسب کرد. در سال ۱۹۴۲ رشته مهندسی برق را در این دانشگاه با موفقیت به پایان رساند و در دوران جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین به ایالات متحده مهاجرت کرد. در مؤسسه فناوری ماساچوست (ام‌آی‌تی) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۹۴۶ درجه کارشناسی ارشد خود در مهندسی برق را دریافت نمود. به دلیل زندگی والدینش در نیویورک، از دانشگاه کلمبیا تقاضای پذیرش کرد و در مقطع دکترا با یک منصب تدریس پذیرفته شد. در سال ۱۹۴۹ فارغ التحصیل و سال بعد استادیار همان دانشگاه شد.

لطفی زاده روز ۲۰ مارس ۱۹۴۶ و در ایام نوروز با «فی سند»، دختر یک خانواده لتونیایی ازدواج کرد. خانواده «فی» سال‌ها قبل به تهران مهاجرت کرده و او در آنجا با لطفی زاده آشنا شده بود. او و لطفی زاده یک دختر به نام استلا و یک پسر به نام نورم زاده داشتند. پس از ده سال تدریس در دانشگاه کلمبیا، در سال ۱۹۵۷ به درجه استاد تمامی ارتقا یافت. او از سال ۱۹۵۹ تا پایان عمر در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی تدریس می‌کرد. از سال ۱۹۶۳، ابتدا در رشته الکتروتکنیک و پس از آن در رشته علوم رایانه درجه استادی گرفت. لطفی زاده پس از بازنشستگی در سال ۱۹۹۱ مقیم سان فرانسیسکو شد.

#### مشارکت‌ها

##### منطق فازی

لطفی زاده با خلاقیت ذهنی خود نظریه‌های متعددی را در زمینه تخصصی خود ارائه کرد. در اوایل دهه ۱۹۶۰ متوجه شد که نقش انسان و مغز آن در دانش مهندسی سامانه‌ها لحاظ نشده است. در سال ۱۹۶۵ اثر پیشگامانه خود در زمینه مجموعه‌های فازی را در مقاله‌ای با عنوان «مجموعه‌های فازی» منتشر کرد که در آن با وارد کردن ارزش‌هایی مثل کوتاه و بلند در ریاضیات، متغیرهای فازی را معرفی کرد. او روش تازه‌ای برای بررسی عدم قطعیت ارائه کرد که شبیه تئوری احتمالات بود، اما عین آن نبود. در ۱۹۷۳ نظریه منطق فازی خود را طرح کرد.

##### تبدیل زد

لطفی زاده در کنار جان ر. راگاتسینی به خاطر پیش‌گامی در توسعه تبدیل زد (مورد استفاده در پردازش سیگنال‌های گسسته) در ۱۹۵۲ شناخته می‌شود. این روش‌ها هم‌اکنون در پردازش سیگنال‌های گسسته، کنترل دیجیتال و دیگر سیستم‌های گسسته در صنعت و پژوهش مورد استفاده هستند. راگاتسینی و زاده، حرف زد را برای تبدیل زد به کار برده و رایج کردند.

در سال ۲۰۱۱ و در ۹۰ سالگی مفهوم «اعداد زد» را مطرح کرد تا عدم قطعیت را به ارزش‌های رقمی اعداد فازی بیفزاید. این مفهوم در سال ۲۰۱۳ به نام او ثبت شد. ثبت این مفهوم انگیزه‌ای برای تأسیس یک شرکت شرکت نوپا در مریلند آمریکا شد. فقط در آمریکا شاید بیش از ۳۰ هزار ابداع و اختراع بر اساس تئوری سیستم‌های فازی، محاسبه با واژگان و اعداد زد ثبت شده است. آثار، افکار و ابداعات لطفی زاده تقریباً به همه جنبه‌های زندگی انسان از دوربین‌های هوشمند گرفته، تا خودروها، آسانسورها و حتی ماشین جستجوی گوگل نفوذ کرده است.

#### جوایز و افتخارات

لطفی زاده بیش از ۳۵ دکترای افتخاری از دانشگاه‌های معتبر جهان و جوایز بسیار از ژاپن، آمریکا، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، روسیه، آذربایجان و ایران دریافت کرد و عضو آکادمی‌های علمی بی‌شمار بود. او در سال ۱۹۷۳ به عضویت در آکادمی ملی مهندسی برگزیده شد.

وی یکی از پژوهشگرانی است که دارای بیشترین ارجاع (highly-cited) در مقالات علمی دنیاست. بیش از ۲۰۰ مقاله علمی را به‌تنهایی در کارنامه علمی خود دارد و در هیئت تحریریه ۵۰ مجله علمی جهان مقام «مشاور» را داراست. زاده تا اکتبر ۲۰۱۴، ۱۴۰،۰۰۰ یادکرد در گوگل اسکالر داشته و نیز ۳۵۰،۰۰۰ مقاله دارای کلمه «فازی» در عنوان خود بوده‌اند.

در اسفندماه ۱۳۹۴ دانشگاه تهران به عنوان اولین دانشگاه محل تحصیل او ضمن برگزاری بزرگداشتی نشان دکترای افتخاری خود را به او به اهدا کرد.

لطفی‌زاده در سال ۲۰۰۹ موفق به اخذ نشان بنجامین فرانکلین شد.

### زندگی شخصی

لطفی‌زاده یک عکاس آماتور موفق بود و مشخصاً در زمینه تک‌چهره پیشرفت کرده بود. الکساندر فیودورویچ کرنسکی بدون اطلاع یا اجازه لطفی‌زاده از یکی از تک‌چهره‌های او بر روی جلد اتوبیوگرافی خود استفاده کرد. او تاکنون از شخصیت‌های معروفی همچون رئیس‌جمهورهای آمریکا، هری ترومن و ریچارد نیکسون، کلود شانون، ادگار وارز و مستیسلاف روستروپوویچ عکس گرفته‌است.

سرگرمی دیگر لطفی‌زاده های-فای بود. او در اتاق نشیمن خود ۲۸ بلندگوی حساس تعبیه کرد تا به موسیقی کلاسیک با کیفیت بالا گوش کند.

### اعتقادات

گفته می‌شود که لطفی‌زاده ناسیونالیسم را رد می‌کرده و اصرار داشته که مسائل خیلی عمیق‌تری در زندگی وجود دارند. از او نقل شده که: «مسئله این نیست که من آمریکایی، روس، ایرانی، آذربایجانی یا هر چیز دیگری هستم. همه این مردم و فرهنگ‌ها به من شکل داده‌اند و من با همه آنها کاملاً راحتم.» او در همان مصاحبه ذکر می‌کند: «لجاجت و سرسختی؛ نترسیدن از درگیر مجادله شدن؛ این تا حد زیادی سنت ترکی است. این بخشی از شخصیت من هم هست. من می‌توانم خیلی سرسخت باشم. این احتمالاً برای توسعه منطق فازی مفید بوده‌است.» او خود را «از حیث جهت‌گیری ریاضیاتی، یک آمریکایی، یک مهندس برق ایرانی متولد روسیه» وصف می‌کند.

### مرگ

لطفی‌زاده در ۶ سپتامبر ۲۰۱۷ در برکلی، کالیفرنیا درگذشت.



مجید حسنی‌زاده

|           |                                                                                                   |
|-----------|---------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زاده      | ۱ آبان ۱۳۳۱ توپسرکان                                                                              |
| محل زندگی | هلند                                                                                              |
| پیشه      | استاد دانشگاه، محقق، هیدروژئولوژیست                                                               |
| منصب      | پروفسور دانشگاه اوترخت و دلفت                                                                     |
| جایزه ها  | Ridder in de Orde van Nederlandse<br>Leeuw                                                        |
| وبگاه     | <a href="https://www.uu.nl/staff/SMHassaniza_deh">https://www.uu.nl/staff/SMHassaniza<br/>deh</a> |

**سید مجید حسنی زاده** (متولد آبان ۱۳۳۱) دانشمند ایرانی مقیم هلند، استاد تمام و مدیر گروه بخش هیدروژئولوژی دانشکده علوم زمین دانشگاه اوترخت هلند است. مطالعات اصلی وی در زمینه‌های بررسی جریان سیالات، جابه‌جایی مواد حل شونده و کلوئیدها در محیط متخلخل با رویکرد توسعه تئوری، مطالعه آزمایشگاهی و مدلسازی آنها می‌باشد. تمرکز اصلی مطالعات وی به‌طور خاص بر روی جریان دوفازی، جابه‌جایی مواد واکنشی در درجات اشباع مختلف محیط متخلخل، جابه‌جایی میکروارگانیزم‌ها و مواد زیست تخریب پذیر می‌باشد.

از سوابق کاری وی می‌توان به حضور در مؤسسه صنعتی آبادان (ایران، ۱۳۵۷-۱۳۶۱)، مدیر پروژه در شرکت مهندسی مشاور یکم (ایران، ۱۳۶۱-۱۳۶۵)، محقق ارشد در انستیتوی ملی بهداشت عمومی و محیط زیست هلند (هلند، ۱۳۶۵-۱۳۷۴)، دانشیار (۱۳۷۴-۱۳۸۱) و سپس استاد (۱۳۸۱-۱۳۸۳) در دانشکده مهندسی عمران و علوم زمین دانشگاه صنعتی دلفت هلند می‌توان نام برد. او همچنین ملاقات‌های هیئت علمی در دانشگاه نوتردام در آمریکا، دانشگاه بوردو در فرانسه، مؤسسه پلی تکنیک فدرال لوزان در سوئیس و دانشگاه اشتوتگارت در آلمان برگزار کرده است.

وی در بیش از ۳۰۰ مطلب نشر شده در مجلات، کتاب‌ها و گزارش‌های فنی علمی مشارکت داشته است. وی همچنین عنوان سردبیر پیشین مجله -Advances in Water Resources (1369-1381)، کمک سردبیر مجله -Vadose Zone Journal (1382-1388) و مجله -Water Resources Research (1383-1389)، عضویت در هیئت مشاوره بین‌المللی ژورنال مهندسی هیدرولیک (از سال ۱۳۸۳)، عضویت در گروه سردبیری مجله‌های -Transport in Porous Media (از سال ۱۳۶۸)، -Open Hydrology Journal (از سال ۱۳۶۷-۱۳۸۹)، -Kuwait Journal of Reviews in & Special Topics (از سال ۱۳۸۹)، -Science, Journal of Porous Media (از سال ۱۳۸۹)، -Porous Media; An International Journal (از سال ۱۳۸۹)، -Journal of Fluid (از سال ۱۳۶۶) در کارنامه دارد.

پروفسور حسنی زاده به عنوان برگزار کننده جلسه یا عضو کمیته‌های مختلف آکادمی علوم هنر و علوم سلطنتی هلند، سازمان تحقیقات علمی هلند، اتحادیه ژئوفیزیک آمریکا، انجمن علوم خاک آمریکا، اتحادیه علوم زمین اروپا، انجمن بین‌المللی محیط‌های متخلخل و انجمن بین‌المللی علوم هیدرولوژی فعال می‌باشد. وی در تعداد زیادی از پروژه‌هایی که توسط شورای تحقیقات اروپا NWO، EU، BTS، TNO، SKB، TRIAS تامین مالی شده‌اند، رهبری و یا مشارکت داشته است. وی راهنمایی

نزدیک به 100 پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رساله دکتری و پژوهش پسادکتری؛ مشارکت در برگزار کردن بیش از 50 کنفرانس بین‌المللی، کارگاه و دوره‌های کوتاه آموزشی؛ حضور در کمیته‌های تخصصی بیش از 50 کنفرانس بین‌المللی و کارگاه آموزشی؛ دعوت شدن به بیش از 80 جلسه بین‌المللی علمی و دوره کوتاه آموزشی را در کارنامه کاری خود دارد.

از مهمترین خدمات ایشان می‌توان به همکاری در تأسیس انجمن بین‌المللی محیط‌های متخلخل (به اختصار InterPore) در سال 2008 نام برد که یک انجمن غیرانتفاعی مستقل می‌باشد و اهداف اصلی آن پیشبرد و انتشار دانش مورد نیاز برای درک، توصیف و مدلسازی محیط‌های متخلخل طبیعی و صنعتی می‌باشد. این انجمن بیش از 2000 عضو دارد و در حال حاضر فعال و در حال رشد می‌باشد.

### بیوگرافی

سید مجید حسنی‌زاده در سال 1331 در شهر تویسرکان واقع در استان همدان به دنیا آمد. در آن زمان پدر وی معلم یک مدرسه محلی بود. او هنگامی که نه ساله بود، به همراه خانواده‌اش به شهر ایلام مهاجرت کردند. هشت سال بعد آنها به شهر کرج جایی که وی سال‌های آخر دبیرستان را به اتمام رساند، مهاجرت کردند. در طول مقطع دبیرستان، وی همواره در زمره شاگردان ممتاز قرار داشت. وی در آن زمان تصمیم به تحصیل در مقطع کارشناسی مهندسی عمران در دانشگاه شیراز (پهلوی سابق) گرفت. وی در زمان تحصیل، تمرکز اصلی خود را بر دروس اختیاری مرتبط با علوم آب قرار داد، که به گفته خودش علت این کار، ارزش آب در زبان و ادبیات فارسی ایران بوده است. پس از فارغ التحصیلی از مقطع کارشناسی، بورسیه تحصیلی دانشگاه پرینستون آمریکا به وی پیشنهاد شد و وی توانست مدرک دکتری خود را در سال 1357 در مهندسی عمران با گرایش هیدرولوژی دریافت کند.

### تحصیلات

لیسانس عمران خود را از دانشگاه شیراز (پهلوی سابق) در سال 1353 گرفت. پس از آن فوق لیسانس و دکترای خود را از دانشگاه پرینستون آمریکا در رشته مهندسی عمران با گرایش هیدرولوژی در سال 1357 دریافت کرد.

### جوایز

- عضویت در انجمن اتحادیه زمین‌شناسی آمریکا در سال 2002.
- عضویت انجمن پیشبرد علوم آمریکا در سال 2007.
- گرفتن درجه افتخاری دکتری مهندسی از دانشگاه اشتوتگارت در سال 2008.
- برنده شدن جایزه هومبالت از بنیاد الکساندر ون هومبولت آلمان.
- انتخاب توسط انجمن ملی آب‌های زیرزمینی آمریکا در سال 2011 به عنوان مدرس برجسته داری برای سال 2012.
- ارائه حدود 80 سخنرانی در 57 نقطه مکان مختلف دنیا در دوره سال 2012.
- انتخاب شدن توسط انجمن علوم خاک آمریکا برای دریافت جایزه Don and Bety Kirkham Soil Physics Award.
- دریافت 2.4 میلیون یورو بودجه پژوهشی از شورای تحقیقات اروپا در سال 2013.
- دریافت مدال سلطنتی افتخار etherlands LionKnight in the Order of N به پاس دست آوردهای علمی، نقش اصلی در تأسیس و رهبری انجمن بین‌المللی محیط‌های متخلخل در سال 2015.
- دریافت مدال Robert E. Horton Medal از طرف اتحادیه زمین‌شناسی آمریکا به پاس خدمات برجسته در حوزه علوم هیدرولوژی در سال 2019.

## مجید سمیعی



|           |                                                                                                                                                                                |
|-----------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زاده      | ۲۹ خرداد ۱۳۱۶ تهران، ایران                                                                                                                                                     |
| محل زندگی | هانوفر، آلمان                                                                                                                                                                  |
| محل تحصیل | دانشگاه یوهانس گوتنبرگ                                                                                                                                                         |
| پیشه      | جراحی مغز و اعصاب                                                                                                                                                              |
| همسر      | مهشید سمیعی                                                                                                                                                                    |
| فرزندان   | امیر امیره                                                                                                                                                                     |
| جایزه ها  | <p>نشان افتخار درجه یک دولت فدرال<br/>آلمان ۱۹۸۸</p> <p>جایزه ابن سینا ۲۰۰۶</p> <p>چهره‌های ماندگار ۲۰۰۶</p> <p>جشنواره خوارزمی ۲۰۱۴</p> <p>مدال طلای نیکولای پیروگوف ۲۰۱۸</p> |



سمیعی در سخنرانی خود در پنجمین سمپوزیوم از فدراسیون جهانی نورولوژی، برج میلاد، تهران

**مجید سمیعی** (زاده ۲۹ خرداد ۱۳۱۶ در شهر تهران از خاندان سمیعی) پزشک و جراح مغز و اعصاب ایرانی است. او در حال حاضر ریاست بیمارستان خصوصی علوم عصبی هانوفر در آلمان را بر عهده دارد که خود بنیان‌گذار آن بوده‌است.

### سال‌های آغازین زندگی و تحصیلات

مجید سمیعی از خانواده‌ای رشتی (خاندان سمیعی) و در شهر تهران زاده شد. پس از عزیمت خانواده از تهران به رشت و اقامت در محله تلفنخانه (بحرالعلوم) وی تحصیلات ابتدایی را در این شهر و دوره متوسطه را در دبیرستان شاهپور رشت به پایان رسانید. و سپس عازم آلمان گردید. رشته‌های زیست‌شناسی و پزشکی را در دانشگاه یوهانس گوتنبرگ شهر ماینس به پایان رسانید و سپس دوره تخصص جراحی مغز و اعصاب را زیر نظر کورت شورمن شروع کرد و در سال ۱۳۴۹ به اخذ درجه تخصص در این رشته نایل آمد.

وی کار علمی را با سمت استادیاری و معاونت بیمارستان جراحی مغز و اعصاب آغاز کرد. پس از چندی سرپرستی بخش جراحی مغز و اعصاب اطفال را به عهده گرفت. در سال ۱۳۵۱ به اخذ درجه استادی جراحی مغز و اعصاب از دانشگاه یوهانس گوتنبرگ نایل گردید. در سال ۱۳۵۰ اولین دوره از دوران آموزشی جراحی میکروسکوپی را آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ نخستین آزمایشگاه تمرین جراحی میکروسکوپی آلمان را با کمک بنیاد فولکس و اگن تأسیس نمود.

در سال ۱۳۵۶، ریاست بیمارستان جراحی مغز و اعصاب را در شهر هانوفر به عهده گرفت در همین سال، کرسی جراحی مغز و اعصاب در دانشگاه لیدن هلند به وی اعطا شد و در سال ۱۳۶۶ دانشگاه ماینس تصدی کرسی جراحی مغز و اعصاب را به وی پیشنهاد کرد. در سال ۱۳۶۷ با قبول تصدی کرسی جراحی مغز و اعصاب در دانشگاه هانوفر به کار پرداخت. از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ ریاست انجمن بین‌المللی قاعده جمجمه را به عهده داشت و در سال ۱۳۷۱ به ریاست فدراسیون جهانی انجمنهای قاعده جمجمه انتخاب شد.

### فعالیت‌ها

سمیعی در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی از عوامل اصلی توسعه جراحی قاعده جمجمه بود و همچنان به جراحی در این زمینه می‌پردازد. سمیعی از جراحان پیشرو مغز و اعصاب در زمینه جراحی میکروسکوپی داخل جمجمه‌ای است. او ظرفیت‌های جراحی میکروسکوپی در جراحی مغز را تشخیص داد و ابتدائاً وارد زمینه شوانوماي زایه مخچه – پل مغزی شد و در جراحی شوانوما به دستاوردی جهانی دست یافت. او روش‌هایی را تکامل داده که بدشکلی را به حداقل برساند و بر بیمار تمرکز کند تا برداشتن کامل تومور. او بسیار زود بر اهمیت جراحی به کمک عکس متمرکز شد و کارشناسی شناخته شده در زمینه تصویربرداری کاربردی و ساختاری در جراحی قشر مغز است. او به طرز موفقیت‌آمیزی در طول فعالیت خود ۲۰۰۰۰ بیمار را عمل کرده‌است. او صدها مقاله و ۱۷ جلد کتاب نوشته‌است. او در کنگره‌های جراحی مغز و اعصاب جهان به عنوان سخنران مدعو شرکت می‌کند. سمیعی شاگردان زیادی تربیت کرده‌است که در کشورهای مختلف جهان به فعالیت در زمینه جراحی مغز و اعصاب مشغول هستند و هر ساله کنفرانسی را به افتخار سمیعی در یکی از کشورها برگزار می‌کنند.

سمیعی از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ رئیس فدراسیون جهانی جوامع جراحی مغز بوده‌است و در سال ۲۰۰۱ به پاس خدماتش به عنوان رئیس افتخاری این نهاد برگزیده شده‌است.

آی‌ان‌آی

تصویری از INI که در شهر هانوفر آلمان واقع است.



تصویری از آی‌ان‌آی ایران در حال ساخت

سمیعی در دهه ۱۹۹۰ یک مرکز خصوصی بین‌المللی علوم اعصاب (به انگلیسی: International Neuroscience Institute) را که به اختصار INI شناخته می‌شود، تأسیس کرد. بنای این مرکز برگرفته از شکل مغز است. این مرکز در شهر هانوفر آلمان واقع است و ریاست آن را مجید سمیعی و پسرش (امیر سمیعی) بر عهده دارند.

بیمارستان پروفیسور سمیعی رشت

در اسفند ۱۳۸۷ با حضور گرهارد شرودر صدر اعظم سابق آلمان در رشت ساخت «بیمارستان فوق تخصصی جنرال ۴۰۰ تختخوابی پروفیسور سمیعی» آغاز شد. بخش جراحی مغز و اعصاب این بیمارستان با مرکز مغز و اعصاب آلمان همکاری خواهد داشت. این مرکز علاوه بر درمانی بودن فعالیت پژوهشی در زمینه مغز و اعصاب دارد. سمیعی بر مراحل ساخت این بیمارستان نظارت می‌کند. وی این بیمارستان را الگویی برای ایران خواند که خدمات بزرگی را در عرصه مغز و اعصاب ارائه خواهد کرد و مهم‌ترین هدف از تأسیس بیمارستان ۴۰۰ تختخوابی فوق تخصص مغز و اعصاب در رشت را علاقه به دیار خود بیان کرد.

بنیاد فرهنگ و علم گیلان

در دی ماه ۱۳۹۱ مجید سمیعی وعده داد بنیاد فرهنگ و علم گیلان در رشت تشکیل شود این بنیاد با حضور فرهیختگان و دانشمندان گیلانی سراسر جهان در رشت راه اندازی می‌شود. تأسیس بنیاد فرهنگ و علم، امکان تحقیقات علمی و فرهنگی را فراهم می‌کند و برای فعالیت‌های علمی جوانان گیلانی است که با کمک استادان کشور و استان گیلان اداره می‌شود. سمیعی راه‌اندازی این بنیاد کمک و حمایت استادان، نمایندگان مجلس و نماینده ولی فقیه استان گیلان را لازم و ضروری دانست. این بنیاد تاکنون راه‌اندازی نگردیده‌است.

مرکز تحقیقات سرطان‌شناسی رشت

در ۱۱ شهریور ۱۳۹۳ عملیات اجرایی احداث بزرگترین مرکز تحقیقات سرطان‌شناسی خاورمیانه با حضور سمیعی در رشت با هدایت وی آغاز شد. این مرکز در سایت دانشگاه علوم پزشکی لاکان رشت

در مدت دو سال ساخته خواهد شد. برای ساخت این مرکز در زمینی با مساحت ۴ هکتار و زیربنای ۲۰ هزار متر مربع ۶۵۰ میلیارد ریال هزینه می‌شود. سمیعی با اشاره به کلنگ احداث مرکز بین‌المللی سرطان خاورمیانه در رشت گفت:

مطمن هستیم این پروژه با سایر پروژه‌ها متفاوت است و این مرکز در دو سال آینده با حضور همه مردم افتتاح می‌شود، مرکزی که اساس آن روی علم و دانش است.

### وبگاه رسمی

سمیعی در ۵ مهر ۱۳۹۵ در یک مصاحبه تلویزیونی با شبکه باران در رشت انتشار سخنان و جملات مختلف منتسب به خود در سایت‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی را تکذیب کرد. او حضور خود را در اینترنت محدود به یک صفحه تأیید شده در وبسایت یوتیوب با مدیریت نوه ۱۲ ساله خود و همچنین ایمیل رسمی خود را برای ارتباطات پزشکی اعلام کرد.

### حضور در برنامه تلویزیونی

سمیعی در سال ۱۳۹۵ در یک برنامه تلویزیونی به نام دوره‌می با اجرای مهران مدیری در صدا و سیمای ایران شرکت کرد. این برنامه در تاریخ ۹ مهر همان سال از شبکه نسیم پخش شد. او در این برنامه راجع به تأسیس بنیادی به نام علی بن موسی الرضا پیشوای هشتم شیعیان سخن گفت و اذعان کرد با وجود اینکه بعضی از دوستان تصور می‌کردند نام من را بر روی این بنیاد بگذارند باید بگویم وقتی نام چنین انسان بزرگی می‌آید نام کسی مثل من محو می‌شود.

### جوایز و افتخارها



مجید سمیعی (راست) و حسن روحانی

در سال ۱۳۶۷، رئیس‌جمهور آلمان غربی نشان خدمت درجه ۱ دولت آلمان را به او اهدا کرد. در همین سال جایزه علمی ایالت نیدرزاکسن آلمان، به پاس فعالیت‌های پر ارزش وی در راه پیشرفت جراحی مغز و اعصاب به او اهدا شد.

### جایزه حلقه لایبنیتز

کلوب خبرنگاران هانوفر جایزه حلقه لایبنیتز هانوفر (به آلمانی: Leibniz-Ring-Hannover) را در سال ۲۰۱۳ برای طرح آفریقا صد به مجید سمیعی اهدا کرد. سمیعی در طرح آفریقا صد می‌خواهد ۱۰۰ جراح جوان آفریقایی را به آلمان آورده و آن‌ها را آموزش دهد تا پس از بازگشت پزشکان دیگری را برای قاره آفریقا پرورش دهند. سمیعی در این آیین اهدای جایزه گفت: «این جایزه نه به من، بلکه به قاره‌ای با نزدیک به یک میلیارد جمعیت اهدا شد.» او گفت: این جایزه برایش ارزش ویژه‌ای دارد، چون برای کمک به قاره‌ای است که به نسبت جمعیت‌اش به شدت از امکانات پزشکی محروم است. به گفته سمیعی میزان مرگ و میر در آفریقا بر اثر صدمات مغزی سه برابر بیماری ایدز است.<sup>۱</sup>

**جایزه برترین جراح مغز سال ۲۰۱۳**

فدراسیون جهانی جوامع جراحی مغز در سال ۲۰۱۳ مجید سمیعی را به عنوان جراح مغز سال معرفی کرد. رئیس این فدراسیون در مقاله‌ای در بخش ویژه معرفی جراح مغز سال در ژورنال ورلد نوروسرجری نوشت: «هیچکس در جراحی مغز امروز با مهارت و قوه سنجش، ممتازی در تدریس، دستاوردهای مدیریتی و درک جهانی مجید سمیعی برابری نمی‌کند. او به‌طور کامل شایسته عنوان جراح مغز سال ۲۰۱۳ جهان است.»

**جایزه برترین جراح مغز ۲۰۱۴**

مجید سمیعی در سال ۲۰۱۴ برنده جایزه برترین دانشمند و جراح مغز و اعصاب به انتخاب آکادمی بین‌المللی جراحان مغز و اعصاب شد. این جایزه همه ساله از سوی آکادمی بین‌المللی جراحان مغز و اعصاب به یکی از پزشکان این رشته اهدا می‌شود.

**کلید طلایی رشت**

در شهریور ۱۳۹۶ شهرداری رشت نخستین کلید طلایی رشت در مراسمی به سمیعی اهدا شد. وی در هنگام دریافت این جایزه گفت:

امروز شهردار رشت کلید طلایی شهر را از طرف شما مردم عزیز به من دادند و این جمله آقای روحانی را به من یادآوری نمودند که ما با کلیدهایمان می‌خواهیم درها را باز کنیم، و من نیز با دریافت این کلید طلایی می‌گویم: ما با این کلید می‌خواهیم درهای علم و دانش را برای تمام کشور عزیزمان ایران باز کنیم و اسم این کلید را در آینده باید کلید طلایی شهر رشت برای بازکردن درهای علم و دانش در گیلان بلکه سراسر ایران بگذاریم.

**دکترای افتخاری**

سمیعی در ۱۰ مهر ۱۳۹۰ به دریافت عنوان استاد افتخاری دانشگاه تهران نائل شد.

مجید شهریاری



زاده ۱۶ آذر ۱۳۴۵ زنجان، ایران

|         |                                  |
|---------|----------------------------------|
| درگذشت  | ۸ آذر ۱۳۸۹ (۴۴ سال) تهران، ایران |
| آرامگاه | امامزاده صالح، تهران             |
| پیشه    | فیزیکدان                         |
| سازمان  | سازمان انرژی اتمی ایران          |
| مذهب    | اسلام-شیعه                       |

**مجید شهریاری** (۱۶ آذر ۱۳۴۵ — ۸ آذر ۱۳۸۹) استاد دانشگاه شهید بهشتی، فیزیکدان و دانشمند هسته‌ای متولد زنجان است که در تاریخ ۸ آذر ۱۳۸۹ در ایران ترور شد.

### زندگی‌نامه

وی با کسب رتبه دوم در سال ۱۳۶۳ در آزمون ورودی دانشگاه صنعتی امیر کبیر در رشته مهندسی الکترونیک پذیرفته شد. سپس در سال ۱۳۶۷ باکسب رتبه نخست در آزمون کارشناسی ارشد رشته مهندسی هسته‌ای در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد و در نهایت در سال ۱۳۷۷ موفق شد که دکترای خود را در رشته علوم و تکنولوژی فناوری هسته‌ای از دانشگاه امیر کبیر دریافت کند. او پس از استعفاء از دانشگاه امیرکبیر به خاطر نبود بستر مناسب برای همکاری وی در سال ۱۳۸۰ به دانشگاه شهید بهشتی پیوست و در سال ۸۵ با راه‌اندازی دانشکده مهندسی هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی به عضویت هیئت علمی آن درآمد.

### سوابق علمی

همراه با مسعود علیمحمدی، دکترای فیزیک ذرات بنیادی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران از مشاوران ایران در پروژه مهم سزای بودند. برگزاری دوره‌هایی چون «کارگاه آموزشی آشنائی با کدهای محاسباتی راکتورهای هسته‌ای» از جمله سوابق شهریاری بوده‌است. یکی از طرح‌های مهم شهریاری، طراحی‌های تئوریک مربوط به ساخت نسل جدید راکتورهای هسته‌ای است که بازتاب زیادی نیز در مراکز علمی جهان داشت. او از جمله کارشناسان ارشد مبارزه با کرم رایانه‌ای استاکس‌نت بود.

در سال ۲۰۱۲ خبرگزاری آسوشیتدپرس نموداری را منتشر کرد که تهیه آن به مجید شهریاری نسبت داده شده‌بود و سپس این خبرگزاری اشتباه بودن آن سند را تأیید کرد و بیان کرد که از نظر علمی این نمودار اشتباه بوده‌است. به گزارش آسوشیتدپرس کشوری که این نمودار را در اختیار این خبرگزاری قرار داده خواهان تأکید بر لزوم توقف پیشرفت برنامه اتمی ایران است.

### نحوه ترور و خاکسپاری

در صبح حادثه مجید شهریاری و راننده جلو نشستند و همسر وی هم عقب ماشین نشست. پس از طی شش صد متر، در بزرگراه ارتش یک موتور سیکلت به ماشین نزدیک شده و بمب را به در سرنشین خودرو متصل می‌کند و سرعت می‌گیرد و دور می‌شود که در همین حین فریاد همسر و راننده وی را از بمب مطلع می‌کند راننده و همسر او از ماشین پیاده می‌شوند و همسر او به سرعت به سمت درب سرنشین خودرو می‌رود و درب خودرو را باز میکند تا شهریاری را از خودرو خارج کند اما وی به

خاطر گیر کردن کمر بند ایمنی نمی‌تواند در زمان کم از ماشین خارج شود و بمب به روی در خودرو منفجر میشود و همسر او را چندین متر به عقب پرتاب می‌کند.

به گفته شبکه ان بی سی دو مقام رسمی عالی‌رتبه دولت باراک اوباما تأیید کرده‌اند که سازمان مجاهدین خلق ایران تحت حمایت اسرائیل این ترورها را انجام داده‌است و آمریکا از این ترورها آگاه بوده ولی دخالتی در آن نداشته‌است.

رونن برگمن در کتاب برخیز و اول او را بکش می‌نویسد پس از آنکه آریل شارون داگان را به عنوان ریاست موساد منتصب کرد او را مسوول برهم زدن برنامه هسته‌ای ایران قرارداد، چرا که از دید هر دوی آنها یک تهدید علیه اسرائیل محسوب می‌شد. داگان برای به انجام رساندن این مهم به شیوه‌های مختلفی دست زد. دشوارترین و البته کاراترین آنها به اعتقاد داگان شناسایی دانشمندان کلیدی در صنعت موشکی و هسته‌ای و سپس کشتن آنها بود. موساد پانزده تن از این افراد را شناسایی کرد و از بین آنها شش تا را حذف نمود. عملیات حذف بیشتر اوقات در هنگام صبح که در راه رفتن به سر کار بودند بوسیله بمبهای سریع‌الانفجاری که توسط یک موتور سیکلت‌سوار به خودروی آنها می‌چسبیدند انجام می‌شد. این عملیاتها و بسیاری دیگر که توسط موساد کلید زده شده و در بعضی اوقات با همکاری ایالات متحده انجام می‌شدند همگی موفقیت‌آمیز بودند.

گرچه خانواده وی مایل بودند که فرزندشان در زنجان دفن شود اما نهایت وی در امامزاده صالح تهران دفن شد.

#### واکنش‌ها

مقام‌ها و رسانه‌های دولتی ایران، آمریکا و اسرائیل را مسئول برنامه‌ریزی و اجرای این انفجارها دانستند.

۲۶ بهمن ۱۳۹۰ همزمان با بهربرداری از دستاوردهای هسته‌ای جدید ایران با حضور محمود احمدی‌نژاد به یاد خدمت‌های او، تأسیسات هسته‌ای تهران را به نام «شهید شهریاری» تغییر دادند.

#### محسن فخری‌زاده



نام در زمان تولد: محسن فخری‌زاده مهابادی

|                 |                                                                            |
|-----------------|----------------------------------------------------------------------------|
| زاده            | ۱ فروردین ۱۳۴۰ قم، ایران                                                   |
| درگذشت          | ۷ آذر ۱۳۹۹ (۵۹ سال)<br>بلوار مصطفی خمینی، شهر آبسرد<br>دماوند، استان تهران |
| علت درگذشت      | ترور                                                                       |
| آرامگاه         | امامزاده صالح (تجریش)، تهران                                               |
| دیگر نام‌ها     | حسن محسنی                                                                  |
| تحصیلات         | دانشگاه شهید بهشتی<br>دانشگاه صنعتی اصفهان                                 |
| پیشه            | فیزیکدان هسته‌ای، کارشناسی ارشد                                            |
| شناخته‌شده برای | برنامه هسته‌ای و برنامه موشکی ایران                                        |
| همسر            | صدیقه قاسمی                                                                |
| جایزه           | ■ ■ نشان خدمت درجه ۲<br>پیشینه نظامی                                       |
| شاخه نظامی      | سیاه پاسداران انقلاب اسلامی                                                |
| سال‌های خدمت    | ح. ۱۳۵۸-۱۳۹۹                                                               |
| درجه            | سرتیپ                                                                      |

**محسن فخری‌زاده مهابادی** (۱ فروردین ۱۳۴۰ - ۷ آذر ۱۳۹۹) معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران و سردار سیاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. او در حالی که ریاست سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی را بر عهده داشت، در ۷ آذر ۱۳۹۹ ترور شد و در پی شدت جراحات در بیمارستان جان باخت. فخری‌زاده یکی از پنج شخصیت ایرانی بود که یک بار نامش در فهرست ۵۰۰ نفره قدرتمندترین افراد جهان که از سوی نشریه آمریکایی فارن پالیسی منتشر می‌شود، قید شده بود. در قطعه‌نامه ۱۷۴۷ شورای امنیت که در ۲۴ مارس ۲۰۰۷، علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تصویب شد، نام او جزو افراد تحریم شده قرار داده شد.

رسانه‌های جمهوری اسلامی درباره زندگی او اطلاعات چندانی منتشر نکردند. او اصالتاً اهل شهر شهرستان مهاباد از توابع استان اصفهان بود. بر اساس وبسایت بهشت زهرا، او متولد ۱ فروردین

۱۳۴۰ در قم است. به نوشته برخی وبسایت‌ها، وی فوق لیسانس خود را در دانشگاه صنعتی اصفهان گذراند و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد مهندسی هسته‌ای شد.

فخری‌زاده از فرماندهان سپاه پاسداران در زمینه موشکی بود و پیش از ورود به برنامه اتمی ایران، به همراه حسن تهرانی مقدم به کره شمالی سفر کرد و در نتیجه برنامه موشک‌سازی ایران را با همکاری کره شمالی و لیبی پایه‌گذاری کرد. در دوره احمدی‌نژاد به همراه فریدون عباسی دوانی وارد برنامه اتمی ایران شد و گفته می‌شود که با شهرام امیری همکار بوده‌است. شورای ملی مقاومت ایران، در سال ۱۳۹۷ گفت که او در سومین آزمایش بمب اتمی کره شمالی به این کشور سفر کرده‌است.

به گفته علیرضا جعفرزاده، فخری‌زاده از سال ۱۹۹۱ (۱۳۶۹-۱۳۷۰ شمسی) عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین بود. در اوایل سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۸ شمسی)، فخری‌زاده یک «مرکز مطالعات بیولوژیکی» ابتکاری را به عنوان جانشین مرکز تحقیقات فیزیک (PHRC) رهبری کرد. فعالیت‌های این گروه تحقیقاتی در شیان صورت گرفت. وی بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ (۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ شمسی) مؤسسه‌ای به نام سازمان نوآوری و تحقیقات دفاعی (معروف به سپند)، که به دانشگاه صنعتی مالک اشتر وابسته بود، اداره کرد. سازمان پژوهش و نوآوری‌های دفاعی، با نام کوتاه شده سپند، در فوریه ۲۰۱۱ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است.

شورای امنیت سازمان ملل، فخری‌زاده را ملزم به «اطلاع‌رسانی سفر» و «مسدود شدن دارایی» قرار داد، زیرا این شورا گفت ایران درخواست مصاحبه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از وی را رد کرده‌است. با توجه به فعالیت‌های فخری‌زاده، ایران اطلاعاتی را ارائه داد اما آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای گفت «با یافته‌های خود مغایرت ندارد»، اما آژانس انرژی هسته‌ای همچنان به دنبال تأیید یافته‌های خود بود. طبق گفته سازمان ملل، فخری‌زاده دانشمند ارشد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رئیس سابق مرکز تحقیقات فیزیک (PHRC) بود. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای خواست تا در مورد فعالیت‌های PHRC در دوره‌ای که وی ریاست آن را بر عهده داشت با او مصاحبه کند، اما ایران این درخواست را رد کرد. فخری‌زاده در گزارش سال ۲۰۰۷ سازمان ملل در مورد برنامه هسته‌ای ایران به عنوان «شخصیت اصلی» توصیف شد.

### فعالیت‌ها

در سال ۲۰۱۰، گاردین گزارش داد که گمان می‌رود فخری‌زاده مسئول اصلی برنامه هسته‌ای ایران است. در سال ۲۰۱۲، وال استریت جورنال او را «معلم بمب اتمی تهران» خواند. در سال ۲۰۱۴، نیویورک تایمز او را نزدیک‌ترین چیز ممکن به یک «اوپنهاইمر ایرانی» نامید. علی خامنه‌ای رهبر ایران، در پیامی او را «دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاعی کشور» توصیف کرد که به نوعی تأیید می‌کند وی در زمینه هسته‌ای فعالیت داشته‌است. فریدون عباسی، رئیس کمیسیون انرژی مجلس، در برنامه «جهان‌آرا» که از شبکه افق پخش شد گفت: «به من می‌گویند که نگو فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای بوده» و خودش تأکید می‌کند که فخری‌زاده «موثرترین فرد کشور در حوزه هسته‌ای بود و نقشه راه هسته‌ای کشور را تهیه کرد» و معتقد است انکار هسته‌ای بودن وی «زمینه‌ای برای مذاکرات بعدی» است. احمد وحیدی، وزیر پیشین دفاع، گفت که «رشته تخصصی» فخری‌زاده «هسته‌ای» بوده و او را «شمع جمع دانشمندان هسته‌ای» معرفی کرد.

با این حال حسن روحانی، رئیس‌جمهوری، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، حسین سلامی، فرمانده سپاه، صادق لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمود علوی، وزیر اطلاعات، احمد جنتی، رئیس مجلس خبرگان رهبری، اسماعیل قانلی، فرمانده نیروی قدس سپاه، غلامعلی رشید، فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء، غلامرضا جلالی، فرمانده سازمان پدافند غیرعامل و ... در بیانیه‌های خود اشاره‌ای به «دانشمند هسته‌ای» نکردند.

آمریکایی‌ها، او را «صندوقچه اسرار» برنامه هسته‌ای ایران قلمداد می‌کردند که همواره در تعیین موضع ایرانی‌ها در مذاکرات، نقشی مخفیانه ولی مؤثری داشته‌است. طبق نظر آژانس بین‌المللی انرژی

اتمی تا زمانی که با فخری زاده گفتگوی مستقیم انجام نشود، نمی توان در میزان ورود ایران به دانش هسته ای، اظهار نظر کرد. او به همراه سیدعباس شاهمرادی زواره استاد دانشگاه صنعتی شریف، مهمترین نام های مطرح از افرادی هستند که غربی ها به دنبال مصاحبه بودند. او توسط غربی ها با رابرت اپنهاইمر، کارشناس فیزیک آمریکایی مقایسه می شود که در دهه ۴۰ میلادی کار نظارت بر ساخت بمب اتم در آمریکا را بر عهده داشت.

در سال ۲۰۲۰، نشریه دیلی میل با انتشار یک سند اعلام کرد که در این سند که خطاب به فخری زاده به عنوان شخصیت اصلی برنامه هسته ای ایران است، اطلاعات مهمی درباره تلاش ایران برای ساخت بمب هسته ای دیده می شود. اسرائیل گفته است که این یکی از ده ها هزار سند مربوط به برنامه هسته ای ایران پیدا است که در سال ۲۰۱۸ توانسته از ایران سرقت کند. در آن زمان بنیامین نتانیاهو در جریان تشریح عملیات سرقت اسناد اتمی ایران توسط موساد، از فخری زاده به عنوان «مغز متفکر برنامه هسته ای ایران» نام برده بود.

منابعی در بحث ساخت بمب اتمی توسط جمهوری اسلامی بر فعالیت های فخری زاده تمرکز داشته اند و نقش وی را پررنگ می دانند. اعطای القابی مانند اوپنهاইمر ایران، عبدالقدیر خان ایران یا پدر برنامه هسته ای نظامی ایران بخشی از این کارزار تبلیغاتی است. از سوی دیگر کارشناسانی در سازمان بین المللی انرژی هسته ای اسناد منتشر شده از برنامه هسته ای ایران را ساخته سازمان های اطلاعاتی غربی می دانند. یوسی ملمن و مئیر جاودانفر از تحلیلگران امور امنیتی در اسرائیل نیز بر این عقیده اند که اسناد مذکور که از فخری زاده نیز نام برده شده است ساختگی است.



فخری زاده در کنار امیر حاتمی، وزیر دفاع

نشریه انگلیسی ساندی تایمز در فروردین ۱۳۸۷ با اشاره به اسنادی، که ادعا می شود از یک دستگاه لپ تاپ ایرانی ها به دست آمده، فخری زاده را یک افسر سپاه پاسداران و استاد دانشگاه امام حسین تهران و به عنوان «پدر برنامه هسته ای نظامی ایران» معرفی کرده و مدعی شد: «سرویس های اطلاعاتی غرب معتقدند ایران در صدد تولید یک کلاهک هسته ای با توان نابودسازی هر شهری در خاورمیانه است که مسئولیت این برنامه بر عهده محسن فخری زاده مهابادی، مدرس فیزیک دانشگاه امام حسین تهران، قرار دارد و از این روی، می توان وی را پدر تولید کلاهک اتمی ایران نامید.» اما محمد البرادعی رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی در کتاب خاطرات خود The Age of Deception: Nuclear Diplomacy in Treacherous Times می گوید که «مشکل اینجا بود که هیچ کس نمی دانست که آیا این اسناد واقعی هستند؟»

موضوع اسناد لپ تاپ که ادعا می شد مربوط به برنامه هسته ای ایران بوده است و در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ منتشر شد برای سال ها حل نشده باقی مانده تا آنکه در سال ۲۰۱۴ وزیر خارجه وقت آلمان گفت که این اسناد از سوی سازمان مجاهدین خلق به دستگاه اطلاعاتی آلمان داده شده بود. یک مقام سابق سازمان انرژی اتمی نیز گفت که این اسناد احتمالاً از کشور دیگری نشأت می گرفت. این سازمان شماره پاسپورت و شماره تلفن منزل فخری زاده را نیز منتشر کرد. اما یک کتاب درباره تاریخچه موضوع و روزنامه نگارانی همچون Connie Bruck و سیمور هرش در نوشتار خود اشاره می کنند که منبع واقعی این اسناد جعلی، موساد بوده است. موساد تلاش داشت با انتشار این اسناد از سوی سازمان مجاهدین خلق نقش خود را در این موضوع مخفی کند. بنا به گفته رسانه های غربی در آن

سال، فخری زاده مدیریت طرحی با عنوان «پروژه ۱۱۱» به منظور تولید یک کلاهک هسته‌ای با توان انفجار در ارتفاع ۲ هزار فوتی و تخریب یک منطقه وسیع را بر عهده داشته‌است.

فخری زاده از جمله افرادی است که نام وی با ادعای دخالت وی در برنامه هسته‌ای، در فهرست تحریم‌های شورای امنیت قرار داده شده و اژانس بر مصاحبه با وی اصرار داشته‌است.

وزارت دفاع ایران ادعا می‌کند که سازمان تحت مدیریت فخری زاده با وزارت بهداشت جهت ساخت کیت تشخیص و واکسن کرونا همکاری داشته و در هنگام کشته شدن او، واکسن به مرحله تست انسانی رسیده بود. علیرضا زالی رئیس ستاد مقابله با کرونا در تهران هم این موضوع را تأیید کرد.

## ترور

### ترور محسن فخری زاده

بخشی از جنگ نیابتی ایران و اسرائیل و ترور  
شخصیت‌های هسته‌ای ایران



خودروی وی که مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌است.

**موقعیت** آبسرد، دماوند، ایران

**مختصات**  ۳۵°۳۹'۰,۰۴" شمالی ۵۲°۱۰'۲,۸۹" شرقی

**تاریخ** ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰

**هدف** محسن فخری زاده

**نوع هدف** ترور سیاسی مظنون

**اسلحه‌ها** تفنگ گلوله‌زنی، خودرو انفجاری

**درگذشته‌ها** ۵ نفر

**مجروحان** ۴ محافظ زخمی

**مرتکب** هیچ کشوری مسئولیت حمله را به عهده نگرفته است، اما اسرائیل مظنون حمله شناخته می‌شود

فخری‌زاده در عصر ۷ آذر ۱۳۹۹ در شهر آبسرد، شهرستان دماوند ترور شد. در جریان این ترور در میدان خلیج فارس شهر آبسرد، ابتدا یک خودروی نیسان کنار خودروی فخری‌زاده منفجر شده و بعد از آن شخصی دیگر از داخل یک خودرو در سمت دیگر خیابان خودروی حامل فخری‌زاده را به رگبار بسته‌اند. بر اساس گزارش خبرگزاری تسنیم در جریان این درگیری یکی از محافظان فخری‌زاده ۴ تیر خورده و خود او هم بعد از انفجار و اصابت گلوله، با بالگرد به بیمارستان منتقل شده و در آنجا جان باخته‌است. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در بیانیه‌ای، کشته شدن فخری‌زاده در جریان ترور را تأیید کرد. در جریان این درگیری تعداد دیگری از افراد هم کشته شدند که هویت آنها هنوز معلوم نیست.

نیویورک تایمز در گزارش ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰ خود راجع به ترور فخری‌زاده از قول سه مقام آمریکایی (یک مقام رسمی و دو افسر اطلاعاتی) نقل کرد: «اسرائیل پشت حمله به (این) دانشمند بوده». هر چند معلوم نیست که آمریکا چقدر در جریان این عملیات بوده‌است، ولی آمریکا و اسرائیل در تبادل اطلاعات راجع به ایران همکاری نزدیک دارند و کاخ سفید و سی‌ای‌ای از ابراز نظر در این مورد خودداری کرده‌اند.

روز ۳ دسامبر ۲۰۲۰، یک مقام ارشد دولت آمریکا به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت که اسرائیل پشت ترور دانشمند ارشد هسته‌ای ایران است و فخری‌زاده «مدت‌ها زیر نظر اسرائیلی‌ها بود» اما اینکه آمریکا از جزئیات حمله مطلع بوده یا خیر اظهار نظری نکرد.

شبکه تلویزیونی اسکای نیوز طی گزارشی این ترور را با اهمیت دانست و گفت فخری‌زاده برای سازمان اطلاعاتی خارجی به خصوص آمریکا و اسرائیل فردی شناخته شده بود و این حادثه را «معادل هسته‌ای» کشته شدن قاسم سلیمانی توصیف کرد.

علی خامنه‌ای درباره خطر ترور به خود فخری‌زاده هشدار داده بود چون گفته می‌شد که او «رعایت نمی‌کند و جاهای مختلفی می‌رود»

### روایت خبرگزاری فارس

خبرگزاری فارس نزدیک به سیاه‌پاسداران در گزارشی نوشت که تیراندازی به سمت خودروی محسن فخری‌زاده، با استفاده از سلاح‌های خودکار صورت گرفته و هیچ عامل انسانی در محل ترور حضور نداشته‌است. بر اساس این روایت، در این ترور از خودرو نیسانی که در فاصله ۱۵۰ متری ماشین فخری‌زاده متوقف بوده، از یک دستگاه تیربار اتوماتیک کنترل از راه دور، شلیک‌های متعددی صورت می‌گیرد که در نهایت منجر به کشته شدن فخری‌زاده می‌شود. بر اساس این گزارش، در بررسی هویت مالک خودروی نیسان مشخص شده که او ۸ آبان از کشور خارج شده‌است. خبرگزاری فارس افزوده که کل این عملیات سه دقیقه طول کشیده و هیچ عامل انسانی در محل ترور حضور نداشته و تیراندازی‌ها تنها توسط سلاح خودکار انجام شده‌است.

علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، همین ادعا خبرگزاری فارس را تکرار کرد و گفت که دستگاه‌های امنیتی از محل بروز احتمالی سوءقصد به محسن فخری‌زاده مطلع بودند و می‌دانستند که قرار است در همین نقطه‌ای که کشته شد ترور شود، ولی چون عاملین از سبک و شیوه کاملاً جدید، حرفه‌ای و تخصصی استفاده کردند، عملیات ترور فخری‌زاده موفق بود و ی‌اضافه کرد که تقویت لازم در رابطه با حفاظت محسن فخری‌زاده صورت گرفته بود.

این گزارش خبرگزاری فارس در حالی است که خبرگزاری صدا و سیما «از وجود ۵-۶ نفر مسلح در صحنه و گزارش‌های تأیید نشده از دستگیری یکی از افراد خبر داد» و حتی ۱۱ روز بعد از ترور، حسین امیر عبداللہیان دستیار ویژه رئیس مجلس در امور بین‌الملل تأکید کرد که برخی از عواملان اجرای ترور دستگیر شده‌اند.

### اقدامات موساد

یک مقام رسمی ارشد اسرائیل که سال‌ها مشغول ردگیری محسن فخری‌زاده بود چند روز بعد از ترور فخری‌زاده در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز اعلام نمود جهان باید از اسرائیل به خاطر کشتن فخری‌زاده تشکر کند. وزیر انرژی اسرائیل یووال استاینیتز در پی این ترور اعلام داشت ترور فخری‌زاده برای جهان مثبت است. نتانیاہو نخست‌وزیر اسرائیل پس از ترور محسن فخری‌زاده مقام وزارت دفاع ایران در پیام ویدیویی گفت: «طی هفته اخیر کارهایی انجام دادم که نمی‌خواهم شما را از همه آن‌ها مطلع کنم. این برای شماست، شهروندان اسرائیل، برای کشورمان، این هفته دستاوردها بود، و بیشتر هم خواهد شد».

فخری‌زاده سال‌ها توسط موساد زیر نظر بوده و هدف شماره یک اسرائیل بود. یوسی ملمن کارشناس و تحلیل‌گر ارشد نظامی-امنیتی روزنامه هآرتص نوشت موساد یک بار دیگر نیز برای ترور وی اقدام کرده بود که ناکام ماند. ترور وی در سالگرد ترور دیگر دانشمند هسته‌ای ایران مجید شهریاری روی داد که اسرائیل در کانون اتهام اقدام بدان قرار دارد.

در اردیبهشت ۱۳۹۷، برخی رسانه‌های اسرائیل گزارش دادند که از اواخر سال ۸۴ تا اواخر سال ۸۷ برنامه ترور فخری‌زاده به‌طور جدی در دستور کار سازمان موساد بود، ولی مقام‌های اسرائیلی با این استدلال که زنده ماندن او به تعقیب دقیق‌تر برنامه اتمی ایران کمک می‌کند، از ترور منصرف شدند.

بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل، محسن فخری‌زاده را به عنوان مدیر پروژه آماد معرفی کرده و اشاره کرده بود که او به عنوان رئیس سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی (سپند) بسیاری از چهره‌های کلیدی برنامه هسته‌ای ایران را در مجموعه خود داشته‌است. محمدجواد ظریف در موضع‌گیری پس از ترور فخری‌زاده گفت: «نشانه جدی از نقش اسرائیل در ترور وجود دارد».

### پیگیری نیروهای امنیتی

در بهمن ۱۳۹۹، محمود علوی وزیر وقت وزارت اطلاعات، گفت که وزارت اطلاعات از دو ماه قبل نسبت به برنامه‌ریزی ترور محسن فخری‌زاده هشدار داده بود و حتی ۵ روز پیش از ترور، مکان وقوع ترور را اطلاع داده بود اما وزارت اطلاعات، زمان ترور را نمی‌دانسته‌است. او گفت که «فردی که اولین تدارکات را برای ترور انجام داد، جزو نیروهای مسلح بوده» ولی بخاطر اینکه وزارت اطلاعات نمی‌توانسته «در حوزه نیروهای مسلح کار اطلاعاتی» انجام دهد، از ارگان مزبور خواسته بود تا در این زمینه با وزارت اطلاعات همکاری کند، ولی قبل از معرفی نماینده، حادثه ترور اتفاق می‌افتد. برخی این را اشاره غیر مستقیم به سپاه حفاظت انصارالمهدی می‌دانند که مسئولیت حفاظت از فخری‌زاده را بر عهده داشته‌است.

چند روز بعد، محمود علوی گفت که عضو نیروهای مسلح، «اخراج شده» بود و این فرد که در تدارک ترور نقشی کلیدی داشت، پیش از اجرای عملیات از کشور «متواری» شد و هم‌اکنون «تحت تعقیب» است.

ستاد کل نیروهای مسلح در واکنش گفت که «فرد مورد ادعای وزیر اطلاعات در سال ۱۳۹۳ در حال آموزش بوده‌است و در همان سال به دلیل مشکلات اخلاقی و اعتیاد اخراج شده» و عضویت او قطعی نبود و وی «در حین آموزش اخراج شد» در نتیجه «فرد مورد ادعای وزیر اطلاعات، فاقد هویت

نظامی است و «به همین دلیل جرم امنیتی وی همانند سایر آحاد جامعه در حیطه مأموریت و مسئولیت وزارت اطلاعات قرار می‌گیرد».

### واکنش‌ها

بازتاب‌ها و واکنش‌ها به ترور محسن فخری‌زاده بسیار بود. در ایران بسیاری از مسئولان خواستار انتقام‌گیری از عوامل حمله شدند.

### داخلی

- سید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، روز بعد طی بیانیه ای خواستار پیگیری این حادثه و «مجازات قطعی عاملان و آمران آن» و ادامه راه وی شد.
- حسن روحانی، و سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور اسبق ایران این ترور را محکوم کرد.
- محمدجواد ظریف وزیر خارجه ایران در توئیتر اسرائیل را به جنگ‌طلبی محکوم کرد. و از جامعه بین‌المللی خواست که این حادثه را محکوم کند.
- محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، سید ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، و محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تهدید به انتقام کردند.
- حسین دهقان وزیر دفاع سابق ایران در توئیتر نوشت که این ترور توسط اسرائیل و برای ایجاد جنگ در روزهای آخر ریاست جمهوری ترامپ است و اعلام کرد که انتقام این ترور گرفته خواهد شد. او در روز بعد گفت که علت ترور محسن فخری‌زاده «رخنه و نفوذ و شکاف» امنیتی بوده و مقامات مسئول «باید جواب دهند» و این فرد «کاملاً حفاظت می‌شد» و تیم حفاظت وی «در سطوح بالای حفاظتی بود» و «خودروهای متناسب در اختیار» فخری‌زاده قرار داشت.
- حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران گفت که انتقام این حادثه را خواهد گرفت.

### خارجی

- دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا توئیتر یوسی ملمن روزنامه‌نگار اسرائیلی را بازنشر کرد که نوشته بود: «بر اساس گزارش‌ها در ایران محسن فخری‌زاده در دماوند، در شرق تهران ترور شده‌است. موساد سال‌ها به دنبال او بود. مرگ وی ضربه‌ای حرفه‌ای و روانی بر جمهوری اسلامی است.»
- اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای ترور فخری‌زاده را محکوم و آن را اقدامی «مجرمانه» و «مغایر با اصل احترام به حقوق بشر» دانست.
- وزارت امور خارجه بلژیک ترور فخری‌زاده را محکوم کرد
- کارل بیلت رئیس اندیشکده شورای روابط خارجی اروپا در توئیتر نوشت: «دور از ذهن نیست که این ترور هدفمند تلاشی برای جلوگیری از بازگشت تیم بایدن به فرایند دیپلماتیک با ایران و برگشتن به برجام بوده باشد.»
- حزب‌الله لبنان حماس کتاب حزب‌الله عراق ائتلاف جوانان انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و جنبش جهاد اسلامی فلسطین این حادثه را محکوم کردند.
- آنتونیو گوترش: دبیرکل سازمان ملل در پی ترور فخری‌زاده خواستار خویشتن داری از همه طرف‌ها شد.
- برنی سندرز سناتور دموکرات از ایالت ورمونت آمریکا گفت: «ترور محسن فخری‌زاده بی‌محابا، تحریک آمیز و غیرقانونی بود. نظر به اینکه دولت جدید [در آمریکا] قدرت را در دست می‌گیرد، روشن بود که قصد و نیتی برای تضعیف روند دیپلماسی ایالات متحده- ایران وجود دارد.»
- محمد البرادعی رئیس پیشین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در واکنش به ترور «محسن فخری‌زاده» هشدار داد که این کار حاکمیت قانون را به خطر انداخت.

- وزارت خارجه روسیه: «هر کس که در پشت قتل ایستاده و از آن برای منافع سیاسی خود استفاده می‌کند باید مسئولیت آنرا بر عهده بگیرد.»

رسانه‌های دولتی ایران ساعاتی پس از تأیید خبر درگذشت اعلام کردند که جنازه وی ابتدا برای طواف به حرم امام رضا، سپس به حرم فاطمه معصومه برده خواهد شد و بعد از آن به تهران برای تشییع در حرم سید روح‌الله خمینی باز خواهد گشت. مراسم تشییع جنازه و خاکسپاری محسن فخری‌زاده در صبح روز دوشنبه ۱۰ آذر ماه ۱۳۹۹ در امامزاده صالح انجام شد. پس از خبر ترور، چند گردهمایی از طرف حامیان حکومت شکل گرفت و آنان پرچم‌های آمریکا و اسرائیل را سوزاندند.

#### نشان‌ها

| تصویر                                                                                 | عنوان             | اهدا کننده       | تاریخ        |
|---------------------------------------------------------------------------------------|-------------------|------------------|--------------|
|   | مدال درجه دو خدمت | حسن روحانی       | ۱۹ بهمن ۱۳۹۴ |
|  | نشان نصر درجه یک  | سید علی خامنه‌ای | ۲۳ آذر ۱۳۹۹  |

#### محسن مصطفوی



|                  |             |
|------------------|-------------|
| نام در زمان تولد | محسن مصطفوی |
| زاده             | تهران       |
| پیشه             | معمار       |

**محسن مصطفوی** (زاده ۱۹۵۴ میلادی در تهران)، معمار ایرانی مقیم آمریکا است. او ریاست مدرسه عالی طراحی دانشگاه هاروارد را بر عهده دارد. ریاست وی بر مدرسه عالی طراحی دانشگاه هاروارد تا پایان سال تحصیلی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ ادامه خواهد داشت و پس از آن به علت استعفا شخص دیگری جایگزین او خواهد شد. او همچنین از داوران جایزه معماری آقاخان است.

### سوابق

مصطفوی سابقاً رئیس دانشکده معماری دانشگاه کرنل بود، و قبل از آن نیز در دانشگاه پنسیلوانیا تدریس نمود. محسن مصطفوی که از سال ۱۹۹۵ ریاست مدرسه معماری AA در لندن (به قولی معتبرترین مرکز آموزش معماری در اروپا) را بر عهده داشت، چند سال پیش به ریاست دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه کرنل (یکی از ۵ معتبرترین دانشکده‌های معماری جهان) منصوب شد و این بار به ریاست معتبرترین دانشکده تحصیلات تکمیلی معماری یعنی هاروارد انتخاب شد. او مدرک معماری خود را از مدرسه AA گرفته و پس از آن تحصیلات و تحقیقات خود را در دوره‌های بالاتر در دانشگاه اسکس و کمبریج گذارنده است. مصطفوی از اعضای RIBA Royal Institute of British Architects و هیئت صدور مجوز معماری در بریتانیا بوده، قبلاً مدیریت برنامه ۱ معماری در دانشکده معماری هاروارد را تجربه کرده است. وی همچنین در دانشگاه پنسیلوانیا، کمبریج و آکادمی هنرهای زیبای فرانکفورت نیز تدریس کرده است. وی بارها در ایران حضور داشته است.

### تألیف محسن مصطفوی

- Architecture and Continuity در سال ۱۹۸۳
- Delayed Space در سال ۱۹۹۴ با همکاری هما فرجادی
- On Weathering در سال ۱۹۹۳ با همکاری David Leather barrow
- Approximations AA/MIT 2002
- Surface Architecture with David Leather barrow MIT 2002
- Logique Visually Idea Books 2003
- Landscape Urbanism: A Manual for the Mechanic Landscape
- Structure as Space

### دیدگاه راجع به معماری ایران

بر اساس مصاحبه‌ای با نویسنده مجله مهر، مصطفوی راه برون‌رفت از وضعیت فعلی معماری ایران را نه تقلید از غرب بلکه بررسی وضعیت خاص ایران و کشف راه حل‌های تازه می‌داند.



محمد جمشیدی

محمد جمشیدی دانشمند ایرانی صاحب کرسی استادی دانشگاه تگزاس است که ضمن سال‌ها تلاش برای ارائه خدمات ارزنده، توانسته با دعوت ناسا در برخی پروژه‌های آن‌ها مشارکت فعال داشته باشد. محمد جمشیدی، دانشمند ایرانی صاحب کرسی استادی دانشگاه تگزاس است که مدت ۱۰ سال با سازمان فضایی آمریکا (ناسا) همکاری و در اولین پروژه پرتاب روبات به سطح کره مریخ به صورت مشورتی مشارکت داشته است. همچنین به مدت هفت سال (از ۱۰ سال مشاورت) به طور افتخاری با مرکز ناسا در واشنگتن به عنوان مشاور فعالیت کرده و جایزه ملی خدمت از ناسا دریافت کرده است. جمشیدی دارای ۶۵۰ اثر علمی از جمله اولین کتاب درسی در خصوص «سیستم‌های ابعاد بزرگ» و دارای مدرک فوق دکتری مهندسی برق و سه مدرک دکتری افتخاری از دانشگاه‌های معتبر جهان است.

محمد جمشیدی ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۳ در شیراز در یک خانواده ۱۲ نفره به دنیا آمد. او آخرین فرزند خانواده بود و ۶ ماه بعد از فوت پدرش به دنیا آمد. به عقیده خودش، نبود پدر از او یک شخص محکم در زندگی ساخته که همیشه دوست داشته به موفقیت برسد. البته وی معتقد است که مادر، همسر و صدها دانشجویش نقش مهمی در زندگی‌اش ایفا کرده‌اند.

بعد از آن به تهران آمد و خرداد ۱۳۴۱ دیپلمش را از دبیرستان هدف که بهترین دبیرستان تهران آن زمان بود، گرفت و بهمن همان سال برای ادامه تحصیل در آمریکا، ایران را ترک کرد. شهریور ۱۳۴۲ در دانشگاه ایالت اروگان ثبت‌نام کرد و خرداد ۱۳۴۶ از رشته مهندسی الکترونیک در مقطع لیسانس از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و پاییز همان سال به دانشگاه ایلینوی وارد شد و کارشناسی ارشد و سپس دکتری‌اش را در همان رشته برق خواند. سپس تز دکتری‌اش را در زمینه مدل‌سازی، کنترل و بهینه‌سازی سیستم‌های پیچیده بزرگ‌مقیاس گذراند. او تا دوره پست‌دکتری را در دانشگاه ایلینوی بود، ولی مرداد ۱۳۵۰ به ایران برگشت تا به عنوان استادیار در دانشگاه شیراز فعالیت کند.

### مصاحبه با این دانشمند ایرانی

#### مهاجرت چطور زندگی شما را تغییر داد و چه تاثیری روی زندگی و تحقیقات‌تان داشت؟

در آن هفت سال تحصیل در آمریکا، قصد نداشتم که در آنجا بمانم. مضطرب و مشتاق برای رسیدن به خانه در شیراز بودم و به همین دلیل بود که به دانشگاه شیراز برگشتم، ولی در نهایت مرداد ۱۳۵۷ تصمیم گرفتم که دوباره به آمریکا بروم. بعد از دوره‌ای که در دانشگاه شیراز گذراندم، یک دوره در نیویورک مشغول به کار بودم، در دانشگاه فنی دانمارک IBM مرخصی گرفتم و در مرکز تحقیقات هم به عنوان استاد مهمان مشغول به کار شدم.

در پاییز ۱۳۵۸ به دانشگاه نیومکزیکو ملحق شدم و آنجا بود که تصمیم گرفتم به آمریکا مهاجرت کنم. در ۲۷ سالگی به عنوان پروفیسور برجسته در دانشگاه تگزاس انتخاب شدم و تا ژانویه ۲۰۰۶ در دانشگاه‌های تگزاس و سن‌آنتونیو به عنوان پروفیسور برجسته مشغول فعالیت بودم. مهاجرت به آمریکا به من این امکان را داد تا راحت‌تر به همه جای دنیا سفر کرده و در هر قاره‌ای از استرالیا گرفته تا آرژانتین در کنفرانس‌ها شرکت و سخنرانی کنم.

### تاکنون چه دستاوردهایی داشته‌اید؟

دکتری من در دانشگاه ایلینوی، سیستم‌های پیچیده بزرگ مقیاس بود و من به صورت موردی و از آنجا که مجتمع فولاد اصفهان تازه ساخته شده بود، روی فولاد مطالعه کردم. ۱۰ سال بعد در سال ۱۹۸۱ شروع به نوشتن کتابی تحت عنوان «سیستم‌های بزرگ مقیاس» کردم که دو سال بعد در نیویورک به چاپ رسید. این کتاب نخستین کتاب در این زمینه بود و به زبان‌های بسیاری از جمله ماندارین (چینی)، روسی، رمانیایی و فرانسه ترجمه شد. در سال ۲۰۰۴ نسخه انگلیسی این کتاب در دانشگاه کارنگی ملون در آمریکا، نسخه چینی آن در دانشگاه گوانگژو در چین و نسخه فرانسوی آن در کشورهای آفریقای شمالی مثل الجزایر، تونس یا مراکش تدریس می‌شد. این کتاب پیش‌درآمدی برای بسیاری از کتاب‌های دیگر شد.

امروز حدود ۷۱ کتاب به نام من در ۶ زبان دنیا وجود دارد. در طول دهه ۱۹۸۰، مجله سیستم‌های را، که هم‌اکنون یکی از موفق‌ترین نشریات (IEEE) کنترل موسسه مهندسان برق و الکترونیک مهندسی برق و الکترونیک به شمار می‌رود، دایر کردم.

### چه شد که در ناسا به کار مشغول شدید و چگونه وارد یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های بزرگ جهان شدید؟

بگذارید اول از همه این نکته را روشن کنم که من یک مشاور یا کارمند دولتی بدون حقوق در ناسا بودم. مشارکت من خیلی کوتاه و به عنوان عضو کمیته مشورتی نخستین ماموریت مریخ بود که طی در چهارم ژوئیه ۱۹۹۷ روی مریخ نشست. این یک تصادف sojourner این ماموریت رهیاب مریخ خوشایند بود. بعد از آن بود که من به عضویت کمیته بهره‌برداری کسب‌وکار کوچک ناسا در آمدم که به مدت هفت سال به ناسا خدمات ارائه می‌داد. این مشارکت با دعوت یکی از مدیران ناسا بود. ما باید هر ۶ ماه یک بار با مدیر سازمان ناسا دیدار می‌کردیم تا از فعالیت‌هایمان در این دفتر گزارش ارائه دهیم.

### نقش شما در ناسا چه بود و آیا هم‌اکنون نیز در این سازمان فعالیتی دارید؟

من نقش مشاور در ماموریت‌هایی را داشتم که از هوش مصنوعی برای کمک به درجه استقلال کاوشگرهای مریخ استفاده می‌کردند؛ ابزارهایی مانند منطق فازی که به کاوشگرهای مریخ کمک می‌کند به صورت خودمختار یک سری فعالیت را انجام دهند. زیرا هفت ساعت طول می‌کشد تا ارتباط آزمایشگاه پیش‌رانه (جت) با کاوشگر برقرار شود و به همین دلیل گاهی (JPL) میان مرکز کنترل در لازم است تا کاوشگر خودش در مورد بعضی چیزها تصمیم‌گیری کند. در ستاد ناسا، ما موفق به افزایش ارزش قرارداد کسب‌وکارهای کوچک در سطح ملی تا ۲۵۰ درصد و یا ۴/۱ میلیارد دلار شدیم.

### آیا می‌توانید برخی از مهم‌ترین پروژه‌های ناسا را برای ما نام ببرید؟

ناسا ۶ دهه سابقه کاری دارد. این سازمان در دهه ۱۹۵۰ و بعد از اینکه شوروی سابق اسپوتنیک (نخستین ماهواره فضایی جهان) را در چهار اکتبر ۱۹۵۷ ساخت، دایر شد. ناسا از ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۸ که به واسطه قانون کنگره آمریکا تاسیس شد و توسط رئیس جمهور دوايت آیزنهاور افتتاح شد، تاکنون ۱۸۵ ماموریت انجام داده است.

در میان مهمترین ماموریت‌های این سازمان، می‌توان به ماموریت‌های آپولو اشاره کرد که در طی آن دو فضانورد نیل آرمسترانگ و خلبان باز آلدرین روی ماه نشستند. این ماموریت را نیز می‌توان یک سیستم سیستم‌ها در نظر گرفت که در آن، کنترل فضاپیماي «ماه» و مدارگرد «کلمبیا» و ماموریت «زمین» از طریق لینک‌های ارتباطاتی به هم متصل بودند.

یکی دیگر از مهمترین ماموریت‌های ناسا یک سری ماموریت‌های هشت‌گانه مریخ است که از دهه ۱۹۹۰ شروع شده است. یکی از این ماموریت‌ها که من تا حدودی در آن دخیل بودم؛ رهیاب یا بود که روز چهارم دسامبر ۱۹۹۶ از زمین پرتاب شد و در چهارم ژوئیه ۱۹۹۷ روی Sojourner مریخ فرود آمد. من در این ماموریت از هوش مصنوعی و خودمختاری این وسیله نقلیه روباتیک حمایت کردم.

در جایی خوانده بودیم که شما در یکی از پروژه‌های ناسا روی روبات کاوشگر ناسا نظارت داشتید. آیا این موضوع درست است؟ چالش‌هایی که با آن مواجه بودید، چه بودند؟

نه من روی کاوشگر ناسا نظارتی نداشتم. من فقط یکی از اعضای کمیته مشاوران بین‌المللی بودم که از دانشمندان بسیار دیگری از سرتاسر جهان تشکیل شده بود. چالش‌هایی که دانشمندان ناسا در این پروژه مواجه بودند، تاخیر در ارتباط با این کاوشگر، سطح استقلال یا خودمختاری خود کاوشگر، تشخیص خطا و جابه‌جایی گسل‌ها در زمانی بود که این کاوشگر روی آن‌ها کار می‌کرد.

### محمدرضا حافظ نیا



### اطلاعات شخصی

۱۱ شهریور ۱۳۳۴

زاده

|                  |                                                        |
|------------------|--------------------------------------------------------|
| پیشینه           | خراساد، بیرجند، ایران<br>سیاستمدار، هیئت علمی          |
| تحصیلات          | پس زمینه های علمی<br>جغرافیای طبیعی<br>جغرافیای انسانی |
| دانشگاه          | دانشسرای عالی<br>دانشگاه تربیت مدرس                    |
| عنوان پایان نامه | نقش استراتژیک تنگه هرمز ۱۳۶۹                           |
| استاد راهنما     | عزت الله عزتی                                          |
| کار علمی         |                                                        |
| رشته تحصیلی      | جغرافیا                                                |
| زیرشاخه          | جغرافیای سیاسی                                         |
| نهاد             | دانشگاه تربیت مدرس                                     |
| آثار برجسته      | جغرافیای سیاسی ایران ۱۳۸۲                              |

**محمد رضا حافظ نیا** (زاده ۱۳۳۴ در بیرجند)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در ایران و تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی (۱۳۵۶-۱۳۵۲) و دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۹-۱۳۶۴) در رشته جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) به انجام رسانیده و به عنوان اولین فارغ التحصیل دکتری رشته جغرافیای سیاسی در ایران، از رساله خود تحت عنوان خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز دفاع کرد.

وی اولین دانش آموخته دانشگاه تربیت مدرس، بنیانگذار مرکز آموزش عالی فرهنگیان (وزارت آموزش و پرورش)؛ فصلنامه ایرانشناسی (به سه زبان فارسی، انگلیسی، اردو)؛ مرکز مطالعات آفریقا؛ انجمن ژئوپلیتیک ایران؛ فصلنامه علمی-پژوهشی و بین المللی ژئوپلیتیک می باشد. وی علاوه بر عضویت در انجمن های جغرافیایی انگلستان، ایران و هند، در سال ۸۵ به عنوان استاد نمونه کشوری انتخاب و کتب وی در سال های ۸۲ و ۸۳ به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند.

حافظ نیا به همراه دره میرحیدر و عزت الله عزتی ویدالله کریمی پور با درجه استادی از پیشکسوتان رشته جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) در ایران محسوب می شوند. وی در حال حاضر در دانشگاه تربیت مدرس تدریس می کند.

## زندگی‌نامه

محمدرضا حافظنیا در سال ۱۳۳۴ در روستای خراشاد بیرجند و در خانواده‌ای کشاورز متولد شد. وی فرزند بزرگ خانواده بود و در شش سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر و به همراه دو برادر کوچکترش به زندگی ادامه داد. حافظنیا تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان دقیقی روستای خراشاد و تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان‌های خزیمه علم و شوکتی بیرجند به اتمام رساند و در سال ۱۳۵۲ در رشته طبیعی دیپلم گرفت. همان سال در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته جغرافیای طبیعی دانشسرای عالی (که دو سال بعد به دانشگاه تربیت معلم و در حال حاضر دانشگاه خوارزمی تغییر نام یافته) پذیرفته شد.

او دوره کارشناسی را در رشته جغرافیای طبیعی با معدل ۳,۸۱ (از ۴) به پایان رساند و در جریان انقلاب به زندان افتاد. با پیروزی انقلاب از زندان آزاد شد و به مدت ۴ سال مسئولیت‌های سیاسی به عهده داشت. سپس در سال ۱۳۶۳ از سیاست کناره گرفت و به فعالیت‌های آموزشی و علمی رو آورد. حافظنیا در سال ۱۳۶۴ در کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شد و تحصیلات خود را در رشته جغرافیای انسانی ادامه داد و در سال ۱۳۶۶ از این مقطع فارغ‌التحصیل شد و بلافاصله در اولین کنکور دکتری جغرافیای انسانی (گرایش سیاسی) همین دانشگاه شرکت کرد و به عنوان اولین دانشجوی دکتری پذیرفته شد. سپس تحصیلات خود را ادامه داد و آن را در بهمن ماه ۱۳۶۹ با درجه ممتاز به پایان رساند. او پس از سال‌ها تدریس و تحقیق در ۱۳۹۱ به عنوان استاد تمام پایه ۳۱ در دانشگاه تربیت مدرس رسید و همچنان مشغول به تدریس است. او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ نامزد شد اما صلاحیت او به تأیید شورای نگهبان نرسید.

## خانواده

پدر او رجب حافظ نیا، متولد سال ۱۳۰۴ ه. ش در روستای خراشاد می‌باشد. او در شهریور ماه ۱۳۴۰ ه. ش در اثر بیماری پرقان و در سن ۳۶ سالگی مرد. شغل اصلی او کشاورزی بود. مادر او خدیجه خراشادی زاده، متولد سال ۱۳۰۷ ه. ش در روستای خراشاد می‌باشد.

## فعالیت‌های ضمن تحصیل

در کنار تحصیل، برای کمک به خانواده کار کشاورزی و نساجی و خوابار فروشی را در دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه داشت و در دوره لیسانس در رستوران و سپس کار دانشجویی در سلف سرویس و تکثیر دانشگاه در تهران از جمله فعالیت‌های وی می‌باشد.

## فعالیت‌های آموزشی

وی در سال ۱۳۵۸ به عنوان دبیر دبیرستان در شهرستان تربت حیدریه به استخدام آموزش و پرورش درآمد. سپس در ۱۳۵۹ برای مدت ۴ سال به عنوان فرماندار شهرستان‌های بجنورد و تربت حیدریه و نیز معاون سیاسی استانداری ایلام به وزارت کشور مأمور شد و در سال ۱۳۶۳ به وزارت آموزش و پرورش برگشت و در کنار مسئولیت‌های اجرایی به تدریس در دبیرستان و مراکز تربیت معلم مشغول گردید.

وی پس از اخذ درجه کارشناسی ارشد، در سال ۱۳۶۷ به دانشگاه تربیت مدرس منتقل و به عنوان مربی مشغول به کار شد و در سال ۱۳۷۰ به رتبه استادیاری ارتقاء یافت.

او در سال ۱۳۷۸ به درجه دانشیاری و در سال ۱۳۸۲ به درجه استادی ارتقاء پیدا کرد و هم‌اکنون در دانشگاه تربیت مدرس مشغول انجام خدمت است. دکتر حافظنیا در دانشگاه تربیت مدرس در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌نماید.

## سایر فعالیت‌ها

- عضو و رئیس کمیسیون علوم انسانی هیئت ممیزه به مدت ۸ سال
- مأموریت به وزارت کشور (فرماندار شهرستان‌های بجنورد - تربت حیدریه و معاون سیاسی استانداری ایلام) از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳
- مدیر کل آموزش ضمن خدمت و مشاور وزیر در وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷
- عضو هیئت ممیزه دانشگاه تربیت مدرس
- عضو شورای دانشگاه تربیت مدرس در سال‌های ۷۱-۷۰ و ۸۳-۱۳۸۰
- عضو شورای تحصیلات تکمیلی در دانشکده علوم انسانی
- عضو و نایب رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران
- عضو انجمن جغرافیایی ایران
- عضو انجمن جغرافیدانان انگلستان (IBG & RGS)
- عضو انجمن جغرافیایی هندوستان (GSI)
- عضو انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی ادیان ISSR
- عضو کمیته علمی سمپوزیوم بین‌المللی «آینده حیات و تمدن بشری» دانشگاه فرانکفورت آلمان سال ۱۳۸۴/۲۰۰۵م<sup>[۱]</sup>
- عضو هیئت تحریریه فصلنامه‌های علمی- پژوهشی: تحقیقات جغرافیایی، پژوهش‌های جغرافیایی، Journal of Applied Sciences، مدرس علوم انسانی، Research Journal of Environmental Sciences، مطالعات جغرافیایی، Trends in Applied Sciences، پژوهش علوم انسانی، Research Journal of Social Sciences
- عضو کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا در وزارت علوم (۷۲-۱۳۷۰)
- عضو و رئیس کمیته پژوهشی جغرافیا در وزارت علوم (۷۲-۱۳۶۷)
- عضو کمیته تدوین کتب دانشگاهی رشته جغرافیا در سمت (۷۲-۱۳۶۸)
- مدیر گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس در سال‌های ۷۷-۱۳۷۵
- دبیر ۱۰ مورد از همایش‌های داخلی و بین‌المللی
- سردبیر مجلات علمی-پژوهشی: فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک و فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا
- رئیس کمیته علوم انسانی جشنواره جوان خوارزمی<sup>[[</sup> (سالهای ۸۱ و ۱۳۸۲)
- داور طرح‌های پژوهشی جشنواره خوارزمی (سال‌های ۷۱، ۸۲ و ۱۳۸۳)
- بنیان‌گذار و سردبیر فصلنامه ایرانشناسی به زبان‌های انگلیسی و اردو در پاکستان در سال ۱۳۷۳
- ارائه طرح‌های: «تأسیس دانشگاه تربیت مدرس برای کشور» و «رشد پلکانی مدیران در سازمان‌های حکومتی ایران» در سال ۱۳۶۳ به ریاست جمهوری با هدف تخصصی کردن و بهینه‌سازی اداره امور کشور و انتصاب مدیران سطوح مختلف سازمان‌های اجتماعی و حکومتی
- ارائه طرح‌های: «مؤسسه جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۷۰ ه. ش و نیز «اتحادیه آسیایی» در سال ۱۳۷۲ به ریاست ایران
- پیشنهاد تأسیس دانشگاه فراگیر آموزش از راه دور برای معلمان و فرهنگیان کشور در سال ۱۳۶۶
- سرپرست کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۶
- رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱

- مدیر قطب علمی جغرافیای سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۹۱

### جوایز و نشانها

- دریافت لوح به مناسبت انتخاب شدن به عنوان «استاد نمونه» در ایران در سال ۱۳۸۵
- دریافت لوح به مناسبت کسب رتبه اول پژوهشگر برتر ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی
- دریافت لوح به مناسبت انتخاب جغرافیای سیاسی ایران به عنوان کتاب سال دانشگاهی ایران در سال ۱۳۸۲
- دریافت لوح به مناسبت انتخاب جغرافیای سیاسی ایران به عنوان کتاب قابل تقدیر در مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳
- چهره شاخص ملی مسئولیت پذیر اجتماعی در سال ۱۳۹۵ به انتخاب دانشگاه تهران
- جزو چهره‌های سرآمدان آموزش عالی کشور در سال ۱۳۹۷

### آثار

دکتر حافظ نیا ضمن تألیف آثار متعدد، با نشریات مختلف نیز همکاری داشته‌است:

- تدوین و انتشار ۲۰ جلد کتاب (دو مورد به زبان انگلیسی)
- اجرای ۹ طرح تحقیقاتی و پژوهشی
- چاپ و نشر ۱۱۰ مقاله علمی-پژوهشی در مجلات علمی معتبر داخل و خارج از کشور
- ارائه ۵۱ مقاله علمی در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی داخلی و بین‌المللی
- چاپ و نشر حدود ۱۳۰ مقاله متنوع در فصلنامه‌ها، ماهنامه‌ها و نشریات مختلف

### کتاب‌ها

1. اوضاع کلی جهان اسلام - دفتر آموزش ضمن خدمت - وزارت آموزش و پرورش - تهران - ۱۳۶۵
2. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز - سازمان مطالعه و تدوین، سمت - تهران ۱۳۷۱
3. An Introduction to the Research Methodology in Humanities, Gora Publisher Lahore, ۱۹۹۶
4. The Theory of Asian unity, Gora Publisher, Lahore ۱۹۹۶
5. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی - سازمان مطالعه و تدوین «سمت»، تهران، ۱۳۷۷ (چاپ نوزدهم در سال ۱۳۹۲ با تیراژ ۲۰۰۰۰ نسخه)
6. مبانی مطالعات سیاسی و اجتماعی (در دو جلد ۱ و ۲)، سازمان مدارس خارج از کشور، قم، ۱۳۷۹
7. وضعیت ژئوپلیتیک پنجاب، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۹
8. اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، (ترجمه از انگلیسی به فارسی با همکاری هاشم نصیری)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۹
9. جغرافیای سیاسی ایران، سازمان مطالعه و تدوین «سمت»، تهران، ۱۳۸۱ (کتاب سال دانشگاهی)
10. افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی - (با همکاری دکتر مراد کاویانی راد) - سمت، تهران ۱۳۸۳
11. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، پژوهشکده امیرکبیر (انتشارات پاپلی)، مشهد، ۱۳۸۵

12. قدرت و منافع ملی، انتشارات انتخاب، پاییز ۱۳۸۶
13. جغرافیای سیاسی فضای مجازی، انتشارات سمت، ۱۳۹۱



محمد شاهیده پور

زاده ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۵ تهران، ایران

پیشه: پروفسور

سال‌های فعالیت 1981 تا حال

**محمد شاهیده پور** استاد و رئیس دانشکده مهندسی برق مؤسسه فناوری ایلینوی است. وی در سال ۱۹۷۷ لیسانس خود را از دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف و فوق لیسانس و دکترای خود را در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۱ از دانشگاه میزوری در کلمبیا در آمریکا دریافت کرد. او مؤلف بیش از ۳۰۰ مقاله علمی و ۵ کتاب در زمینه قدرت است. او عضو پیوسته آی‌تریپل‌ای است. وی همچنین استاد معین دانشگاه صنعتی شریف است.

### جوایز

شاهیده‌پور در سال ۲۰۰۷ جایزه برک هیز شناسایی آکادمیک جامعه الکترونیک قدرت IEEE در سال ۲۰۰۵ جایزه بهترین مقاله Transactions جامعه الکترونیک قدرت IEEE را دریافت کرد. او برای ۱۵ سال ویراستار مجله IEEE Transactions on Power Systems بود و هم‌اکنون قائم مقام بخش انتشارات جامعه الکترونیک قدرت IEEE است.

شاهیده‌پور عضو کمیته مطالعات ریز شبکه‌های سازمان ملل بوده و پروژه‌های عملی متعددی را در زمینه ریز شبکه‌ها و شبکه‌های هوشمند اجرا کرده که می‌توان به ریز شبکه دانشگاه IIT با قابلیت عملکرد جزیره‌ای، ریز شبکه مبتنی بر سلول‌های خورشیدی جزیره Virgin و ریز شبکه‌های فرودگاه‌ها و قطارهای شهری اشاره نمود.

وی به تازگی در سال ۲۰۱۶ به پاس دستاوردهای پژوهشی خود در زمینه «برنامه‌ریزی تولید در بازارهای برق و در حضور منابع متغیر انرژی تجدید پذیر» عضو فرهنگستان مهندسی ایالات متحده آمریکا شده است. شاهیده‌پور در سفرهای خود به ایران کارگاه‌ها و سمینارهای متعددی در زمینه شبکه‌های هوشمند برگزار می‌کند.

## زندگینامه استاد سربلوکی



دکتر سربلوکی در سال ۱۳۲۳ در کاشان متولد شد. در سال ۱۳۴۵ از دانشکده علوم دانشگاه تهران در رشته شیمی با رتبه اول فارغ التحصیل شد. شاگرد اول شدن او در ۳ سال پیایی در این رشته، مدال درجه یک علمی را برای او به ارمغان آورد. پس از فارغ التحصیلی راهی دانشگاه بروکلین نیویورک که از معتبرترین دانشگاه‌ها در زمینه شیمی به شمار می‌رفت، شد. در سال ۱۹۷۲ م دکترای خود را در رشته شیمی پلیمر گرفت. او علاوه بر فعالیت‌های علمی در این رشته، در رشته شیمی فیزیک، مهندسی پلیمر، علوم و فنون تولیدات مصنوعی، بیوسنسورها (زیست‌یاب‌ها) و بیوفیزیک تحقیقات خود را ادامه داد. دکتر سربلوکی در سال ۱۹۶۷ م با عنوان دستیار آموزشی در دانشگاه پلی‌تکنیک نیویورک مشغول به کار شد.

در سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ م در این دانشگاه به عنوان دستیار آموزشی پژوهشی فعالیت‌های خود را ادامه داد. در سال ۱۹۷۵ م با عنوان محقق پسا دکترا در بخش بیوفیزیک دانشگاه ایالتی میشیگان مشغول به کار شد. دکتر سربلوکی همچنین به عضویت هیات علمی و محققان سازمان هوافضای امریکا، (ناسا) درآمد. او مسئول انتخاب و فرایند تولید فیلم پلیمر برای استفاده در فضاپیمایی با نور خورشید، مجری طرح کاربرد پلیمرها در استفاده از انرژی خورشید و کاربرد پلیمرها در تولید سوخت‌های انفجارناپذیر در صنایع هواپیمایی شد. دکتر سربلوکی پس از سفری کوتاه به ایران در سال ۱۳۵۸، در سال ۱۳۶۰ برای همیشه امریکا را با تمام مزایایی که برایش داشت ترک کرد و به ایران بازگشت.

او در همان سال به عضویت کمیته برنامه‌ریزی شیمی و کمیته برنامه‌ریزی‌های مهندسی پلیمر ستاد انقلاب فرهنگی درآمد و مسئولیت تهیه طرح شیمی کاربردی این ستاد را بر عهده گرفت. همزمان با عضویت در شوراهای پژوهشی متفاوت در سال ۱۳۶۶ مدیر گروه شیمی دانشکده علوم دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ مسئولیت مرکز تحقیقات بیوشیمی، بیوفیزیک دانشگاه تهران را پذیرفت. از سایر فعالیت‌های او می‌توان به فراهم کردن زمینه گشایش دوره دکترای شیمی در دانشکده علوم دانشگاه تهران، سردبیری نشریه‌های شیمی و مهندسی شیمی ایران، راه‌اندازی آزمایشگاه شیمی کاربردی گروه شیمی دانشکده علوم و تالیف کتاب‌های درسی مورد نیاز رشته شیمی و مهندسی شیمی دانشگاهی اشاره کرد.

دکتر سربلوکی علاوه بر عشق وافر خود به ایران، به زادبوم خود، کاشان نیز بسیار علاقه داشت. او در سال ۱۳۶۳ دانشگاه آزاد را در کاشان با همکاری دکتر علی ثابت‌قدم، بنیاد نهاد. در حال حاضر دانشگاه آزاد کاشان یکی از مراکز علمی دانشگاهی معتبر کشور به شمار می‌آید. از آخرین دستاوردهای استاد سربلوکی می‌توان به راه‌اندازی مرکز پژوهش زیستمواد اشاره کرد. راه‌اندازی این مرکز و فعالیت‌های

آن همزمان با بیماری استاد بود. اما او بیماری خود را بروز نمی‌داد. کسی از بیماری او خبر نداشت. او تا آخرین روزهای حیات خود با پایداری و خوش‌رویی در محیط کار حاضر می‌شد. دکتر سربلوکی سرانجام در ۱۰ شهریور ۱۳۸۸ پس از ماه‌ها تحمل درد و رنج ناشی از بیماری در تهران درگذشت.



محمد هاشم پسران

|                 |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|-----------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زاده            | ۱۰ فروردین ۱۳۲۵ شیراز، استان فارس                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
| تحصیلات         | دکتری اقتصاد ۱۹۷۲                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
| محل تحصیل       | دانشگاه سالفورد دانشگاه کمبریج                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| شناخته‌شده برای | استاد تمام بازنشسته دانشگاه کمبریج<br>۱۹۸۸-۲۰۱۲، صاحب کرسی عالی<br>اقتصاد جان الیوت در دانشگاه<br>کالیفرنیا، جنوبی هم اکنون-۲۰۰۵،<br>عضو پژوهشی پیوسته کالج ترینیتی،<br>کمبریج هم اکنون-۱۹۷۷، استاد<br>تمام اقتصاد و مدیر برنامه اقتصادسنجی<br>کاربردی در دانشگاه کالیفرنیا،<br>لس‌آنجلس ۱۹۹۳-۱۹۸۹، استاد<br>مدعو دانشگاه هاروارد، انستیتو<br>مطالعات پیشرفته وین، دانشگاه<br>پنسیلوانیا، دانشگاه کالیفرنیا، جنوبی،<br>دانشگاه ملی استرالیا، عضو پیوسته<br>فرهنگستان بریتانیا (British Academy)،<br>جامعه اقتصادسنجی (Econometric Society) و مجله<br>اقتصادسنجی (Journal of) |

## Econometrics)

کارهای برجسته رئیس اداره پژوهش‌های اقتصادی بانک

مرکزی ایران ۱۹۷۴-۱۹۷۶

معاون وزیر آموزش و پرورش ایران

۱۹۷۸-۱۹۷۶

## جایزه ها

دکتری افتخاری از دانشگاه سالفورد

۱۹۹۳، دکتری افتخاری از دانشگاه

گوته فرانکفورت ۲۰۰۸، کارشناسی

ارشد افتخاری از دانشگاه کمبریج

۲۰۰۳، دکتری افتخاری از دانشگاه

ماستریخت ۲۰۱۳

**محمد هاشم پسران** (زاده ۱۰ فروردین ۱۳۲۵ در شیراز) از سرشناس‌ترین اقتصاددانان ایرانی تبار جهان و مقیم بریتانیا است. وی دارای دکتری اقتصاد از دانشگاه کمبریج، استاد تمام بازنشسته دانشگاه کمبریج (۱۹۸۸-۲۰۱۲)، صاحب کرسی عالی اقتصاد جان الیوت در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (هم اکنون ۲۰۰۵-) و عضو پژوهشی پیوسته کالج ترینیتی، کمبریج (هم اکنون- ۱۹۷۷) است.

وی همچنین، استاد اسبق اقتصاد و مدیر برنامه اقتصادسنجی کاربردی در دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس (۱۹۹۳-۱۹۸۹)؛ استاد مدعو اسبق دانشگاه هاروارد، انستیتو مطالعات پیشرفته وین، دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، دانشگاه ملی استرالیا؛ و عضو پیوسته فرهنگستان بریتانیا (British Academy)، جامعه اقتصادسنجی (Econometric Society)، و مجله اقتصاد سنجی (Journal of Econometrics) است.

مؤسسه تامسون رویترز در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳، محمد هاشم پسران را یکی از برندگان احتمالی نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۳ دانست.

## زندگی‌نامه

محمد هاشم پسران ۱۰ فروردین ۱۳۲۵ در شیراز، استان فارس زاده شد. دیپلم دبیرستان را از مدرسه نمازی (شیراز) گرفت. در نوامبر ۱۹۶۴ با بورس تحصیلی بانک مرکزی ایران برای تحصیلات عالی به انگلستان رفت. مدرک کارشناسی خود را در اقتصاد، ریاضیات و آمار با رتبه ممتاز از دانشگاه سالفورد گرفت. سپس، موفق به دریافت دکتری اقتصاد از دانشگاه کمبریج شد.

## سوابق دانشگاهی و پژوهشی

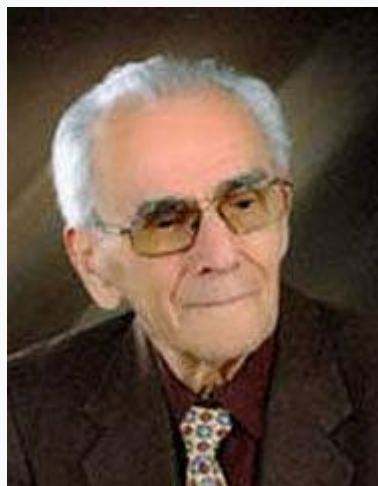
- استاد تمام بازنشسته دانشگاه کمبریج (۲۰۱۲-۱۹۸۸)
- صاحب کرسی عالی اقتصاد جان الیوت در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (هم اکنون ۲۰۰۵-)
- عضو پژوهشی پیوسته کالج ترینیتی، کمبریج (هم اکنون ۱۹۷۷-)
- استاد تمام اقتصاد و مدیر برنامه اقتصادسنجی کاربردی در دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس (۱۹۹۳-۱۹۸۹)

- استاد مدعو دانشگاه هاروارد، انستیتو مطالعات پیشرفته وین، دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، دانشگاه ملی استرالیا
- عضو پیوسته فرهنگستان بریتانیا (British Academy)، جامعه اقتصادسنجی (Econometric Society)، و مجله اقتصادسنجی (Journal of Econometrics)
- وی از حیث تعداد استناد به مقالات از بین ۲۰ اقتصاددان تراز اول اروپایی در فاصله سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۶ در رتبه نوزدهم (پس از مارک بلاگ و قبل از انگوس مدیسون) قرار داشت. همچنین، در رتبه‌بندی وب‌گاه ideas.repec در آوریل ۲۰۱۰ رتبه چهارمین اقتصاددان جهان (با ۴۲۷ امتیاز) را با توجه به تعداد استنادات به مقالاتش به دست آورد. وی همچنین، بنیانگذار مجله اقتصادسنجی کاربردی است؛ و به همراه برادر خود - بهرام پسران - نرم‌افزار اقتصادسنجی Microfit را طراحی و به بازار عرضه کرده‌اند.

### جوایز

- دکترای افتخاری از دانشگاه سالفورد (۱۹۹۳)
- کارشناسی ارشد افتخاری از دانشگاه کمبریج (۲۰۰۳)
- دکترای افتخاری از دانشگاه گوته فرانکفورت (۲۰۰۸)
- دکترای افتخاری از دانشگاه ماستریخت (۲۰۱۳)

### محمود بهزاد



زاده

۲۲ اسفند ۱۲۹۲ رشت

درگذشت

۸ شهریور ۱۳۸۶ (۹۳ سال)  
رشت

پیشه

زیست‌شناسی

شناخته‌شده برای پدر علم زیست‌شناسی نوین ایران

|                |                                                                            |
|----------------|----------------------------------------------------------------------------|
| شریک های زندگی | احسان غفاری رهبر 1320 تا 1374<br>زهره محبی 1376 تا پایان عمر               |
| فرزندان        | هوشنگ<br>فرامرزی / پریچهر / جوانه / کارن /<br>ریحانه (فرزندخوانده)         |
| جایزه ها       | جایزه سلطنتی (بخاطر ترجمه کتاب<br>سرگذشت زمین) فرهنگستان علوم<br>ادب فارسی |

**محمود بهزاد** (۲۲ اسفند ۱۲۹۲ در رشت – ۸ شهریور ۱۳۸۶) مترجم، مؤلف و زیست‌شناس ایرانی بود. او را پدر زیست‌شناسی مدرن ایران می‌دانند.

### دوران کودکی و جوانی

پدرش جواهرساز بود. چون جواهرات را به سبک فرنگی می‌ساخت، او را مشهدی علی فرنگی ساز خطاب می‌کردند. تحصیلات دوره ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و جزء اولین دبیلیمه‌های گیلان بود. سپس به دانشسرای عالی راه یافت و در سال ۱۳۱۴ در رشته علوم طبیعی و تربیتی فارغ‌التحصیل شد. پس از اتمام خدمت نظام وظیفه رهسپار کرمانشاه شد و به مدت ۵ سال در آن استان ماند و سپس به رشت مراجعت کرد. به دلیل آشنایی کامل با زبان فرانسوی و مطالعات مداوم، کتاب «داروین چه می‌گوید؟» را به سال ۱۳۲۲ تألیف و کتاب «راز وراثت» اثر ژان روستان را در سال ۱۳۲۳ ترجمه کرد.

### تحصیلات و فعالیت‌های علمی

در سال ۱۳۲۴ با توجه به علاقه زیادی که به زیست شیمی داشت، به موازات تدریس در دبیرستان البرز تهران در دانشکده داروسازی ثبت نام کرد و در سال ۱۳۲۸ با اخذ مدرک دکترای داروسازی، فعالیت خود را در تهیه کتاب‌های درسی و کمک درسی متمرکز ساخت. به سه زبان فرانسه، انگلیسی و آلمانی آشنایی دارد. در سال ۱۳۳۹ با ترجمه کتاب سرگذشت زمین تألیف جورج گاموف وی برنده جایزه سلطنتی شد. ترجمه کتاب «روانشناسی فیزیولوژیک» که در سال ۱۳۴۸ انتشار یافت، موجب شد برای تدریس روانشناسی فیزیولوژیک به دانشگاه تهران دعوت شود. از آن پس در دانشگاه تهران، دانشسرای عالی و مدرسه عالی دختران به تدریس زیست‌شناسی و روانشناسی فیزیولوژیک پرداخت. وی از سال ۱۳۳۹ به مدت ۱۵ سال در دبیرستان رازی علوم طبیعی را به زبان فرانسوی تدریس کرد. او یکی از فعال‌ترین مترجمان علمی ایران محسوب می‌شود که از مهمترین ترجمه‌هایش می‌توان به ترجمه آثار چارلز داروین و ریچارد داوکینز و آثار غیر داستانی ایزاک آسیموف اشاره کرد.

در سال ۱۳۴۱ مأمور تأسیس سازمان کتاب‌های درسی شد و مدت دو سال ریاست این سازمان را به عهده داشت. با تلاش او همه کتاب‌های درسی ایران (از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه) تدوین و تألیف شد و با رسم الخط واحدی به چاپ رسید. در سال ۱۳۶۰ به زادگاه خود بازگشت و همکاری خود را با انجمن داروسازان گیلان آغاز کرد و با بیش از ۶۰ سال تدریس در زمینه‌های مختلف زیست‌شناسی، فیزیولوژی و ژنتیک به عنوان «پدر زیست‌شناسی نوین ایران» معروف شد. بهزاد پرکار ترین نویسنده و مترجم کتاب‌های علمی در ایران است. تعداد تألیف‌ها و ترجمه‌های او به ۹۸ جلد کتاب می‌رسد که ۶۳ کتاب را به تنهایی و ۳۵ کتاب دیگر را به یاری همکاران دانشمند خود تألیف و ترجمه کرده‌است.

آثار او عموماً مورد استقبال و توجه دانش پژوهان، دانشجویان و دانش آموزان قرار گرفته و برخی از تالیف‌ها و ترجمه‌های وی همانند «داروین‌یسم و تکامل» اکنون به چاپ دهم رسیده‌است. اغلب آثار استاد بهزاد توسط ناشران معتبر همانند بنگاه ترجمه و نشر کتاب، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، امیر کبیر، خوارزمی، نیل، کتاب فروشی مرکزی و نیز انتشارات دانشگاه‌ها چاپ و منتشر شده‌است. علاوه بر آثاری که نام برده شد و نیز کتاب‌هایی که با همکاری دیگر استادان منتشر ساخته، صدها مقاله در زمینه‌های مختلف از وی به چاپ رسیده‌است. تا روزهای پایانی عمر نیز با همکاری انجمن دارو سازان، مجله «حکمت» حاوی آخرین اطلاعات پزشکی و داروسازی را در رشت منتشر می‌کرد.

### درگذشت

بهزاد، پنجشنبه ۸ شهریور ۱۳۸۶ در سن ۹۴ سالگی به دنبال بیماری سرطان معده در رشت درگذشت.

### یادمان

در بهمن ماه سال ۱۳۹۵ از سردیس ایشان در گیلان رونمایی شد

### آثار

#### تالیفات

- بیولوژی برای همه
- آیا به راستی انسان زاده میمون است؟ (چاپ ۴)
- بدن من (چاپ ۲)
- علوم سال سوم دبستان‌های کشور
- علوم سال چهارم دبستان‌های کشور
- نکاتی چند درباره ژنتیک (چاپ ۲)
- نکاتی چند درباره فیزیولوژی عمومی
- نکاتی چند درباره فیزیولوژی اعصاب و غدد داخلی (چاپ ۲)
- نکاتی چند درباره زیست‌شناسی (چاپ ۲)
- نکاتی چند درباره روانشناسی فیزیولوژیک
- داروین‌یسم و تکامل (چاپ ۹)
- گیاه‌شناسی برای سال ششم طبیعی
- علم (چاپ ۴)
- روانشناسی حیوانی
- تنوری تکامل و روانشناسی (چاپ ۲)
- مغز آدمی از دیدگاه روانشناسی، جانورشناسی (در ۱۶ جلد)
- قانون جنگل
- ابعاد انسانی نوع آدمی
- بیوتکنولوژی

#### تالیفات با همکاری دیگران

- علوم سال اول راهنمایی
- علوم سال دوم راهنمایی
- علوم سال سوم راهنمایی

دوره کامل علوم طبیعی برای دبیرستان‌ها (۱۱ جلد)

ترجمه

- راز وراثت (چاپ ۲)
- قرن داروین (چاپ ۲)
- اسرار مغز آدمی (چاپ ۲)
- هشت گناه بزرگ انسان متمدن (با فرامرز بهزاد)
- تن آدم (چاپ ۲)
- علم وراثت
- رمز تکوین
- اسرار بدن زندگی ما به چه موادی بسته‌است
- حیات و انرژی
- بیوگرافی پیش از تولد (چاپ ۲)
- فقط یک تریلیون
- روانشناسی فیزیولوژیک (چاپ ۲)
- جهان از چه ساخته شده‌است
- سرگذشت زمین (چاپ ۴)
- جهان چگونه آغاز شد
- شناخت حیات
- زندگی گیاهی - سرچشمه زندگی (چاپ ۲)
- سرگذشت زیست‌شناسی
- زیست‌شناسی BSCS محدودیت‌های رشد (چاپ ۲)
- زمین در خطر (چاپ ۳)
- تکامل (سری طلایی)
- گیاه‌شناسی (سری طلایی)
- کانیهای جهان (سری طلایی)
- وراثت و طبیعت آدمی
- یاولف
- آیا به راستی مردان برتر از زنان اند؟
- جهان در سراسیمه سقوط
- دانشنامه عمومی (جهان جانداران)
- شور هستی زندگی‌نامه داروین
- راز تندرستی
- آلرژی (زیر چاپ) اسم (زیر چاپ)
- درس نامه پزشکی پیشگیری و پزشکی اجتماعی ویرایش ۱۴ (ترجمه و ویرایش)
- زمینه روانشناسی هیلگارد (ویرایش ۱۴) - آخرین کار ترجمه دکتر بهزاد که در اردیبهشت ۱۳۸۶ چاپ شد.
- ساعت‌ساز نابینا (ترجمه دکتر محمود بهزاد و شهلا باقری)

## محمود خان میرزا حسابی



## زاده

۴ اسفند ۱۲۸۱ - ۲۳ فوریه ۱۹۰۳  
میدان شاهپور، بازارچه قوام الدوله، تهران

## درگذشت

۱۲ شهریور ۱۳۷۱  
۳ سپتامبر ۱۹۹۲ (۸۹ سال)  
بیمارستان قلب دانشگاه ژنو، سوئیس

## علت درگذشت بیماری قلبی

## آرامگاه تفرش

## محل زندگی

ایران، فرانسه، لبنان، ایالات متحده آمریکا

## دیگر نام‌ها

پروفسور حسابی، دکتر حسابی

## تحصیلات

لیسانس رشته‌های مهندسی راه و ساختمان و  
مهندسی معدن - دکتری فیزیک

## محل تحصیل

دانشگاه تهران، دانشگاه سوربن

## پیشه

فیزیک‌دان، سناتور، وزیر آموزش و پرورش

## عنوان

پدر علم فیزیک ایران، پدر مهندسی نوین

|                                                    |                                             |
|----------------------------------------------------|---------------------------------------------|
| ایران، پدر فرهنگستان ایران،<br>پدر علوم نوین ایران |                                             |
| دین                                                | اسلام                                       |
| مذهب                                               | شیعه                                        |
| همسر                                               | صدیقه حائری                                 |
| فرزندان                                            | ایرج حسابی<br>انوشه حسابی                   |
| والدین                                             | مادر: گوهرشاد حسابی<br>پدر: عباس معزالسلطنه |

**محمود حسابی** (زاده ۳ اسفند ۱۲۸۱ – درگذشت ۱۲ شهریور ۱۳۷۱) با نام اصلی **محمود خان میرزا حسابی** فیزیک‌دان، سناتور، یکی از وزیران فرهنگ در زمان سلطنت پهلوی و بنیان‌گذار فیزیک و مهندسی دانشگاهی در ایران بود.

### زندگی‌نامه



خانه پدری حسابی در بازارچه قوام الدوله در همسایگی کلیسای سورپ گئورگ

**محمود حسابی** در ۳ اسفند سال ۱۲۸۱ هجری خورشیدی (۱۳۲۱ ه.ق) در تهران، از پدر و مادر تفرشی زاده شد. پدرش سید عباس معزالسلطنه شغل دولتی داشت و از طرف وزارت امور خارجه به مأموریت‌هایی می‌رفت. پدر بزرگش حاج میرزا علی حسابی (یمین‌الملک) در کابینه فرمانفرما وزیر مالیه بود. پس از سپری شدن چهار سال از دوران کودکی در تهران، به همراه خانواده عازم شامات گردیدند. در هفت سالگی تحصیلات ابتدایی خود را در بیروت، با تنگدستی و مرارت‌های دور از وطن در مدرسه کشیش‌های فرانسوی آغاز کرد. در همان زمان تعلیمات مذهبی و ادبیات فارسی را نزد مادر فداکار و متدین خود (خانم گوهرشاد حسابی) فرامی‌گرفت. او قرآن و دیوان حافظ را از حفظ می‌دانست.

او همچنین بر کتب بوستان سعدی، گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی و منشآت قائم مقام فراهانی اشراف کامل داشت. حسابی با شعر و موسیقی سنتی ایران و موسیقی کلاسیک غرب به خوبی

آشنا بود. او در نواختن ویولن و پیانو مهارت داشت. وی در چند رشته ورزشی نیز موفقیت‌هایی کسب کرد، از جمله کسب مدرک نجات غریق در رشته شنا در دوران نوجوانی در بیروت.

### تحصیلات

شروع تحصیلات متوسطه او همزمان با آغاز جنگ جهانی اول و تعطیلی مدارس فرانسوی زبان بیروت بود. از این رو به مدت دو سال در منزل به تحصیل پرداخت. پس از آن در رشته مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فرانسوی مهندسی در بیروت فارغ‌التحصیل شد. در آن دوران با اشتغال در نقشه‌کشی و راه‌سازی، به امرار معاش خانواده کمک می‌کرد.

حسابی در دانشگاه سوربن فرانسه، در رشته فیزیک به تحصیل و تحقیق پرداخت. در سال ۱۹۲۷ میلادی در سن ۲۵ سالگی دانشنامه دکتری فیزیک خود را، با ارائه رساله‌ای تحت عنوان «حساسیت سلول‌های فتوالکتریک»، با درجه عالی دریافت نمود.

1. لیسانس مهندسی راه و ساختمان از دانشگاه فرانسوی بیروت (۱۳۰۱ ه.ش)
2. دکتری فیزیک از دانشگاه سوربن فرانسه (۱۳۰۵ ه.ش)

### مناصب سیاسی

در زمان حکومت سلطنت پهلوی، حسابی یک سناتور انتصابی شهر تهران در دوره‌های اول، دوم و سوم مجلس سنای ایران بود. وی همچنین وزیر فرهنگ کابینه محمد مصدق در سال‌های ۱۹۵۱-۱۹۵۲ بود.

### فعالیت‌های شغلی و اجتماعی

حسابی با وجود امکان ادامه تحقیقات در خارج از کشور، به ایران بازگشت و به پایه‌گذاری علوم نوین و تأسیس دارالمعلمین و دانشسرای عالی، دانشکده‌های فنی و علوم دانشگاه تهران، نگارش ده‌ها کتاب و جزوه و راه‌اندازی و پایه‌گذاری فیزیک و مهندسی نوین پرداخت.

### اقدامات علمی و اجرایی

- اولین نقشه‌برداری فنی و تخصصی کشور (راهبندرلنگه بهبوشهر)
- پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری کشور
- پایه‌گذاری دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی)
- ساخت اولین رادیو در کشور
- راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران
- محاسبه و تعیین ساعت رسمی ایران
- پایه‌گذاری اولین بیمارستان خصوصی در ایران، به نام بیمارستان گوهرشاد
- شرکت در پایه‌گذاری فرهنگستان ایران و ایجاد انجمن زبان فارسی
- تدوین اساسنامه طرح تأسیس دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری دانشکده فنی دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری دانشکده علوم دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری مرکز تحقیقات اتمی دانشگاه تهران
- پایه‌گذاری سازمان انرژی اتمی ایران
- پایه‌گذاری اولین رصدخانه نوین در ایران
- پایه‌گذاری مرکز مدرن تعقیب ماهواره‌ها در شیراز

- مشارکت در پایه‌گذاری مرکز مخابرات اسدآباد همدان
- پایه‌گذاری کمیته پژوهشی فضای ایران
- ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی کشور (در ساختمان دانشسرای عالی در نگارستان دانشگاه تهران)
- تدوین اساس‌نامه و تأسیس مؤسسه ملی استاندارد
- تدوین آیین‌نامه کارخانجات نساجی کشور و رساله چگونگی حمایت دولت در رشد این صنعت
- پایه‌گذاری واحد تحقیقاتی صنعتی سعدایی (پژوهش و صنعت در الکترونیک، فیزیک، فیزیک اپتیک، هوش مصنوعی)
- راه‌اندازی اولین آسیاب آبی تولید برق (ژنراتور) در کشور
- ایجاد اولین کارگاه‌های تجربی در علوم کاربردی در ایران
- ایجاد اولین آزمایشگاه علوم پایه در کشور
- تأسیس واحد تحقیقاتی صنعتی سعدایی (۱۳۶۱)
- تشکیل و ریاست کمیته پژوهشی ایران ۱۳۶۰
- مؤسس دبیرستان انرژی اتمی ایران ۱۳۶۹

### جوایز و افتخارات



مراسم اهدای نشان لژیون دونور فرانسه

- ۱۳۴۹ - دریافت عنوان «استاد برجسته دانشگاه تهران»
  - ۱۳۶۵ - برگزاری کنفرانس سالانه فیزیک در ایران
  - نشان لژیون دونور فرانسه
- همچنین وزارت راه و ترابری یکی از کشتی‌های ناوگان ایران را به نام محمود حسابی نام‌گذاری کرده‌است.

### طرح تأسیس دانشگاه تهران

حسابی نخستین رئیس دانشکده فنی، پس از تأسیس دانشگاه تهران بود. در مورد نقش محمود حسابی در تأسیس دانشگاه تهران عقاید مختلف و متفاوتی وجود دارد و برای نمونه علی اکبر سیاسی در کتاب خود با نام گزارش یک زندگی طرح تأسیس دانشگاه تهران را به‌طور کامل توضیح می‌دهد و مشخص می‌شود که محمود حسابی هیچ نقشی در تأسیس دانشگاه تهران نداشته‌است.



محمود حسابی در ۱۲ شهریور سال ۱۳۷۱ هجری شمسی در بیمارستان دانشگاه ژنو درگذشت. آرامگاه (خانوادگی) وی در شهر تفرش قرار دارد.

#### موزه پروفیسور حسابی

اندک زمانی پس از مرگ حسابی در سال ۱۳۷۲، خانه او تبدیل به موزه‌ای شد که در آن وسایل شخصی، مدارک علمی و تحصیلی، نشان‌ها و تقدیرنامه‌ها و عکس‌های قدیمی و متن نطق‌ها و نوشته‌ها در آن به نمایش گذاشته شده‌است. این موزه در خیابان تجریش، خیابان مقصودبیک قرار دارد. که در گذشته چهارراه حسابی نامیده می‌شد.

#### درگذشت



آرامگاه خانوادگی، تفرش

## آثار

آثار به جای مانده از محمود حسابی در زمینه‌های فیزیک، زبان فارسی و پژوهش‌های فرهنگی شامل ۲۱ کتاب و مقاله است. برخی از مهمترین آثار وی عبارتند از:

## کتاب‌ها

- کتاب‌های فیزیک دبیرستان ۱۳۱۸.
- کتابی در تفسیر امواج دویر در شش رساله، دانشگاه تهران ۱۹۴۶.
- کتاب دیدگانی فیزیک دانشگاه تهران ۱۳۴۰.
- کتاب قانون تأسیس دانشگاه تهران، ۱۳۱۲.
- کتاب نام‌های ایرانی، ۱۳۱۹.
- کتاب آیین‌نامه امور مالی دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.
- کتاب دیدگانی فیزیکی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.

## مقاله‌ها

- مقاله ذرات پیوسته، در نشریه آکادمی علوم آمریکا ۱۹۴۷.
- مقاله اثبات نظری بیشتر بودن جرم ذرات شارژ شده به وسیله نور نسبت به الکترون (پیشنهاد تفسیر قانون جاذبه عمومی نیوتون و قانون میدان الکتریکی ماکسول)، گزارش نشریه انجمن فیزیک آمریکا ۱۹۴۸.
- مقاله مدل ذرات بی‌نهایت گسترده، نشریه فیزیک فرانسه ۱۹۵۷.
- «وندها و گهواژه‌های فارسی» ۱۳۶۸.
- «فرهنگ حسابی» (انگلیسی به فارسی) ۱۳۷۲.

## مسعود علی محمدی



۳ شهریور ۱۳۳۸ تهران

زاده

۲۲ دی ۱۳۸۸ (۵۰ سال)

درگذشت

|           |                          |
|-----------|--------------------------|
| آرامگاه   | امامزاده علی اکبر، چیترا |
| محل زندگی | تهران                    |
| پیشه      | استاد دانشگاه، فیزیکدان  |
| مذهب      | شیعه                     |
| همسر      | منصوره کرمی              |
| والدین    | مهران علی محمدی          |

مسعود علی محمدی (۳ شهریور ۱۳۳۸-۲۲ دی ۱۳۸۸) استاد فیزیک دانشگاه تهران بود.

### پیشینه علمی

او مدرک کارشناسی را از دانشگاه شیراز (۱۳۶۴) و کارشناسی ارشد (۱۳۶۷) و دکترای فیزیک با گرایش ذرات بنیادی را از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۱ کسب کرد. او از دانشجویان نخستین دوره دکترای فیزیک در داخل ایران بود و نخستین شخصی است که در ایران دکترای خود را در فیزیک دریافت نموده است. او ده ها مقاله ISI منتشر نمود. او همچنین به همراه وحید کریمی پور اولین دانشجویان پیادکتر در پژوهشگاه دانش های بنیادی بودند.

تخصص اصلی او ذرات بنیادی، انرژی های بالا و کیهان شناسی بوده است. وی با پژوهشگاه دانش های بنیادی (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات) نیز طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ همکاری داشت.

از جمله درس های ارائه شده توسط وی می توان به مکانیک کوانتومی و الکترومغناطیس، مکانیک آماری، ذرات بنیادی و نظریه میدان های کوانتومی اشاره کرد. علی محمدی، یکی از برگزیدگان جشنواره بین المللی خوارزمی در سال ۸۶ بود و در پژوهش های بنیادی رتبه دوم را کسب کرد.

وی از سال ۱۳۷۴ در دانشکده فیزیک دانشگاه تهران مشغول به تدریس بود و عضو هیئت علمی و همیزه این دانشگاه بود. وی همچنین در مقاطع مختلف تحصیلی شاخه فیزیک در تربیت معلم، به عنوان استاد راهنما و مشاور در پروژه های پایان نامه های مرتبط با علوم فیزیکی، به فعالیت مشغول بوده.

روابط عمومی سازمان بسیج مستضعفین در پیام تسلیتی که به جهت ترور مسعود علی محمدی منتشر کرده، مدعی شد که مسعود علی محمدی در دانشگاه مالک اشتر و دانشگاه امام حسین نیز تدریس می کرده است. محمد سهرمی مدعی شده است که او در این دانشگاه تدریس نمی کرده است. وبگاه تابناک نیز همکاری وی با نهادهای نظامی را تنها در دوره جنگ ایران و عراق تأیید می کند.

### ارتباط با برنامه هسته ای ایران

همزمان با انتشار خبر ترور این استاد دانشگاه، رسانه های حکومتی ایران علی محمدی را «دانشمند هسته ای» معرفی کردند و برخی از خبرگزاری ها ادعا کردند علی محمدی یکی از دانشمندان ارشد فناوری هسته ای ایران بوده است علی لاریجانی رئیس مجلس ایران فردای ترور علی محمدی مدعی شد وی فیزیکدان اتمی و دانشمند هسته ای بوده است. وی ترور علی محمدی را به سیا و اسرائیل نسبت داد و آن را در چارچوب پرونده هسته ای ایران تحلیل کرد.

مئیر جاودانفر، ایرانی-اسرائیلی و کارشناس امور خاورمیانه و الکساندر روتوف خبرنگار روزنامه روسی کامرسانت عنوان کرده‌اند که علی‌محمدی در توسعه برنامه هسته‌ای ایران شرکت داشته‌است و بر همین اساس نیز از امکان ترور وی توسط سازمان مجاهدین خلق، نیروهای اطلاعاتی آمریکا یا اسرائیل سخن می‌گویند و آن را با مرگ مشکوک اردشیر حسن‌پور متخصص مرکز هسته‌ای اصفهان در سال ۲۰۰۷ و ناپدید شدن علی‌رضا عسگری در سال ۲۰۰۷ و شهرام امیری متخصص فیزیک هسته‌ای در سال ۲۰۰۹ مقایسه می‌کنند.

به گزارش روزآلاین نوشته فرشته قاضی، منصوره کرمی گفته دولت ایران به او گفته‌است که همسرش از دانشمندان هسته‌ای بوده‌است و یکسری مسائل سری بوده.

### ترور علی‌محمدی

بمب در قیطریه تهران در ساعت ۷:۳۰ صبح ۲۲ دی ۱۳۸۸ به خودروی وی در حیاط منزلش متصل شده بود. علی محمدی سوار خودروی خود شد. وی وقتی خودروی خود را روشن کرد خودروی او منفجر و او کشته شد، دو فرد دیگر زخمی شدند و خساراتی به ساختمان مجاور وارد شد.

### واکنش‌ها

- رامین مهران‌پرست، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران مدعی وجود شواهدی مبنی بر دخالت و نقش آمریکا، اسرائیل و مخالفان نظام جمهوری اسلامی در این ترور شد.
- روابط عمومی دانشگاه تهران در پی وقوع انفجاری که به کشته شدن دکتر مسعود علی‌محمدی منجر شد، پیام تسلیتی صادر کرد. در اطلاعیه روابط عمومی دانشگاه تهران آمده‌است: «دشمنان اسلام و انقلاب بدانند که شجره طوبه انقلاب اسلامی ایران با این خون‌ها روز به روز تنومندتر و پرثمرتر می‌گردد.»
- سازمان بسیج مستضعفین در اطلاعیه‌ای از مسعود علی‌محمدی به عنوان استاد بسیجی و موفق دانشگاه‌های امام حسین، مالک اشتر و تهران یاد کرد و کشته شدن وی به دست عوامل ضد حکومتی را محکوم کرد. سازمان بسیج مستضعفین در این اطلاعیه از قوه قضاییه درخواست نموده تا هرچه سریعتر با عاملان این ترور برخورد قضایی نماید.
- محمدجواد لاریجانی ضمن عرض تسلیت، بیان کرد: «این ترور پرده از نقشه دشمن جنایتکار کشور ما برداشته‌است و نشان می‌دهد که توطئه‌های بزرگی علیه پیشرفت، سعادت، عزت و توانمندی کشور ما در جریان است که با لطف و فضل الهی این هم مانند دیگر توطئه‌ها خنثی خواهد شد.» وی همچنین از اینکه این ترور سرآغاز تهاجم به توانمندی علمی ایران باشد ابراز نگرانی کرد.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با صدور اطلاعیه‌ای ضمن ابراز تأسف از حادثه مشکوک انفجار، درگذشت وی را به خانواده دکتر مسعود علی‌محمدی و جامعه دانشگاهی تسلیت گفت.
- شاگردان علی‌محمدی (دانش‌آموختگان دوره لیسانس و فوق لیسانس دانشکده فیزیک دانشگاه تهران) محصل در دوره دکتری فیزیک خارج از کشور از دانشگاه‌های مختلف دنیا [آمریکا، کانادا، اروپا، استرالیا و آسیای دور] با صدور بیانیه مشترکی ضمن محکوم کردن این ترور اعلام کردند: «جای بسی تأسف و حسرت که سرانجام عمری پژوهش و تدریس، آن هم در شاخه‌ای از علم چون فیزیک تئوری که در مرزهای دانش بشری و مستلزم سالیان دراز تلاش و جدیت و مسلماً استعداد ذاتی است، در کشور ما چنین دردناک است. البته که فهم عمق این فاجعه برای کوتاه‌فکران، مغرضان و طمع‌ورزان بسیار دشوار و ناممکن است.» در این بیانیه همچنین آمده‌است: «علاوه بر خباثت، دنائت و جهالت عاملان این عمل شوم و غیرانسانی که بر هیچ‌کس پوشیده نیست، بدون تردید شرایط متشنج کنونی کشور که منجر به وارد آمدن چنین ضایعه عظیمی به جامعه علمی کشور شده‌است در عملی شدن این نقشه پلید بی‌تأثیر نبوده‌است.»

- سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی بیانیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است: «دست جنایتکاری که این ضایعه را آفرید، انگیزه دشمنان جمهوری اسلامی را که ضربه زدن به حرکت و جهاد علمی کشور است افشاء و برملا کرد.»
- هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام در پی این ترور، پیام تسلیتی صادر کرد. در بخشی از این پیام «ترور ناجوان مردانه» این دانشمند، نشان از «آغاز خط تازه توطئه» دانسته شد.
- سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور پیشین ایران نیز با صدور پیامی «کشته شدن جانگداز عالم وارسته و اندیشمند متعهد و متبحر و خدمتگزار ارزنده عرصه علم و ایمان و فرزند فرزانه ملت بزرگوار» را جلوه دوباره «چهره کریه تروریسم» عنوان کرد و گفت: «دست پلیدی که به این جنایت اقدام کرد، بدون تردید دشمن ایران و ملت و خواستار ایجاد و بسط بحرانی است که برای همه زیان‌بار است.»
- ۱۱۰ نفر از استادان دانشگاهی جهان، با ارسال نامه‌ای به سازمان‌های مدافع حقوق بشر، خواستار پیگیری مستقل این سازمان‌ها در ارتباط با ترور علی محمدی شدند و به خشونت در فضای دانشگاه علیه دانشجویان و استادان ایرانی اعتراض کردند.<sup>[۳۹]</sup>
- محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن بیانیه‌ای با اعلام آشنایی ۲۰ ساله خود با دکتر علی‌محمدی، اعلام داشت: «آسمان دانش و تعهد، سوگوار فقدان مهر فروزانی است که در عرصه جهاد علمی خوش درخشید و در پرتو انوار تابناکش روح زلال دانش پژوهان فراوانی بهره بردند و مسیر کمال و سعادت را یافتند.» وی ادامه داده است: «شهید والامقام استاد دکتر مسعود علی محمدی نمونه بارز یک دانشمند برجسته، مؤمن، مخلص و پرتلاش بود. اینجانب بیش از ۲۰ سال است که او را می‌شناختم و شاهد خدمات بنیادی او بودم، او مجاهدی با تقوا، انسانی آزاده و مستقل بود و در راه خدمت به کشور حق‌ساز پای نمی‌شناخت.»
- محمود احمدی‌نژاد در طی مراسم افتتاحیه دومین جشنواره ملی نوآوری و شکوفایی، ضمن ملاقات با همسر و فرزندان علی‌محمدی، لوح یادبودی را به پاس قدردانی از زحمات مسعود علی‌محمدی به آنان اهدا کرد.
- جامعه فیزیک آمریکا (APS) در پیامی، درگذشت دکتر علی‌محمدی را تسلیت گفت.

### مراسم تشییع

علی‌محمدی پنجشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۸ با تدابیر امنیتی به خاک سپرده شد. پلیس‌های موتور سوار و مأمورین لباس شخصی و بسیج در این مراسم حضور داشتند. تعدادی از تشیع‌کنندگان با حمل نمادهای سبز در این مراسم شرکت کردند. همچنین ۳ خبرنگار و عکاس نیز در این مراسم بازداشت شده و بعد از اخذ کارت خبرنگاری از آن‌ها آزاد شدند.

احمد شیرزاد در مشاهدات خود از مراسم می‌گوید: تابوت را از آمبولانس پیاده کردند و به داخل منزل بردند و شعارهای مخصوص را آغاز کردند. به شدت اطراف تابوت را در کنترل داشتند و اجازه نمی‌دادند از فامیل و آشنایان کسی زیر تابوت برود. معمولاً در تشییع جنازه‌ها در ایران رسم است که شعارهای عام مذهبی از قبیل لا اله الا الله و محمد رسول الله می‌دهند. شعارهای غالب اما در این برنامه شعارهایی از قبیل مرگ بر اسرائیل، مرگ بر منافق، این گل پرپر شده هدیه به رهبر شده، و امثال این‌ها بود... جمع چند صد نفره‌ای از دانشجویان دانشگاه تهران، به خصوص بچه‌های گروه فیزیک، عکسی از دکتر علی‌محمدی را در جلو گرفته بودند؛ و با سکوت به دنبال آن حرکت می‌کردند. تنها گاهگاهی صلوات می‌فرستادند. آن‌ها به تدریج بین خودشان با گروه تشیع‌کنندگان حکومتی فاصله ایجاد کردند و صف خودشان را از برنامه از پیش تعیین شده جدا کردند. به تدریج که تشیع‌کنندگان متوجه این جمع شدند به آن‌ها پیوستند و از صف برنامه رسمی برادران جدا شدند. صحنه جالبی بود. آقایان در آن جلو یکدفعه دورشان را خلوت دیدند. خودشان بودند و خودشان. یکی دو نفرشان با خشونت آمدند تا پوستری را که در جلوی صف دانشجویان در دست آنان بود از آنان بگیرند که با مقاومت جمع مواجه

شدند... دوستان و دانشجویان مسعود از خواندن نماز بر پیکر او و شرکت در مراسم خاکسپاری عملاً محروم بودند. آن‌ها همه این مراسم را آن‌طور که میلشان بود انجام دادند. هنگام خاکسپاری در ورودی امامزاده بسته بود و ما از پشت شبکه آجری دیوارهای اطراف امامزاده گوشه‌هایی از مراسم را می‌دیدیم.

### دستگیری و اعدام متهم به بمب‌گذاری

در ۲۰ آذر ۱۳۸۹ وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران ادعا کرد موفق به دستگیری عامل این بمب‌گذاری شده‌است. در همین ارتباط اعترافات تلویزیونی فردی به نام «مجید جمالی فشی» از صدا و سیمای ایران پخش گردید. در این مصاحبه فرد یادشده علیه خود اعترافاتی می‌کند و ادعا می‌کند که آموزش‌های مورد نیاز برای این ترور را در سفری به اسرائیل و دوره‌هایی را زیر نظر مأمورین موساد دیده‌است. وی در بخش دیگری از اعترافات تلویزیونی، مدعی می‌شود که در پادگانی نظامی در جوار اتوبان تل‌آویو اورشلیم به وی آموزش‌هایی نظیر «تعقیب و گریز، تعقیب ماشین، جمع‌آوری اطلاعات از یک محل خاص و چسباندن بمب به زیر ماشین» داده شده‌است. مجید جمالی فشی که یکی از اعضای تیم ملی پانکریشن ایران بوده و در مسابقات ۲۰۰۹ باکو مدال برنز دریافت کرده بود در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ خورشیدی، در زندان اوین تهران، به دار آویخته شد. مجید جمالی فشی متولد ۱۳۵۸ بود.

به دنبال پخش اعترافات مجید جمالی فشی، در تلویزیون ایران مجله تایم نوشت: «وزارت اطلاعات ایران، یک تیم را که توسط موساد مجهز شده و آموزش داده شده‌است را نابود کرده‌است. مقامات اطلاعاتی غربی، تأیید نمودند که جزئیات اعتراف مجید جمالی فشی در مورد ترور واقع شده در ژانویه ۲۰۱۰ که توسط موتور سیکلت بر روی دانشمند هسته‌ای ایران، مسعود علی محمدی انجام شد، صحیح بوده‌است. مقامات اطلاعاتی غربی کشور ثالثی را عامل لو دادن این تیم اعلام کردند.»

دو مقام ارشد دولتی در آمریکا به شبکه «ان بی سی» گفته‌اند ترور دانشمندان ایرانی با حمایت و طراحی موساد سازمان اطلاعات اسرائیل و توسط سازمان مجاهدین خلق اجرا می‌شود. این مقام‌ها که نخواستند نامشان فاش شود، گفته‌اند دولت آقای اوباما از این مسئله با خبر است اما تأکید کرده‌اند آمریکا نقشی در این ترورها نداشته‌است.

رونن برگمن در کتاب برخیز و اول او را بکش می‌نویسد پس از آنکه آریل شارون داگان را به عنوان ریاست موساد منتصب کرد او را مسوول برهم زدن برنامه هسته‌ای ایران قرارداد، چرا که از دید هر دوی آنها یک تهدید علیه اسرائیل محسوب می‌شد. داگان برای به انجام رساندن این مهم به شیوه‌های مختلفی دست زد. دشوارترین و البته کاراترین آنها به اعتقاد داگان شناسایی دانشمندان کلیدی در صنعت موشکی و هسته‌ای و سپس کشتن آنها بود. موساد پانزده تن از این افراد را شناسایی کرد و از بین آنها شش تا را حذف نمود. عملیات حذف بیشتر اوقات در هنگام صبح که در راه رفتن به سر کار بودند بوسیله بمبهای سریع‌الانفجار که توسط یک موتور سیکلت‌سوار به خودروی آنها می‌چسبیدند انجام می‌شد. این عملیاتها و بسیاری دیگر که توسط موساد کلید زده شده و در بعضی اوقات با همکاری ایالات متحده انجام می‌شدند همگی موفقیت‌آمیز بودند.

## مصطفی احمدی روشن



|                  |                                                          |
|------------------|----------------------------------------------------------|
| نام در زمان تولد | مصطفی احمدی روشن                                         |
| زاده             | ۱۷ شهریور ۱۳۵۸ همدان                                     |
| درگذشت           | ۲۱ دی ۱۳۹۰ (۳۲ سال)<br>خیابان گل نبی تهران (میدان کتابی) |
| آرامگاه          | امامزاده علی اکبر چینر                                   |
| تحصیلات          | مهندسی پلیمر                                             |
| محل تحصیل        | دانشگاه صنعتی شریف                                       |
| پیشه             | مدیر بخش بازرگانی تأسیسات هسته‌ای<br>نطنز                |
| آثار             | ۱۱ مقاله مؤسسه اطلاعات علمی (ISI)                        |
| مذهب             | شیعه دوازده امامی                                        |
| منصب             | یکی از شخصیت‌های برنامه هسته‌ای<br>ایران                 |
| همسر             | فاطمه کاشانی                                             |
| فرزندان          | ۱                                                        |

**مصطفی احمدی روشن** (۱۷ شهریور ۱۳۵۸ - ۲۱ دی ۱۳۹۰) معاون بازرگانی سایت هسته‌ای نطنز بود. او پس از خروج از منزل در ساعت ۸:۳۰ صبح توسط یک موتورسیکلت سوار با چسباندن یک بمب مغناطیسی در خیابان گل نبی تهران (میدان کتابی) ترور شد. او دانش‌آموخته مقطع کارشناسی رشته مهندسی شیمی در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه صنعتی شریف بود. رضا قشقایی فرد نیز که همراه وی بود، بر اثر شدت جراحت درگذشت.

### ادعا دست داشتن اسرائیل در ترور

صفر علی براتلو دبیر شورای تأمین استان تهران ترور را منسوب به صهیونیست‌ها دانست. خبرگزاری فارس هم در تحلیل شباهت این ترور با ترورهای سابق و همچنین اظهارات و دیدارهای مقامات نظامی اسرائیل و انگلیس یک روز قبل از ترور را مد نظر قرار داده‌است. به ادعای خبرگزاری فارس ترور احمدی روشن نتیجه همکاری سازمان موساد اسرائیل و سازمان مجاهدین خلق ایران بوده‌است. اشیگل این مطلب را بیان کرده و منبع این مطلب خبرگزاری فارس را تیکون اولام دانسته‌است که همواره اطلاعات دست اولی از فعالیت‌های موساد داشته‌است.

فیگارو نیز گزارش داده بود که اسرائیل به وسیله برخی اپوزیسیون ایرانی در کردستان عراق به جمع‌آوری اطلاعات از دانشمندان هسته‌ای ایران پرداخته‌است.

سایت ایران هسته‌ای نیز در تحلیلی این ترور را به سازمان موساد با همکاری بقایای پژاک و سازمان مجاهدین خلق منتسب کرد که توسط تامیر یاردو رئیس موساد از ایستگاه‌های این سازمان در مالزی، استانبول و باکو انجام شده‌است.

به دنبال این ترور سخنگوی ارتش اسرائیل در اینباره گفت «ما برای این قتل اشکی نمی‌ریزیم». به نوشته اورشلیم پست، فرمانده ارتش اسرائیل، روز قبل از این حمله گفته بود، سال ۲۰۱۲ سالی بحرانی برای ایران خواهد بود و اتفاقاتی غیرطبیعی برای این کشور رخ خواهد داد.

شبکه ان‌بی‌سی یک ماه پس از این حادثه در مقاله‌ای که منقش به تصویر خودروی حادثه سوء قصد به احمدی روشن بود از ترور ۵ دانشمند هسته‌ای از سال ۲۰۰۷ نام برد و به نقل از یک مقام رسمی آمریکایی، بدون فاش کردن هویت او، نوشت که حملات علیه دست‌اندرکاران برنامه اتمی ایران توسط اعضای سازمان مجاهدین خلق و با حمایت مالی، آموزشی و تسلیحاتی سرویس اطلاعاتی اسرائیل انجام شده‌است. مقام آمریکایی مذکور به ان‌بی‌سی گفته‌است که دولت آمریکا از عملیات ترور مطلع است، اما نقشی در آن ندارد.

رونن برگمن نویسنده اسرائیلی در کتاب «برخیز و بی‌درنگ او را بکش» ترور احمدی روشن توسط موساد را تأیید می‌کند. به گفته وی این ترورها به قصد ایجاد رعب و وحشت در میان دانشمندان هسته‌ای ایران انجام شده بودند. به علاوه برگمن بیان می‌دارد که تصویر احمدی روشن چند ماه قبل از ترور در تلویزیون ایران در ضمن بازدید هسته‌ای احمدی نژاد نشان داده شده بود.

### واکنش‌های داخلی

#### خامنه‌ای

رهبر ایران با تسلیت این حادثه، سازمان‌های سیا و موساد را عاملان اصلی ترور دانست و گفت این کار نشانه ناتوانی و درماندگی‌شان است.

او گفت: «ما به کوری چشم سران اردوگاه استکبار و نظام سلطه، این راه را با قوت و اراده‌ی راسخ دنبال خواهیم کرد و پیشرفت رشک‌آور ملت بزرگ خود را به رخ دشمنان عنود و حسود خواهیم کشید، و البته از مجازات مرتکبان این جنایت و عاملان پشت صحنه آن هم هرگز چشم‌پوشی نخواهیم کرد.»

همچنین در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۹۰ وی به دیدار خانواده احمدی روشن رفت و سخنانی در ستایش او و حرکت علمی ایران گفت.

## دیگران

- کاظم جلالی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت که ترور با درز اطلاعات از سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفته.
- وزارت علوم و دانشگاه شریف ترور وی را محکوم کردند.
- کمپین سفارت سبز در بیانیه‌ای جمهوری اسلامی ایران را متهم به ترور مصطفی احمدی روشن کرد و تأکید کرد که این دانشمند هسته‌ای، مخالف ادامه فعالیت اتمی ایران به شکل فعلی آن بود.

## واکنش‌های خارجی

- هیلاری کلینتون وزیر خارجه وقت آمریکا و دیگر مقامات آمریکایی دست داشتن این کشور در این اقدام و اقدامات خشونت‌آمیز دیگر علیه شهروندان غیرنظامی ایران را قویاً رد کرد.
- معاون وزیر امور خارجه انگلستان نیز با محکومیت این حادثه، هرگونه دخالت کشورش در آن را رد کرد.
- دبیرکل سازمان ملل متحد نیز این ترور را محکوم کرد.
- آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پی متهم شدن توسط مقام‌های ایران به درز اطلاعات احمدی روشن از این آژانس، اعلام کرد «آژانس نام این فرد را فاش نکرده و اصلاً او را نمی‌شناسد».
- سایت فارسی وزارت خارجه اسرائیل، در خبری که به سرعت آن را از سایت حذف کرد، از قول رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل نوشت: با ترور دانشمندان ایران می‌توان از تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای جلوگیری کرد.

## تشییع

مراسم تشییع وی پس از نماز جمعه تهران در روز ۲۳ دی ۱۳۹۰ انجام شد.

## دیگر کشتگان ترور

رضا قشقایی (۱۳۵۷-۱۳۹۰) راننده مصطفی احمدی روشن بود که در حادثه سوء قصد به مصطفی احمدی روشن در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۹۰ به همراه او کشته شد. وی در پی این اقدام مجروح شد و به بیمارستان رسالت تهران انتقال پیدا کرد اما علی‌رغم تلاش پزشکان درگذشت.

وی متولد ۱۳۵۷ و از اهالی شهر ری بود و هنگامی که کشته شد فرزندی ۱۰ ساله داشت. پیکر وی در صحن باغ طوطی شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

به دنبال کشته شدن وی فیلم مستندی در مورد زندگی او به کارگردانی مریم فحیمی و تدوین گری نیما حسن‌دوست کلید خورد. این مستند قرار است برای بخش «جلوه‌گاه نور» دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، انقلاب و دفاع مقدس ساخته شود، و «سنگر» نام دارد. محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران به عنوان همدردی در تاریخ ۲۸ تیر ۱۳۹۱ در منزل رضا قشقایی در شهر ری حضور یافت و با خانواده او به گفتگو پرداخت. همچنین خانواده رضا قشقایی در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۰ با خامنه‌ای رهبر ایران دیدار و گفتگو کردند. مراسم اولین سالگرد کشته شدن مصطفی احمدی روشن و رضا قشقایی ۲۰ دی ماه ۱۳۹۱ هم‌زمان با اربعین در مسجد شهدای سازمان انرژی اتمی واقع در سایت شهید شهریار با حضور مقامات کشوری و لشکری ایران برگزار شد.

مصطفی رونقی

**مصطفی رونقی** (به انگلیسی: Mostafa Ronaghi) (زاده ۱۹۶۸) زیست‌شناس ملکولی ایرانی است که در توالی‌یابی دی‌ان‌ای تخصص دارد. او دکتری خود را از موسسه فناوری پادشاهی سوئد در سال ۱۹۹۸ به دست آورد.

رونقی همراه با پال نایرن مخترع روش پایروسیکوئنسینگ برای توالی‌یابی دی‌ان‌ای است. او بیش از ۵۰ مقاله علمی منتشر کرده و ۲۰ اختراع ثبت شده دارد. رونقی معاون ارشد شرکت ایلو مینا است.

**مهدی بهادری‌نژاد**

۱۳۱۲ تهران

زاده

تهران

محل زندگی

|                     |                                                      |
|---------------------|------------------------------------------------------|
| محل تحصیل           | دانشگاه تهران، دانشگاه<br>ویسکانسین، دانشگاه ایلینوی |
| پیشینه علمی         |                                                      |
| رشته(های)<br>فعالیت | مهندسی مکانیک                                        |
| محل کار             | دانشگاه صنعتی شریف                                   |

**مهدی بهادری نژاد**، (زاده ۲۲ مرداد ۱۳۱۲ در تهران)، استاد دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف و از اعضای پیوسته فرهنگستان علوم ایران است. وی از چهره‌های ماندگار ایران و دارای نشان درجه یک دانش است.

### تحصیلات

مهدی بهادری نژاد، تحصیلات متوسطه را در دبیرستان البرز تهران گذراند. او در سال ۱۳۳۱ تحصیلات دانشگاهی را در رشته مهندسی مکانیک در دانشکده فنی دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۳۵ با کسب رتبه اول، فارغ التحصیل شد. وی پس از مدتی کار در یک شرکت مهندسی مشاور در تهران، با استفاده از یک بورس تحصیلی دولتی برای ادامه تحصیل به آمریکا رفته و پس از کسب مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه ویسکانسین، مدرک دکتری را از دانشگاه ایلینوی و در سال ۱۳۴۳ دریافت کرد.

### تدریس و پژوهش

مهدی بهادری نژاد، پس از اخذ دکتری، برای دو سال در آمریکا به تدریس پرداخت و سپس به ایران بازگشت. پس از بازگشت به ایران، وی در دانشگاه شیراز به تدریس مشغول شد و در سال ۱۳۵۱ به مرتبه استادی رسید. وی در سال ۱۳۶۶ به دانشگاه صنعتی شریف منتقل شد و از آن زمان تا کنون در این دانشگاه به آموزش و پژوهش مشغول بوده است. بهادری نژاد، علاوه بر این دانشگاه‌ها، به مدت ۱۲ سال در سه دانشگاه در آمریکا و یک دانشگاه در کانادا به تدریس و تحقیق پرداخته است. همچنین وی معادل ۳ تابستان در دو مرکز تحقیقاتی در اتریش و ایتالیا فعالیت پژوهشی داشته است.

بهادری نژاد بیش از ۱۳۰ بار به ۳۴ کشور جهان جهت ارائه مقالات تحقیقاتی و ایراد سخنرانی در کنفرانس‌ها و سمینارهای بین‌المللی، یا بازدید از فعالیت‌های پژوهشی مسافرت نموده است. همچنین وی در سال ۱۳۸۰ و در اولین دوره انتخاب چهره‌های ماندگار، به عنوان چهره ماندگار کشور انتخاب شد.

در کارنامه وی بیش از ۱۰۰ مقاله علمی به زبان‌های انگلیسی و فارسی، تألیف دو جلد کتاب علمی - عرفانی به زبان‌های فارسی، انگلیسی و اسپانیایی، یک کتاب عرفانی به زبان فارسی و سه کتاب در زمینه مهندسی مکانیک به زبان فارسی دیده می‌شود.

وی در ۳۰ خرداد ۱۳۸۵، در مراسمی که در کتابخانه ملی ایران برگزار شد، توسط فرهنگستان علوم به عنوان چهره برجسته علمی برگزیده شد و نشان درجه یک دانش و لوح سپاس فرهنگستان توسط رئیس‌جمهور به وی اعطا شد.

## سمت‌ها

- معاون پژوهشی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران
- عضو هیئت امنای دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۹-۱۳۸۳
- رئیس انجمن مهندسان مکانیک ایران، ۱۳۶۷-۱۳۷۸
- رئیس انجمن انرژی خورشیدی ایران، ۱۳۷۳-۱۳۷۷
- معاون تحصیلات تکمیلی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۶۷-۱۳۷۰
- عضو هیئت مؤسس انجمن علمی انرژی خورشیدی ایران، ۱۳۷۲



مهران کاردار

متولد

آگوست ۱۹۵۷ ایران

شناخته‌شده برای معادله کاردر-پاریسی-جانگ در فیزیک نظری

جایزه ها

جایزه گائنه‌ایم ۲۰۰۱

پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت فیزیک

محل کار

موسسه تحقیقاتی ماساچوست

**مهران کاردار** فیزیکدان برجسته متولد ایران است که با درجه استادی (پروفسور) در موسسه تکنولوژی ماساچوست (ام آی تی) مشغول به فعالیت می‌باشد. وی همچنین به عنوان همکار در موسسه سیستم‌های پیچیده نیوانگلند مشغول است. مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه کمبریج و دکتری خود را از دانشگاه ام آی تی دریافت کرده‌است. شهرت وی بخاطر معادله کاردر-پاریسی-ژنگ (به اختصار ک-پ-ج یا ک-پ-زد) در فیزیک نظری می‌باشد. او در سال ۲۰۰۱ جایزه گائنه‌ایم را دریافت کرد.

## کتابها و مقالات

از مهران کاردار تا کنون حدود ۲۳۰ مقاله علمی و ۲ کتاب زیر منتشر شده است:

- فیزیک آماری میدانها – منتشر شده در سال ۲۰۰۷ توسط دانشگاه کمبریج
- فیزیک آماری ذرات – منتشر شده در سال ۲۰۰۷ توسط دانشگاه کمبریج

## جوایز

- ۱۹۷۶-۱۹۷۸: بورسیه برتر از کالج شاه، دانشگاه کمبریج
- ۱۹۷۸-۱۹۷۹: جایزه دانشجوی دوره کارشناسی بر مبنای برتری علمی
- ۱۹۸۱-۱۹۸۲: فلوشیپ (کمک هزینه) دوره پیش دکتری از شرکت آی بی ام
- ۱۹۸۳-۱۹۸۶: فلوشیپ مقدماتی، انجمن محققین هاروارد
- ۱۹۸۷-۱۹۹۱: فلوشیپ ای پی اسلون
- ۱۹۸۸: فلوشیپ خانه اشدون، خوابگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، دانشگاه ام آی تی
- ۱۹۸۸: جایزه تحقیقی یادمان برگمان
- ۱۹۸۹: جایزه محقق برتر از ریاست جمهوری آمریکا
- ۱۹۹۰: جایزه تدریس از دیارتمان دانشجویان تحصیلات تکمیلی
- ۱۹۹۰-۱۹۹۲: جایزه پروفیسور از کلاس دانش آموختگان سال ۱۹۴۸ در ام آی تی
- ۱۹۹۱: جایزه ادگرتون برای اعضای جوان هیئت علمی در دانشگاه ام آی تی
- ۱۹۹۲: جایزه معلم برگزیده بوچنر از دیارتمان فیزیک
- ۱۹۹۳: جایزه دانشکده علوم برای استاد برگزیده در سطح تحصیلات تکمیلی
- ۲۰۰۱: فلوشیپ جان سیمون گوگنهایم

## کلاسهای برگزار شده در دوره فراگیر دانشگاه ام آی تی

دروس زیر هم اکنون از سایت فراگیر دانشگاه ام آی تی قابل استفاده برای عموم است

- فیزیک آماری در بیولوژی Statistical Physics in Biology
- مکانیک آماری ۱: مکانیک آماری ذرات Statistical Mechanics I: Statistical Mechanics of Particles
- مکانیک آماری ۲: مکانیک آماری میدانها Statistical Mechanics II: Statistical Physics of Fields

میرداماد



نام کامل میر برهان‌الدین محمدباقر استرآبادی

لقب میرداماد

تاریخ تولد ۹۶۹

زادگاه استرآباد - گرگان کنونی ایران

محل تحصیل توس، قزوین، کاشان

محل زندگی اصفهان

مرگ ۱۰۴۰

مدفن حرم علی بن ابیطالب

میر برهان‌الدین محمدباقر استرآبادی، مشهور به «میرداماد»، معلم ثالث و متخلص به اشراق، فیلسوف، متکلم و فقیه برجسته دوره صفویه و از ارکان مکتب فلسفی اصفهان است. میرداماد فرزند میر شمس‌الدین محمد استرآبادی مشهور به داماد و از سادات حسینی گرگان است. محمد استرآبادی با دختر علی بن عبد‌العالی معروف به محقق کرکی ازدواج نمود و به همین خاطر او را داماد نامیدند. میرداماد این لقب را از پدر خود به ارث برده‌است. درباره سال تولد او، اطلاعات کافی در دست نیست؛ ولی کتاب «نخبة المقال فی اسماء الرجال» تولد او را سال ۹۶۹ ذکر کرده‌است.

#### تحصیل

در کودکی به توس هجرت کرد و علوم دینی را نزد سید علی فرزند ابی‌الحسن موسوی عاملی و دیگر اساتید آن دیار آموخت. همچنین علوم فلسفه و ریاضیات را در دوران حضورش در توس آموخت. میر

محمدباقر سپس راه قزوین پیش گرفت. در سال ۹۸۸ دوباره به خراسان آمد و تا سال ۹۹۳ در آنجا ماندگار شد و سپس به کاشان مهاجرت کرد.

#### استادان

- عبدالعالی بن علی بن عبدالعالی کرکی
- شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد عاملی
- سید نورالدین علی بن الحسین موسوی عاملی
- علی بن ابی الحسن عاملی
- تاجالدین حسین صاعد بن شمسالدین توسی
- میر فخرالدین محمد حسینی سماک استرآبادی

#### شاگردان

- آقا حسین خوانساری
- صدرالدین محمد شیرازی معروف به ملاصدرا
- حکیم ملا عبدالرزاق لاهیجی
- ملا محسن فیض کاشانی
- حکیم قطبالدین لاهیجی
- سید احمد علوی عاملی
- ملاخلیل قزوینی
- علی نقی کمره‌ای
- نظام‌الدین امیر احمد بن زین‌العابدین عاملی
- محمدتقی بن ابی‌الحسن حسینی استرآبادی
- عبدالغفار بن محمد بن یحیی گیلانی
- امیر فضل‌الله استرآبادی
- دوست علی بن محمد
- عادل بن مراد اردستانی
- شمس‌الدین محمد گیلانی
- میرزا شاهرخ بیگار
- محمدحسین حلبی
- عبدالمطلب بن یحیی طالقانی
- ابو‌الفتح گیلانی
- میر منصور گیلانی
- عبدالله سمنانی
- محمدحسن زلالی خوانساری
- محمد گنابادی
- حسین بن محمد بن محمود حسینی آملی

## شعر و ادب

میرداماد مانند بسیاری از حکما و عرفا، که ذوق شعر و شاعری داشته‌اند، به سرودن شعر عربی و فارسی می‌پرداخته و به «اشراق» تخلص می‌نموده‌است. مجموعه اشعار او بعدها به نام «دیوان میرداماد» گردآوری شده‌است.

میرداماد در قصیده ای مقام علمی خود را برتر از افلاطون و ارسطو دانسته و می‌گوید:  
زشفای من ارسطو شده بهره مند دانش – ز رُموز من فلاطون زده گام در معانی

## گرایش‌های عرفانی

میرداماد افزون بر تکیه کردن به برهان و استدلال، گرایش‌های عرفانی نیز داشت؛ به طوری که روح اشراق بر افکارش غلبه داشته و سیر روحی‌اش در راه عرفان بود.

## درگذشت

میرداماد در سال ۱۰۴۰ در بین راه مسیر کربلا و نجف درگذشت و در حرم علی بن ابیطالب دفن شد.

## نادر انقطاع



در دسامبر ۲۰۱۰

زاده ۱۶ مهر ۱۳۳۴ تهران، ایران

محل زندگی ایالات متحده آمریکا

محل تحصیل دانشگاه تهران، مؤسسه فناوری کالیفرنیا

شناخته‌شده برای تحقیقاتش در زمینه الکترومغناطیس، فراماده و نانو فناوری

## خویشاوندان ناصر انقطاع برادر

**نادر انقطاع** (زاده ۱۶ مهر ۱۳۳۴ در تهران) دانشمند ایرانی-آمریکایی است. او استاد ندویل رمسی در دانشگاه پنسیلوانیا است و با دانشکده های مهندسی برق و سامانه ها، مهندسی پزشکی، فیزیک و ستاره شناسی همکاری دارد.

نادر انقطاع از پیشتازان نانوفناوری در جهان به شمار می آید. پژوهش های او در زمینه فراماده و نقش نور در نانوفناوری، بر رشته های بسیاری از ستاره شناسی و علوم رایانه گرفته تا پزشکی و فنون ارتباطات تأثیر گذاشته است. او در زمینه های متامواد، اپتیک تبدیل، اپتیک پلازما، نانو فوتونیک، فوتونیک گرافین، نانومواد، اپتیک نانو سکیل، نانو آنتن ها، و آنتن های مینیاتوری پژوهش هایی انجام داده است.

## تحصیلات

نادر انقطاع کارشناسی خود را از دانشگاه تهران، ایران و کارشناسی ارشد و دکترای خود را از مؤسسه فناوری کالیفرنیا دریافت کرد. او از ۱۹۷۸ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد.

## افتخارات

نادر انقطاع استاد دانشگاه پنسیلوانیا در زمینه الکترومغناطیس، موفق به دریافت مدال طلای جامعه بین المللی حرفه ای در اپتیک و فوتونیک کاربردی (اسپای) در سال ۲۰۱۵ شد. این مدال که در گذشته توسط چارلز هارد تاونز (پدر لیزر) در سال ۱۹۶۴ و چارلز کائو («پدر خوانده پهنای باند» «پدر فیبر نوری» یا «پدر ارتباطات با فیبر نوری») در سال ۲۰۰۹ کسب شده است بالاترین نشان اهدایی اسپای است.

## جوایز

- جایزه پژوهشگر جوان بنیاد علوم ملی ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۹)
- فلوئ مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک، (۱۹۹۶)
- جایزه جرج هیلیمیر برای پژوهش برتر (۲۰۰۸)
- جایزه الکترومغناطیس مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک، (۲۰۱۲)
- مدال طلای بالتازار ون در پل اتحادیه جهانی علوم رادیویی، (۲۰۱۴)
- مدال طلای انجمن بین المللی اپتیک و فوتونیک (۲۰۱۵)
- مدال مؤسسه فیزیک اسحاق نیوتن به علت پژوهش در زمینه الکترومغناطیس، فراماده و نانوفناوری (۲۰۲۰)

## نریمان بهروش



زاده

Iran 1948

محل زندگی

لکسینگتن، ماساچوست

محل تحصیل

مؤسسه فناوری ماساچوست لیسانس

پیشه

دانشگاه پنسیلوانیا پی ایچ دی  
نویسنده، مشاور و اقتصاددان ارشد

کارفرما

IHS Inc.

**نریمان بهروش** اقتصاددان ارشد شرکت مشاور IHS است. او مسئول تحلیل ریسک آمریکا، اروپا، ژاپن و چین و دیگر بازارهاست. بهروش از جمله سخنرانان ممتاز مجمع جهانی اقتصاد در داووس است.

بهروش در ایران از مادری انگلیسی و پدری ایرانی زاده شد و در خاور میانه و اروپا بزرگ شد. او به ایتالیایی، فرانسوی، فارسی و ترکی مسلط است. او و همسرش ان سه فرزند دارند. بهروش پی‌اچ‌دی خود در علم اقتصاد را در دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد و به همراه پیشگام اقتصادسنجی و برنده جایزه نوبل لارنس کلاین تحصیل کرد.

یحیی رحمت-سمیعی



زاده

۲۰ اوت ۱۹۴۸

محل تحصیل

دانشگاه ایلینوی در اربانا-شمین

جایزه ها

عضو آکادمی ملی مهندسی آمریکا  
(۲۰۰۸)

پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت مهندسی برق

محل کار

دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس

**یحیی رحمت-سمیعی** (انگلیسی: Yahya Rahmat-Samii؛ زاده ۲۰ اوت ۱۹۴۸، تهران) استاد و دارنده کرسی نورتروپ گرومن در دانشکده مهندسی برق دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس است. او در زمینه آنتن‌های مخابرات ماهواره‌ای، آنتن‌های شخصی، آنتن‌های نصب شده و پوشیدنی و آنتن‌های سنجش از راه دور و کاربردهای ستاره‌شناسی رادیویی به تدریس و تحقیق می‌پردازد. او مدیر آزمایشگاه پژوهش، تحلیل و اندازه‌گیری آنتن یو سی ال ای است. او لیسانس خود را از دانشگاه تهران در سال ۱۹۷۰ و فوق لیسانس و دکترای خود را در ۱۹۷۲ و ۱۹۷۵ از دانشگاه ایلینوی در اربانا-شمین در مهندسی برق دریافت کرد. پیش از پیوستن به یو سی ال ای دانشمند ارشد پژوهشی در آزمایشگاه پیش‌رانه جت ناسا بود. او در سال ۲۰۰۸ به عضویت در آکادمی ملی مهندسی آمریکا برگزیده شد.

